ترجمه قرآن کریم

(برگرفته ازترجمه های مرحوم الهی قمشه ای و آقای فولادوند)

فاتحه (گشاینده)

۱-بنام خداوند بخشنده مهربان

۲- سپاس وستایش از آن خداست ،پروردگار جهانها
۳-رحمن و رحیم
۴- خداوند روز جزاست،
۵- (بارالها) تنها تورا می پرستیم وتنها ازتو یاری می جوییم،
۶- ما را به راه راست هدایت فرما
۷- راه کسانی که نعمتشان دادی ،نه راه کسانی که برآنان خشمگین هستی ونه گمراهان.

بقره (گاو)

۱- بنام خداوند بخشنده مهربان
الم -- الف ،لام ،میم
۲- این کتاب بدون هیچ تردید راهنمای پرهیزکاران است
۳- آن کسانی که به جهان غیب ایمان آورند ونمازبپا دارند وازهرچه روزیشان کردیم به فقیران انفاق کنند
۴- وآنان که ایمان آورندبه آنچه خداوندبه تو وبرپیامبران پیش ازتو فرستادوآنهاخودبه عالم آخرت یقین کامل

دارند

۵- آنان ازلطف پروردگارخویش بر راه راست هستند وآنها
به حقیقت رستگاران عالمند

۶- ای رسول ما برای کافران یکسانست چه بترسانیشان
یا نترسانی،ایمان نخواهندآورد

۷- قهرخدا مُهربر دلها وپرده برگوشها وچشمهای ایشان
نهاد که فهم حقایق ومعارف الهی را نمیکنندوایشان
رادرقیامت عذابی سخت خواهد بود

۸- وگروهی ازمردم منافق گویندکه مابه خداوروز قیامت
ایمان آورده ایم وحال آنکه ایمان نیاورده اند

۹- قصد دارند خداوند واهل ایمان را فریب دهندوحال
آنکه جزخودرا فریب نمیدهند واین را به دلیل
سفاهتشان نمی دانند

۱۰- دلهای آنان بیماراست پس خداوند بربیماری جهل و
عنادشان بیفزاید وآنها راست عذاب دردناک بدین
سبب که دروغ میگویندوبا اهل ایمان دو رنگی وریا
ونفاق میکنند

۱۱- و وقتی که مومنان آنان راگویندکه درزمین فساد
نکنید پاسخ دهند که مافقط کار صالح کنیم

۱۲- آگاه باشید که ایشان سخت فاسدند ومخرب اما
خود نمیدانند

۱۳- وچون به آنها گویند ایمان آورید چنانکه دیگران
ایمان آوردند پاسخ دهند که چگونه ما مانند بی
عقلها ایمان ایمان آوریم،آگاه باشید که ایشان خود به سختی بی عقل و بی
خردند ولی نمیدانند

۱۴- چون به اهل ایمان برخورند گویند ما ایمان آورده ایم وچون با شیطانهای خود خلوت کنند گویندما باطنا باشماییم اما مومنان را مسخره میکنیم
۱۵- خدا ایشان رامسخره میکند وآنان را درگمراهی رها میکند که دربیابان جهل وگمراهی حیران وسرگردان باشند
۱۶- ایشانندکه گمراهی را به راه راست خریدندپس تجارت آنها سودنکرد وراه هدایت نیافتند
۱۷- ایشان مثل کسی هستندکه آتش بیفروزد ،پس تااطراف خودرا روشن کند ،خدا آن روشنایی را ببرد وایشان را درتاریکی رهاکندکه راه حق وطریق سعادت را هیچ نبینند
۱۸- انها کر وگنگ وکورند وازضلالت خودبرنمی گردند
۱۹- یا مثل ایشان درگمراهی مثل کسانی است که دربیابان بارانی تند برآنهاببارددودرتاریکی ورعدوبرق آنان سرانگشت خودرا ازترس مرگ درگوش نهند مبادا ازشدت صدای صاعقه بمیرندولی عذاب خدا کافران را فراگیرد هیچ راه نجاتی نیابند
۲۰- نزدیک باشدکه برق روشنی چشمانشان رابربرد،هرگاه روشنی ببینندردرآن قدم بردارندوچون تاریک شودحیرت زده بایستند واگرخدا میخواست گوش آنهارا به بانگ رعد کر وچشم آنان را به تابش برق کورمیساخت ،که خداوتد برهمه چیزقادراست
۲۱- آن خدایی را بپرستید که آفریننده شما وپیشینیان شماست باشدکه بطاعت ومعرفت اوپارسا ومنزه شوید
۲۲- آن خدایی که برای شما زمین را گسترده وآسمان را برافراشت وازآسمان آبی فروبارید که به سبب آن میوه
های گوناگون برای روزی شما بیرون آورد،پس کسی را مثل ومانند اوقرار ندهیددرصورتی که میدانیدخداوند ذات بی مثل ومانند است

۲۳- واگرشما را شکی است درقرآنی که مابرمحمدص بنده خودفرستادیم پس
یک سوره مانندآن بیاوریدوشاهدان خودرا بخوانیدازبزرگان وفصحاهرکه را
خواهیدکمک طلبید به جزخدا ،اگر راست میگوییدکه این کلام مخلوق است
نه وحی خدا
۲۴- واگراین کار را نکردید که هرگز نتوانیدکرد،پس طعن به قرآن
نزنیدوبپرهیزید ازآتشی که هیزمش مردم بدکاراست وسنگهای خارا که
قهرالهی برای کافران مهیا کرده است
۲۵- وبشارت ده ای پیامبرکسانی راکه ایمان آوردند ونیکوکاری پیشه کردند
که جایگاه آنهاباغهایی است که نهرهادرآن جاری است وچون ازمیوه های
گوناگون آن بهره مندشوندگویند این مانند همان میوه هاییست که پیش ازاین
دردنیا ما را نصیب شده بود،وازنعمتهایی مانندیکدیگر متلذّد
شوندوآنهارادرآن جایگاه خوش جفتهای پاک وپاکیزه است ودرآن بهشت
جاویدخواهندزیست
۲۶- وخدا را باک وملاحظه ازآن نیست که به پشه کوچک وچیزی
بزرگترازآن مثال زند،پس هرمثل که آورد آنهایی که به خدا ایمان آورده
اندمیدانند که آن مثل ازجانب پروردگارآنهاست اما کسانی که کافرشدند
میگویند خدارا ازاین مثل مقصودچیست؟ گمراه میکند بدان مثل بسیاری را
وهدایت میکند بسیاری را وگمراه نمیکندمگر فاسقان را
۲۷- کسانی که عهدخدا پس ازمحگم بستن میشکنندو
رشته ای که آنان را امربه پیوند آن کرده میگسلندودر
زمین ومیان اهل آن فسادمیکنندبه حقیقیت آنهازیانکاران
عالم هستند
۲۸- مردم چگونه کافرمیشوند به خدا وحال آنکه شما مرده بودید وخدا شمارا
زنده کرد ودیگربار بمیراندوباز
زنده کندوعاقبت بسوی اوبازخواهیدگشت

۲۹- اوخدائیست که همه موجودات زمین رابرای شما خلق کردپس ازآن به
خلقت آسمان نظرگماشت وهفت آسمان رابرفرازیکدیگربرافراشت واوبه همه
چیزوهمه نظام آفرینش داناست
۳۰- بیادآورآنگاه که پروردگارفرشتگان رافرمودمن درزمین جانشینی
ازبشرخواهم گماشت گفتندپروردگارا آیاکسانی خواهی گماشت که درزمین
فسادکنندوخونهاریزندوحال آنکه ماخودتورا تسبیح وتقدیس میکنیم
خداوندفرمودمن
چیزی ازاسرارخلقت بشرمیدانم که شما نمیدانید
۳۱- وخدای عالم همه اسماء را به آدم تعلیم داد آنگاه
حقایق آن اسماء رادرنظرفرشتگان پدیدآوردوفرموداگرشمادر دعوی خود
صادقید اسماء اینان را بیان کنید
۳۲- فرشتگان عرضه داشتندای خدای پاک ومنزه ،ما جزآنچه توخودبه ما
تعلیم فرمودی نمیدانیم،توئی دانای حکیم
۳۳- خداوند فرمودای آدم ملائکه را به حقایق این اسماء
آگاه سازچون آنان را آگاه ساخت فرمودای فرشتگان اکنون دانستیدکه من
برغیب آسمانها وزمین دانا وبرآنچه
آشکاروپنهان داریدآگاهم؟
۳۴- وچون فرشتگان رافرمان دادیم که برآدم سجده کنند
همه سجده کردند مگرشیطان که ابا کردوتکبرورزیدواز
فرقه کافران گردید
۳۵- وگفتیم ای آدم توباجفت خود دربهشت جای گزین و
درآنجا ازهرنعمت که بخواهیدبی هیچ زحمت برخوردار
شویدولی به این درخت نزدیک نشویدکه ازستمکاران
خواهیدبود
۳۶- پس شیطان آدم وحوا را به لغزش افکندتا ازآن درخت خوردندوبدین

عصیان آنان را ازآن مقام بیرون آوردپس گفتیم که از بهشت فرود آئیدکه
برخی ازشما
برخی را دشمنیدوشمارا درزمین تاروزمرگ قراروآرامگاه خواهدبود
۳۷- پس آدم ازسوی پروردگارش به کلماتی تلقین گردید،پس اوتوبه اش را
قبول فرمود،بدون تردید او توبه پذیر وبسیار مهربان است
۳۸- گفتیم همه ازبهشت فرودآئید تاآنگاه که ازجانب من راهنمائی برای شما
آیدپس هرکس پیروی اوکندهرگزدر
دنیاوآخرت بیمناک واندوهگین نخواهدگشت
۳۹- وآنان که کافرشدندوتکذیب آیات مانمودندالبته آنهااهل دوزخندودرآتش
آن همیشه معذب خواهندبود
۴۰- ای بنی اسرائیل بیاد آریدنعمتهائی که بشما عطا نمودم وبه عهدمن
وفاکنیدتا به عهدشما وفاکنم وازشکستن پیمان وعهدمن برحذرباشید
۴۱- وبه قرآنی که فرستادم ایمان آوریدکه تورات شمارا تصدیق میکندواوّل
کافر بدان نباشیدوآیات مرا به بهای اندک مفروشیدوازقهرمن بپرهیزید
۴۲- حق را با باطل مپوشانیدتاحقیقت راپنهان کرده باشیدوحال انکه به
حقانیت آن واقفید
۴۳- ونمازبپاداریدوزکات بدهیدوباخداپرستان حق را
پرستش کنید
۴۴- چگونه شما که مردم رابه نیکوکاری دستورمیدهید
خودرافراموش میکنیدوحال آنکه کتاب خدارامیخوانید،چرادرآن اندیشه وتعقل
نمیکنیدتاگفتارنیک خودرا به کردار
آورید
۴۵- وازخدابه صبروتحمل ونمازیاری جوئیدکه نماز باحضورقلب امری
بسیار بزرگ ودشواراست مگربر خداپرستانی که مشتاق نمازند،(خوشا آنان
که دائم درنمازند)

۴۶- آنان که میدانند که درپیشگاه خداحاضرخواهندشد
وبازگشتشان بسوی اوخواهدبود
۴۷- ای بنی اسرائیل یادکنیدازنعمتهائی که به شما عطاکردم وشمارا
برعالمیان برتری دادم
۴۸- وحذرکنیدازروزی که درآن روزگسی به جای دیگری مجازات
نبیندوهیچ شفاعت ازکسی پذیرفته نشودوفدیه وعوض قبول نگردد
۴۹- وبیادآوریدهنگامی که شمارا ازستم فرعونیان نجات دادیم که از
آنهاسخت درشکنجه بودیدتا به حدی که پسران شما راکشته وزنانتان رابرای
کنیزی نگاه میداشتند
واین بلاء وامتحانی بزرگ بودکه خداشمارا بدان امتحان
مینمود
۵۰- ویادآریدموقعی که برای نزول تورات باموسی چهل شب وعده نهادیم
پس،شما درغیبت اوگوساله پرستی اختیارکرده ستمکار وبیدادگرشدید

۵۱- آنگاه شمارابخشیدیم وپس ازچنین کارزشت،ازگناه شما درگذشتیم
شایدمتنبه وسپاسگزارشوید
۵۲- بیادآوریدوقتی که برای راهنمائی به موسی کتاب وفرقان عطاکردیم
باشدکه براه حق هدایت یابید
۵۳- ویادکنیدموقعی راکه موسی به قوم خودگفت ای قوم شما ازجهالت
گوساله پرست شدید وبه نفس خودستم کردید،اکنون بسوی خدابازگردیدوبه
کیفرجهالت خودبه کشتن یکدیگرتیغ برکشید،این درپیشگاه خدابهترین کفاره
عمل شماست،آنگاه ازشمادرگذشت وتوبه شما را پذیرفت، که خداوند بسیار
توبه پذیرومهربانست
۵۴- بیادآریدوقتی که گفتیدای موسی مابتو ایمان نمی آوریم مگرآنکه خدارا
آشکاربببینیم ،پس صاعقه سوزان برشما فرودآمدوآن رابه چشم خودمشاهده

کردید
۵۵- سپس شمارا پس ازمرگ برانگیختیم ،باشدکه بعد نعمت ورحمت خدارا شکرگزارید
۵۶- وابررا سایبان شما ساختیم ومنّ وسلوی- مرغ بریان وترانگبین- راغذای شمامقرّرداشتیم وگفتیم ازاین روزیهای پاک وپاکیزه تناول کنید،شکراین نعمت رابجا نیاوردند،نه به ما بلکه به خودستم کردند
۵۷- وبیادآریدوقتی که گفتیم وارداین قریه- بیت المقدس- شویدواز نعمتهای آن تناول کنیدوازآن دروازه سجده کنان داخل گردیدوبگوئید خدایا ازگناه ما درگذرتا ازخطای شمادرگذریم وبرثواب نیکوکاران شما بیفزائیم
۵۸- پس ازآن ،ستمکاران حکم خدارا تبدیل به غیرآن نمودند ما نیزبه کیفربدکاری ونافرمانی برایشان عذابی سخت ازآسمان نازل کردیم
۵۹- وبیادآر وقتی که موسی برای قوم خودطلب آب نمودوما به اودستوردادیم که عصای خودرابرسنگ بزن،پس دوازده چشمه آب ازآن سنگ بیرون آمدوهرقبیله ای راآبشخوری معلوم گردیدوگفتیم ازآنچه خداروزی شما ساخته بخوریدوبیاشامید ودرزمین به فسادوفتنه گری نپردازید
۶۰- وای بنی اسرائیل بیادآریدوقتی راکه به موسی اعتراض کردید که ما به یک نوع طعام اکتفا نخواهیم کرد،ازخدای خودبخواه تابرای ما اززمین نباتاتی مانندخیاروسیروعدس وپیاز برویاند، موسی گفت آیا میخواهیدغذای بهتری که دارید به پست ترآن تبدیل کنید؟ حال که تقاضای شما این است به شهر مصردرآیید
که درآنجاآنچه خواستید مهیاست، بازنافرمانی وخودسری کردندوبرآنها ذلت وخواری لازم ومقدّرگردید وچون دست ازعصیان وستمکاری برنداشته به آیات خدا کافرگشتند وانبیاء را به ناحق کشتند ،دیگرباربه خشم وقهرخدا گرفتارشدند
۶۱- هرمسلمان ویهودی ونصارا وستاره پرست که ازروی حقیقت به خدا

وروز قیامت ایمان آوردونیکوکاری پیشه کندالبته ازخداپاداش نیک یابدوهیچگاه دردنیا وآخرت بیمناک واندوهگین نخواهدبود (یعنی حقیقت دین،ایمان به خدا وروزقیامت وعمل شایسته است،نه اسم مومن وغیره)

۶۲- وای بنی اسرائیل یادآریدوقتی که ازشماپیمان گرفتیم وکوه طوررا بر بالای سرشما فرا داشتیم،سخت ترسیدید ودستوردادیم که احکام تورات راباعقیده محکم پیروی کنیدوپیوسته آن را درنظربگیرید،باشد که پارسا وپرهیزکارشوید

۶۳- بعد از آن همه عهدوپیمان ازحق روی گردانیدیدو
اگرفضل ورحمت خدا شامل حال شما نمیشدالبته درشمار
زیانکاران عالم بودید

۶۴- یقیناً دانسته ایدجماعتی ازشماراکه حرمت شنبه رانگاه نداشتند،مسخ کردیم وکفتیم بوزینه شوید،به دوراز درگاه قرب حق ومقام انسانیت

۶۵- واین عقوبت مسخ شدن راکیفرآنان وعبرت اخلاف آنهاوپندبرای پرهیزکاران گردانیدیم

۶۶- وبیادآوریدوقتی راکه موسی بقوم خودفرمودکه به امرخداگاوی راذبح کنید،قوم گفتندتومارا به تمسخر گرفته ای،کشتن گاوبا یافتن قاتل چه تناسبی دارد،موسی گفت پناه میبرم به خدا ازآنکه سخن به تمسخرگویم که این کارمردم نادان است

۶۷- قوم موسی گفتند ازخدابخواه که خصوصیت وچگونگی گاورا معین کند،موسی گفت خداوندمیفرمایدگاوی باشدنه پیر ازکارافتاده ونه جوان کارنکرده بلکه میانه این دو حال باشد،
حال که معین شد پس آنچه ماموریدراانجام دهید

۶۸- بازقوم موسی گفتند ازخدابپرس که رنگ آن گاورا هم معین کند،موسی پاسخ داد خداوندمیفرمایدگاو زرد زرّینی باشدکه رنگ آن بینندگان را شادسازد

۶۹- بازگفتندازخدا بپرس چگونگی آن گاورا کاملا برای ما روشن گرداند چون هنوزبرما مشتبه است ،که رفع اشتباه شود ،البته اطاعت کرده وبخواست خداراه هدایت درپیش،گیریم

۷۰- موسی گفت خداوندمیفرمایدآن گاو هم آنقدربه کار رام نباشد که زمین را شیارکندوآب به کشتزاردهدوهم بی عیب ویکرنگ باشد،قوم گفتند اکنون حقیقت را روشن ساختی وگاوی بدان اوصاف کشتند،اما نزدیک بوددراین امر بازهم نافرمانی کنند

۷۱- بیادآریدوقتی که شخصی راکشتیدویکدیگررا درآن موضوع متهم کرده ونزاع راه انداختید وخداوند رازی که پنهان میداشتید را آشکارفرمود

۷۲- پس،دستوردادیم که پاره ای از اعضای آن گاورا بربدن شخص کشته شده بزنیدتا ببینید که خداوند مردگان رازنده خواهدفرمودوقدرت کامله خویش رابه شما آشکارخواهدساخت که قدرت خدابه اسباب عادی احتیاج ندارد

۷۳- پس با این معجزه بزرگ باز چنان سخت دل شدید که دلهایتان مانند سنگ یا سخت تر از آن شد،درحالی که ازپاره ای از سنگها نهرها بجوشدوبرخی دیگرازسنگها شکافته شود وازآن چشمه ای بیرون آید وپاره ای دیگر ازسنگها ازترس خداوند ازکوهها فروغلطند، و(ای سنگدلان لجوج بترسیدکه) خداوند ازکردارشما غافل نیست

۷۴- آیا طمع دارید که یهودیان به دین شما گروند درصورتی که گروهی ازآنان کلام خدا راشنیده وبه دلخواه خود تحریف میکننددبا آنکه درکلام خدا تعقل کرده ومعنی آن را دریافته اند

۷۵- هرگاه بامومنان روبروشوندگویندمانیزمانندشما ایمان آورده ایم وچون بایکدیگرخلوت کنند میگویند چرا ازآنچه خدابرشما آشکارنموده است برای آنان حکایت میکنید تاآنان با آن درنزد پروردگارتان برعلیه شما استدلال کنند ؟ آیا هیچ فکرنمیکنید؟

۷۶- آیا نمیدانند که خداوندآنچه را که پنهان میدارند وآنچه راکه آشکارمیکنند

را میداند؟
۷۷- وبرخی ازآنان بیسوادانی هستند که کتاب خدارا جزخیالات خامی نمی دانند و فقط حدس میزنند،
۷۸- پس وای برکسانی که کتاب- تحریف شده ای- بادستهای خودمینویسند،سپس میگویند این ازجانب خداست،تا بوسیله آن بهای ناچیزی بدست آرند،
پس وای برایشان ازآنچه دستهایشان نوشته و وای بر
ایشان ازآنچه بدست می آورند
۷۹- وگفتند بجز روزهای کمی هرگزآتش به ما نخواهد رسید،بگو مگرعهدی ازخدا گرفته اید؟- که خدا عهدخودرا هرگز نخواهدشکست- یا آنچه را که نمیدانید به دروغ به خدا نسبت میدهید؟
۸۰- آری کسی که بدی بدست آوردوگناهش اورا درمیان گیرد،پس چنین کسانی اهل آتشندودرآن ماندگار خواهندبود
۸۱- وکسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند آنان اهل بهشتند ودرآن جاودان خواهندماند
۸۲- وچون ازفرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که : جزخدا را نپرستیدوبه پدرومادروخویشان ویتیمان ومستمندان احسان کنید ودرمورد مردم سخن خوب بگویید ونماز را بپا داریدوزکات را بدهید ،آنگاه جزاندکی ازشما - همگی- به حالت اعتراض روی برتافتید
۸۳- وچون ازشما پیمان محکم گرفتیم که خون همدیگر را نریزید ویکدیگررا ازسرزمین خودبیرون نکنید ،سپس به این پیمان اقرارکردیدوخود گواهید
۸۴- بازهمین شما هستیدکه یکدیگررا می کشید وگروهی ازخودتان را ازدیارشان بیرون میرانیدوبه گناه وتجاوزبرضدآنان به یکدیگریاری می کنید ،واگربه اسارت پیش شما آیند،به -دادن- فدیه آنان را آزادمیکنید با آنکه -نه

تنها کشتن بلکه- بیرون کردن آنان برشما حرام شده است،آیاشمابه پاره ای
ازکتاب ایمان می آوریدوبه پاره ای کفرمی ورزید؟پس جزای هرکس ازشما
که چنین کندجزخواری درزندگی دنیا چیزی نخواهدبودوروز رستاخیزایشان
را به سخت ترین عذابها عذاب کنند وخداوند ازآنچه میکنید غافل نیست
۸۵- اینان همان کسانندکه زندگی دنیارابه جهان دیگر ترجیح دادند،پس نه
عذاب آنان سبک گرددو نه ایشان یاری شوند
۸۶- و به موسی کتاب تورات را دادیم وپس ازاوپیامبرانی راپشت سرهم
فرستادیم وعیسی پسرمریم را معجزه های آشکاربخشیدیم واورا با روح
القدس تایید کردیم پس چرا هرگاه پیامبری چیزی را که خوشایندشما
نبودبرایتان آورد تکبرورزیدید؟گروهی ازآنها را دروغگوخواندیدوگروهی
راکشتید
۸۷- با پیغمیران گفتند : دلهای ماپوشانده شده، - نه چنین نیست- بلکه خداوند
به سزای کفرشان لعنتشان کرده ،پس آنان که ایمان می آورندچه اندک
شمارند.
۸۸- وهنگامی که ازجانب خداوندکتابی که تاییدکننده آنچه نزدآنان است
برایشان آمدوازدیرباز-درانتظارش- برکسانی که کافرشده بودند پیروزی
میجستندولی همین که آنچه - که اوصافش- را می شناختندبرایشان آمد
انکارش کردند ،پس لعنت خداوند برکافران باد.
۸۹- وه که به چه بد بهائی خودرا فروختند که به آنچه خداوند نازل کرده بود
از سرحسد انکارآوردند،که چرا خداوندازفضل خویش برهرکس ازبندگانش
که بخواهد-آیاتی- فرومی فرستد.پس به خشمی برخشم
دیگرگرفتارآمدندوبرای کافران عذابی خفّت آورهست.
۹۰- وچون به طائفه یهود گفته شد:به آنچه خداوند نازل فرموده ایمان
بیاورید،می گویند: مابه آنچه بر-پیامبرقوم خودمان- نازل شده ایمان می
آوریم، وغیرآن را - باآنکه

حق و مویّد همان چیزی است که با آنان است ـ انکارمیکنند ،بگو : اگر مومن بودید پس چرا پیش ازاین پیامبران خدا را می کشتید؟
۹۱ـ وقطعاً موسی برای شما معجزات آشکاری آوردسپس آن گوساله رادرغیاب وی- به خدایی- گرفتیدو ستمکارشدید.
۹۲ـ وآنگاه که ازشما پیمان محکم گرفتیم و- کوه-طور را بر بالای سرشما برافراشتیم و- گفتیم- آنچه رابه شما داده ایم به جدّ وجهدبگیرید و- به دستورهای آن- گوش فرادهید، گفتند: شنیدیم و نافرمانی کردیم، وبر اثرکفرشان ـ محبت ـ گوساله در دلشان سرشته شد ،بگو:
اگرمومنید ـ بدانیدکه- ایمانتان شما را به چیزبدی وامی دارد
۹۳ـ بگو: اگردرنزدخداوند سرای آخرت یکسر به شما اختصاص دارد ونه دیگر انسانها،پس اگر راست می گوئید آرزوی مرگ کنید.
۹۴ـ ولی به سبب کارهائی که از پیش انجام داده اند هرگز آن را آرزو نخواهندکرد وخداوند به ـ حال- ستمگران داناست
۹۵ـ وآنان را مسلّما حریص ترین مردم به زندگی و ـ حتی حریص تر ـ ازکسانی که شرک می ورزند خواهی یافت .هریک ازایشان آرزو دارد که کاش هزارسال عمرکند باآنکه اگرچنین عمری هم به اوداده شود ،وی را ازعذاب دور نتوانندداشت، وخداوند برآنچه میکنند بیناست.
۹۶ـ بگو: کسی که دشمن جبرئیل است ـ درواقع دشمن خداست- چراکه او به فرمان خدا ،قرآن رابرقلبت نازل کرده است درحالی که تاییدکننده ـ کتابهای آسمانی- پیش از آن وهدایت وبشارتی برای مومنان است.
۹۷ـ هرکه دشمن خدا وفرشتگان وفرستادگان وجبرئیل ومیکائیل است ـ بداندکه- خداوند یقیناً دشمن کافران است.
۹۸ـ وهمانا برتو آیاتی روشن فروفرستادیم ،وجز فاسقان ـکسی- آنهارا انکارنمیکند.
۹۹ـ ومگرنه این بود که ـ یهود- هرگاه پیمانی بستند،گروهی ازایشان آن را

دورافکندند؟ بلکه- حقیقت این است که- بیشترشان ایمان نمی آورند.
۱۰۰- وآنگاه که فرستاده ای ازجانب خداوند برایشان آمد- که آنچه راباآنان بودتصدیق مینمود- گروهی ازاهل کتاب ،کتاب خدا راپشت سرافکندند،چنانکه گوئی - ازآن هیچ - نمی دانند.
۱۰۱- وآنچه راکه شیطان ها درسلطنت سلیمان خوانده بودند پیروی کردند،وسلیمان کفرنورزید لیکن آن شیاطین به کفرگرائیدند که به مردم سحر می آموختند و- نیزاز- آنچه بران دوفرشته ،هاروت وماروت ،دربابل فروفرستاده شده بود- پیروی کردند- با اینکه آن دو-فرشته- هیچ کس را تعلیم- سحر- نمی کردند مگرآنکه - قبلا به او- می گفتند: ما وسیله امتحان -برای شما- هستیم، پس زنهار کافرنشوی،وآنها ازآن دو- فرشته - چیزهائی می آموختند که به وسیله آن میان مردوهمسرش جدائی بیفکنند ،هرچند بدون فرمان خدا نمی توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند،وچیزی می آموختند که برایشان زیان داشت،وسودی بدیشان نمیرسانید.وقطعاً - یهودیان- دریافته بودندکه هرکس خریداراین - متاع- باشد،درآخرت بهره ای ندارد،وه که چه بدبود آنچه به جان خریدند،اگر می دانستند.
۱۰۲- اگرآنهاگرویده وپرهیزکاری کرده بودندقطعاً پاداشی - که - ازجانب خداوند - می یافتند- بهتربود- اگر می دانستند.
۱۰۳- ای کسانی که ایمان آورده اید نگوئید: راعنا، بلکه بگویید ،اُنظُرنا، و- این توصیه را بشنوید،- وگرنه - کافران را عذابی دردناک است.
۱۰۴- نه کسانی که ازاهل کتاب کافرشده اند ونه مشرکان دوست نمیدارند خیری ازجانب پروردگارتان برشما فرودآید ،با آنکه خداوند هرکه رابخواهد به رحمت خود اختصاص دهد وخدا دارای فضل عظیم است
۱۰۵- هرحکمی رانسخ کنیم یاآن را به - دست- فراموشی بسپاریم ،بهترازان یا مانندش را می آوریم ،مگرندانستی که خداوند برهرکاری تواناست؟
۱۰۶- مگر ندانستی که فرمانروائی آسمانها وزمین ازآن خداست ،وشما

جزخدا سرورو یاوری ندارید؟
۱۰۷- آیامیخواهیدازپیامبرخودهمان را بخواهید که قبلاً ازموسی خواسته شد؟وهرکس کفررا با ایمان عوض کند مسلّما ازراه درست گمراه شده است.
۱۰۸- بسیاری ازاهل کتاب - پس ازاینکه حق برایشان آشکارشد- ازروی حسدی که دروجودشان بود،آرزومی کردند
که شما را، بعد ازایمانتان ،کافرگردانند.پس عفوکنید ودرگذرید،تاخدا فرمان خویش را بیاورد،که خداوند بر هرکاری تواناست.
۱۰۹- ونماز رابپاداریدوزکات را بدهید،وهرگونه نیکی که برای خویش ازپیش فرستید،آن رانزدخدا بازخواهیدیافت
،آری ،خداوند به آنچه میکنید بیناست.
۱۱۰- وگفتند: هرگزکسی به بهشت درنیایدمگرآنکه یهودی یاترساباشد.این آرزوهای -واهی- ایشان است.بگو: اگرراست میگوئید ،دلیل خودرا بیاورید.
۱۱۱- آری ،هرکس که خودرا باتمام وجودبه خداتسلیم کندونیکوکارباشد،پس مزد وی نزدپروردگار اوست،وبیمی برآنان نیست، وغمگین نخواهندشد.
۱۱۲- ویهودیان گفتند: ترسایان برحق نیستند.وترسایان گفتند: یهودیان برحق نیستند.باآنکه آنان کتاب -آسمانی-
رامیخوانند.افرادنادان نیزهمانند گفته ایشان گفتند.پس خداوند روزرستاخیز درآنچه باهم اختلاف میکردند،میان
آنان داوری خواهدکرد.
۱۱۳- وکیست بیدادگرترازآن کس که نگذارد درمساجدخدا نام وی برده شود،ودرویرانی آنهابکوشد؟آنان حق ندارند
جزترسان ولرزان درآن -مسجدها- درآیند،دراین دنیا ایشان راخواری ،ودرآخرت عذابی بزرگ است.
۱۱۴- ومشرق ومغرب ازآن خداست ،پس به هرسوروکنید

آنجا روی -به- خداست،آری خداگشایشگرداناست.
۱۱۵- وگفتند: خداوندفرزندی برای خوداختیارکرده است،اومنزه است.بلکه هرچه درآسمانهاوزمین است،ازآن اوست -و- همه فرمانپذیراویند.
۱۱۶- پدیدآورنده آسمانها وزمین است.وچون به کاری اراده فرماید،فقط میگوید: باش،پس می شود.
۱۱۷- افرادنادان گفتند:چراخداباماسخن نمیگوید؟یابرای ما معجزه ای نمی آید؟کسانی که پیش ازاینان بودند،مثل همین گفته ایشان رامیگفتند.دلهاشان مانند هم است،مانشانه ها رابرای گروهی که یقین دارند ،نیک روشن گردانیده ایم.
۱۱۸- ماتورا به حق فرستادیم تا بشارتگر وبیم دهنده باشی،ودرباره دوزخیان ،ازتوپرسشی نخواهدشد.
۱۱۹- وهرگزیهودیان وترسایان ازتوراضی نمیشوندمگرآنکه ازکیش آنان پیروی کنی، بگو: درحقیقت تنهاهدایت خداوند است که هدایت است.
۱۲۰- کسانی که کتاب- آسمانی- به ایشان داده ایم وآن را چنانکه باید می خوانند،ایشانند که بدان ایمان دارند،وکسانی که بدان کفرورزند ،همانان زیانکارانند.
۱۲۱- ای فرزندان اسرائیل، نعمتم که برشما ارزانی داشتم واینکه شماراابرجهانیان برتری دادم را یادکنید.
۱۲۲- وبترسیدازروزی که هیچ کس چیزی -ازعذاب خدا- راازکسی دفع نمیکند،ونه بدل وبلاگردانی ازوی پذیرفته شود،ونه اورا میانجیگری سودمندافتد ونه یاری شوند.
۱۲۳- وچون ابراهیم راپروردگارش باکلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید،- خدابه او- فرمود: من تورا پیشوای مردم قرار دادم. -ابراهیم- پرسید: از خاندانم - چطور؟-فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی

رسد
۱۲۴- وچون خانه - کعبه-رابرای مردم محل اجتماع وجای امنی
قراردادیم،-وفرمودیم-: درمقام ابراهیم نمازگاهی برای خوداختیارکنید،وبه
ابراهیم واسماعیل فرمان دادیم که: خانه مرابرای طواف کنندگان ومعتکفان
ورکوع وسجده کنندگان پاکیزه کنید.
۱۲۵- وچون ابراهیم گفت: پروردگارا این- سرزمین - راشهری امن گردان
ومردمش را- هرکس ازآنان که به خدا وروز بازپسین ایمان بیاورد-
ازثمرات ،روزی ببخش.
فرمود: وهرکس کفربورزد،اندکی برخوردارش میکنم،سپس اوراباخواری به
سوی عذاب آتش میکشانم ،وچه بدسرانجامی است.
۱۲۶- وهنگامی که ابراهیم واسماعیل پایه های خانه - کعبه- را
بالا میبردند،میگفتند: ای پروردگارما ،ازما بپذیر که درحقیقت توشنوای
دانائی.
۱۲۷- پروردگارا،مارا تسلیم خودقرارده،وازنسل ما امّتی فرمانبردارخود -
پدیدآور-وآداب دینی مارا به ما نشان ده، وبرما ببخشای،که توئی توبه
پذیرمهربان.
۱۲۸- پروردگارا،درمیان آنان فرستاده ای ازخودشان برانگیز،تاآیات تورا
برآنان بخواندوکتاب وحکمت به آنان بیاموزدوپاکیزه شان کند،زیراکه
توخود،شکست ناپذیرحکیمی.
۱۲۹- وچه کسی - جزآنکه به سبک مغزی گراید- ازآئین ابراهیم روی
برمیتابد؟ومااورا دراین دنیا برگزیدیم ،والبته درآخرت - نیز- ازصالحان
خواهدبود.
۱۳۰- هنگامی که پروردگارش به اوفرمود:تسلیم شو.گفت:
به پروردگارجهانیان تسلیم شدم.
۱۳۱- وابراهیم ویعقوب ،پسران خودرابه همان آئین سفارش نمودند-

وهردودروصیتشان چنین گفتند- : ای
پسران من خداوند برای شما این دین رابرگزید پس البته نباید جزمسلمان بمیرید.
۱۳۲- آیا وقتی که یعقوب رامرگ فرارسیدحاضربودید؟هنگامی که به پسران خودگفت: پس ازمن چه را خواهیدپرستید؟گفتند: معبودتو ومعبود پدرانت ،ابراهیم واسماعیل واسحق - معبودیگانه- را می پرستیم، ودربرابر اوتسلیم هستیم.
۱۳۳- آن جماعت را روزگاربه سرآمد،دستاوردآنان برای خودشان ودستاوردشما برای شماست وازآنچه آنان می کرده اند،شما بازخواست نخواهیدشد.
۱۳۴- و-اهل کتاب- گفتند: یهودی باشیدیا مسیحی ،تاهدایت یابید.بگو: نه بلکه - بر- آئین ابراهیم حقگرا واو از مشرکان نبود.
۱۳۵- بگوئید: مابه خدا وبه آنچه برمانازل شده وبه آنچه برابراهیم واسحق ویعقوب واسباط نازل شده وبه آنچه به موسی وعیسی داده شده وبه آنچه به همه پیامبران ازسوی پروردگارشان داده شده ،ایمان آورده ایم ،میان هیچ یک ازایشان فرق نمی گذاریم ودربرابراو تسلیم هستیم.
۱۳۶- پس اگر آنان -هم- به آنچه شمابدان ایمان آورده اید،ایمان آورند،قطعاً هدایت شده اند،ولی اگرروی برتافتند،جزاین نیست که سرستیزدارند،وبه زودی خداوند
- شرّ- آنان را ازتو کفایت خواهدکرد،که اوشنوای داناست.
۱۳۷- رنگ آمیزی خداوند،وکیست که زیباتر از خداوند رنگ آمیزی تواند؟ وما پرستندگان اوئیم
۱۳۸- بگوآیا درباره خداباما بحث وگفتگومیکنید؟باآنکه او پروردگارما وپروردگارشماست وکردارهای ما ازآن ما وکردارهای شما ازآن شماست،وما برای اواخلاص میورزیم

۱۳۹- یا میگوئید: ابراهیم واسماعیل واسحق ویعقوب واسباط- دوازده گانه-
یهودی یا نصرانی بوده اند؟ بگو:
آیا شما بهتر می دانید یا خدا؟وکیست ظالمتر از کسی که شهادتی ازخدا را
درنزدخویش پوشیده دارد؟وخدا ازآنچه میکنید غافل نیست.
۱۴۰- آن جماعت را روزگارسپری شد،برای ایشان است آنچه کسب کرده
اند- اعمالشان- وبرای شماست آنچه که کسب نموده اید،وازآنچه آنان می
کرده اند شمابازخواست نخواهیدشد.
۱۴۱- به زودی مردم کم خرد خواهندگفت : چه چیزآنان رااز قبله ای که
برآن بودند رویگردان نمود؟بگو: مشرق ومغرب ازآن خداست ،هرکه
راخواهد به راه راست هدایت میکند.
۱۴۲- وبدینگونه شمارا امّتی میانه قراردادیم تابرمردم شاهد باشیدوپیامبربر
همه شما شاهدوگواه باشد.وقبله ای
راکه برآن بودی ،مقرّرنکردیم جزبرای آنکه کسی راکه از پیامبرپیروی
میکند ازآن کس که ازعقیده خود برمی گردد بازشناسیم،هرچند-این کار-
جزبرکسانی که خداهدایت
کرده سخت گران بود،وخدا برآن نبودکه ایمان شمارا ضایع
گرداند،زیراخدابه انسانها دلسوزومهربان است.
۱۴۳- ماگردانیدن روی تو به آسمان را نیک میبینیم ،پس تورا به قبله ای که
بدان خشنودشوی برگرداندیم پس روی خودرا به مسجدالحرام
کن،وهرجابودید روی خودرا به سوی آن بگردانید،درحقیقت اهل کتاب نیک
میدانندکه این- تغییرقبله- ازجانب پروردگارشان- بوده- ودرست است
وخداوند ازآنچه میکنندغافل نیست.
۱۴۴- واگرهرگونه معجزه ای برای اهل کتاب بیاوری- بازهم- قبله تورا
پیروی نمیکنند،وتونیزپیرو قبله آنان نیستی وخودآنان پیروقبله
یکدیگرنیستند،وپس ازعلمی که

تورا حاصل شده ،اگرازهوسهای آنان پیروی کنی ،درآن صورت جدّاً
ازستمکاران خواهی بود.
۱۴۵- کسانیکه به ایشان کتاب- آسمانی- داده ایم ،همانگونه که پسران
خودرامیشناسنداو-محمّد- را میشناسند
ومسلّماً گروهی ازایشان حقیقت را پنهان میدارندوخودشان - هم- میدانند.
۱۴۶- حق ازجانب پروردگارتوست،پس مبادا ازتردیدکنندگان
باشی.
۱۴۷- وبرای هرکس قبله ای است که وی روی خودرابه آن می گرداند،پس
درکارهای نیک بریکدیگرپیشی گیرید،هرکجاکه باشید،خداوند همگی شمارا
- به سوی خود- می آورد،درحقیقت خداوند برهمه چیز تواناست.
۱۴۸- وازهرکجابیرون آمدی روی خودرا بسوی مسجدالحرام بگردان والبته
این فرمان حق است وازجانب پروردگارتوست وخداوندازآنچه میکنید غافل
نیست.
۱۴۹- وازهرکجابیرون آمدی روی خودرا به سمت مسجدالحرام بگردان
وهرکجابودید رویهای خودرا بسوی آن بگردانید تابرای مردم
-غیرازستمگران- برشما حجتی نباشد.پس ازآنان نترسیدوازمن بترسیدتا
نعمت خودرا برشما کامل گردانم وباشد که هدایت شوید.
۱۵۰- همان طورکه درمیان شما،فرستاده ای ازخودتان فرستادیم- که- آیات
مارابرشمامیخواند،وشماراپاک میگرداند
وبه شما کتاب وحکمت می آموزد ،وآنچه را نمی دانستیدبه شما یادمیدهد.
۱۵۱- پس مرایادکنید- تا-شمارا یادکنم،ومراسپاسگزاری کنید وبامن ناسپاسی
نکنید.
۱۵۲- ای کسانی که ایمان آورده اید،ازشکیبائی ونماز یاری جوئید،زیراخدابا
شکیبایان است.
۱۵۳- وکسانی راکه درراه خداکشته میشوند مرده نخوانید،بلکه زنده اند ولی

شما نمی دانید.
۱۵۴- وقطعاًشمارابه چیزی- ازقبیل- ترس وگرسنگی ونقص دراموال
وجانها ومحصولات می آزمائیم وصبرکنندگان را بشارت ده.
۱۵۵- کسانی که چون مصیبتی به آنان برسدمیگویند: ماازآن خداهستیم وبه
سوی اوبازمی گردیم.
۱۵۶- درودها ورحمتی از جانب پروردگارشان برایشان باد،
وهمانان هستند هدایت شدگان.
۱۵۷- درحقیقت صفاومروه ازشعائرخداست،پس هرکه خانه خدا راحج کندیا
عمره گزاردبراوگناهی نیست که میان آن دوسعی به جای آورد،وهرکه
افزون برفریضه کارنیکی انجام دهد خداوندحق شناس وداناست.
۱۵۸- کسانی که نشانه های روشن ورهنمودی راکه فروفرستاده ایم
بعدازآنکه آن را برای مردم درکتاب توصیح داده ایم پنهان میدارند،خداآنان
رالعنت کند ولعنت کنندگان هم لعنتشان میکنند.
۱۵۹- مگرکسانی که توبه کردندو-خودرا- اصلاح نمودند
وحقیقت راآشکارنمودند،پس آنان را خواهیم بخشود و
من توبه پذیرمهربانم
۱۶۰- کسانی که کافرشدندودرحال کفرمردند،برآنان است لعنت خداوند
وفرشتگان وتمام مردم.
۱۶۱- درآن- لعنت- جاودانه بمانند،نه عذابشان کاسته گردد
ونه مهلت یابند.
۱۶۲- ومعبودشما،معبود یگانه ای است که جزاو هیچ معبودی نیست که
بسیاربخشنده وبسیارمهربان است.
۱۶۳- براستی که درآفرینش آسمانهاوزمین ودرپی یکدیگرآمدن شب
وروزوکشتی هایی که دردریا روانندبا آنچه به مردم سودمیرساندوهمچنین
آبی که خدا ازآسمان فروفرستاده وباآن زمین را پس ازمردنش زنده گردانیده

ودرآن هرگونه جنبنده ای پراکنده نموده ،گردانیدن بادها،وابری که میان آسمان وزمین آرمیده،برای گروهی که می اندیشند واقعاً نشانه هائی وجود دارد.
۱۶۴- وبرخی ازمردم دربرابرخدا همانندهائی برای او برمیگزینندوآنهارا با محبتی دوست میدارند که گوئی خداهستند،ولی کسانی که ایمان آورده اند،به خدا محبّت بیشتری دارند.کسانی که - بابرگزیدن بتهابه خود- ستم نموده اند،اگرمیدانستندهنگامی که عذاب را مشاهده کنند
تمام نیروها ازآن خداست وخداوندسخت کیفراست.
۱۶۵- آنگاه که پیشوایان ازپیروان بیزاری جویندوعذاب را
مشاهده کنندومیانشان پیوندها بریده گردد
۱۶۶- وپیروان میگویند: کاش برای ما بازگشتی بودتاهمان گونه که -آنان-ازما بیزاری جستند-مانیز- ازآنان بیزاری میجستیم.این گونه خداوند کارهایشان را-که برآنان مایه حسرتهاست- به ایشان می نمایاندوازآتش بیرون آمدنی نیستند.
۱۶۷- ای مردم ازآنچه درزمین است حلال وپاک بخوریدوازگامهای شیطان پیروی نکنیدکه اودشمن آشکارشماست.
۱۶۸- - او- فقط شمارابه بدی وزشتی فرمان میدهدو
- وامیدارد- تابرخداچیزی را که نمیدانید بربندید.
۱۶۹- وچون به آنان گفته شود: ازآنچه خدانازل کرده است پیروی کنید،میگویند:نه بلکه ازچیزی که پدران خودرابرآن یافته ایم پیروی میکنیم،آیا هرچندکه پدرانشان چیزی را درک نمیکرده وبه راه راست نمی رفته اند؟
۱۷۰- ومثل کافران ماننددمثل کسی است که حیوانی راکه جزصداوندائی- مبهم،چیزی- نمی شنود،بانگ میزند،- آری کرهستند ،لال هستند،کورهستند،ودرنمی یابند.

۱۷۱- ای کسانی که ایمان آورده اید،ازنعمتهای پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم بخوریدواگرتنها اورا میپرستیدخدارا شکرکنید
۱۷۲- تنهامرداروخون وگوشت خوک وآنچه راکه -هنگام سربریدن - نام غیرخدابرآن برده شده ،برشما حرام گردانیده است.- ولی- کسی که - برای حفظ جان خودبه خوردن آنها- ناچارشود،درصورتی که ستمگرومتجاوزنباشدبراوگناهی نیست،زیرا خداوندآمرزنده ومهربان است.
۱۷۳- کسانی که آنچه راخداوند ازکتاب نازل نموده را پنهان می کنند وبآن بهای ناچیزی بدست می آورند.آنان جزآتش درشکمهای خویش فرونبرند،وخداروزقیامت باایشان سخن نخواهدگفت وپاکشان نخواهدکردوعذابی دردناک خواهندداشت.
۱۷۴- آنان همان کسانی هستندکه گمراهی رابه - بهای- هدایت وعذاب رابه- ازای- آمرزش خریدند،پس به راستی
چه اندازه باید برآتش شکیبا باشند!
۱۷۵- چراکه خداوندکتاب- تورات- رابه حق نازل نموده است،وکسانی که درباره کتاب- خدا- بایکدیگربه اختلاف
پرداختند،درلجاجتی دور ودرازند.
۱۷۶- نیکوکاری آن نیست که روی خودرا به سوی مشرق ویامغرب بگردانید،بلکه نیکی آن است که کسی به خداوروز بازپسین وفرشتگان وکتاب- آسمانی- وپیامبران ایمان آورد،ومال- خود- راباوجوددوست داشتنش،به خویشاوندان ویتیمان وبینوایان ودر راه ماندگان وگدایان ودر- راه آزادکردن- بندگان بدهد،ونمازرابرپای دارد،وزکات رابدهدوآنان که چون عهدبندند،به عهدخودوفادارانند،ودرسختی وزیان ،وبه هنگام جنگ شکیبایانند،آنانندکسانی که راست گفته اند وآنان همان پرهیزکارانند.
۱۷۷- ای کسانی که ایمان آورده اید،درباره کشتگان ،برشما- حق- قصاص

مقررشده ، شخص آزاد درعوض شخص آزاد وشخص بنده درعوض شخص بنده،وزن درعوض زن ،وهرکس که ازجانب برادر-دینی- اش - یعنی ولی مقتول- چیزی - ازحق قصاص- به اوگذشت شود،- بایدازگذشت ولی مقتول- به طورپسندیده پیروی کند وبا - رعایت- احسان - خونبهارا- به اوبپردازد.این - حکم- تخفیف ورحمتی ازپروردگارشماست،پس هرکس بعدازآن از اندازه درگذرد،وی را عذابی دردناک است.

۱۷۸- و ای خردمندان ، برای شمادرقصاص زندگانی است،باشدکه به تقواگرائید.

۱۷۹- برشما مقررشده است که چون یکی ازشما رامرگ فرارسد،اگرمالی برجای گذارد،برای پدرومادرو خویشاوندان- خود- به طور پسندیده وصیت کند- این کار- حقی است بر پرهیزکاران.

۱۸۰- پس هرکس آن-وصیّت- رابعدازشنیدنش تغییر دهد،گناهش تنها بر- گردن- کسانی است که آن را تغییر می دهند.آری خداشنوای داناست.

۱۸۱- ولی کسی که ازانحراف- وتمایل بیجای- وصیت کننده ای- نسبت به ورثه اش- یا ازگناه او- دروصیت به کارخلاف- بیم داشته باشدومیانشان را سازش دهد،براوگناهی نیست که خداوند آمرزنده مهربان است.

۱۸۲- ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه برشما مقرر
شده است،همانگونه که برکسانی که پیش ازشما - بودند-
مقررشده بود،باشدکه پرهیزکاری کنید.

۱۸۳- - روزه در- روزهای معدودی - برشما مقررشده است-
-ولی- هرکس ازشما بیماریادرسفرباشد،- به همان شماره-
تعدادی ازروزهای دیگر- را روزه بدارد- وبرکسانی که - روزه- طاقت فرساست،کفاره ای است که خوراک دادن به بینوائی است،وهرکس به میل خود،بیشترنیکی کند،پس آن
برای اوبهتراست،واگربدانید،روزه گرفتن برای شما بهتراست.

۱۸۴- ماه رمضان- همان ماه- است که درآن قرآن نازل شده است،- کتابی-
که مردم را راهبرو- متضمّن- دلائل آشکارهدایت،و- میزان- تشخیص حق
ازباطل است،پس هرکس ازشما این ماه رادرک کندبایدآن را روزه بدارد،
وکسی که بیماریادرسفراست- بایدبه شماره آن- تعدادیازروزهای دیگر-
راروزه بدارد- .خدابرای شما آسانی
میخواهدوبرای شما دشواری نمیخواهد،تاشماره - مقرّر- راتکمیل کنیدوخدا
رابه پاس آنکه رهنمونیتان نموده است به بزرگی بستائیدوباشد که
شکرگزاری کنید.
۱۸۵- وهرگاه بندگان من ازتودرباره من بپرسند- بگو- من نزدیکم ودعای
دعاکننده را- به هنگامی که مرابخواند- اجابت میکنم،پس - آنان- بایدفرمان
مراگردن نهندوبه من ایمان آورند،باشدکه راه یابند.
۱۸۶- درشبهای روزه همخوابگی بازنانتان برشماحلال گردیده است.آنان
مانند لباسی برای شما هستندوشما برای آنان ماننداباسی هستید.خدامیدانست
که شماباخودتان ناراستی میکردید،پس توبه شماراپذیرفت وازشمادرگذشت
،پس اکنون - درشبهای ماه رمضان میتوانید- باآنان همخوابگی کنیدوآنچه
راخدابرای شما مقررداشته طلب کنید،وبخوریدوبیاشامیدتارشته
سپیدبامدادازرشته سیاه- شب- برشما نمودارشود،سپس روزه را تا-
فرارسیدن- شب به اتمام رسانیدودرحالی که درمساجدمعتکف هستید- بازنان-
درنیامیزید.این است حدوداحکام الهی پس- زنهاربه قصدگناه- بدان نزدیک
نشوید.این گونه خداوندآیات خودرابرای مردم بیان میکند،باشدکه پروا‌پیشه
کنند.
۱۸۷- واموالتان رامیان خودتان به ناروانخورید،و- به عنوان رشوه قسمتی-
ازآن را به قضات ندهید تابخشی ازاموال مردم را به گناه بخورید،درحالی که
خودتان- هم خوب- میدانید.
۱۸۸- درباره- حکمت- هلال ها- ی ماه- ازتومیپرسند،بگو:

آنهاشاخص گاه شماری برای مردم و- موسم- حج اند.ونیکی آن نیست که
ازپشت خانه ها درآئید،بلکه نیکی در آن است که کسی تقواپیشه کند،وبه خانه
ها ازدر-ورودی- آنهادرآئید،وازخدابترسید،باشدکه رستگارگردید.
۱۸۹- ودر راه خداباکسانی که باشما میجنگند،بجنگید،ولی ازاندازه
درنگذرید،زیراخداوندتجاوزکاران را دوست نمی دارد،
۱۹۰- وهرکجابرایشان دست یافتیدآنان رابکشیدوهمان گونه که شما رابیرون
راندند،آنان را بیرون برانید- چراکه- فتنه
ازقتل بدتراست.- بااین همه- درکنارمسجدالحرام باآنان جنگ مکنید
،مگرآنکه باشما درآنجا به جنگ درآیند،پس اگرباشما جنگیدند،آنان
رابکشیدکه کیفر کافران چنین است.
۱۹۱- واگربازایستادند،البته خداوندآمرزنده مهربان است.
۱۹۲- با آنان بجنگیدتادیگرفتنه ای نباشدودین مخصوص
خداشودپس اگردست برداشتند،تجاوز جزبرستمکاران روانیست.
۱۹۳- این ماه حرام دربرابرآن ماه حرام است،و-هتک- حرمتهاقصاص
دارد.پس هرکس برشما تعدّی کرد همانگونه
که برشما تعدّی کرده،براو تعدّی کنیدواز خدا پروا بدارید وبدانید که خدا با
تقواپیشگان است.
۱۹۴- ودرراه خدا انفاق کنید،وخودرا بادست خودبه هلاکت میفکنید،ونیکی
کنید که خدا نیکوکاران را دوست میدارد.
۱۹۵- وبرای خدا حج وعمره را به پایان رسانید واگر- به دلیل موانعی-
بازداشته شدید،آنچه ازقربانی میسراست- قربانی کنید- وتاقربانی به قربانگاه
نرسیده سرخودرا متراشیدوهرکس ازشما بیمارباشدیادر سرش ناراحتی
داشته باشد،به کفاره روزه ای بگیرد،یا صدقه ای بدهد یا قربانی بکند،وچون
ایمنی یافتید،پس هرکس ازاعمال عمره به حج پرداخت آنچه ازقربانی
میسراست - قربانی کند-

وآن کس که - قربانی - نیافت - باید- درهنگام حج سه روز روزه
بدارد،وچون برگشتیدهفت- روزدیگرروزه بدارید-
این ده روزتمام است،این- حج تمتع- برای کسی است که اهل مسجدالحرام-
مکه - نباشدوازخدابترسیدوبدانیدکه خدا سخت کیفراست.
۱۹۶- حج در ماههای معیّنی است،پس هرکس دراین ماهها حج را-برخود-
واجب گرداند- بداندکه- دراثنای حج
همبستری وگناه وجدال- روا- نیست،وهرکارنیکی انجام میدهید،خداآنرا
میداند،وبرای خودتوشه برگیرید،و ای خردمندان ازمن پرواکنید.
۱۹۷- برشماگناهی نیست که-درسفرحج-ازفضل پروردگارتان
- روزی خویش-بجوئید،پس چون ازعرفات کوچ نمودید،
خدارا درمشعرالحرام یادکنید،ویادش کنیدکه شما را که پیشتر از گمراهان
بودید،فرا راه آورد.
۱۹۸- پس ،ازهمانجاکه-انبوه-مردم روانه میشوند،شمانیز
روانه شویدواز خداوندآمرزش خواهید که خداوند آمرزنده
مهربان است
۱۹۹- وچون آداب مخصوص حج را به جاآوردید،همانگونه که پدران
خودرابه یادمی آورید ،یا با یادکردنی بیشتر،خدارابه یادآورید،وازمردم کسی
است که میگوید: پروردگارا به ما درهمین دنیا عطاکن، وحال آنکه برای
اودرآخرت نصیبی نیست.
۲۰۰- وبرخی ازآنان میگویند: ای پروردگارما،به ما دراین دنیانیکی
ودرآخرت هم نیکی عطاکن،وما را ازعذاب آتش نگاه دار.
۲۰۱- آنانندکه ازدستاوردشان بهره ای خواهندداشت وخدا زودشماراست.
۲۰۲- وخدارادر روزهای معین یادکنید،پس هرکس شتاب
کند- واعمال را- دردوروز - انجام دهد-گناهی براونیست،وهرکه
تاخیرکند-واعمال رادرسه روز انجام دهد- گناهی براونیست،- این

اختیار-برای کسی است که - ازمحرمات-
پرهیزکرده باشد.وازخداپرواکنیدوبدانیدکه شما رابه سوی اوگردخواهدآورد.
۲۰۳- وازمیان مردم کسی است که درزندگی این دنیا
سخنش تورا به تعجب وامیداردوخدارابرآنچه در دل دارد گواه میگیرد وحال
آنکه اوسخت ترین دشمنان است.
۲۰۴- وچون برگردد- یاریاستی یابد- کوشش میکندکه درزمین
فسادنمایدوزراعت ونسل را نابودسارد وخداوندتباهکاری را دوست ندارد.
۲۰۵- وچون به اوگفته شود:ازخداپرواکن، نخوت وی را به گناه کشاند.پس
جهنم برای اوکافیست،وچه بدبستری است.
۲۰۶- وازمیان مردم کسی است که جان خودرابرای طلب خشنودی
خدامیفروشدوخدانسبت به - این- بندگان مهربان است.
۲۰۷- ای کسانیکه ایمان آورده اید،همگی به اطاعت - خدا- درآئیدوگامهای
شیطان را دنبال نکنید که اوبرای شما دشمنی آشکاراست.
۲۰۸- واگرپس ازآنکه برای شمادلایل آشکارآمددستخوش لغزش شدید
بدانیدکه خداوند توانای حکیم است.
۲۰۹- مگرانتظارآنان غیرازاین است که خدا وفرشتگان
در- زیرسایبانهائی ازابرسپیدبه سوی آنان بیایندوکار- داوری- یکسره
شود؟وکارها به سوی خداوند بازگردانده میشود.
۲۱۰- ازفرزندان اسرائیل بپرس،چه بسیارنشانه های روشنی
به آنان دادیم وهرکس نعمت خدارا- پس ازآنکه برای توآمد-بدل کند
،خداسخت کیفراست.
۲۱۱- زندگی دنیادرچشم کافران آراسته شده است ومومنان را
ریشخندمیکنندوکسانی که تقواپیشه بوده اند ،درروز رستاخیز،ازآنان برترند
وخدابه هرکه بخواهدروزی
بی حساب میبخشد.

۲۱۲- انسانها،امّتی یگانه بودند،پس خداوند پیامبران را نویدآور وبیم دهنده برانگیخت وباآنان کتاب را به حق نازل نمودتامیان مردم درآنچه باهم اختلاف داشتند داوری کند،وجزکسانی که کتاب به آنان داده شد - پس ازآنکه دلائل روشنی برای آنان آمد- به خاطرستم که میانشان بود- هیچکس- درآن اختلاف نکرد،پس خداوندآنان را که ایمان آورده بودند،به توفیق خویش ،به حقیقت آنچه که درآن
اختلاف داشتندهدایت کرد،وخدا هرکه را بخواهدبه راه راست هدایت میکند.
۲۱۳- آیاپنداشتید که داخل بهشت میشویدوحال آنکه هنوزمانندآنچه برپیشینیان شما آمدبرشما نیامده است؟
آنان دچارسختی وزیان شدندوبه لرزش آفتادندتا جائی که پیامبروکسانی که با وی ایمان آورده بودند گفتند:
پیروزی کی خواهدبود، آگاه باشید،پیروزی خداوند نزدیک است.
۲۱۴- ازتومیپرسندچه چیزی انفاق کنند- وبه چه کسی بدهند- بگو: هرمالی انفاق کنید به پدرومادرونزدیکان ویتیمان ومسکینان وبه درراه مانده تعلق دارد.
وهرگونه نیکی کنید البته خدا به آن داناست.
۲۱۵- برشما جنگ واجب شده است،درحالی که برای شما ناگواراست،وبسا چیزی راخوش،نداریدوآن برای شما خوب است وبساچیزی را دوست میدارید وآن برای شما بداست وخدامیداند وشما نمیدانید.
۲۱۶- ازتودرباره ماهی که کارزاردرآن حرام است میپرسند،
بگو: جنگ درآن گناهی بزرگ وبازداشتن ازراه خدا وکفرورزیدن به او وبازداشتن ازمسجدالحرام وبیرون راندن اهل آن ازآنجانزدخدا - گناهی- بزرگتروفتنه ازقتل بزرگتراست ،وآنان پیوسته باشما میجنگندتا- اگربتوانند- شمارا ازدینتان برگردانندودرحال کفربمیرندآنان کردارهایشان دردنیا وآخرت تباه میشود،وایشان اهل آتشندودرآن جاودان خواهندماند.

۲۱۷- آنان که ایمان آورده وکسانی که هجرت کرده و
درراه خداجهادنموده اند،آنان به رحمت خدا امیدوارند،خداوند آمرزنده
مهربان است.
۲۱۸- درباره شراب وقمارازتومیپرسندبگو: درآن دو گناه بزرگ وسودهائی
برای انسانها هست وگناهشان ازسودشان بزرگتراست.وازتومیپرسند: چه
چیزی انفاق کنند؟بگو: مازاد- برنیازخود- را ،اینگونه خداوند آیات خودرا
برای شما روشن میگرداند،باشدکه در- کار-دنیاوآخرت بیندیشید.
۲۱۹- ودرباره یتیمان ازتومیپرسندبگو: به صلاح آنان کارکردن
بهتراست،واگرباآنان همزیستی کنید،برادران شما هستندوخدا تبهکار را
ازدرستکاربازمی شناسد.واگرخدامیخواست شمارا به دشواری می انداخت
،آری خداوندتوانا وحکیم است.
۲۲۰- وبا زنان مشرک ازدواج نکنیدتا ایمان بیاورند،قطعاً
کنیزباایمان بهتراززن مشرک است،هرچند- زیبایی- اوشمارا به شگفت
آورد،وبه مردان مشرک زن ندهیدتاایمان بیاورند.قطعاًبرده باایمان
بهترازمردآزادمشرک است هرچندشمارا به شگفت آورد،آنان - شمارا-
بسوی آتش فرامیخوانند،وخدا به فرمان خود- شمارا- بسوی بهشت وآمرزش
میخواند،وآیات خودرابرای مردم روشن میگرداند،باشدکه متذکرشوند.
۲۲۱- ازتودرباره عادت ماهانه - زنان- میپرسند،بگو: آن رنجی است،پس
هنگام عادت ماهانه از- آمیزش- بازنان کناره گیری کنیدوبه آنان نزدیک
نشویدتا پاک شوند.پس چون پاک شدند،ازهمان جاکه خدا به شما فرمان داده
است با آنان آمیزش کنید، خداوندتوبه کاران وپاکیزگان را دوست می دارد.
۲۲۲- زنان شما کشتزارشماهستند،پس ازهرجاکه خواهیدبه
کشتزارخودآئید.وآنهارابرای خودتان مقدّم بداریدوازخداپرواکنیدوبدانیدکه
اورراملاقات خواهیدکردومومنان رابشارت ده.
۲۲۳- وخدارا دستاویزقسم های خودقرارندهید،تا- بدین بهانه-ازنیکوکاری

وپرهیزکاری وسازش دادن میان مردم- بازایستید-وخدا شنوای داناست.
۲۲۴- خداوند شمارابه سوگندهای لغوتان مؤاخذه نمیکند،ولی شمارا بدانچه دلهایتان -ازروی عمد-کسب نموده است مؤاخذه میکند، وخداوند آمرزنده بردباراست.
۲۲۵- برای کسانی که به ترک همخوابگی بازنان خود سوگندمیخورند،چهارماه انتظار- ومهلت- است،پس اگر- به آشتی بازآمدند،خداوندآمرزنده ومهربان است.
۲۲۶- واگرقصدطلاق کردند،درحقیقت خداشنوای داناست.
۲۲۷- وزنان طلاق داده شده بایدمدت سه ماه انتظارکشندواگربه خداوروزواپسین ایمان دارند،به بازآوردن آنان دراین مدت سزاوارترند.ومانند همان که برعهده زنان است،به طورشایسته به نفع آنان- برعهده مردان- است
ومردان برآنان درجه برتری دارندو خداوندتوانا وحکیم است.
۲۲۸- طلاق دوباراست،پس ازآن یا- باید زن را- بخوبی نگاه داشت یا به شایستگی آزادکرد،وبرای شما روانیست که ازآنچه به آنان داده اید چیزی بازستانید،مگرآنکه - طرفین-دربه پاداشتن حدودخدا بیمناک باشند.پس اگربیم داریدکه آن دوحدودخدارا برپای نمیدارند،درآنچه که- زن
برای آزادکردن خود-فدیه دهد ،گناهی برایشان نیست،این است حدوداحکام الهی پس ازآن تجاوزنکنیدوکسانی که ازحدوداحکام الهی تجاوزکنندآنان همان ظالمان هستند.
۲۲۹- واگر- شوهربرای بارسوم- اورا طلاق دهد پس ازآن دیگر- آن زن- برای اوحلال نیست،تااینکه باشوهری غیر
ازاوازدواج کند- وبا اوهمخوابگی نماید- پس اگر- شوهردوم-وی را طلاق گفت اگرآن دو - همسرسابق- پندارندکه حدودخدارابرپا میدارند،گناهی برآن دونیست که به یکدیگربازگردندواینها حدود احکام الهی است که آن را برای

قومی که میدانند بیان میکند.
۲۳۰- وچون آنان را طلاق گفتیدوبه پایان عدّه خویش رسیدند،پس بخوبی نگاهشان داریدیا بخوبی آزادشان کنید،وآنان را برای زیان رساندن نگاه ندارید،تا تعدّی کنید،وهرکس چنین کندقطعاًبرخودستم نموده است وآیات خدارابه ریشخندمگیریدونعمت خدارابرخودوآنچه راکه ازکتاب وحکمت برشمانازل نموده است وبه وسیله آن به
شما اندرزمیدهد،به یادآورید،وازخداپروا داشته باشیدوبدانیدکه خداوند به هرچیزی داناست.
۲۳۱- وچون زنان را طلاق گفتیدوعدّه خودرا به پایان رساندند،آنان را ازازدواج با همسران خودچنانچه بخوبی با بکدیگرتراضی نمایند،جلوگیری مکنید،هرکس ازشما به خدا وروزبازپسین ایمان دارد به این- دستورها- پندداده میشود.- مراعات- این امر برای شما پربرکت تروپاکیزه تر است وخداوند میداندوشما نمیدانید.
۲۳۲- ومادران- باید- فرزندان خودرا دوسال تمام شیردهند.- این حکم- برای کسی است که بخواهددوران شیرخوارگی راتکمیل کندوخوراک وپوشاک آنان بطورشایسته برعهده پدراست.هیچکس جزبه قدروسعش مکلف نمیشود،هیچ مادری نبایدبه سبب فرزندش زیان ببیند،وهیچ پدری نبایدبه خاطرفرزندش- زیان ببیند-ومانند همین برعهده وارث هست،پس اگر- پدرومادر- بخواهند
بارضایت وصلاح یکدیگرکودک را - زودتر- ازشیربازگیرند
گناهی برآن دو نیست،واگرخواستیدبرای فرزندان خوددایه
بگیرید،برشما گناهی نیست،به شرط آنکه چیزی راکه پرداخت آن را به عهده گرفته ایدبطورشایسته بپردازید،
وازخدا پرواکنیدوبدانیدکه خداوند به آنچه انجام میدهید
بیناست.

۲۳۳- وکسانی ازشماکه می میرندوهمسرانی برجای میگذارند- همسران-
چهارماه وده روز انتظارمیبرند،پس هرگاه عدّه خودرا به پایان
رساندند،درآنچه آنان به نحوپسندیده درباره خودانجام میدهند،گناهی برشما
نیست
وخداوندبه آنچه انجام میدهیدآگاه است.
۲۳۴- ودرباره آنچه شما بطورسربسته ازآنان- درعدّه وفات-خواستگاری
کرده،یادردل پوشیده داشته اید،برشما گناهی نیست،خدامیدانست که -
شما-بزودی بیادآنان خواهیدافتاد،ولی باآنان قول وقرارپنهانی
مگذارید،مگرآنکه
سخنی پسندیده بگوئیدوبه عقدزناشوئی تصمیم نگیرید،
تازمان مقرّربه سرآیدوبدانیدکه خداوندآنچه رادردل داریدمیداند،پس
از-مخالفت- اوبترسیدوبدانیدکه خداوند
آمرزنده وبردباراست.
۲۳۵- اگرزنان را،مادامی که باآنان نزدیکی نکرده وبرایشان
مَهری نیزمعین نکرده اید،طلاق گوئید،برشما گناهی نیست
وآنان را بطورپسندیده به نوعی بهره مندکنید،توانگربه اندازه خودوتنگدست
به اندازه خود،شایسته نیکوکاران.
۲۳۶- واگرپیش ازآنکه باآنان نزدیکی کنید،طلاقشان گفتید،درحالی که برای
آنان مَهری معین نکرده اید،پس نصف
آنچه راتعیین نموده اید- به آنان بدهید-مگراینکه آنان خودببخشند،باکسی که
پیوندنکاح به دست اوست ببخشد
وگذشت کردن شمابه تقوانزدیکتراست ودرمیان یکدیگر
بزرگواری رافراموش نکنید،زیراخداوندبه آنچه انجام میدهید بیناست.
۲۳۷- برنمازها ونمازمیانه مراقبت کنیدوخاضعانه برای خداوند بپاخیزید.
۲۳۸- پس اگربیم داشتید،پیاده یاسواره- نمازکنید-وچون ایمن شدید ،خداوندرا

یادکنیدکه آنچه نمی دانستیدرا به
شما آموخت.
۲۳۹- وکسانی ازشماکه مرگشان فرامیرسدوهمسرانی بر
جای میگذارند- باید-برای همسران خویش وصیّت کنند
که آنان راتایکسال بهره مندسازند،و- ازخانه شوهر-بیرون
نکنند،پس اگربیرون بروند،درآنچه آنان بطورپسندیده درباره خودانجام
دهند،گناهی برشما نیست.وخداوند توانا
وحکیم است.
۲۴۰- وفرض است برمردان پرهیزکارکه زنان طلاق داده شده را به
شایستگی چیزی دهند.
۲۴۱- بدین گونه،خداوندآیات خودرابرای شما بیان میکند
باشدکه بیندیشید.
۲۴۲- آیا از-حال-کسانی که ازبیم مرگ ازخانه های خودخارج
شدندوهزاران تن بودند،خبرنیافتی؟ پس خداوند
به آنان گفت: تن به مرگ بسپارید.آنگاه آنان را زنده ساخت،آری خداوند
نسبت به مردم ،صاحب بخشش است
ولی بیشترمردم سپاسگزاری نمی کنند.
۲۴۳- ودر راه خداکارزارکنیدوبدانیدکه خداوندشنوای داناست.
۲۴۴- کیست آن کس که به خدا وام نیکوئی دهدتا- خدا-
آن رابری اوچندبرابربیفزاید؟وخداست که -معیشت بندگان-
تنگی وگشایش پدیدمی آورد،وبسوی اوبازگردانده میشوید.
۲۴۵- آیا ازسران بنی اسرائیل پس ازموسی خبرنیافتی،
آنگاه که به پیامبری ازخودگفتند،پادشاهی برای ما بگمار
تادرراه خداپیکارکنیم،-آن پیامبر-گفت: اگرجنگ برشما مقرّر
گردد،چه بسا که نجنگید،گفتند: چرادر راه خدانجنگیم با آنکه ماازدیارمان

واز- نزد- فرزندانمان بیرون رانده شده ایم.پس هنگامی که جنگ برآنان
مقرّرشد جز عده اندکی
ازآنان-همگی-پشت کردند،وخداوند به ستمکاران داناست.
۲۴۶- وپیامبرشان به آنان گفت: درحقیقت خداوند،طالوت
رابرشما به پادشاهی گماشته است،گفتند: چگونه اورابرما پادشاهی
باشدباآنکه مابه پادشاهی ازوی سزاوارتریم وبه
اوازحیث مالی گشایشی داده نشده است!پیامبرشان گفت
درحقیقت خداونداورابرشمابرتری داده واورا دردانش و
- نیروی- بدنی برشمابرشما برتری بخشیده است،وخداوندپادشاهی خودرا به
هرکس که بخواهدمیدهد،
وخداوند گشایشگرداناست.
۲۴۷- وپیامبرشان بدیشان گفت: درحقیقت نشانه پادشاهی اواین است که آن
صندوق- عهد-که درآن آرامش خاطری
ازجانب پروردگارتان وبازمانده ای ازآنچه خاندان موسی
وخاندان هارون- درآن-برجای نهاده اند- درحالیکه فرشتگان آن راحمل
میکنند- بسوی شما خواهدآمد،مسلما
اگرمومن باشید برای شما دراین-رویداد-نشانه ای هست.
۲۴۸- وچون طالوت بالشکریان بیرون آمد،گفت: خداوند
شمارابه وسیله رودخانه ای خواهدآزمود،پس هرکس از
آن بنوشدازمن نیست،وهرکس ازآن ننوشد،قطعاً اوازمن
است.مگرکسی که بادستش کفی برگیرد،پس-همگی-جزاندکی ازآنها،ازآن
نوشیدند،وهنگامی که
-طالوت-باکسانی که همراه وی ایمان آورده بودند،ازآن
-نهر-گذشتند،گفتند:امروزمارا یارای جنگ با جالوت وسپاهش نیست.کسانی
که به دیدارخداوندیقین داشتند

گفتتند:بساکه گروهی اندک که برگروهی بسیاربه اذن خداوند پیروزشده
اند،وخداوندباصبرکنندگان است.
۲۴۹- وهنگامی که باجالوت وسپاهیانش روبروشدندگفتند
پروردگارا،بردلهای ما شکیبائی فروببار،وگامهای مارا
استواردار،ومارابرگروه کافران پیروزفرمای.
۲۵۰- پس آنان رابه اذن خداوندشکست دادندوداود
جالوت راکشت وخداوند به اوپادشاهی وحکمت ارزانی داشت،وازآنچه
میخواست به اوآموخت،واگرخداوند برخی
ازمردم را بوسیله برخی دیگردفع نمیکرد،قطعاً زمین تباه
میگردید،ولی خداوندنسبت به جهانیان تفضّل دارد،
۲۵۱- این-ها-آیات خداست که ماآن رابه حق برتومیخوانیم وبراستی
توازجمله پیامبرانی.
۲۵۲- برخی ازآن پیامبران رابربرخی دیگربرتری بخشیدیم
ازآنان کسی بودکه خدابااوسخن گفت ودرجات بعضی
ازآنان رابالابرد،وبه عیسی پسرمریم دلائل آشکاردادیم،
واورابه وسیله روح القدس تاییدکردیم واگرخدامیخواست کسانی که پس
ازآنان بودند،بعدازآن- همه-دلائل روشن
که برایشان آمد،به کشتاریکدیگرنمی پرداختندولی باهم اختلاف
کردند،پس،بعضی ازآنان کسانی بودندکه کفرورزیدندواگرخدامیخواست
بایکدیگر نمیجنگیدند،ولی
خداوندآنچه رابخواهدانجام میدهد.
۲۵۳- ای کسانی که ایمان آورده اید،ازآنچه به شما روزی
داده ایم انفاق کنید،پیش ازآنکه روزی فرارسدکه درآن
نه دادوستدی است ونه دوستی ونه شفاعتی،وکافران خودستمکاران هستند.
۲۵۴- الله است که معبودی جزاونیست،زنده وبرپادارنده است،نه چرتی

اورافرامیگیردونه خوابی گران،،آنچه درآسمانهاوآنچه درزمین است،ازآن
اوست.کیست کسی که
جزبه اذن اودرپیشگاهش شفاعت کند؟آنچه را درپیش روی آنان وآنچه
درپشت سرشان است میداند،وبه چیزی ازعلم
او،جزبه آنچه بخواهد،احاطه نمی یابند،کرسی اوآسمانها
وزمین رادربرگرفته،ونگهداری آنهابراودشوارنیست،
واوست والای عظیم.
۲۵۵- دردین هیچ اجباری نیست،وراه از بیراهه بخوبی
آشکارشده است،پس هرکس به طاغوت کفرورزد،وبه خداایمان آورد به یقین
به دستاویزی استوارکه آن را گسستن نیست ،چنگ زده است وخداوندشنوای
داناست.
۲۵۶- الله سرورکسانی است که ایمان آورده اند،آنان رااز
تاریکیهابسوی روشنائی درمیبرد،وکسانی که کفرورزیده اند،
سرورانشان-همان عصیانگران-طاغوتند،که آنان اهل آتشند
که خود،درآن جاودانند.
۲۵۷- آیااز-حال-آنکس که چون خدابه اوپادشاهی داده بود-وبدان
مینازیدو-درباره پروردگارخودباابراهیم محاجّه
-میکرد-،خیرنیافتی؟آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگارمن همان کسی است که
زنده میکند ومی میراند،گفت: من
هم زنده میکنم ومی میرانم. ابراهیم گفت: خداخورشید
راازمشرق برمی آورد،توآن را ازمغرب برآور. پس آن که کفرورزیده
بوددربهت فرورفت. وخداوند قوم ستمکارررا هدایت نمیکند.
۲۵۸- یاچون آنکس که به شهری که بامهایش یکسرفرو
ریخته بود،عبورکرد-وباخود-میگفت:چگونه خداوند-اهل-این
-ویرانکده-راپس ازمرگشان زنده میکند؟،پس خداونداورا به مدت صدسال

میراند.آنگاه اورا برانگیخت ،وبه اوگفت: چقدردرنگ کردی؟ گفت: یک روز یا پاره ای ازروز را درنگ کردم،گفت: -نه-بلکه صدسال درنگ کردی،به خوراک ونوشیدنی خودبنگر-که طعم و رنگ آن-تعییرنکرده است،وبه درازگوش خودنگاه کن-که چگونه متلاشی شده است،این ماجرابرای آن است که هم به توپاسخ گوئیم-وهم تورا-درموردمعاد-نشانه ای برای مردم قرار

دهیم.وبه-این-استخوانها بنگر،چگونه زنده ساختن مرده-برای اوآشکاراست،گفت:-اکنون-میدانم که خداوندبرهرچیزی تواناست.

۲۵۹- و-یادکن-آنگاه که ابراهیم گفت:پروردگارا،به من نشان ده چگونه مردگان را زنده میکنی؟فرمود:مگرایمان نیاورده ای؟ گفت:چراولی تادلم آرامش یابد.فرمود:پس چهارپرنده برگیروآنها را پیش خود،ریزریزگردان،سپس برهرکوهی پاره ای ازآنهاراقرار ده ،آنگاه آنهارا فراخوان،شتابان بسوی تومی آیند،وبدانکه خداوند ،توانا وحکیم است.

۲۶۰- مثَل صدقات کسی که اموال خودرا درراه خداانفاق میکنندهمانندانه ای است که هفت خوشه برویاندکه درهر خوشه ای صددانه باشد،وخداوندبرای هرکس که بخواهد-آن را-چندبرابرمیکندوخداوند گشایشگرداناست.

۲۶۱- کسانی که اموال خودرادر راه خداانفاق میکنند،سپس در پی آنچه انفاق کرده اند،منّت وآزاری روا نمی دارند،پاداش آنان برایشان نزدپروردگارشان -محفوظ-است،وبیمی برآنان نیست واندوهگین نشوند.

۲۶۲- گفتاری پسندیده-دربرابرنیازمندان- وگذشت -ازاصراروتندی آنان- بهترازصدقه ایست که آزاری بدنبال آن باشدوخداوند بی نیازبردباراست.

۲۶۳- ای کسانی که ایمان آورده اید،صدقه های خودرابامنّت
وآزارباطل مکنید،مانندکسی که مالش رابرای خودنمائی به مردم
انفاق میکندوبه خداوروزبازپسین ایمان ندارد.پس مثَل اوهمچون
مثَل سنگ خارائی است که برروی آن،خاکی- نشسته-است ورگباری به آن
رسیده وآن-سنگ-راسخت وصاف برجای نهاده
است.آنان-ریاکاران-نیزازآنچه بدست آورده اند،بهره ای نمی برند
وخداوندگروه کافران راهدایت نمی کند.
۲۶۴- ومثَل صدقات کسانی که اموال خویش رابرای طلب
خشنودی خداواستواری روحشان انفاق میکنند،همچون مثَل باغی
است که برفرازپشته ای قراردارد،-که اگر-رگباری هم برآن نرسد،باران
ریزی- برای آن بس است-وخداوندبه آنچه انجام میدهید
بیناست.
۲۶۵- آیاکسی ازشمادوست داردکه باغی ازدرختان خرماوانگور
داشته باشدکه اززیرآنهانهرهاروان است وبرای اودرآن-باغ-ازهرگونه میوه
ای-فراهم-باشد،ودرحالی که اوراپیری
رسیده وفرزندان خردسالی دارد،-ناگهان-گردبادی آتشین برآن-باغ-
زندویکسربسوزد؟این گونه خداوندآیات رابرای شماروشن میگرداند،باشد که
شما بیندیشید.
۲۶۶- ای کسانی که ایمان آورده ایدازچیزهای پاکیزه ای که بدست آورده
اید،وازآنچه برای شما اززمین برآورده ایم،انفاق
کنید،ودرپی ناپاک آن نروید،که-ازآن-انفاق نمائید،درحالیکه آن
را-اگربخودتان میدادند-جزباچشم پوشی -وبی میلی-نسبت به آن
نمی گرفتید،وبدانیدکه خداوند بی نیازستوده است.
۲۶۷- شیطان شما راازتهیدستی میترساندوشمارا به زشتی امر
میکند،و خداوند ازجانب خودبه شما وعده آمرزش وبخشش

میدهد،وخداوند گشایشگر داناست.
۲۶۸- -خدا- به هرکس که بخواهدحکمت میبخشد،وبه هرکس
حکمت داده شود،به یقین،خیری فراوان داده شده است،وجزخردمندان،کسی
پندنمیگیرد.
۲۶۹- وهرنفقه ای یاهرنذری راکه عهدکرده اید،قطعاً خداوندآن
رامیداند،وبرای ستمکاران هیچ یاوری نیست.
۲۷۰- اگرصدقه هاراآشکارکنیداین کارخوبی است،واگرآن راپنهان داریدوبه
مستمندان بدهید،این برای شمابهتراست،وبخشی ازگناهانتان را
میزداید،وخداوندبه آنچه انجام میدهیدآگاه است.
۲۷۱- هدایت آنان برعهده تونیست،بلکه خداهرکه رابخواهدهدایت
میکند،وهرمالی که انفاق کنید ،به سودخودشماست،وجزبرای طلب خشنودی
خدا انفاق نکنید ،وهرمالی راکه انفاق کنید-پاداش آن-بطورکامل به شما داده
خواهدشدوستمی برشما نخواهدرفت.
۲۷۲- -این صدقات-برای آن-دسته- ازنیازمندانی است که درراه
خدافرومانده اند،ونمیتوانند-برای تامین هزینه زندگی-درزمین
سفرکنند،ازشدّت خویشتن داری ،فردبی اطلاع آنان را توانگر
می پندارد،آنهاراازسیمایشان می شناسی،بااصرار-چیزی-ازمردم نمی
خواهندوهرمالی -به آنان-انفاق کنید،قطعاً خداازآن آگاه است.
۲۷۳- کسانی که اموال خودراشب وروز،نهان وآشکار،انفاق
میکنند،پاداش آنان نزدپروردگارشان برای آنان خواهدبود،ونه
بیمی برآنان است ونه اندوهگین میشوند.
۲۷۴- کسانی که ربا میخورند- ازگور-برنمی خیزندمگرمانند
برخاستن کسی که شیطان براثرتماس ،آشفته سرش کرده
است،این بدان سبب است که آنان گفتند:دادوستدصرفا مانندرباست،وحال آنکه
خدا دادوستدرا حلال وربا راحرام

گردانیده است،پس هرکس اندرزی ازجانب پروردگارش بدورسید
و-ازرباخواری-بازایستاد،آنچه گذشته ،ازآن اوست وکارش به خدا
واگذارمیشود،وکسانی که -به رباخواری-بازگردند،آنان اهل آتشندودرآن
ماندگارخواهندبود.
۲۷۵- خدااز-برکت-ربامیکاهد،وبرصدقات می افزاید،وخداوند هیچ ناسپاس
گناهکاری را دوست نمیدارد.
۲۷۶- کسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده ونمازبرپا
داشته وزکات داده اند،پاداش آنان نزدپروردگارشان برای آنان خواهدبود،ونه
بیمی برآنان است ونه اندوهگین میشوند.
۲۷۷- ای کسانی که ایمان آورده اید،ازخداپرواکنید،واگرمومنید
آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید.
۲۷۸- واگرچنین نکردید،بدانیدبه جنگ باخداوفرستاده اوبرخاسته اید،واگر
توبه کنید،سرمایه های شما ازخودتان است،نه ستم
میکنیدونه ستم میبینید.
۲۷۹- واگر-بدهکارتان-تنگدست باشد،پس تا-هنگام-گشایش ،مهلتی
-به اودهید-و-اگربراستی قدرت پرداخت ندارد-بخشیدن آن برای
شما بهتراست-اگربدانید.
۲۸۰- وبترسیدازروزی که درآن بسوی خدابازگردانده میشوید
سپس به هرکس-پاداش-آنچه بدست آورده،تمام داده شود،وآنان
موردستم قرار نمی گیرند.
۲۸۱- ای کسانی که ایمان آورده ایدهرگاه به وامی تاسررسیدی
معین،بایکدیگرمعامله کردیدآن رابنویسیدوبایدنویسنده ای-صورت
معامله را-براساس عدالت میان شما بنویسد،وهیچ نویسنده ای نباید از نوشتن
خودداری کند،همانگونه- وبه شکرانه آن-که خدااورا آموزش داده
است.وکسی که بدهکاراست بایداملا کندواو-نویسنده-بنویسد،وازخدا که

پروردگاراوست پروانماید،وازآن
چیزی نکاهد،پس اگرکسی که حق برذمّه اوست،سفیه یا ناتوان
است،یاخودنمیتوانداملاکند،پس ولیّ اوبایدبا-رعایت-عدالت املانماید،و
دوشاهدازمردانتان را به شهادت طلبید،پس اگردومردنبودند،مردی
رابادوزن،ازمیان گواهانی که -به عدالت آنان-رضایت دارید-گواه
بگیرید-تا-اگر-یکی ازآن دو -زن-فراموش
کرد،-زن-دیگر،وی را یادآوری کند،وچون گواهان احضارشوند،
نبایدخودداری ورزند.وازنوشتن -بدهی-چه خردباشدیابزرگ،ملول
نشوید،تاسررسیدش -فرارسد-این -نوشتن-شمانزدخداعادلانه تروبرای
شهادت استوارتر،وبرای اینکه دچارشک نشوید-به
احتیاط-نزدیکتراست.مگرآنکه دادوستدی نقدی باشدکه آن رامیان
خود-دست به دست-برگزارمیکنید،دراین صورت،برشماگناهی نیست که آن
را ننویسیدو-درهرحال-هرگاه دادوستدکردیدگواه بگیرید،وهیچ نویسنده
وگواهی نبایدزیان ببیند،واگرچنین کنید
ازنافرمانی شماخواهدبود،وازخداپرواکنید،وخدا-بدین گونه-به شما آموزش
میدهد،وخدا به هرچیزی داناست.
۲۸۲- واگردرسفربودیدونویسنده ای نیافتیدوثیقه ای بگیرید،واگر
برخی ازشمابرخی دیگررا امین دانست،پس آن کس که امین
شمرده شده بایدسپرده وی را بازپس دهد،وبایدازخداوند که
پروردگاراوست،پرواکند،وشهادت راکتمان نکنید،وهرکه آن راکتمان
کندقلبش گناهکاراست وخداوند به آنچه آنچه انجام میدهید داناست.
۲۸۳- آنچه درآسمانهاوزمین است ازآن خداست واگرآنچه دردلهای
خوددارید،آشکاریاپنهان کنید،خداوندشمارا به آن محاسبه میکند،
آنگاه هرکه رابخواهدمیبخشد،وهرکه رابخواهدعذاب میکند
وخداوند برهرچیزی تواناست.

۲۸۴- پیامبر-خدا-بدانچه ازجانب پروردگارش براونازل شده است
ایمان آورده است ومومنان همگی به خداوفرشتگان وکتابهاوفرستادگانش
ایمان آورده اند-وگفتند-: شنیدیم وگردن نهادیم ،پروردگارا، آمرزش تورا-
خواستاریم- وفرجام به سوی تو
است.
۲۸۵- خداوند هیچ کس راجزبه قدرتوانایی اش تکلیف نمیکند،
آنچه -ازخوبی-بدست آورده به سوداو،وآنچه-ازبدی-به دست آورده به زیان
اوست.پروردگارا اگرفراموش کردیم یا به خطا رفتیم برمامگیر،پروردگارا
،هیچ بارگرانی بر-دوش-ما مگذار،چنانکه بر کسانی که پیش ازما
بودندنهادی،
پروردگارا وآنچه تاب آن نداریم برماتحمیل مکن،وازما درگذر،
ومارابببخشای وبرما رحمت آور،سرورماتوئی،پس مارا برگروه
کافران پیروزکن.

آل عمران (خاندان عمران)

بنام خداوند بخشنده مهربان

۱- الف لام میم

۲- خداست که هیچ معبودی جزاونیست

۳- این کتاب رادرحالی که مویّدآنچه پیش ازخودمیباشد،به حق
برتونازل کرد ، ونازل نمود تورات وانجیل را

۴- پیش ازآن برای رهنمودمردم فروفرستاد،وفرقان رانازل نمود
کسانی که به آیات خداکفرورزیدند،بی تردیدعذابی سخت
خواهندداشت،وخداوندشکست ناپذیروصاحب انتقام است.

۵- درحقیقت هیچ چیزدر زمین وآسمانهابرخدا پوشیده نمی ماند

۶- اوست کسی که شما راآنگونه که میخواهددر رحمهاصورتگری
مینماید،هیچ معبودی جزآن توانای حکیم نیست.

۷- اوست کسی که این کتاب رابرتوفروفرستاد،پاره ای ازآن،آیات
محکم - صریح وروشن-است.آنهااساس کتابند،و-پاره ای- دیگرمتشابهند-که
تاویل پذیرند-اماکسانی که دردلهایشان انحراف
هست،برای فتنه جوئی وطلب تاویل آن- به دلخواه خود- از
متشابه آن پیروی میکنند،باآنکه تاویلش راجزخداوریشه داران
دردانش کسی نمی داند،-آنان که-میگویند:مابدان ایمان آوردیم
همه ازجانب پروردگارماست، وجزخردمندان کسی متذکرنمیشود.

۸- -میگویند: پرودگارا ،پس ازانکه ماراهدایت کردی دلهایمان رادستخوش انحراف مگردان،وازجانب خودرحمتی برما ارزانی دارکه توخودبخشایشگری.
۹- پروردگارا به یقین تودرروزی که هیچ تردیدی درآن نیست، گردآورنده مردمانی ،قطعاً خداونددر وعده -خود-خلاف نمی کند.
۱۰- درحقیقت کسانی که کفرورزیدند،اموال واولادشان چیزی-ازعذاب خدا-راازآنان دورنخواهدکرد،وآنان خودهیزم دوزخند.
۱۱- (آنان)به شیوه فرعونیان وکسانی که پیش ازآنان بودندآیات مارادروغ شمردند،پس خداوندبه- سزای-گناهانشان-گریبان-آنان راگرفت،وخداسخت کیفراست.
۱۲- به کسانی که کفرورزیدندبگو:به زودی مغلوب خواهیدشدو -درروزرستاخیز-دردوزخ محشورمیشوید،وچه بدبستری است.
۱۳- قطعاً دربرخوردمیان دوگروه،برای شما نشانه ای-ودرس عبرتی-بود.گروهی درراه خدا میجنگیدند،ودیگر-گروه-کافربودند که آنان- مومنان-رابه چشم،دوبرابرخودمیدیدند،وخداهرکه رابخواهدبه یاری خودتائیدمیکند،یقیناًدراین-ماجرا-برای صاحبان بینش عبرتی هست.
۱۴-دوستی خواستنیها-گوناگون-از زنان وپسران واموال فراوان از زروسیم واسب های نشانداروداموکشتزار-ها-برای مردم آراسته شده،-لیکن-این جمله مایه تمتّع زندگی دنیاست،و-حال آنکه-فرجام نیکونزدخداست.
۱۵- بگو:آیاشمارابه بهترازاینهاخبردهم؟برای کسانیکه تقواپیشه کرده اندنزدپروردگارشان باغهائی است که از زیرآنها نهرهاروان است،درآن جاودانه میمانندوهمسرانی پاکیزه و-نیز-خشنودی خدا -رادارند-وخداوندبه -امور-بندگان-خود-بیناست.
۱۶- همان کسانی که میگویند:پروردگارا،ماایمان آوردیم،پس گناهان

مارابرمابببخش،ومارااز عذاب آتش نگه دار.
۱۷- (اینانند)شکیبایان وراستگویان وفرمانبرداران وانفاق کنندگان
وآمرزش خواهان درسحرگاهان.
۱۸- خداکه همواره به عدل ،قیام دارد،گواهی میدهدکه جزاو
هیچ معبودی نیست،وفرشتگان-او-ودانشوران-نیزگواهی میدهندکه
-جزاو هیچ معبودی نیست.
۱۹- درحقیقت،دین درنزدخداهمان اسلام است،وکسانی که کتاب
-آسمانی-به آنان داده شده،بایکدیگربه اختلاف نپرداختندمگرپس
ازآنکه علم برای آنان-حاصل-آمد،آن هم به سابقه حسدی که میان آنان
وجودداشت،وهرکس به آیات خداکفرورزد،پس-بداند-که
خداوند زودمحاسبه کننده است.
۲۰- پس اگرباتوبه محاجّه برخاستند،بگو:من خودراتسلیم خدانموده ام،وهرکه
مراپیروی کرده-نیزخودراتسلیم خدانموده
است- وبه کسانی که اهل کتابندوبه مشرکان بگو:آیا اسلام
آورده اید؟پس اگراسلام آوردند،قطعاً هدایت یافته اند،واگر
روی برتافتند،فقط رساندن پیام برعهده توست،وخداوندبه
-امور-بندگان بیناست.
۲۱- کسانی که به آیات خداکفرمی ورزندوپیامبران را به ناحق
میکشند،و انسانهای دادگسترر‌ا به قتل میرسانند،آنان را ازعذابی
دردناک خبرده.
۲۲- آنان کسانی هستندکه در-این- دنیاو-درسرای-آخرت اعمالشان
به هدررفته وبرای آنان هیچ یاوری نیست.
۲۳- آیاداستان کسانی راکه بهره ای ازکتاب-تورات-یافته اندندانسته ای که
چون به سوی کتاب خدافراخوانده میشوند
تامیانشان حکم کند،آنکه گروهی ازآنان به حال اعراض روی برمی تابند؟

۲۴- این بدان سبب بودکه آنان-به پندارخود-گفتند: هرگزآتش
جزچندروزی به ما نخواهدرسید.وبرساخته هایشان آنان رادردینشان فریفته
کرده است.
۲۵- پس چگونه خواهدبود-حالشان-آنگاه که آنان را درروزی که هیچ شکی
درآن نیست گردآوریم،وبه هرکس-پاداش- دستاوردش
به تمام داده شودوبه آنان ستم نرسد؟
۲۶- بگو: بارخدایا،توئی که فرمانفرمائی ،هرآنکس راکه خواهی
فرمانروائی بخشی وازهرکه خواهی فرمانروایی راباز ستانی
وهرکه راخواهی عزّت بخشی وهرکه راخواهی،خوارگردانی،
همه خوبیهابه دست توست،وتوبرهرچیزتوانائی.
۲۷- شب رابه روزدرمی آوری وروز رابه شب درمی آوری وزنده
راازمرده بیرون می آوری ومرده را اززنده خارج میسازی وهرکه
راخواهی بی حساب روزی میدهی.
۲۸- مومنان نبایدکافران را-به جای مومنان-به دوستی بگیرند،
وهرکه چنین کند،درهیچ چیز-اورا-از-دوستی-خدا-بهره ای-نیست
مگراینکه ازآنان به نوعی تقیّه کنندوخداوند،شمارااز-عقوبت-خود
میترساند،وبازگشت به سوی خداست.
۲۹- بگو:آنچه درسینه های شماست راچه نهان داریدیا آشکارش
کنید،خداآن رامیداند،وخداوندبرهرچیزی تواناست.
۳۰- روزی که هرکسی آنچه کارنیک بجای آورده وآنچه بدی
مرتکب شده ،حاضرشده می یابد،وآرزومیکند،کاش میان او
وآن-کارهای بد- فاصله ای دوربود،وخداوند،شمارا از-کیفر-خود
میترساند،و-درعین حال-خدابه بندگان -خود-مهربان است.
۳۱- بگو: اگرخدارادوست دارید،ازمن پیروی کنیدتاخدادوستتان
بداردوگناهان شمارابرشما ببخشایدوخداوندآمرزنده مهربان است.

۳۲- بگو: خداوپیامبر-او-رااطاعت کنید،پس اگررویگردان شدند،قطعاً خداوندکافران رادوست ندارد.
۳۳- به یقین،خداوند،آدم ونوح وخاندان ابراهیم وخاندان عمران رابرمردم جهان برتری داده است.
۳۴- فرزندانی که برخی ازآنان از-نسل-برخی دیگرند،وخداوند شنوای داناست.
۳۵- چون زن عمران گفت: پروردگارا،آنچه درشکم خوددارم نذر توکردم تا آزادشده-ازمشاغل دنیا وپرستشگرتو-باشد،پس ازمن بپذیرکه تو خودشنوای دانائی.
۳۶- پس چون فرزندش را بزادگفت: پروردگارا ،من دخترزاده ام -وخدا به آنچه اوزائیدداناتربود-وپسرمانننددخترنیست،ومن نامش رامریم نهادم،واووفرزندانش را ازشیطان رانده شده،به توپناه میدهم،
۳۷- پس پروردگارش وی-مریم-راباحسن قبول پذیراشدواورانیکو بارآورد،وزکریاراسرپرست وی قرارداد،زکریاهربارکه درمحراب براو واردمیشد،نزداوخوراکی می یافت.-می-گفت: ای مریم این ازکجا برای تو-آمده است؟اودرپاسخ می-گفت: این ازجانب خداست،که خدابه هرکس بخواهد،بی شمار روزی میدهد.
۳۸- آنجا-بودکه-زکریاپروردگارش راخواند-و-گفت: پرودگارا،ازجانب خود،فرزندی پاک وپسندیده به من عطاکن،که توشنونده دعائی.
۳۹- پس درحالی که وی ایستاده-و-درمحراب-خود-دعامیکرد، فرشتگان،اوراندا دردادندکه خداوند تورا به یحیی -که تصدیق کننده کلمة الله -عیسی-است وبزرگواروخویشتندار-پرهیزکننده ازآنان- وپیامبری ازشایستگان است-بشارت میدهد.
۴۰- گفت: پروردگاراچگونه مرافرزندی خواهدبود؟درحالی که پیری من بالا گرفته است وزنم نازاست،-فرشته گفت: -کارپرودگار-چنین

است،خداهرچه بخواهدانجام میدهد.
۴۱- گفت: پروردگارا،برای من نشانه ای قرارده.فرمود: نشانه ات
این است که سه روزبامردم،جزبه اشاره سخن نگوئی وپروردگارت
رابسیاریادکن،وشبانگاه وبامدادان تسبیح گوی.
۴۲- و-یادکن-هنگامی راکه فرشتگان گفتند: ای مریم خداوند
تورا برگزیده وپاک ساخته وتورا برزنان جهان برتری داده
است.
۴۳- ای مریم فرمانبرپروردگارخودباش وسجده کن وبا رکوع کنندگان رکوع
نما.
۴۴- این از اخبارغیب است که به تووحی می کنیم و-گرنه-
وقتی که آنان قلمهای خودرا-برای قرعه کشی-می افکندندتاکدام
یک سرپرستی مریم رابه عهده گیرد،نزدآنان نبودی و-نیز-وقتی با
یکدیگرکشمکش میکردندنزدشان نبودی.
۴۵- (یادکن)هنگامی -را-که فرشتگان گفتند: ای مریم خداوندتورا
به کلمه ای ازجانب خود،که نامش مسیح عیسی بن مریم است
بشارت میدهد،درحالیکه -او-دردنیاوآخرت آبرومندوازمقرّبان است.
۴۶- ودرگهواره ودرمیانسالی بامردم سخن میگویدواز صالحان
است.
۴۷- (مریم)گفت: پروردگارا چگونه مرافرزندی خواهدبودباآنکه
بشری مرا لمس نکرده است؟گفت: چنین است-کار-پروردگار.
خداهرچه بخواهدمی آفریند.چون به کاری فرمان دهد،فقط
به آن میگوید: باش، پس میشود.
۴۸- وبه اوکتاب وحکمت وتورات وانجیل می آموزد،
۴۹- و-اورابه عنوان-پیامبری به سوی بنی اسرائیل-میفرستد
که اوبه آنان میگوید:- درحقیقت من از جانب پروردگارتان

برایتان معجزه ای آورده ام،من ازگل برای شما-چیزی-به شکل پرنده
میسازم،آنگاه درآن می دمم،پس به اذن خدا پرنده ای میشود،وبه اذن خدا
نابینای مادرزادوپیس را بهبودمیبخشم
ومردگان را زنده می گردانم وشما را ازآنچه میخوریدودرخانه هایتان ذخیره
میکنید،خبرمیدهم،مسلّماً دراین-معجزات-برای شما
اگرمومن باشیدعبرت وجود دارد.
۵۰- و-می گویدآمده ام تا-تورات که پیش ازمن-نازل شده-
راتصدیق کننده باشم،وتا پاره ای ازآنچه راکه برشما حرام
گردیده ،برای شما حلال کنم.وازجانب پروردگارتان برای شما
نشانه ای آورده ام،پس ازخداپرواداريد ومرا اطاعت کنید.
۵۱- درحقیقت خداوندپروردگارمن وپروردگارشماست،پس اورا بپرستید-که
راه راست این است.
۵۲- چون عیسی ازآنان احساس کفرکرد،گفت: یاران من در
راه خداچه کسانند؟حواریون گفتند:مایاران خداییم ،به خدا
ایمان آورده ایم،وگواه باش که ما تسلیم هستیم
۵۳- پروردگارا،ما به آنچه نازل کردی گرویدیم وفرستاده را پیروی
کردیم،پس مارا درزمره شاهدان بنویس.
۵۴- و-دشمنان-مکرورزیدند،وخدا-درپاسخشان-مکرورزید وخداوند
بهترین مکرکنندگان است.
۵۵- (یادکن)هنگامی راکه خداگفت: ای عیسی ،من تورا برگرفته
وبه سوی خویش بالا می برم،وتورا از-آلایش-کسانی که کفرورزیده اندپاک
میگردانم،وتاروز رستاخیز کسانی راکه ازتو
پیروی کرده اند،فوق کسانی که کافرشده اندقرارخواهم داد،
آنگاه فرجام شما به سوی من است،پس درآنچه برسرآن
اختلاف میکردیدمیان شما داوری خواهم کرد.

۵۶- اما کسانی که کفرورزیدند،دردنیاوآخرت به سختی عذابشان
کنم ویاورانی نخواهندداشت.
۵۷- واما کسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند،-خداوند-مزدشان
رابه تمامی به آنان میدهدوخداوند بیدادگران
را دوست نمی دارد.
۵۸- اینهاست که ما آن را آیات وقرآن حکمت آمیزبرتومیخوانیم
۵۹- درواقع، مثَل عیسی نزدخداهمچون مثَل آدم است ،اورا از خاک آفرید
،سپس بدوگفت:باش ، پس وجود یافت.
۶۰- (آنچه درباره عیسی گفته شد)حق -و- ازجانب پروردگارتو
است،پس از تردیدکنندگان مباش.
۶۱- پس هرکه دراین-باره-پس ازدانشی که تورا-حاصل-آمده،باتو
محاجّه کند،بگو:بیائیدپسرانمان وپسرانتان،وزنانمان وزنانتان،وما
خویشان نزدیک خودرافراخوانیم،سپس مباهله کنیم،ولعنت خدا
رابردروغگویان قراردهیم.
۶۲- آری،داستان حقیقی-مسیح-همین است،ومعبودی جزخدانیست
،وخداست که درواقع ،همان شکست ناپذیرحکیم است.
۶۳- پس اگررویگردان شدند،هماناخداوندبه مفسدان داناست.
۶۴- بگو: ای اهل کتاب،بیائیدبرسرسخنی که میان ماوشما
یکسان است بایستیم،که جزخدارانپرستیم وچیزی راشریک او
نگردانیم،وبعضی ازمابعضی دیگررابه جای خدابه خدائی نگیرد،
پس اگر-ازاین پیشنهاد-اعراض کردند،بگوئید:شاهدباشیدکه ما
مسلمانیم-نه شما-
۶۵- ای اهل کتاب،چرادرباره ابراهیم محاجّه میکنیدباآنکه تورات
وانجیل بعدازاونازل شده است؟آیا تعقّل نمی کنید؟
۶۶- هان، شما -اهل کتاب- همانان هستیدکه درباره آنچه نسبت

به آن دانشی داشتیدمحاجّه میکردید،پس چرادرموردچیزی که بدان دانشی
نداریدمحاجّه می کنید؟با آنکه خدامیداندوشما
نمی دانید.
۶۷- ابراهیم نه یهودی بودونه نصرانی،بلکه حق گرائی
فرمانبرداربود،وازمشرکان نبود.
۶۸- درحقیقت،نزدیکترین مردم به ابراهیم همان کسانی هستندکه اوراپیروی
کرده اند،و-نیز-این پیامبروکسانی که-به آئین او-ایمان
آورده اند،وخداسرورمومنان است.
۶۹- گروهی ازاهل کتاب آرزومیکنندکاش شماراگمراه میکردند،در
صورتی که جزخودشان-کسی- راگمراه نمیکنندونمی فهمند
۷۰- ای اهل کتاب چرابه آیات خداکفرمیورزیدباآنکه خود-به درستی
آن-گواهی میدهید؟
۷۱- ای اهل کتاب چراحق را به باطل درمی آمیزیدوحقیقت
راکتمان می کنید،بااینکه خودمی دانید؟
۷۲- وجماعتی ازاهل کتاب گفتند: درآغازروزبه آنچه برمومنان
نازل شدایمان بیاوریدودرپایان -روز-انکارکنید،شایدآنان-ازاسلام-
برگردند.
۷۳- و-گفتند-: جزبه کسی که دین شمارا پیروی کند،ایمان
نیاورید،بگو: هدایت،هدایت خداست،مباداکسی نظیرآنچه به شما داده شده
،داده شود،یادرپیشگاه پروردگارتان باشما محاجّه کند
،بگو:-این-تفضّل به دست خداست،آن رابه هرکس که بخواهد
میدهد،وخداوندگشایشگرداناست.
۷۴- رحمت خودرا به هرکس بخواهدمخصوص می گرداندو
خداونددارای بخشش بزرگ است.
۷۵- وازاهل کتاب کسی است که اگراورابرمال فراوانی امین شماری،آن

رابه توبرگرداند،وازآنان کسی هست که اگر اورابردیناری امین شماری،آن
را به توبرنمی گرداند،مگرآنکه دائماً
بر -سر- وی به پا ایستی ،این بدان سبب است که آنان-به پندارخود-گفتند:
درموردکسانی که کتاب آسمانی ندارند،برما زیانی نیست، وبرخدا دروغ
میبندندبااینکه خودشان میدانند.
۷۶- آری، هرکه به پیمان خودوفاکندوپرهیزکاری نماید،بی تردید
خداوندپرهیزکاران رادوست دارد.
۷۷- کسانی که پیمان خداوسوگندهای خودرابه بهای ناچیزی
میفروشند،آنان رادرآخرت بهره ای نیست،وخدا روزقیامت با
آنان سخن نمیگوید،وبه ایشان نمی نگرد،وپاکشان نمیگرداند،
وعذابی دردناک خواهندداشت.
۷۸- وازمیان آنان گروهی هستندکه زبان خودرابه -خواندن-
کتاب-تحریف شده ای-می پیچانند،تاآن-ربرباقته-راازکتاب-آسمانی-
پندارید،بااینکه آن ازکتاب-آسمانی-نیست ومیگویند:آن ازجانب
خداست،درصورتی که ازجانب خدانیست وبرخدا دروغ می بندند،با اینکه
خودشان میدانند.
۷۹- هیچ بشری را نسزدکه خدابه اوکتاب وحکم وپیامبری بدهد
سپس اوبه مردم بگوید: به جای خدا،بندگان من باشید.بلکه-باید
بگوید- به سبب آنکه کتاب-آسمانی- تعلیم میدادیدوازآن روکه درس
میخواندیدعلمای دین باشید.
۸۰- و-نیز-شما رافرمان نخواهددادکه فرشتگان وپیامبران رابه خدائی
بگیرید،آیا پس ازآنکه سربه فرمان- خدا-نهاده اید-باز-
شمارابه کفروامی دارد؟
۸۱- و-یادکن-هنگامی راکه خداوندازپیامبران پیمان گرفت که هرگاه به شما
کتاب وحکمتی دادم،سپس شمارا فرستاده ای

آمدکه آنچه راباشماست تصدیق کرد،البته به اوایمان بیاوریدو
حتماً یاریش کنید،آنگاه فرمود:آیا اقرارکردیدودراین باره پیمانم را پذیرفتید؟
گفتند:آری اقرارکردیم، فرمود: پس گواه باشید
ومن باشما از شاهدانم.
۸۲- پس کسانی که بعد از این-پیمان-روی برتابندآنان خودنافرمانانند.
۸۳- آیا جزدین خدارا میجوئید؟ باآنکه هرکه درآسمانها وزمین
است خواه وناخواه سربه فرمان اونهاده است،وبه سوی او
بازگردانیده میشوید.
۸۴- بگو: به خداوآنچه برما نازل شده،وآنچه برابراهیم واسماعیل واسحق
ویعقوب واسباط نازل گردیده ،وآنچه به
موسی وعیسی وانبیای -دیگر-ازجانب پروردگارشان داده شده
گرویدیم،ومیان هیچ یک ازآنان فرق نمی گذاریم وماورا فرمانبرداریم.
۸۵- وهرکه جزاسلام دینی جوید،هرگزازوی پذیرفته نشود، و
وی درآخرت از زیانکاران است.
۸۶- چگونه خداوند،قومی راکه بعدازایمانشان کافرشدند هدایت
میکند؟باآنکه شهادت دادندکه این رسول ،برحق است و برایشان
دلایل روشن آمد،وخداوندقوم ظالمان را هدایت نمیکند.
۸۷- آنان،سزایشان این است که لعنت خدا وفرشتگان ومردم
همگی بر آنهاست.
۸۸- درآن-لعنت-جاودانه بمانند،نه عذاب ازایشان کاسته گردد ونه مهلت
یابند.
۸۹- مگرکسانی که پس ازآن توبه کردندودرستکاری نمودند،که
خداوند آمرزنده مهربان است.
۹۰- کسانی که پس ازایمان خودکافرشدند،سپس برکفرافزودند،
هرگزتوبه آنان پذیرفته نخواهدشد،وآنان خودگمراهانند.

۹۱- درحقیقت کسانی که کافرشده ودرحال کفرمرده اند،اگرچه
-پهنه-زمین را پرازطلاکنند وآن را -برای خود-فدیه دهند-هرگز
ازهیچ یک ازآنان پذیرفته نگردد،آنان راعذابی دردناک خواهدبود،ویاورانی
نخواهندداشت.
۹۲- هرگزبه نیکوکاری نخواهیدرسیدتاازآنچه که دوست دارید
انفاق کنید،وازهرچه انفاق کنید قطعا خدابدان داناست.
۹۳- همه خوراکیهابرفرزندان اسرائیل حلال بود،جزآنچه پیش
ازنزول تورات،اسرائیل-یعقوب-برخویشتن حرام ساخته بود ،بگو:
اگرراست میگویید،تورات رابیاوریدوآن را بخوانید.
۹۴- پس کسانی که بعدازاین،برخدادروغ بندند،آنان ستمکارانند.
۹۵- بگو: خداراست گفت،پس ازآئین ابراهیم که حقگرا بودواز
مشرکان نبود،پیروی کنید.
۹۶- درحقیقت، نخستین خانه ای که برای-عبادت-مردم نهاده شده،همان است
که درمکه است ومبارک،وبرای جهانیان-مایه-
هدایت است.
۹۷- درآن،نشانه هایی روشن است-ازجمله-مقام ابراهیم است،
وهرکه درآن درآیددرامان است وبرای خدا حج آن خانه برعهده
مردم است،-البته بر-کسی که بتواند بسوی آن راه یابد،وهرکه
کفرورزد،یقیناً خداوند ازجهانیان بی نیازاست.
۹۸- بگو: ای اهل کتاب ،چرابه آیات خداکفرمیورزید؟باآنکه
خدابرآنچه میکنیدگواه است.
۹۹- بگو: ای اهل کتاب چراکسی راکه ایمان آورده است،از
راه خدا بازمی دارید،وآن راکج میشمارید،باآنکه خود-به راستی
آن- گواهید؟ وخدا ازآنچه میکنید غافل نیست.
۱۰۰- ای کسانی که ایمان آورده اید،اگرازفرقه ای ازاهل کتاب

فرمان برید،شمارا پس ازایمانتان به حال کفربرمی گردانند.
۱۰۱- وچگونه کفرمیورزید،بااینکه آیات خدا برشما خوانده میشود
وپیامبراومیان شماست؟وهرکس به خدا تمسّک جوید،قطعاً به راه راست
هدایت شده است.
۱۰۲- ای کسانی که ایمان آورده اید،ازخداآن گونه که حقّ پرواکردن از
اوست پرواکنید،وزنهار ،جزمسلمان نمیرید.
۱۰۳- وهمگی به ریسمان الهی چنگ زنید،وپراکنده نشوید،ونعمت
خدارابرخودیادکنید،آنگاه که دشمنان-یکدیگر-بودید،پس میان دلهای شما الفت
انداخت،تابه لطف اوبرادران هم شدید،وبرکنارپرتگاه آتش بودید که
شمارااز آن رهانید،اینگونه خداوند
نشانه های خودرابرای شما روشن میکند،باشدکه شما راه یابید.
۱۰۴- وبایدازمیان شما ،گروهی-مردم را-به نیکی دعوت کنندوبه
کارشایسته وادارند وازرشتی بازدارند،وآنان همان رستگارانند.
۱۰۵- وچون کسانی مباشیدکه پس ازآنکه دلایل آشکاربرایشان
آمد،پراکنده شدند وباهم اختلاف پیداکردند،وبرای آنان عذابی
سهمگین هست.
۱۰۶- (درآن)روزی که چهره هایی سپیدوچهره هایی سیاه گردد،
اما سیاه رویان-به آنان گفته شود-:آیا بعدازایمانتان کفرورزیدید؟
پس به سزای آنکه کفرمی ورزیدیدعذاب رابچشید.
۱۰۷- واما سپیدرویان همواره در رحمت خداوند جاویدانند.
۱۰۸- اینها آیات خداست که آن رابه حق برتو می خوانیم، و
خداوندهیچ ستمی برجهانیان نمی خواهد.
۱۰۹- وآنچه درآسمانهاوآنچه درزمین است ازآن خداست وهمه بسوی
خداوند بازگردانده میشود.
۱۱۰- شما بهترین امّتی هستیدکه برای مردم پدیدارشده اید،

به کارپسندیده امرمیکنید،وازکارزشت بازمی دارید،وبه خداایمان
دارید،واگراهل کتاب ایمان آورده بودندقطعاً برایشان بهتربود،
برخی ازآنان مومنند وبیشترشان نافرمانند.
۱۱۱- جزآزاری-اندک-هرگزبه شما زیانی نخواهندرسانید،واگرباشما
بجنگند،به شما پشت نمایند،سپس یاری نیابند.
۱۱۲- هرکجایافته شوند،به خواری دچارشده اند-مگرآنکه به پناه
امان خدا وزنهارمردم-وبه خشمی ازخداگرفتارآمدند،و-مُهر-بینوائی
برآنان زده شد.این بدان سبب بودکه به آیات خداکفرمی ورزیدندوپیامبران
رابه ناحق میکشتند،-ونیز-این-عقوبت-به سزای
آن بودکه نافرمانی کردندوازاندازه درمیگذشتند.
۱۱۳- (ولی همه آنان)یکسان نیستند،ازمیان اهل کتاب گروهی
درست کردارهستندکه آیات الهی را در دل شب میخوانندو
سربه سجده مینهند.
۱۱۴- به خداوروزقیامت ایمان دارند،وبه کارپسندیده فرمان
میدهندوازکارناپسندبازمی دارند،ودرکارهای نیک شتاب میکنند
وآنان ازشایستگانند.
۱۱۵-وهرکارنیکی انجام دهند،هرگزدرباره آن ناسپاسی نبینند،وخداوند به
حال پرواپیشگان داناست.
۱۱۶- کسانی که کفرورزیدند،هرگزاموالشان واولادشان چیزی-از
عذاب خدا-راازآنان دفع نخواهدکرد،وآنان اهل آتشندودرآن جاودانه
خواهندبود.
۱۱۷- مثل آنچه-آنان-درزندگی این دنیا-درراه دشمنی باپیامبر-خرج
میکنند،همانندبادی است که درآن،سرمای سختی است،که به کشتزارقومی که
برخودستم نموده اندبوزدوآن راتباه سازد،وخدا
به آنان ستم نکرده ،بلکه آنان خودبرخویشتن ستم کرده اند.

۱۱۸- ای کسانی که ایمان آورده اید،ازغیرخودتان-دوست و-همراز
مگیرید،-آنان-ازهیچ نابکاری درحق شما کوتاهی نمی ورزند.آرزو
دارندکه دررنج بیفتید.دشمنی ازلحن وسخنشان آشکاراست،وآنچه
سینه هایشان نهان میدارد،بزرگتراست.درحقیقت ما نشانه ها-ی دشمنی
آنان-رابرای شما بیان کردیم ،اگرتعقل کنید.
۱۱۹- هان،شما کسانی هستیدکه آنان رادوست داریدو-حال آنکه-
آنان شمارادوست ندارند،وشما به همه کتابها-ی خدا-ایمان دارید
وچون باشما برخوردکنندمیگویند: ایمان آوردیم. وچون-باهم-
خلوت کنند،ازشدت خشم برشما،سرانگشتان خودرامیگزند.بگو:
به خشم خودبمیرید، که خداوند به رازدرون سینه ها داناست.
۱۲۰- اگربه شماخوشی رسدآنان رابدحال میکندواگربه شما گزندی رسد بدان
شادمیشوند،واگرصبرکنیدوپرهیزکاری نمائید،نیرنگشان هیچ زیانی به شما
نمیرساند،یقیناً خداوندبه آنچه میکننداحاطه دارد.
۱۲۱- و-یادکن-زمانی راکه-درجنگ احد-بامدادان ازپیش کسانت
بیرون آمدی-تا-مومنان رابرای جنگیدن،درمواضع خودجای دهی،
وخداوند،شنوای داناست.
۱۲۲- آن هنگام که دوگروه ازشمابرآن شدندکه سستی ورزندبا
آنکه خدایاورشان بود،ومومنان بایدتنهابرخداتوکل کنند.
۱۲۳- ویقیناً خداشمارادر-جنگ-بدر-باآنکه ناتوان بودید-یاری کرد
.پس،ازخداپرواکنید،باشدکه سپاس گزاری نمائید.
۱۲۴- آنگاه که به مومنان میگفتی: آیاشمارابس نیست که
پروردگارتان،شما رابا سه هزارفرشته فرودآمده ،یاری کند؟
۱۲۵- آری ،اگرصبرکنیدوپرهیزکاری نمائیدوباهمین جوش-وخروش-
برشما بتازند،همانگاه پروردگارتان شماراباپنج هزارفرشته نشاندار
یاری خواهدکرد.

۱۲۶- وخداآن-وعده پیروزی-را،جزبشارتی برای شما قرارندادتا
-بدین وسیله شادمان شویدو-دلهای شما بدان آرامش یابد،
وپیروزی جزدرنزدخداوندتوانای حکیم نیست.
۱۲۷- تابرخی ازکسانی راکه کافرشده اندنابودکند،یاآنان را
خوارسازد،تانااامیدگردند.
۱۲۸- هیچ یک ازاین کارهادراختیارتونیست،یا-خدا-برآنان
میبخشاید،یاعذابشان میکند،زیراآنان ستمکارانند.
۱۲۹- وآنچه درآسمانهاوآنچه درزمین است ازآن خداست.
هرکه رابخواهدمی آمرزد،وهرکه رابخواهد عذاب میکند،و
خداوند،آمرزنده مهربان است.
۱۳۰- ای کسانی که ایمان آورده اید،ربارا-باسود-چندین برابر
مخورید،وازخداپرواکنید،باشدکه رستگارشوید.
۱۳۱- وازآتشی که برای کافران آماده شده است بترسید.
۱۳۲- خداورسول رافرمان برید،باشدکه مشمول رحمت قرارگیرید.
۱۳۳- وبرای نیل به آمرزشی ازپروردگارخود،وبهشتی که پهنایش
-به قدر-آسمانها وزمین است-و-برای پرهیزکاران آماده شده است بشتابید.
۱۳۴- همانان که درفراخی وتنگی انفاق میکنند،وخشم خودرا
فرومیبرند،وازمردم درمیگذرند،وخداوندنیکوکاران را دوست دارد.
۱۳۵- وآنان که چون کارزشتی کنند،یابرخودستم روادارند،خدا
رابه یادمی آورندوبرای گناهانشان آمرزش میطلبند-وچه کسی
جزخداگناهان را می آمرزد؟ وبرآنچه مرتکب شده اند،با آنکه
میدانند-که گناه است-پافشاری نمی کنند.
۱۳۶- آنان پاداششان آمرزشی ازجانب پروردگارشان وبوستانهایی
است که اززیرآن جویبارها روان است،جاودانه درآن بمانندوپاداش اهل عمل
چه نیکوست.

۱۳۷- قطعاًپیش ازشماسنّتهائی-بوده و- سپری شده است،پس
درزمین بگردیدوبنگریدکه فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده
است؟
۱۳۸- این-قرآن-برای مردم،بیانی،وبرای پرهیزکاران رهنمودو
اندرزی است.
۱۳۹- واگرمومنید،سستی مکنیدو غمگین مشوید،که شما برترید.
۱۴۰- اگربه شماآسیبی رسیده،آن قوم رانیزآسیبی نظیرآن رسید
ومااین روزها-ی شکست وپیروزی-رامیان مردم به نوبت
میگردانیم-تاآنان پندگیرند-وخداوندکسانی راکه -واقعاً-ایمان آورده اند معلوم
بدارد،وازمیان شما گواهانی بگیرد،وخداوندستمکاران
را دوست نمی دارد.
۱۴۱- وتاخداکسانی راکه ایمان آورده اندخالص گرداندوکافران را
- به تدریج-نابودسازد.
۱۴۲- آیا پنداشتندکه داخل بهشت میشوید ،بی آنکه خداوند
جهادگران وشکیبایان شمارامعلوم بدارد؟
۱۴۳- وشمامرگ را پیش ازآنکه باآن روبروشوید،سخت
آرزومیکردید،پس،آن را دیدیدو-همچنان- نگاه میکردید.
۱۴۴- ومحمّد ،جزفرستاده ای که پیش ازاو-هم- پیامبرانی-آمده
و-گذشتند،نیست،آیااگراوبمیردیاکشته شود،ازعقیده خودبرمیگردید؟
وهرکس ازعقیده خودبازگردد،هرگززیانی به خدانمی رساند،وبه زودی
خداوندسپاسگزاران راپاداش میدهد.
۱۴۵- وهیچ نفسی جزبه فرمان خدانمیرد.-خداوندمرگ را- به عنوان
سرنوشتی معیّن-مقرّرکرده است- وهرکه پاداش این دنیا رابخواهدبه اوازآن
میدهیم،وهرکه پاداش آن سرای رابخواهداز
آن به اومی دهیم،وبه زودی سپاسگزاران راپاداش خواهیم داد.

۱۴۶- وچه بسیارپیامبرانی که همراه اوتوده های
انبوه،کارزارنمودند،ودربرابرآنچه درراه خدابدیشان رسید،سستی
نورزیدندوناتوان نشدند،وتسلیم-دشمن-نگردیدند،وخداوند،شکیبایان
رادوست دارد.
۱۴۷- وسخن آنان جزاین نبودکه گفتند:پروردگارا،گناهان ماوزیاده روی ما
درکارمان رابرمابببخش ،وگامهای مارااستواردار،ومارابرگروه کافران یاری
ده.
۱۴۸- پس خداوند،پاداش این دنیاوپاداش نیک آخرت رابه آنان
عطاکرد،وخداوندنیکوکاران رادوست دارد.
۱۴۹- ای کسانی که ایمان آورده اید،اگرازکسانی که کفرورزیده انداطاعت
کنید،شمارا ازعقیده تان بازمی گردانندوزیانکارخواهید
گشت.
۱۵۰- آری خداوندمولای شماست،واو بهترین یاری کنندگان است.
۱۵۱- بزودی دردلهای کسانی که کفرورزیده اندبیم خواهیم افکند
زیراچیزی راباخداشریک گردانیده اندکه بر-حقّانیت-آن-خداوند-دلیلی نازل
نکرده است،وجایگاهشان آتش
است،وجایگاه ستمگران چه بداست.
۱۵۲- و-درنبرداحد- قطعاً خداوعده خودراباشما راست گردانید،
آنگاه که به فرمان او،آنان رامیکشتید،تاآنکه سست شدیدودرکار
-جنگ وبرسرتقسیم غنائم-بایکدیگربه نزاع پرداختید،وپس ازآنکه
آنچه رادوست داشتید-یعنی غنائم-به شما نشان داد،نافرمانی
نمودید،برخی ازشمادنیاراوبرخی ازشما آخرت رامیخواهد.سپس
برای آنکه شمارابیازماید،از-تعقیب-آنان منصرفتان کردوازشما
درگذشت وخدانسبت به مومنان باتفضّل است.
۱۵۳- (یادکنید)هنگامی راکه درحال گریز-ازکوه بالامیرفتیدوبه

هیچ کس توجّه نمیکردیدوپیامبر،شمارا ازپشت سرتان
فرامیخواند،پس-خداوند-به سزای-این بی انضباطی-غمی بر
غمتان-افزود-تاسرانجام برآنچه ازکف داده ایدوبرای آنچه به
شمارسیده است اندوهگین نشویدوخداونداز آنچه میکنیدآگاه
است.
۱۵۴- سپس-خداوند-بعدازآن اندوه،آرامشی-به صورت-خواب سبکی
برشمافروفرستاد،که گروهی ازشمارافراگرفت،وگروهی-تنها-درفکر
جان خودبودند،ودرباره خداگمانهای ناروا،همچون گمانهای جاهلیّت
میبردند.میگفتند:آیا مارادراین کاراختیاری هست؟بگو: سررشته
کارهاهمه به دست خداست،آنان چیزی رادردلهایشان پوشیده
میداشتند،که برای توآشکارنمی کردند.میگفتند:اگرمارا دراین کار
اختیاری بود-و وعده پیامبرواقعیّت داشت-دراینجاکشته
نمیشدیم.بگو:اگرشمادرخانه های خودهم بودید،کسانی که
کشته شدن برآنان نوشته شده ،قطعاً-باپای خود-بسوی
قتلگاههای خویش میرفتند،و-اینها-برای این است که خداوند
آنچه رادردلهای شماست-درعمل-بیازمایدوآنچه رادرقلبهای شماست
پاک گرداندوخداوند به راز سینه ها آگاه است.
۱۵۵- روزی که دوگروه-دراحد-باهم رویاروی شدند،کسانی که
ازمیان شما-به دشمن-پشت کردند،درحقیقت جزاین نبودکه به
سبب پاره ای ازآنچه-ازگناه-حاصل کرده بودند،شیطان آنان را
بلغزانیدوقطعاً خدا ایشان را عفونمود،زیراخداوند آمرزنده بردبار
است.
۱۵۶- ای کسانی که ایمان آورده اید،همچون کسانی نباشیدکه
کفرورزیدند،وبه برادرانشان هنگامی که به سفررفته ودرسفرمردندویا
جهادگرشدند-وکشته شدند-گفتند:اگرنزدما-مانده

-بودند،نمی مردند،وکشته نمی شدند،-شماچنین سخنانی نگوئید-
تاخداآن را دردلهایشان حسرتی قراردهد وخدا-ست که-زنده
میکندومی میراند، وخدا-ست که-به آنچه انجام میدهید بیناست.
۱۵۷- واگردرراه خداکشته شوید یا بمیرید،قطعاً آمرزش خداورحمت
اواز-همه-آنچه -آنان-جمع میکنند بهتراست.
۱۵۸- واگر-درراه جهاد-بمیریدیاکشته شوید،قطعاً بسوی خداوند
گردآورده خواهیدشد.
۱۵۹- پس به -برکت-رحمت الهی باآنان نرمخو-وپرمهر-شدی
واگرتندخووسختدل بودی قطعاً ازپیرامون توپراکنده میشدند،
پس ازآنان درگذروبرایشان آمرزش بخواه ودرکار-ها-باآنان
مشورت کن،وچون تصمیم گرفتی برخداتوکّل کن زیراخداوند
توکّل کنندگان رادوست میدارد.
۱۶۰- اگرخداوندشمارا یاری کند،هیچ کس برشما غالب نخواهدشدواگردست
ازیاری شمابردارد،چه کسی بعدازاوشما
را یاری خواهدکرد؟ومومنان بایدتنهابرخداتوکل کنند.
۱۶۱- وهیچ پیامبری رانسزدکه خیانت ورزد،وهرکس خیانت
ورزد،روزقیامت باآنچه درآن خیانت کرده بیابد،آنگاه به هر
کس -پاداش-آنچه کسب کرده به تمامی داده میشود،وبرآنان
ستم نرود.
۱۶۲- آیاکسی که خشنودی خداراپیروی میکند،مانندکسی است
که به خشمی ازخدادچارگردیده وجایکاهش جهنّم است؟وچه
بد بازگشتگاهی است.
۱۶۳- (هریک از)ایشان رانزدخداونددرجاتی است،وخدابه آنچه
میکنند بیناست.
۱۶۴- به یقین،خدا برمومنان منّت نهاد-که-پیامبری ازخودشان

درمیان آنان برانگیخت،تاآیات خودرابرایشان بخواندوپاکشان
گرداند وکتاب وحکمت به آنان بیاموزد،قطعاً پیش ازآن درگمراهی آشکاری
بودید.
۱۶۵- آیاچون به شما-درنبرداحد-مصیبتی رسید،-باآنکه درنبرد
بدر-دوبرابرش را-به دشمنان خود-رساندید-گفتید:این-مصیبت-
ازکجا-به مارسید-بگو: آن از خودشما -وناشی ازبی انضباطی
خودتان-است.آری خدابه هرچیزی تواناست.
۱۶۶- وروزی که -دراحد-آن دوگروه باهم برخوردکردند،آنچه
به شمارسیدبه اذن خدابود-تاشمارابیازماید-ومومنان رامعلوم
نماید.
۱۶۷- همچنین کسانی راکه دورویی نمودند-نیز-معلوم بدارد
وبه ایشان گفته شد:بیائید درراه خدا بجنگیدیا دفاع کنید
گفتند: اگرجنگیدن میدانستیم مسلّماً ازشما پیروی میکردیم.
آن روز،آنان به کفرنزدیکتربودندتا به ایمان،به زبان خویش چیزی میگفتندکه
دردلهایشان نبود،وخدابه آنچه می نهفتنددانات‌راست.
۱۶۸- همان کسانی که-خوددرخانه-نشستندودرباره دوستان خود
گفتند: اگرازماپیروی میکردندکشته نمیشدند. بگو: اگرراست
میگوئیدمرگ را ازخودتان دورکنید.
۱۶۹- هرگزکسانی راکه درراه خداکشته شده اند،مرده مپندار،بلکه
آنان زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده میشوند.
۱۷۰- به آنچه خداازفضل خودبه آنان داده است شادمانند وبرای
کسانی که ازپی ایشانند وهنوزبه آنان نپیوسته اند شادی میکنندکه نه ترسی
برایشان است ونه اندوهگین میشوند.
۱۷۱- برنعمت وفضل خدا واینکه خداوندپاداش مومنان راتباه
نمی گرداند،شادی میکنند.

۱۷۲- کسانی که-درنبرداحد-پس ازآنکه زخم برداشته بودند،دعوت
خداوپیامبررا اجابت کردند،برای کسانی ازآنان که نیکی وپرهیزکاری
کردندپاداشی بزرگ است.
۱۷۳- همان کسانی که مردم به ایشان گفتند: مردمان برای- جنگ با-شما
گردآمده اند،پس ازآن بترسید.و-لی این سخن-
برایمانشان افزودوگفتند:خدامارابس است ونیکوحمایتگری است.
۱۷۴- پس بانعمت وبخششی ازجانب خدا-ازمیدان نبرد-بازگشتند،درحالی که
هیچ آسیبی به آنان نرسیده بودوهمچنان خشنودی خدارا‌پیروی
کردند،وخداوندصاحب بخشش عظیم است.
۱۷۵- درواقع این شیطان است که دوستانش را می ترساند،پس
اگرمومنید ازآنان مترسید وازمن بترسید.
۱۷۶- وکسانی که درکفرمیکوشندتورا اندوهگین نسازند،که آنان هرگزبه
خداهیچ زیانی نمی رسانند،خداوندمیخواهددرآخرت برای
آنان بهره ای قرار ندهد،وبرای ایشان عذابی بزرگ است.
۱۷۷- درحقیقت کسانی که کفررابه ایمان خریدند،هرگزبه خداوند
هیچ زیانی نخواهندرسانیدوبرای آنان عذابی دردناک است.
۱۷۸- والبته نبایدکسانی که کافرشده اندتصورکننداینکه به ایشان
مهلت میدهیم تابرگناه بیفزایند،وعذابی خفّت آورخواهندداشت.
۱۷۹- خدابرآن نیست که مومنان رابه این-حالی-که شما برآن
هستیدواگذارد،تاآنکه پلیدراازپاک جداکندوخدا برآن نیست که شمارا ازغیب
آگاه گرداند،ولی خداازمیان فرستادگانش هرکه را
بخواهدبرمی گزیند.پس به خداوپیامبرانش ایمان
بیاورید،واگربگرویدوپرهیزکاری کنید،برای شما پاداشی بزرگ خواهدبود.
۱۸۰- وکسانی که به آنچه خداازفضل خودبه آنان عطاکرده بخل
میورزند،هرگزتصورنکنندکه آن-بخل-برای آنان خوب است،بلکه

برایشان بداست.بزودی آنچه که به آن بخل ورزیده اند،روزقیامت طوق گردنشان میشود،میراث آسمانهاوزمین ازآن خداست وخدا به آنچه میکنیدآگاه است.
۱۸۱- مسلّماً خداوندسخن کسانی راکه گفتند : خدانیازمنداست وماتوانگریم.شنید،بزودی آنچه راگفتندوبناحق کشتن پیامبران ازسوی ایشان را خواهیم نوشت وخواهیم گفت: بچشیدعذاب سوزان را.
۱۸۲- این-عقوبت-به خاطرکاروکردارپیشین شماست-وگرنه-خداوند هرگزنسبت به بندگان ظلم کننده نیست.
۱۸۳- همانان که گفتند: خداباماپیمان بسته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم مگر برای ما قربانیی بیاوردکه آتش-آسمانی-آن را-به نشانه قبول-بسوزاند. بگو:قطعاً پیش ازمن پیامبرانی بودندکه دلایل آشکاررابا آنچه گفتند،برای شما آوردند،اگرراست میگوئید پس چرا آنان را کشتید؟
۱۸۴- پس اگرتوراتکذیب کردند،بدان که پیامبرانی-هم- که پیش ازتو،دلایل روشن ونوشته ها وکتاب روشن آورده بودند،تکذیب شدند.
۱۸۵- هرجانداری چشنده-طعم-مرگ است،وهماناروزرستاخیز پاداش هایتان بطورکامل به شما داده میشود،پس هرکه رااز آتش به دوردارندودربهشت درآورندقطعاً کامیاب شده است وزندگی دنیا جزمایه فریب نیست.
۱۸۶- قطعاً درمالهاوجانهایتان آزموده خواهیدشدوازکسانی که پیش ازشما به آنان کتاب داده شده و-نیز-ازکسانی که به شرک گراییده اند،-سخنان دل-آزاربسیاری خواهید شنید،و-لی-اگرصبرکنید وپرهیزکاری نمایید،این-ایستادگی-حاکی ازعزم

استوار-شما-درکارهاست.
۱۸۷- و-یادکن-هنگامی راکه خداوندازکسانی که به آنان کتاب
داده شده پیمان گرفت که حتمأبایدآن را -به وضوح- برای
مردم بیان نمائید وکتمانش مکنید،پس آن-عهد-را پشت
سرخودانداختندودربرابرآن،بهائی ناچیزبدست آوردند،وچه
بدمعامله ای کردند.
۱۸۸- البته گمان مبرکسانی که بدانچه کرده اندشادمانی میکنند
ودوست دارندبه آنچه نکرده اندموردستایش قرارگیرند،
قطعاً گمان مبرکه برای آنان نجاتی ازعذاب است-که- عذابی
دردناک خواهندداشت.
۱۸۹- وفرمانروایی آسمانها وزمین ازآن خداست،وخداوند
برهرچیزی تواناست.
۱۹۰- مسلّماً درآفرینش آسمانهاوزمین،ودر پی یکدیگرآمدن شب
وروز برای خردمندان نشانه هایی-قانع کننده-است.
۱۹۱- همانان که خدارا-درهمه احوال-ایستاده ونشسته وآرمیده
به پهلویادمیکنند،ودرآفرینش آسمانهاوزمین می اندیشند-که-
پروردگارا،اینها رابیهوده نیافریدی ،منزهی تو،پس ما را ازعذاب
آتش دوزخ درامان بدار.
۱۹۲- پروردگارا،هرکه راتودرآتش درآوری،یقیناً رسوایش کرده ای
وبرای ستمکاران یاورانی نیست.
۱۹۳- پروردگارا،ماشنیدیم که دعوتگری به ایمان فرامیخواندکه:
به پروردگارخودایمان آورید. پس ایمان آوردیم ،پروردگارا ،گناهان
مارابیامرز،وبدیهای مارا بزدای ومارا درزمره نیکان بمیران.
۱۹۴- پروردگارا وآنچه راکه به وسیله فرستادگانت به ما وعده
داده ای به ما عطافرما،ومارا روزرستاخیزرسوامگردان زیراتودر

وعده ات خلاف نمیکنی.
۱۹۵- پس،پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد-وفرمودکه- من
عمل هیچ صاحب عملی ازشمارا، ازمردیازن،که همه از
یکدیگرید،تباه نمیکنم.پس، کسانی که هجرت کرده وازخانه های
خودرانده شده ودرراه من آزاردیده وجنگیده وکشته شده اند
بدیهایشان راازآنان میزداییم وآنان رادرباغهایی که اززیرآن نهرها
روان است درمی آوریم،-این-پاداشی است ازجانب خدا
وپاداش نیک نزد خداست.
۱۹۶- مبادارفت وآمد-وجنب وجوش-کافران درشهرهاتورا
دستخوش فریب نکند.
۱۹۷- (این)کالای ناچیز(وبرخورداری اندکی)است،سپس جایگاهشان
دوزخ است،وچه بدقرارگاهی است.
۱۹۸- ولی کسانی که پروای پروردگارشان راپیشه ساخته اندباغهایی
خواهندداشت که اززیرآن نهرها روان است.درآنجاجاودانه
بمانند-این-پذیرایی ازجانب خداست وآنچه
نزدخداست برای نیکان بهتراست.
۱۹۹- والبته ازمیان اهل کتاب کسانی هستندکه به خداوبدانچه
بسوی شما نازل شده وبه آنچه بسوی خودشان فرودآمده ایمان
دارند،درحالی که دربرابرخداخاشعند،وآیات خدارا به بهای ناچیزی نمی
فروشند.اینانندکه نزدپروردگارشان پاداش خودرا خواهند
داشت،آری خداوند به حساب ،سریع رسیدگی کننده است.
۲۰۰ ای کسانی که ایمان آورده اید،صبرکنیدوایستادگی ورزیدو
مرزهارانگهبانی کنیدوازخداپروانمایید،امیداست که رستگارشوید.

نساء (زنان)

بسم الله الرّحمن الرّحیم

بنام خداوند بخشنده مهربان

۱- ای مردم ازپروردگارتان که شمارا ازنفس واحدی آفرید وجفتش

را-نیز-ازاوآفرید وازآن دو،مردان وزنان بسیاری پراکنده
کرد،پروادارید،وازخدایی که به-نام-او ازهمدیگردرخواست میکنید
پروانمایید،وزنهارازخویشاوندان مبریدکه خداهمواره برشما نگهبان
است.

۲- واموال یتیمان رابه آنان-باز-دهید،و-مال پاک-و-مرغوب آنان-
رابا-مال-ناپاک-خود-عوض نکنید،واموال آنان راهمراه بااموال خودمخورید
که این گناهی بزرگ است.

۳- واگردراجرای عدالت میان دختران یتیم بیمناکید،هرچه از
زنان-دیگر-که شمارا پسندافتاد،دو دو، سه سه، چهارچهار، به زنی
گیرید،پس اگربیم داریدکه به عدالت رفتارنکنید،به یک
-زن آزاد-یابه آنچه -ازکنیزان-مالک شده اید-اکتفاکنید-این
-خودداری-نزدیکتراست تا به ستم گرایید.-وبیهوده عیال وارگردید.-

۴- ومهرزنان رابه عنوان هدیه ای ازروی طیب خاطربه
ایشان بدهید،واگربه میل خودشان چیزی ازآن رابه شما واگذاشتند،آن راحلال
وگوارابخورید.

۵- واموال خودرا-که خداوندآن راوسیله قوام شما قرارداده-
به سفیهان مدهیدو-لی-ازعواید-آن به ایشان بخورانیدوآنان
راپوشاک دهیدوباآنان سخنی پسندیده بگویید.

۶- ویتیمان رابیازمیدتاوقتی به-سن-زناشویی برسندپس اگر
درایشان رشد-فکری-یافتیداموالشان رابه آنان ردکنیدوآن را
-ازبیم آنکه-مبادا-بزرگ شوندبه اسراف وشتاب مخوریدوآن

کس که توانگراست باید-ازگرفتن اجرت سرپرستی-خودداری
ورزد،وهرکس تهیدست است بایدمطابق عرف-ازآن-بخورد،پس
هرگاه اموالشان رابه آنان ردکردیدبرایشان گواه بگیرید،خداوند
برای حسابرسی کافیست.
۷- برای مردان ازآنچه پدرومادروخویشاوندان-آنان-برجای
گذاشته اندسهمی است وبرای زنان-نیز-ازآنچه
پدرومادروخویشاوندان-آنان-برجای گذاشته اندسهمی -خواهدبود-
خواه آن -مال-کم باشدیا زیاد،نصیب هرکس مشخص شده است.
۸- وهرگاه خویشاوندان یتیمان ومستمندان درتقسیم-ارث-حاضر
شدند،-چیزی-ازآن رابه ایشان ارزانی داریدوباآنان سخنی پسندیده گویید.
۹- وآنان که اگرفرزندان ناتوانی ازخودبرجای بگذارندبر-آینده-
آنان بیم دارند،باید-ازستم بریتیمان مردم نیز-بترسند.پس باید
ازخداپروادارندوسخنی-بجاو-درست گویند.
۱۰- درحقیقت کسانی که اموال یتیمان رابه ستم میخورندجز
این نیست که آتشی درشکم خودفرومیبرندوبه زودی درآتشی
فروزان درآیند.
۱۱- خداوندبه شما درباره فرزندانتان سفارش میکند،سهم پسر
چون سهم دودختر است،واگر-همه ورثه-دختر-و-ازدوتن بیشترباشند،سهم
آنان دوسوم ماترک است،واگر-دختری که ارث میبرد-یکی باشد،نیمی
ازمیراث ازآن اوست،وبرای هریک ازپدرومادروی-متوفّی-یک ششم
ازماترک-مقرّرشده-است.این درصورتی است که -متوفّی-فرزندی داشته

باشد،ولی اگرفرزندی

نداشته باشدو-تنها-پدرومادرش ازاوارث برند،برای مادرش یک

سوم است-وبقیه راپدرمیبرد-واگراوبرادرانی داشته باشد،مادرش

یک ششم میبرد،-البته همه اینها-پس ازانجام وصیتی است که اوبدان سفارش

کرده یا دَینی-که بایداستثناء بشود-شما نمیدانید

پدران وفرزندانتان کدام یک برای شما سودمندترند.-این-فرضی

است ازجانب خدا،زیراخداونددانای حکیم است.

۱۲- ونیمی ازمیراث همسرانتان ازآن شما-شوهران-است.اگرآنان

فرزندی نداشته باشند،واگرفرزندی داشته باشند یک چهارم ازمیراث

شمابرای آنان است،اگرشما فرزندی نداشته باشید،واگرفرزندی داشته

باشید،یک هشتم برای میراث شما ازایشان

خواهدبود،-البته-پس ازانجام وصیتی که بدان سفارش کرده اید

یا دَینی-که بایداستثناشود-واگرمردیازنی ازاوارث میبرند،کلاله

-یعنی بی فرزند وبی پدرومادر-باشدوبرای اوبرادریاخواهری

باشد،پس برای هریک ازآن دو،یک ششم-ماترک-است واگرآنان

بیش ازاین باشند دریک سوم-ماترک-مشارکت دارند،-البته-پس

ازانجام وصیتی که بدان سفارش شده یا دَینی که-بایداستثنا

شود،به شرط آنکه ازاین طریق-زیانی-به ورثه-نرساند.این است

سفارش خداوخداست که دانای بردباراست.

۱۳- اینهااحکام الهی است،وهرکس ازخداوپیامبراواطاعت کند،

وی را به باغهایی درآوردکه اززیرآن نهرها روان است،درآن

جاودانه اند،واین همان کامیابی بزرگ است.
۱۴- وهرکس ازخداوپیامبراو نافرمانی کند وازحدود مقرّر او تجاوزنماید،وی را درآتشی درآوردکه همواره درآن خواهدبود وبرای اوعذابی خفّت آوراست.
۱۵- واززنان شما،کسانی که مرتکب زنا میشوند،چهارتن ازمیان خود-مسلمانان-برآنان گواه گیرید،پس اگرشهادت دادند آنان-زنان-رادرخانه ها نگاه داریدتا مرگشان فرارسدیا خداراهی برای آنان قراردهد.
۱۶- وازمیان شما آن دوتن راکه مرتکب زشتکاری میشوند،آزارشان دهید،پس اگرتوبه کردند ودرستکارشدند ازآنان صرفنظر کنید،زیراخداوندتوبه پذیرمهربان است.
۱۷- توبه نزدخداوند،تنهابرای کسانی است که ازروی نادانی مرتکب گناه میشوند،سپس به زودی توبه می کنند،ایناننذکه خدا
توبه شان را می پذیردوخداوند دانای حکیم است.
۱۸- وتوبه کسانی که گناه میکنندتاوقتی که مرگ یکی از ایشان در رسد،میگوید اکنون توبه کردم،پدیرفته نیست.و-نیزتوبه-کسانی که درحال کفرمی میرند،پذیرفته نخواهدبود،آنانندکه برایشان عذابی دردناک آماده کرده ایم.
۱۹- ای کسانی که ایمان آورده اید،برای شما حلال نیست که زنان رابه اکراه ارث برید،وآنان رازیرفشارمگذاریدتا بخشی ازآنچه رابه آنان داده اید-ازچنگشان به در-برید.مگرآنکه مرتکب

زشتکاری آشکاری شوند،وباآنهابه شایستگی رفتارکنید،واگرازآنان
خوشتان نیامدپس چه بسا چیزی را خوش نمی داریدوخدا
درآن مصلحت فراوان قرارمیدهد.
۲۰- واگرخواستیدهمسری -دیگر-به جای همسر-پیشین خود-ستانید
وبه یکی ازآنان مال فراوانی داده باشید،چیزی ازاوپس مگیرید
آیا میخواهیدآن-مال-رابه بهتان وگناه آشکاربگیرید؟
۲۱- وچگونه آن-مَهر-را میستانیدباآنکه ازیکدیگرکام گرفته اید،وآنان ازشما
پیمانی استوارگرفته اند؟
۲۲- وبازنانی که پدرانتان به ازدواج خوددرآورده اند،نکاح مکنید
،مگرآنچه که پیشتررخ داده است،چراکه آن زشتکاری و-مایه-دشمنی ،وبد
راهی بوده است.
۲۳- (نکاح اینان)برشما حرام شده است ،مادرانتان ودخترانتان
وعمه هایتان وخاله هایتان ودختران برادر،ودختران خواهر،
ومادرهایتان که به شما شیرداده اند،وخواهران رضاعی شما،ومادران
زنانتان ودختران همسرتان که- آنهادختران-در دامان شما
پرورش یافته اندوبا آن همسران همبسترشده اید-پس اگربا آنها
همبسترنشده ایدبرشماگناهی نیست-که با دخترانشان ازدواج کنید- وزنان
پسرانتان که ازپشت خودتان هستند،وجمع دوخواهر
باهمدیگر-مگرآنچه که درگذشته رخ داده باشد-که خداوند آمرزنده مهربان
است.
۲۴- وزنان شوهردار-نیزبرشما حرام شده است-به استثنای زنانی

که مالک آنان شده اید-این-فریضه الهی است که بر شما مقرّر
گردیده است وغیرازاین-زنان نامبرده-برای شما حلال است که
-زنان دیگر-را به وسیله اموال خود طلب کنید-درصورتی که
پاکدامن باشیدوزناکارنباشید-وزنانی راکه متعه کرده اید،مهرشان
رابه عنوان فریضه ای به آنان بدهید،وبرشما گناهی نیست که
پس از-تعیین مبلغ-مقرّر بایکدیگرتوافق کنید-که مدت عقدیامهر
را کم یا زیادکنید-مسلماً خداوند دانای حکیم است.
۲۵- وهرکس ازشماازنظرمالی نمی تواندزنان-آزاد-پاکدامن باایمان
رابه همسری درآورد،پس با دختران جوانسال باایمان شماکه
مالک آنان هستید-ازدواج کند- وخدابه ایمان شما داناتراست
-همه-ازیکدیگرید.پس آنان رابااجازه خانواده شان به همسری
-خود-درآورید ومهرشان رابه طورپسندیده به آنان بدهید-به
شرط آنکه-پاکدامن باشندنه زناکار،ودوست گیران پنهانی نباشند
پس چون به ازدواج درآمدند ،اگرمرتکب فحشاشدند،پس برآنان
نیمی ازعذاب-مجازات-زنان آزاداست.این برای کسی ازشماست
که ازآلایش گناه بیم داردوصبرکردن برای شما بهتراست
خداوندآمرزنده مهربان است.
۲۶- خدامیخواهدبرای شما توضیح دهدوراه کسانی راکه پیش
ازشما بوده اند به شما بنمایاندوبرشما ببخشاید وخدا دانای حکیم است.
۲۷- خدامیخواهدتابرشما ببخشایدوکسانی که ازخواسته ها
-ی نفسانی- پیروی میکنند میخواهند شما دستخوش انحراف

بزرگ شوید.

۲۸- خدامیخواهدتا بارتان راسبک گرداند،و-میداندکه-انسان ناتوان

آفریده شده است.

۲۹- ای کسانی که ایمان آورده اید،اموال همدیگررابه ناروامخورید-مگرآنکه

دادوستدی با تراضی یکدیگر،ازشما-انجام

گرفته باشد-وخودتان رامکشید،زیراخداوندهمواره باشما مهربان

است.

۳۰- وهرکس ازروی تجاوزوستم چنین کند،به زودی وی را در

آتشی درآوریم ،واین کاربرخداآسان است.

۳۱-اگرازگناهان بزرگی که ازآن-ها- نهی شده اید،دوری کنید،

بدیهای شما راازشما می زداییم وشما رادرجایگاهی ارجمند

درمی آوریم.

۳۲- وزنهار، آنچه راخداوند به-سبب-آن بعضی ازشمارا بر

بعضی-دیگر-برتری داده آرزومکنید.برای مردان ازآنچه -به اختیار-

کسب کرده اندبهره ای است وازفضل خدا درخواست کنید،که خدابه

هرچیزی داناست.

۳۳- وازآنچه پدرومادروخویشاوندان،وکسانی که شما-باآنان-پیمان

بسته اید،برجای گذاشته اند،برای هریک-ازمردان وزنان-وارثانی

قرارداده ایم،پس نصیبشان رابه ایشان بدهید،زیراخداوندهمواره

برهرچیزی گواه است.

۳۴- مردان،سرپرست زنانند،به دلیل آنکه خدابرخی ازایشان رابر

برخی برتری داده و-نیز-به دلیل آنکه ازاموالشان خرج میکنند،
پس زنان درستکار،فرمانبردارند-و-به پاس آنچه خدا-برای آنان-
حفظ کرده،اسرار-شوهران خود-را حفظ میکنند،وزنانی راکه از
نافرمانی آنان بیم دارید-نخست-پندشان دهیدو-بعد-درخوابگاهها
ازایشان دوری کنیدو-اگرتاثیرنکرد-آنان را بزنید،پس اگرشمارااطاعت
کردند-دیگر-برآنهاهیچ راهی-برای سرزنش-مجویید
،که خدا والای بزرگ است.

۳۵- واگرازجدایی میان آن دو -زن وشوهر-بیم داریدپس داوری
ازخانواده آن -شوهر-وداوری ازخانواده آن-زن- تعیین کنید،اگر
سرسازگاری دارند،خدا میان آن دو سازگاری خواهدداد،آری خداوند دانای
آگاه است.

۳۶- وخدارابپرستیدوچیزی رابااوشریک مگردانید،وبه پدرومادراحسان
کنید،ودرباره خویشاوندان ویتیمان ومستمندان
وهمسایه خویش وهمسایه بیگانه وهمنشین ودرراه مانده وبردگان خود-نیکی
کنید-که خدا کسی راکه متکبّروفخرفروش
است را دوست نمی دارد.

۳۷- همان کسانی که بخل میورزند،ومردم رابه بخل وامیدارند،وآنچه
راخداوندازفصل خویش به آنهارزانی داشته را کتمان
مینمایند،وبرای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده ایم.

۳۸- وکسانی که اموالشان رابرای نشان دادن به مردم انفاق
میکنند،وبه خدا وروزبازپسین ایمان ندارند،وهرکس شیطان یاراوباشد،چه

همدم بدی است.

۳۹- واگربه خدا وروزبازپسین ایمان می آوردند،وازآنچه خدابه آنان داده

انفاق میکردند،چه زیانی برایشان داشت؟ وخدابه -کار-آنان داناست.

۴۰- درحقیقت خداوند به مقدار کوچکترین ذره ای ستم نمیکندواگر-آن ذره

کار-نیکی باشد دوچندان میکند، وازنزدخویش پاداشی بزرگ میبخشد.

۴۱- پس چگونه است-حالشان-آنگاه که از هرامّتی شاهدی آوریم

وتورا برآنان شاهدگیریم؟

۴۲- آن روز،کسانی که کفر ورزیده اند،وازپیامبرنافرمانی کرده اند،آرزو

میکنندکه ای کاش باخاک یکسان میبودند،وازخداوندهیچ

سخنی رانمیتوان پوشیده داشت.

۴۳- ای کسانی که ایمان آورده اید،درحال مستی به نمازنزدیک

نشویدتازمانی که بدانیدچه میگویید،و-نیز-درحال جنابت-واردنمازنشوید-

مگراینکه مسافرباشید-تا غسل کنید،واگربیماریدیادرسفرید یا یکی ازشما

ازقضای حاجت آمدیا بازنان

آمیزش کرده اید وآب نیافته اید،پس برخاکی پاک تیمّم کنید

وصورت ودستهایتان رامسح نماییدکه خداوند بخشنده وآمرزنده است.

۴۴- آیابه کسانی که بهره ای ازکتب یافته اند ننگریستی؟

گمراهی را میخرندومیخواهندشما-نیز- گمراه شوید.

۴۵- وخدابه دشمنان شما داناتراست،کافیست که خداسرپرست

باشدوکافیست که خداوندیاورباشد.

۴۶- برخی ازآنان که یهودی اند،کلمات را ازجاهای خودبرمی گردانند،وبا

پیچاندن زبان خودوبه قصدطعنه زدن دردین میگویند: شنیدیم ونافرمانی کردیم ،وبشنو-که کاش- ناشنواگردی.

و-نیزازروی استهزاء میگویند: "راعنا" -که درعربی به یعنی به ما التفات کن،ولی درعبری یعنی :خبیث ما- واگرآنان میگفتند:شنیدیم وفرمان بردیم وبشنو وبه ما بنگر،قطعاً برای آنان بهترودرست تربود،ولی خدا آنان رابه علت کفرشان لعنت کرد ودرنتیجه جز-گروهی-اندک ایمان نمی آورند.

۴۷- ای کسانی که به شما کتاب داده شده است،به آنچه فرو فرستادیم وتصدیق کننده همان چیزی است که باشماست،ایمان بیاورید،پیش ازآنکه چهره هائی رامحوکنیم ودرنتیجه آنهارابه قهقرا بازگردانیم،یاهمچنانکه

"اصحاب سبت" رالعنت کردیم ،آنان

رالعنت کنیم،،وفرمان خداهمواره تحقق می پذیرد.

۴۸- مسلّماً خدا،این راکه به اوشرک ورزیده شود

نمی بخشایدوغیرازآن رابرای هرکه بخواهدمی بخشاید،وهرکس به خداشرک ورزد،به یقین گناهی بزرگ مرتکب شده است.

۴۹- آیابه کسانی که خویشتن راپاک میشمارندننگریسته ای؟

-چنین نیست- بلکه خداست که هرکه رابخواهدپاک میگرداند

وبه قدرنخ روی هسته خرمائی ستم نمی بینند.

۵۰- ببین چگونه برخدادروغ میبندند،وبس است که این ،یک گناه آشکارباشد.

۵۱- آیاکسانی راکه ازکتاب نصیبی یافته اند ندیده ای؟ که به جبت وطاغوت
ایمان دارند ،ودرباره کسانی که کفرورزیده اند
میگویند: "اینان ازکسانی که ایمان آورده اند راه یافته ترند"
۵۲- اینان هستند که خدا لعنتشان کرده وهرکه راخدالعنت کند
هرگزبرای اویاوری نخواهی یافت.
۵۳- آیاآنان نصیبی ازحکومت دارند؟-اگرهم داشتند- به قدرنقطه پشت هسته
خرمائی به مردم نمی دادند.
۵۴- بلکه به مردم برای آنچه خداازفضل خویش به آنان عطاکرده رشک می
ورزند،درحقیقت مابه خاندان ابراهیم کتاب وحکمت دادیم ،وبه آنان ملکی
بزرگ بخشیدیم.
۵۵- پس برخی ازآنان به وی ایمان آوردند وبرخی ازایشان ازاو
روی برتافتند،و-برای آنان- دوزخ پرشراره بس است.
۵۶- به زودی کسانی راکه به آیات ماکفرورزیده اند،درآتشی-سوزان-
درآوریم که هرچه پوستشان بریان گردد،پوستهای دیگری برجایش نهیم
تاعذاب رابچشند.آری،خداوند توانای حکیم است.
۵۷- وبزودی کسانی راکه ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند
درباغهایی که اززیرآن نهرها روان است درآوریم.برای همیشه درآن
جاودانند ودرآنجاهمسرانی پاکیزه دارند،وآنان رادرسایه ای پایداردرآوریم.
۵۸- خدابه شمافرمان میدهدکه امانت ها را به صاحبان آنها برگردانید،وچون
میان مردم داوری میکنید،به عدالت داوری کنید
درحقیقت نیکوچیزی است که خداشمارابه آن پندمیدهد.خداوند

شنوای بیناست.
۵۹- ای کسانی که ایمان آورده ایدخدا را اطاعت کنیدوپیامبرواولیای
امرخودرا-نیز-اطاعت کنید،پس هرگاه درامری
اختلاف نظریافتیداگربه خدا وروزبازپسین ایمان دارید،آن را به خدا
وپیامبرعرضه بدارید،این بهترونیک فرجام تراست.
۶۰- آیا ندیده ای کسانی راکه میپندارندبه آنچه بسوی تو نازل
شده وآنچه پیش ازتونازل گردیده ایمان آورده اند-بااین همه-
میخواهند داوری میان خودرابه سوی طاغوت ببرند،باآنکه قطعاً
فرمان یافته اندکه بدان کفرورزند،و-لی-شیطان میخواهدآنان رابه
گمراهی دوری دراندازد.
۶۱- وچون به ایشان گفته شود: به سوی آنچه خدانازل کرده وبسوی
پیامبر-او-بیایید، منافقان را میبینی که از توسخت روی برمی تابند.
۶۲- پس چگونه هنگامی که به -سزای- کاروکردار پیشینیان مصیبتی به آنان
میرسد،نزدتومی آیندوبه خداسوگندمیخورندکه ما جزنیکویی وموافقت قصدی
نداشتیم؟
۶۳- اینان همان کسانندکه خدامیداندچه دردل دارندپس ازآنان
روی برتاب و-لی-پندشان ده، وباآنها سخنی رسا که دردلشان
-موثر-افتد،بگوی.
۶۴- وماهیچ پیامبری رانفرستادیم مگرآنکه به توفیق الهی ازاو
اطاعت کنند،واگرآنان وقتی به خودستم کرده بودند،پیش تو می
آمدندوازخداآمرزش میخواستندوپیامبر-نیز-برای آنان طلب آمرزش

مینمود،قطعاً خداراتوبه پذیرمهربان می یافتند،
۶۵- ولی چنین نیست به پروردگارت قسم که ایمان نمی آورند،مگرآنکه تورا درموردآنچه میان آنان مایه اختلاف است داورگردانند،سپس ازحکمی که کرده ای دردلهایشان احساس ناراحتی -وتردید-نکنندوکاملا سرتسلیم فرودآورند.
۶۶- واگربرآنان مقررمی کردیم که تن به کشتن دهید،یاازخانه های خودبه درآیید،جزاندکی ازایشان آن رابه کارنمی بستند،واگرآنان آنچه رابدان پندداده میشوندبه کارمی بستند،قطعابرایشان بهترودرثبات قدم ایشان موثربود
۶۷- ودرآن صورت-ماهم-ازنزدخویش یقینا پاداشی بزرگ به آنان میدادیم،
۶۸- وقطعا آنان رابه راهی راست هدایت میکردیم.
۶۹- وکسانی که ازخداوپیامبراطاعت کنند،درزمره کسانی خواهندبودکه خداایشان راگرامی داشته-یعنی- باپیامبران وراستان وشهیدان وشایستگانندوآنان چه نیکو همدمانند.
۷۰- این تفضّل ازجانب خداونداست وخداوندبسیارداناست.
۷۱- ای کسانی که ایمان آورده اید-دربرابردشمن- آماده باشید-اسلحه خودرابرگیرید-وگروه گروه-به جهاد-بیرون رویدیا به طورجمعی روانه شوید.
۷۲- وقطعا ازمیان شماکسی است که کندی به خرج دهد،پس اگرآسیبی به شما رسدگوید: راستی خدابرمن نعمت بخشیدکه باآنان حاضرنبودم.
۷۳- واگرغنیمتی ازخدابه شمابرسد-چنانکه میان شما ومیان او-رابطه-دوستی نبوده -خواهدگفت: کاش من با آنان بودم وبه نوای بزرگی

میرسیدم.

۷۴- پس بایدکسانی که زندگی دنیارابه آخرت میفروشند،درراه

خدابجنگند،وهرکس درراه خدابجنگدوکشته یاپیروزشود،به زودی پاداشی

بزرگ به اوخواهیم داد.

۷۵- وچراشمادرراه خدا-ودرراه نجات- مردان وزنان وکودکان مستضعف

نمی جنگید؟همانان که میگویند: پروردگارا، مارااازاین

شهری که مردمش ستم پیشه اندبیرون ببر،وازجانب خودبرای ما

سرپرستی قرارده،وازنزدخویش یاوری برای ماتعیین فرما.

۷۶- کسانی که ایمان آورده اند،درراه خداکارزارمی کنند،وکسانی که

کافرشده اند،درراه طاغوت می جنگند،پس بایاران شیطان بجنگیدکه نیرنگ

شیطان-درنهایت-ضعیف است.

۷۷- آیاندیدی کسانی راکه به آنان گفته شد: -فعلا-دست-ازجنگ-

بدارید،ونمازرابرپاکنیدوزکات بدهید.و-لی-همین که کارزاربرآنان

مقررشدبناگاه گروهی ازآنان ازمردم-مشرکان مکه- ترسیدندمانند

ترس ازخدایاترسی سخت

تر.وگفتند:پروردگارا،چرابرماکارزارمقررداشتی؟چرامارااتامدتی کوتاه مهلت

ندادی؟بگو: برخورداری-ازاین-دنیا اندک وبرای کسی که تقواپیشه کرده

،آخرت بهتراست و-درآنجا-به قدرنخ هسته خرمایی برشما ستم نخواهدرفت.

۷۸- هرکجاباشید،شمارامرگ درمی یابد،هرچنددربرجهای

استوارباشیدواگر-پیشامد-خوبی به آنان برسد،میگویند: این ازجانب خداست

وچون صدمه ای به ایشان برسدمی گویند این ازطرف توست بگو: همه

ازجانب خداست ،-آخر-این قوم راچه شده است که نمی خواهندسخنی را-درست-دریابند؟

۷۹- هرچه ازخوبیهابه تومیرسدازجانب خداست وآنچه ازبدی به تومیرسد ازخودتوست،وتورا به پیامبری برای مردم فرستادیم وگواه بودن خدابس است.

۸۰- هرکس ازپیامبرفرمان برد،درحقیقت خدا رافرمان برده وهرکس رویگردان شود،ماتورا برایشان نگهبان نفرستاده ایم.

۸۱- ومی گویند: فرمانبرداریم،ولی چون ازنزدتوبیرون میروند جمعی ازآنان شبانه جزآنچه تومیگویی تدبیرمیکنند،وخدا آنچه راکه شبانه درسرمی پرورند،می نگارد،پس،ازایشان روی برتاب وبرخداتوکل کن وکافیست که خداوند وکیل است.

۸۲- آیا در-معانی- قرآن نمی اندیشند؟اگرازجانب غیرخدابودقطعا درآن اختلاف بسیاری می یافتند.

۸۳- وچون خبری-حاکی- ازایمنی یاوحشت به آنان برسد،انتشارش دهند،واگرآن را به پیامبرواولیای امرخودارجاع کنند قطعا ازمیان آنان کسانی اندکه-میتوانند درست ونادرست-آن رادریابند،واگرفضل خدا ورحمت اوبرشمانبود،مسلما جزاندکی ،

ازشیطان پیروی می کردید.

۸۴- پس در راه خداپیکارکن،جزعهده دارشخص خودنیستی،و-لی-مومنان را-به مبارزه-برانگیز،باشدکه خداوندآسیب کسانی راکه کفرورزیده اند-ازآنان-بازدارد،وخداست که قدرتش بیشتروکیفرش سخت تراست.

۸۵- هرکس شفاعت پسندیده کند،برای وی ازآن نصیبی خواهدبودوهرکس
شفاعت ناپسندیده ای کند،برای اوازآن-نیز-
سهمی خواهدبود،وخداهمواره به هرچیزی تواناست.
۸۶- وچون به شما درودگفته شد،شما به بهترازآن درودگویید،یاهمان
رابرگردانید،که خداوندهمواره به هرچیزی حسابرس است.
۸۷- خداوندکسی است که هیچ معبودی جزاونیست،به یقین
درروزرستاخیز-که هیچ شکی درآن نیست-شمارا
گردخواهدآورد،وراستگوترازخدا درسخن کیست؟
۸۸- شماراچه شده است که درباره منافقان دودسته شده اید؟
بااینکه خداآنان رابه-سزای-آنچه انجام داده اندسرنگون کرده است،آیا
میخواهیدکسی راکه خدادرگمراهی وانهاده است به راه آورید؟وحال آنکه
هرکه راخدادرگمراهی اش وانهدهرگزراهی برای
-هدایت-اونخواهی یافت.
۸۹- همان گونه که خودشان کافرشده اند،آرزودارند-که
شمانیز-کافرشوید،تاباهم برابرباشید.پس زنهار،ازمیان ایشان برای
خود،دوستانی اختیارمکنیدتاآنکه درراه خداهجرت کنند.پس اگرروی
برتافتند،هرکجاآنان رایافتیدبه اسارت بگیریدوبکشیدشان،وازایشان یارو
یاوری برای خود مگیرید.
۹۰- مگرکسانی که باگروهی که میان شما وآنان پیمانی است ،پیونddاشته
باشند،یانزدشما بیاینددرحالی که سینه آنان ازجنگیدن باشما یاجنگیدن باقوم
خود،به تنگ آمده باشد.واگرخدامیخواست قطعا آنان رابرشما چیره

میکردوحتماباشما میجنگیدند،پس اگرازشماکناره گیری کردندوباشما نجنگیدندوباشما طرح صلح افکندند-دیگر-خدابرای شما راهی-برای تجاوز-برآنان قرارنداده است.

۹۱- به زودی گروهی دیگررا خواهیدیافت که میخواهندازشما آسوده خاطروازقوم خود-نیز-ایمن باشند.هربارکه به فتنه بازگردانده شوند،سردرآن فرومی برند.پس اگرازشما کناره گیری نکردندوبه شما پیشنهادصلح نکردندوازشما دست برنداشتند،هرکجاآنان رایافتیدبه اسارت بگیریدوبکشیدشان.آنانندکه ما برای شماعلیه ایشان تسلطی آشکارقرارداده ایم.

۹۲- وهیچ مومنی رانسزدکه مومنی را-جزبه اشتباه-بکشد.وهرکس مومنی رابه اشتباه کشت بایدبنده مومنی راآزادوبه خانواده اوخونبهاپرداخت کند،مگراینکه آنان گذشت کنند.واگرازگروهی است که دشمنان شمایندو وی مومن است

بایدبنده مومنی راآزادکند.وهرکس-بنده-نیافت،بایددوماه پیاپی -به عنوان توبه ای ازجانب خدا-روزه بدارد،وخداوندهمواره دانای سنجیده کاراست.

۹۳- وهرکس عمداًمومنی رابکشد،کیفرش دوزخ است که درآن ماندگارخواهدبود،وخدابراوخشم میگیردولعنتش میکندوعذابی بزرگ برایش آماده ساخته است.

۹۴- ای کسانی که ایمان آورده اید،چون درراه خدا سفرمی کنید-خوب-رسیدگی کنیدوبه کسی که نزدشما-اظهار-اسلام میکند،مگویید:تومومن نیستی،-تابدین بهانه-متاع زندگی دنیارابجویید،چراکه

غنیمتهای فراوان نزدخداست،قبلاخودتان-نیز-همین گونه بودید،وخدابرشما منت نهاد،پس خوب رسیدگی کنید،که خداهمواره به آنچه انجام می دهیدآگاه است.

۹۵- مومنان خانه نشین که زیان دیده نیستندباآن مجاهدانی که بامال وجان خوددرراه خداجهادمیکنندیکسان نمی باشند.خداوند،کسانی راکه بامال وجان خودجهادمیکنندبه درجه ای برخانه نشینان مزیت بخشیده وهمه راخداوعده-پاداش-نیکوداده،و-لی-مجاهدان رابرخانه نشینان به پاداشی بزرگ برتری بخشیده است.

۹۶- (پاداش بزرگی که)به عنوان درجات وآمرزش ورحمتی ازجانب او-نصیب آنان میشود-وخداوندآمرزنده مهربان است.

۹۷- کسانی که برخویشتن ستمکاربوده اند-وقتی-فرشتگان جانشان رامیگیرند،میگویند:"درچه حال بودید؟" پاسخ میدهند: "مادرزمین ازمستضعفان بودیم" میگویند: "مگرزمین خداوسیع نبودتادرآن مهاجرت کنید؟" پس آنان جایگاهشان دوزخ است و-دوزخ- بدسرانجامی است.

۹۸- مگرآن مردان وزنان وکودکان فرودستی که چاره جویی نتوانند وراهی نیابند.

۹۹- پس آنان-که فی الجمله عذری دارند-باشدکه خداازایشان درگذرد،که خداهمواره خطابخش وآمرزنده است.

۱۰۰- وهرکه درراه خداهجرت کند،درزمین اقامتگاه های فراوان وگشایشها خواهدیافت،وهرکس-به قصد-مهاجرت درراه خدا وپیامبراوازخانه اش به

درآید،سپس مرگش دررسد،پاداش اوقطعا برخداونداست، وخدا آمرزنده ومهربان است.

۱۰۱- وچون درزمین سفرکردیداگربیم داشتیدکه آنان که کفرورزیده اندبه شماآزاربرسانند،گناهی برشمانیست که نمازراکوتاه کنید،چراکه کافران پیوسته برای شما دشمنی آشکارند.

۱۰۲- وهرگاه درمیان ایشان بودی وبرایشان نمازبرپاداشتی پس بایدگروهی ازآنان باتو-به نماز-ایستند،وبایدجنگ افزارهای خودرابرگیرند،وچون به سجده رفتند-ونمازراتمام کردند-بایدپشت سرشماقرارگیرند،وگروه دیگری که نمازنکرده اندباید بیایندوباتونمازگزارندوالبته جانب احتیاط رافرونگذارندوجنگ افزارهای خودرابرگیرند،-زیرا-کافران آرزومیکنندکه شماازجنگ افزارهاوسازوبرگ خودغافل شویدتاناگهان برشمایورش برند،واگرازباران درزحمتیدیابیمارید،گناهی برشمانیست که جنگ افزارهای خودرابرزمین نهید،ولی مواظب خودباشید.بی گمان خدابرای کافران عذاب خفت آوری آماده کرده است.

۱۰۳- وچون نمازرا به جای آورید،خدارا -درهمه حال-ایستاده ونشسته وبرپهلوآرمیده یادکنید.پس چون آسوده خاطرشدید نمازرا-به طورکامل-بپا دارید،زیرانمازبرمومنان دراوقات معین مقررشده است.

۱۰۴- ودرتعقیب گروه-دشمنان-سستی نورزید.اگرشمادردمیکشید،آنان همانگونه که شما دردمیکشید،دردمیکشند،وحال آنکه شماچیزهایی ازخداامیدداریدکه آنها امیدندارند،وخداهمواره سنجیده کاراست.

۱۰۵- مااین کتاب را به حق برتونازل کردیم،تامیان مردم به-موجب-آنچه

خداوندبه توآموخته داوری کنی،وزنهارجانبدار خیانتکاران مباش.

۱۰۶- وازخداآمرزش بخواه که خداوند آمرزنده مهربان است.

۱۰۷- وازکسانی که به خویشتن خیانت میکننددفاع مکن،که خداوندهرکس راکه خیانتگروگناه کارباشددوست ندارد.

۱۰۸- (کارهای ناروای خودرا)ازمردم پنهان می دارند،ونمی توانند ازخداپنهان دارند،وچون شبانگاه به چاره اندیشی می پردازند وسخنانی می گویندکه وی-بدان-خشنودنیست،اوباآنان است وخدا به آنچه انجام میدهندهمواره احاطه دارد.

۱۰۹- هان شماهمانان هستیدکه درزندگی دنیا ازایشان جانبداری کردید،پس چه کسی روزرستاخیزازآنان دربرابرخداجانبداری خواهدکرد؟یاچه کسی حمایتگرآنان تواندبود؟

۱۱۰- وهرکس کاربدی کند،یابرخویشتن ستم ورزد،سپس ازخداوندآمرزش بخواهد،خدارا آمرزنده مهربان خواهدیافت.

۱۱۱- وهرکس گناهی مرتکب شودفقط آن رابه زیان خودمرتکب شده،وخداوندهمواره دانای سنجیده کاراست.

۱۱۲- وهرکس خطایاگناهی مرتکب شود،سپس آن رابه بی گناهی نسبت دهد،قطعاً بهتان وگناه آشکاری بردوش کشیده است.

۱۱۳- واگرفضل خداورحمت اوبرتونبود،طایفه ای ازایشان آهنگ آن داشتندکه تورا ازراه به درکنندو-لی-جزخودشان -کسی-راگمراه نمی سازند،وهیچ گونه زیانی به تونمی رسانند وخدا کتاب وحکمت برتونازل کردوآنچه رانمی دانستی به توآموخت وتفضّل خدا برتوهمواره بزرگ بود.

۱۱۴- دربسیاری از نجواهای ایشان خیری نیست ،مگرکسی که -بدین
وسیله- به صدقه یاکارپسندیده یاسازشی میان مردم فرمان دهد،وهرکس برای
طلب خشنودی خداچنین کند،به زودی اورا پاداش بزرگی خواهیم داد.
۱۱۵- وهرکس پس ازآنکه راه هدایت برای اوآشکارشدباپیامبربه مخالفت
برخیزد،و-راهی- غیرراه مومنان درپیش گیرد،وی رابدانچه روی خودرا
بدان سوکرده واگذاریم وبه دوزخش،کشانیم ،وچه بازگشتگاه بدی است.
۱۱۶- خداوند ،این را که به اوشرک آورده شود،نمی آمرزد،وفروترازآن
رابرهرکه بخواهدمیبخشاید،وهرکس به خداشرک ورزد،قطعاًدچارگمراهی
دور ودرازی شده است.
۱۱۷- -مشرکان- به جای او،جزبتهای مادینه را -به دعا-نمی
خوانند،وجزشیطان سرکش را نمی خوانند.
۱۱۸- خدالعنتش کند-وقتی که-گفت: بی گمان ازمیان بندگانت نصیبی
معین-برای خود- برخواهم گرفت.
۱۱۹- وآنان را سخت گمراه ودچار آرزوهای دور ودراز خواهم کرد و
وادارشان می کنم تا گوشهای دامها را شکاف دهند،ووادارشان میکنم تا
آفریده خداراد‌گرگون سازند،و-لی-هرکس به جای خدا شیطان را دوست
گیرد،قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است.
۱۲۰- (آری)شیطان به آنان وعده میدهدوایشان رادرآرزوها می
افکند،وجزفریب به آنان وعده نمی دهد.
۱۲۱- آنان جایگاهشان جهنم است وازآن راه گریزی ندارند.
۱۲۲- وکسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند،به زودی آنان

رادربوستانهایی که اززیرآن نهرها روان است درآوریم.همیشه درآن جاودانند،وعده خدا راست است وچه کسی درسخن ،ازخدار استگوتراست؟

۱۲۳- (پاداش،وکیفر) به دلخواه شما وبه دلخواه اهل کتاب نیست ،هرکس بدی کند،دربرابرآن کیفرمی بیند،وجزخدا برای خودیارومددکاری نمی یابد.

۱۲۴- وکسانی که کارهای شایسته کنند-چه مردباشندیاآن-درحالی که مومن باشند،آنان داخل بهشت میشوند،وبه قدرگودی پشت هسته خرمائی موردستم قرارنمی گیرند.

۱۲۵- ودین چه کسی بهتراست ازآنکس که خودراتسلیم خداکرده ونیکوکاراست،وازآئین ابراهیم حقگرا پیروی نموده است؟ وخداابراهیم رادوست گرفت.

۱۲۶- وآنچه درآسمانهاوآنچه درزمین است ازآن خداست وخداوندهمواره برهرچیزی احاطه دارد.

۱۲۷- ودرباره زنان،رای تورا می پرسند،بگو:خدادرباره آنان به شما فتوامیدهد، و-نیز-درباره آنچه درقرآن برشماتلاوت میشود،درموردزنان یتیمی که حق مقرّرآنان رابه ایشان نمیدهیدوتمایل به ازدواج باآنان دارید،و-درباره-کودکان ناتوان واینکه بایتیمان-چگونه-به عدالت رفتارکنید-پاسخگرشماست-وهرکارنیکی انجام دهید،قطعاً خداوندبه آن داناست.

۱۲۸- واگرزنی ازشوهرخویش بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد،برآن دوگناهی نیست که ازراه صلح بایکدیگربه آشتی گرایند،گه سازش یهتراست،و-لی-بخل -وبی گذشت بودن-درنفوس

حضور-وغلبه-دارد،واگرنیکی کنیدوپرهیزکاری پیشه نماییدقطعاً خداوندبه
آنچه انجام میدهیدآگاه است.
۱۲۹- وشماهرگزنمیتوانیدمیان زنان عدالت کنیدهرچند-برعدالت-حریص
باشید،پس به یک طرف یکسره تمایل نورزیدتا آن-زن دیگر-راسرگشته رها
کنید،واگرسازش نمایید یقینا خداوند آمرزنده مهربان است.
۱۳۰- واگرآن دو ازیکدیگرجداشوند،خداوندهریک را ازگشایش خود بی
نیازگرداند،وخداهمواره گشایشگرحکیم است.
۱۳۱- وآنچه درآسمانهاوآنچه درزمین است، ازآن خداست،ومابه کسانی که
پیش ازشما به آنان کتاب داده شده،و-نیز-به شماسفارش کردیم که
ازخداپرواکنید،واگرکفرورزید-چه باک؟ که-آنچه درآسمانها وآنچه درزمین
است ازآن خداست وخدابی نیازستوده است.
۱۳۲- وآنچه درآسمانها وآنچه درزمین است ازآن خداست
وخدابسیارکارسازاست.
۱۳۳- ای مردم اگر-خدا-بخواهد شما را -ازمیان-میبردودیگران رامی آورد
وخداوند براین تواناست.
۱۳۴- هرکس دنیابخواهد،پاداش دنیاوآخرت نزدخداست وخداشنوای بیناست.
۱۳۵- ای کسانی که ایمان آورده اید،پیوسته به عدالت قیام کنیدوبرای
خداگواهی دهید،هرچندبه زبان خودتان یا-به زبان-
پدرومادروخویشاوندان-شما-باشداگر-یکی ازدوطرف
دعوا-توانگریانیازمندباشد،بازخدابه آن دو-ازشما-سزاوارتراست،پس ازپی
هوس نرویدکه-درنتیجه-ازحق عدول کنید،واگربه انحراف گراییدیا اعراض

نمایید،قطعا خدابه آنچه انجام میدهیدآگاه است.

۱۳۶- ای کسانی که ایمان آورده ایدبه خداوپیامبراووکتابی که برپیامبرش فروفرستاده وکتابهایی که قبلا نازل کرده بگرویدوهرکس به خدا وفرشتگان اووکتابها وپیامبرانش وروز بازپسین کفرورزد، درحقیقت دچارگمراهی دور ودرازی شده است.

۱۳۷- کسانی که ایمان آوردند،سپس کافرشدندوبازایمان آوردندسپس کافرشدندآنگاه به کفرخودافزودندقطعا خدا آنان را نخواهدبخشیدوراهی به ایشان نخواهدنمود.

۱۳۸- به منافقان خبرده که عذابی دردناک-درپیش- خواهند داشت.

۱۳۹- همانان که غیرازمومنان کافران رادوستان میگیرند،آیا سربلندی رانزدآنان میجویند؟-این خیالی خام است- چراکه عزّت همه ازآن خداونداست.

۱۴۰- والبته درکتاب برشما نازل کرده که هرگاه شنیدیدآیات خداموردانکار و ریشخندقرارمیگیرد،باآنان منشینیدتابه سخنی غیرازآن درآیند،چراکه دراین صورت شما هم مثل آنان خواهیدبود،خداوندمنافقان وکافران را همگی در دوزخ گردخواهدآورد.

۱۴۱- همانان که مترصّدشمایند،پس اگرازجانب خدابه شمافتحی برسدمیگویند:مگرماباشما نبودیم؟ واگربرای کافران نصیبی باشد،میگویند:مگرمابرشماتسلط،نداشتیم وشما را از-وروددرجمع-مومنان بازنمی داشتیم؟پس خداوند هرگزبر-زبان-مومنان برای کافران راه قرارنداده است.

۱۴۲- منافقان،باخدانیرنگ میکنند،وحال آنکه اوبا آنان نیرنگ خواهدکرد،وچون به نمازایستندباکسالت برخیزند،بامردم ریامیکنندوخداراجزاندکی یادنمی کنند.

۱۴۳- میان آن-دوگروه-دودلند،نه بااینانندونه باآنان،وهرکه راخداگمراه کند،هرگزراهی برای-نجات-اونخواهی یافت.

۱۴۴- ای کسانی که ایمان آورده اید،به جای مومنان کافران رابه دوستی خودمگیرید،آیامیخواهیدعلیه خودحجّتی روشن برای خداقراردهید؟

۱۴۵- آری ،منافقان درفروترین درجات دوزخند،وهرگزبرای آنان یاوری نخواهی یافت.

۱۴۶- مگرکسانی که توبه کردندو-عمل خودرا-اصلاح نمودندوبه خداتمسّک جستندودین خودرا برای خداخالص گردانیدندکه-درنتیجه-آنان بامومنان خواهندبودوبه زودی خدامومنان راپاداشی بزرگ خواهدبخشید.

۱۴۷- اگرسپاس بداریدوایمان آورید،خدامیخواهدباعذاب شما چه کند؟ وخداوند همواره سپاس پذیر-حق شناس- داناست

۱۴۸- خداوند بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد،مگر-از-کسی که براوستم رفته باشد،وخداشنوای داناست.

۱۴۹- اگرخیری راآشکارکنیدیاپنهانش دارید،یا ازبدیی درگذرید،پس خداوند درگذرنده تواناست.

۱۵۰- کسانی که به خداوپیامبرانش کفرمی ورزند،ومی خواهندمیان خداوپیامبران اوجدایی اندازند،ومی گویند: "ما به بعضی ایمان داریم وبعضی را انکارمیکنیم" ومی خواهندمیان این-دو- راهی برای

خوداختیارکنند.

۱۵۱- آنان درحقیقت کافرند،وما برای کافران عذابی خفّت آورآماده کرده ایم.

۱۵۲- وکسانی که به خداوپیامبرانش ایمان آورده ومیان هیچکدام ازآنان فرق نمی گذارند،به زودی-خدا-پاداش آنان راعطامیکند،وخداوند آمرزنده مهربان است.

۱۵۳- اهل کتاب ازتومیخواهندکه کتابی ازآسمان-یکباره- برآنان فرودآوری،البته ازموسی بزرگترازاین راخواستند وگفتند: "خدارا آشکارا به ما نشان بده" پس به سزای ظلمشان صاعقه آنان رافروگرفت سپس بعدازآنکه دلایل آشکاربرایشان آمد،گوساله را-به پرستش- گرفتند،وما ازآن هم درگذشتیم وبه موسی برهانی آشکارعطاکردیم.

۱۵۴- وکوه طوررا به یادبودپیمان-با-آنان بالای سرشان افراشته داشتیم، وبه آنان گفتیم: "سجده کنان ازدردرآیید" وبه آنان گفتیم: " درروز شنبه تعدّی نکنید" وازایشان پیمانی استوارگرفتیم.

۱۵۵- پس به-سزای-پیمان شکنی شان وانکارشان نسبت به آیات خداوکشتارناحق آنان-از-انبیاء،وگفتارشان که: "دلهای ما درغلاف است" -لعنتشان کردیم بلکه خدابه خاطرکفرشان بردلهایشان مُهرزده ودرنتیجه جزشماری اندک-ازایشان-ایمان نمی آورند.

۱۵۶- و-نیز-به سزای کفرشان وآن تهمت بزرگی که به مریم زدند.

۱۵۷- وگفته ایشان که: " مامسیح عیسی بن مریم ،پیامبرخداراکشتیم" وحال آنکه آنان اورا نکشتندومصلوبش نکردند،لیکن امربرآنان مشتبه شد،وکسانی که درباره اواختلاف کردند،قطعا درمورد آن دچارشک شده اند وهیچ علمی

بدان ندارند،جزآنکه ازگمان پیروی می کنند، ویقینا اورا نکشتند.

۱۵۸- بلکه خدااورابه سوی خودبالابرد،وخداوندتوانا وحکیم است.

۱۵۹- وازاهل کتاب کسی نیست مگرآنکه پیش ازمرگ خودحتمابه اوایمان
می آورد،وروزقیامت-عیسی نیز-برآنان شاهدخواهدبود.

۱۶۰- پس به سزای ستمی که ازیهودیان سرزدوبه سبب آنکه -مردم
را-بسیارازراه خداباز داشتند،چیزهای پاکیزه ای راکه برآنان حلال شده
بودحرام گردانیدیم

۱۶۱- و-به سبب-ربا گرفتنشان -باآنکه ازآن نهی شده بودند-وبه ناروامال
مردم خوردنشان وما برای کافران آنان عذابی دردناک آماده کرده ایم.

۱۶۲- لیکن راسخان آنان در دانش ومومنان به آنچه برتونازل شده وبه آنچه
پیش ازتونازل گردیده ایمان دارند وخوشابرنمازگزاران وزکات دهندگان
وایمان آورندگان به خدا وروزبازپسین که به زودی به آنان پاداشی بزرگ
خواهیم داد.

۱۶۳- ما همچنانکه به نوح وپیامبران بعدازاو، وحی کردیم ،به تو-نیز-وحی
کردیم وبه ابراهیم واسماعیل واسحاق ویعقوب واسباط وعیسی وایوب
ویونس وهارون وسلیمان -نیز-وحی نمودیم وبه داوود زبور بخشیدیم.

۱۶۴- وپیامبرانی-رافرستادیم-که درحقیقت-ماجرای-آنان را قبلا برتوحکایت
نمودیم،وپیامبرانی-رانیزبرانگیخته ایم-که -سرگذشت-ایشان
رابرتوبازگونکرده ایم،وخداباموسی آشکاراسخن گفت.

۱۶۵- پیامبرانی که بشارتگروهشداردهنده بودندتابرای مردم پس
از-فرستادن-پیامبران درمقابل خدا-بهانه و- حجّتی نباشد، وخداوند توانا

وحکیم است.

۱۶۶- لیکن خدابه -حقانیت-آنچه برتونازل کرده است گواهی میدهد،-او-آن رابه علم خویش نازل کرده است،وفرشتگان-نیز-گواهی میدهند،وکافیست خداوند گواه باشد.

۱۶۷- بدون تردیدکسانی که کفرورزیدندو-مردم را-ازراه خداباز داشتند،به گمراهی دور ودرازی افتاده اند.

۱۶۸- کسانی که کفرورزیدندوستم کردند،خدابرآن نیست که آنان رابیامرزدوبه راهی هدایت کند،

۱۶۹- مگر راه جهنم که همیشه درآن جاودانند،واین-کار-برای خداآسان است.

۱۷۰- ای مردم ،آن پیامبر-موعود-حقیقت راازسوی پروردگارتان برای شما آورده است.پس ایمان بیاوریدکه برای شما بهتراست،واگرکافرشوید-بدانیدکه-آنچه درآسمانهاوزمین است ازآن خداست وخداوند دانای حکیم است.

۱۷۱- ای اهل کتاب دردین خود غلوّ نکنید،ودرباره خداجزسخن درست مگویید،مسیح،عیسی بن مریم ،فقط پیامبرخدا وکلمه اوست که آن رابه سوی مریم افکنده وروحی ازجانب اوست،پس به خداوپیامبرانش ایمان بیاوریدونگویید-خدا-سه گانه است .بازایستیدکه برای شمابهتراست،خدافقط معبودی یگانه است، منزّه ازآن است که برای اوفرزندی باشد،آنچه درآسمانهاوآنچه درزمین است ازآن اوست،وخداوندبسیارکارسازاست.

۱۷۲- مسیح ازاینکه بنده خداباشدهرگزابانمی ورزد،وفرشتگان

مقرّب-نیزاباندارند- ،وهرکس ازپرستش اوامتناع ورزدوبزرگی فروشد،به زودی همه آنان رابه سوی خودگردمی آورد.

۱۷۳- اماکسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند،پاداششان رابه تمام-وکمال-خواهدداد،وازفضل خود به ایشان افزونترمیبخشد،واماکسانی که امتناع ورزیده وبزرگی فروخته اند،آنان رابه عذابی دردناک دچارمیسازدودربرابرخدا برای خودیارویاوری نخواهندیافت.

۱۷۴- ای مردم ،درحقیقت برای شما ازجانب پروردگارتان برهانی آمده است وما به سوی شما نوری آشکار فروفرستادیم.

۱۷۵- واما کسانی که به خداگرویدندوبه اوتمسّک جستند،به زودی-خدا-آنان رادرجواررحمت وفضلی ازجانب خویش درآورد،وایشان رابه سوی خود، به راهی راست هدایت کند.

۱۷۶- ازتو-درباره کلاله- فتوامیطلبند،بگو: "خدادرباره کلاله فتوامیدهد،اگرمردی بمیردوفرزندی نداشته باشد وخواهری داشته باشد،نصف میراث ازآن اوست،وآن-مردنیز-ازاوارث میبرد.اگربرای او-خواهر-فرزندی نباشد،پس اگر-ورثه فقط-دوخواهرباشند،دوسوم میراث برای آن دواست،واگر-چند-خواهروبرادرند، پس نصیب مرد،مانند نصیب دوزن است، خدابرای شما توضیح میدهدتا مبادا گمراه شوید،وخداوندبه هرچیزی داناست.

مائده (سفره غذا)

بنام خداوند بخشنده مهربان

۱- ای کسانی که ایمان آورده اید،به قراردادها وفا کنید،برای شما-گوشت-چهارپایان حلال گردیده،جزآنچه-حکمش-برشما خوانده میشود،درحالی که نبایدشکاررا درحال احرام حلال بشمرید،خداوندهرچه بخواهدفرمان میدهد.

۲- ای کسانی که ایمان آورده اید،حرمت شعائرخدا،وماه حرام وقربانی بی نشان ،وقربانی های گردن بند دار،وراهیان بیت الحرام راکه فضل وخشنودی پروردگارخودرامی طلبند،نگه دارید،وچون ازاحرام بیرون

آمدید-میتوانید-شکارکنید،والبته نبایدکینه ورزی گروهی که شمارا

ازمسجدالحرام بازداشتند،شمارابه تعدّی وادارد،ودرنیکوکاری وپرهیزکاری

بایکدیگرهمکاری کنید،ودرگناه وتعدّی دستیارهم نشوید،وازخداپروا کنیدکه

خداسخت کیفراست.

۳- برشماحرام شده است،مردار،وخون وگوشت خوک وآنچه به نام

غیرخداکشته شده باشد،و-حیوان حلال گوشت-خفه شده،وبه چوب مرده

،وازبلندی افتاده،وبه ضرب شاخ مرده،وآنچه درنده ازآن خورده

باشد-مگرآنچه را-که زنده دریافته وخود-سرببرند،و-همچنین-آنچه برای بتان

سربریده شده و-نیز-قسمت کردن شما-چیزی را-به وسیله تیرهای

قرعه،این-کارها همه-نافرمانی-خدا-ست.امروزکسانی که

کافرشدند،ازکارشکنی در-دین شما نومیدگردیده اند،پس ازایشان

مترسیدوازمن بترسید،امروزدین شمارابرایتان کامل ونعمت خودرابرشما

تمام گردانیدم،واسلام رابرای شما-به عنوان-آئینی برگزیدم ،وهرکس

دچارگرسنگی شود،بی آنکه به گناه متمایل باشد-اگرازآنچه منع شده است

بخورد- بی تردید خداوندآمرزنده مهربان است.

۴- ازتومیپرسند:چه چیزی برای آنان حلال شده است؟بگو: "چیزهای پاکیزه

برای شما حلال گردیده و-نیزصید-حیوانات شکارگرکه شما بعنوان مربیان

سگهای شکاری ازآنچه خدایتان آموخته به آنها تعلیم داده اید-برای شماحلال

شده است-پس ازآنچه آنهابرای شماگرفته ونگاه داشته اندبخورید،ونام

خدارابرآن ببرید وپروای خدابداریدکه خداوند زودشمار است.

۵- امروزچیزهای پاکیزه برای شماحلال شده،وطعام کسانی که اهل

کتابندبرای شما حلال وطعام شما برای آنان حلال است و-برشماحلال است
ازدواج با-زنان پاکدامن ازمسلمان وزنان پاکدامن ازکسانی که پیش ازشما
کتاب-آسمانی-به آنان داده شده ،به شرط آنکه مهرهایشان رابه ایشان
بدهید،درحالی که خودپاکدامن باشید نه زناکارونه آنکه زنان را درپنهانی
دوست خودبگیرید وهرکس درایمان خود شک کند ،قطعاعملش تباه شده
ودرآخرت اززیانکاران است.
۶- ای کسانی که ایمان آورده اید،چون به-عزم-نمازبرخیزید،صورت
ودستهایتان راتا آرنج بشویید وسروپاهای خودتان راتابرآمدگی
پیشین-هردوپا-مسح کنید،واگرجنب هستیدخودراپاک کنید-غسل
نمایید-واگربیماریادرسفربودید،یایکی ازشما ازقضای حاجت آمد،یابازنان
نزدیکی کرده ایدوآبی نیافتید،پس باخاک تیمّم کنید،وازآن به صورت
ودستهایتان بکشید،خدانمی خواهدبرشما تنگ بگیرد،لیکن میخواهدشماراپاک
ونعمتش رابرشما تمام گرداند،باشدکه سپاس-او-بدارید
۷- ونعمتی راکه خدابرشما ارزانی داشته و-نیز-پیمانی راکه شمارابه
-انجام-آن متعهدگردانیده به یادآورید،آنگاه که گفتید:" شنیدیم واطاعت
کردیم." وازخدا پروااداریدکه خدا به راز دلها آگاه است.
۸- ای کسانی که ایمان آورده اید،برای خدابه دادبرخیزید-و-به عدالت
شهادت دهید،والبته نبایددشمنی گروهی شمارابرآن داردکه عدالت
نکنید،عدالت کنیدکه آن به تقوانزدیکتراست، وازخداپرواکنید،که خداوندبه
آنچه انجام میدهیدآگاه است.
۹- خداکسانی راکه ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند،به آمرزش

وپاداشی بزرگ وعده داده است،

۱۰- وکسانی که کفرورزیدند وآیات مارا دروغ انگاشتند،آنان اهل دوزخند.

۱۱- ای کسانی که ایمان آورده اید،نعمت خدارابرخودیادکنید،آنگاه که قومی آهنگ آن راداشتندکه برشما دست یازند،و-خدا-دستشان را ازشما کوتاه داشت،وازخدا پروا دارید،ومومنان بایدتنها برخدا توکل کنند.

۱۲- درحقیقت،خدا ازفرزندان اسرائیل پیمان گرفت،واز آنان دوازده سرکرده برانگیختیم وخدافرمود: "من باشما هستم."اگرنماز برپاداریدوزکات بدهیدوبه فرستادگانم ایمان بیاوریدویاریشان کنید و وام نیکوئی به خدابدهید،قطعا گناهانتان راازشما می زداییم،وشمارابه باغهایی که اززیرآن نهرها روان است در میآورم،پس هرکس ازشما بعدازاین کفرورزد،درحقیقت ازراه راست گمراه شده است.

۱۳- پس به ازای پیمان شکستنشان لعنتشان کردیم ودلهایشان راسخت گردانیدیم-به طوری که-کلمات رااز مواضع خودتحریف میکنند،وبخشی ازآنچه رابدان اندرزداده شده بودندبه فراموشی سپردند،وتو همواره برخیانتی ازآنان آگاه میشوی،مگراندک ازایشان.پس ازآنان درگذروچشم پوشی کن که خداوندنیکوکاران را دوست میدارد.

۱۴- وازکسانی که گفتند: "مانصرانی هستیم" ازایشان-نیز-پیمان گرفتیم،و-لی-بخشی ازآنچه رابدان اندرزداده شده بودندفراموش کردند،وما-هم-تاروزقیامت میانشان دشمنی وکینه افکندیم،وبه زودی خداآنان را از آنچه میکرده اندخبرمیدهد.

۱۵- ای اهل کتاب پیامبرمابه سوی شما آمده است که بسیاری ازچیزهائی

ازکتاب راکه پوشیده می داشتیدبرای شمابیان میکند،وازبسیاری -ازخطاهای شما-درمی گذرد،قطعا برای شما ازجانب خداروشنائی وکتابی روشنگرآمده است.

۱۶- خداهرکه راازخشنودی اوپیروی کند به وسیله آن به راههای سلامت رهنمون میشود،وبه توفیق خویش آنان را ازتاریکیهابه سوی روشنائی بیرون می بردوبه راهی راست هدایتشان میکند

۱۷- کسانی که گفتند: " خداهمان مسیح پسرمریم است"مسلما کافرشده اند،بگو :اگر-خدا-اراده کندکه مسیح پسرمریم ومادرش وهرکه راکه درزمین است،جملگی به هلاکت رساند،چه کسی درمقابل خداوند اختیاری دارد؟ فرمانروائی آسمانهاوزمین وآنچه میان آن دو است ازآن خداست،هرچه بخواهدمی آفریند،وخداوندبرهرچیزی تواناست.

۱۸- ویهودان وترسایان گفتند: "ماپسران خداودوستان اوهستیم" بگو: "پس چرا شمارابه-کیفر-گناهانتان عذاب میکند؟بلکه شما هم بشرید ازجمله کسانی که آفریده است،هرکه رابخواهدمی آمرزد،وهرکه رابخواهدعذاب می کند وفرمانروائی آسمانهاوزمین وآنچه میان آن دومیباشدازآن خداست،وبازگشت-همه-به سوی اوست.

۱۹- ای اهل کتاب،پیامبرمابه سوی شما آمده که دردوران فترت رسولان-حقایق را- برای شما بیان میکند،تامبادا بگویید: "برای شما بشارتگروهشداردهنده ای نیامد" پس قطعابرای شما بشارتگروهشداردهنده ای آمده است، وخداوندبرهرچیزی تواناست.

۲۰- و-یادکن-زمانی راکه موسی به قوم خودگفت: " ای قوم من نعمت

خدابرخودرا یادکنید،آنگاه که درمیان شما پیامبرانی قرار داد،وشمارا
پادشاهانی ساخت،وآنچه راکه به هیچ کس ازجهانیان نداده بود،به شما داد.
۲۱- "ای قوم من به سرزمین مقدسی که خداوندبرای شما مقرر داشته است
درآییدوبه عقب بازنگردیدکه زیانکارخواهیدشد.
۲۲- گفتند: " ای موسی درآنجا مردمی قوی هستندوتا آنان ازآنجا بیرون
نروندماهرگزواردآن نمی شویم،پس اگرازآنجا بیرون بروندماواردخواهیم
شد"
۲۳- ودومرداز-زمره-کسانی که -ازخدا-می ترسیدندوخدابه آنان نعمت داده
بود،گفتند:" ازآن دروازه برایشان-بتازید-واردشوید،که اگرازآن درآمدیدقطعا
پیروز خواهیدشدواگرمومنیدبه خداتوکل کنید"
۲۴- گفتند: " ای موسی تا وقتی آنان درآن-شهر-هستندماهرگزپای درآن
ننهیم، تووپروردگارت برو وبجنگید ،که ما همینجا مینشینیم"
۲۵- (موسی)گفت: " پروردگارا من جزاختیار شخص خودم وبرادرم
راندارم ،پس میان ما ومیان این قوم نافرمان جدایی بینداز."
۲۶- (خدابه موسی) فرمود: " (ورود به)آن (سرزمین)چهل سال برایشان
حرام شد-که-دربیابان سرگردان خواهندبود،پس توبرگروه نافرمان اندوه
مخور"
۲۷- وداستان دوپسرآدم رابه درستی برایشان بخوان،هنگامی که-هریک
ازآن دو-قربانیی پیش داشتند،پس ازیکی ازآن دوپذیرفته شدوازدیگری
پذیرفته نشد.-قابیل- گفت: "حتما تورا خواهم کشت" -هابیل-گفت: " خداوند
فقط ازتقواپیشگان میپذیرد"

۲۸- " اگردست خودرابه سوی من درازکنی تامرابکشی ،من دستم رابه سوی تودراز نمی کنم تاتورابکشم،چراکه من ازخداوند،پروردگارجهانها میترسم."

۲۹- "من میخواهم توبا گناه من وگناه خودت-به سوی خدا-بازگردی" ودرنتیجه ازاهل آتش باشی،واین است سزای ستمگران"

۳۰- پس نفس-اماره اش-اورا به قتل برادرش ترغیب کرد و وی راکشت واززیانکاران شد.

۳۱- پس خدازاغی رابرانگیخت که زمین رامی کاوید،تابه اونشان دهدچگونه جسدبرادرش راپنهان کند،-قابیل-گفت-:" وای برمن آیا عاجزم که مثل این زاغ باشم تاجسدبرادرم راپنهان کنم؟" پس از-زمره-پشیمانان گردید.

۳۲- ازاین روی برفرزندان اسرائیل مقرّرداشتیم که هرکس کسی را-جزبه قصاص قتل،یا به کیفرفسادی درزمین-بکشد،چنان است که گوئی همه مردم راکشته باشد.وهرکس کسی رازنده بدارد،چنان است که گوئی تمام مردم را زنده داشته است.وقطعاپیامبران ما دلائل آشکاربرای آنان آوردند-بااین همه-پس ازآن بسیاری ازایشان درزمین زیاده روی می کنند.

۳۳- سزای کسانی که با-دوستداران-خداوپیامبراومی جنگندودرزمین به فسادمی کوشند،جزاین نیست که کشته شوندیابرداراویخته گردندیادست وپایشان درخلاف جهت یکدیگربریده شودیا ازآن سرزمین تبعیدگردند.این رسوایی آنان دردنیاست ودرآخرت عذابی بزرگ خواهندداشت.

۳۴- مگرکسانی که پیش ازآنکه برایشان دست یابید،توبه کرده باشند.پس بدانیدکه خداوندآمرزنده مهربان است.

۳۵- ای کسانی که ایمان آورده اید،ازخداپرواکنید،وبه اوتقرّب جویید ودر راهش جهادکنید،باشدکه رستگارشوید.
۳۶- درحقیقت کسانی که کفرورزیدند اگرتمام آنچه درزمین است برای آنان باشدومثل آن رانیزباآن-داشته باشند-تابه وسیله آن خود را ازعذاب روزقیامت بازخرند،ازایشان پذیرفته نمی شودوعذابی پردرد خواهندداشت.

۳۷- می خواهندکه ازآتش بیرون آیند،درحالی که ازآن بیرون آمدنی نیستندوبرای آنان عذابی پایدارخواهدبود.
۳۸- ومردو زن دزدرا به سزای آنچه کرده انددستشان رابه عنوان کیفری ازجانب خداببرید،وخداوندتوانا وحکیم است.
۳۹- پس هرکه بعدازستم کردنش توبه کندوبه صلاح آید،خداتوبه اورامی پدیرد،که خداوندآمرزنده مهربان است
۴۰- مگرندانسته ای که فرمانروائی آسمانهاوزمین ازآن خداونداست؟هرکه رابخواهدعذاب میکندوهرکه رابخواهدمیبخشد،وخداوندبرهرچیزی تواناست.
۴۱- ای پیامبر،کسانی که درکفرشتاب می ورزند،توراغمگین نسازند،-چه-ازآنانکه بازبان خودگفتند: "ایمان آوردیم" وحال آنکه دلهایشان ایمان نیاورده بود، و-چه- ازیهودیان -آنان-که -به سخنان تو-گوش میسپارند-تابهانه ای-برای تکذیب-توبیابند-وبرای گروهی دیگرکه -خود-نزدتونیامده اند،خبرچینی می کنند،کلمات را ازجاهای خودتغییر میدهند-و-میگویند: "اگراین-حکم-به شما داده شده ،آن راپبذیرید،واگرآن به شما داده نشد،پس دوری کنید" وهرکه راخدابخواهدبه فتنه

درافکند،هرگزدربرابرخدابرای او ازدست توچیزی برنمی آید،اینانندکه خدا نخواسته دلهایشان راپاک گرداند،دردنیابرای آنان رسوایی ودرآخرت عذابی بزرگ خواهدبود.

۴۲- پذیرا وشنوای دروغ هستند-و-بسیارمال حرام میخورند.پس اگرنزدتوآمدند-یا-میان آنان داوری کن،یاازایشان روی برتاب واگرازآنان روی برتابی هرگززیانی به تونخواهندرسانید،واگرداوری می کنی ،پس به عدالت درمیانشان حکم کن که خداونددادگران را دوست می دارد.

۴۳- وچگونه تورا داورقرارمی دهند،باآنکه تورات نزدآنان است که درآن حکم خداآمده است؟سپس آنان بعدازاین-طلب داوری-پشت می کنندو -واقعا- آنان مومن نیستند.

۴۴- ما تورات راکه درآن رهنمودوروشنایی بودنازل کردیم ،پیامبرانی که تسلیم-فرمان خدا-بودند،به موجب آن برای یهود داوری می کردندو-همچنین-الهیون ودانشمندان به سبب آنچه ازکتاب خدابه آنان سپرده شده وبرآن گواه بودند،پس ازمردم نترسیدوازمن بترسید،وآیات مرا به بهای ناچیزی مفروشید،وکسانی که به موجب آنچه خدانازل کرده داوری نکرده اند،آنان خودکافرانند.

۴۵- ودر-تورات- برآنان مقرّرکردیم که جان درمقابل جان وچشم دربرابرچشم وبینی دربرابربینی وگوش دربرابرگوش ودندان دربرابردندان میباشد،وزخمها-نیزبه همان ترتیب-قصاصی دارند،وهرکه ازآن -قصاص-درگذرد پس آن کفاره-گناهان-اوخواهدبودوکسانی که به موجب آنچه خدانازل کرده داوری نکرده اند،آنان خود ستمگرانند.

۴۶- وعیسی پسرمریم رابه دنبال آنان-پیامبران دیگر-درآوردیم درحالی که
تورات راکه پیش ازاوبودتصدیق داشت.وبه اوانجیل راعطاکردیم که درآن
هدایت ونوری است وتصدیق کننده تورات قبل ازآن است وبرای
پرهیزکاران رهنمودواندرزی است.
۴۷- واهل انجیل بایدبه آنچه خدادرآن نازل کرده داوری کنندوکسانی که به
آنچه خداوندنازل کرده حکم نکنند،آنان خودنافرمانند.
۴۸- وما این کتاب-قرآن-رابه حق به سوی توفروفرستادیم،درحالی که
تصدیق کننده کتابهای پیشین وحاکم برآنهاست،پس میان آنان بروفق آنچه
خدانازل کرده حکم کن،وازهوایشان-بادورشدن- ازحقی که به سوی تو آمده
پیروی مکن برای هریک ازشما -امتها-شزیعت وراه روشنی قرار داده ایم
واگرخدامیخواست شمارایک امت قرارمیداد ولی -خواست-تاشما را درآنچه
به شما داده است بیازماید.پس درکارهای نیک بریکدیگرسبقت
گیرید،بازگشت-همه-شما به سوی خداست آنگاه درباره آنچه درآن اختلاف
میکردید آگاهتان خواهدکرد.
۴۹- ومیان آنان به موجب آنچه خدانازل کرده داوری کن وازهواهایشان
پیروی مکن وازآنان برحذرباش،مباداتورا دربخشی ازآنچه خدابرتونازل
کرده به فتنه دراندازند،پس اگرپشت کردند،بدان که خدامیخوهدآنان راقفط به
-سزای-پاره ای ازگناهانشان برساند،ودرحقیقت بسیاری ازمردم نافرمانند.
۵۰- آیا خواستارحکم جاهلیتند؟ وبرای مردمی که یقین دارند،داوری چه
کسی ازخدابهتراست؟
۵۱- ای کسانی که ایمان آورده اید،یهود،ونصاری رادوستان

-خود-مگیرید-که-بعضی ازآنان دوستان بعضی دیگرندو هرکس ازشما آنهارابه دوستی گیرد،ازآنان خواهدبود،آری خداوند گروه ستمگران را راه نمی نماید.

۵۲- میبینی کسانی که دردلهایشان بیماری است در-دوستی-باآنان شتاب می ورزند،می گویند: " می ترسیم به ما حادثه ناگواری برسد" امیداست خداوندازجانب خودفتح یا امردیگری راپیش آورد تا-درنتیجه آنان-ازآنچه دردل خودنهفته داشته اندپشیمان گردند.

۵۳- وکسانی که ایمان آورده اند،میگویند: " آیا اینان بودندکه به خداوندسوگندهای سخت میخوردندکه جدا باشماهستند؟" اعمالشان تباه شدوزیانکارگردیدند.

۵۴- ای کسانی که ایمان آورده اید،هرکس ازشماازدین خودبرگردد،به زودی خداگروهی-دیگر-را می آوردکه آنان رادوست می داردوآنان-نیز-اورا دوست دارند،-اینان-بامومنان،فروتن وازسرزنش هیچ ملامتگری نمی ترسند.این فضل خداست، آن رابه هرکه بخواهدمیدهد،وخداگشایشگرداناست.

۵۵- ولیّ شما ،تنهاخداوپیامبراوست وکسانی که ایمان آورده اند: همان کسانی که نمازبرپامی دارندودرحال رکوع زکات می دهند.

۵۶- وهرکس خداوپیامبراو وکسانی راکه ایمان آورده اندولیّ خودبداند-پیروزاست،چراکه-حزب خداهمان پیروزمندانند.

۵۷- ای کسانی که ایمان آورده اید،کسانی راکه دین شمارا به ریشخندوبازی گرفته اند-چه-ازکسانی که پیش ازشمابه آنان کتاب داده شده و-چه از-کافران،دوستان-خود-مگیریدواگرایمان داریدازخداپرواداريد.

۵۸- وهنگامی که -به وسیله اذان مردم را-به نماز می خوانید،آن رابه مسخره وبازی میگیرند،زیراآنان مردمی اندکه نمی اندیشند.

۵۹- بگو: "ای اهل کتاب، آیا جزاین برما عیب می گیریدکه ما به خداوبه آنچه به سوی مانازل شده،وبه آنچه پیش ازاین فرودآمده است ایمان آورده ایم،واینکه بیشترشما فاسقید؟

۶۰- بگو: " آیاشما را به بدتراز-صاحبان-این کیفردرپیشگاه خدا،خبردهم؟همانانکه خدالعنتشان کرده وبرآنان خشم گرفته وازآنان بوزینگان وخوکان پدیدآورده وآنانکه طاغوت راپرستش کرده اند،ایناننددکه ازنظرمنزلت،بدتر،وازراه راست گمراه ترند."

۶۱- وچون نزدشمامی آیندمیگویند: "ایمان آورده ایم"درحالی که باکفرواردشدوقطعاباهمان-کفر-بیرون رفته اند،وخداوندبه آنچه پنهان میداشتنددانانتراست.

۶۲- وبسیاری ازآنان رامیبینی که درگناه وتعدّی وحرامخواری خودشتاب میکنند،واقعاچه اعمال بدی انجام میدادند.

۶۳- چرالهیّون ودانشمندان آنان راازگفتارگناه-آلود-وحرامخوارگیشان بازنمی دارند؟راستی چه بداست آنچه انجام میدادند.

۶۴- ویهودگفتند: " دست خدابسته است" دستهای خودشان بسته باد.وبه -سزای-آنچه گفتند،ازرحمت خدادورشوند،بلکه هردودست اوگشاده است،هرگونه بخواهدمیبخشد،وقطعاآنچه ازجانب پروردگارت به سوی توفرودآمده برطغیان وکفربسیاری ازایشان خواهدافزود،وتاروزقیامت میانشان دشمنی وکینه افکندیم،هرباركه آتشی برای جنگ برافروختند،خداآن

راخاموش ساخت،ودرزمین برای فسادمیکوشند،وخدامفسدان رادوست نمی دارد.
۶۵- واگراهل کتاب ایمان آورده وپرهیزکاری کرده بودند،قطعا گناهانشان را می زدودیم وآنان رابه بوستانهای پرنعمت درمی آوردیم.
۶۶- واگرآنان به تورات وانجیل وآنچه ازجانب پروردگارشان به سویشان نازل شده است،عمل میکردند،قطعا ازبالای سرشان-برکات آسمانی-واززیرپاهایشان -برکات زمینی-برخوردارمیشدند،ازمیان آنان گروهی میانه روهستندوبسیاری ازایشان بدرفتارمیکنند.
۶۷- ای پیامبر،آنچه ازجانب پروردگارت به سوی تونازل شده ابلاغ کن،واگرنکنی پیامش رانرسانده ای،وخداتوراازـگزندـمردم نگاه میدارد،آری خداگروه کافران راهدایت نمی کند.
۶۸- بگو: " ای اهل کتاب تاـهنگامی کهـبه تورات وانجیل وآنچه ازپروردگارتان به سوی شما نازل شده است عمل نکرده ایدبرهیچـآیین برحقیـنیستید.وقطعا آنچه ازجانب پروردگارت به سوی تونازل شده ،برطغیان وکفربسیاری ازآنان خواهدافزود،پس برگروه کافران اندوه مخور.
۶۹- کسانی که ایمان آورده وکسانی که یهودی وصابئی ومسیحی اند،هرکس به خداوروزبازپسین ایمان آوردوکارنیکوکند،پس نه بیمی برایشان است ونه اندوهگین خواهندشد.
۷۰- ما ازفرزندان اسراییل پیمان سختی گرفتیم وبه سویشان پیامبرانی روانه کردیم،هربارپیامبری چیزی برخلاف دلخواهشان برایشان آورد،گروهی راتکذیب می کردندوگروهی را می کشتند.

۷۱- وپنداشتندکیفری درکارنیست،پس کوروکرشدند.سپس خداتوبه آنان راپذیرفت، بازبسیاری ازایشان کوروکرشدندوخدابه آنچه انجام میدهندبیناست.
۷۲- کسانی که گفتند: " خداهمان مسیح پسرمریم است"قطعا کافرشده اند،وحال آنکه مسیح میگفت: " ای فرزندان اسراییل ،پروددگارمن وپرودگارخودتان راپپرستید،که هرکس به خداشرک آورد،قطعا خداوندبهشت رابراوحرام ساخته وجایگاهش آتش است،وبرای ستمکاران یاورانی نیست.
۷۳- کسانی که-به تثلیث قائل شده و-گفتند: "خداسوّمین-شخص از-سه -شخص یا سه اقنوم-است، قطعا کافرشده اند،وحال آنکه هیچ معبودی جزخدای یکتا وجود ندارد،واگرازآنچه میگویندبازنایستند،به کافران ایشان عذابی دردناک خواهدرسید.
۷۴- چرابه درگاه خداتوبه نمی کنند؟ وازوی آمرزش نمی خواهند؟وخداوند آمرزنده مهربان است.
۷۵- مسیح پسرمریم جزپیامبری نبودکه پیش ازاو-نیز-پیامبرانی آمده بودند،ومادرش زنی بسیارراستگوبود.هردوغذامی خوردند،بنگرچگونه آیات رابرای آنان توضیح میدهیم،سپس ببین چگونه -ازحقیقت-دورمی افتند.
۷۶- بگو: "آیا غیرخداچیزی راکه اختیارزیان وسودشمارا ندارد،می پرستید؟وحال آنکه خداوندشنوای داناست."
۷۷- بگو: " ای اهل کتاب دردین خودبناحق گزافه گوئی نکنیدوازپی هوسهای گروهی که پیش ازاین گمراه گشتند وبسیاری-ازمردم-راگمراه کردند و-خود-ازراه راست منحرف شدند نروید."

۷۸- ازمیان فرزندان اسرائیل آنان که کفرورزیدندبه زبان داوودوعیسی بن مریم موردلعنت قرارگرفتند.این-کیفر-به خاطرآن بودکه عصیان ورزیده و-ازفرمان خدا-تجاوزمی کردند.

۷۹- (و) ازکارزشتی که آن رامرتکب می شدند،یکدیگررا بازنمی داشتند،راستی چه بدبود،آنچه میکردند.

۸۰- بسیاری ازآنان رامیبینی که باکسانی که کفرورزیده انددوستی می کنند.راستی چه زشت است آنچه برای خودپیش فرستادندکه -درنتیجه-خدابرایشان خشم گرفت،وپیوسته درعذاب می مانند.

۸۱- واگربه خداوپیامبروآنچه به سوی اوفرودآمده ایمان می آوردند،آنان رابه دوستی نمی گرفتند،لیکن بسیاری ازایشان نافرمانند.

۸۲- مسلما یهودیان وکسانی را که شرک ورزیده اند،دشمن ترین مردم نسبت به مومنان خواهی یافت وقطعا کسانی راکه گفتند: " مانصرانی هستیم"نزدیکترین مردم دردوستی با مومنان خواهی یافت،زیرابرخی ازآنان دانشمندان ورهبانانی اندکه تکبّرنمی ورزند.

۸۳- وچون آنچه رابه سوی این پیامبرنازل شده بشنوند،میبنی براثرآن حقیقتی که شناخته اند،اشک ازچشمهایشان سرازیرمیشود،می گویند: " پروردگارا،مایمان آورده ایم، پس مارادرزمره شاهدان بنویس."

۸۴- وبرای ماچه -عذری-است که به خداوآنچه ازحق به ما رسیده ایمان نیاوریم وحال آنکه چشم داریم که پروردگارمان مارابا گروه شایستگان-به بهشت-درآورد؟

۸۵- پس به پاس آنچه گفتند،خدابه آنان باغهایی پاداش دادکه اززیرآن

نهرهاجاری است،درآن جاودانه میمانند،واین پاداش نیکوکاران است.
۸۶- وکسانی که کفرورزیدندوآیات مارادروغ پنداشتند،آنان همدم آتشند.
۸۷- ای کسانی که ایمان آورده اید،چیزهای پاکیزه ای راکه خدابرای شما حلال کرده ،حرام مشماریدوازحدّ مگذرید،که خدا ازحد گذرندگان رادوست نمی دارد.
۸۸- وازآنچه خداوندروزی شما گردانیده حلال وپاکیزه را بخوریدوازآن خدایی که به اوایمان داریدپرواداريد.
۸۹- خداشمارابه سوگندهای بیهوده تان مواخده نمی کند،ولی به سوگندهایی که -ازروی اراده- میخورید-ومی شکنید-شمارا مواخذه می کند،وکفاره اش خوراک دادن به ده بینواست-ازغذاهای متوسّطی که به کسان خودمیخورانید-یا پوشاندند آنان یا آزادکردن بنده ای ،وکسی که -هیچ یک ازاینهارا-نیابد-باید-سه روز روزه بدارد،این است کفاره سوگندهای شماوقتی که سوگندخوردید،وسوگندهای خودراپاس دارید،این گونه خداوند آیات خودرابرای شما بیان می کند،باشد که سپاسگزاری کنید.
۹۰- ای کسانی که ایمان آورده اید،شراب وقماروبتهاوتیرهای قرعه پلیدند-و-ازعمل شیطانند،پس ازآنهادوری گزینید،باشدکه رستگارشوید.
۹۱- همانا شیطان میخواهدباشراب وقمارمیان شمادشمنی وکینه ایجادکند،وشما راازیادخداوازنمازبازدارد،پس آیاشما دست برمی دارید؟
۹۲- واطاعت خداواطاعت پیامبرکنیدو-ازگناهان-برحذرباشید،پس اگر روی گرداندید،بدانیدکه برعهده پیامبرمافقط رساندن-پیام-آشکاراست.
۹۳- برکسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند،گناهی

درآنچه-قبلا-خورده اندنیست،درصورتی که تقواپیشه کنندوایمان
بیاورندوکارهای شایسته کنند،سپس تقواپیشه کنند وایمان بیاورند،آنگاه
تقواپیشه کنندواحسان نمایندوخدانیکوکاران رادوست میدارد.
۹۴- ای کسانی که ایمان آورده اید،خداشمارا به چیزی ازشکارکه دردسترس
شماونیزه های شماباشدخواهدآزمود،تامعلوم داردچه کسی درنهان
ازاومیترسد،پس هرکس بعدازآن تجاوزکند،برای اوعذابی دردناک خواهدبود
۹۵- ای کسانی که ایمان آورده اید،درحالی که محرم هستیدشکار
رانکشید،وهرکس ازشماعمدا آن رابکشد،بایدنظیرآنچه کشته است
ازچهارپایان کفاره ای بدهدکه -نظیربودن-آن رادوتن عادل ازمیان شما
تصدیق کنند،وبه صورت قربانی به کعبه برسد،یابه کفاره -آن-مستمندان
راخوراک بدهد،یامعادلش روزه بگیرد،تاسزای زشتکاری
خودرابچشد،خداونداز آنچه درگذشته واقع شده عفوکرده است،و-لی- هرکس
تکرارکندخداازاوانتقام میگیرد،وخداوند توانا وصاحب انتقام است.
۹۶- صید دریاوماکولات آن برای شما حلال شده است،تابرای شماومسافران
بهره ای باشد،و-لی-صیدبیابان-مادام که محرم میباشید-برشما حرام گردیده
است.وازخدایی که نزداومحشورمیشویدپروا دارید.
۹۷- خداوند-زیارت-کعبه بیت الحرام راوسیله به پاداشتن-مصالح-مردم
قرارداده،وماه حرام وقربانیهای بی نشان وقربانی های نشان داررا-نیزبه
همین منظورمقرّرفرموده است-این-جمله- برای آن است تابدانیدکه خداآنچه
رادرآسمانهاوآنچه رادرزمین است میداندوخداست که برهمه چیز داناست.
۹۸- بدانیدکه خداسخت کیفراست،و-بدانید-که خداآمرزنده مهربان است.

۹۹- برپیامبر-خداوظیفه ای-جزابلاغ-رسالت- نیست،وخداوندآنچه
راآشکاروآنچه را پوشیده میدارید میداند.
۱۰۰- بگو-: " پلیدوپاک یکسان نیستند،هرچندکثرت پلیدها تورا به شگفت
آورد،پس ای خردمندان ازخدا پروا کنید،باشدکه رستگارشوید.
۱۰۱- ای کسانی که ایمان آورده اید،ازچیزهایی که اگربرای
شماآشکارگرددشمارا اندوهناک میکند نپرسید،واگرهنگامی که قرآن نازل
میشود،درباره آنها سوال کنید،برای شما روشن میشود،خداازآن-پرسشهای
بیجا-گذشت ،وخداوند آمرزنده برداراست.
۱۰۲- گروهی پیش ازشما-نیز-ازاین -گونه-پرسشها کردند،آنگاه به سبب آن
کافرشدند.
۱۰۳- خدا-چیزهای ممنوعی ازقبیل- بحیره وسائبه و وصیله وحام قرار
نداده است،ولی کسانی که کفرورزیدند،برخدادروغ می بندندوبیشترشان تعقل
نمی کنند.(نمی اندیشند)
۱۰۴- وچون به آنان گفته شود: " به سوی آنچه خدانازل کرده وبه سوی
پیامبر-ش-بیایید،میگویند: " آنچه پدران خودرابرآن یافته ایم ماrابس است"
آیا هرچندپدرانشان چیزی نمی دانسته وهدایت نیافته بودند؟
۱۰۵- ای کسانی که ایمان آورده اید،به خودتان بپردازید،هرگاه خودتان
هدایت یافتید،آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمی رساند.بازگشت
همه شما به سوی خداست.پس شماراازآنچه انجام میدادید،آگاه خواهدکرد.
۱۰۶- ای کسانی که ایمان آورده اید،هنگامی که یکی ازشمارا-نشانه
های-مرگ دررسید،بایدازمیان خوددوعادل رادرموقع وصیّت ،به شهادت

میان خودفراخوانید،یااگردرسفربودیدومصیبت مرگ،شمارا
فرارسید-وشاهدمسلمان نبود-دوتن ازغیر-همکیشان-خودرا-به شهادت
بطلبید- واگر-درصداقت آنان-شک کردید،پس ازنماز،آن دورا نگاه
میدارید،پس به خدا سوگندیادمیکنندکه مااین-حق-رابه هیچ قیمتی نمی فروشیم
هرچند-پای-خویشاوند-درکار-باشد،وشهادت الهی را کتمان نمیکنیم،که
-اگرکتمان حق کنیم-دراین صورت ازگناهکاران خواهیم بود.
۱۰۷- واگرمعلوم شدکه آن دودستخوش گناه شده اند،دوتن دیگرازکسانی که
برآنان ستم رفته است،وهردونزدیکترند،به جای آن دو-شاهدقبلی-قیام
کنند،پس به خدا سوگندیادمیکنندکه ،گواهی ماقطعا ازگواهی آن دو
درستتراست،و-ازحق-تجاوزنکرده ایم،چراکه -اگرچنین کنیم-ازستمکاران
خواهیم بود.
۱۰۸- این -روش- برای اینکه شهادت رابه صورت درست
اداکنند،یابترسندکه بعدازسوگندخوردنشان ،سوگندهایی -به وارثان
میّت-برگردانده شود،-به صواب-نزدیکتراست،وازخداپروادارید،و-این
پندهارا- بشنوید وخدا گروه فاسقان راهدایت نمی کند.
۱۰۹- (یادکن) روزی راکه خداپیامبران راگرد می آورد،پس می فرماید:
"چه پاسخی به شما داده شد؟" میگویند: " ماهیچ دانشی نداریم ،تویی که
دانای رازهای نهانی"
۱۱۰- (یادکن)هنگامی راکه خدافرمود: " ای عیسی پسرمریم،نعمت
مرابرخودوبرمادرت به یادآور،آنگاه که تورا به روح القدس تایید کردم که
درگهواره -به اعجاز- ودرمیانسالی-به وحی- بامردم سخن گفتی وآنگاه که

توراکتاب وحکمت وتورات وانجیل آموختم وآنگاه که به اذن من ازگل
-چیزی-به شکل پرنده میساختی،پس درآن میدمیدی وبه اذن من پرنده ای
میشد،وکورمادرزادوپیس رابه اذن من شفا میدادی،وآنگاه که مردگان رابه
اذن من-زنده ازقبر-بیرون می آوردی ،وآنگاه که -آسیب- بنی اسراییل
را-هنگامی که برای آنان حجتهای آشکارآورده بودی -ازتوبازداشتم، پس
کسانی ازآنان که کافرشده بودند گفتند: " این جزافسونی آشکارنیست."
۱۱۱- و(یادکن) هنگانی راکه به حواریّون وحی کردم که به من وفرستاده ام
ایمان آورید،گفتند: "ایمان آوردی، وگواه باش که ما مسلمانیم."
۱۱۲- و(یادکن) هنگامی راکه حوّاریون گفتند: " ای عیسی پسرمریم آیا
پروردگارت میتواندازآسمان خوانی برای ما فرودآورد؟" -عیسی-گفت: "
اگرایمان داریدازخدا پروا دارید."
۱۱۳- گفتند: " میخواهیم ازآن بخوریم ودلهای ما آرامش یابد وبدانیم که به ما
راست گفته ای وبرآن ازگواهان باشیم،"
۱۱۴- عیسی پسرمریم گفت: " بارالها،پروردگارا،ازآسمان،خوانی
برمافروفرست تاعیدی برای اول وآخرماباشدونشانه ای ازجانب توومارا
روزی ده که توبهترین روزی دهندگانی."
۱۱۵- خدافرمود: " من آن رابرشمافروخواهم فرستاد و-لی-هر کس
ازشماپس ازآن کفرورزد،وی را-چنان-عذابی کنم که هیچیک ازجهانیان
را-آنچنان- عذاب نکرده باشم."
۱۱۶- و(یادکن)هنگامی راکه خدافرمود: "ای عیسی پسرمریم،آیاتوبه مردم
گفتی من ومادرم راهمچون دوخدا به جای خداوندبپرستید؟" گفت : " منزّهی

تو،مرانزیبدکه-درباره خویشتن-چیزی راکه حقّ من نیست بگویم،اگرآن راگفته بودم،قطعا آن رامیدانستی،آنچه درنفس من است راتومیدانی،وآنچه در ذات توست را من نمی دانم ،چراکه توخود،دانای رازهای پنهانی."

۱۱۷- جزآنچه مرابدان فرمان دادی-چیزی-به آنان نگفتم-گفته ام که- : خداوند،پروردگارمن وپروردگارخودرا‌عبادت کنید،وتاوقتی درمیانشان بودم برآنان گواه بودم، پس چون روح مراگرفتی،توخودبرآنان نگهبان بودی وتوبرهرچیزگواهی.

۱۱۸- اگرعذابشان کنی،آنان بندگان توهستندواگربرایشان ببخشائی توخودتواناوحکیمی."

۱۱۹- خداوندفرمود: " این روزی است که راستگویان را راستی شان سودبخشد." برای آنان باغهایی است که اززیرآن نهرها روان است.همیشه درآن جاودانند،خداازآنان خشنوداست وآنان ازاوخشنودند،این است رستگاری بزرگ.

۱۲۰- فرمانروایی آسمانهاوزمین وآنچه درآنهاست ازآن خداست،واو برهرچیزی تواناست.

انعام (چهارپایان)

بنام خداوند بخشنده مهربان

۱- ستایش خدائی راکه آسمانهاوزمین راآفرید،وتاریکیها وروشنایی راپدیدآورد،بااین همه کسانی که کفرورزیده اند-غیراورا- باپروردگارخودبرابرمیکنند.

۲- اوست گسی که شمارا ازگِل آفرید،آنگاه مدتی را-برای شماعمر-مقرّرداشت و اجل حتمی نزداوست.بااین همه-بعضی از-شما -درقدرت او-تردید میکنید.

۳- واو درآسمانهاوزمین خداست،نهان وآشکارشمارامیداندوآنچه رابه دست می آورید-نیز-میداند

۴- وهیچ نشانه ای ازنشانه های پروردگارشان به سویشان نمی آمدمگرآنکه ازآن روی برمی تافتند.

۵- آنان حق راهنگامی که به سویشان آمدتکذیب کردند،پس به زودی (حقیقت) خبرهای آنچه راکه به ریشخندمیگرفتندبه آنان خواهدرسید.

۶- آیاندیده اندکه پیش ازآنان چه بسیارامّتهارااهلاک کردیم؟-امتهایی که-درزمین به آنان امکاناتی دادیم که برای شماآن امکانات رافراهم نکرده

ایم ،و-بارانهای-آسمان راپی درپی برآنان فروفرستادیم،ورودبارهااز زیر
آنان روان ساختیم،پس ایشان رابه -سزای-گناهانشان هلاک کردیم،وپس
ازآنان نسلهای دیگری پدیدآوردیم.
۷- واگرمکتوبی نوشته برکاغذبرتونازل میکردیم وآنان آن رابا دستهای
خودلمس میکردند،قطعا کافران میگفتند: "این جزسحرآشکارنیست"
۸- وگفتند: " چرافرشته ای براونازل نشده است؟" واگرفرشته ای فرودمی
آوردیم قطعا کارتمام شده بود،سپس مهلت نمی یافتند.
۹- واگراورا فرشته ای قرارمیدادیم حتما وی را -به صورت-مردی درمی
آوردیم وامررا همچنان برآنان مشتبه می ساختیم.
۱۰- وپیش تو ازپیامبرانی به استهزاء گرفته شدند،پس آنچه راریشخندمی
کردندگریبانگیر ریشخندکنندگان ایشان گردید.
۱۱- بگو: " درزمین بگردید،آنگاه بنگریدکه فرجام تکذیب کنندگان چگونه
بوده است؟"
۱۲- بگو: " آنچه درآسمانهاوزمین است ازآن کیست؟" بگو: "ازآن خداست"
که رحمت رابرخویشتن واجب گردانیده است.یقینا شما رادرروزقیامت -که
درآن هیچ شگی نیست-گردخواهدآورد.خودباختگان کسانی هستندکه ایمان
نمی آورند.
۱۳- وآنچه درشب وروزآرام-وتکاپو-دارد،ازآن اوست واو شنوای داناست.
۱۴- بگو: " آیا غیرازخدا-پدیدآورنده آسمانها وزمین-سرپرستی
برگزینم؟واوست که خوراک میدهد، وخوراک به اوداده نمیشود" بگو: " من
مامورم که نخستین کسی باشم که اسلام آورده است، و-به من فرمان داده شده

که-هرگزازمشرکان مباش."
۱۵- بگو: " اگربه پروردگارم عصیان ورزم ازعذاب روزی بزرگ میترسم."
۱۶- آن روز،کسی که -عذاب-ازاوبرگردانده شود،قطعا-خدا-براورحمت آورده واین است همان رستگاری آشکار.
۱۷- واگرخدابه توزیانی برساند،کسی جزاوبرطرف کننده آن نیست واگرخیری به توبرساندپس اوبرهرچیزی تواناست.
۱۸- واوست که بربندگان خویش چیره است، واوست حکیم آگاه.
۱۹- بگو: " گواهی چه کسی ازهمه برتراست؟" بگو: " الله بین من وشما گواه است،واین قرآن به من وحی شده تابه وسیله آن شماوهرکس را-که این پیام به او-برسدهشداردهم،آیاواقعاشما گواهی میدهیدکه درکنارخدا،خدایان دیگری وجود دارد؟" بگو: " من شهادت نمی دهم" بگو: " اوتنهامعبودی یگانه است ،وبی تردید،من ازآنچه شریک -او-قرارمیدهید بیزارم."
۲۰- کسانی که کتاب به آنان داده ایم ،همان گونه که پسران خودرامیشناسند،او-پیامبر-را می شناسند،کسانی که به خود زیان زده اند،ایمان نمی آورند.
۲۱- وکیست ستمکارتر ازآن کس که برخدا دروغ بسته یا آیات اوراتکذیب نموده؟ بی تردید،ستمکاران رستگارنمی شوند.
۲۲- و-یادکن-روزی راکه همه آنان رامحشورمیکنیم ،آنگاه به کسانی که شرک آورده اندمیگوییم: " کجایند شریکان شماکه -آنهاراشریک خدا-می پنداشتید؟"

۲۳- آنگاه عذرشان جزاین نیست که میگویند: " به خدا پروردگارمان سوگندکه ما مشرک نبودیم."

۲۴- ببین چگونه به خوددروغ میگویندوآنچه میبافتندازایشان یاوه شد.

۲۵- وبرخی ازآنان به تو گوش فرامی دهندو-لی-مابردلهایشان سنگینی -قرارداده ایم- واگرهرمعجزه ای راببینندبه آن ایمان نمی آورند.تاآنجاکه وقتی نزدتومی آیندوباتوجدال می کنند،کسانی که کفرورزیدند،میگویند: " این-کتاب- چیزی جزافسانه های پیشینیان نیست."

۲۶- وآنان-مردم را- ازآن بازمی دارندو-خودنیز-ازآن دوری میکنند،و-لی-جزخویشتن رابه هلاکت نمی افکنندونمی دانند.

۲۷- وای کاش-منکران را-هنگامی که برآتش عرضه میشوند میدیدی که میگویند: " کاش بازگردانده میشدیم و-دیگر-آیات پروردگارمان راتکذیب نمی کردیم وازمومنان میشدیم."

۲۸- (ولی چنین نیست) بلکه آنچه راپیش ازاین نهان می داشتند،برای آنان آشکارشده است.واگرهم بازگردانده شوندقطعا به آنچه ازآن منع شده بودند برمی گردند وآنان دروغگویند.

۲۹- وگفتند: " جززندگی دنیای ما-زندگی دیگری-نیست وبرانگیخته نخواهیم شد."

۳۰- واگربنگری هنگامی راکه دربرابرپروردگارشان بازداشته میشوند-خدا-میفرماید: " آیااین حق نیست؟" میگویند: " چرا،سوگندبه پروردگارمان-که حق است- میفرماید: " سپس به-کیفر-آنکه کفرمیورزیدید،این عذاب رابچشید."

۳۱- کسانی که لقای الهی رادروغ انگاشتند قطعا زیان دیدند.تا آنگاه که قیامت بناگاه برآنان دررسد،میگویند: " ای دریغ برما،برآنچه درباره آن کوتاهی کردیم." وآنان بارسنگین گناهانشان رابه دوش می کشند،چه بداست باری که میکشند.

۳۲- وزندگی دنیا جزبازی وسرگرمی نیست وقطعا سرای بازپسین برای کسانی که پرهیزکاری می کنند بهتراست ،آیا نمی اندیشید؟

۳۳- به یقین میدانیم که آنچه میگویندتوراسخت غمگین میکند،درواقع آنان تورا تکذیب نمیکنند ،اما ستمکاران آیات خدارا انکارمیکنند.

۳۴- وپیش ازتونیزپیامبرانی تکذیب شدند،ولی برآنچه تکذیب شدندوآزاردیدندشکیبایی کردندتا یاری ما به آنان رسید،وبرای کلمات خداهیچ تغییردهنده ای نیست ومسلما اخبارپیامبران به تورسیده است.

۳۵- واگراعراض کردن آنان-ازقرآن-برتوگران است،اگرمیتوانی نقبی درزمین یانردبانی درآسمان بجویی تامعجزه ای-دیگر-برایشان بیاوری-پس چنین کن-واگرخدامیخواست قطعا آنان رابرهدایت گردمی آورد،پس زنهار از نادانان مباش.

۳۶-تنهاکسانی -دعوت تورا- اجابت میکنند که گوش شنوادارند ،و-اما-مردگان راخداوند-درقیامت-برخواهدانگیخت،سپس به سوی اوبازگردانده میشوند.

۳۷- وگفتند: " چرامعجزه ای ازجانب پروردگارش براونازل نشده است؟ بگو: " بی تردید خداقادراست که پدیده ای شگرف فروفرستد،لیکن بیشترآنان نمی دانند."

۳۸- وهیچ جنبنده ای درزمین نیست ونه هیچ پرنده ای که بادو بال خودپروازمیکند،مگرآنکه آنها-نیز-گروه هایی مانند شما هستند،ماهیچ چیزی رادرکتاب فروگذارنکرده ایم،سپس-همه-به سوی پروردگارشان محشورخواهندگردید.

۳۹- وکسانی که آیات مارادروغ پنداشتند،درتاریکیها کرولال هستند،هرکه راخدابخواهدگمراهش می گذارد،وهرکه رابخواهدبرراه راست قرارش میدهد.

۴۰- بگو: " به نظرشما،اگرعذاب خدا،به شما در رسد یا رستاخیز شمارا دریابد،اگرراستگویید،کسی غیرازخدارامیخوانید؟"

۴۱- (نه) بلکه تنها اورا میخوانید،واگراوبخواهدرنج وبلا را ازشما دورمیگرداند ،وآنچه راشریک-او-میگردانید فراموش می کنید.

۴۲- وبه یقین مابه سوی امتهایی که پیش ازتوبودند-پیامبرانی-فرستادیم وآنان رابه تنگی معیشت وبیماری دچارساختیم تابه زاری وخاکساری درآیند.

۴۳- پس چراهنگامی که عذاب به آنان رسیدتضرّع نکردند؟ولی-حقیقت این است که-دلهایشان سخت شده وشیطان آنچه راانجام میدادندبرایشان آراسته است.

۴۴- پس چون آنچه راکه بدان پندداده شده بودندفراموش کردند،درهای هرچیزی رابرآنان گشودیم ،تاهنگامی که به آنچه داده شده بودندشادگردیدند،ناگهان-گریبان-آنان راگرفتیم ویکباره نا امیدشدند.

۴۵- پس ریشه آن گروهی که ستم کردندبرکنده شدوستایش برای خداوند،پروردگارجهان هاست.

۴۶- بگو: " به نظرشما اگرخداوندشنوایی شما وديدگانتان
رابگيردوبردلهايتان مُهرنهد،آياغيرازخدا كدام معبودی است كه بتواندآن رابه
شما بازپس بدهد؟" ببين چطورآيات رابيان ميكنيم،بعدا آنان روی
برميگردانند.
۴۷- بگو: " به نظرشمااگرعذاب خداناگهان ياآشكارابه شمابرسد،آياجزگروه
ستمكاران-كسی-هلاک خواهدشد؟
۴۸- وماپيامبران-خود-راجزبشارتگروهشداردهنده نمی فرستيم،پس كسانی
كه ايمان آورندونيكوكاری كنند ترسی برآنان نيست وغمگين نخواهندشد.
۴۹- وكسانی كه آيات مارادروغ تصوّركردند،به -سزای-آنكه نافرمانی
ميكردند،عذاب به آنان خواهدرسيد،
۵۰- بگو: " به شمانمی گويم گنجينه های خدانزدمن است وغيب نيزنمی دانم
،وبه شما نمی گويم كه من فرشته ام،جزآنچه راكه به سوی من وحی
ميشودپيروی نمی كنم." بگو: " آيا نابينا وبينا يكسان هستند؟ آيا فكرنمی
كنيد؟"
۵۱- وبه وسيله اين-قرآن-كسانی راكه بيم دارندكه به سوی پروردگارشان
محشورشوندهشدارده -چرا-كه غيراوبرای آنها ياروشفيعی نيست،باشد كه
پرواكنند.
۵۲- وكسانی راكه پروردگارخودراباماداان وشامگاهان ميخوانندازخودمران
،ازحساب آنان چيزی برعهده تونيست وازحساب تونيزچيزی برعهده آنان
نيست،تاايشان رابرانی وازستمكاران باشی.
۵۳- وبدين گونه مابرخی ازآنان رابه برخی ديگرآزموديم،تابگويند: "

آیااینانندکه ازمیان ما ،خدابر ایشان منّت نهاده است؟" آیاخدابه
-حال-سپاسگزاران داناترنیست؟
۵۴- چون کسانی که به آیات ماایمان دارند،نزدتوآیند،بگو: " درودبرشما"
پروردگارتان رحمت رابرخودمقرّرکرده که هرکس ازشمابه نادانی کاربدی
کندوآنگاه به توبه وصلاح آید،پس وی آمرزنده مهربان است."
۵۵- واین گونه،آیات-خود-رابه روشنی بیان میکنیم تاراه ورسم گناهکاران
روشن شود.
۵۶- بگو: " من نهی شده ام که کسانی راکه شما غیرازخدامیخوانیدبپرستم"
بگو: " من ازهوسهای شماپیروی نمی کنم وگرنه گمراه میشوم واز هدایت
یافتگان نخواهم بود."
۵۷- بگو: " من ازجانب پروردگارم دلیل آشکاری-همراه-دارم،و-لی-شما آن
را دروغ تصوّرکردید،-و-آنچه را به شتاب خواستارآن هستیددراختیارمن
نیست،فرمان جزبه دست خدا نیست،که حق رابیان میکند،واو بهترین داوران
است."
۵۸- بگو: " اگرآنچه رابا عجله خواستارآن هستید پیش من بود،قطعا میان
من وشما کاربه پایان رسیده بود،وخدا به
-حال-ستمکاران داناتراست."
۵۹- وکلیدهای غیب تنهانزداوست،جزاو آن رانمی داند،وآنچه درخشکی
ودریاست رامیداند،وهیچ برگی فرونمی افتدمگر-اینکه-آن رامیداند،وهیچ
دانه ای درتاریکیهای زمین وهیچ تروخشکی نیست مگراینکه درکتابی
روشن است.

۶۰- واوست کسی که شبانگاه ،روح شمارا-به هنگام خواب-میگیرد،وآنچه رادر روز به دست آورده اید میداند،سپس شما رادرآن بیدارمیکند،تاهنگامی معیّن به سرآید،آنگاه بازگشت شما به سوی اوست ،سپس شمارابه آنچه انجام می داده اید آگاه خواهدکرد.

۶۱- واوست که بربندگانش قاهر-وغالب-است ونگهبانانی برشمامیفرستد،تاهنگامی که یکی ازشما رامرگفرارسد،فرشتگان ماجانش بستانند،درحالی که کوتاهی نمی کنند.

۶۲- آنگاه به سوی خداوند-مولای به حقّشان-برگردانیده شوند،آگاه باشیدکه داوری ازآن اوست واو سریعترین حسابرسان است.

۶۳- بگو: " چه کسی شمارا ازتاریکیهای خشکی ودریامیرهاند؟درحالی که اورابه زاری ودرنهان میخوانید،که اگرماراازاین-مهلکه-برهاند،البته ازسپاسگزاران خواهیم بود."

۶۴- بگو: " خداست که شمارا ازآن-تاریکیها-وازهراندوهی میرهاند،بازشماشرک میورزید."

۶۵- بگو: " او قادراست که ازبالای سرتان یااززیرپاهایتان عذابی برشمابفرستدیاشماراگروه گروه به هم اندازد-ودچارتفرقه سازد-وعذاب بعضی ازشمارابه بعض دیگربچشاند" ببین چگونه آیات راگوناگون بیان میکنیم باشد که آنان بفهمند.

۶۶- وقوم توآن-قرآن-رادروغ شمردند،درحالی که آن برحق است.بگو: " من برشما نگهبان نیستم."

۶۷- برای هرخبری هنگام -وقوع-است،وبه زودی خواهید دانست.

۶۸- وچون ببینی کسانی-به قصدتخطئه-درآیات مافرومی روند،ازایشان روی برتاب،تادرسخنی غیرازآن درآیند،واگرشیطان تورا-دراین باره-به فراموشی انداخت،پس ازتوجه-دیگر-باقوم ستمکارمنشین.

۶۹- وچیزی ازحساب آنان-ستمکاران-برعهده کسانی که پروا-ی خدا-دارند،نیست ،لیکن تذگردادن-لازم-است،باشدکه-ازاستهزاء- پرهیزکنند،

۷۰- وکسانی راکه دین خودرابه بازی وسرگرمی گرفتندوزندگی دنیا آنان را فریفته است،رهاکن،و-مردم را-به وسیله این-قرآن-اندرز ده،مباداکسی به -کیفر-آنچه کسب کرده به

هلاکت افتد،درحالی که برای اودربرابرخدا یار وشفاعتگری نباشد،واگر-برای رهایی خود-هرگونه فدیه ای بدهد،ازاوپذیرفته نگردد.اینانندکه به-سزای- آنچه کسب کرده اندبه هلاکت افتاده اند،وبه -کیفر-آنکه کفر میورزیدند،شرابی ازآب جوشان وعذابی پردرد خواهند داشت.

۷۱- بگو: " آیابه جای خداچیزی رابخوانیم که نه سودی به ما میرساندونه زیانی وآیا پس ازاینکه خداماراهدایت کرده ازعقیده خودبازگردیم؟ماننکسی که شیاطین اورادربیابان ازراه به در برده اند،وحیران-برجای مانده- است؟برای اویارانی است که وی رابه سوی هدایت می خوانندکه" به سوی ما بیا" بگو: " هدایت خداست که هدایت است ودستوریافته ایم که تسلیم پروردگارجهانها باشیم.

۷۲- واینکه نمازبرپاداریدوازاوبترسید،وهم اوست که نزد وی محشورخواهیدگردید.

۷۳- واو کسی است که آسمانها وزمین رابه حق آفرید،وهرگاه که میگوید: "باش" بی درنگ موجود شود.سخنش راست است،وروزی که درصوردمیده شود،فرمانروایی از آن اوست، داننده غیب وشهوداست،واوست حکیم آگاه.

۷۴- و-یادکن-هنگامی راکه ابراهیم به پدرخود-آزر- گفت: " آیا بتان راخدایان میگیری؟من هماناتو وقوم توراادرگمراهی آشکاری میبینم."

۷۵- واینگونه ملکوت آسمانهاوزمین رابه ابراهیم نمایاندیم تاازجمله یقین کنندگان باشد.

۷۶- پس چون شب براوپرده افکند،ستاره ای دید، گفت: " این پروردگارمن است." وآنگاه چون غروب کرد،گفت: " غروب کنندگان رادوست ندارم"

۷۷- وچون ماه رادرحال طلوع دید گفت: " این پروردگارمن است،" انگاه چون ناپدیدشد گفت: " اگرپروردگارم مرا هدایت نکرده بود،قطعا ازگروه گمراهان بودم."

۷۸- پس چون خورشیدرابرآمده دید گفت: " این پروردگارمن است،این بزرگتراست." وهنگامی که افول کرد گفت: " ای قوم من ،من ازآنچه-برای خدا-شریک میسازید بیزارم."

۷۹- من ازروی اخلاص ،بادلی پاک روی خودرا به سوی کسی گردانیدم که آسمانها وزمین راپدیدآورده است ومن ازمشرکان نیستم.

۸۰- وقومش بااوبه ستیزه پرداختند،گفت: " آیابامن درباره خدا محاجّه میکنیدوحال آنکه واومرا راهنمایی کرده است؟ومن ازآنچه شریک اومیسازید بیمی ندارم.مگرآنکه پروردگارم چیزی بخواهد.علم پروردگارم به هرچیزی احاطه یافته است،پس آیا متذکرنمی شوید؟"

۸۱- وچگونه ازآنچه شریک-خدا-میگردانیدبترسم،باآنکه شما خودازاینکه
چیزی راشریک خداساخته ایدکه دلیلی درباره آن برشمانازل نکرده است
نمی هراسید؟پس اگر میدانید،کدام یک از-ما-دودسته به ایمنی
سزاوارتراست؟
۸۲- کسانی که ایمان آورده وایمان خودرابه شرک نیالوده اند،ایمنی از آن
ایشان است وایشان راه یافتگانند.
۸۳- وآن حجّت مابودکه به ابراهیم دربرابرقومش دادیم،درجات هرکس راکه
بخواهیم فرامیبریم ،زیراپروردگارتوحکیم داناست.
۸۴- وبه اواسحق ویعقوب رابخشیدیم،وهمه رابه راه راست درآوردیم، ونوح
راازپیش راه نمودیم،وازنسل اوداوود وسلیمان وایوب ویوسف وموسی
وهارون را-هدایت کردیم-واینگونه نیکوکاران راپاداش میدهیم.
۸۵- وزکریا ویحیی والیاس راکه همه ازصالحان بودند،
۸۶- واسماعیل ویسع ولوط که جملگی رابرجهانیان برتری دادیم.
۸۷- وازپدران وفرزندان وبرادرانشان برخی را-برجهانیان برتری دادیم-
وآنان رابرگزیدیم وبه راه راست راهنمایی کردیم.
۸۸- این،هدایت خداست که هرکس ازبندگانش رابخواهدبدان هدایت
میکند،واگرآنان شرک ورزیده بودند،قطعا آن چه انجام میدادندازدستشان
میرفت.
۸۹- آنان کسانی بودندکه کتاب وداوری ونبوت بدیشان
دادیم،واگراینان-مشرکان-بدان کفرورزند،بی گمان گروهی -دیگر- را برآن
گماریم که بدان کافرنباشند.

۹۰- اینان کسانی هستندکه خداهدایتشان کرده است،پس به هدایت آنان
اقتداکن،بگو: " من ازشما هیچ مزدی براین-رسالت-نمی
طلبم،این-قرآن-جزتذگری برای جهانیان نیست.
۹۱- وآنگاه که -یهودیان- گفتند: " خداچیزی بربشری نازل نکرده،بزرگی
خداراچنانکه بایدنشناختند.بگو: " چه کسی آن کتابی راکه موسی آورده است
نازل کرده؟-همان کتابی که- برای مردم روشنایی ورهنموداست-و-آن رابه
صورت طومارهادرمی آورید،-آنچه را-ازآن- میخواهید-آشکارمیکنید
وبسیاری رانیز پنهان میکنید.درصورتی که چیزی که نه شما ونه پدرانتان-به
وسیله آن- به شما آموخته شد،" بگو: " خدا-همه رافرستاده-آنگاه
بگذارتادرژرفای-باطل-خودبه بازی-سرگرم-شوند.
۹۲- واین خجسته کتابی است که ما آن رافروفرستادیم-و-کتابهایی راکه پیش
ازآن آمده تصدیق میکند.وبرای اینکه-مردم-ام القری-مگّه-وکسانی راکه
پیرامون آنندهشداردهی وکسانی که به آخرت ایمان می آورند،به آن-قرآن
نیز- ایمان می آورند،وآنان برنمازهای خودمراقبت میکنند.
۹۳- وکیست ستمکارترازآن کس که برخدادروغ میبنددیامیگوید: " به من
وحی شده" درحالی که چیزی به اووحی نشده باشد وآن کس که میگوید: "
بزودی نظیرآنچه راخدانازل کرده است نازل میکنم؟" وکاش ستمکاران
رادرگردابهای مرگ میدیدی که فرشتگان-به سوی آنان-دستهایشان راگشوده
اند-ونهیب میزنند-جانهایتان را بیرون دهید" امروزبه -سزای-آنچه بناحق
برخدادروغ میبستید ودربرابرآیات اوتکبرمیکردید،به عذاب خوارکننده
کیفرمییابید.

۹۴- وهمان گونه که شمارا نخستین بارآفریدیم-اکنون نیز-تنهابه سوی ما آمده ایدوآنچه رابه شما عطا کرده بودیم پشت سرخودنهاده اید،وشفیعانی راکه در-کار-خودتان شریکان-خدا-می پنداشتیدبا شما نمی بینیم،به یقین، پیوندمیان شما بریده شده وآنچه راکه می پنداشتیدازدست شما رفته است.

۹۵- بدون تردیدخداوند شکافنده دانه وهسته است.زنده راازمرده ومرده را اززنده بیرون میآورد،چنین است خدای شما ،پس چگونه-ازحق-منحرف میشوید؟

۹۶- (هم اوست که) شکافنده صبح است وشب رابرای آرامش وخورشیدوماه راوسیله حساب قرارداده،این اندازه گیری آن توانای داناست.

۹۷- واوست کسی که ستارگان رابرای شما قرارداده تابه وسیله آنهادرتاریکیهای خشکی ودریاراه یابید،به یقین ما دلایل-خود-رابرای گروهی که می دانندبه روشنی بیان کرده ایم.

۹۸- واو همان کسی است که شماراازیک تن پدیدآورد،پس -برای شما-قرارگاه ومحل اقامتی-مقررکرد-بی تردید ما آیات را برای مردمی که میفهمندبه روشنی بیان کرده ایم.

۹۹- واوست کسی که ازآسمان،آبی فرودآورد،پس به وسیله آن ازهرگونه گیاه برآوردیم،وازآن-گیاه-جوانه سبزی خارج ساختیم که ازآن دانه های متراکمی برمی آوریم،وازشکوفه درخت خرماخوشه هایی است نزدیک به هم و-نیز- باغهایی ازانگوروزیتون وانار-همانندوغیرهمانند-خارج نمودیم،به میوه آن چون ثمردهدوبه-طرز-رسیدنش بنگرید.قطعادراینهابرای مردمی که ایمان میآورندنشانه هاست.

۱۰۰- وبرای خداشریکانی ازجن قرار دادند،بااینکه خداآنهاراخلق کرده است،وبرای اوبی هیچ دانشی پسران ودخترانی تراشیدند،اوپاکتروبرتراست ازآنچه وصف میکنند.

۱۰۱- پدیدآورنده آسمانها وزمین است.چگونه اورافرزندی باشد،درصورتی که برای اوهمسری نبوده وهرچیزی راآفریده واوست که به هرچیزی داناست.

۱۰۲- این است خداوند پروردگارشما،هیچ معبودی جزاونیست،آفریننده همه چیزاست،پس اورا بپرستید واوبرهرچیزی نگهبان است.

۱۰۳- چشمها اورا درنمی یابند واوست که دیدگان را درمی یابد،واولطیف وآگاه است.

۱۰۴- به راستی رهنمودهایی ازجانب پروردگارتان برای شما آمده است،پس هرکه به دیده بصیرت بنگرد به سود خوداو،وهرکس ازسربصیرت ننگرد به زیان خوداوست ومن برشما نگهبان نیستم.

۱۰۵- واین گونه آیات -خود-راگوناگون بیان می کنیم،تامبادا بگویندتودرس خوانده ای ،وتااینکه آن رابرای گروهی که می دانندروشن سازیم.

۱۰۶- ازآنچه ازپروردگارت به تووحی شده پیروی کن.هیچ معبودی جزاونیست وازمشرکان روی بگردان.

۱۰۷- واگرخدامیخواست آنان شرک نمی ورزیدند،وماتورابرایشان نگهبان نکرده ایم وتو وکیل آنان نیستی.

۱۰۸- وآنهایی راکه جزخدارامیخوانند دشنام ندهید،که آنان ازروی دشمنی-و-به نادانی خدارادشنام خواهندداد.این گونه برای هرامّتی کردارشان

راآراستیم،آنگاه بازگشت آنان به سوی پروردگارشان خواهدبود،وایشان راازآنچه انجام می دادندآگاه خواهدساخت.
۱۰۹- وبا سخت ترین سوگندهایشان به خداسوگندخوردندکه اگرمعجزه ای برای آنان بیاید،حتما بدان می گروند.بگو: "معجزات تنهادراختیارخداست." وشما چه میدانیدکه اگر-معجزه هم-بیایدبازایمان نمی آورند.
۱۱۰- ودلها ودیدگانشان رابرمی گردانیم-درنتیجه به آیات ما ایمان نمی آورند-چنانکه نخستین باربه آن ایمان نیاوردند،وآنان را رهامی کنیم تادرطغیانشان سرگردان بمانند.
۱۱۱- واگرمافرشتگان رابه سوی آنان می فرستادیم واگر مردگان باآنان به سخن می آمدند،وهرچیزی را دسته دسته دربرابرآنان گردمی آوردیم بازهم ایمان نمی آوردند-جزآنکه خدابخواهد-ولی بیشترشان نادانی می کنند.
۱۱۲- وبدین گونه برای هرپیامبری دشمنی ازشیطانهای انس وجن برگماشتیم.بعضی ازآنهابه بعضی ،برای فریب-یکدیگر-سخنان آراسته القامیکنند،واگرپروردگارتومیخواست چنین نمی کردند،پس آنان راباآنچه به دروغ میسازندواگذار.
۱۱۳- و(چنین مقرّرشده است) تادلهای کسانی که به آخرت ایمان نمی آورندبه آن-سخن باطل-بگراید وآن را بپسندد وتااینکه آنچه رابایدبه دست بیاورند، به دست آورند.
۱۱۴- پس آیا داوری جزخداجویم؟بااینکه اوست که این کتاب رابه تفصیل به سوی شما نازل کرده است وکسانی که کتاب-آسمانی-بدیشان داده ایم میدانند که آن ازجانب پروردگارت به حق فروفرستاده شده است.پس تو

ازتردیدکنندگان مباش.

۱۱۵- وسخن پروردگارت به راستی وداد،سرانجام گرفته است،وهیچ تغییردهنده ای برای کلمات اونیست ،واوشنوای داناست.

۱۱۶- واگرازبیشترکسانی که در-این سر-زمین میباشندپیروی کنی تورا ازراه خدا گمراه می کنند.آنان جزازگمان-خود-پیروی نمی کنندوجزبه حدس وتخمین نمی پردازند.

۱۱۷- بدون تردید پروردگارتوبه -حال-کسی که ازراه اومنحرف میشودداناتراست،واو به -حال- راه یافتگان-نیز-داناتراست.

۱۱۸- پس اگربه آیات اوایمان دارید ازآنچه نام خدا-به هنگام ذبح- برآن برده شده است بخورید.

۱۱۹- وشماراچه شده است که ازآنچه نام خدابرآن برده شده است نمی خورید؟بااینکه-خدا-آنچه رابرشماحرام کرده-جزآنچه بدان ناچارشده اید-برای شما به تفصیل بیان نموده است،وبه راستی بسیاری-ازمردم،دیگران را-ازروی نادانی با هوسهای خودگمراه می کنند،آری پروردگارتوبه-حال-تجاوزکاران داناتراست.

۱۲۰- وگناه آشکاروپنهان را رهاکنید،زیراکسانی که مرتکب گناه میشوند،به زودی دربرابرآنچه بدست می آورندکیفرخواهندیافت.

۱۲۱- وازآنچه نام خدابرآن برده نشده است مخورید،چراکه آن قطعانافرمانی است.ودرحقیقت شیاطین به دوستان خود وسوسه میکنندتاباشماستیزه نمایندواگراطاعتشان کنیدقطعاشما هم مشرکید.

۱۲۲- آیاکسی که مرده-دل-بودوزنده اش گردانیدیم وبرای اونوری

پدیدآوردیم تادرپرتوآن،درمیان مردم راه برود،همچون کسی است که گویی گرفتاردرتاریکیهاست وازآن بیرون آمدنی نیست؟این گونه برای کافران آنچه انجام میدادندزینت داده شده است.

۱۲۳- بدین گونه درهرشهری گناهکاران بزرگش را می گماریم تادرآن به نیرنگ پردازند،و-لی-آنان جزبه خودشان نیرنگ نمی زنندودرک نمی کنند.

۱۲۴- وچون آیتی برایشان بیاید،میگویند: " هرگزایمان نمی آوریم تااینکه نظیرآنچه به فرستادگان خداداده شده است به ما-نیز-داده شود."

خدابهترمیداندرسالتش راکجا قراردهد.به زودی کسانی راکه مرتکب گناه شدند به -سزای-آنکه نیرنگ می کردند درپیشگاه خدا خواری وشکنجه ای سخت خواهدرسید.

۱۲۵- پس کسی راکه خدابخواهدهدایت نماید،دلش را به پذیرش اسلام میکشاند،وهرکه رابخواهدگمراه کند،دلش راسخت تنگ می گرداند،چنانکه گویی به زحمت درآسمان بالامیرود.اینگونه ،خداوندپلیدی رابرکسانی که ایمان نمی آورند قرارمیدهد.

۱۲۶- وراه راست پروردگارت همین است،ماآیات-خود-رابرای گروهی که پندمیگیرند،به روشنی بیان نموده ایم.

۱۲۷- برای آنان نزدپروردگارشان سرای عافیت است،وبه-پاداش-آنچه انجام می دادند،او یاورشان خواهدبود

۱۲۸- و-یادکن-روزی راکه همه آنان راگردمی آورد-ومیفرماید-:

" ای گروه جنیّان ازآدمیان-پیروان-فراوان یافتید." و هواداران آنهااز-نوع-انسان میگویند: " پروردگارا برخی ازماازبرخی دیگربهره

برداری کرد،وبه پایانی که برای ما معین نمودی رسیدیم."

-خداوند-میفرماید: " جایگاه شماآتش است،درآن ماندگارخواهیدبود،مگرآنچه راخداوندبخواهد-که خودتخفیف دهد-آری پروردگار توحکیم داناست."

۱۲۹- واینگونه برخی ازستمکران رابه-کیفر-آنچه به دست می آوردند،سرپرست برخی دیگرمی گردانیم.

۱۳۰- ای گروه جن وانس آیا ازمیان شما فرستادگانی برای شما نیامدند که آیات مرابرشمابخوانندوازدیداراین روزتان به شما هشداردهند؟گفتند: " مابه زیان خودگواهی دهیم" -که آری آمدند- وزندگی دنیافریبشان داد،وبرضدخودگواهی دادندکه آنان کافربوده اند.

۱۳۱- این -اتمام حجت-بدان سبب است که پروردگارتوهیچگاه شهرهارابه ستم نابودنکرده درحالی که مردم آن غافل باشند.

۱۳۲- وبرای هریک -ازاین دوگروه-ازآنچه انجام داده اند-درجزا-مراتبی خواهدبود وپروردگارت ازآنچه میکنند غافل نیست.

۱۳۳- وپروردگارتو بی نیازصاحب رحمت است،اگربخواهدشمارامیبردوپس ازشماهرکه رابخواهدجانشین-شما-میکند،همچنانکه شماراازنسل گروهی دیگرپدیدآورده است.

۱۳۴- قطعاآنچه به شما وعده داده میشودآمدنی است وشما درمانده کنندگان -خداوند-نیستید.

۱۳۵- بگو: " ای قوم من هرچه مقدورشماهست انجام دهید،من -هم-انجام میدهم،به زودی خواهید دانست که فرجام -نیکوی-آن سرای ازآن کیست،آری ستمکاران رستگارنمیشوند.

۱۳۶- و-مشرکان-برای خدااز آنچه ازکشت ودامهاکه آفریده است سهمی
گذاشتند،وبه پندارخودشان گفتند: " این ازآن خداست واین ازآن بتان ما" پس
آنچه ازآن بتانشان بودبه خدانمی رسیدو آنچه ازآن خدابودبه بتانشان میرسید
،چه بدداوری میکنند.
۱۳۷- واینگونه برای بسیاری ازمشرکان بتانشان کشتن فرزندانشان
راآراستند،تاهلاکشان کنندودینشان رابرآنان مشتبه سازند،واگرخدامیخواست
چنین نمی کردند،پس ایشان راباآنچه به دروغ میسازندرهاکن.
۱۳۸- وبه زعم خودشان گفتند: " اینهادامهاوکشتزار-های-ممنوع است،که
جزکسی که مابخواهیم نبایدازآن بخورد،ودامهایی است که-سوارشدن
بر-پشت آنهاحرام شده است،ودامهایی-داشتند-که -هنگام ذبح-نام
خدارابر-آنها-نمی بردندبه صرف افترابر-خدا-به زودی-خدا-آنان رابه
خاطرآنچه افترامیبستندجزامیدهد.
۱۳۹- وگفتند: " آنچه درشکم این دامهاست اختصاص به مردان
مادارد وبرهمسران ما حرام شده است،واگر-آن جنین-مرده باشد،همه آنان -از
زن ومرد-درآن شریکندبه زودی-خدا-توصیف آنان
راسزاخواهدداد،زیرااوحکیم داناست.
۱۴۰- کسانی که ازروی بی خردی ونادانی فرزندان خودراکشته اندوآنچه
راخداروزیشان کرده بود-ازراه افترابه خدا-حرام شمرده اند،سخت زیان
کردند،آنان به راستی گمراه شده وهدایت نیافته اند.
۱۴۱- واوست کسی که باغهایی باداربست وبدون داربست وخرمابن
وکشتزاربامیوه های گوناگون آن وزیتون وانار ،شبیه به یکدیگروغیرشبیه

پدیدآورد،ازمیوه های آن-چون ثمرداد-بخورید،وحق-بینوایان از- آن را روز بهره برداری ازآن بدهید،وزیاده روی نکنید که اواسرافکاران رادوست ندارد.

۱۴۲- و-نیز-ازدامها،حیوانات بارکش وحیوانات کرک وپشم دهنده را-پدیدآورد-ازآنچه خداروزیتان کرده است بخوریدوازپی گامهای شیطان نروید،که اوبرای شما دشمنی آشکاراست.

۱۴۳- هشت فرد-آفریدوبرشماحلال کرد: ازگوسفنددوتا وازبزدوتا .بگو: " آیا-خدا-نرهارا حرام کرده یا ماده را؟یاآنچه راکه رحم آن دوماده دربرگرفته است؟ اگرراست میگویید ازروی علم به من خبردهید.

۱۴۴- وازشتردو،وازگاودو. بگو: " آیا-خدا-نرهاراحرام کرده یاماده هارا؟یاآنچه راکه رحم آن دوماده دربرگرفته است؟" آیا وقتی خداوندشمارابه این-تحریم-سفارش کردحاضربودید؟پس کیست ستمکارترازآنکس که برخدا دروغ بندد تاازروی نادانی مردم راگمراه کند؟آری خداگروه ستمکاران را راهنمایی نمی کند.

۱۴۵- بگو: " درآنچه به من وحی شده است، برخورنده ای که آن رامیخوردهیچ حرامی نمی یابم،مگرآنکه مرداریاخون ریخته یاگوشت خوک باشدکه اینها همه پلیدند،یا-قربانی که- ازروی نافرمانی -به هنگام ذبح-نام غیرخدابرآن برده شده باشد،پس کسی که بدون سرکشی وزیاده خواهی -به خوردن آنها-دچارگردد،قطعا پروردگارتوآمرزنده مهربان است.

۱۴۶- وبریهودیان،هر-حیوان-چنگال داری راحرام کردیم،وازگاو وگوسفند،پیه آن دورابرآنان حرام کردیم،به استثنای پیه هایی که برپشت آن

دو یابرروده هاست یا آنچه بااستخوان درآمیخته است،این-تحریم-رابه سزای ستم کردنشان به آنان کیفردادیم وما البته راستگوییم.

۱۴۷- (ای پیامبر) پس اگرتوراتکذیب کردند،بگو: " پروردگارشمادارای رحمتی گسترده است،و-بااین حال-عذاب اوازگروه مجرمان بازگردانده نخواهدشد."

۱۴۸- کسانی که شرک آوردندبه زودی خواهندگفت: " اگرخدامیخواست نه ما ونه پدرانمان شرک نمی آوردیم،وچیزی را-خودسرانه-تحریم نمی کردیم." کسانی هم که پیش ازآنان بودندهمین گونه-پیامبران خودرا-تکذیب کردند،تا عقوبت ماراچشیدند.بگو: " آیا نزدشما دانشی هست که آن رابرای ما آشکارکنید؟شماجزازگمان پیروی نمی کنید،وجز دروغ نمی گویید."

۱۴۹- بگو: " برهان رسا ازآن خداست،واگرخدا میخواست قطعا همه شمارا هدایت میکرد."

۱۵۰- بگو: " گواهان خودراکه گواهی می دهندبه اینکه خدااینهاراحرام کرده بیاورید." پس اگرهم شهادت دادندتوبا آنان شهادت مده وهوسهای کسانی راکه آیات مارا تکذیب کردندوکسانی که به آخرت ایمان نمی آورندو-معبودان دروغین را-باپروردگارشان همتا قرارمی دهند،پیروی مکن.

۱۵۱- بگو: " بیاییدتا آنچه راپروردگارتان برشما حرام کرده برای شمابخوانم :چیزی راباا وشریک قرارمدهیدوبه پدرومادراحسان کنید،وفرزندان خودرا ازبیم تنگدستی نکشید،ماشماوآنان را روزی می رسانیم،وبه کارهای زشت-چه علنی آن وچه پوشیده-نزدیک نشوید،ونفسی

راکه خداحرام گردانیده جز به حق مکشید،اینهاست که -خدا-شمارا به-انجام دادن- آن سفارش کرده است، باشدکه بیندیشید.

۱۵۲- وبه مال یتیم -جزبه نحوی هرچه نیکوتر-نزدیک مشوید،تابه حدرشدخودبرسد.وپیمانه وترازو رابه عدالت تمام بپیمایید.هیچ کس راجزبه قدرتوانش تکلیف نمی کنیم،وچون-به داوری یاشهادت- سخن گوییددادگری کنید،هرچند-درباره-خویشاوند-شماباشد.وبه پیمان خداوفاکنید،اینهاست که -خدا-شمارابه آن سفارش کرده است،باشدکه پندگیرید.

۱۵۳- و-بدانید-این است راه راست من،پس ازآن پیروی کنید.وازراههای -دیگر-که شما را ازراه وی پراکنده میسازدپیروی مکنید،اینهاست که -خدا-شمارابه آن سفارش کرده است،باشدکه به تقواگرایید.

۱۵۴- آنگاه به موسی کتاب دادیم برای اینکه-نعمت را-برکسی که نیکی کرده است تمام کنیم،وبرای اینکه هرچیزی رابیان نماییم،وهدایت ورحمتی باشد،امیدکه به لقای پروردگارشان ایمان بیاورند.

۱۵۵- واین خجسته کتابی است که ما آن رانازل کردیم،پس ازآن پیروی کنیدوپرهیزکاری نمایید،باشدکه موردرحمت قرارگیرید.

۱۵۶- تانگویید: " کتاب-آسمانی-تنهابردوطایفه پیش ازما نازل شده وما ازآموختن آنان بی خبربودیم."

۱۵۷- یانگویید: " اگرکتاب برما نازل میشد،قطعا ازآنان هدایت یافته تربودیم." اینک حجتی ازجانب پروردگارتان برای شما آمده ورهنمودورحمتی است،پی کیست ستمکارترازآن کس که آیات خدارا دروغ پنداردوازآنها روی گرداند؟به زودی کسانی راکه ازآیات ماروی می

گردانند،به سبب-همین-اعراضشان به عذابی سخت مجازات خواهیم کرد.
۱۵۸- آیاجزاین انتظارداریدکه فرشتگان به سویشان بیایندیا پروردگارت بیاید،یاپاره ای ازنشانه های پروردگارت بیاید؟-اما-روزی که پاره ای ازنشانه های پروردگارت-پدید-آید،کسی که قبلا ایمان نیاورده یاخیری درایمان آوردن خودبه دست نیاورده ایمان آوردنش سودی نمی بخشد،بگو: " منتظرباشیدکه ما-هم-منتظریم."
۱۵۹- کسانی که دین خودراپراکنده ساختندوفرقه فرقه شدند،توهیچ گونه مسئول ایشان نیستی،کارشان فقط با خداست.آنگاه به آنچه انجام می دادندآگاهشان خواهدکرد.
۱۶۰- هرکس کارنیکی بیاورد،ده برابرآن-پاداش-خواهدداشت،وهرکس کاربدی بیاورد،جزمانندآن جزا نیابدوبرآنان ستم نرود.
۱۶۱- بگو: " آری ،پروردگارم مرابه راه راست هدایت کرده است.دینی پایدار،آیین ابراهیم حق گرای ،واوازمشرکان نبود."
۱۶۲- بگو: " درحقیقت،نمازمن وعبادات من وزندگی ومرگ من برای خداوند،پروردگارجهانها است."
۱۶۳- اورا شریکی نیست وبراین دستوریافته ام ومن نخستین مسلمانم.
۱۶۴- بگو: " آیا جزخداپروردگاری بجویم؟بااینکه اوپروردگارهرچیزی است وهیچ کس جزبرزیان خود-گناهی-انجام نمی دهد،وهیچ باربرداری باردیگری را برنمی دارد،آنگاه بازگشت شما به سوی پروردگارتان خواهدبود.پس مارا به آنچه درآن اختلاف میکردید آگاه خواهدکرد.
۱۶۵- واوست کسی که شمارا درزمین جانشین قرارداد،وبعضی ازشما

رابربرخی دیگربه درجاتی برتری دادتاشمارادرآنچه به شما داده است بیازماید.آری پروردگارتوزودکیفراست،و او بسیار آمرزنده ومهربان است.

بنام خداوندبخشنده مهربان

۱- الف ،لام ،میم، صاد (المص)

۲- کتابی است که به سوی توفرستاده شده است-پس نبایددرسینه توازناحیه آن ،تنگی باشد-تابه وسیله آن هشداردهی وبرای مومنان پندی باشد.

۳- آنچه را ازجانب پروردگارتان به سوی شما فروفرستاده شده است،پیروی کنید،وجزاو ازمعبودان پیروی مکنید،چه کم پندمیگیرید!

۴- وچه بسیارشهرهاکه آن رابه هلاکت رساندیم ودرحالی که به خواب شبانگاهی رفته یا نیمروزغنوده بودند ،عذاب مابه آنهارسید.

۵- وهنگامی که عذاب مابرآنان آمدسخنشان جزاین نبودکه گفتند: " راستی که ما ستمکاربودیم."

۶- پس قطعا ازکسانی که-پیامبران-به سوی آنان فرستاده شده اندخواهیم پرسید،وقطعاًاز-خود-فرستادگان-نیز-خواهیم پرسید.

۷- وازروی دانش به آنان گزارش خواهیم دادوما-ازاحوال آنان- غایب نبوده ایم.

۸- ودرآن روز،سنجش-اعمال-درست است،پس هرکس میزانهای-عمل-اوگران باشد،آنان خودرستگارانند.

۹- وهرکس میزانهای-عمل-اوسبک باشد،پس آنانندکه به خودزیان زده

اند،چراکه به آیات ماستم کرده اند.

۱۰- وقطعاشمارادرزمین قدرت عمل دادیم،وبرای شمادرآن وسایل معیشت نهادیم-اما-چه کم سپاسگزاری میکنید.

۱۱- ودرحقیقت،شمارا خلق کردیم ،سپس به صورتگری شما پرداختیم،آنگاه به فرشتگان گفتیم: " به آدم سجده کنید" پس -همه-سجده کردند،جزابلیس که ازسجده کنندگان نبود.

۱۲- فرمود: " چون تورابه سجده امرکردم چه چیزتورابازداشت ازاینکه سجده کنی؟" گفت: " من ازاوبهترم ،مراازآتش آفریدی واورا ازگل آفریدی."

۱۳- فرمود: " ازآن-مقام-فروشو،تورانرسدکه درآن-جایگاه-تکبّرنمایی،پس بیرون شوکه توازخوارشدگانی."

۱۴- گفت: " مراتاروزی که -مردم-براگیخته خواهندشدمهلت ده"

۱۵- فرمود: " توازمهلت یافتگانی"

۱۶- گفت: " پس به سبب آنکه مرابه بیراهه افکندی ،من هم برای-فریفتن-آنان حتمابرسرراه راست توخواهم نشست.

۱۷- " آنگاه ازپیش رو وازپشت سرشان وازطرف راست وازطرف چپشان برآنها میتازم،وبیشترشان را شکرگزارنخواهی یافت."

۱۸- فرمود: " نکوهیده ورانده ازآن-مقام-بیرون شو،که قطعا هرکه ازآنان ازتوپیروی کند،جهنم راازهمه شما پرخواهم کرد."

۱۹- " و ای آدم تو با جفت خویش درآن باغ سکونت گیر،وازهرجاکه خواهیدبخورید،و به این درخت نزدیک نشوید که ازستمکاران خواهیدشد."

۲۰- پس شیطان،آن دورا وسوسه کردتاآنچه را ازعورتهایشان برایشان

پوشیده مانده بود،برای آنان نمایان گرداند،وگفت:" پروردگارتان شمارا ازاین درخت منع نکرد،جز-برای-آنکه-مبادا-دوفرشته گردیدیا از-زمره-بی مرگها شوید."

۲۱- وبرای آن دوسوگندیادکردکه : من قطعا ازخیرخواهان شما هستم.

۲۲- پس آن دورابا فریب به سقوط کشانید،پس چون آن دواز-میوه-آن درخت-ممنوع-چشیدند،برهنگی هایشان برآنان آشکارشد،وبه چسباندن برگ-های درختان-بهشت برخودآغازکردند،وپروردگارشان برآن دوبانگ برزد:" مگرشمارا ازاین درخت منع نکردم وبه شما نگفتم که درحقیقت شیطان برای شما دشمنی آشکاراست."

۲۳- گفتند: " پروردگارا مابرخویشتن ستم کردیم ،واگربرما نبخشایی وبه مارحم نکنی ،مسلما اززیانکاران خواهیم بود."

۲۴- فرمود: " فرودآییددرحالی که بعضی ازشمادشمن بعضی -دیگر-یدوبرای شما درزمین تاهنگامی-معین-قرارگاه وبرخورداری است."

۲۵- فرمود: " درآن زندگی میکنید ودرآن می میرید وازآن برانگیخته خواهیدشد."

۲۶- ای فرزندان آدم،درحقیقت،مابرای شمالباسی فروفرستادیم که عورتهای شمارا‌پوشیده میداردو-برای شما-زینتی است،وبهترین جامه لباس تقوی است ،این ازنشانه های-قدرت-خداست ،باشدکه متذکرشوند.

۲۷- ای فرزندان آدم،زنهارتاشیطان شمارا به فتنه نیندازد،چنانکه پدرومادرشمارا ازبهشت بیرون راند،ولباسشان راازایشان برکند،تاعورتهایشان رابرآنان نمایان کند.درحقیقت او وقبیله اش شمارا

ازآنجاکه آنها رانمی بینید،میبینند.ماشیاطین رادوستان کسانی قراردادیم که ایمان نمی آورند.
۲۸- وچون کارزشتی کنند،میگویند: " پدران خودرابرآن-طریق-یافتیم وخدامارابدان فرمان داده است." بگو: " قطعا خداوندبه کارزشت فرمان نمی دهد،آیاچیزی راکه نمی دانیدبه خدانسبت می دهید؟
۲۹- بگو: " پروردگارم به دادگری فرمان داده است،و-اینکه-درهرمسجدی روی خودرامستقیم-به سوی قبله-کنید ودرحالی که دین خودرابرای اوخالص گردانیده اید وی رابخوانید،همان گونه که شمارا پدید آورد-به سوی اوبرمی گردید."
۳۰- (درحالی که)گروهی راهدایت نموده،وگروهی گمراهی برآنان ثابت شده است،زیرا آنان شیاطین رابه جای خدا،دوستان-خود-گرفته اندومی پندارندکه راه یافتگان هستند.
۳۱- ای فرزندان آدم،زینتهای خودرا درهرنمازی برگیرید،وبخوریدوبیاشامیدوزیاده روی نکنیدکه اواسرافکاران رادوست نمی دارد.
۳۲- (ای پیامبر)بگو: " زیورهایی راکه خدابرای بندگانش پدیدآورده ،و-نیز-روزیهای پاکیزه راچه کسی حرام گردانیده؟" بگو: " این-نعمتها-درزندگی دنیابرای کسانی است که ایمان آورده اندوروزقیامت-نیز-خاصّ آنان میباشد." این گونه آیات-خود-رابرای گروهی که میدانند به روشنی بیان میکنیم.
۳۳- بگو: " پروردگارمن تنها زشتکاری هارا-چه آشکارش-باشدوچه

پنهان-وگناه وستم ناحق راحرام گردانیده است،و-نیز-این راحرام گردانیده که چیزی را شریک خداسازیدکه دلیلی بر-حقانیت-آن نازل نکرده واین راحرام گردانیده که چیزی را که نمیدانید به خدانسبت دهید.

۳۴- وبرای هرامّتی اجلی هست،پس چون اجلشان فرارسد،نه -میتوانند-ساعتی آن راپس اندازندونه پیش.

۳۵- ای فرزندان آدم،چون پیامبرانی ازخودتان برای شما بیایندوآیات مرا برشمابخوانند،پس هرکس به پرهیزکاری وصلاح گراید،نه بیمی برآنان خواهدبودونه اندوهگین میشوند.

۳۶- وکسانی که آیات مارادروغ انگاشتندواز-پذیرش-آنهاتکبرورزیدندآنان همدم آتشند-و-درآن جاودانند.

۳۷- پس کیست ستمکارترازآن کس که برخدادروغ بندديا آيات اوراتكذيب كند؟اینان کسانی هستندکه نصیبشان ازآنچه مقررشده به ایشان خواهدرسیدتاآنگاه که فرشتگان مابه سراغشان بیایندکه جانشان بستانند،میگویند: " آنچه غیرازخدامیخواندیدکجاست؟" میگویند: " از-چشم-ما ناپدیدشدند" وعلیه خودگواهی میدهندکه آنان کافربودند.

۳۸- میفرماید: " درمیان امّتهایی ازجن وانس که پیش ازشما بوده اند،داخل آتش شوید." هربارکه امّتی-درآتش-درآید،همکیشان خودرا لعنت کند،تاوقتی که همگی درآن به هم پیوندند،-آنگاه-پیروانشان درباره پیشوایانشان میگویند: " پروردگارا،اینان ماراگمراه کردند،پس دوبرابرعذاب آتش به آنان بده." -خدا-میفرماید: " برای هرکدام-عذاب-دوچندان است ولی شما نمی دانید."

۳۹- وپیشوایانشان به پیروانشان میگویند: " شمارابرماامتیازی نیست پس به

سزای آنچه به دست می آورید عذاب رابچشید."

۴۰- درحقیقت کسانی که آیات مارا دروغ شمردندواز-پذیرفتن-آنها تکبرورزیدند،درهای آسمان رابرایشان نمی گشایندودربهشت درنمی آیندتازمانی که شترازسوراخ سوزن بگذرد.وبدینسان بزهکاران راکیفرمی دهیم.

۴۱- برای آنان ازجهنم بستری وازبالایشان پوششهاست،واین گونه بیدادگران راسزا میدهیم.

۴۲- وکسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند-هیچ کسی راجزبه قدر توانش تکلیف نمی کنیم-آنان همدم بهشتند-که-درآن جاودانند.

۴۳- وهرگونه کینه ای را ازسینه ها می زداییم،اززیرشان نهرها جاری است ومی گویند: " ستایش ازآن خدایی است که مارا بدین-راه-هدایت نمود،واگرخدامارا رهبری نمی کردماخودهدایت نمی یافتیم.درحقیقت فرستادگان پروردگارماحق را آوردند" وبه آنان ندا داده میسود که این همان بهشتی است که آن رابه -پاداش-آنچه انجام میدادید میراث یافته اید.

۴۴- وبهشتیان،دوزخیان راندامی دهندکه :" ماآنچه راپروردگارمان به ما وعده داده بوددرست یافتیم،آیاشما-نیز-آنچه راپروردگارتان وعده کرده بودراست ودرست یافتید؟" میگویند: " آری" پس آوازدهنده ای میان آنان آوازدرمیدهدکه :" لعنت خدا برستمکاران باد"

۴۵- همانان که -مردم را-ازراه خدا بازمی دارندوآن راکج می خواهندوآنها آخرت رامنکرند.

۴۶- ومیان آن دو-گروه- حایلی است ،وبراعراف مردانی هستندکه هریک

را ازسیمایشان میشناسند.وبهشتیان را-که هنوزواردآن نشده وامید دارند-آواز می دهندکه : " سلام برشما"

۴۷- وچون چشمانشان به سوی دوزخیان گردانیده شود،میگویند: " پروردگارا مارا درزمره گروه ستمکاران قرار مده."

۴۸- واهل اعراف مردانی راکه آنان راازسیمایشان میشناسندنداامیدهند-و-میگویند: " جمعیت شما وآن-همه-گردنکشی که میکردید،به حال شما سودی نداشت."

۴۹- "آیا اینان همان کسانی نبودندکه سوگندیادمی کردیدکه خدا آنان را به رحمتی نخواهدرسانید؟-اینک-به بهشت درآیید،نه بیمی برشماست ونه اندوهگین میشوید."

۵۰- ودوزخیان، بهشتیان را آوازمی دهندکه : "ازآن آب یا ازآنچه خداروزی شما کرده برما فروریزید" میگویند: "خداآنهارابرکافران حرام کرده است."

۵۱- همانان که دین خدارا سرگرمی وبازیچه گرفتندومتاع حیات دنیا،آنهارامغروروغافل کرد،امروزهم ما آنهارابه رحمت نظرنمی کنیم چنانکه آنان چنین روزشان رابه خاطرنیاوردندوآیات مارا انکارکردند.

۵۲- وما برمردمان کتابی فرستادیم که درآن هرچیزرابراساس علم ودانش تفصیل دادیم برای هدایت آن گروه که ایمان می آورند.

۵۳- آیا-آنان-جزدرانتظارتاویل آنند؟روزی که تاویلش فرارسد،کسانی که آن راپیش ازآن به فراموشی سپرده اندمی گویند:

" حقا فرستادگان پروردگارما حق راآوردند.پس آیا-امروز-مارا شفاعتگرانی هست که برای ما شفاعت کنندیا-ممکن است به دنیا-بازگردانیده

شویم،تاغیرازآنچه انجام می دادیم انجام دهیم؟" به راستی که -آنان- به
خویشتن زیان زدند،وآنچه رابه دروغ
می ساختنداز کف دادند.
۵۴- درحقیقت پروردگارشما،آن خدایی است که آسمانهاوزمین رادرشش روزخلق کردآنگاه به خلقت عرش پرداخت.روزرابه پرده شب درپوشاندکه باشتاب درپی آن پویدوخورشیدوماه وستارگان به امراومسخّرگردید،-ای بندگان-آگاه باشیدکه ملک آفرینش خاصّ خداونداست وحکم نافذ فرمان اوست که منزّه وبلندمرتبه و
آفریننده عالم هاست.
۵۵- خدای خودرا به تضرّع وزاری وبه صدای آهسته بخوانیدکه خداوهرگزستمکاران رادوست نمی دارد.
۵۶- ودر زمین پس ازاصلاح آن فسادمکنید،وبابیم وامیداورابخوانید که رحمت خدابه نیکوکاران نزدیک است.
۵۷- اوخدایی است که بادهارابه بشارت باران رحمت خویش درپیش فرستدتاچون بارِ ابرهای سنگین رابربدارندماآنهارابه شهرودیاری که-ازبی آبی-مرده است برانیم وبدان سبب باران فروفرستیم که تاهرگونه ثمروحاصل ازآن برآوریم هم اینگونه مردگان راهم ازخاک برانگیزیم،باشد که خود یادآور شوید.
۵۸- وزمین پاک نیکو،گیاهش به اذن خداوندنیکوبرآیدوزمین خشنِ ناپاک جز گیاهی اندک وکم ثمربیرون نیاورد،ما اینگونه آیات قدرت راهرنوع توضیح میدهیم برای قومی که شکرخداوندرابه جا آورند.

۵۹- نوح راکه برای توحید به قومش فرستادیم،گفت: "ای قوم ،خدای یکتارابپرستید که شمارا جز او خدایی نیست،من برشما از عذاب بزرگ قیامت سخت میترسم.

۶۰- سران قومش گفتندکه ماتوراسخت درگمراهی میبینیم.

۶۱- گفت: " ای قوم، من اصلا درگمراهی نیستم،شما اشتباه میکنید،لیکن من رسول پروردگار جهانها هستم.

۶۲- پیامهای پروردگارم رابه شما میرسانم واندرزتان می دهم وچیزهایی ازخدامی دانم که-شما-نمی دانید."

۶۳- آیا تعجّب کرده ودرنظرشماشگفت انگیزاست که مردی ازخودتان ازجانب خداوند برای یادآوری شما فرستاده شده تا مگرشمارا بترساندتا پرهیزکارشوید؟باشدکه مورد لطف خداوندگردید.

۶۴- چون آن رسول-نوح ع--آمداورا تکذیب کردند،ماهم او وپیروانش را درکشتی نشاندیم وآنان که آیات الهی راتکذیب کردند غرق کردیم که مردمی بسیار نادان وکوردل بودند.

۶۵- وبه قوم عادبرادرشان هودرا فرستادیم ،بدانها گفت: " ای قوم ،خداوندرا به یکتایی بپرستیدکه جزاوشماراخدایی نیست.آیا اندرزمرا گوش نکرده وپرهیزکارنمی شوید؟"

۶۶- سران قومش که کافرشدندگفتند: ماتورا احمق وبیخرد می یابیم وگمان میکنیم که توسخت ازدروغگویان باشی.

۶۷- پاسخ دادکه : ای قوم مرا حماقتی نیست-گمان شما باطل است- لیکن من راستگوو رسول پروردگار عالم ها هستم.

۶۸- پیغام های خدارابه شما میرسانم ومن برای شما ناصح وخیرخواهی مشفق وامینم.
۶۹- آیا تعجب کرده ایدکه مردی ازجانب خدابرای یادآوری بسوی شما فرستاده شده تاشماراپس ازهلاک قوم نوح ،جانشین آن گروه کردودرخلقت ونعمت شمابیفزود.پس ای قوم انواع نعمتهای خداوندرا بیادآورید،شایداطاعت کنیدورستگارشوید.
۷۰- قوم هودگفتند: آیاتوبرآن بسوی ما آمده ای که خدارا به یکتایی پرستیم وازبتهایی که پدران ما می پرستند اعراض کنیم؟اینکار را نخواهیم کرد.تواگرراست میگویی هرعذابی که به ما بربت پرستی وعده میدهی زودبه انجام رسان.
۷۱- هودپاسخ دادکه دراینصورت پلیدی غضب خدابرشما حتم گردیده است.آیابامن که شمارابه خدای یکتامیخوانم مجادله میکنیدوبه الفاظ بی معنی واسماء بی معنایی که وهم وخیال باطل شماوپدرانتان برآن بتان نهاده ایدبا حق به دشمنی برمی خیزید؟ وحال آنکه خدادرآن بتان هیچ حقیقت وبرهانی ننهاده ،پس شما بایستی درانتظارعذاب خداباشیدکه من نیز برشما انتظارعذاب دارم.
۷۲- ما هودوپیروانش رابه رحمت خودازعذاب رهانیدیم وآنان که آیات ورسول ماراتکذیب کردندوایمان نیاوردند،همه راهلاک گردانیدیم.
۷۳- وبرقوم ثمود،برادرشان صالح رابه رسالت فرستادیم،گفت ای قوم ،خدای راپپرستیدکه شما راجزاوخدایی نیست.اکنون معجزه ای واضح وآشکارازطرف خداآمد،این ناقه خداست که شمارا آیت ومعجزی است

بزرگ،اورا واگذاریدتادرزمین خداچَرا کند وقصد سوئی درباره اومکنیدکه به عذابی دردناک گرفتار خواهیدشد.

۷۴- متذکّرباشیدوفراموش نکنیدکه شما راپس ازهلاک قوم عاد،خداجانشین اقوام سلف نمودودرزمین منزل دادتاازاراضی سَهله-خاک نرم-قصرهای عالی وازکوه سخت ،با تراشیدن سنگ منزلهای محکم بناکنید،پس نعمتهای خداوندرایادکنیدودرزمین به فسادوتبه کاری برنخیزید.

۷۵- روسا وگردنکشان قوم صالح باضعفاوفقیرانی که به او ایمان آوردندبه تمسخرگفتند: آیاشمااعتقاددارید‌که صالح راخدابه رسالت فرستاده؟مومنان جواب دادندبلی،مابراین آگاه ومطمئنیم.مابی هیچ شکّ به آئینی که ازطرف خداوندبراوفرستاده شده ایمان آوردیم.

۷۶- متکبران بی ایمان گفتند: " ماهم بی هیچ شک به آنچه شماایمان داریدکافریم

۷۷- آنگاه ناقه صالح راپی کردندوازامرخداسرپیچی کردندوباپیامبرشان صالح ازروی تحکم وتمسخرگفتندکه ای صالح اگرتوازرسولان خدایی اکنون عذابی که مارابرنافرمانی خدا وعده کردی بیاور.

۷۸- پس زلزله ای برآنها آغازگردیدتاآنکه همه درخانه های خودازپای درآمدند.

۷۹- چون علایم عذاب رسیدصالح ازآنان روی گردانیدوازایمان آنها ناامیدشدوگفت ای قوم من ابلاغ رسالت ازخدای خودنمودم وشمارانصیحت کردم لیکن شما ازجهل وغرورناصحان رادوست نمی دارید.

۸۰- ولوط رابه رسالت فرستادیم که به قوم خودگفت: آیاعمل زشتی که پیش

ازشما هیچکس بدان مبادرت نکرده را انجام میدهید؟
۸۱- شمازنان راترک کرده وبامردان سخت شهوت میرانید.آری که شما قومی فاسدونابکارید.
۸۲- آن قوم پیامبرخودلوط را پاسخی ندادند جزآنکه گفتنداورا ازشهربیرون کنیدکه او وپیروانش مردمی هستندکه این کار را پلید دانسته وازآن تنزّه میجویند
۸۳- ماهم، او واهل بیتشد،همه را ازبلای قومش نجات دادیم مگرزن او که آن زن ،زشتکاروازبازماندگان بود.
۸۴- وبرآن قوم بارانی ازسنگ فروباریدیم.بنگرکه عاقبت کاربدکاران چیست.
۸۵- وبه اهل مدین برادرآنهاشعیب رافرستادیم ،گفت: ای قوم ،خدای راپپرستیدکه شما راجزاوخدایی نیست اکنون که ازجانب پروردگاربرشما برهانی آشکارآمدکم فروشی نکنیدودرسنجش وزن بامردم عدل ودرستی پیشه کنید.کم نفروشیدودرزمین پس ازآنکه قوانین آسمانی به نظم وصلاحتان آمدبه فساد برنخیزید،این کاربرای سعادت شما بسیاربهتراست ،اگرایمان دارید.
۸۶- وبه هرطریق درکمین گمراه کردن خلق وترسانیدن وبازداشتن مردم ازراه خدابرنیایید با این هدف که هرکه به خداایمان آورده را به راه کج وضلالت اندازید،وای مسلمین شماهم بیادآورید زمانی راکه عدّه اندکی بودیدودشمنان بسیار،خدابرعدّه شما افزود ،ودقیق بنگریدعاقبت حال مفسدان چگونه بود تا شماازعمل آنهاپرهیزید.
۸۷- وشعیب به مومنان گفت: اگربه آنچه من ازطرف خداماموربه تبلیغ آن

شده ام گروهی ایمان آورندوگروهی ایمان نیاورده وبه خصومت برخاستندشما مومنان که ایمان آورده ایدصبرپیشه کنیدتاخدامیان ماوآنهاداوری کندکه اوبهترین دادگران است.

۸۸- سران قوم شعیب که تکبرمی ورزیدند گفتند: ماتو وپیروانت را ازشهرخویش بیرون میکنیم مگرآنکه به کیش مابرگردید.شعیب گفت: بااین نفرت که ماازآئین شماداریم رجوع مابه آن محال است.

۸۹- اگرمابه دین شمابرگردیم،باوجودآنکه خدامارا ازآن نجات داده همانابه خداافتراء ودروغ بسته ایم وهرگزمبادکه مابه آئین جاهلانه باطل شما رجوع کنیم مگرآنکه مشیّت خدا قرارگیردکه اوپروردگارماست وبه مصالح ماآگاه است ومابراوتوکل می کنیم وازاو فتح وپیروزی میطلبیم.

پروردگارا تودرنزاع بین ماوامّت ،به حقّ مارافاتح گردان، که توبهترین بخشنده فتح وپیروزی هستی.

۹۰- گروهی ازکافران امّتش مردم راتهدیدکرده وگفتند: ای مردم اگرپیروی شعیب کنیدالبته درزیان خواهیدافتاد.

۹۱- پس زلزله برآن منکران آغازگردیدشب راصبح کردنددرحالی که درخانه های خودبه خاک هلاک افتادند.

۹۲- آنان که شعیب راتکذیب کردندهلاک شدندواثری ازآنها باقی نماند وخودزیانکارشدند.

۹۳- شعیب ازآن مردم بی ایمان روی گردانیدوگفت: ای قوم ،من به شما رسالتهای خداوند راابلاغ کردم وبرای اتمام حجّت شما را اندرز ونصیحت نمودم، من چرابرهلاک کافران غمگین باشم.

۹۴- ماهیچ پیامبریبه هیچ شهرودیاری نفرستادیم مگرآنکه اهلش رابه شدائدو محنت ها مبتلا ساختیم تامگرتوبه کرده وبه درگاه خداتضرّع وزاری کنند.

۹۵- سپس آن سختیها رابه آسایش وخوشی مبدّل کردیم تابه کلّی حال خودرافراموش کرده وگفتند: آن رنج ومحنت ها به پدران مارسیدماهم به ناگاه آنان رابه کیفراعمالشان عقاب کردیم درحالی که ازتوجه به آن عقاب غافل بودند.

۹۶- وچنانچه مردم شهرودیار،همه ایمان آورده وپرهیزکارمیشدندهمانا ما درهای برکات آسمان وزمین رابه روی آنها میگشودیم ولیکن چون تکذیب کردندماهم آنان راسخت به کیفرکردارزشتشان رسانیدیم.

۹۷- آیا اهل شهرودیارازآن ایمنندکه شبانگاه که درخوابندعذاب ما آنهارافراگیرد

۹۸- آیا اهل وشهرودیارازآن ایمن هستندکه به روز که سرگرم بازیچه دنیاهستندعذاب ما آنان را فرارسد

۹۹- آیاازمکرخداغافل وایمن گردیده اندکه ازآن البته کسی غافل نمیشودمگرمردم زیانکار.

۱۰۰- آیا این مردمی راکه بعدازاقوامی که همه مردند وارث زمین شدند،خداوندآگاه نفرموده که اگرمابخواهیم به کیفرگناهانشان میرسانیم وبردلهایشان مُهرمی زنیم وبه گوش دل چیزی نشنوند وازآن پندنگیرند

۱۰۱- این است شهرهایی که مابرتواخباراهلش رابیان کردیم،برای همه آنها رسولان حق با ادلّه روشن آمدند،چون ازپیش،آنهاراتکذیب کرده بودندوبه آنان ایمان نیاوردندهمچنین خداهم دلهای کافران رامُهرکرد.

۱۰۲- اکثرمردمان رادرعهداستوارندیدیم بلکه بیشترشان راعهدشکن وبزهکاریافتیم.

۱۰۳- بعدازآن رسولان،بازما موسی را باآیات وادلّه روشن به سوی فرعون وقومش فرستادیم آنها هم باآن آیات مخالفت وسرکشی کردندبنگرکه عاقبت برآن تبهکاران چه رسید.

۱۰۴- وموسی خطاب کردکه ای فرعون محققّا من فرستاده خداوند جهانها هستم.

۱۰۵- سزاوارآنم که ازطرف خداوندچیزی جزبه حقّ به مردم نگویم.دلیلی بسیارروشن ازجانب پروردگارعالم برای شماآوردم،پس بنی اسرائیل رابامن بفرست.

۱۰۶- فرعون پاسخ دادکه ای موسی اگردلیلی برای صدق خود داری بیار.

۱۰۷- موسی هم عصای خودرا بینداخت ،بناگاه آن عصاتبدیل به اژدهائی عظیم گردید.

۱۰۸- ودست ازجیب خودبرآوردکه ناگاه بینندگان را مانندآفتابی تابان شد.

۱۰۹- سران قوم ،فرعون راگفتندکه این شخص ساحری سخت ماهرودانااست.

۱۱۰- اراده آن داردکه شما را ازسرزمین خودبیرون کنداکنون درکاراوچه دستورمیدهید؟

۱۱۱- قوم به فرعون چنین گفتندکه موسی وبرادرش رازمانی بازدار واشخاصی به شهرهابفرست.

۱۱۲- تاساحران زبردست دانارابه حضورتوجمع آورند.

۱۱۳- عدّه بسیاری ازساحران به حضورفرعون گردآمده وفرعون راگفتند:
اگربرموسی غالب آئیم برای ما اجرومزدبسیارخواهدبود؟
۱۱۴-،فرعون پاسخ دادبلی وعلاوه برآن نزدمن ازمقرّبان خواهیدگشت.
۱۱۵- ساحران به موسی گفتند: اکنون اگرمیخواهی نخست توعصای
خودرابیفکن یا اینکه مابساط سحرخویش بیندازیم.
۱۱۶- موسی گفت: اوّل شمااسباب خودبیفکنید، وقتی بساط خودرا انداختندبا
جادوگری چشم مردم را بستندطوری که مردم هراسان شدندوسحری بس
عظیم وترسناک برانگیختند.
۱۱۷- وبه موسی وحی نمودیم که عصای خودرابیفکن،معجزه اوهرچه
ساحران بافته بودندرا به یکباره ببلعید.
۱۱۸- حقّ ثابت شدواعمال ساحران همه باطل گردید.
۱۱۹- عاقبت ساحران باوجودآن سحربزرگ ازآنجا مغلوب وخواربازگشتند.
۱۲۰- ودرمقابل قدرت خدابه سجده افتادند.
۱۲۱- وگفتند: مابه خداوند عالمیان ایمان آوردیم.
۱۲۲- خداوند موسی وهارون.
۱۲۳- فرعون گفت: چگونه پیش ازدستورواجازه من به اوایمان
آوردید؟همانا مکری اندیشیده ایدکه مردم این شهرراازشهربیرون کنید.پس به
زودی خواهید دانست.
۱۲۴- دست وپای شمارایکی ازراست ویکی ازچپ بریده وآنگاه همه رابه
دارخواهم آویخت.
۱۲۵- ساحران گفتند: مابه سوی پروردگارمان بازمی گردیم.

۱۲۶- وتو جزبرای این مارابه کیفرنمی رسانی که ما به معجزات
پروردگارمان-وقتی برای ما آمد-ایمان آوردیم.پروردگارا ،برما شکیبایی
فروریز وما را مسلمان بمیران."
۱۲۷- جمعی ازسران قوم به فرعون گفتند: آیاموسی وقومش را وامیگذاری
تادراین زمین فسادکنندوتو وخدایان تورا رهاکنند؟ فرعون گفت: به زودی
پسرانشان راکشته وزنان رازنده خواهم گذاشت ،مابرآنهاغالب ومقتدریم.
۱۲۸- موسی به قوم خودگفت: ازخدایاری طلبیدوصبرکنیدکه زمین ملک
خداونداست واو به هرکس ازبندگان خواهدواگذارد وحسن عاقبت وپیروزی
مخصوص اهل تقوی است.
۱۲۹- قوم موسی به اوگفتند که ماهم پیش ازآمدن تووهم بعدازآن در رنج
وشکنجه بوده ایم.موسی گفت: امیداست که خداونددشمن شمارا هلاک
نمایدوشمارا درزمین جانشین اونماید،آنگاه بنگرد تا شما چه خواهیدکرد.
۱۳۰- وفرعونیان راسخت به قحط وتنگی معاش ونقص وآفت درکشت
وزرع مبتلا کردیم تاشاید یادآورشوند.
۱۳۱- پس آنگاه که نیکوئی بدانهامیرسید-آن را-به شایستگی خود نسبت
میدادندوهرگاه بدی برآنها میرسید ،فال بدبه موسی وهمراهانش میزدند،آگاه
باشندکه فال بد آنهانزدخداوند است لیکن اکثرآنهابراین آگاه نیستند که هر
حادثه به امراوست.
۱۳۲- (وفرعونیان به موسی)گفتند: اگرتوآیات ومعجزاتی آورده ای که
مارابدان سحرکنی ،بدان که هرگزماایمان نخواهیم آورد.
۱۳۳- (پس آنگاه به کیفر کفرشان)برآنهاطوفان وملخ وشپشک و وزغ وخون

،آن نشانه های آشکاررا فرستادیم ،بازطریق کبروگردنکشی پیش گرفتند
وقومی گناهکاربودند.
۱۳۴- وچون بلا برآنهاواقع شدبه موسی گفتند ازخدایت که با توعهدی دارد
بخواه تااین عذاب وبلا راازما دورکند،بنا براین پیمان که اگررفع بلا کردی
البته به توایمان می آوریم وبنی اسرائیل رابه همراهی تو میفرستیم.
۱۳۵- پس چون بلا را ازسرآنها رفع کردیم تامدتی که متعهدشدندایمان
آوردند،مدّت که به پایان رسیدبازپیمان را شکستند.
۱۳۶- ماهم ازآنان انتقام کشیدیم وآنهارا دردریا به کیفرآنکه آیات ماراتکذیب
کرده وازآن غفلت نمودند، غرق کردیم.
۱۳۷- وما طایفه ای راکه فرعونیان ذلیل وناتوان مینمودندرا وارث مشرق
ومغرب زمین با برکت گردانیدیم واحسان خداوندبر بنی اسرائیل به حدّ کمال
رسید ،به پاداش صبری که درمصائب کردندوفرعون وقومش رابا آن صنایع
وعمارات وکاخ با عظمت نابودو هلاک نمودیم.
۱۳۸- وبنی اسرائیل را ازدریا به ساحل رسانیدیم.پس به قومی که به پرستش
بتان خودمتوقف بودندبرخورده وگفتند: ای موسی برای ماخدائی مثل خدایانی
که این بت پرستان راست مقرّرکن.موسی درجواب گفت: شما مردمی به
سختی نادان هستید.
۱۳۹- خدایانی که ازآن این جماعت بت پرستان است،فانی وعقایدوآئینشان
باطل است.
۱۴۰- موسی گفت: آیاغیرخداوندرا به خدایی می طلبید،درصورتیکه خداوند
است که شمارا برعالمیان برتری وفضیلت بخشید.

۱۴۱- بیاد آورید هنگامی راکه فرعونیان شماراسخت به عذاب وشکنجه میداشتند.پسرانتان راکشته وزنان رازنده به اسارت وخدمتکاری میگماشتندواین برای شما ازجانب خداوندامتحان وتنبیه بزرگی بود.
۱۴۲- وما باموسی سی شب وعده قراردادیم ،چون پایان یافت ده شب دیگربرآن افزودیم تاآنکه زمان وعده به چهل شب تکمیل شد،به برادرخودهارون گفت: تواکنون رهبرقوم من باش وراه صلاح پیش گیروپیرو اهل فسادمباش.
۱۴۳- وچون قوم،تقاضای دیدن خداکردند،موسی باهفتادنفرازبزرگان قومش که انتخاب شده بودندوقت معین به وعده گاه ما آمدوخداوندباوی سخن گفت.موسی عرض کرد که خدایا خودرابه من آشکاربنماکه جمال تورامشاهده کنم.خدادرپاسخ اوفرمودکه مراتاابدنخواهی دیدولیکن درکوه بنگراگرکوه طوربه جای خودبرقرار بتواندبماند،تونیزمرا خواهی دید.پس آنگاه که تجلّی خدابرکوه تابش نمود،کوه رامتلاشی ساخت وموسی بیهوش افتاد،سپس که به هوش آمدعرض کردخدایا تومنزّه وبرتری به درگاه تو توبه کردم .من اول کسی هستم که ایمان دارم.
۱۴۴- خدافرمود: ای موسی من تورا برای اینکه پیامهای مرابه مردم برسانی برگزیدم وبه کلام خویش انتخاب کردم .پس آنچه راکه به توفرستادم کاملا فراگیروشکروسپاس الهی را بجای آور.
۱۴۵- ودر الواح ازهرموضوع برای نصایح وپندوهم تحقیق هرچیزبه موسی نوشتیم ودستوردادیم که به قوّت فراگیروقوم رادستور ده که نیکوترین مطالب آن را اخذکنند،که پستی مقام ومنزلت فاسقان رابه زودی به شما نشان

خواهیم داد.

۱۴۶- من آنان راکه درزمین به ناحقّ وازروی کبر ادعای بزرگی کننداز‌آیات رحمتم روگردان ومُعرض گردانم که هرآیتی ببینندبه آن ایمان نیاورندواگرراه رشدوهدایت یابند آن راه را انتخاب نکنندوبرعکس اگرراه جهل وگمراهی بیابند،آن رادرپیش گیرند. این-گمراهی آنها-بدین جهت بودکه آیات خداراتکذیب کردندوازفهم آن غافل وروی گردان شدند.

۱۴۷- وآنان که آیات آسمانی ما و لقاء عالم آخرت راتکذیب کردنداعمالشان که جزبرای دنیا نبودتباه وباطل شود،آیا درمحکمه عدل خداوندجز برای آنچه انجام دادند کیفری برای آنها خواهدبود؟

۱۴۸- قوم موسی بعدازاومجسمه گوساله ای که صدایی داشت ازطلاوزیورهای خودساخته وپرستیدند.آیا ندیدندکه آن مجسمه بی روح باآنهاسخنی نمی گوید وبه راهی آنهاراهدایت نمیکند؟

باز پی آن گوساله رفتند ومردمی ستمکاربودند

۱۴۹- وچون ازآن عمل پشت دست به دندان گزیدندودیدند که کاملا گمراهندباخودگفتنداگرخدامارانبخشدوازمانگذرد ،سخت اززیانکاران عالم خواهیم بود.

۱۵۰- وچون موسی به سوی قوم خودبازگشت به حال خشم وتاسف به قوم خودگفت: شماپس ازمن بسیاربدکردید،آیا درامرخدای خودعجله کردید؟والواح را به زمین انداخت وازفرط غضب ،سربرادرش رابه سوی خودکشید-هارون-گفت: ای فرزندمادرم برمن خشمگین مباش که من درکارهدایت قوم بودم آنها مراخواروزبون داشتندتاآنجاکه بسیارباقوم

خصومت وممانعت کردم،نزدیک بودمرا به قتل برسانند.پس تودشمنان رابرمن شادمگردان ومرا در شمارمردم ستمکارمشمار.

۱۵۱- موسی گفت: پروردگارا من وبرادرم رابیامرزودرسایه رحمت خودداخل گردان که تومهربان ترین مهربانان عالمی.

۱۵۲- آنان که گوساله رابه پرستش گرفتندآتش قهروغضب خدادرآخرت وذلّت وخواری درحیات دنیا محققا نصیبشان خواهدشدوهمچنان ما دروغگویان راکیفرخواهیم کرد.

۱۵۳- آنان که مرتکب عمل زشت شدندوپس ازآن عمل بد،توبه کردندوبه اخلاص ایمان آوردند،خدای تو برآنهابعدازتوبه شان به یقین بخشنده ومهربان است.

۱۵۴- وچون غضب موسی فرونشست الواح تورات رابرگرفت که درصحیفه آن تورات هدایت ورحمت الهی بود برآن گروهی که ازقهرخدای خود می ترسند.

۱۵۵- وموسی ازمیان قوم خودهفتادمردبرای میعادما برگزید،وچون زلزله آنان رافروگرفت،گفت: " پروردگارا،اگرمیخواستی،آنان راومرا پیش ازاین هلاک میساختی،آیا مارابه-سزای-آنچه کم خردان ما کرده اند هلاک می کنی؟این جزآزمایش تونیست،هرکه رابخواهی به وسیله آن گمراه وهرکه رابخواهی هدایت می کنی،توسرور مایی،پس مارابیامرز وبه ما رحم کن ،وتوبهترین آمرزندگانی."

۱۵۶- وسرنوشت مارا،هم دراین دنیا وهم درعالم آخرت نیکویی وثواب مقدّرفرماکه مابه سوی توهدایت یافته ایم،خداوندفرمود: عذاب من به هرکه

خواهم رسد ولیکن رحمت من همه موجودات رافراگرفته والبته برای آنان که
راه تقوی پیش گیرندوزکات میدهندوبه آیات خدامیگروندآن رحمت
رامخصوص برآنهاحتم ولازم خواهیم کرد.
۱۵۷- آنان که پیروی کنندازرسول وپیامبرامّی که درتورات وانجیلی که
دردستوآنهاست-نام ونشانش را واوصافش را-نگاشته می یابند-که آن رسول
-آنهاراامربه هرنیکوئی ونهی ازهرزشتی خواهدکردوبرآنان هرطعام پاکیزه
ومطبوع راحلال وهرپلیدمنفورراحرام می گرداندواحکام پررنج ومشقّتی
راکه -ازجهل وهوی-چون زنجیربگردن خودنهاده اندهمه رابرمی دارد-ودین
آسان وموافق فطرت برخلق می آورد-پس آنان که به اوگرویدندوحرمت
وعزت اورا نگاهداشتندواورا یاری کردندونوری راکه به اونازل شدپیروی
نمودند-یعنی به قرآنی که روشن گر دلهای تاریک است عمل کردند-آن گروه
به حقیقت رستگاران عالمند.
۱۵۸- (ای رسول ما)به مردم بگوکه من رسول خدایم.آن خدائی که
آسمانهاوزمین همه ملک اوست،هیچ خدائی جزاونیست،که اوزنده میکندومی
میراند،پس ای مردم بایدایمان به خداوند آوریدوبه رسول او پیامبرامّی آن
پیامبری که پس به خدا وسخنان خداگروید،شمابایدپیرواوشویدتا هدایت یابید.
۱۵۹- جماعتی ازقوم موسی هدایت جسته وبه آن دین بازمی گردند-یعنی
مسلمان میشوندومردم راهم به دین اسلام وقرآن دعوت میکنند-
۱۶۰- (قوم موسی را) به دوازده عشیره منشعب کردیم که هرعشیره طایفه
ای باشندوچون امّت موسی درآن بیابان بی آب از او آب خواستند که
ازعطش نجات یابندبه موسی وحی کردیم که عصای خودرابرسنگ

بزن-چون زد-دوازده چشمه آب ازآن سنگ جاری شدکه هرچشمه به یک عشیره مخصوص گردیدو هرقبیله آبشخورخودرا دانست،مابواسطه ابر برسرآنهاسایه افکندیم ونیزبرای قوّت وروزی آنهامرغ وترنجبین فرستادیم ،ازغداهای پاکیزه ای که روزیتان کرده ایم بخورید،وبرما ستم نکردندلیکن برخودشان ستم میکردند.

۱۶۱- وچون به قوم موسی امرشدکه دراین شهر-بیت المقدس-مسکن کنیدوازهرچه خواستیدازطعامهای این شهرتناول کنیدوبراین در،به تواضع وسجده درآئیدودردعابگوئیدکه پروردگاراگناهان مارا بریز، تا ازظلم وخطاهای شما درگذریم که ما نیکوکاران رافزونتر احسان میکنیم.

۱۶۲- آنگاه ستمکاران برخلاف آنچه بدانهادستورداده شدرفتارکردند،ماهم به کیفرمخالفت وستمکاری برآنهاازآسمان عذابی سخت فرودآوردیم

۱۶۳- وای رسول ،بنی اسرائیل راازآن قریه که درساحل دریابود بازپرس که چرا ازحکم تعطیل شنبه تجاوزکردند،آنگاه

که -برای امتحان-به روزشنبه ماهیان درمشارع پیرامون دریاپدیدارشده ودرغیرآن روزاصلا پدیدنمی آمدند بدین گونه ماآنان رابه عمل فسق ونافرمانی آزمایش کردیم

۱۶۴-وچون جمعی ازآن گروه کفتند: چراقومی راکه ازجانب خدابه هلاک ویاعذاب سخت محکومندبازموعظه می کنید،ناصحان گفتند:

پندمامعذرت-واتمام حجت- ازجانب پروردگاراست ودیگرآنکه شایداثرکندوتقوی پیشه کنند.

۱۶۵- وچون هرچه به آنهاتذگر داده شددرآن غفلت ورزیدند-وموعظه

ناصحان نشنیدند-ماهم آن جماعت که نصیحت میکردندوخلق را ازکاربدمنع
مینمودندنجات بخشیدیم وآنان که ظلم وستمکاری کردندبه کیفرفسقشان به
بدترین عذاب گرفتارکردیم
۱۶۶- آنگاه که سرکشی وتکبّرکرده وآنچه ممنوع بودمرتکب شدند-ماهم
آنهارامسخ کردیم و-گفتیم به شکل بوزینه شوید که بسی دورو بازمانده
ازرحمت خداوند باشید.
۱۶۷- وآن هنگام امرنافذخدای توبراین قرارگرفت که تاروزقیامت کسی رابه
عقوبت وعذاب سخت برآنهابرانگیزدکه پروردگارتو همانا
زودکیفرکننده-ستمکاران-وبه خلق بسیار بخشنده ومهربان است
۱۶۸- وبنی اسراییل رادر روی زمین به فرقه هایی متفرّق ساختیم .بعضی
ازآنهاصالح ودرستکاروبرخی به خلاف آن-خیانت پیشه اند-وآنهارابه
خوبیهاوبدیها-چون فقروغناودارائی وعجزوناتوانی ورنج وآسایش وجنگ
وصلح-بیازموديم.باشدکه بازگردند
۱۶۹- پس ازآنکه پیشینیان شان درگذشتنداخلاف وبازماندگانشان که وارث
کتاب آسمانی شدند-خداوآخرت رابه کلّی فراموش کرده و-متاع پست دنیا
رابرگزیدند-وهرگناه که کردند-گفتند: مابخشیده خواهیم شدوچنانچه مثل آن
مال ازمتاع دنیا که یافتندباز-ازهرراه حرام وخیانت-بیابند-به حرص
وآز-برگیرند.آیا ازآنان پیمان کتاب آسمانی گرفته نشدکه به خدا جزحرف حق
وسخن راست نسبت ندهندوآنچه درکتاب است درس گیرند-وعمل
کنند-؟(وبدانیدکه-)منزل ابدی آخرت ونعمتهای بهشتی برای مردم
پرهیزکاربسی بهتراست،آیا تعقّل نمی کنید؟

۱۷۰- آنان که متوسّل به کتاب آسمانی شدندونمازبپاداشتند-به آنهامزدحسن
عمل داده خواهدشدکه-ما اجردرستکاران را ضایع نخواهیم گذاشت.
۱۷۱- وبیادآورند یهودیان ،آنگاه راکه براسلافشان کوه طوررا مانندقطعه
ابرهابرفرازآنهابرانگیختیم که پنداشتندبرآنهافروخواهدافتادوامرکردیم که
توراتی که به شما آمدرا باقوّت ایمان وعقیده محکم اخذکنیدوآنچه درآن
مذکوراست را متذکرباشیدتا پرهیزکارشوید
۱۷۲- و(ای رسول ما) بیادآورهنگامی که خدای توازپشت فرزندان آدم ذریه
آنهارابرگرفت وآنهارابرخودگواه ساخت که آیا من پروردگارشما نیستم؟ همه
گفتند: بلی مابه خدایی توگواهی میدهیم که دیگردرروزقیامت نگوئید ما ازاین
واقعه غافل بودیم
۱۷۳- یاآنکه بگوئیدکه چون منحصرا پدران مابه دین شرک بودندوماهم
فرزندان بعدازآنهابودیم پس پیروی پدران خودکردیم آیابه عمل زشت اهل
باطل مارابه هلاکت خواهی رسانید؟
۱۷۴- وبدینگونه ماآیات خودرابه تفصیل شرح میدهیم،باشدکه مردم ازغفلت
وجهالت وراه باطل به خداپرستی ومعرفت وطاعت حق بازگردند
۱۷۵- و(ای رسول ما) بخوان براین مردم-قوم یهود-حکایت آنکس-بلعم
باعور- راکه ماآیات خودرابه اوعطاکردیم،ازآن آیات به عصیان
سرپیچیدچنانچه شیطان اوراتعقیب کردوازگمراهان
عالم گردانید
۱۷۶- واگرما به مشیّت نافذخودمیخواستیم،به آن آیات اورا رفعت مقام می
بخشیدیم لیکن اوبه زمین-تن-فروماندو پیرو هوای نفس گردیدودراین صورت

مَثَل او وحکایت حال اوبه سگی ماندکه اگراورا تعقیب کنی ویا اورابه حال خودواگذاری عوعو-پارس-کند،ای رسول ما این است مثل مردمی که آیات خدارابعدازعلم به آن تکذیب کردند.این حکایت رابه مردم بگو،باشدکه به فکرآیند.

۱۷۷- چه زشت است داستان حال گروهی که آیات ماراتکذیب وبه خودستم می نمودند.

۱۷۸- هرکه راخداوندهدایت فرمود،هم اوست که هدایت یافته وآنهائی که اوگمراه کند هم آنان زیانکاران عالمند.

۱۷۹- ومحققا بسیاری ازجن وانس رابرای جهنم واگذاریم چه آنکه آنها رادلهائی است بی ادراک ومعرفت ودیده های بی نوربصیرت وگوش هائی ناشنوای حقیقت .آنهامانندچهارپایانند بلکه بسیارگمراه ترهستندزیرا قوه ادراک مصلحت ومفسده داشتندوباز عمل نکردند.آنهامردمی هستندکه غافل شدند.

۱۸۰- خدارانامهای نیکوست،خداوندرا بدانهابخوانیدوآنان که درنامهای اوکفروعناد میورزندبه خودواگذاریدکه به زودی به کرداربدشان مجازات خواهندشد.

۱۸۱- وازخلقی که آفریده ایم فرقه ای به حق هدایت می یابندوازباطل همیشه به حق بازمی گردند(درتفاسیرشیعه آمده که مراد ازاین فرقه پیشوایان دین وائمه معصومین علیهم السلام میباشند)

۱۸۲- وآنان که آیات مارا تکذیب کردندبه زودی آنهارابه عذاب وهلاکت می افکنیم ازجائی که فهم آن نکنند.

۱۸۳- چندروزی به آنهامهلت میدهیم که همانا مکروعقاب ما بسیارشدیدبه آنهافرارسد.
۱۸۴- اما این مردم فکرنکردندکه صاحب آنهاراهرگزجنونی اصلا دراونیست،او بیم دهنده مردم به بیانی آشکارو روشن است.
۱۸۵- آیافکرونظردرملکوت وقوای آسمانهاوزمین نمی کنندودرهرچه خداوند آفریده نمی نگرند؟وچون اجل ومرگ آنهابس باشدکه به آنان بسیارنزدیک شود،آنگاه به چه حدیثی بعداز این ایمان خواهندآورد؟
۱۸۶- هرکه را خداوند گمراه کند،برای او هیچ راهنمایی نباشد وآنان را درطغیانشان سرگردان وامی گذارد.
۱۸۷- ای رسول ما ازتودرباره قیامت می پرسند-که-وقوع آن چه وقت است؟بگو: علم آن تنهانزدپروردگارمن است.جزاوآن را به موقع خود آشکارنمی گرداند.-این حادثه -برآسمانهاوزمین گران است .جز به شکلی ناگهانی به شما نمیرسد.ازتومیپرسندگویا توازآن آگاهی ،بگو: علم آن تنهاونزدخداونداست ولی بیشترمردم نمی دانند.
۱۸۸- بگو: جزآنچه خداوندبخواهد،برای خودم اختیارسودوزیانی ندارم،واگرغیب میدانستم قطعاخیربیشتری می اندوختم وهرگزبه من آسیبی نمی رسید.من جزبیم دهنده وبشارتگربرای گروهی که ایمان می آورندنیستم.
۱۸۹- اوست آن که شمارا ازنفس واحدی آفریده وجفت وی را ازآن پدیدآوردتابدان آرام گیرد.پس چون-آدم-با اودرآمیخت باردارشد،باری سبک برداشت پس آن بارحمل چندی بزیست تاسنگین شدکه آنگاه هردوخداوند را خواندندکه ای پروردگاراگربه ما-فرزندی-شایسته عطاکنی قطعا

ازسپاسگزاران خواهیم بود.

۱۹۰- وچون به آن دو،-فرزندی-شایسته داد،درآنچه -خدا-به ایشان داده بود،برای اوشریکانی قراردادند،وخداازآنچه -بااو-شریک می گردانندبرتراست.

۱۹۱- آیا موجوداتی را-بااو-شریک می گردانندکه چیزی را نمی آفرینندوخودشان مخلوقند؟

۱۹۲- ونمی توانندآنان رایاری کنند ونه خویشتن رایاری دهند.

۱۹۳- واگرآنهارابه-راه-هدایت فراخوانید،ازشماپیروی نمی کنند،چه آنهارا بخوانیدیاخاموش بمانید،برای شما یکسان است.

۱۹۴- درحقیقت کسانی راکه به جای خدامیخوانید،بندگانی امثال شماهستند،پس آنهارا-درگرفتاریها-بخوانید،اگر راست می گویید بایدشمارا اجابت کنند.

۱۹۵- آیا آنهاپاهایی دارندکه با آن راه بروند،یادستهایی دارندکه با آن کاری انجام دهند،یاچشمهایی دارندکه باآن بنگرند،یاگوشهایی دارندکه با آن بشنوند؟بگو: شریکان خودرا بخوانید،سپس درباره من حیله به کاربریدومرا مهلت مدهید.

۱۹۶- بی تردید،سرورمن آن خدایی است که قرآن رافروفرستاده وهم اودوستدارشایستگان است.

۱۹۷- وکسانی راکه به جای اومی خوانید،نمی توانندشمارا یاری کنندونه خویشتن رایاری دهند.

۱۹۸- واگرآنهارا به -راه-هدایت فراخوانید،نمی شنوند،وآنهارامیبینی که به

سوی تومی نگرنددرحالی که نمی بینند.

۱۹۹- گذشت پیشه کن وبه -کار-نیکو فرمان ده، وازنادانان رخ برتاب.

۲۰۰- واگرازشیطان وسوسه ای به تورسد،به خداپناه بر،زیرا که اوشنوای داناست.

۲۰۱- درحقیقت کسانی که -ازخدا-پروا دارند،چون وسوسه ای ازجانب شیطان بدیشان رسد-خدارا-به یادآورندوبناگاه بیناشوند.

۲۰۲- ویارانشان آنان رابه گمراهی می کشانندوکوتاهی نمی کنند.

۲۰۳- وهرگاه برای آنان آیاتی نیاوری، می گویند: چرا آن راخودبرنگزیدی؟بگو: من فقط آنچه راکه ازپروردگارم به من وحی میشودپیروی میکنم.این-قرآن- رهنمودی است ازجانب پروردگارشماوبرای گروهی که ایمان می آورندهدایت ورحمتی است.

۲۰۴- وچون قرآن خوانده شود،بدان گوش فراداریدوخاموش مانید،امیداست که برشما رحمت آید.

۲۰۵- ودردل خویش بامدادان وشامگاهان پروردگارت رابا تضرّع وترس ،بدون صدای بلند،یادکن وازغافلان مباش.

۲۰۶- به یقین کسانی که نزد پروردگارتوهستند،ازپرستش اوتکبّرنمی ورزند واورا به پاکی میستایندوبرای او سجده می کنند.[سجده واجب]

انفال

بنام خداوند بخشنده مهربان

۱- (ای پیامبر) ازتودرباره غنائم جنگی می پرسند.بگو: غنائم جنگی اختصاص به خدا وفرستاده-او-دارد.پس ازخداوندپروا داریدوبا یکدیگرسازش نماییدواگرایمان دارید ازخداوند وپیامبرش اطاعت کنید.

۲- مومنان همان کسانی هستندکه چون خداوند یادشود دلهایشان ترسان ولرزان شود،وچون آیات اوبرآنان خوانده شودبرایمانشان افزوده شود،وبرپروردگارخود توکل می کنند.

۳- همانان که نماررابه پا می دارندوازآنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند.

۴- آنان هستندکه حقا مومن هستند،برای آنان نزدپروردگارشان درجات وآمرزش وروزی خواهدبود.

۵- همان گونه که پروردگارت تورا ازخانه ات به حق بیرون آوردوحال آنکه دسته ای ازمومنان سخت کراهت داشتند.

۶- باتودرباره حق-بعدازانکه روشن گردید-مجادله می کنند ،گوئی که آنان رابه سوی مرگ می راننددوایشان -بدان-می نگرند.

۷- و-به یادآورید-هنگامی راکه خدایکی از دودسته -کاروان تجارتی قریش یا سپاه ابوسفیان- رابه شما وعده دادکه ازآن شماباشد،وشما دوست داشتیدکه دسته بی سلاح برای شما باشد،و-لی-خدامیخواست حق راباکلمات خودثابت ، کافران را ریشه کن کند.

۸- تاحق راثابت وباطل رانابودگرداند،هرچندبزهکاران خوش نداشته باشند.

۹- (به یادآورید) زمانی راکه پروردگارخودرابه فریادمی طلبیدید،پس دعای

شما رااجابت کردکه: من شماراباهزارفرشته یاری خواهم کرد.
۱۰- واین -وعده-راخداوندجزنویدی -برای شما-قرارنداد،وتا آنکه دلهای شمابدان اطمینان یابد،وپیروزی جزازنزدخداوند نیست،که خداوند شکست ناپذیر-و-حکیم است.
۱۱- (به یادآورید) هنگامی راکه -خداوند-خواب سبک آرامش بخشی که ازجانب اوبودبرشما مسلط ساخت،وازآسمان بارانی برشمافروریزانیدتاشما رابا آن پاک گرداند،و وسوسه شیطان را ازشما بزدایدودلهایتان رامحکم سازدوگامهایتان را بدان استواردارد.
۱۲- هنگامی که پروردگارت به فرشتگان وحی میکردکه من با شماهستم،پس کسانی راکه ایمان اورده اندثابت قدم بدارید.به زودی در دل کافران وحشت خواهم افکند.پس فراز گردنها را بزنیدو همه سرانگشتانشان را قلم کنید.
۱۳- این-کیفر-بدان سبب است که آنان باخداوپیامبراوبه مخالفت برخاستند،وهرکس باخداوپیامبراوبه مخالفت برخیزد،قطعا خداسخت کیفراست.
۱۴- این -عذاب دنیا-را بچشید و-بدانیدکه-برای کافران عذاب آتش خواهدبود.
۱۵- ای کسانی که ایمان آورده اید،هرگاه-درمیدان نبرد-به کافران برخوددکردیدکه-به سوی شما-روی می آورند،به آنان پشت مکنید
۱۶- هرکه درروز جنگ به آنهاپشت نمودوفرارکردبه طرف غضب وخشم خداروی آورده وجایگاهش دوزخ خواهدبودکه بدترین منزل است،مگرآنکه

ازجناح راست نبرد درمیدان جنگ به جناح چپ یا ازقلب به جناح برای مصالح جنگی برود،یا ازفرقه ای به یاری فرقه ای دیگربشتابد.

۱۷- (ای مومنان) نه شما ،بلکه خداوندکافران راکشت و (ای رسول) چون توتیرافکندی نه توبلکه خداوند افکند(وشکست کافران راخدابرای این خواست) که مومنان رابه پیش آمدخوشی بیازمایدکه خداوند شنوای دعای مردم ودانا است.

۱۸- این(فتح وغلبه درجنگ به خواست خدا) شمارانصیب شدو(بدانیدکه)محققا خدا بی اثرکننده مکرکفاراست(یعنی شمامومنان ازمکرکافران میندیشیدکه خدا بنیان مکرشان راویران خواهدکرد)

۱۹- (ای مشرکان)اگرشماپیروزی-حق-را می طلبید،اینک پیروزی به سراغ شما آمد-واسلام پیروزشد-واگر-ازدشمنی- بازایستید، آن برای شمابهتراست،واگر-به جنگ- برگردیدماهم برمی گردیم،و-بدانید-که گروه شما هرچندزیادباشد،هرگزازشماچیزی رادفع نتوانندکردوخداست که با مومنان است.

۲۰- ای کسانی که ایمان آورده اید،خداورسول را اطاعت کنیدوازفرمان اوسرنپیچید-که شما سخنان حق- وآیات خدارا میشنوید.

۲۱- ومانندکسانی مباشیدکه گفتند: " شنیدیم" درحالی که نمی شنیدند.

۲۲- قطعا بدترین جنبندگان نزد خدا کرها ولال هایی هستندکه نمی اندیشند.

۲۳- اگرخدابه علم ازلی درآنهاخیروصلاحی میدیدآنهاراشنوابه کلام حق میکرد،اگرهم به حق شنواکندبازازآن روگرداننددواعراض کنند.

۲۴- ای کسانی که ایمان آورده اید،چون خدا وپیامبر،شمارابه چیزی فرا

خواندندكه به شماحيات مى بخشد،آنان رااجابت كنيد،وبدانبدكه خدا ميان آدمى ودلش حائل مى گردد،وهم درنزداو محشور خواهيدشد.
۲۵- وبترسيدازبلائى كه چون آيدتنها مخصوص ستمكاران شما نباشد وبدانيد كه عِقاب خداوندبسيارسخت است.
۲۶- وبه يادآوريدهنگامى راكه شمادرزمين گروهى اندك بوديد ،مى ترسيديدمردم شمارا بربايند،پس -خداوند-به شما پناه دادوشمارا به يارى خودنيرومندگردانيدوازچيزهاى پاک به شما روزى داد،باشدكه سپاسگزارى كنيد.
۲۷- اى كسانى كه ايمان آورده ايد،به خداوپيامبراوخيانت نكنيدو-نيز-درامانتهاى خودخيانت نورزيدوخودميدانيد-كه نبايدخيانت كرد-
۲۸- وبدانيدكه اموال وفرزندان شما-وسيله -آزمايش-شما-هستندوخداست كه نزداوپاداشى بزرگ است.
۲۹- اى كسانى كه ايمان آورده ايد،اگرازخداپروا داريد،براى شما-نيروى-تشخيص -حق ازباطل-قرارميدهدوگناهانتان را ازشما مى زدايد،وشمارا مى آمرزد وخدا داراى بخشش بزرگ است.
۳۰- و-يادكن-هنگامى راكه كافران درباره تونيرنگ مى كردندتاتورا به بندكشند يا بكشنديا -ازمكه-اخراج كنندو نيرنگ مى زدندوخداتدبيرميكردوخداوندبهترين تدبيركنندگان است.
۳۱- وچون آيات ما برآنان خوانده شودميگويند: به خوبى شنيديم،اگرميخواستيم قطعا مانيزهمانندداين را ميگفتيم،اين جزافسانه هاى پيشينيان نيست.

۳۲- و-یادکن-هنگامی راکه گفتند: خدایا اگراین-کتاب-همان حق ازجانب
توست،پس برما ازآسمان سنگهایی بباران یاعذابی دردناک برسرمابیاور.
۳۳- و-لی-تاتودرمیان آنان هستی، خداوندبرآن نیست که ایشان راعذاب
کند،وتاآنان طلب آمرزش می کنند، خداوندعذاب کننده ایشان نخواهدبود.
۳۴- چراخدا-درآخرت-عذابشان نکند،بااینکه آنان-مردم
را-از-زیارت-مسجدالحرام بازمی دارند،درحالی که ایشان سرپرست آن
نباشند،چراکه سرپرست آن جزپرهیزکاران نیستندولی بیشترشان نمی دانند.
۳۵- ونمازشان درخانه-خدا-جزسوت کشیدن وکف زدن نبود،پس به سزای
آنکه کفرمی ورزیدید،این عذاب رابچشید.
۳۶- بی گمان،کسانی که کفرورزیدند،اموال خودراخرج می کنندتا-مردم
را-ازراه خدابازدارند،پس به زودی-همه-آن راخرج می کنندوآنگاه حسرتی
برآنان خواهدگشت،سپس مغلوب میشوندوکسانی که کفرورزیدندبه سوی
دوزخ گردآورده خواهندشد.
۳۷- تاخدا،ناپاک را ازپاک جداکند،وناپاکها را روی یکدیگرنهدوهمه
رامتراکم کند، آنگاه درجهنم قراردهد،اینان همان زیانکارانند.
۳۸- به کسانی کفرورزیده اندبگو: بازایستند،آنچه گدشته است برایشان
آمرزیده میشود،واگربازگردندبه یقین سنت-خدادرمورد-پیشینیان گذشت.
۳۹- وبا آنان بجنگیدتافتنه ای برجای نماندودین یکسره ازآن خداگردد.پس
اگر-ازکفر-بازایستندقطعاخدابه آنچه انجام میدهندبیناست.
۴۰- واگرروی برتافتند،پس بدانیدکه خداسرورشماست چه نیکوسروروچه
نیکویاوری است.

۴۱- وبدانیدکه هرچیزی را که به غنیمت گرفتید،یک پنجم آن ازآن خداوپیامبروبرای خویشاوندان-او-ویتیمان وبینوایان ودر راه ماندگان است.اگربه خداوآنچه بربنده خوددر روز جدایی-حق ازباطل- روزی که آن دوگروه با هم روبروشدند-نازل کردیم ،ایمان آورده اید، وخدابرهرچیزی تواناست.

۴۲- آنگاه که شما بردامنه نزدیکتر-کوه-بودیدوآنان دردامنه دورتر-کوه-وسواران-دشمن- پایین ترازشما-موضع-گرفته بودندواگربایکدیگروعده گذارده بودید،قطعا دروعده گاه خود اختلاف می کردید،ولی-چنین شد- تاخداوندکاری راکه انجام شدنی بودبه انجام رساند-و-تاکسی که -باید-هلاک شود،بادلیلی روشن هلاک گردد،وکسی که -باید-زنده شود،بادلیلی واضح زنده بماندوخداست که درحقیقت شنوای داناست.

۴۳- (ای پیامبر، یادکن) آنگاه راکه خداوندآنان-سپاه دشمن-رادرخوابت به تواندک نشان داد،واگرایشان رابه توبسیارنشان میدادقطعا سست می شدیدوحتما درکار-جهاد-منازعه می کردید،ولی خداوندشمارا به سلامت داشت،چراکه اوبه رازدلها داناست.

۴۴- وآنگاه که چون باهم برخوردکردید،آنان را دردیدگان شما اندک جلوه داد وشمارا دردیدگان آنان کم نمودارساخت تا خداوندکاری راکه انجام شدنی بودتحقق بخشد،وکارها به سوی خدابازگردانده میشود.

۴۵- ای کسانی که ایمان آورده اید،چون باگروهی برخوردمیکنیدپایداری ورزیدوخدارابسیاریادکنید،باشدکه رستگارشوید.

۴۶- وازخداوپیامبرش اطاعت کنیدوباهم نزاع نکنیدکه سست شویدومهابت شما ازبین برودوصبرکنیدکه خدا با صبوران است.

۴۷- ومانند کسانی نباشیدکه ازخانه هایشان باحالت سرمستی وبه صرف نمایش به مردم خارج شدندو-مردم را-ازراه خدابازمی داشتندوخدا به آنچه می کنند احاطه دارد.

۴۸- و-یادکن-هنگامی راکه شیطان اعمال آنان رابرایشان بیاراست وگفت: امروزهیچ کس ازمردم برشما پیروز نخواهدشد ومن پناه شماهستم. پس هنگامی که دوگروه یکدیگررا دیدند-شیطان-به عقب برگشت وگفت: من ازشما بیزارم ،من چیزی رامیبینم که شما نمی بینید،من ازخدابیمناکم، وخداند سخت کیفراست.

۴۹- آنگاه که منافقان وکسانی که دردلهایشان بیماری بودمی گفتند: اینان-مومنان-رادینشان فریفته است. وهرکس برخداوندتوکل کند-بداندکه- درحقیقت خداشکست ناپذیر حکیم است.

۵۰- واگرببینی آنگاه که فرشتگان جان کافران رامی گیرند ،برچهره وپشت آنان میزنندو-میگویند-عذاب سوزان رابچشید.

۵۱- این-کیفر-دستاوردهای پیشین شماست ،و-گرنه-خدابربندگان-خود-ستمکارنیست.

۵۲- (رفتارشان) مانندرفتارخاندان فرعون وکسانی است که پیش ازآنان بودند،به آیات خداکفرورزیدند،پس خدا به -سزای-گناهانشان گرفتارشان کرد،آری خداوندنیرومند سخت کیفراست.

۵۳- این-کیفر-بدان سبب است که خداوندنعمتی راکه برقومی ارزانی داشته

تغییرنمی دهد،مگرآنکه آنان آنچه را دردل دارندتغییردهند،وخداوندشنوای داناست.

۵۴- (رفتاری) چون رفتارفرعونیان وکسانی که پیش ازآنان بودندکه آیات پروردگارشان راتکذیب کردند،پس ما آنان رابه-سزای-گناهانشان هلاک وفرعونیان راغرق کردیم وهمه آنان ستمکاربودند.

۵۵- بی تردید،بدترین جنبندگان درنزدخداوندکسانی هستندکه کفرورزیده اندوایمان نمی آورند.

۵۶- همانان که ازایشان پیمان گرفتی ولی هربارپیمان خودرا می شکنندو-ازخدا-پروانمی دارند.

۵۷- پس اگردرجنگ برآنان دست یافتی با-عقوبت-آنان کسانی راکه درپی ایشانندتارومار کن ،باشدکه عبرت گیرند.

۵۸- واگرازگروهی بیم خیانت داری-پیمانشان را-به سویشان بینداز-تاطرفین-به طوریکسان-بدانندکه پیمان گسسته است-زیراخداوندخائنان رادوست نمی دارد.

۵۹- وزنهارکسانی که کافرشده اندگمان نکنندکه پیشی جسته اند،زیراآنان نمی توانند-مارا-درمانده کنند.

۶۰- وهرچه درتوان داریدازنیروواسبهای آماده بسیج کنید،تابااین-تدارکات-دشمن خداوخودتان و-دشمنان-دیگری راجزایشان-که شما نمی شناسیدشان وخداوندآنان رامی شناسد-بترسانید.وهرچیزی درراه خداخرج کنیدپاداشش به خودشما بازگردانیده میشودوبرشما ستم نخواهدرفت.

۶۱- واگربه صلح گراییدندتو-نیز-بدان گرا وبرخداوند توکل نما که اوشنوای

داناست.

۶۲- واگربخواهندتورابفریبند-یاری-خدابرای توبس است،هم اوبودکه تورابایاری خود ومومنان نیرومندگردانید.

۶۳- ومیان دلهایشان الفت انداخت،که اگرآنچه در روی زمین است همه راخرج میکردی نمی توانستی میان دلهایشان الفت برقرارکنی ،ولی خدابودکه میان آنان الفت انداخت،چراکه اوتوانای حکیم است.

۶۴- ای پیامبر، خداوندوکسانی ازمومنان که پیروتوهستند تورا بس است.

۶۵- ای پیامبر،مومنان رابه جهادبرانگیز،اگراز-میان-شمابیست تن شکیبا باشندبردویست تن چیره میشوند،واگرازشمایکصدتن باشندبرهزارتن ازکافران پیروزمیگردند،چراکه آنان قومی هستند که نمی فهمند.

۶۶- اکنون خداوندبرشما تخفیف داده ومعلوم داشت که درشما ضعفی هست ،پس اگراز-میان-شما یکصدتن شکیبا باشندبردویست تن پیروزگردندواگرازشما هزارتن باشند،به توفیق الهی بردوهزارتن غلبه کنند،وخدا با صبوران است.

۶۷- هیچ پیامبری راسزاوارنیست که-برای اخذسر بهاازدشمنان-اسیرانی بگیرد،تادرزمین به طورکامل ازآنان کشتارکند.شمامتاع دنیارا میخواهیدوخدا آخرت رامیخواهدوخداوندشکست ناپذیرحکیم است.

۶۸- اگردرآنچه گرفته ایدازجانب خداوندنوشته ای نبود،قطعا به شما عذابی بزرگ میرسید.

۶۹- پس ازآنچه به غنیمت برده اید،حلال وپاکیزه بخوریدوازخداوندپروا دارید که خدا آمرزنده مهربان است.

۷۰- ای پیامبر،به کسانی که دردست شما اسیرندبگو: اگرخدا دردلهای
شماخیری سراغ داشته باشد،بهترازآنچه ازشما گرفته شده به شما عطا
میکندوبرشمامی بخشایدوخداوندآمرزنده مهربان است.
۷۱- واگربخواهندبه توخیانت کنند،پیش ازاین -نیز-به خدا خیانت
کردند-وخداتورا-برآنان مسلّط ساخت، وخدا دانای حکیم است.
۷۲- کسانی که ایمان آورده وهجرت کرده اندودرراه خدا بامال وجان
خودجهادنموده اندوکسانی که -مهاجران را-پناه داده اندویاری کرده اند،آنان
یاران یکدیگرند وکسانی که ایمان آورده اندولی مهاجرت نکرده اند،آنان
یاران یکدیگرندوکسانی که ایمان آورده اندولی مهاجرت نکرده اندهیچگونه
خویشاوندی-دینی-باشما ندارندمگرآنکه -در راه خدا-هجرت کنند
واگردر-کار-دین ازشما یاری جویند،یاری آنان
برشما-واجب-است،مگربرعلیه گروهی باشدکه میان شما ومیان آنان پیمانی
-منعقدشده-است وخدا به آنچه انجام میدهیدبیناست.
۷۳- وکسانی که کفرورزیدندیاران یکدیگرند،اگراین-دستور-رابه
کارنبندید،درزمین فتنه وفسادی بزرگ پدید خواهدآمد.
۷۴- وکسانی که ایمان آورده وهجرت کرده ودر راه خدابه جهادپرداخته
وکسانی که -مهاجران را-پناه داده ویاری کرده اند،آنان همان مومنان واقعی
هستند،برای آنان بخشایش وروزی شایسته ای خواهدبود.
۷۵- وکسانی که بعدا ایمان آورده وهجرت نموده وهمراه شما جهادکرده
اند،اینان اززمره شمایند وخویشاوندان نسبت به یکدیگر-ازدیگران-درکتاب
خدا سزاوارترند،آری خدا به هرچیزی داناست.

توبه

۱- (این آیات)اعلام بیزاری(وعدم تعهد)است ازطرف خداوپیامبرش نسبت به آن مشرکانی که با ایشان پیمان بسته اید.

۲- پس-ای مشرکان-چهارماه-دیگرباامنیت کامل-درزمین بگردیدوبدانیدکه شما نمی توانیدخداوند را به عجز درآورید،واین خداست که رسواکننده کافران است.

۳- و-این آیات-اعلامی است ازجانب خداوپیامبرش به مردم در روزحج اکبرکه خدا وپیامبرش دربرابرمشرکان تعهدی ندارند-بااین حال-اگر-ازکفر-توبه کنیدآن برای شما بهتراست،واگرروی بگردانیدپس بدانیدکه شما نمی توانیدخدارا به عجزبکشانید،وکسانیکه کفرورزیدندرا به عذابی دردناک خبرده.

۴- مگرآن مشرکانی که باآنان پیمان بسته اید،وچیزی از-تعهدات خودنسبت به-شما فروگذارنکرده وکسی رابرضدّشما پشتیبانی ننموده اند،پس پیمان

اینان راتا-پایان-مدتشان تمام کنید،چراکه خداپرهیزکاران رادوست دارد.
۵- پس چون ماههای حرام سپری شد،مشرکان راهرکجایافتیدبکشیدوآنان رادستگیرکنیدوبه محاصره درآوریدودرهرکمینگاهی به کمین آنان بنشینید،پس اگرتوبه کردندونمازبرپاداشتندوزکات دادند،راه برایشان گشاده گردانید،زیراخداوندآمرزنده مهربان است.
۶- واگریکی ازمشرکان ازتوپناه خواست پناهش ده تاکلام خدارابشنود،سپس اورا به مکان امنش برسان چراکه آنان قومی نادانند.
۷- چگونه مشرکان رانزدخداونزدفرستاده اوعهدی تواندبود؟مگرباکسانی که کنارمسجدالحرام پیمان بسته اید.پس تاباشما-برسرعهد-پایدارند،باآنان پایدارباشید،زیراخداپرهیزکاران رادوست میدارد.
۸- چگونه- برای آنان عهدی است-بااینکه اگربرشمادست یابند،درباره شمانه خویشاوندی رامراعات می کنندونه تعهدی را،شمارابازبانشان راضی میکنندوحال آنکه دلهایشان امتناع میورزدوبیشترشان منحرفند.
۹- آیات خدارابه بهای ناچیزی فروختندو-مردم را- ازراه اوبازداشتند،به راستی آنان چه بداعمالی انجام می دادند.
۱۰- درباره هیچ مومنی مراعات خویشاوندی وپیمانی را نمی کنندوایشان همان تجاوزکارانند.
۱۱- پس اگرتوبه کنندونمازبرپادارندوزکات دهند،دراین صورت برادران دینی شما می باشند،وما آیات-خود-را برای گروهی که می دانندبه تفصیل بیان میکنیم.
۱۲- واگرسوگندهای خودراپس ازپیمان خویش شکستندوشمارا دردینتان

طعن زدند،پس باپیشوایان کفربجنگید،چراکه آنان راهیچ پیمانی نیست،
باشدکه-ازپیمان شکنی-باز ایستند.
۱۳- چراباگروهی که سوگندهای خودراشکستندوبرآن شدندکه
فرستاده-خدا-رابیرون کنند،وآنان بودندکه نخستین بار-جنگ را-باشما
آغازکردند،نمی جنگید؟آیااز آنان می ترسید؟بااینکه
اگرمومنیدخداسزاوارتراست که ازاوبترسید.
۱۴- با آنان بجنگید،خداآنان رابه دست شما عذاب ورسوایشان
میکندوشمارابرایشان پیروزی میبخشدودلهای گروه مومنان راخنک می
گرداند.
۱۵- وخشم دلهایشان راببرد،وخداتوبه هرکه رابخواهدمی پذیرد،وخداوند
دانای حکیم است.
۱۶- آیا پنداشته ایدکه به خودواگذارمیشویدوخداوندکسانی راکه ازمیان
شماجهادکرده وغیر ازخداوفرستاده او ومومنان محرم اسراری نگرفته
اند،معلوم نمی دارد؟وخداوندبه آنچه انجام می دهیدآگاه است.
۱۷- مشرکان رانرسدکه مساجدخدارا آبادکننددرحالی که به کفرخویش
شهادت می دهند،آنانند که اعمالشان به هدررفته وخوددرآتش جاودانند.
۱۸- مساجدخدارا تنها کسانی آبادمی کنندکه به خداوروز بازپسین ایمان آورده
ونمازبرپاداشته وزکات داده وجزازخدانترسیده اند،پس امیداست که اینان
ازراه یافتگان باشند.
۱۹- آیا سیراب ساختن حاجیان وآبادکردن مسجدالحرام راهمانند-کار-کسی
پنداشته ایدکه به خداوروزبازپسین ایمان آورده ودرراه خداجهادمی کند؟-نه،

این دو- نزدخداوند یکسان نیستند،وخدا ستمکاران را هدایت نخواهدکرد.

۲۰- کسانی که ایمان آورده وهجرت کرده ودر راه خدابا مال وجانشان به جهادپرداخته اندنزدخدامقامی هرچه والاتردارندواینان همان رستگارانند.

۲۱- پروردگارشان آنان راازجانب خودبه رحمت وخشنودی وباغهایی-دربهشت-که درآنها نعمتهایی پایداردارند ،بشارت می دهد.

۲۲ جاودانه درآنها خواهندبود،درحقیقت، خداست که نزداوپاداشی بزرگ است.

۲۳- ای کسانی که ایمان آورده اید،اگرپدرانتان وبرادرانتان کفررابرایمان ترجیح دهند-آنان را-به دوستی مگیرید،وهرکس ازمیان شماآنان رابه دوستی گیرد،آنان همان ستمکارانند.

۲۴- بگو: اگرپدران وپسران برادران وزنان وخاندان شماواموالی که گردآورده ایدوتجارتی که ازکسادیش بیمناکیدوسراهایی راکه خوش میدارید،نزدشما ازخداوپیامبرش وجهاددرراه وی دوست داشتنی تراست،پس منتظرباشید،تاخدافرمانش را-به اجرادر-آورد.

وخداوندگروه فاسقان را رهنمایی نمی کند.

۲۵- قطعا خداوندشمارادرمواضع بسیاری یاری کرده است،و-نیز-درروزحنین آن هنگام که شمارزیادتان شمارا به شگفت آورده بود،ولی به هیچ وجه ازشمادفع-خطر-نکرد،وزمین باهمه فراخی برشما تنگ گردید،سپس درحالی که پشت-به دشمن-کرده بودید برگشتید.

۲۶- آنگاه خداآرامش خودرابرفرستاده خودوبرمومنان فرودآورد،وسپاهیانی فروفرستادکه آنهارانمی دیدید،وکسانی راکه کفرورزیدندعذاب کرد،وسزای

کافران همین بود.

۲۷- سپس خدابعدازاین-واقعه-توبه هرکس رابخواهدمیپذیردوخداوندآمرزنده مهربان است.

۲۸- ای کسانی که ایمان آورده اید،حقیقت این است که مشرکان ناپاکند،پس نبایدازسال آینده به مسجدالحرام نزدیک شوند،واگر-دراین قطع رابطه-ازفقربیمناکید، پس به زودی خداونداگربخواهدشمارابه فضل خویش بی نیازمی گرداند،که خدادانای حکیم است.

۲۹- باکسانی ازاهل کتاب که به خداوروزبازپسین ایمان نمی آورند،وآنچه راخداوفرستاده اش حرام گردانیده اند حرام نمی دارند ومتدین به دین حق نمی گردند،کارزار کنید،تابا-کمال-خواری به دست خود جزیه دهند.

۳۰- ویهودگفتند: عزیر،پسرخداست. ونصاری گفتند: مسیح ،پسرخداست. این سخنی است-باطل-که به زبان می آورند،وبه گفتارکسانی که پیش ازاین کافرشده اندشباهت دارد،خداآنان رابکشد،چگونه-ازحق-بازگردانده میشوند؟

۳۱- اینان دانشمندان وراهبان خودومسیح پسرمریم رابه جای خدابه الوهیت گرفتند،باآنکه مامورنبودندجزاینکه خدایی یگانه را بپرستندکه هیچ معبودی جزاونیست.منزه است اوازآنچه -باوی-شریک می گردانند.

۳۲- میخواهندنورخدارباسخنان خویش خاموش کنند،ولی خداوندنمیگذارد، تا نورخودرا کامل گرداند،هرچندکافران راخوش نیاید.

۳۳- اوکسی است که پیامبرش راباهدایت ودین درست فرستادتا آن رابرهرچه دین است پیروزگرداند،هرچندمشرکان خوش نداشته باشند.

۳۴- ای کسانی که ایمان اورده اید،بسیاری ازدانشمندان یهودوراهبان،اموال

مردم رابه ناروا میخورند،و-آنان را-ازراه خدابازمی دارند،وکسانی که زروسیم راگنجینه میکنندوآن رادرراه خدا هزینه نمی کنند،ایشان را ازعذابی دردناک خبرده.

۳۵- روزی که آن -گنجینه-هارادرآتش دوزخ بگدازند،وپیشانی وپهلو وپشت آنان راباآنهاداغ کنند-وگویند- این است آنچه برای خودداندوختید،پس -کیفر-آنچه را می اندوختید بچشید.

۳۶- درحقیقت شماره ماه ها نزدخدا،ازروزی که آسمانهاوزمین را آفریده ،درکتاب-علم-خدا،دوازده ماه است ،ازاین-دوازده ماه- چهارماه -ماه-حرام است،این است آئین استوار،پس دراین-چهارماه-برخودستم مکنید،وهمگی بامشرکان بجنگید،چنانکه آنان همگی باشما می جنگندوبدانیدکه خدا با پرهیزکاران است.

۳۷- جزاین نیست که جابجاکردن-ماههای حرام-فزونی درکفراست که کافران به وسیله آن گمراه میشوند،آن رایکسال حلال میشمارندویکسال-دیگر-آن راحرام می دانند،تاباشماره ماههایی که خداحرام کرده است موافق سازند،ودرنتیجه آنچه راخداحرام کرده-برخود-حلال گردانند.زشتی اعمالشان برایشان آراسته شده است،وخداگروه کافران راهدایت نمی کند.

۳۸- ای کسانی که ایمان آورده اید،شمارا چه شده است که چون به شماگفته میشود: در راه خدا بسیج شوید، کندی به خرج میدهید؟ آیا به جای آخرت به زندگی دنیادل خوش کرده اید؟متاع زندگی دنیا دربرابرآخرت ،جزاندکی نیست.

۳۹- اگربسیج نشوید-خدا-شمارابه عذابی دردناک عذاب می کند،وگروهی دیگربه جای شمامی آورد،وبه اوزیانی نخواهیدرسانید،وخداوندبرهرچیزی تواناست.
۴۰- اگراو-پیامبر-رایاری نکنید،قطعاخداونداورا یاری کرد،هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند،اورا-ازمکه-بیرون کردند،واونفردوم ازدوتن بود،آنگاه که درغار-ثور-بودند،وقتی به همراه خودمیگفت : غصه نخورکه خدا با ماست.پس خدا آرامش خودرابراوفروفرستاد،واورا باسپاهیانی که آنهارانمی دیدیدتاییدکرد،وکلمه کسانی راکه کفرورزیدندپست ترگردانید،وکلمه خداست که برتراست وخداوندشکست ناپذیرحکیم است.
۴۱- سبکباروگرانبار،بسیج شویدوبامال وجانتان در راه خدا جهادکنید،اگربدانید،این برای شما بهتراست.
۴۲- اگرمالی دردسترس وسفری-آسان و-کوتاه بود،قطعا ازپی تو می آمدند،ولی آن راه پرمشقت برآنان دورمینماید،وبه زودی به خداسوگندخواهندخوردکه اگرمیتوانستیم حتما باشما بیرون می آمدیم،-باسوگنددروغ-خودرابه هلاکت می کشانندوخدامی داندکه آنان سخت دروغگویند.
۴۳- خدایت ببخشاید،چراپیش ازآنکه-حال-راستگویان برتوروشن شودودروغگویان رابازشناسی ،به آنان اجازه دادی؟
۴۴- کسانی که به خداوروزبازپسین ایمان دارند،درجهادبامال وجانشان ازتوعذرواجازه نمی خواهند،وخدابه-حال-تقواپیشگان داناست.
۴۵- تنهاکسانی ازتو اجازه می خواهند-به جهادنروند-که به

خداوروزبازپسین ایمان ندارندودلهایشان به شک افتاده ودرشک خودسرگردانند.

۴۶- واگر-به راستی-اراده بیرون رفتن داشتند،قطعا برای آنان آن سازوبرگی تدارک می دیدند،ولی خداوندراه افتادن آنان راخوش نداشت،پس ایشانرامنصرف گردانیدو-به آنان-گفته شد: باماندگان بمانید.

۴۷- اگرباشمابیرون آمده بودندجزفسادبرای شمانمی افزودند،وبه سرعت خودرا میان شما می انداختندودرحقّ شمافتنه جویی می کردند،ودرمیان شما جاسوسانی دارند-که-به نفع آنان-اقدام می کنند-وخدابه -حال-ستمکاران داناست.

۴۸- درحقیقت پیش ازاین-نیز-درصددفتنه جویی برآمدندوکارهارابرتووارونه ساختند،تاحقّ آمدوامرخداآشکارشد،درحالی که آنان ناخشنودبودند.

۴۹- وازآنان کسی است که میگوید: مرا-درماندن-اجازه ده وبه فتنه ام مینداز. هشدار،که آنان خودبه فتنه افتاده اندوبی تردیدجهنم برکافران احاطه دارد.

۵۰- اگرنیکی به توبرسدآنان رابدحال میسازد،واگرپیشامدناگواری به تورسدمیگویند: ماپیش ازاین تصمیم خودراگرفته ایم. وشادمان روی برمی تابند.

۵۱- بگو: جزآنچه خدابرای مامقرّرداشته هرگزبه مانمی رسد.اوسرپرست ماست ومومنان بایدتنهابرخداتوکل کنند.

۵۲- بگو: آیا برای ما جزیکی ازاین دو نیکی را انتظارمی برید؟درحالی که

ماانتظارمی کشیم که خداوندازجانب خودیابه دست ما عذابی به شما برساند.پس انتظاربکشیدکه ماهم باشما درانتظاریم.

۵۳- بگو: چه به رغبت چه با بی میلی انفاق کنید،هرگزازشما پذیرفته نخواهدشد،چراکه شماگروهی فاسق بوده اید.

۵۴- وهیچ چیزمانع پذیرفته شدن انفاقهای آنان نشدجزاینکه به خداوپیامبرش کفرورزیدند،وجزبا-حال-کسالت نمازبه جا نمی آورند،وجزبا کراهت انفاق نمی کنند.

۵۵- اموال وفرزندانشان تورابه شگفت نیاورد،جزاین نیست که خدامیخواهددرزندگی دنیابه وسیله اینهاعذابشان کندوجانشان درحال کفربیرون رود.

۵۶- وبه خداسوگندیادمی کنندکه آنان قطعا ازشمایند،درحالی که ازشما نیستند،لیکن آنان گروهی هستندکه می ترسند.

۵۷- اگرپناهگاه یاغارها یاسوراخی-برای فرار-می یافتند،شتابزده به سوی آن روی می آوردند.

۵۸- وبرخی ازآنان در-تقسیم-صدقات برتوخرده می گیرند،پس اگرازآن-اموال-به ایشان داده شودخشنودمیگردند،واگرازآن به ایشان داده نشودبناگاه به خشم می آیند.

۵۹- واگرآنان بدانچه خداوپیامبرش به ایشان داده اند خشنودمی گشتندومی گفتند: خدامارا بس است به زودی خداوپیامبرش ازکرم خودبه ما می دهندوما به خدامشتاقیم.(قطعا برای آنان بهتربود)

۶۰- صدقات ،تنهابه تهیدستان ومتصدّیان-گردآوری وپخش-آن،وکسانی که دلشان به دست آورده میشود،ودر راه آزادی-بردگان و وامداران ، ودر راه خدا ،وبه در راه مانده ،اختصاص دارد،-این-به عنوان فریضه ازجانب خداست وخدا دانای حکیم است.

۶۱- وازایشان کسانی هستندکه پیامبررا آزارمی دهندومیگویند-او زودباوراست. ،بگو: گوش خوبی برای شماست ،به خداایمان داردو-سخن-مومنان راباورمیکند،وبرای کسانی ازشما که ایمان آورده اندرحمتی است، وکسانی که پیامبرخدارا آزارمی رسانند،عذابی پردرد -درپیش- خواهندداشت.

۶۲- برای -اغفال-شمابه خداسوگندیادمی کنندتاشمارا‌خشنودگردانند،درصورتی که اگرمومن باشند-بدانند-سزاوارتراست که خدا وفرستاده اوراخشنودسازند.

۶۳- آیا ندانسته اندکه هرکس باخداوپیامبراودرافتدبرای اوآتش جهنم است که درآن جاودانه خواهدبود،این همان رسوایی بزرگ است.

۶۴- منافقان بیم دارندازاینکه-مبادا-سوره ای درباره آنان نازل شودکه ایشان را ازآنچه دردلهایشان هست خبردهد.بگو: ریشخندکنید،بی تردیدخداآنچه راکه -ازآن-می ترسیدبرملا خواهدکرد.

۶۵- واگرازایشان بپرسی،مسلما خواهندگفت: مافقط شوخی وبازی می کردیم. بگو: آیا خدا وآیات او وپیامبرش را ریشخندمی کردید؟

۶۶- عذرنیاورید،شمابعدازایمانتان کافرشده اید.اگرازگروهی

ازشمادرگذریم،گروهی-دیگر-راعذاب خواهیم کرد،چراکه آنان تبهکار بودند.
۶۷- مردان وزنان دوچهره-منافق-(همانند)یکدیگرند.به کارناپسندوامی دارندوازکارپسندیده بازمی دارند،ودستهای خودرا-ازانفاق-فرومی بندند.خدارافراموش کردند،پس-خداهم-فراموششان کرد.درحقیقت ،این منافقانندکه فاسقند.
۶۸- خدابه مردان وزنان دوچهره وکافران ،آتش جهنم راوعده داده است،وخدالعنتشان کرده وبرای آنان عذابی پایداراست.
۶۹- (حال شما منافقان)چون کسانی است که پیش ازشمابودند،آنان ازشمانیرومندترودارای اموال وفرزندان بیشتربودند.پس ،ازنصیب خویش-دردنیا-برخوردارشدند،وشما-هم-ازنصیب خودبرخوردارشدید،همان گونه که آنان که پیش ازشما بودندازنصیب خویش برخوردارشدند،وشما-درباطل-فرورفتید،همان گونه که آنان فرورفتند.آنان اعمالشان دردنیا وآخرت به هدررفت وآنان همان زیانکارانند.
۷۰- آیاگزارش-حال-کسانی که پیش ازآنان بودند،قوم نوح وعادوثمودوقوم ابراهیم واصحاب مَدیَن وشهرهای زیروروشده ،به ایشان نرسیده است؟پیامبرانشان دلایل آشکاربرایشان آوردند،خداوندبرآن نبودکه به آنان ستم کندولی آنان برخودستم روامیداشتند.
۷۱- ومردان وزنان باایمان،دوستان یکدیگرند،که به کارهای پسندیده وامی دارند،وازکارهای ناپسندبازمی دارند،ونمازرابرپامی کنندوزکات می دهند،وازخداوپیامبرش فرمان می برند.آنانند که خداوند به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهدداد،که خداوند توانا وحکیم است.

۷۲- خداوندبه مردان وزنان باایمان باغهایی وعده داده است که از زیرآن
نهرهاجاری است.درآن جاودانه خواهندبود،و-نیز-سراهایی پاکیزه
دربهشتهای جاودان -به آنان وعده داده است-وخشنودی
خداوندبزرگتراست.این است همان کامیابی بزرگ.
۷۳- ای پیامبر،باکافران ومنافقان جهادکن وبرآنان سخت بگیروجایگاهشان
دوزخ است ،وچه بدسرانجامی است.
۷۴- به خداسوگندمی خورندکه -سخن ناروا-نگفته اند،درحالی که قطعا سخن
کفرگفته وپس از اسلام آوردنشان کفرورزیده اند،وبرآنچه موفق به انجام آن
نشدندهمّت گماشتندوبه عیبجویی برنخاستندمگر-بعداز-آنکه خداوندوپیامبرش
ازفضل خودآنان رابی نیازگردانیدند.پس اگرتوبه کنندبرای آنان
بهتراست،واگرروی برتابند،خداآنان را دردنیا وآخرت عذابی دردناک می
کندودر روی زمین یار ویاوری نخواهند داشت.
۷۵- وازآنان کسانی هستندکه باخداعهدکرده اندکه اگرازکرم خویش به ما
عطاکند،قطعا صدقه خواهیم دادوازشایستگان خواهیم شد.
۷۶- پس چون ازفضل خویش به آنان بخشید،بدان بخل ورزیدند،وبه حال
اعتراض روی برتافتند.
۷۷- درنتیجه،به سزای آنکه باخدا خلف وعده کردندوازآن روی که دروغ
می گفتند،دردلهایشان-تاروزی که اورا دیدارمی کنند-پیامدهای نفاق راباقی
گذارد.
۷۸- آیا ندانسته اندکه خدا راز آنان ونجوای ایشان را می داندو خداوند دانای
رازهای نهانی است؟

۷۹- کسانی که برمومنانی که-افزون برصدقه واجب-ازروی میل
صدقات-مستحب نیز-می دهند،عیب می گیرندو-همچنین-ازکسانی که
-درانفاق-جزبه اندازه توانشان نمی یابند،-عیبجویی می کنند-وآنان رابه
ریشخندمی گیرند،-بدانندکه-خداوندآنان رابه ریشخندمی گیردوبرای ایشان
عذابی پردرد خواهدبود.

۸۰- چه برای آنان آمرزش بخواهی یابرایشان آمرزش نخواهی -یکسان
است،حتی-اگرهفتادباربرایشان آمرزش طلب کنی هرگزخداآنان
رانخواهدآمرزید،چراکه آنان به خداوفرستاده اش کفر ورزیدند،وخداگروه
فاسقان راهدایت نمی کند.

۸۱- برجای ماندگان به -خانه-نشستن خود،پس ازرسول خدا،شادمان شدند
،وازاینکه بامال وجان خوددر راه خدا جهادکنند،کراهت داشتندوگفتند: دراین
گرمابیرون نروید. بگو: -اگردریابند-آتش جهنم سوزان تراست.

۸۲- ازاین پس کم بخندندوبه جزای آنچه بدست می آوردند،بسیاربگریند.

۸۳- واگرخداتورابه سوی طایفه ای ازآنان بازگردانید،وآنان برای بیرون
آمدن-به جنگ دیگری-ازتو اجازه خواستند،بگو: شماهرگزبامن خارج
نخواهیدشد،وهرگزهمراه من باهیچ دشمنی نبردنخواهیدکرد،زیراشمانخستین
باربه نشستن
تن دردادید.پس-اکنون هم-با خانه نشینان بنشینید.

۸۴- وهرگزبرهیچ مرده ای ازآنان نمازمگزاروبرسرقبرش نایست،چراکه
آنان به خداوپیامبراوکافرشدندودرحال فسق مردند.

۸۵- واموال وفرزندان آنان تورابه شگفت نیندازد،جزاین نیست که

خدامیخواهدایشان را دردنیا به وسیله آن عذاب کندوجانشان درحال کفر بیرون رود.

۸۶- وچون سوره ای نازل شودکه به خداایمان آوریدو همراه پیامبرش جهادکنید،ثروتمندانشان ازتوعذرواجازه خواهندوگویند: بگذارکه مابا خانه نشینان باشیم.

۸۷- راضی شدندکه باخانه نشینان باشندوبردلهایشان مُهرزده شده است،درنتیجه قدرت درک ندارند.

۸۸- ولی پیامبروکسانی که با اوایمان آورده اندبامال وجانشان به جهادبرخاسته اند،واینانندکه همه خوبیهابرای آنان است،اینان همان رستگارانند.

۸۹- خدابرای آنان باغهایی آماده کرده است که از زیرآن نهرها روان است،ودرآن جاودانه اند.این همان رستگاری بزرگ است.

۹۰- وعذرخواهان بادیه نشین -نزدتو-آمدندتابه آنان اجازه -ترک جهاد-داده شود.وکسانی که به خداوفرستاده اودروغ گفتندنیزدرخانه نشستند.به زودی کسانی ازآنان راکه کفرورزیدندعذابی دردناک خواهدرسید.

۹۱- برناتوانان وبربیماران وبرکسانی که چیزی نمی یابند-تادرراه جهاد-خرج کنند-درصورتی که برای خداوپیامبرش خیرخواهی نمایند-هیچ گناهی نیست.-ونیز-برنیکوکاران ایرادی نیست،وخداوندآمرزنده مهربان است.

۹۲- و-نیز-گناهی نیست برکسانی که چون پیش توآمدندتا سوارشان کنی-و-گفتی: چیزی پیدانمی کنم تابرآن سوارتان کنم. برگشتند ودراثراندوه

ازچشمانشان اشک فرومی ریخت که -چرا-چیزی نمی یابندتا-درراه جهاد-خرج کنند.

۹۳- ایرادفقط برکسانی است که بااینکه توانگرندازتواجازه -ترک جهاد-میخواهند.-وبه این-راضی شده اندکه با خانه نشینان باشند،وخدابردلهایشان مُهرنهاد،درنتیجه آنان نمی فهمند.

۹۴- هنگامی که به سوی آنان بازگردیدبرای شما عذرمی آورند.بگو: عذرنیاورید،هرگزشمارا باورنخواهیم داشت،خدامارا ازخبرهای شما آگاه گردانیده وبه زودی خداورسولش عمل شماراخواهنددید.آنگاه به سوی دانای نهان وآشکاربازگردانیده میشوید،وازآنچه انجام می دادیدبه شما خبرمی دهد.

۹۵- وقتی به سوی آنان بازگشتید،برای شمابه خداسوگندمی خورندتا ازایشان صرفنظرکنید.پس ازآنان روی برتابید،چراکه آنان پلیدند،وبه-سزای-آنچه به دست آورده اندجایگاهشان دوزخ خواهدبود.

۹۶- برای شماسوگندیادمی کنندتا ازآنان خشنودگردید،پس اگرشماهم ازایشان خشنودشویدقطعاخداازگروه فاسقان خشنودنخواهدشد.

۹۷- اعراب،درکفرونفاق-ازدیگران-سخت تر،وبه اینکه حدودآنچه راکه خدابرفرستاده اش نازل کرده ،ندانند.سزاوارترند،وخدادانای حکیم است.

۹۸- وبرخی از اعراب کسانی هستندکه آنچه را-در راه خدا-هزینه می کنند،خسارتی-برای خود-می دانند،وبرای شما پیشامدهای بدانتظارمی برند.پیشامدبد برای آنان خواهدبود،وخدا شنوای داناست.

۹۹- وبرخی -دیگر-از اعراب کسانی اندکه به خداوروزبازپسین ایمان دارندوآنچه راانفاق می کنندمایه تقرّب نزدخداودعاهای پیامبرمی

دانند.بدانیدکه این-انفاق-مایه تقرّب آنان است.به زودی خداایشان را درجواررحمت خویش درآورد،که خداوند آمرزنده مهربان است.

۱۰۰- وپیشگامان نخستین ازمهاجران وانصار،وکسانی که با نیکوکاری ازآنان پیروی کردند،خداازایشان خشنودوآنان-نیز-ازاوخشنودند،وبرای آنان باغهایی آماده کرده که اززیرآن نهرها روان است.همیشه درآن جاودانه اند.این است همان کامیابی بزرگ.

۱۰۱- وبرخی ازاعراب که پیرامون شما هستندمنافقندوازساکنان مدینه -نیزعده ای-برنفاق خوگرفته اند.توآنان رانمی شناسی،ماآنان رامی شناسیم،به زودی آنان رادوبارعذاب میکنیم،سپس به عذابی بزرگ بازگردانیده میشوند.

۱۰۲- ودیگرانی هستندکه به گناهان خوداعتراف کرده وکارنیک رابا-کاری-دیگرکه بداست درآمیخته اند.امیداست خداوندتوبه آنان راپپذیرد،که خداوندآمرزنده مهربان است.

۱۰۳- ازاموال آنان صدقه ای بگیرتابه وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی،وبرایشان دعاکن،زیرا دعای توبرای آنان آرامشی است،وخداشنوای داناست.

۱۰۴- آیا ندانسته اندکه تنهاخداست که ازبندگانش توبه رامی پذیردوصدقات رامی گیرد،وخداست که خودتوبه پذیرمهربان است؟

۱۰۵- وبگو: (هرکاری میخواهید)بکنید،که به زودی خداوپیامبراو ومومنان درکردارشما خواهندنگریست،وبه زودی به سوی دانای نهان وآشکاربازگردانیده میشوید،پس مارابه آنچه انجام می دادیدآگاه خواهدکرد.

۱۰۶- وعده ای دیگر-کارشان- موقوف به فرمان خداست،یا آنان راعذاب

میکندویا توبه آنهارا می پذیرد،وخدادانای سنجیده کاراست.
۱۰۷- وآنهایی که مسجدی اختیارکردندکه مایه زیان وکفروپراکندگی میان مومنان است،و-نیز-کمینگاهی است برای کسی که قبلا باخداوپیامبراوبه جنگ برخاسته بود،وسخت سوگندیادمی کنندکه جزنیکی قصدی نداشتیم.و-لی-خداگواهی میدهدکه آنان قطعا دروغگو هستند.
۱۰۸- هرگزدرآن جا نایست ،چراکه مسجدی که ازروزنخستین برپایه تقوابناشده ،سزاوارتراست که درآن-به نماز-ایستی.-و-درآن مردانی هستند که دوست دارندخودرا پاک سازند،وخداوندکسانی راکه خواهان پاکی هستند دوست میدارد.
۱۰۹- آیا کسی که بنیاد-کار-خودرابرپایه تقواوخشنودی خداوند نهاده بهتراست یاکسی که بنای خودرابرلب پرتگاهی مشرف به سقوط پی ریزی کرده وبا آن درآتش دوزخ فرو می افتد؟ وخداگروه بیدادگران راهدایت نمی کند.
۱۱۰- همواره آن ساختمانی که بنا کرده اند،دردلهایشان مایه شک-ونفاق-است،تاآنکه دلهایشان پاره پاره شود،وخدا دانای سنجیده کاراست.
۱۱۱- بدون تردید خداوند ازمومنان جان ومالشان رابه-بهای--اینکه بهشت برای آنان باشد،خریده است،همان کسانی که درراه خدامیجنگند ومی کشندوکشته میشوند-این-به عنوان وعده حقی درتورات وانجیل وقرآن برعهده اوست.وچه کسی ازخداوند وفادارتراست به وعده خویش؟پس به این معامله ای که با اوکرده ایدشادمان باشید،واین همان کامیابی بزرگ است.

۱۱۲- (آن مومنان)همان توبه کنندگان ،پرستندگان،سپاسگزاران،روزه داران،رکوع کنندگان ،سجده کنندگان،وادارندگان به کارهای نیک ،بازدارندگان ازکارهای ناپسندوپاسداران مقرّرات خداوندند،ومومنان رابشارت ده.
۱۱۳- برپیامبروکسانی که ایمان آورده اندسزاوارنیست که برای مشرکان-پس ازآنکه برایشان آشکارگردیدکه آنان اهل دوزخند-طلب آمرزش کنند،هرچندخویشاوند-آنان-باشند.
۱۱۴- وطلب آمرزش ابراهیم برای پدرش جزبرای وعده ای که به اوداده بود،نبود.و-لی-هنگامی که برای اوروشن شدکه وی دشمن خداست،ازاوبیزاری جست.براستی ابراهیم دلسوزی بردباربود.
۱۱۵- وخدا برآن نیست که گروهی راپس ازآنکه هدایتشان نمود گمراه بگذارد،مگرآنکه چیزی راکه بایدازآن پرواکنندبرایشان بیان کرده باشد.آری خدابه هرچیزی داناست.
۱۱۶- درحقیقت ،فرمانروائی آسمانهاوزمین ازآن خداست،زنده می کندومی میراند،وبرای شما جزخداوند یارویاوری نیست.
۱۱۷- به یقین ،خدابرپیامبرومهاجران وانصارکه درآن ساعت دشوارازاوپیروی کردندببخشود،بعدازآنکه چیزی نمانده بودکه دلهای دسته ای ازآنان منحرف شود.بازبرایشان ببخشود،چراکه اونسبت به آنان مهربان ورحیم است.
۱۱۸- و-نیز-برآن سه تن که برجای مانده بودند-وقبول توبه آنان به تعویق افتاد-تاآنجاکه زمین باهمه فراخی اش برآنان تنگ گردید،وازخودبه تنگ

آمدندودانستندکه پناهی ازخداوند جز به سوی خوداونیست.پس-خدا-به آنان
-توفیق-توبه داد،تا توبه کنند.بی تردیدخداوندهمان توبه پذیرمهربان است.
۱۱۹- ای کسانی که ایمان آورده اید،ازخداپرواکنیدوباراستان باشید.
۱۲۰- مردم مدینه واعراب رانرسدکه از-فرمان-پیامبرخداسرباززنددوجان
خودرااعزیزترازجان اوبدانند،چراکه هیچ تشنگی ورنج وگرسنگیی درراه
خدابه آنان نمی رسد،ودرهیچ مکانی که کافران رابه خشم می آوردقدم نمی
گذارندوازدشمن غنیمتی به دست نمی آورندمگراینکه به سبب آن،عمل
صالحی برای آنان-درکارنامه شان-نوشته میشود،زیراخداوندپاداش
نیکوکاران راضایع نمی کند.
۱۲۱- وهیچ مال کوچک وبزرگی راانفاق نمی کنندوهیچ وادیی رانمی
پیمایندمگراینکه به حساب آنان نوشته میشود،تاخداآنان رابه بهترازآنچه
میکردندپاداش دهد.
۱۲۲- وشایسته نیست مومنان همگی- برای جهاد- کوچ کنند.پس
چراازهرفرقه ای ازآنان دسته ای کوچ نمی کنندتا-دسته ای بمانندو-دردین
آگاهی پیدانمایندوقوم خودرا-وقتی به سوی آنان بازگشتندبیم دهند-باشدکه آنان
-ازکیفرالهی-بترسند.
۱۲۳- ای کسانی که ایمان آورده اید،باکافرانی که
مجاورشماهستندکارزارکنید،وآنان بایددرشماخشونت بیابند،وبدانیدکه
خداوندباتقواپیشگان است.
۱۲۴- وچون سوره ای نازل شود،ازمیان آنان کسی است که میگوید:
این-سوره-ایمان کدام یک ازشما راافزود؟ اما کسانی که ایمان آورده

اندبرایمانشان می افزایدوآنان شادمانی می کنند.
۱۲۵- اما ازکسانی که دردلهایشان بیماری است،پلیدی برپلیدیشان
افزودودرحال کفر درمی گذرند.
۱۲۶- آیا نمی بینندکه آنان درهرسال،یک یادوبارآزموده میشوند،بازهم توبه
نمی کنندوعبرت نمی گیرند؟
۱۲۷- وچون سوره ای نازل شود،بعضی ازآنان به بعضی دیگرنگاه می
کنند-ومی گویند: آیا کسی شما را نمی بیند؟سپس -مخفیانه
ازحضورپیامبر-بازمی گردند.خدادلهایشان را-ازحق-برگرداند،زیراآنان
گروهی هستندکه نمی فهمند.
۱۲۸- قطعابرای شماپیامبری ازخودتان آمدکه براودشواراست که شمادررنج
بیفتید،به -هدایت-شماحریص ونسبت به مومنان دلسوزومهربان است.
۱۲۹- پس اگرروی برتافتند بگو: خداوندمرابس است.هیچ معبودی
جزاونیست.براوتوکل کردم،واو پروردگارعرش بزرگ است.

یونس

بنام خداوند بخشنده مهربان

۱- الف لام راء، این است آیات کتاب حکمت آموز

۲- آیا یرای مردم شگفت انگیزاست که به مردی ازخودشان وحی کردیم که:

مردم رابیم ده وبه کسانی که ایمان آورده اند

بشارت ده که برای آنان نزدپروردگارشان سابقه نیک است؟ کافران گفتند:

این-مرد-قطعا جادوگری آشکاراست.

۳- پروردگارشما آن خدائی است که آسمانهاوزمین رادرشش هنگام

آفرید.سپس برعرش استیلایافت.کار-آفرینش-راتدبیرمیکند.شفاعتگری

جزپس از اجازه او نیست.این است خداوند،پروردگارشما،پس اورابپرستید.آیا پندنمی گیرید؟

۴- بازگشت همه شمابه سوی اوست.وعده خداوندحق است،هم اوست که آفرینش راآغازمی کندسپس آن رابازمی گرداندتاکسانی راکه ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اندبه عدالت پاداش دهد،وکسانی که کفرورزیده اندبه سزای کفرشان شربتی ازآب جوشان وعذابی پردردخواهندداشت،

۵- اوست کسی که خورشیدرا روشنایی بخشیدوماه راتابان کرد،وبرای آن منزلهایی معین کردتاشماره سالها وحساب را بدانید.خدااینهاراجزبه حق نیافریده است.نشانه ها-ی خود-رابرای گروهی که می دانندبه روشنی بیان میکند.

۶- به راستی ،درآمدورفت شب وروز وآنچه خداونددرآسمانها وزمین آفریده ،برای مردمی که پروا دارنددلایلی-آشکار-هست.

۷- کسانی که امیدبه دیدارما ندارند،وبه زندگی دنیا دل خوش کرده وبدان اطمینان یافته اند،وکسانی که ازآیات ماغافلند،

۸- آنان به-کیفر-آنچه بدست می آوردند،جایگاهشان آتش است.

۹- کسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند،پروردگارشان به پاس ایمانشان آنان راهدایت میکندبه باغهای

-پرنازو-نعمت ،که اززیرآنان نهرها روان خواهدبود-درخواهندآمد-

۱۰- نیایش آنان درآنجا :خداوندا توپاک ومنزّهی--ودرودشان درآنجاسلام است وپایان نیایش آنان این است که :ستایش ازآن پروردگارجهانها است.

۱۱- واگرخدابرای مردم به همان شتاب که آنان درکارخیرمی

طلبند،دررساندن بلا به آنهاشتاب مینمود،قطعا اجلشان فرامیرسید.پس کسانی

راکه به دیدارماامیدندارند،درطغیانشان رهامیکنیم تاسرگردان بمانند.

۱۲- وچون انسان را آسیبی رسد،مارا-به پهلوخوابیده یا نشسته یا ایستاده-می

خواند،وچون گرفتاریش رابرطرف کنیم چنان می رود که گویی مارابرای

گرفتاریی که به اورسیده ،نخوانده است.این گونه برای اسرافکاران آنچه

انجام می دادندزینت داده شده است.

۱۳- وقطعا نسلهای پیش ازشمارااهنگامی که ستم کردندبه

هلاکت رساندیم ،وپیامبرانشان دلایل آشکاربرایشان آوردندو-لی-برآن

نبودندکه ایمان بیاورند.اینگونه مردم بزهکارراجزامی دهیم.

۱۴- آنگاه شماراپس ازآنان درزمین جانشین قراردادیم تا بنگریم چگونه

رفتارمیکنید.

۱۵- وچون آیات روشن مابرآنان خوانده شود،آنانکه به دیدارما

امیدندارندمیگویند: قرآن دیگری جزاین بیاور،یاآن راعوض کن.

بگو: مرانرسدکه آن را ازپیش خودعوض کنم.جزآنچه راکه به من وحی

میشودپیروی نمی کنم.اگرپروردگارم رانافرمانی کنم،ازعذاب روزی بزرگ

میترسم.

۱۶- بگو: اگرخدامیخواست آن رابرشما نمی خواندم و-خدا-شمارابدان آگاه

نمی گردانید.قطعا پیش از-آوردن-آن روزگاری درمیان شما به سربرده

ام .آیا فکرنمی کنید؟

۱۷- پس کیست ستمکارترازآن کس که دروغی برخدای بندد یاآیات

اوراتکذیب کند؟به راستی مجرمان رستگارنمی شوند.

۱۸- وبه جای خداچیزهایی رامی پرستندکه نه به آنان زیان می رساندونه به آنان سودمی دهد.ومی گویند: اینهانزدخداشفاعتگران ماهستند. بگو: آیاخدارابه چیزی که درآسمانهاودرزمین نمی داند،آگاه می گردانید؟ اوپاک وبرتراست ازآنچه -باوی-شریک می سازند.

۱۹- ومردم جزیک امت نبودند.پس اختلاف پیداکردند،واگروعده ای ازجانب پروردگارت مقرّر نگشته بود،قطعا درآنچه برسرآن باهم اختلاف میکنند،میانشان داوری میشد.

۲۰- ومیگویند: چرامعجزه ای ازجانب پروردگارش براونازل نمی شود؟ بگو: غیب فقط به خداوند اختصاص دارد.پس منتظرباشیدکه من هم باشما ازمنتظرانم.

۲۱- وچون مردم راپس ازآسیبی که به ایشان رسیده است،رحمتی بچشانیم،بناگاه آنان رادرآیات ما نیرنگی است،بگو: نیرنگ خداسریع تراست. درحقیقت فرستادگان-فرشتگان-ماآنچه نیرنگ می کنید مینویسند.

۲۲- اوکسی است که شما رادرخشکی ودریا می گرداند،تاوقتی که درکشتیهاباشیدوآنهابا بادی خوش،آنان راببرندوایشان بدان شادشوند-بناگاه-بادی سخت برآنهاوزدوموج ازهرطرف برایشان تازدویقین کنندکه درمحاصره افتاده اند،درآن حال خداوندرا پاکدلانه می خوانندکه: اگرماراازاین-ورطه- برهانی،قطعا ازسپاسگزاران خواهیم شد.

۲۳- پس چون آنان را رهانید،ناگهان درزمین بناحق سرکشی می کنند.ای مردم سرکشی شمافقط به زیان خودشماست.شمابهره زندگی دنیارا-می طلبید-سپس بازگشت شمابه سوی ماخواهدبود.پس شمارا ازآنچه انجام

میدادیدباخبرخواهیم کرد.
۲۴- درحقیقت،مَثَل زندگی دنیا بسان آبی است که آن راازآسمان
فروریختیم،پس گیاه زمین-ازآنچه مردم ودامهامیخورند-با آن
درآمیخت،تاآنگاه که زمین پیرایه خودرابرگرفت وآراسته گردیدواهل آن
پنداشتندکه آنان برآن قدرت دارند،شبی یاروزی فرمان-ویرانی-ما آمدوآن
راچنان درویده کردیم که گویی دیروزوجود نداشته است.اینگونه نشانه ها-ی
خود-رابرای مردمی که اندیشه می کنندبه روشنی بیان می کنیم.
۲۵- وخدا-شمارا-به سرای سلامت فرامیخواندوهرکه رابخواهدبه راه راست
هدایت میکند.
۲۶- برای کسانی که کارنیکوکرده اند،نیکویی-بهشت-وزیاده
-برآن-است،چهره هایشان راغباری وذلّتی نمی پوشاند.اینان اهل
بهشتند-و-درآن جاودانه خواهندبود.
۲۷- وکسانی که مرتکب بدیهاشده اند،-بدانندکه-جزای-هر-بدی مانندآن است
وخواری آنان رافرومیگیرد.درمقابل خدا،هیچ حمایتگری برای ایشان
نیست.گویی چهره هایشان با پاره ای ازشب تارپوشیده شده است،آنان همدم
آتشند،که درآن جاودانه خواهندبود.
۲۸- و-یادکن-روزی راکه همه آنان راگردمی آوریم ،آنگاه به کسانی که
شرک ورزیده اند می گوییم: شماوشریکانتان برجای خودباشید.پس میان آنها
جدایی می افکنیم.وشریکان آنان میگویند: درحقیقت شما مارا نمی پرستیدید.
۲۹- وگواهی خداوندمیان شما وما بس است.بی تردید مازعبادت شمابی
خبربودیم.

۳۰- آنجاست که هرکسی آنچه راازپیش فرستاده است
می آزماید،وبه سوی خداوندمولای حقیقی خودبازگردانیده میشوند،وآنچه به
دروغ برمی ساخته اندازدستشان به درمیرود.
۳۱- بگو: کیست که ازآسمان وزمین به شما روزی می بخشد؟یاکیست که
حاکم برگوشها ودیدگان است؟ وکیست که زنده را ازمرده بیرون می آورد
ومرده را اززنده خارج میسازد؟وکیست که کارها راتدبیرمیکند؟
خواهندگفت: (خدا) پس بگو: آیا پروانمی کنید؟
۳۲- این است خدا،پروردگارحقیقی شما،وبعدازحقیقت جزگمراهی چیست؟
پس چگونه-ازحق-بازگردانیده میشوید؟
۳۳- اینگونه سخن پروردگارت برکسانی که نافرمانی کردندبه حقیقت
پیوست.-چرا-که آنان ایمان نمی آورند.
۳۴- بگو: آیاازشریکان شماکسی هست که آفرینش را آغازکندوسپس آن
رابرگرداند؟ بگو: خداست که آفرینش را آغازمیکندوبازآن رابرمی
گرداند،پس چگونه -ازحق-بازگردانیده میشوید؟
۳۵- بگو: آیا ازشریکان شما کسی هست که به سوی حق رهبری کند؟ بگو:
خداست که به سوی حق رهبری میکند.
پس آیا کسی که به سوی حق رهبری میکندسزاوارتراست که مورد پیروی
قرار گیردیاکسی که راه
نمی نمایدمگرآنکه-خود-هدایت شود؟ شماراچه شده چگونه داوری میکنید؟
۳۶- وبیشترشان جزازگمان پیروی نمی کنند-ولی-گمان به هیچ وجه-آدمی
را-ازحقیقت بی نیازنمی گرداند،آری خدابه آنچه می کنند داناست.

۳۷- وچنان نیست که این قرآن ازجانب غیرخدا-و-به دروغ ساخته شده باشد.بلکه تصدیق -کننده-آنچه پیش ازآن است میباشد،وتوضیحی ازآن کتاب است،که درآن تردیدی نیست،-و-ازپروردگار جهان هاست.

۳۸- یامیگویند: آن رابه دروغ ساخته است؟ بگو: اگرراست می گویید سوره ای مانند آن بیاوریدوهرکه راجزخدامیتوانید ،فراخوانید.

۳۹- بلکه چیزی را دروغ شمردندکه به علم آن احاطه نداشتندوهنوزتاویل آن برایشان نیامده است.کسانی-هم-که پیش ازآنان بودند،همین گونه -پیامبرانشان را-تکذیب کردند.پس بنگرکه فرجام ستمگران چگونه بوده است.

۴۰- وازآنان کسی است که بدان ایمان می آورد،وازآنان کسی است که بدان ایمان نمی آورد،وپروردگارتو به-حال-فسادگران داناتراست.

۴۱- واگرتوراتکذیب کردند،بگو: عمل من به من اختصاص دارد،وعمل شمابه شمااختصاص دارد.شمازآنچه من انجام می دهم غیرمسئولید،ومن ازآنچه شما انجام نمی دهید غیرمسئولم.

۴۲- وبرخی ازآنان کسانی اندکه به توگوش فرامی دهند.آیاتوکرها را-هرچند متوجه نشوند-میتوانی شنوا گردانی؟

۴۳- وازآنان کسی است که به سوی تومی نگرد.آیا تونابینایان را-هرچندنبینند- میتوانی راه بنمایی؟

۴۴- خداوندبه هیچ وجه به مردم ستم نمی کند،لیکن مردم خودبرخویشتن ستم می کنند.

۴۵- وروزی که آنان راگردمی آورد،گویی جزبه اندازه ساعتی ازروز

درنگ نکرده اند،باهم اظهارآشنایی می کنند.قطعا کسانی که دیدارخدارا دروغ شمردند زیان کردندو-به حقیقت- راه نیافتند.

۴۶- واگرپاره ای ازآنچه راکه به آنان وعده میدهیم به توبنمایانیم ،یاتورابمیرانیم-درهردوصورت-بازگشتشان به سوی ماست.سپس خدابرآنچه میکنند گواه است.

۴۷- وهرامتی راپیامبری است ،پس چون پیامبرشان بیایدمیانشان به عدالت داوری شودوبرآنان ستم نرود.

۴۸- ومی گویند- اگر راست می گویید ،این وعده چه وقت است؟

۴۹- بگو: برای خودزیان وسودی دراختیارندارم ،مگرآنچه راکه خدا بخواهد،هرامتی رازمانی-محدود-است،آنگاه که زمانشان به سررسد،پس نه ساعتی -ازآن-تاخیرکنندونه پیشی گیرند.

۵۰- بگو: به من خبردهید،اگرعذاب اوشب یاروز به شما دررسدبزهکاران چه چیزی ازآن به شتاب میخواهند؟

۵۱- سپس آیا هنگامی که-عذاب برشما-واقع شد،اکنون به آن ایمان آوردید،درحالی که به-آمدن-آن شتاب می نمودید؟

۵۲- پس به کسانی که ستم ورزیدندگفته شود: عذاب جاویدرابچشد،آیاجزبه-کیفر-آنچه به دست می آوردید جزاداده میشوید؟

۵۳- وازتوخبرمی گیرند: آیاآن راست است؟ بگو: آری سوگندبه پروردگارم که آن قطعا راست است،وشما نمی توانید-خداوند را-درمانده کنید.

۵۴- واگربرای هرکسی که ستم کرده است،آنچه در زمین است میبود،قطعا

آن رابرای-خلاصی و-بازخریدخودمیداد.وچون عذاب راببینندپشیمانی خودرا
پنهان دارندومیان آنان به عدالت داوری شودوبرایشان ستم نرود.
۵۵- بدانید،که درحقیقت آنچه درآسمانهاوزمین است ازآن خداست،بدانیدکه
درحقیقت وعده خداحق است ولی بیشترآنان نمی دانند.

۵۶- او زنده می کندو می میراند به سوی اوبازگردانیده میشوید.
۵۷- ای مردم،به یقین، برای شماازجانب پروردگارتان اندرزی ،ودرمانی
برای آنچه درسینه هاست،ورهنمودورحمتی برای گروندگان-به خداوند-آمده
است.
۵۸- بگو: به فضل ورحمت خداست که -مومنان-بایدشادشوند.
واین ازهرچه گردمی آورندبهتراست.
۵۹- بگو: به من خبردهید،آنچه از روزی که خدابرای
شمافرودآورده-چرا-بخشی ازآن راحرام و-بخشی را-حلال گردانیده اند. بگو:
آیا خداوند به شما اجازه داده یابرخدادروغ میبندید؟
۶۰- وکسانی که برخدا دروغ می بندند،روزرستاخیزچه گمان
دارند؟درحقیقت ،خداوندصاحب بخشش برمردم است ولی بیشترشان
سپاسگزاری نمی کنند.
۶۱- ودرهیچ کاری نباشی وازسوی او-خداوند-هیچ-آیه ای-ازقرآن نخوانی
وهیچ کاری نکنید،مگراینکه مابرشما گواه باشیم آنگاه که بدان مبادرت می
ورزید.وهم وزن ذرّه ای ،نه درزمین ونه درآسمان ازپروردگارتوپنهان
نیست،ونه کوچکترونه بزرگترازآن چیزی نیست،مگراینکه درکتابی

آشکار-درج شده-است.

۶۲- آگاه باشید،که بردوستان خدانه بیمی است ونه آنان اندوهگین میشوند.

۶۳- همانان که ایمان آورده وپرهیزکاری ورزیده اند.

۶۴- درزندگی دنیا ودرآخرت بشارت برای آنان است،وعده های
خداوندراتبدیلی نیست،این همان کامیابی بزرگ است.

۶۵- سخن آنان توراغمگین نکند،زیراعزّت ،همه ازآن خداست،اوشنوای
داناست.

۶۶- آگاه باش که هرکه-وهرچه-درآسمانها،وهرکه-وهرچه-درزمین است
ازآن خداست،وکسانی که غیرازخداشریکانی رامی خوانند،-ازآنها-پیروی
نمی کنندوجز گمان نمیبرند.

۶۷- اوست کسی که برای شما شب راقراردادتادرآن بیارامیدوروز
راروشن-گردانید-بی گمان دراین-امر-برای مردمی که
می شنوندنشانه هایی است.

۶۸- گفتند: خدافرزندی برای خوداختیارکرده است. منزّه است او، اوبی
نیازاست .انچه درآسمانهاوآنچه درزمین است ازآن
اوست.شمارابراین-ادّعا-حجّتی نیست.آیا چیزی راکه نمی دانید،به دروغ
برخدا می بندید؟

۶۹- بگو: درحقیقت کسانی که برخدا دروغ میبندند،رستگارنمیشوند.

۷۰- بهره ای-اندک-دردنیا-دارند-سپس بازگشتشان به سوی ماست،آنگاه به
-سزای-آنکه کفرمی ورزیدند،عذاب سخت به آنان
می چشانیم.

۷۱- وخبرنوح رابرآنان بخوان،آنگاه که به قوم خودگفت: ای قوم من، اگرماندن من-درمیان شما-واندرز دادن من به آیات خدا،برشماگران آمده است.-بدانیدکه من -برخدا توکّل کرده ام.پس-در-کارتان باشریکان خودهمدست شویدتاکارتان برشما ملتبس ننمایدسپس درباره من تصمیم بگیرید ومهلتم ندهید.

۷۲- واگر روی گردانیدید،من مزدی ازشمانمی طلبم ،پاداش من جزبرعهده خداوندنیست،وماموروم که ازگردن نهندگان باشم.

۷۳- پس اوراتکذیب کردند.آنگاه وی را باکسانی که درکشتی همراه اوبودندنجات دادیم،وآنان راجانشین-تبهکاران-ساختیم،وکسانی راکه آیات ماراتکذیب کردندغرق کردیم.پس بنگرکه فرجام بیم داده شدگان چگونه بود.

۷۴- آنگاه،پس ازوی رسولانی رابه سوی قومشان برانگیختیم وآنان دلایل آشکاربرایشان آوردند،ولی ایشان برآن نبودندکه به چیزی که قبلاآن رادروغ شمرده بودندایمان بیاورند.اینگونه مابردلهای تجاوزکاران مُهر می نهیم.

۷۵- سپس بعدازآنان موسی وهارون راباآیات خود،به سوی فرعون وسران-قوم-وی فرستادیم،و آنان گردنکشی کردندوگروهی تبهکاربودند.

۷۶- پس چون حق ازنزدما به سویشان آمد،گفتند: قطعا این سحری آشکاراست.

۷۷- موسی گفت: آیاوقتی حق به سوی شماآمد،میگویید: [این سحراست؟] آیا این سحراست؟وحال آنکه جادوگران رستگارنمی شوند.

۷۸- گفتند: آیابه سوی ماآمده ای تامارا ازشیوه ای که پدرانمان رابرآن یافته

ایم بازگردانی،وبزرگی دراین سرزمین برای شما دوتن باشد؟مابه شما دوتن
ایمان نداریم.
۷۹- وفرعون گفت: " هرجادوگردانایی راپیش من آورید."
۸۰- وچون جادوگران آمدند،موسی به آنان گفت: "آنچه رامی
اندازیدبیندازید."
۸۱- پس چون افکندند،موسی گفت: "آنچه راشمابه میان آوردیدسحراست.به
زودی خداوندآن راباطل خواهدکرد.آری،خداوندکارمفسدان راتایید نمی کند."
۸۲- وخداوندباکلمات خود،حق راثابت می گرداند،هرچندبزهکاران راخوش
نیاید.
۸۳- سرانجام،کسی به موسی ایمان نیاوردمگرفرزندانی ازقوم وی،درحالی
که بیم داشتندازآنکه مبادافرعون وسران آنهاایشان را
آزاررسانند،ودرحقیقت،فرعون درآن سرزمین برتری جوی وازاسرافکاران
بود.
۸۴- وموسی گفت: " ای قوم من،اگربه خداایمان آورده اید،واگراهل
تسلیمیدبراوتوکّل کنید."
۸۵- پس گفتند: " برخداتوکّل کردیم .پروردگارا،مارابرای قوم
ستمگر-وسیله-آزمایش قرارمده."
۸۶- " ومارابه رحمت خویش،ازگروه کافران نجات ده"
۸۷- وبه موسی وبرادرش وحی کردیم که شمادوتن برای قوم خوددرمصر
خانه هایی ترتیب دهیدوسراهایتان رارو به روی هم
قراردهیدونمازبرپاداریدومومنان رابشارت ده.

۸۸- وموسی گفت: " پروردگارا،توبه فرعون واشرافش درزندگی
دنیازیوروواموال داده ای،پروردگارا،تا-خلق را-ازراه توگمراه
کنند،پروردگارا،اموالشان رانابودکن وآنان رادل سخت گردان که ایمان
نیاورندتاعذاب دردناک راببینند."
۸۹- فرمود: " دعای هردوی شماپدیرفته شد.پس ایستادگی کنیدوراه کسانی
راکه نمی دانندپیروی نکنید."
۹۰- وفرزندان اسرائیل راازدریاگذراندیم ،پس فرعون وسپاهیانش ازروی
ستم وتجاوز،آنان رادنبال کردند،تاوقتی که درشُرُف غرق شدن
قرارگرفت،گفت: " ایمان آوردم که هیچ معبودی جزآنکه فرزندان اسرائیل به
اوگرویده اند،نیست،ومن ازتسلیم شدگانم."
۹۱- اکنون؟ درحالی که پیش ازاین نافرمانی میکردی وازتبهکاران بودی؟
۹۲- پس امروزتورابازره -زرّین-خودت به بلندی-ساحل-می افکنیم،تابرای
کسانی که ازپی تومی آیندعبرتی باشد،وبی گمان بسیاری ازمردم ازنشانه
های ماغافلند.
۹۳- به راستی مافرزندان اسرائیل رادرجایگاه-های-نیکومنزل دادیم
،وازچیزهای پاکیزه به آنان روزی بخشیدیم.پس به
اختلاف نپرداختندمگرپس ازآنکه علم برای آنان حاصل
شد.هماناپروردگارتودرروزقیامت درباره آنچه برسرآن اختلاف
میکردندمیانشان داوری خواهدکرد.
۹۴- واگرازآنچه به سوی تونازل کرده ایم درتردیدی ازکسانی که پیش
ازتوکتاب-آسمانی-میخواندندبپرس.قطعاحق ازجانب پروردگارت به سوی

توآمده است.پس زنهارازتردیدکنندگان مباش.

۹۵- وازکسانی که آیات مارادروغ پنداشتندمباش که از زیانکاران خواهی بود.

۹۶- درحقیقت،کسانی که سخن پروردگارت برآنان تحقّق یافته ایمان نمی آورند.

۹۷- هرچندهرگونه آیتی برایشان بیاید،تاوقتی که عذاب دردناک راببینند.

۹۸- چراهیچ شهری نبودکه-اهل آن-ایمان بیاوردوایمانش به حال آن سودبخشد؟مگرقوم یونس که وقتی-درآخرین لحظه- ایمان آوردند.عذاب رسوایی رادرزندگی دنیا ازآنان برطرف کردیم وتاچندی آنان رابرخوردارساختیم.

۹۹- واگرپروردگارتومیخواست،قطعا هرکه درزمین است همه آنها یکسرایمان می آوردند،پس آیاتومردم را مجبورمیکنی که ایمان بیاورند؟

۱۰۰- وهیچکس رانرسدکه جزبه اذن خدوندایمان بیاوردو-خدا-برکسانی که نمی اندیشند،پلیدی راقرارمیدهد.

۱۰۱- بگو: "بنگریدکه درآسمانهاوزمین چیست؟"و-لی-نشانه هاوهشدارها،گروهی راکه ایمان نمی آورندسودنمی بخشد.

۱۰۲- پس آیاجزمانندروزهای کسانی راکه پیش ازآنان درگذشتند،انتظارمیبرند؟بگو: "انتظاربریدکه من -نیز-باشما ازمنتظرانم."

۱۰۳- سپس فرستادگان خودوکسانی راکه گرویدندمی رهانیم،زیرابرما فریضه است که مومنان رانجات دهیم.

۱۰۴- بگو: " ای مردم،اگردردین من تردیددارید،پس-بدانیدکه من-کسانی

راكه به جای خدامی پرستیدنمی پرستم،بلكه خدایی رامی پرستم كه جان
شمارا میستاند،ودستوریافته ام كه ازمومنان باشم."
۱۰۵- و-به من دستورداده شده است-كه به دین حنیف روی
آور،وزنهارازمشركان مباش.
۱۰۶- وبه جای خدا،چیزی راكه سودوزیانی به تونمی رساند،مخوان،كه
اگرچنین كنی،درآن صورت قطعا ازجمله ستمكارانی.
۱۰۷- واگرخداوندبه توزیانی برساند،آن رابرطرف كننده ای
جزاونیست،واگربرای توخیری بخواهد،بخشش اورا ردكننده ای
نیست.آن رابه هركس ازبندگانش كه بخواهدمیرساند،واو آمرزنده مهربان
است.
۱۰۸- بگو: " ای مردم، حق ازجانب پروردگارتان برای شما آمده است.پس
هركه هدایت یابدبه سودخویش هدایت می یابد،وهركه گمراه گرددبه زیان
خودگمراه میشود،ومن برشما نگهبان نیستم."
۱۰۹- وازآنچه برتووحی میشودپیروی كن وشكیبا باش تاخدا-میان تووآنان-
داوری كند،واو بهترین داوران است.

هود

بنام خداوند بخشنده مهربان

۱- الف ،لام، راء، کتابی است که آیات آن استحکام یافته ،سپس ازجانب حکیمی آگاه به روشنی بیان شده است،

۲- که جزخدارانپرستید.بدون تردیدمن ازجانب اوبرای شما هشداردهنده وبشارتگرم.

۳- واینکه ازپروردگارتان آمرزش بخواهید،سپس به درگاه اوتوبه کنید،-تااینکه-شمارابا بهره مندی نیکویی تازمانی معیّن بهره مندسازد،وبه

هرشایسته نعمتی ازکرم خود عطاکند،واگررویگردان شویدمن ازعذاب روزی بزرگ برشمابیمناکم.

۴- بازگشت شمابه سوی خداونداست،واو برهرچیزی تواناست.

۵- آگاه باشیدکه آنان دل می گردانند-و میکوشند-تا-رازخودرا-ازاونهفته دارند.آگاه باشیدآنگاه که آنان جامه هایشان رابرسرمی کشند-خدا-آنچه رانهفته وآنچه راآشکارمیدارند،میداند،زیرااوبه اسرارسینه هاداناست.

۶- وهیچ جنبنده ای درزمین نیست مگر-اینکه-روزیش برعهده خداست،و-او-قرارگاه ومحل مردنش رامیداند.همه-اینها-درکتابی روشن-ثبت-است.

۷- واوست کسی که آسمانهاوزمین رادرشش هنگام آفریدوعرش اوبرآب بود،تاشمارابیازماید که کدام یک نیکوکارترید، واگربگویی: " شماپس ازمرگ برانگیخته خواهیدشد" قطعاکسانی که کافرشده اندخواهندگفت: " این -ادعا-جزسحری آشکارنیست."

۸- واگرعذاب راتاچندگاهی ازآنان به تاخیرافکنیم،حتما خواهندگفت: " چه چیزآن رابازمی دارد؟" آگاه باش ،روزی که -عذاب-به آنان برسدازایشان بازگشتنی نیست،وآنچه راکه مسخره می کردندآنان رافروخواهدگرفت.

۹- واگرازجانب خودرحمتی به انسان بچشانیم،سپس آن را ازوی سلب کنیم،قطعا ناامیدوناسپاس خواهدبود.

۱۰- واگر آدمی رابه نعمتی پس ازمحنتی رسانیم ،مغرورو غافل شود، ومیگوید: دیگرروزگارزحمت ورنج من به سرآمده وسرگرم شادمانی وفخرفروشی گردد.

۱۱- مگرکسانی که شکیبایی ورزیده وکارهای شایسته
کرده اند-که-برای آنان آمرزش وپاداشی بزرگ خواهدبود.
۱۲- ومباداتوبرخی ازآنچه راکه به سویت وحی میشود ترک گویی وسینه ات
بدان تنگ گرددکه می گویند: " چراگنجی براوفروفرستاده نشده یافرشته ای
بااونیامده است؟" توفقط هشداردهنده ای ،وخدابرهرچیزی نگبهان است.
۱۳- یامیگویند: " این-قرآن-رابه دروغ ساخته است." بگو: "اگرراست
میگویید، ده سوره برساخته شده مانندآن بیاوریدوغیرازخداوندهرکه
رامیتوانیدفراخوانید."
۱۴- پس اگرشما را اجابت نکردند،بدانیدکه آنچه نازل شده است به علم
خداست،واینکه معبودی جزاونیست ،پس آیاشما گردن می نهید؟
۱۵- کسانی که بدنبال زینت وشهوات دنیوی هستندمامزدسعی
آنهارادرکاردنیاکاملا میدهیم وهیچ ازاجرعملشان کم نخواهدشد.
۱۶- اینان کسانی هستندکه درآخرت جزآتش برایشان نخواهدبود،وانچه
درآنجاکرده اندبه هدررفته،وآنچه انجام می داده اندباطل گردیده است.
۱۷- آیاکسی که ازجانب پروردگارش برحجتی روشن است وشاهدی
از-خویشان-او،پیروآن است،وپیش ازوی-نیز-کتاب موسی راهبرومایه
رحمت بوده است-دروغ می بافد-؟آنان -که درجستجوی حقیقت اند-به آن می
گروند،وهرکس ازگروه های-مخالف-به آن کفرورزدآتش وعده گاه
اوست.پس درآن تردیدمکن که آن حق است-و-ازجانب پروردگارت-آمده
است-ولی بیشترمردم باورنمی کنند.
۱۸- وچه کسی ستمکارترازآن کس است که برخدادروغ بندد؟آنان

برپروردگارشان عرضه میشوند،وگواهان خواهندگفت:

" اینان بودندکه برپروردگارشان دروغ بستند.هان! لعنت خدابرستمگران باد."

۱۹- همانان که -مردم را-ازراه خدابازمی دارندوآن راکج می شمارندوخود،آخرت راباورندارند.

۲۰- آنان درزمین به عجزکشانندگان- خداوند- نیستند،وجزخدادوستانی برای آنان نیست،عذاب برای آنان دوچندان میشود،آنان توان شنیدن-حق را-نداشتندو-حق را-نمی دیدند.

۲۱- اینانندکه به خویشتن زیان زده وآنچه رابه دروغ برساخته بودندازدست داده اند.

۲۲- شک نیست که آنان درآخرت زیانکارترند.

۲۳- بی گمان کسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده و -بافروتنی-به سوی پروردگارشان آرام یافتند،آنان اهل بهشتندودرآن جاودانه خواهندبود.

۲۴- مَثَل این دوگروه ،چون نابینا وکر-درمقایسه-با بیناوشنواست.آیادرمَثَل یکسانند؟ پس آیا پندنمی گیرید؟

۲۵- وبه راستی نوح رابه سوی قومش فرستادیم.-گفت: - من برای شما هشداردهنده ای آشکارم.

۲۶- که جزخداوندرانپرستید،زیرامن ازعذاب روزی سهمگین برشما بیمناکم.

۲۷- پس ،سران قومش که کافربودند،گفتند: " ماتوراجزبشری مثل خودنمی

بینیم،وجز-جماعتی از-فرومایگان ما،آن هم نسنجیده، نمی بینیم کسی تورا پیروی کرده باشد،وشمارابرما امتیازی نیست،بلکه شمارا دروغگومی دانیم."

۲۸- گفت: " ای قوم من،به من بگویید،اگرازطرف پروردگارم حجتی روشن داشته باشم،ومراازنزدخودرحمتی بخشیده باشدکه برشما پوشیده است،آیاما-باید-شمارا درحالی که بدان اکراه دارید،به آن وادارکنیم؟"

۲۹- " وای قوم من،براین-رسالت-مالی ازشمادرخواست نمی کنم.مزدمن جزبرعهده خداوندنیست.وکسانی راکه ایمان آورده اندطردنمی کنم.قطعا آنان پروردگارشان رادیدارخواهندکرد،ولی شماراقومی میبینم که نادانی می کنید."

۳۰- و ای قوم من، اگرآنان رابرانم ،چه کسی مرادربرابرخداوندیاری خواهدکرد؟آیا عبرت نمی گیرید؟

۳۱- "وبه شما نمی گویم که گنجینه های خداوندپیش من است،وغیب نمی دانم،ونمی گویم که من فرشته ام،ودرباره کسانی که دیدگان شما به خواری درآنان مینگرد،نمی گویم خداوندهرگزخیرشان نمی دهد.خداوندبه آنچه دردل آنان است آگاه تراست.-اگرجزاین بگویم- درآن صورت من ازستمکاران خواهم بود."

۳۲- گفتند: " ای نوح ،واقعا باما جدال کردی وبسیار-هم-جدال کردی،پس اگرازراستگویانی آنچه را-ازعذاب خدا-به ما وعده میدهی برای ما بیاور."

۳۳- گفت: " تنهاخداست که اگربخواهد،آن رابرای شما می آوردوشما نمی توانید اورا عاجزکنید."

۳۴- واگربخواهم شمارا اندرز دهم ،درصورتی که خدابخواهدشمارابیراه

گذارد،اندرزمن شمارا سودی

نمی بخشد.اوپروردگارشماست وبه سوی اوبازگردانیده میشوید.

۳۵- یا-درباره قرآن-میگویند: " آن رابربافته است." بگو: " اگر آن را به

دروغ سرهم کرده ام،گناه من برعهده خودمن است،و-لی-من ازجرمی که به

من نسبت میدهید برکنارم."

۳۶- وبه نوح وحی شدکه: " ازقوم توجزکسانی که-تاکنون-ایمان آورده

اند،هرگز-کسی-ایمان نخواهدآورد.پس ازآنچه می کردندغمگین مباش."

۳۷- " و زیر نظرما و-به-وحی ما کشتی رابساز،ودرباره کسانی که ستم

کرده اندبامن سخن مگوی،چراکه آنان غرق شدنی اند."

۳۸- و-نوح- کشتی رامیساخت،وهربارکه اشرافی ازقومش براومی

گذشتند،اورامسخره می کردند،میگفت: "اگرمارامسخره می

کنید،ما-نیز-شماراهمان گونه که مسخره میکنید،مسخره خواهیم کرد."

۳۹- به زودی خواهید دانست چه کسی راعذابی خوارکننده در می رسدوبراو

عذابی پایدارفرودمی آید.

۴۰- تا آنگاه که فرمان در رسیدوتنورفوران کرد،فرمودیم: "

درآن-کشتی-ازهرحیوانی یک جفت،باکسانت -مگرکسی که قبلا درباره

اوسخن رفته است-وکسانی که ایمان آورده اند،حمل کن." وبا

اوجز-عدّه-اندکی ایمان نیاورده بودند.

۴۱- و-نوح-گفت: "درآن سوارشوید،به نام خداست روان شدنش

ولنگرانداختنش،بی گمان پروردگارمن آمرزنده مهربان است."

۴۲- وآن-کشتی-ایشان رادرمیان موجی کوه آسا میبرد،ونوح پسرش راکه

درکناری بودبانگ در داد: " ای پسرک من،باما سوارشو وبا کافران مباش."
۴۳- گفت: " به زودی به کوهی پناه می جویم که مراازآب درامان نگاه میدارد." گفت: " امروزدربرابرفرمان خداوندهیچ نگاهدارنده ای نیست،مگرکسی که-خدابراو-رحم کند." وموج میان آن دوحایل شدو-پسر-ازغرق شدگان گردید.
۴۴- وگفته شد: " ای زمین ،آب خودرافروبر،وای آسمان -ازباران-خودداری کن.وآب فروکاست وفرمان گزارده شده و-کشتی-برجودی قرارگرفت." وگفته شد: " مرگ برقوم ستمکار."
۴۵- ونوح پروردگارخودراآوازدادوگفت: " پروردگارا،پسرم ازکسان من است.وقطعاوعده توراست است وتوبهترین داورانی."
۴۶- فرمود: "ای نوح ،اودرحقیقت ازکسان تونیست،او-دارای-کرداری ناشایسته است.پس چیزی راکه بدان علم نداری ازمن مخواه.من به تو اندرز می دهم که مبادا ازنادانان باشی."
۴۷- گفت: " پروردگارا ،من به توپناه میبرم که ازتوچیزی بخواهم که بدان علم ندارم،واگرمرانیامرزی وبه من رحم نکنی از زیانکاران باشم."
۴۸- گفته شد: " ای نوح ،بادرودی ازما وبرکاتی برتو وبرگروههایی که با تو هستند،فرودآی،وگروههایی هستندکه به زودی برخوردارشان می کنیم،سپس ازجانب ما عذابی دردناک به آنان میرسد."
۴۹- این ازخبرهای غیب است که آن رابه تووحی می کنیم .پیش ازاین نه توآن رامی دانستی ونه قوم تو.پس شکیبا باش که فرجام-نیک-ازآن تقواپیشگان است.

۵۰- وبه سوی-قوم-عاد،برادرشان هود را -فرستادیم،هود-گفت: " ای قوم من،خداوندرابپرستید.جزاوهیچ معبودی برای شما نیست.شما فقط دروغ پردازید."
۵۱- " ای قوم من،برای این-رسالت-پاداشی ازشما درخواست نمی کنم.پاداش من جزبه عهده کسی که مراآفریده است نیست.پس آیا نمی اندیشید؟"
۵۲- " وای قوم من ،ازپروردگارتان آمرزش بخواهید،سپس به درگاه اوتوبه کنید-تا-ازآسمان برشمابارش فراوان فرستدو برنیروی شما بیفزاید،وتبهکارانه روی برمگردانید."
۵۳- گفتند: " ای هود برای ما دلیل روشنی نیاوردی ،ومابرای سخن تودست ازخدایان خودبرنمی داریم وتورابا‌ورنداریم."
۵۴- "-چیزی-جزاین نمی گوییم که بعضی ازخدایان مابه توآسیبی رسانده اند." گفت: " من خداوند راگواه میگیرم ،وشاهدباشیدکه من ازآنچه جزاوشریک وی می گیرید بیزارم.
۵۵- پس ،همه شما درکارمن نیرنگ کنیدومرامهلت ندهید.
۵۶- درحقیقت،من برخدا ،پروردگارخودم وپروردگارشما توکّل کردم .هیچ جنبنده ای نیست مگراینکه اومهارهستی اش رادردست دارد.به راستی پروردگارمن برراه راست است.
۵۷- پس اگر روی بگردانید،به یقین آنچه راکه به منظورآن به سوی شما فرستاده شده بودم به شما رسانیدم،وپروردگارم قومی جزشمارا جانشین-شما-خواهدکرد.وبه اوهیچ زیانی

نمی رسانید.درحقیقت پروردگارم برهرچیزی نگاهبان است.
۵۸- وچون فرمان ما دررسید،هودوکسانی راکه بااوگرویده بودند،به رحمتی ازجانب خودنجات بخشیدیم وآنان رااز عذابی سخت رهانیدیم.
۵۹- واین -قوم- عادبودکه آیات پروردگارشان را انکارکردند،وفرستادگانش رانافرمانی نمودند،وبه دنبال فرمان هر زورگوی ستیزه جوی رفتند.
۶۰- و-سرانجام- دراین دنیا وروزقیامت ،لعنت بدرقه-راه-آنان گردید.آگاه باشیدکه عادیان به پروردگارشان کفرورزیدند،هان،
مرگ برعادیان،قوم هود.
۶۱- وبه سوی -قوم- ثمود،برادرشان صالح را-فرستادیم-گفت:
" ای قوم من،خدارابپرستید.برای شما هیچ معبودی جزاونیست.اوشمارا از زمین پدیدآوردودرآن شمارا استقرارداد.پس ،ازاوآمرزش بخواهید.آنگاه به درگاه اوتوبه کنید،که پروردگارم نزدیک -و- اجابت کننده است."
۶۲- گفتند: " ای صالح ،به راستی توپیش ازاین ،میان ما مایه امیدبودی.آیا مارا ازپرستش آنچه پدرانمان می پرستیدندبازمی داری؟ وبی گمان ،ما ازآنچه تومارا بدان میخوانی سخت دچار شک هستیم."
۶۳- گفت: " ای قوم من،آیا رای شما چیست؟اگرمن بردعوی خودمعجزودلیلی ازطرف خدادردست دارم که اومرا به نبوّت به لطف ومرحمت بسیاربرگزیده است اگربازهم فرمان اونبرم وگفتارجاهلانه شمارابشنوم وابلاغ رسالت نکنم دراینصورت مرا ازعذاب خدا چه کسی امان تواند داد؟که شما برمن جز ضرر وزیان چیزی نخواهید افزود."
۶۴- " وای قوم من ،این مادّه شترخداست که برای شما پدیده ای شگرف

است.پس بگذاریداودر زمین خدا بخورد وآسیبش نرسانیدکه شما را عذابی زودرس فرومی گیرد."

۶۵- قوم پند صالح رانشنیدندوناقه راپی کردند،و-صالح-گفت: " سه روز درخانه هایتان برخوردارشوید،این وعده ای بی دروغ است،"

۶۶- پس چون فرمان ما در رسید صالح وکسانی راکه بااو ایمان آورده بودند،به رحمت خودرهانیدیم وازرسوایی آن روز-نجات دادیم- به یقین پروردگارتوهمان نیرومندشکست ناپذیراست.

۶۷- وکسانی راکه ستم ورزیده بودند،آن بانگ-مرگبار-فراگرفت،ودرخانه هایشان ازپادرآمدند.

۶۸- گویاهرگزدرآن -خانه ها-نبوده اند.آگاه باشیدکه ثمودیان به پروردگارشان کفرورزیدند.هان، مرگ برثمود.

۶۹- وبه راستی،فرستادگان مابرای ابراهیم بشارت آوردند، گفتندسلام ،پاسخ داد:" سلام" ودیری نپایید که گوساله ای بریان آورد.

۷۰- وچون دیددستهایشان به غذا درازنمیشود،آنان را ناشناس یافت وازایشان ترسی بردل گرفت.گفتند: " مترس ،مابه سوی قوم لوط فرستاده شده ایم."

۷۱- و زن او ایستاده بود. خندید.پس وی رابه اسحق و ازپی اسحق به یعقوب بشارت دادیم.

۷۲- (همسرابراهیم) گفت: " ای وای برمن،آیا فرزند آورم با آنکه من پیرزنم،واین شوهرم پیرمرداست؟ واقعا این چیز بسیارعجیبی است."

۷۳- گفتند: " آیا ازکارخداتعجّب میکنی؟ رحمت وبرکات او برشما خاندان-رسالت-باد.بی گمان اوستوده ای بزرگواراست."

۷۴- پس وقتی ترس ابراهیم زایل شدوبشارت -فرزنددارشدن-به
اورسید،درباره قوم لوط باما-به قصدشفاعت-چون وچرامیکرد.

۷۵- زیرا ابراهیم ،بردبارونرمدل وبازگشت کننده -بسوی خدا-بود.

۷۶- ای ابراهیم ازاین -چون وچرا-روی برتاب ،که فرمان پروردگارت آمده وبرای آنان عذابی که بی بازگشت است خواهدآمد.

۷۷- وچون فرستادگان ما نزدلوط آمدند،به-آمدن آنان ناراحت،ودستش ازحمایت ایشان کوتاه شدوگفت: " امروز روزی سخت است."

۷۸- وقوم اوشتابان به سویش آمدند،وپیش ازآن کارهای زشت می کردند.-لوط-گفت: " ای قوم من ،اینان دختران من هستند،آنان برای شما پاکیزه ترند.پس ازخدابترسیدومرادربرابر مهمانانم رسوامکنید.آیا درمیان شما آدمی عاقل پیدانمیشود؟"

۷۹- گفتند: " توخوب میدانی که مارا به دخترانت حاجتی نیست وتو خوب میدانی که ما چه میخواهیم."

۸۰- (لوط) گفت: " کاش برای مقابله باشما قدرتی داشتم یابه تکیه گاهی استوارپناه می جستم."

۸۱- گفتند: " ای لوط،ما فرستادگان پروردگارتوئیم ،آنان هرگزبه تودست نخواهندیافت.پس پاسی ازشب گذشته خانواده ات راحرکت ده -وهیچ کس ازشمانبایدواپس بنگرد-مگرزنت ،که آنچه به ایشان رسدبه اوخواهدرسید.بی گمان وعده گاه آنان صبح است.مگرصبح نزدیک نیست؟"

۸۲- پس چون فرمان ما آمد،آن-شهر-رازیروزبرکردیم وسنگپاره هایی
از-نوع-سنگ گلهای لایه لایه ،برآن فروریختیم.
۸۳- (سنگهائی) که نزدپروردگارت نشان زده بود.و-خرابه های-آن
ازستمگران چندان دورنیست.
۸۴- وبه سوی -اهل-مَدیَن،برادرشان شعیب را-فرستادیم-گفت: " ای قوم
من،خدارابپرستید.برای شما جزاومعبودی نیست.وپیمانه وترازو راکم
مکنید.به راستی شمارادرنعمت میبینم.و-لی-ازعذاب روزی فراگیربرشما
بیمناکم."
۸۵- " وای قوم من، پیمانه وترازو رابه عدل ،تمام دهید،وحقوق
مردم را کم ندهید،ودرزمین به فساد سر برمدارید."
۸۶- " اگرمومن باشید،باقیمانده-حلال- خدابرای شما بهتراست،ومن برشما
نگهبان نیستم."
۸۷- گفتند: " ای شعیب،آیا نماز توبه تودستورمیدهدکه آنچه راپدران ما می
پرستیده اند رهاکنیم،یادراموال خودبه میل خودتصرّف نکنیم؟ راستی تو
بردبارفرزانه ای."
۸۸- گفت: " ای قوم من، بیندیشید،اگرازجانب پروردگارم دلیل روشنی داشته
باشم ،واو ازسوی خودروزی نیکوئی به من داده باشد-آیا بازهم ازپرستش
اودست بردارم؟-من نمی خواهم درآنچه شما را ازآن بازمی دارم باشما
مخالفت کنم-وخودمرتکب آن شوم-من قصدی جزاصلاح -جامعه-تاآنجا که
بتوانم ندارم.وتوفیق من جزبه -یاری-خدانیست.براوتوکّل کرده ام وبه سوی
اوبازمی گردم."

۸۹- " وای قوم من ،زنهارتامخالفت شمابامن ،شمارابدانجا نکشاندکه
-بلایی-مانندآنچه به قوم نوح یاقوم هودیاقوم صالح رسید،به
شما-نیز-برسد.وقوم لوط ازشما چندان دورنیست."
۹۰- " وازپروردگارخودآمرزش بخواهید،سپس به درگاه اوتوبه کنیدکه
پروردگارمن مهربان ودوستدار-بندگان-است."
۹۱- گفتند: " ای شعیب،بسیاری ازآنچه راکه میگویی نمی فهمیم،
و واقعا تورا درمیان خودضعیف میبینیم واگرعشیره تونبودقطعا سنگسارت
می کردیم،وتو برما پیروز نیستی.
۹۲- گفت: " ای قوم من ،آیاعشیره من پیش شما ازخداعزیزتراست که
اوراپشت سرخودگرفته اید-وفراموشش کرده اید-؟ درحقیقت ،پروردگارمن
به آنچه انجام میدهیداحاطه دارد."
۹۳- " وای قوم من ،شمابرحسب امکانات خودعمل کنید،من -نیز-عمل
میکنم.به زودی خواهیددانست که عذاب رسواکننده برچه کسی فرودمی
آیدودروغگوکیست،وانتظاربریدکه من-هم-باشما منتظرم."
۹۴- وچون فرمان ما آمد،شعیب وکسانی راکه با اوایمان آورده بودند،به
رحمتی ازجانب خویش نجات دادیم ،وکسانی را که ستم کرده
بودند،فریاد-مرگبار-فروگرفت،ودرخانه هایشان ازپادرآمدند.
۹۵- گویی درآن -خانه ها-هرگزاقامت نداشته اند.هان ،مرگ
بر-مردم-مَدیَن ،همان گونه که ثمودهلاک شدند.
۹۶-وبه راستی ،موسی رابا آیات خودوحجّتی آشکار.
۹۷- به سوی فرعون وسران-قوم-وی فرستادیم،ولی-سران-ازفرمان فرعون

پیروی کردند،وفرمان فرعون صواب نبود.

۹۸- روزقیامت پیشاپیش قومش میرودوآنان رابه آتش درمی آورد،و-دوزخ-چه ورودگاه بدی برای ورودکنندگان است.

۹۹- وفرعونیان بواسطه ظلم وبیداددراین جهان برخودبدلعنتی گذاشتندوبرای روزقیامت بدعطاوذخیره ای فرستادند.

۱۰۰- این،ازخبرهای آن شهرهاست که آن رابرتوحکایت می کنیم،بعضی ازآنها-هنوز-برسرپاهستنوو-بعضی- بربادرفته اند.

۱۰۱- ومابه آنان ستم نکردیم،ولی آنان به خودشان ستم کردند،پس چون فرمان پروردگارت آمد خدایانی که به جای خدا-ی حقیقی- می خواندندهیچ به کارشان نیامد،وجزبرهلاکت آنان نیفزود.

۱۰۲- واینگونه بود-به قهر-گرفتن پروردگارت ،وقتی شهرهارادرحالی که ستمگربودند-به قهر-می گرفت.آری -به قهر-گرفتن او دردناک وسخت است.

۱۰۳- قطعا دراین-یادآوریها- برای کسی که ازعذاب آخرت می ترسدعبرتی است.آن -روز-روزی است که مردم رابرای آن گرد
می آورند،وآن-روز-روزی است که -جملگی درآن-حاضرمیشوند.

۱۰۴- وما آن راجزتا زمان معیّنی به تاخیرنمی افکنیم.

۱۰۵- روزی- است -که چون فرارسدهیچ کس جزبه اذن او سخن نگوید.آنگاه بعضی ازآنان تیره بختندو -برخی-نیکبخت.

۱۰۶- واماکسانی که تیره بخت شده اند، درآتش فریادوناله ای دارند.

۱۰۷- تاآسمانهاوزمین برجاست،درآن ماندگارخواهندبود،مگرآنچه پروردگارت بخواهد،زیراپرورگارتوهمان کند که خواهد.

۱۰۸- واماکسانی که نیکبخت شده اند،تاآسمانهاوزمین برجاست،دربهشت
جاودانند،مگرآنچه پروردگارت بخواهد.-که این-بخششی است که بریدنی
نیست.
۱۰۹- پس درباره آنچه آنان-مشرکان-می پرستنددر تردید مباش.آنان
جزهمان گونه که قبلا پدرانشان می پرستیدند،نمی پرستند،وما بهره ایشان را
تمام و ناکاسته خواهیم داد.
۱۱۰- وبه حقیقت ،مابه موسی کتاب-آسمانی-دادیم،پس درمورد آن اختلاف
شد،واگرازجانب پروردگارت وعده ای پیشب نگرفته بود،قطعا میان
آنهاداوری شده بود،وبی گمان آنان درباره آن درشگی بهتان آمیزند.
۱۱۱- وقطعا پروردگارت-نتیجه-اعمال هریک رابه تمام-وکمال-به آنان
خواهد داد،چراکه اوبه آنچه انجام می دهندآگاه است.
۱۱۲- پس، همان گونه که دستوریافته ای ایستادگی کن،وهرکه باتو توبه
کرده-نیزچنین کند-وطغیان مکنیدکه اوبه آنچه انجام می دهیدبیناست.
۱۱۳- وبه کسانی که ستم کرده اندمتمایل مشویدکه آتش -دوزخ-به شما می
رسد،ودربرابرخدا برای شما دوستانی نخواهدبود،وسرانجام یاری
نخواهیدشد.
۱۱۴- ودر دوطرف روز-اول وآخرآن-ونخستین ساعات شب نمازرا برپا
دار،زیرا خوبیها بدیها را ازمیان میبرد.این برای پندگیرندگات ،پندی است.
۱۱۵- وشکیبا باش که خدا پاداش نیکوکاران راضایع نمی گرداند.
۱۱۶- پس چرااز نسلهای پیش ازشما خردمندانی نبودندکه-مردم را-ازفساد
درزمین بازدارند؟ جزاندکی ازکسانی که ازمیان آنان نجاتشان دادیم.وکسانی

که ستم کردندبه دنبال نازونعمتی که درآن بودند رفتند،وآنان بزهکاربودند.
۱۱۷- وپروردگارتو-هرگز-برآن نبوده است که شهرهایی راکه مردمش اصلاح گرند،به ستم هلاک کند.
۱۱۸- واگرپروردگا تومیخواست ،قطعا همه مردم را امّت واحدی قرار میداد،درحالی که پیوسته دراختلافند،
۱۱۹- مگرکسانی که پروردگارتوبه آنان رحم کرده،وبرای همین آنان راآفریده است، و وعده پروردگارت -چنین-تحقق پذیرفته است-که-" البته جهنم را ازجن و انس یکسره پرخواهم کرد."
۱۲۰- وهریک ازسرگذشتهای پیامبران-خود- راکه برتوحکایت می کنیم،چیزی است که دلت رابدان استوارمی گردانیم،ودراینها حقیقت برای توآمده ،وبرای مومنان اندرز و تذکری است.
۱۲۱- وبه کسانی که ایمان نمی آورندبگو: " برحسب امکانات خودعمل کنیدکه ما-هم-عمل خواهیم کرد."
۱۲۲- " ومنتظر باشیدکه ما-نیز-منتظر خواهیم بود."
۱۲۳- ونهان آسمانها وزمین ازآن خداست ،وتمام کارها به اوبازگردانده میشود،پس اوراپرستش کن وبراوتوکّل نمای،وپروردگارتوازآنچه انجام می دهید غافل نیست.

یوسف

۱- بسم الله الرّحمن الرّحیم

الف ،لام، راء ،این است آیات کتاب روشنگر.

۲- ما آن راقرآنی عربی نازل کردیم ،باشدکه بیندیشید.

۳- مانیکوترین سرگذشت رابه موجب این قرآن که به تو وحی
کردیم،برتوحکایت می کنیم،وتوقطعا پیش ازآن ازبی خبران بودی.

۴- (یادکن) زمانی راکه یوسف به پدرش گفت: " ای پدر،من-درخواب-یازده
ستاره راباخورشیدوماه دیدم.دیدم -آنها-برای من سجده می کنند."

۵- (یعقوب) گفت: " ای پسرک من، خوابت رابرای برادرانت حکایت مکن که برای تونیرنگی می اندیشند،زیراشیطان برای آدمی دشمنی آشکاراست.

۶- واین چنین،پروردگارت تورابرمی گزیند،وازتعبیرخوابهابه تومی آموزد،ونعمتش رابرتووخاندان یعقوب تمام می نماید.همان گونه که قبلا برپدران تو،ابراهیم واسحاق تمام کرد.درحقیقت پروردگارتودانای حکیم است.

۷- به راستی در-سرگذشت-یوسف وبرادرانش برای سائلان(جستجوکنندگان) عبرتها هست.

۸- هنگامی که-برادران او-گفتند: " یوسف وبرادرشنزدپدرمان ازما-که جمعی نیرومندهستیم-دوست داشتنی ترند.قطعا پدرمادرگمراهی آشکاری است."

۹- (یکی گفت): " یوسف رابکشیدیااورابه سرزمینی بیندازید،تاتوجه پدرتان معطوف شماگردد،وپس ازاومردمی شایسته باشید."

۱۰- گوینده ای ازمیان آنان گفت: " یوسف رانکشید،اگرکاری می کنید،اورا درنهانخانه چاه اندازید،تابرخی ازمسافران اورابرگیرند."

۱۱- گفتند: " ای پدر،توراچه شده است که مارابریوسف امین نمی دانی درحالی که ماخیرخواه اوهستیم.؟"

۱۲- فرداورابامابفرست تا-درچمن-بگرددوبازی کند،ومابه خوبی نگهبان اوخواهیم بود.

۱۳- گفت: " اینکه اوراببریدمرا سخت اندوهگین می کند،ومی ترسم ازاوغافل شویدوگرگ اورابخورد."

۱۴- گفتند: " اگرگرگ اورابخوردبااینکه ماگروهی نیرومندهستیم،درآن صورت ماقطعا-مردمی-بیمقدارخواهیم بود."

۱۵- پس وقتی اورابردندوهمداستان شدندتااورادرچاه بیندازند-چنین کردند-.وبه اووحی کردیم که قطعاآنان رااز این کارشان-درحالی که نمی دانند-باخبرخواهی کرد.

۱۶- وشامگاهان ،گریان نزدپدرخود-باز-آمدند.

۱۷- گفتند: " ای پدر،مارفتیم مسابقه دهیم،ویوسف راپیش وسایل خودگذاشتیم ،آنگاه گرگ اوراخورد،ولی توماراهرچندراستگوباشیم باورنمی داری."

۱۸- وپیراهنش را-آغشته- به خونی دروغین آوردند.(یعقوب) گفت: " -نه-بلکه نفس شما کاری-بد- رابرای شما آراسته است.اینک صبری نیکو-برای من بهتراست-.وبرآنچه توصیف
می کنید،خداوند یاری ده است."

۱۹- وکاروانی آمد.پس آب آورخودرا فرستادند.ودلوش راانداخت.گفت: " بشارت،این یک پسراست." واوراچون کالایی پنهان داشتند.وخداوند به آنچه میکردند دانابود.

۲۰- واورا به بهای ناچیزی-چنددرهم-فروختندودرآن بی رغبت بودند.

۲۱- وآن کس که اورا ازمصرخریده بودبه همسرش گفت: " نیکش بدار،شایدبه حال ما سود بخشدیااورابه فرزندی اختیارکنیم." وبدینگونه مایوسف را درآن سرزمین مکانت بخشیدیم تابه اوتاویل خوابها رابیاموزیم،وخدابرکارخویش چیره است ولی بیشترمردم نمی دانند.

۲۲- وچون به حدّ رشدرسید،اوراحکمت ودانش عطاکردیم،ونیکوکاران

راچنین پاداش میدهیم.
۲۳- وآن-بانو-که وی درخانه اش بودخواست ازاوکام
گیرد،ودرهارا-پیاپی-چفت کردوگفت: " بیاکه ازآنِ توهستم." گفت: " پناه
برخدا،اوآقای من است.به من جای نیکوداده است،قطعا ستمکاران
رستگارنمی شوند."
۲۴- ودرحقیقت-آن زن-آهنگ وی کرد.و-یوسف نیز-اگربرهان پروردگارش
راندیده بود،آهنگ اومیکرد.چنین -کردیم-تابدی وزشتکاری را از
اوبازگردانیم،چراکه اوازبندگان مخلص مابود.
۲۵- وآن دو به سوی دربریکدیگر سبقت گرفتند،و-آن زن-پیراهن اورا
ازپشت بدریدودرآستانه درآقای آن زن رایافتند.آن گفت: " کیفرکسی گکه
قصدبدبه خانواده توکرده چیست؟جزاینکه زندانی یا-دچار-عذابی دردناک
شود."
۲۶- (یوسف)گفت: " اوازمن کام خواست." وشاهدی ازخانواده آن زن
شهادت داد: "اگرپیراهن اوازجلوچاک خورده، زن راست گفته واو از
دروغگویان است."
۲۷- واگرپیراهن اوازپشت دریده شده،زن دروغ گفته واواز راستگویان
است."
۲۸- پس چون-شوهرش-دیدپیراهن اوازپشت چاک خورده است گفت: " بی
شک، این ازنیرنگ شما-زنان-است که نیرنگ شما-زنان-عظیم است.
۲۹- " ای یوسف ازاین -پیشامد-روی بگردان،وتو-ای زن-برای گناه
خودآمرزش بخواه که تواز خطاکاران بوده ای."

۳۰- و-دسته ای از-زنان درشهرگفتند: " زن عزیز ازغلام خودکام خواسته وسخت خاطرخواه اوشده است.به راستی ماورا درگمراهی آشکاری می بینیم."

۳۱- پس چون-همسرعزیز-ازمکرشان اطلاع یافت،نزدآنان-کسی-فرستاد،ومحفلی برایشان آماده ساخت،وبه هریک ازآنان-میوه و-کاردی دادو-به یوسف-گفت: " برآنان درآی." پس چون -زنان-اورا دیدند،وی رابس شگرف یافتندو -ازشدت هیجان-دستهای خودرا بریدندوگفتند: " منزّه است خدا ،این بشرنیست،این جزفرشته ای بزرگوارنیست."

۳۲- (زلیخا) گفت: " این همان است که درباره اوسرزنشم می کردید.آری من ازاوکام خواستم و-لی-اوخودرانگاه داشت،واگرآنچه رابه اودستورمیدهم نکندقطعا زندانی خواهدشدوحتما ازخوارشدگان خواهدگردید."

۳۳- (یوسف) گفت: " پروردگارا،زندان برای من دوست داشتنی تراست ازآنچه مرابه آن میخوانند،واگرنیرنگ آنان رااازمن بازنگردانی ،به سوی آنان خواهم گرایید واز-جمله-نادانان خواهم شد.،"

۳۴- پس ،پروردگارش -دعای-اورا اجابت کردونیرنگ آنان رااز اوبگردانید.آری، اوشنوای داناست.

۳۵- آنگاه پس ازدیدن آن نشانه ها،به نظرشان آمدکه اوراتا چندی به زندان افکنند.

۳۶- ودوجوان بااوبه زندان درآمدند-روزی-یکی ازآن دوگفت: " من خویشتن را-به خواب -دیدم که -انگوربرای- شراب میفشارم." ودیگری

گفت: " من خودرا-به خواب-دیدم که برروی سرم نان می برم وپرندگان
ازآن میخورند.به ما ازتعبیرش خبرده،که ماتورا ازنیکوکاران می بینیم."
۳۷- گفت: "قبل ازاینکه غذایی راکه روزی شماست برای شما بیاورند،من
ازتعبیرآن به شما خبرمیدهم،این ازچیزهایی است که پروردگارم به من
آموخته است،من آئین قومی راکه به خدا اعتقادندارندومنکرآخرتند را رها
کرده ام."
۳۸- وآئین پدرانم ابراهیم واسحاق ویعقوب راپیروی
نموده ام.برای ماسزاوارنیست که چیزی راشریک خداکنیم.این ازعنایت
خداوندبه ماوبرمردم است،ولی بیشترمردم سپاسگزاری نمی کنند.
۳۹- ای دورفیق زندانیم ،آیا خدایان پراکنده بهترندیاخدای یگانه مقتدر؟
۴۰- شما به جای او نمی پرستید مگر نامهایی-چند-راکه شما وپدرانتان
آنهارانامگذاری کرده ایدوخدادلیلی بر-حقانیّت-آنها نازل نکرده است.فرمان
جزاز آن خداوندنیست.دستورداده که جزاورانپرستید،این است دین
درست،ولی بیشترمردم نمی دانند.
۴۱- ای دورفیق زندانیم،اما یکی ازشمابه آقای خودباده می نوشاند،واما
دیگری به دارآویخته میشودوپرندگان ازسرش میخورند.امری که شما دوتن
ازمن جویاشدید تحقق یافت.
۴۲- و- یوسف- به آن کس ازآن دوکه گمان میکردخلاص میشودگفت: "
مرانزدآقای خودیادکن." و-لی-شیطان یادآوری به آقایش
راازیاداوبرد،درنتیجه چندسالی درزندان ماند.
۴۳- وپادشاه-مصر-گفت: " من-درخواب-دیدم هفت گاوفربه است که

هفت-گاو-لاغرآنهاراميخورند.وهفت خوشه سبزو-هفت خوشه-خشكيده ديگر.اى سران قوم ،اگرخواب تعبيرميكنيد،درباره خواب من ،به من نظربدهيد."

۴۴- گفتند: " خوابهايى است پريشان،وما به تعبيرخوابهاى آشفته دانانيستيم."

۴۵- وآن كس ازآن دو-زندانى-كه نجات يافته وپس ازچندى -يوسف را-به خاطرآورده بود،گفت: " مرابه -زندان-بفرستيدتاشمارا ازتعبيرآن خبردهم."

۴۶- " اى يوسف ،اى مردراستگو،درباره-اين خواب كه-هفت گاوفربه،هفت -گاو-لاغر آنهاراميخورند،وهفت خوشه سبزو-هفت خوشه-خشكيده ديگر،به مانظربده،تابه سوى مردم برگردم ،شايدآنان-تعبيرش را-بدانند."

۴۷- گفت: " هفت سال پى درپى ميكاريد،وآنچه رادرويديد-جزاندكى را كه ميخوريد-درخوشه اش واگذاريد.

۴۸- آنگاه پس ازآن ،هفت سال سخت مى آيدكه آنچه رابراى آن -سالها-ازپيش نهاده ايد-جزاندكى راكه ذخيره مى كنيد-همه راخواهندخورد.

۴۹- آنگاه پس ازآن، سالى فراميرسدكه به مردم درآن-سال-باران ميرسدودرآن آب ميوه مى گيرند.

۵۰- وپادشاه گفت: " اورانزدمن آوريد." پس هنگامى كه آن فرستاده نزدوى آمد،-يوسف-گفت: " نزدآقاى خويش برگردوازاوبپرس كه حال آن زنانى كه دستهاى خودرابريدند،چگونه است؟زيراپروردگارمن به نيرنگ آنان آگاه است."

۵۱- (پادشاه) گفت: " وقتى ازيوسف كام خواستيدچه منظورداشتيد؟" زنان

گفتند: منزّه است خداوند،ماگناهی براو
نمی دانیم." همسرعزیزگفت:" اکنون حقیقت آشکارشد.من ازاوکام خواستم
،وبی شک اوازراستگویان است."
۵۲- (یوسف گفت) : " این-درخواست اعاده حیثیت- برای آن بودکه
-عزیز-بداندمن درنهان به اوخیانت نکردم وخداوند نیرنگ خائنان را به
جائی نمی رساند.
۵۳- ومن نفس خودراتبرئه نمی کنم،چراکه نفس قطعا به بدی امرمی
کند،مگرکسی راکه خدا رحم کند،زیراپروردگارمن آمرزنده مهربان است.
۵۴- وپادشاه گفت: " اورانزدمن آوریدتاوی راخاصّ خودگردانم." پس چون
بااوسخن راند،گفت: " توامروزنزدمابا منزلت وامین هستی."
۵۵- (یوسف)گفت:" مرابرخزانه های این سرزمین بگمار،که من نگهبانی
داناهستم."
۵۶- وبدین گونه یوسف را درسرزمین-مصر-قدرت دادیم،که درآن ،هرجاکه
میخواست سکونت میکرد.هرکه رابخواهیم به رحمت خودمیرسانیم
واجرنیکوکاران را تباه نمی سازیم.
۵۷- والبته اجرآخرت برای کسانی که ایمان آورده وپرهیزکاری می
نمودند،بهتراست.
۵۸- وبرادران یوسف آمدندوبراو واردشدند.-او-آنان راشناخت ولی آنان اورا
نشناختند.
۵۹- وچون آنان رابه خواروبارشان مجهزکرد،گفت:" برادرپدری خودرا
نزدمن آورید.مگرنمی بینیدکه من پیمانه راتمام می دهم ومن بهترین

میزبانانم؟

۶۰- پس اگراورانزدمن نیاورید،برای شما نزدمن پیمانه ای نیست ،وبه من نزدیک نشوید.

۶۱- گفتند: " اورابا نیرنگ ازپدرش خواهیم خواست،ومحققا این کاررا خواهیم کرد."

۶۲- و-یوسف-به غلامان خودگفت:" سرمایه های آنان رادربارهایشان بگذارید،شایدوقتی به سوی خانواده خودبرمی گردندآن رابازیابند،امیدکه آنان بازگردند."

۶۳- پس چون به سوی پدرخودبازگشتند،گفتند: " ای پدر،پیمانه ازما منع شد،برادرمان رابامابفرست تاپیمانه بگیریم،وما نگهبان اوخواهیم بود."

۶۴- (یعقوب)گفت: " آیاهمان گونه که شماراپیش ازاین بر برادرش امین گردانیدم ،براوامین سازم؟پس خدا بهترین نگهبان است،واوست مهربان ترین مهربانان."

۶۵- وهنگامی که بارهای خودراگشودند،دریافتندکه سرمایه شان بدانهابازگردانیده شده است.گفتند: " ای پدر،-دیگر-چه میخواهیم؟این سرمایه ماست که به ما بازگردانیده شده است.قوت خانواده خودرافراهم وبرادرمان رانگهبانی می کنیم،و-بابردن او-یک بارشترمی افزاییم،واین -پیمانه اضافی نزدعزیز-پیمانه ای ناچیزاست."

۶۶- گفت: " هرگزاوراباشما نخواهم فرستادتابامن بانام خدا پیمان استواری ببندیدکه حتما اورانزدمن بازآورید،مگرآنکه گرفتار-حادثه ای-شوید." پس چون پیمان خودرابااواستوارکردند-یعقوب-گفت: " خدابرآنچه میگوییم وکیل

است."

۶۷- وگفت: " ای پسران من،-همه-ازیک دروازه-به شهر-واردنشوید،بلکه ازدروازه های مختلف واردشوید،ومن-بااین سفارش-چیزی از-قضای-خداراازشما دورنمی توانم داشت.فرمان جز ازآن خدانیست.براوتوکل کردم ،وتوکل کنندگان بایدبراوتوکل کنند."

۶۸- وچون همانگونه که پدرانشان به آنان فرمان داده بودواردشدند.-این کار-چیزی رادربرابرخداازآنان برطرف نمیکردجزاینکه یعقوب نیازی راکه دردلش بود،برآوردوبی گمان ،اواز-برکت-آنچه بدو آموخته بودیم دارای دانشی -فراوان-بود،ولی بیشترمردم نمی دانند.

۶۹- وهنگامی که بریوسف واردشدند،برادرش-بنیامین-رانزدخود جای داد-و-گفت: " من برادرتو هستم." بنابراین ازآنچه می کردند،غمگین مباش."

۷۰- پس هنگامی که آنان رابه خواروبارشان مجهزکرد،آبخوری رادر بار برادرش نهاد.سپس-به دستوراو-نداکننده ای بانگ درداد: " ای کاروانیان،قطعا شما دزدهستید."

۷۱- (برادران) درحالی که به آنان روی کردند،گفتند: " چه گم کرده اید؟"

۷۲- گفتند: " جام شاه راگم کرده ایم،وبرای هرکس که آن رابیاوردیک بارشترخواهدبود." و-متصدی گفت: -" من ضامن آنم."

۷۳- گفتند: " به خداسوگندشما خوب می دانیدکه ما نیامده ایم دراین سرزمین فسادکنیم وما دزد نبوده ایم."

۷۴- گفتند: " پس اگردروغ بگویید،کیفرش چیست؟"

۷۵- گفتند: " کیفرش-همان-کسی است که -جام-درباراوپیداشود.
پس کیفرش خوداوست.ماستمکاران را اینگونه کیفرمی دهیم."
۷۶- پس-یوسف-به -بازرسی-بارهای آنان ،پیش ازبرادرش پرداخت.آنگاه
آن را ازباربرادرش-بنیامین-درآورد.اینگونه به یوسف شیوه
آموختیم.-چراکه-اودرآیین پادشاهی نمی توانست برادرش رابازداشت
کند،مگراینکه خدابخواهد-وچنین راهی بدوبنماید-درجات کسانی راکه
بخواهیم بالا می بریم وفوق هرصاحب دانشی دانشوری هست.
۷۷- گفتند: " اگراودزدی کرده،پیش ازاین-نیز-برادرش دزدی کرده است."
یوسف این-سخن-رادردل خودپنهان داشت وآن رابرایشان
آشکارنکرد-ولی-گفت: " موقعیت شمابدتراست،وخدابه آنچه وصف می کنید
داناتراست."
۷۸- گفتند: " ای عزیز،اوپدری پیرسالخورده دارد،بنابراین یکی ازمارا به
جای اوبگیر،که ماتورا ازنیکوکاران میبینیم."
۷۹- گفت: " پناه به خدا،که جزآنکس راکه کالای خودرانزدوی یافته ایم
بازداشت کنیم،زیرادرآن صورت قطعا ستمکارخواهیم بود."
۸۰- پس چون ازاونومیدشدند،رازگویان کنارکشیدند.بزرگشان گفت: " مگ
نمی دانیدکه پدرتان بانام خداپیمانی استوارازشما گرفته است وقبلا-هم-درباره
یوسف تقصیرکردید؟هرگزازاین سرزمین نمی روم تاپدرم به من اجازه
دهدیاخدادرحقّ من داوری کند،واوبهترین داوران است.
۸۱- پیش پدرتان بازگردیدوبگویید: ای پدر،پسرت دزدی کرده وماجزآنچه
می دانیم گواهی نمی دهیم وما نگهبان غیب نبودیم.

۸۲- واز-مردم-شهری که درآن بودیم وکاروانی که درمیان آن آمدیم جویاشو،وماقطعا راست میگوییم.

۸۳- (یعقوب) گفت: " -چنین نیست-بلکه نفس شما امری-نادرست-رابرای شما آراسته است.پس-صبرمن-صبری نیکوست.امیدکه خداهمه آنان رابه سوی من-باز-آورد که اودانای حکیم است."

۸۴- وازآنان روی گردانیدوگفت: " ای دریغ بریوسف،ودرحالی که اندوه خودرافرومیخورد،چشمانش از اندوه سپیدشد."

۸۵- (پسران) اوگفتند: " به خداسوگندکه پیوسته یوسف رایادمی کنی تا بیمارشوی یا هلاک گردی."

۸۶- گفت: " من شکایت غم واندوه خودراپیش خدا میبرم.واز -عنایت-خداوندچیزی می دانم که شما نمی دانید.

۸۷- ای پسران من،برویدوازیوسف وبرادرش جستجوکنیدوازرحمت خداوندناامید نباشد،زیراجزگروه کافران کسی ازرحمت خداوند ناامیدنمی شود."

۸۸- پس چون-برادران-براو واردشدند،گفتند: " ای عزیز،به ما وخانواده ماآسیب رسیده است وسرمایه ای ناچیزآورده ایم.بنابراین پیمانه ماراتمام بده وبرما تصدّق کن که خداوند صدقه دهندگان راپاداش می دهد."

۸۹- گفت: " آیا دانستید،وقتی که نادان بودید،بایوسف وبرادرش چه کردید؟"

۹۰- گفتند: " آیا توخود،یوسفی؟" گفت: " -آری-من یوسفم واین برادرمن است،به راستی خداوندبرما منت نهاده است ،بی گمان ،هرکه تقواوصبرپیشه کند،خداوندپاداش نیکوکاران راتباه نمی کند."

۹۱- گفتند: " به خداسوگند،که واقعا خداوندتورابرما برتری داده است وماخطاکاربودیم."

۹۲- (یوسف)گفت: " امروزبرشماسرزنشی نیست.خداوندشمارامی آمرزدواومهربان ترین مهربانان است."

۹۳- " این پیراهن مرابببریدوآن رابرچهره پدرم بیفکنید-تا-بیناشود،وهمه کسان خودرانزدمن آورید."

۹۴- وچون کاروان رهسپارشد،پدرشان گفت: " اگرمرابه کم خردی نسبت ندهید،بوی یوسف رامیشنوم."

۹۵- گفتند: " به خداسوگندکه توسخت درگمراهی دیرین خودهستی."

۹۶- پس چون بشارت دهنده آمد،آن-پیراهن-رابرچهره اوانداخت،پس بیناگردید،گفت: " آیا به شما نگفتم که بی شک من ازخداوند چیزهایی می دانم که شما نمی دانید؟"

۹۷- گفتند: " ای پدر،برای گناهان ماآمرزش بخواه که ما خطاکاربودیم."

۹۸- گفت: " به زودی ازپروردگارم برای شماآمرزش می خواهم،
که اوبی تردید آمرزنده مهربان است."

۹۹- پس چون بریوسف واردشدند،پدرومادرخودرا درکنارخویش گرفت وگفت: " ان شاء الله ،با-امن و-امان داخل مصرشوید."

۱۰۰- وپدرومادرش را به تخت برنشانیدو-همه آنان-پیش اوبه سجده درافتادند،و-یوسف-گفت: " ای پدر،این است تعبیرخواب پیشین من ،به یقین،پروردگارم آن را راست گردانیدوبه من احسان کردآنگاه که مرااززندان

خارج ساخت وشمارا ازبیابان باز
آورد-پس ازآنکه شیطان میان من وبرادرانم رابه هم زد-بی گمان
پروردگارمن نسبت به آنچه بخواهدصاحب لطف است، زیرا که اودانای
حکیم است."

۱۰۱- " پروردگارا ،توبه من دولت دادی وازتعبیرخوابهابه من آموختی،ای
پدیدآورنده آسمانها وزمین،تنهاتودردنیاوآخرت مولای منی،مرامسلمان
بمیران ومرابه شایستگان ملحق فرما."

۱۰۲- این-ماجرا-ازخبرهای غیب است که به تووحی میکنیم،وتو
هنگامی که آنان همداستان شدندونیرنگ میکردند نزدشان نبودی.

۱۰۳- وبیشترمردم-هرچندآرزومندباشی-ایمان آورنده نیستند.

۱۰۴- وتوبراین-کار-پاداشی ازآنان نمی خواهی ،آن -قرآن--جزپندی برای
جهانیان نیست.

۱۰۵- وچه بسیارنشانه ها درآسمانهاوزمین است که برآنهامی گذرنددرحالی
که ازآنها روی برمی گردانند.

۱۰۶- وبیشترشان به خداایمان نمی آورندجزاینکه -بااوچیزی را-
شریک می گیرند.

۱۰۷- آیا ایمن هستند ازاینکه عذاب فراگیرخداوند به آنان در رسد،یا
قیامت-درحالی که بی خبرند-بناگاه آنان رافرارسد؟

۱۰۸- بگو: " این است راه من،که من وهرکس-پیروی ام-کرد
بابینایی به سوی خدا دعوت میکنیم،ومنزه است خداوند،ومن ازمشرکان
نیستم."

۱۰۹- وپیش ازتو-نیز-جزمردانی ازاهل شهرهارا-که به آنان وحی میکردیم-نفرستادیم.آیا درزمین نگردیده اندتا فرجام کسانی راکه پیش ازآنان بوده اندبنگرند؟وقطعا سرای آخرت برای کسانی که پرهیزکاری کرده اندبهتراست،آیا نمی اندیشید؟

۱۱۰- تاهنگامی که فرستادگان-ما-ناامیدشدندو-مردم-پنداشتندکه به آنان واقعا دروغ گفته شده ،یاری مابه آنان رسید.پس کسانی راکه می خواستیم،نجات یافتند،و-لی-عذاب ماازگروه مجرمان بازگشت ندارد.

۱۱۱- به راستی درسرگذشت آنان،برای خردمندان عبرتی است.

سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد.بلکه تصدیق آنچه -ازکتابهایی-است که پیش ازآن بوده وروشنگرهرچیزاست وبرای مردمی که ایمان می آورندرهنمود ورحمتی است.

رعد

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

الف ،لام، میم، راء ،این است آیات کتاب ،وآنچه ازجانب پروردگارت به سوی تونازل شده،ولی بیشترمردم نمی گروند.

۲- خداوندکسی است که آسمانهارابدون ستونهایی که آنهارابببینیدبرافراشت،آنگاه برعرش استیلایافت وخورشیدوماه را رام گردانید،هرکدام برای مدتی معیّن به سیرخودادامه می دهند.-خداوند-درکار-آفرینش-تدبیرمی کند،وآیات-خود-رابه روشنی بیان می

نماید،امیدکه شمابه لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید.
۳- واوست کسی که زمین راگسترانیدودرآن کوهها ورودهانهاد،وازهرگونه میوه ای درآن ،جفت جفت قرار داد.روزرا به شب میپوشاند.قطعا دراین برای مردمی که تفگرمیکنندنشانه هایی وجود دارد.
۴- ودرزمین قطعاتی است کنارهم،وباغهائی ازانگوروکشتزارهاو درختان خرما،چه ازیک ریشه وچه ازغیریک ریشه که بایک آب سیراب میگردند،و-بااین همه-برخی ازآنهارادرمیوه بربرخی دیگربرتری میبخشیم،بی گمان دراین برای مردمی که تعقّل میکننددلایل هست.
۵- واگرعجب داری ،عجب ازسخن آنان-کافران-است که: " آیاوقتی خاک شدیم ،به راستی درآفرینش جدیدی خواهیم بود؟" اینان همان کسانندکه به پروردگارشان کفرورزیده اندودرگردنها-
یشان زنجیرهاست،وآنان همدم آتشندودرآن ماندگارخواهندبود.
۶- وپیش ازرحمت،شتابزده ازتوعذاب می طلبندوحال آنکه پیش ازآنان-برکافران-عقوبتهارفته است،وبه راستی پروردگارتونسبت به مردم-باوجودستمشان-بخشایشگراست،وبه یقین پروردگارتوسخت کیفراست.
۷- وآنان که کافرشده اندمیگویند: " چرانشانه ای آشکارازطرف پروردگارش براونازل نشده است؟-ای پیامبر-توفقط
هشداردهنده ای ،وبرای هرقومی رهبری هست.
۸- خدامیداندآنچه راکه هرماده ای بارمی گیرد،وآنچه راکه رحمها می کاهندوآنچه را می افزایند،وهرچیزی نزداواندازه ای دارد.
۹- دانای نهان وآشکار،بزرگ بلندمرتبه است.

۱۰- (برای او) یکسان است،کسی ازشما سخن رانهان کندوکسی که آن
رافاش گرداند،وکسی که خویشتن رابه شب پنهان داردودر روز
آشکاراحرکت کند.
۱۱- برای اوفرشتگانی است که پی درپی اورابه فرمان خدااز پیش رو واز
پشت سرش حفاظت میکنند،بدون تردیدخداوندحال قومی راتغییرنمی
دهدتاآنان حال خودراتغییردهند.وچون خدابرای قومی آسیبی بخواهد،هیچ
برگشتی برای آن نیست،وغیرازاوحمایتگری برای آنان نخواهدبود.
۱۲- اوست کسی که برق رابرای بیم وامیدبه شما مینمایاند،وابرهای گرانبار
را پدیدارمی کند.
۱۳- رعد،به حمداو،وفرشتگان ازبیمش تسبیح میگویند،وصاعقه ها
رافرومی فرستد،وبا آنهاهرکه را بخواهد،مورداصابت قرارمی دهد،درحالی
که آنان درباره خدامجادله می کنندواو سخت کیفراست.
۱۴- دعوت حق ازآن اوست.وکسانی که-مشرکان-جزاومیخوانند،هیچ جوابی
به آنان نمی دهند،مگرمانندکسی که دودستش رابه سوی آب بگشایدتا-آب-به
دهانش برسد.درحالی که به اونخواهدرسید،ودعای کافران جزبرهدرنباشد.
۱۵- وهرکه درآسمانها وزمین است-خواه وناخواه-به همراه سایه هایشان
،بامدادان وشامگاهان ،برای خداوندسجده می کنند.((سجده واجب))
۱۶- بگو: " پروردگارآسمانهاوزمین کیست؟" بگو: " خدا" بگو: " پس
آیاجزاوسرپرستانی گرفته ایدکه اختیارسودوزیان خودراندارند؟" بگو:" آیا
نابینا وبینا یکسان هستند؟یاتاریکیها وروشنایی برابرند؟یابرای خداشریکانی
پنداشته اندکه مانندآفرینش اوآفریده اندودرنتیجه -این دو-آفرینش برآنان مشتبه

شده است؟"بگو: " خداوندآفریننده هرچیزی است ،واوست یگانه قهّار."
۱۷- (هم او)که ازآسمان ،آبی فروفرستاد،پس رودخانه هایی به اندازه
گنجایش خودشان روان شدند،وسیل کفی بلندروی خودبرداشت،وازآنچه برای
به دست آوردن زینتی یاکالایی درآتش می گدازندهم مانندآن کفی برمی
آید.خداوند،حق وباطل راچنین مثل می زند.اما کف ،بیرون افتاده ازمیان
میرود،ولی آنچه به مردم سودمی رسانددرزمین -باقی-می ماند.خداوند مثلها
راچنین می زند.
۱۸- برای کسانی که پروردگارشان را اجابت کرده اندپاداش
بسیارنیکوست.وکسانی که وی رااجابت نکرده اند،اگرسراسرآنچه درزمین
است ومانندآن راباآن داشته باشند،قطعا آن رابرای بازخریدخودخواهند
داد.آنان به سختی بازخواست شوندوجایشان در دوزخ است وچه بدجایگاهی
است.
۱۹- پس،آیا کسی که میداندآنچه ازجانب پروردگارت به تونازل شده ،حقیقت
دارد،مانندکسی است که کوردل است؟تنهاخردمندان هستندکه عبرت میگیرند.
۲۰- همانان که به پیمان خداوندوفادارندوعهد-او-را نمی شکنند.
۲۱- وآنان که آنچه راخداوندبه پیوستنش فرمان داده می
پیوندندوازپروردگارشان میترسندوازسختی حساب بیم دارند.

۲۲- وکسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبائی
کردندونمازبرپاداشتندوازآنچه روزیشان دادیم ،نهان وآشکارا انفاق

کردند،وبدی رابانیکی می زدایند، ازآن ایشان است فرجام خوش
سرای باقی.
۲۳- (همان)بهشتهای عدن که آنان باپدرانشان وهمسرانشان وفرزندانشان که درستکارنددرآن داخل میشوند،وفرشتگان ازهردری برآنان درمی آیند.
۲۴- (وبه آنان می گویند): " درودبرشما به -پاداش-آنچه صبرکردید،راستی چه نیکوست فرجام آن سرای."
۲۵- وکسانی که پیمان خداراپس ازبستن آن می شکنندوآنچه راخدا به پیوستن آن فرمان داده می گسلندودرزمین فسادمی کنند،برایشان لعنت است وبدفرجامی درآن سرای ازآن ایشان است.
۲۶- خداوندروزی رابرای هرکه بخواهدگشاده یا تنگ می گرداند،و-لی آنان-به زندگی دنیا شادشده اند،وزندگی دنیا در-برابر-آخرت جزبهره ای -ناچیز-نیست.
۲۷- وکسانی که کافرشده اندمیگویند: " چراازجانب پروردگارش معجزه ای براونازل نشده است؟" بگو:"درحقیقت خداست که هرکس رابخواهدگمراه میگذاردوهرکس راکه بازگردد،به سوی خودراه می نماید."

۲۸- همان کسانی که ایمان آورده اندودلهایشان به یادخداآرام میگیرد.آگاه باش که بایادخداست که دلها آرامش می یابد.
۲۹- کسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند،خوشا به حالشان وخوش سرانجامی دارند.
۳۰- بدین گونه تورا درمیان امتی که پیش ازآن،امتهایی روزگاربه

سربردند،فرستادیم تاآنچه رابه تووحی کردیم برآنان بخوانی،درحالی که آنان به -خدای-رحمان کفرمی ورزند.بگو:

" اوست پروردگارمن،معبودی بجزاونیست،براوتوکل کرده ام وبازگشت من به سوی اوست."

۳۱- واگرقرآنی بودکه کوههابدان روان میشد،یازمین بدان قطعه قطعه میگردید،یامردگان بدان به سخن درمی آمدند-بازهم درآنان اثرنمی کرد- نه چنین است،بلکه همه اموربستگی به خدادارد،آیاکسانی که ایمان آورده اند،ندانسته اندکه اگرخداوندمیخواست قطعا تمام مردم را به راه می آورد؟وکسانی که کافرشده اندپیوسته به -سزای- آنچه کرده اندمصیبت کوبنده ای به آنان می رسدیانزدیک خانه هایشان فرودمیآید،تاوعده خداوندفرارسد،آری خداوند در وعده خلاف نمی کند.

۳۲- وبی گمان ،فرستادگان پیش ازتو-نیز-مسخره شدند،پس به کسانی که کافرشده بودندمهلت دادم،آنگاه آنان را-به کیفر-گرفتم.پس چگونه بودکیفرمن؟

۳۳- آیاکسی که برهرشخصی بدانچه کرده است مراقب است-ماننذکسی است که ازهمه جابی خبراست؟- وبرای خداشریکانی قراردادند.بگو: " نامشان راببرید" آیااورا به آنچه درزمین است واو نمی داندخبرمی دهید؟یاسخنی سطحی میگویید؟-چنین نیست-بلکه برای کسانی که کافرشده اندنیرنگشان آراسته شده وازراه-حق-بازداشته شده اندوهرکه راخدا گمراه گذارد رهبری نخواهدداشت.

۳۴- برای آنان درزندگی دنیا عذابی است،وقطعا عذاب آخرت دشوارتراست،وبرای ایشان دربرابرخداوند هیچ نگهدارنده ای نیست.

۳۵- وصف بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده-این است که -اززیر آن نهرهاروان است.میوه وسایه اش پایداراست،این است فرجام کسانی که پرهیزکاری کرده اندوفرجام کافران آتش است.

۳۶- وکسانی که به آنان کتاب داده ایم،ازآنچه به سوی تونازل شده شادمیشوند،وبرخی ازدسته هاکسانی هستندکه بخشی ازآن راانکارمی کنند.بگو:" جزاین نیست که من مامورم خداوندرابپرستم وبه اوشرک نورزم.به سوی اومیخوانم وبازگشتم به سوی اوست."

۳۷- وبدین سان آن-قرآن-رافرمانی روشن نازل کردیم واگرپس ازدانشی که به تورسیده-باز-ازهوسهای آنان پیروی کنی،دربرابرخداوندهیچ دوست وحمایتگری نخواهی داشت.

۳۸- وقطعاپیش ازتو-نیز-رسولانی فرستادیم وبرای آنان زنان وفرزندانی قراردادیم ،وهیچ پیامبری رانرسدکه جزبه اذن خداوندمعجزه ای بیاورد،برای هرزمانی کتابی است.

۳۹- خداوندآنچه رابخواهدمحویا اثبات میکندواصل کتاب نزداوست.

۴۰- واگرپاره ای ازآنچه راکه به آنان وعده میدهیم به توبنمایانیم ،یاتورابمیرانیم ،جزاین نیست که برتورساندن-پیام-است وبرما حساب.

۴۱- آیا ندیده اندکه ما-همواره-می آییم وازاطراف این زمین می کاهیم؟وخداونداست که حکم میکند.برای حکم اوبازدارنده ای نیست،واوبه سرعت حسابرسی می کند.

۴۲- وبه یقین ،کسانی که پیش ازآنان بودندنیرنگ کردند،ولی همه تدبیرهانزدخداونداست،آنچه راکه هرکسی به دست می آوردمیداند.وبه زودی

کافران خواهند دانست که فرجام آن سرای ازآن کیست.

۴۳- وکسانی که کافرشدندمیگویند: " توفرستاده نیستی" بگو: " کافیست که خداوندشاهداست وآنکس که نزداوعلم کتاب است میان من وشما گواه باشد."

ابراهیم

۱- بنام خداوند بخشاینده مهربان

الف ،لام ،راء، کتابی است که آن رابه سوی توفرودآوردیم تامردم رابه اذن پروردگارشان ازتاریکیها به سوی روشنائی بیرون آوری،به سوی راه آن شکست ناپذیرستوده.

۲- خدائی که آنچه درآسمانها وآنچه درزمین است ازآن اوست و وای برکافران ازعذابی سخت.

۳- همانان که زندگی دنیارابرآخرت ترجیح میدهندومانع راه خداوندمیشوندوآن را کج نشان میدهند،آنانندکه درگمراهی دور ودرازی هستند.

۴- وماهیچ پیامبری راجزبه زبان قومش نفرستادیم ،تا-حقایق-رابرای آنان بیان کند.پس خداوندهرکه رابخواهدگمراه میگذاردو هرکه رابخواهدهدایت میکند،واوست ارجمندحکیم.

۵- ودرحقیقت موسی رابا آیات خودفرستادیم-وبه اوفرمودیم-که قوم خودرا ازتاریکیها به سوی روشنائی بیرون آور،وروزهای خدارا به آنان یادآوری کن،که قطعادراین-یادآوری-برای هرشکیبای سپاسگزاری عبرتها هست.

۶- و-به خاطربیاور-هنگامی راکه موسی به قوم خودگفت: " نعمت خداوندرابرخودبه یادآورید،آنگاه که شماراازفرعونیان نجات داد،-همانان-که برشما عذاب سخت روامیداشتند،وپسرانتان راسرمی بریدندوزنانتان رازنده میگذاشتند،ودراین-امر-برای شما ازجانب پروردگارتان آزمایشی بزرگ بود.

۷- وآنگاه که پروردگارتان اعلام کردکه اگرواقعاسپاسگزاری کنید،-نعمت-شمارا افزون خواهم کرد،واگرناسپاسی نمایید،قطعا عذاب من سخت خواهدبود."

۸- وموسی گفت: " اگرشما وهرکه در روی زمین است همگی کافرشوید،بی گمان،خداوند بی نیازستوده است."

۹- آیاخبرکسانی که پیش ازشما بودند،قوم نوح وعادوثمود،وآنانکه بعدازایشان بودند-و-کسی جزخداونداز آنان آگاهی ندارد،به شما نرسیده است؟فرستادگانشان دلایل آشکاربرایشان آوردند،ولی آنان دستهایشان را-به نشانه اعتراض-بردهانهایشان نهادندوگفتند: " مابه آنچه شمابدان ماموریت داریدکافریم،وازآنچه مارابدان میخوانید سخت در تردید هستیم."

۱۰- پیامبرانشان گفتند:" مگردرباره خداوند-پدیدآورنده آسمانهاوزمین-تردیدی هست؟اوشمارادعوت میکندتاپاره ای ازگناهانتان رابرشماببخشایدوتازمان معینی شمارامهلت دهد." گفتند:" شماجزبشری

ماانندمانيستيد،ميخواهيدمارااز آنچه پدرانمان ميپرستيدندبازداريد،پس براى ما حجتى آشكاربياوريد."

۱۱- پيامبرانشان به آنان گفتند:" ماجزبشرى مثل شما نيستيم،ولى خداوندبرهريک ازبندگانش که بخواهدمنّت مى نهد،وما رانرسدکه جزبه اذن خداوندبراى شما حجّتى بياوريم،ومومنان بايدتنهابرخداتوكّل كنند."

۱۲- وچرابرخداوندتوكل نكنيم وحال آنكه مارابه راههايمان رهبرى كرده است؟والبته مابرآزارى كه به مارسانديدشكيبايى خواهيم كرد،وتوكل كنندگان بايدتنهابرخداتوكل كنند.

۱۳- وكسانى كه كافرشدند،به پيامبرانشان گفتند:" شمارا ازسرزمين خودمان بيرون خواهيم كردمگراينكه به كيش مابازگرديد." پس پروردگارشان به آنان وحى كردكه حتما ستمگران راهلاک خواهيم كرو.

۱۴- وقطعاشما راپس ازايشان درآن سرزمين سكونت خواهيم داد.اين براى كسى است كه ازايستادن-درمحشربه هنگام حساب-درپيشگاه من بترسدوازتهديدم بيم داشته باشد.

۱۵- و-پيامبران ازخدا-گشايش خواستند،و-سرانجام-هرزورگوى لجوجى نااميدشد.

۱۶- (آنكس كه)دوزخ پيش روى اوست وبه اوآبى چركين نوشانده ميشود.

۱۷- آن راجرعه جرعه مينوشدونميتواندآن را فروبرد،ومرگ ازهرجانبى به سويش مى آيدولى نمى ميردوعذابى سنگين به دنبال دارد.

۱۸- مَثَلِ كسانى كه به پروردگارخودكافرشدند،كردارهايشان به خاكسترى مى ماندكه بادى تند در روزى طوفانى برآن بوزد،ازآنچه به دست آورده

اندهیچ-بهره ای-نمی توانندببرند،این است همان گمراهی دور ودراز.
۱۹- آیادرنیافته ای که خداوندآسمانهاوزمین رابه حق
آفریده؟اگربخواهدشمارامیبردوخلق تازه ای می آورد.
۲۰- واین -کار-برخداوند دشوارنیست.
۲۱- وهمگی دربرابرخداظاهرمیشوند.پس ناتوانان به گردنکشان میگویند: "
ماپیروان شما بودیم،آیاچیزی ازعذاب خدارا ازما دورمی کنید؟" میگویند: "
اگرخدامارا هدایت کرده بود،قطعاشمارا هدایت می کردیم،چه بیتابی کنیم
،چه صبرنماییم برای ما یکسان است،مارا راه گریزی نیست."
۲۲- وچون کارازکارگذشت-و داوری صورت گرفت-شیطان میگوید: "
درحقیقت خدابه شما وعده داد وعده راست،ومن به شما وعده دادم وباشما
خلاف کردم،ومرا برشما هیچ تسلطی نبود،جزاینکه شمارادعوت کردم
واجابتم نمودید،پس مراملامت نکنیدوخودراملامت کنید.من فریادرس شما
نیستم وشما هم فریادرس من نیستید،من به آنچه پیش ازاین
مرا-درکارخدا-شریک می دانستیدکافرم" .آری ستمکاران عذابی پردرد
خواهند داشت.
۲۳- وکسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اندبه بهشت هایی
درآورده میشوندکه اززیرآن جویبارها روان است که به اذن پروردگارشان
درآنجا جاودانه به سرمیبرند،ودرودشان درانجا سلام است.
۲۴- آیاندیدی خداوندچگونه مثال زده : سخنی پاک که مانanددرختی پاک است
که ریشه اش استوار وشاخه اش درآسمان است؟
۲۵- میوه اش راهردم به اذن پروردگارش میدهد.وخداوندمثلها رابرای مردم

میزند،شاید که آنان پندگیرند.

۲۶- ومثال سخنی ناپاک چون درختی ناپاک است که ازروی زمین کنده شده وقراری ندارد.

۲۷- خداکسانی راکه ایمان آورده اند،درزندگی دنیاودرآخرت باسخن استوارثابت می گرداند،وستمگران را گمراه میگذارد، وخداوندهرچه بخواهدانجام میدهد.

۲۸- آیابه کسانی که-شکر-نعمت خداوندرا به کفرتبدیل کردندوقوم خود رابه سرای هلاکت درآوردند ننگریستی؟

۲۹- (درآن سرای هلاکت که)جهنم است-و-درآن واردمیشوند،وچه بد قرارگاهی است.

۳۰- وبرای خداوندمانندهایی قراردادندتا-مردم را-ازراه اوگمراه کنند.بگو: " برخوردارشویدکه قطعا بازگشت شمابه سوی آتش است."

۳۱- به آن بندگانم که ایمان آورده اندبگو:

" نمازرابرپادارندوازآنچه به ایشان روزی داده ایم،پنهان وآشکارا انفاق کنند،پیش ازآنکه روزی فرارسدکه درآن نه دادوستدی باشدونه دوستی ای."

۳۲- خداست که آسمانها وزمین را آفریدوازآسمان آبی فرستاد،وبه وسیله آن ازمیوه هابرای شما روزی بیرون آورد،وکشتی رابرای شما رام گردانیدتابه فرمان اودردریا روان شود،ورودهارابرای شما مسخّرکرد.

۳۳- وخورشیدوماه را-که پیوسته روانند-برای شما رام گردانیدوشب وروز را-نیز-مسخّرشما ساخت.

۳۴- وازهرچه ازاوخواستیدبه شماعطاکرد،واگرنعمت خدارااشماره کنید،نمی

توانید آن را به شماره درآورید،قطعا انسان ستم پیشه ناسپاس است.

۳۵- و-یادکن-هنگامی راکه ابراهیم گفت: " پروردگارا،این شهر را ایمن گردان ،ومرا وفرزندانم را ازپرستیدن بتان دور دار.

۳۶- پرودگارا،آنهابسیاری ازمردم را گمراه کردند،پس هرکه ازمن پیروی کند،بی گمان،اوازمت است،وهرکه مرانافرمانی کند،به یقین توآمرزنده مهربانی.

۳۷- پروردگارا،من-یکی از-فرزندانم را در دره ای بی کشت،نزدخانه محترم تو،سکونت دادم،پروردگارا،تانمازرا به پا دارند،پس دلهای برخی ازمردم رابه سوی آنان گرایش ده وآنان را

ازمحصولات-موردنیازشان-روزی ده،باشدکه سپاسگزاری کنند.

۳۸- پروردگارا،بی گمان توآنچه راکه پنهان میداریم وآنچه راکه آشکارمیسازیم میدانی،وچیزی درزمین ودرآسمان برخداوندپوشیده نمی ماند.

۳۹- سپاس خدای راکه باوجودسالخوردگی ،اسماعیل واسحاق رابه من بخشید،به راستی پروردگارمن شنونده دعاست.

۴۰- پرودگارا،مرابرپادارنده نمازقرارده،وازفرزندان من نیز،پروردگارا،ودعای مرابپذیر.

۴۱- پروردگارا،روزی که حساب برپامیشود،برمن وپدرومادرم وبرمومنان ببخشای.

۴۲- وخدارا ازآنچه ستمکاران انجام میدهندغافل مپندار.جزاین نیست

که-کیفر-آنان رابرای روزی به تاخیرمی اندازدکه چشمها درآن خیره میشود.

۴۳- شتابان سربرداشته وچشم برهم نمی زنندو-ازوحشت-
دلهایشان تهی است.

۴۴- ومردم را ازروزی که عذاب برآنان می آیدبترسان.پس آنان که ستم کرده اندمیگویند: " پروردگارا،مارا تاچندی مهلت بخش تادعوت توراپاسخ گوییم وازفرستادگان-تو-پیروی کنیم." - به آنان گفته میشود: " مگرشماپیش ازاین سوگندنمی خوردیدکه شما رافنایی نیست؟"

۴۵- ودرسراهای کسانی که برخودستم رواداشتندسکونت گزیدید،وبرای شماآشکارگردیدکه با آنان چگونه معامله کردیم،ومثلها برای شما زدیم.

۴۶- وبه یقین آنان نیرنگ خودرابه کاربردند،و-جزای-مکرشان باخداست،هرچندازمکرشان کوهها ازجای کنده میشد.

۴۷- پس،مپندارکه خداوعده خودرا به پیامبرانش خلاف کند،که خداوندشکست ناپذیرانتقام گیرنده است.

۴۸- روزی که زمین به غیراین زمین وآسمانها-به غیراین آسمانها-مبدل گردد، و-مردم-دربرابرخدای یگانه قهارظاهرشوند.

۴۹- وگناهکاران را درآن روز میبینی که باهم درزنجیرهابسته شده اند.

۵۰- تن پوشهایشان از"قطران" است وچهره هایشان راآتش می پوشاند.

۵۱- تاخداوندبه هرکس هرچه به دست آورده است جزادهد،که خداوند زودحساب رسنده است.

۵۲- این(قرآن) ابلاغی برای مردم است-تابه وسیله آن هدایت شوند-وبدان بیم یابندوبدانندکه اومعبودی یگانه است،وتاصاحبان خرد پندگیرند.

حجر

۱- بنام خداوند بخشنده مهربان

الف ، لام ، راء ، این است آیات کتاب-آسمانی- وقرآن روشنگر.

۲- چه بسا کسانی که کافرشدندآرزوکنندکه کاش مسلمان بودند.

۳- بگذارشان تا بخورندوبرخوردارشوندوآرزو-ها-سرگرمشان کند،پس به زودی خواهنددانست.

۴- وهیچ شهری راهلاک نکردیم مگراینکه برای آن اجلی معیّن بود.

۵- هیچ امّتی ازاجل خویش نه پیش می افتدونه پس می ماند.

۶- وگفتند:" ای کسی که قرآن براونازل شده است،به یقین تودیوانه ای."

۷- اگرراست میگوئی چرافرشته هارا پیش ما نمی آوری؟"

۸- فرشتگان راجزبه حق فرونمی فرستیم،ودرآن هنگام، دیگرمهلت نیابند.

۹- بی تردید،مااین قرآن رابه تو نازل کرده ایم ،وقطعا نگهبان آن خواهیم بود.

۱۰- وبه یقین پیش ازتو-نیز-درگروههای پیشینیان-پیامبرانی-فرستادیم.

۱۱- وهیچ پیامبری برایشان نیامدجزآنکه اورابه مسخره می گرفتند.

۱۲- بدینگونه آن-استهزاء-را دردل بزهکاران راه می دهیم.

۱۳- (که) به اوایمان نمی آورند،وراه -ورسم-پیشینیان پیوسته چنین بوده است.

۱۴- واگردری ازآسمان برآنان میگشودیم که همواره ازآن بالا میرفتند،

۱۵- قطعا می گفتند: " درحقیقت ،ما سحرشده ایم ،بلکه مامردمی هستیم که افسون شده ایم."

۱۶- وبه یقین ،مادرآسمان برجهایی قراردادیم وآن رابرای تماشاگران آراستیم.

۱۷- وآن راازهرشیطان رانده شده ای حفظ کردیم.

۱۸- مگرآنکس که دزدیده گوش فرادهد که شهابی روشن اورا دنبال می کند.

۱۹- وزمین راگسترانیدیم ودرآن کوههای استوار افکندیم وازهرچیزسنجیده ای درآن رویانیدیم.

۲۰- وبرای شماوهرکس که شما روزی دهنده اونیستید،درآن وسایل زندگی قراردادیم.

۲۱- وهیچ چیزنیست مگرآنکه گنجینه های آن نزدماست،وما آن راجزبه اندازه ای معیّن فرونمی فرستیم.

۲۲- وبادهارابارداركننده فرستادیم وازآسمان،آبی نازل کردیم،پس شمارابدان

سیراب نمودیم،وشما خزانه دارآن نیستید.
۲۳- وبی تردید،این ماییم که زنده میکنیم ومی میرانیم،وما وارث-همه-هستیم.
۲۴- وبه یقین،پیشینیان شماراشناخته ایم وآیندگان-شمارانیز-شناخته ایم.
۲۵- ومسلما پروردگارتوست که آنان رامحشورخواهدکرد،چراکه اوحکیم داناست.
۲۶- ودرحقیقت ،انسان را ازگلی خشک،سیاه وبدبو آفریدیم.
۲۷- وپیش ازآن،جن را ازآتشی سوزان وبی دود خلق کردیم.
۲۸- و-یادکن- هنگامی راکه پروردگارتو به فرشتگان گفت: " من بشری را ازگلی خشک ،ازگلی سیاه وبدبو،خواهم آفرید.
۲۹- پس وقتی آن را درست کردم وازروح خود درآن دمیدم ،پیش اوبه سجده درافتید.
۳۰- پس فرشتگان همگی یکسره سجده کردند.
۳۱- جزابلیس که خودداری کرد ازاینکه باسجده کنندگان باشد.
۳۲- فرمود: " ای ابلیس ،توراچه شده است که با سجده کنندگان نیستی؟"
۳۳- گفت: " من آن نیستم که برای بشری که اورا ازگلی خشک ازگلی سیاه وبدبو،آفریده ای سجده کنم."
۳۴- فرمود: " ازاین-مقام- بیرون شو که تورانده شده ای.
۳۵- وبی تردید برتو لعنت باشد تا روز جزا.
۳۶- گفت: " پروردگارا،پس مرامهلت ده تاروزی که برانگیخته

خواهندشد."

۳۷- فرمود: " توازمهلت یافتگانی."

۳۸- تاروز -و- وقت معلوم.

۳۹- گفت: " پروردگارا،به سبب آنکه مراگمراه ساختی،من-هم گناهانشان را-درزمین برایشان می آرایم وهمه راگمراه خواهم ساخت.

۴۰- مگربندگان خالص توازمیان آنان را."

۴۱- فرمود: " این راهی راست است-که-به سوی من-منتهی میشود-.

۴۲- درحقیقت، تورا بربندگان من تسلطی نیست،مگرکسانی ازگمراهان که توراپیروی کنند.

۴۳- وقطعا وعده گاه همه آنان دوزخ است.

۴۴- (دوزخی) که برای آن هفت در است،وازهردری بخشی معیّن ازآنان -واردمیشوند-.

۴۵- بی گمان،پرهیزکاران درباغها وچشمه سارانند.

۴۶- (به آنان گویند:) " باسلامت وایمنی واردآنجا شوید."

۴۷- وما دلهای آنان را ازکدورت کینه وهر خلق ناپسند پاکیزه سازیم تاهمه باهم برادرودوستدارهم شوندوروبروی یکدیگربرتخت عزّت بنشینند.

۴۸- درآنجا هیچ رنج وزحمت به آنهانرسدوهرگز ازآن بهشت ابد بیرونشان نکنند.

۴۹- به بندگان من خبرده که منم آمرزنده مهربان.

۵۰- واینکه عذاب من ،عذابی دردناک است.

۵۱- وازمیهمانان ابراهیم به ایشان خبرده.

۵۲- هنگامی که براو واردشدندوگفتند: سلام.-ابراهیم-گفت: " ما ازشما می ترسیم."

۵۳- گفتند: " نترس، که ماتورا به پسری دانا بشارت می دهیم."

۵۴- گفت: " آیا بااینکه مراپیری فرارسیده است بشارتم میدهید؟ به چه بشارت می دهید؟"

۵۵- گفتند: " ماتورا به حق بشارت دادیم. پس از نا امیدان مباش."

۵۶- گفت: " چه کسی -جزگمراهان-از رحمت پروردگارش نا امید میشود؟."

۵۷- (سپس) گفت: " ای فرشتگان،-دیگر-کارتان چیست؟"

۵۸- گفتند: " مابه سوی گروه مجرمان فرستاده شده ایم.

۵۹- مگرخانواده لوط ،که ماقطعا آنان رانجات می دهیم.

۶۰- بجز زن او ،که چنین مقدّر داشتیم که با زشتکاران باشد.

۶۱- پس چون فرشتگان نزدخاندان لوط آمدند ،

۶۲- (لوط) گفت: " شما مردمی ناشناس هستید."

۶۳- گفتند: -نه- بلکه برای توچیزی آورده ایم که درآن تردید می کردند،

۶۴- وحق رابرای توآورده ایم وقطعا ما راستگویانیم.

۶۵- پس، پاسی ازشب-گذشته-خانواده ات راحرکت ده و-خودت-به دنبال آنان برو،وهیچ یک ازشما نبایدبه عقب بنگرد،وهرجابه شمادستورداده میشودبروید.

۶۶- واو را ازاین امرآگاه کردیم که ریشه آن گروه صبحگاهان بریده خواهدشد.

۶۷- ومردم شهر،شادی کنان آمدند.

۶۸- (لوط) گفت: " اینان میهمانان من هستند،مرا رسوانکنید.

۶۹- وازخدا بترسید ومرا خوارنسازید."

۷۰- گفتند: " آیاتورا-ازمیهمان کردن-مردم بیگانه منع نکردیم؟"

۷۱- گفت: " اگرمیخواهید انجام دهید ،اینان دختران من هستند."

۷۲- به جان تو سوگند که آنان درمستی خودسرگردان بودند.

۷۳- پس به هنگام طلوع آفتاب ،فریاد-مرگبار-آنان رافروگرفت.

۷۴- وآن-شهر-را زیرو روکردیم وبرآنان سنگهایی از سنگ گل باراندیم.

۷۵- به یقین ،دراین برای هوشیاران عبرتهاست.

۷۶- و-آثار-آن -شهرهنوز-برسر راهی -دایر-برجاست.

۷۷- بی گمان ،دراین برای مومنان عبرتی است.

۷۸- وراستی اهل "ایکه" ستمگربودند.

۷۹- پس، ازآنان انتقام گرفتیم،وآن دو-شهر،اکنون-برسرراهی آشکاراست.

۸۰- واهل "حجر" -نیز-پیامبران- ما- راتکذیب کردند.

۸۱- وآیات خودرابه آنان دادیم،و-لی-ازآنها اعراض کردند.

۸۲- و-برای خود-ازکوهها خانه هایی می تراشیدند که درامان بمانند .

۸۳- پس صبحدم ، نعره-مرگبار- آنان رافروگرفت.

۸۴- وآنچه به دست می آوردند،به کارشان نخورد.

۸۵- وما آسمانها وزمین وآنچه راکه میان آن دو است راجزبه حق
نیافریدیم،ویقینا قیامت فراخواهدرسید،پس به خوبی صرف نظرکن.

۸۶- زیرا پروردگارتو همان آفریننده داناست.

۸۷- وبه راستی ،به توسبع المثانی-سوره فاتحه- وقرآن بزرگ را عطاکردیم.

۸۸- وبه آنچه ما دسته هایی ازآنان-کافران-را بدان برخوردارساخته ایم چشم مدوز،وبرایشان اندوه مخور،وبال خویش را برای مومنان فرو گستر.

۸۹- وبگو: " من همان هشداردهنده آشکارم."

۹۰- همان گونه که -عذاب را- برتقسیم کنندگان نازل کردیم:

۹۱- همانان که قرآن راجزء جزءکردند-به برخی ازآن عمل کردندوبعضی را رهانمودند.-

۹۲- پس سوگندبه پروردگارت که ازهمه آنان خواهیم پرسید،

۹۳- ازآنچه انجام می دادند.

۹۴- پس آنچه رابدان ماموری آشکارکن وازمشرکان روی برتاب.

۹۵- که ما-شرّ-تمسخرکنندگان را ازتوبرطرف خواهیم کرد.

۹۶- همانان که باخدامعبودی دیگرقرارمی دهند،پس به زودی -حقیقت را-خواهنددانست.

۹۷- وقطعا می دانیم که سینه توازآنچه می گویندتنگ میشود.

۹۸- پس باستایش پرووردگارت تسبیح گوی واز سجده کنندگان باش.

۹۹- وپروردگارت راپرستش کن تا اینکه مرگ تورافرارسد.

نحل (زنبورعسل)

۱- بنام خداوند بخشنده مهربان

(هان) امرخداوندفرارسید،پس درآن شتاب مکنید،اومنزّه وفراتراست ازآنچه -باوی-شریک می سازند.

۲- فرشتگان رابا"روح" به فرمان خود،برهرکسی ازبندگانش که بخواهدنازل میکند،که بیم دهید که معبودی جزمن نیست،پس ازمن پرواکنید.

۳- آسمانهاوزمین رابه حق آفریده است،اوفراتراست ازآنچه-باوی-شریک می گردانند.

۴- انسان را ازنطفه ای آفریده است،آنگاه ستیزه جوئی آشکاراست.

۵- وچهارپایان رابرای شما آفرید،درآنهابرای شما-وسیله-گرمی وسودهایی است ،وازآنها میخورید.

۶- ودرآنهابرای شما زیبایی است،آنگاه که-آنهارا-ازچراگاه برمی

گردانید،وهنگامی که-آنهارا-به چراگاه میبرید.

۷- وبارهای شمارابه شهری میبرندکه جزبامشقّت بدنها قادربه انجام آن نبودید،قطعا پروددگارشما رئوف و رحیم-مهربان-است.

۸- واسبان واستران وخران را-آفرید-تابرآنهاسوارشویدو-برای شما-تجمّلی -باشد-. وآنچه را نمی دانید می آفریند.

۹- ونمودن راه راست برعهده خداوند است،وبرخی ازآن-راهها-کج است،واگر-خدا-میخواست مسلّما همه شمارااهدایت میکرد.

۱۰- اوست کسی که ازآسمان آبی فرودآوردکه-آب-آشامیدنی شماازآن است،وروییدنی-هایی-که-رمه های خودرا-درآن می چرانید-نیز-ازآن است.

۱۱- به وسیله آن،کشت وزیتون ودرختان خرماوانگوروازهرگونه محصولات-دیگر-برای شما می رویاند،قطعا دراینهابرای مردمی که اندیشه می کنند نشانه ای هست.

۱۲- وشب وروز وخورشیدوماه رابرای شما رام گردانید،وستارگان به فرمان اومسخّرشده اند.مسلّما دراین-امور-برای مردمی که تعقّل می کنندنشانه هاست.

۱۳- و-همچنین-آنچه رادرزمین به رنگهای گوناگون برای شما پدیدآورد-مسخّرشماساخت-.بی تردید،دراین-امور-برای مردمی که پندمیگیرندنشانه ای هست.

۱۴- واوست کسی که دریارامسخّرگردانیدتا ازآن گوشت تازه بخورید،وپیرایه ای که آن رامی پوشیدازآن بیرون آورید،وکشتیهارا درآن ،شکافنده-آب-میبینی،وتا ازفضل اوبجویید وباشد که شما شکر گزارگردید.

۱۵- ودر زمین کوههایی استوارافکندتاشمارا
نجنباند،ورودهاوراهها-قرارداد-تاشما راه خودرا پیداکنید.
۱۶- ونشانه هایی-دیگرنیزقرارداد-وآنان به وسیله ستاره-قطبی-راه یابی
میکنند.
۱۷- پس آیا کسیکه می آفریندمانندکسی است که نمی آفریند؟
آیا پندنمی گیرید؟
۱۸- واگرنعمت-های-خداوندرا-بخواهید-شماره کنید،نمی توانیدآن
رابشمارید.قطعا خداوندآمرزنده مهربان است.
۱۹- وخداوندآنچه راکه پنهان میداریدوآنچه راکه آشکارمیسازید
میداند.
۲۰- وکسانیکه جزخداوندرا می خوانند،خالق چیزی نیستندوخودایشان
مخلوقند.
۲۱- مردگانند نه زندگان،ونمی دانندچه زمانی برانگیخته خواهندشد.
۲۲- معبودشمامعبودی یگانه است،پس کسانی که به آخرت ایمان
ندارند،دلهایشان انکارکننده-حق- است وخودشان متکبّرند.
۲۳- شک نیست که خداوندآنچه راپنهان می دارندوآنچه
راآشکارمیسازد،میداند،واو گردنکشان رادوست نمی دارد.
۲۴- وچون به آنان گفته شود: " پروردگارتان چه چیزنازل کرده است؟" می
گویند: " افسانه های پیشبنیان است."
۲۵- تاروزقیامت بارگناهان خودرا تمام بردارند،و-نیز-بخشی ازبارگناهان
کسانی راکه ندانسته آنان راگمراه می کنند.آگاه باشید،چه بدباری می کشند.

۲۶- پیش ازآنان کسانی بودندکه مکرکردند،و-لی-خداازپایه برینیانشان زد،درنتیجه ازبالای سرشان سقف برآنان فروریخت،وازآنجاکه حدس نمی زدندعذاب به سراغشان آمد.

۲۷- سپس روزقیامت آنان را رسوامیکندومیگوید: " کجایندآن شریکان من که درباره آنها-باپیامبران-مخالفت می کردید؟" کسانی که به آنان علم داده شده است میگویند: " درحقیقت ،امروز رسوایی وخواری برکافران است."

۲۸- همانان که فرشتگان جانشان رامی گیرند درحالی که برخودستمکاربوده اند.پس ،ازدرتسلیم درمی آیند-ومی گویند:

" ما هیچ کاربدی نمی کردیم." آری ،خدابه آنچه می کردید داناست.

۲۹- پس ،از درهای دوزخ واردشوید ودرآن برای همیشه بمانید،وحقا که چه بد است جایگاه متکبّران.

۳۰- وبه کسانی که تقواپیشه کردند،گفته شود: " پروردگارتان چه نازل کرد؟" میگویند: " خوبی" برای کسانی که دراین دنیا نیکی کردند-پاداش-نیکویی است،وقطعا سرای آخرت بهتراست،وچه نیکوست سرای پرهیزکاران،

۳۱- بهشتهای عدن که درآن داخل میشوند،رودهاازز یرآنها روان است،درآنجاهرچه بخواهندبرای آنان -فراهم-است،خداونداین گونه پرهیزکاران راپاداش میدهد.

۳۲- همان کسانی که فرشتگان جانشان را-درحالی که پاکند-می ستانند-وبه آنان-میگویند: " درودبرشماباد،به -پاداش-آنچه انجام می دادید به بهشت درآیید."

۳۳- آیا-کافران-جزاین که فرشتگان-جان ستان-به سویشان آیند،یافرمان پروردگارت-دایربرعذابشان-در رسد،انتظاری میبرند؟کسانی که پیش ازآنان بودند-نیز-این گونه رفتارکردند،وخدابه ایشان ستم نکرد،بلکه آنان به خودستم میکردند.

۳۴- پس-کیفر-بدیهایی که کردندبه آنان رسید،وآنچه مسخره اش می کردندآنان رافراگرفت.

۳۵- وکسانی که شرک ورزیدندگفتند: " اگرخدامیخواست-نه ما ونه پدرانمان-هیچ چیزی غیرازاورانمی پرستیدیم وبدون-حکم-اوچیزی راحرام نمی شمردیم." پیش ازآنان-نیز-چنین رفتارکردند،و-لی- آیاجزابلاغ آشکاربرپیامبران-وظیفه ای-است؟

۳۶- ودرحقیقت، درمیان هرامتی فرستاده ای برانگیختیم-تابگوید: -" خداوندرا بپرستیدوازطاغوت -فریبگر-بپرهیزید." پس ازایشان کسی است که خدا-اورا-هدایت کرده ،وازایشان کسی است که گمراهی براوسزاواراست،بنابراین درزمین بگردید وببینید فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است.

۳۷- اگر-چه-برهدایت آنان حرص ورزی،ولی خداکسی راکه فروگذاشته است هدایت نمی کند،وبرای ایشان یاری کنندگانی نیست.

۳۸- وبا سخت ترین سوگندهایشان به خدا سوگندیادکردندکه خداکسی را که می میردبرنخواهدانگیخت،آری -انجام-این وعده براوحق است،لیکن بیشترمردم نمی دانند.

۳۹- تا-خدا-آنچه را در-مورد-آن اختلاف دارند،برای آنان توضیح

دهد،وتاکسانی که کافرشده اند،بدانندکه آنها خود دروغ می گفته اند.
۴۰- ماوقتی چیزی را اراده کنیم،همین قدربه آن می گوییم:
" باش" بی درنگ موجودمیشود.
۴۱- وکسانی که پس ازستمدیدگی در راه خدا هجرت کرده اند،دراین دنیا جای نیکویی به آنان میدهیم واگربدانند،قطعا پاداش آخرت بزرگترخواهدبود.
۴۲- همانان که صبرمینمایند وبر پروردگارشان اعتماود وتکیه میکنند.
۴۳- وپیش ازتو-هم-جز مردانی که بدیشان وحی میکردیم گسیل نداشتیم،پس اگرنمی دانید،از اهل ذکر بپرسید.
۴۴- (زیرا آنان را) بادلایل آشکارونوشته ها-فرستادیم-واین قرآن رابه سوی توفرودآوردیم،تابرای مردم آنچه رابه سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی،وامیدکه آنان بیندیشند،.
۴۵- آیاکسانی که تدبیرهای بد می اندیشند،ایمن شدندازاینکه خداآنان رادرزمین فروببرد،یاازجایی که حدس نمی زنند برایشان عذاب بیاید؟
۴۶- یادرحال رفت وآمدنشان -گریبان-آنها رابگیرد،وکاری ازدستشان برنیاید؟
۴۷- یاآنان رادرحالی که وحشت زده اندفروگیرد؟ پس بدون تردید پروردگارشما رئوف ومهربان است.
۴۸- آیا به چیزهایی که خداآفریده است ننگریسته اندکه -چگونه-سایه هاشان ازراست وچپ می گردد،وبرای خدا درحال فروتنی سجده می کنند؟
۴۹- وآنچه درآسمانهاوآنچه درزمین ازجنبندگان وفرشتگان است ،برای خدا سجده می کنند وتکبّرنمی ورزند.((سجده واجب))

۵۰- ازپروردگارشان که حاکم برآنهاست می ترسندوآنچه رامامورندانجام می دهند.

۵۱- وخداوندفرمود: " دومعبودبرای خودمگیرید،جزاین نیست که اوخدایی یگانه است،پس تنها ازمن بترسید."

۵۲- وآنچه درآسمانها وزمین است ازآن اوست،وآیین پایدار-نیز-ازآن اوست،پس آیا ازغیرخدا پروا می کنید؟

۵۳- وهرنعمتی که داریدازخداست ،سپس چون آسیبی به شما رسدبه سوی او روی می آورید-ومی نالید- .

۵۴- وچون آسیب را ازشما برطرف نمود،آنگاه گروهی ازشما به پروردگارشان شرک می ورزند.

۵۵- (بگذار) تا درآنچه رابه ایشان عطاکرده ایم ناسپاسی کنند،اکنون برخوردارشوید،و-لی-بزدوی خواهید دانست.

۵۶- وازآنچه به ایشان روزی دادیم ،نصیبی برای آن-خدایانی- که نمی دانند -چیست-وا می نهند.به خداسوگندکه ازآنچه به دروغ برمی بافتید ،حتما مورد سوال واقع خواهیدشد.

۵۷- وبرای خدا دخترانی قرارمی دهند،او منزّه است،وبرای خودشان آنچه رامیل دارند-قرار می دهند.

۵۸- وهرگاه یکی ازآنان را به دختر بشارت دهند،چهره اش سیاه میگردد،درحالی که خشم-واندوه-خودرافرومی خورد.

۵۹- ازبدی آنچه بدوبشارت داده شده ،ازقبیله-خود-روی می پوشاند،آیااورابا خواری نگاه دارد،یادرخاک پنهانش کند؟ وای چه بد داوری می کنند.

۶۰- وصف زشت برای کسانی است که به آخرت ایمان ندارند،وبهترین وصف ازآن خداوند است،واوست ارجمندحکیم.

۶۱- واگرخداوندمردم رابه-سزای-ستمشان مواخذه میکرد،جنبنده ای برروی زمین باقی نمی گذاشت،لیکن-کیفر-آنان راتاوقتی معین بازپس می اندازد،وچون اجلشان فرارسد،ساعتی آن راپس وپیش نمی توانند افکند.

۶۲- وچیزی راکه خوش نمی دارند،برای خداقرار می دهند،وزبانشان دروغ پردازی می کندکه -سرانجام-نیکوازآن ایشان است،حقا که آتش برای آنان است وبه سوی آن پیش فرستاده خواهندشد.

۶۳- سوگند به خداکه به سوی امتهای پیش ازتو-رسولانی-فرستادیم-اما-شیطان اعمالشان رابرایشان آراست وامروز-هم-سرپرستشان هم اوست وبرایشان عذابی دردناک است.

۶۴- وما-این-کتاب رابرتونازل نکردیم،مگربرای اینکه آنچه رادرآن اختلاف کرده اند،برای آنان توضیح دهی،و-آن-برای مردمی که ایمان می آورند،رهنمودورحمتی است.

۶۵- وخداوند ازآسمان آبی فروفرستادوبا آن زمین را پس ازمردنش زنده گردانید،قطعا دراین برای مردمی که شنوایی دارند نشانه ای است.

۶۶- ودر دامها برای شما عبرتی است،ازآنچه در-لابلای-شکم آنهاست،ازمیان سرگین وخون،شیری ناب به شما می نوشانیم که برای نوشندگان گواراست.

۶۷- وازمیوه درختان خرما وانگور،باده مستی بخش وخوراکی نیکوبرای

خودمی گیرید،قطعا دراین برای مردمی که تعقل می کنند نشانه ای است.

۶۸- وپروردگارتوبه زنبورعسل وحی کردکه ازپاره ای کوهها وازبرخی درختان وازآنچه داربست می کنند،خانه هایی برای خود درست کن.

۶۹- سپس از همه میوه ها بخور،وراههای پروردگارت رافرمانبردارانه بپوی،--آنگاه-ازدرون -شکم-آن شهدی برای مردم درمانی است .راستی دراین-زندگی زنبوران- برای مردمی که تفکرمی کنند نشانه است.

۷۰- وخداوندشما راآفرید،سپس شما را می میراند،وبعضی ازشما تا خوارترین-دوره-سالهای زندگی بازگردانده میشود،به طوری که بعداز-آن همه- دانستن، -دیگر-چیزی نمی دانند،قطعا خداوند دانای تواناست.

۷۱- وخداوندبعضی ازشما را در رزق و روزی بربعضی دیگربرتری داده است،و کسانی که فزونی یافته اند،روزی خودرابه زیردستان خود نمی دهندتا درآن باهم مساوی باشند،آیابازنعمت خدارا انکارمی کنند؟

۷۲- وخداوندبرای شمااز نوع خودتان همسرانی قرارداد،وازهمسرانتان برای شماپسران ونوادگانی نهادوازچیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید.آیا-بازهم-به باطل ایمان می آورندوبه نعمت خداوند کفرمی ورزند؟

۷۳- وبه جای خداوندچیزهایی رامی پرستندکه درآسمانهاوزمین به هیچ وجه اختیار رزق وروزی آنان راندارندو-به کاری-توانایی ندارند.

۷۴- پس برای خداوند مثل نزنید،که خداوند میداند وشما نمی دانید.

۷۵- خداوند مثلی میزند، بنده ای است زرخریدکه هیچ کاری ازاوبرنمی آید،آیا-او-باکسی که به وی ازجانب خودروزی نیکوداده ایم ،واو ازآن درنهان وآشکارانفاق میکندیکسان است؟سپاس ازآن خداست، بلکه اکثرشان

نمی دانند.

۷۶- وخداوند مثلی میزند: " دومردندکه یکی ازآنهالال است وهیچ کاری ازاوبرنمی آیدواوسربار سرپرستش میباشد.هرجاکه اورامی فرستدخیری به همراه نمی آورد.آیااوباکسی که به عدالت فرمان میدهدوخودبر راه راست است یکسان است؟

۷۷- ونهان آسمانهاوزمین ازآن خداونداست،وکارقیامت جزمانندیک چشم برهم زدن یا نزدیکترنیست،زیراخدا برهرکاری تواناست.

۷۸- وخداشمارا ازشکم مادرانتان-درحالی که چیزی نمی دانستید-بیرون آورد،وبرای شما گوش وچشمهاودلهاقرار داد،باشدکه سپاسگزاری کنید.

۷۹- آیا به پرندگانی که در فضای آسمان رام شده اندننگریسته اند؟جزخداوندکسی آنهارانگاه نمی دارد،راستی دراین برای مردمی که ایمان می آورندنشانه هایی است.

۸۰- وخداوندبرای شما خانه هایتان رامایه آرامش قرارداد،وازپوست دامهابرای شما خانه هایی نهادکه آن رادر روزجابجاشدنتان وهنگام ماندنتان سبک می یابید،وازپشمهاوکُرکها
وموهای آنهاوسایل زندگی که تاچندی مورداستفاده است.

۸۱- و خداونداز‌آنچه آفریده به سودشما سایه هایی فراهم آورده وازکوههابرای شماپناهگاه هایی قرارداده وبرای شماتن پوشهایی مقررکرده که شمارا ازگرما-وسرما-حفظ میکند،وتن پوشهایی که شما رادرجنگتان حمایت می نماید.اینگونه که وی نعمتش رابرشماتمام میگرداند،امیدکه شما گردن نهید.

۸۲- پس اگررویگردان شوند،برتوفقط ابلاغ آشکاراست.
۸۳- نعمت خداوندرا می شناسند،اماباز هم منکرآن میشوندو
بیشترشان کافرند.
۸۴- و(یادکن) روزی راکه از هرامتی گواهی برمی انگیزیم،سپس به کسانی
که کافرشده اندرخصت داده نمیشودوآنان مورد
بخشش قرارنخواهندگرفت.
۸۵- وچون کسانی که ستم کرده اندعذاب رابببینند-شکنجه-آنان کاسته نمی
گرددومهلت نمی یابند.
۸۶- وچون کسانی که شرک ورزیدند،شریکان خودراببینند
می گویند: " پروردگارا،اینهابودندآن شریکانی که مابه جای تو
می خواندیم." و-شریکان-قول آنان را ردمی کنندکه: " بی تردید شما
دروغگو هستید."
۸۷- وآن روزدربرابرخداونداز درتسلیم درآیندوآنچه راکه برمی
بافتندبربادمی رود.
۸۸- کسانی که کفرورزیدندوازراه خدابازداشتندبه -سزای-آنکه فسادمی
کردندعذابی برعذابشان می افزاییم.
۸۹- و(به یادآور) روزی راکه درهرامتی شاهدی ازخودشان برایشان
برانگیزیم،وتورا-هم-براین-امت-شاهدآوریم،واین کتاب راکه
روشنگرهرچیزی است وبرای مسلمانان رهنمودورحمت وبشارتگری است
،برتونازل کردیم.
۹۰- درحقیقت خداوندبه دادگری ونیکوکاری وبخشش خویشاوندان فرمان

می دهدوازکار زشت وناپسندوستم بازمی دارد،به شما اندرزمیدهدکه پندگیرید.

۹۱- وچون باخداپیمان بستید،به پیمان خودوفاکنیدوسوگندهای-خودرا-پس ازاستوارکردن آنها مشکنید،بااینکه خداوندرابرخودضامن-وگواه-قرار داده اید،زیراخداوندآنچه راانجام می دهید میداند.

۹۲- ومانندآن -زنی-که رشته خودراپس ازمحکم بافتن،-یکی یکی-ازهم می گسست،مباشیدکه سوگندهای خودرامیان خویش وسیله-فریب-وتقلب سازید-به این خیال-که گروهی ازگروه دیگر

-درداشتن امکانات-افزونترند.جزاین نیست که خداوندشمارابدین وسیله می آزمایدوروزقیامت درآنچه اختلاف می کردید،قطعابرای شما توضیح خواهدداد.

۹۳- واگرخداوندمیخواست قطعاشماراامتی واحدقرار میداد،ولی هرکه رابخواهد گمراه وهرکه رابخواهدهدایت میکندوازآنچه انجام می دادیدحتما سئوال خواهیدشد.

۹۴- وزنهار،سوگندهای خودرادستاویزتقلب میان خود قرار ندهید، تاگامی بعدازاستواریش بلغزد،وشما به -سزای-آنکه -مردم را-ازراه خداباز داشته ایددچارشکنجه شویدوبرای شما عذابی بزرگ باشد.

۹۵- وپیمان خداوندرابه بهای ناچیزی نفروشید،زیراآنچه نزد خداونداست-اگربدانید-همان برای شما بهتراست.

۹۶- آنچه پیش شماست تمام میشودوآنچه پیش خداست پایداراست،وقطعا کسانی راکه شکیبایی کردندبه بهترازآنچه عمل می کردندپاداش خواهیم داد.

۹۷- هرکس-ازمردیازن-کارشایسته کندومومن باشد،قطعااورابا زندگی پاکیزه ای ،حیات-حقیقی-بخشیم،ومسلمابه آنان بهترازآنچه انجام می دادندپاداش خواهیم داد.

۹۸- پس چون قرآن میخوانی ازشیطان مطرود به خداوند پناه بر.

۹۹- چراکه اورابرکسانی که ایمان آورده اندوبرپروردگارشان توکل می کنند،تسلطی نیست.

۱۰۰- تسلط اوفقط برکسانی است که وی رابه سرپرستی برمی گیرند،وبرکسانی که آنهابه او-خداوند-شرک می ورزند.

۱۰۱- وچون حکمی رابه جای حکم دیگربیاوریم،-وخدابه آنچه به تدریج نازل می کنندداناتراست- میگویند: " جزاین نیست که تودروغ بافی." -نه-بلکه بیشترآنان نمی دانند.

۱۰۲- بگو: " آن را روح القدس ازطرف پروردگارت به حق فرودآورده تاکسانی راکه ایمان آورده انداستوارگرداند،وبرای مسلمانان هدایت وبشارتی است."

۱۰۳- ونیک می دانیم که آنان می گویند: " جزاین نیست که بشری به او می آموزد." -نه چنین نیست،زیرا-زبان کسی که -این نسبت را به اومی دهندغیرعربی است واین-قرآن-به زبان عربی روشن است.

۱۰۴- درحقیقت،کسانی که به آیات خداوندایمان ندارند،خداآنان راهدایت نمی کندوبرایشان عذابی دردناک است.

۱۰۵- تنهاکسانی دروغ پردازی می کنندکه به آیات خداایمان ندارندوآنان خود دروغگویانند.

۱۰۶- هرکس پس ازایمان آوردن خود،به خداکفرورزد-عذابی سخت خواهدداشت- مگرآن کس که مجبورشده و-لی-قلبش به ایمان اطمینان دارد،لیکن هرکه سینه اش به کفرگشاده گرددخشم خدابرآنان است وبرایشان عذابی بزرگ خواهدبود.

۱۰۷- زیراآنان زندگی دنیارابرآخرت ترجیح دادندو-هم-اینکه خداوندگروه کافران راهدایت نمی کند.

۱۰۸- آنان کسانی هستندکه خداوندبردلها وگوش ودیدگانشان مهرنهاده وآنان خودغافلانند.

۱۰۹- شک نیست که آنها درآخرت همان زیانکارانند.

۱۱۰- بااین حال پروردگارتونسبت به کسانی که پس از-آن همه-زجرکشیدن هجرت کرده وسپس جهادنمودندوصبرپیشه ساختند،پروردگارت-نسبت به آنان-بعدازآن -همه مصائب-قطعا آمرزنده ومهربان است.

۱۱۱- (یادکن) روزی راکه هرکس می آید-و-ازخود دفاع می کند،وهرکس به آنچه کرده بی کم وکاست پاداش می یابدوبرآنان ستم نمی رود.

۱۱۲- وخداشهری رامثل زده است که امن وامان بود-و-روزیش ازهرسوفراوان می رسید،پس-ساکنانش-نعمتهای خداوند را ناسپاسی کردند،وخداهم به سزای آنچه انجام می دادند،طعم گرسنگی وهراس رابه-مردم-آن چشانید.

۱۱۳- وبه یقین فرستاده ای ازخوشان برایشان آمد،اما اوراتکذیب کردند،پس درحالی که ظالم بودندآنان راعذاب فروگرفت.

۱۱۴- پس، ازآنچه خداشمارا روزی کرده است،حلال-و-پاکیزه

بخوريد،ونعمت خدارا-اگرتنهااورامی پرستيد-شكرگزاريد.

۱۱۵- جزاين نيست كه -خدا-مرداروخون وگوشت خوک وآنچه راكه نام غيرخدابرآن برده شده حرام گردانيده است.-بااين همه-هركس كه-به خوردن آنها-ناگزيرشود،وسركش وزياده خواه نباشد،قطعاخداوندآمرزنده مهربان است.

۱۱۶- وبرای آنچه زبان شمابه دروغ می پردازد،مگوييد: " اين حلال است وآن حرام" تابرخدادروغ بنديد،زيراكسانی كه برخدادروغ می بندندرستگارنمی شوند.

۱۱۷- (ايشان راست) اندک بهره ای و-لی-عذابشان پردرد است.

۱۱۸- وبركسانی كه يهودی شدند،آنچه راقبلا برتوحكايت كرديم ،حرام گردانيديم،ومابرآنان ستم نكرديم،بلكه آنها به خودستم می كردند.

۱۱۹- (با اين همه) پروردگارتونسبت به كسانی كه به نادانی مرتكب گناه شده،سپس توبه كرده وبه صلاح آمده اند،البته پروردگارت پس ازآن آمرزنده مهربان است.

۱۲۰- به راستی ابراهيم،پيشوايی مطيع خدا-و-حق گرابودوازمشركان نبود.

۱۲۱- (و) نعمتهای اورا شكرگزاربود،(خدا) اورابرگزيدوبه راهی هدايتش كرد.

۱۲۲- ودردنيابه اونيكويی-نعمت-داديم ودرآخرت-نيز-ازشايستگان خواهدبود.

۱۲۳- سپس به تو وحی كرديم كه : " ازآئين ابراهيم حق گرا پيروی كن،-چراكه- اوازمشركان نبود.

۱۲۴- (بزرگداشت) شنبه برکسانی که درباره آن اختلاف
کردندمقررگردیدوقطعا پروردگارت روزرستاخیزمیان آنهادرباره چیزی که
درموردآن اختلاف می کردند داوری خواهدکرد.
۱۲۵- باحکمت واندرزنیکوبه راه پروردگارت دعوت کن وبا آنان به -شیوه
ای-که نیکوتراست مجادله نما،درحقیقت پروردگارتوبه -حال-کسی که ازراه
اومنحرف شده داناتروااوبه -حال-راه یافتگان-نیز- داناتراست.
۱۲۶- واگرعقوبت کردید،همان گونه که مورد عقوبت قرارگرفته
اید-متجاوز را- به عقوبت رسانید،واگرصبرکنیدالبته آن برای شکیبایان
بهتراست.
۱۲۷- وصبرکن وصبرتوجزبه-توفیق- خداوند نیست وبرآنان اندوه
مخوروازآنچه نیرنگ می کنند دل تنگ مشو.
۱۲۸- درحقیقت خداوندباکسانی است که پروا داشته اندو-با- کسانی-است-که
آنها نیکوکارند.

اسراء (سفردرشب)

۱- بنام خداوند بخشنده مهربان

منزّه است آن-خدایی-که بنده اش راشبانگاهی ازمسجدالحرام به سوی مسجدالاقصی-که پیرامون آن رابرکت داده ایم- سیرداد،تاازنشانه های خودبه اوبنمایانیم،که او همان شنوای بیناست.

۲- وکتاب آسمانی رابه موسی دادیم وآن رابرای فرزندان اسرائیل رهنمودی گردانیدیم که ،زنهار،غیرازمن راوکیل نگیرید.

۳- (ای) فرزندان کسانی که-آنان رادرکشتی-بانوح برداشتیم ،براستی که

اوبنده ای سپاسگزاربود.

۴- ودرکتاب آسمانی به فرزندان اسراییل خبردادیم که: " قطعا دوباردرزمین فسادخواهیدکردوقطعا به سرکشی بسیاربزرگی برخواهیدخاست."

۵- پس آنگاه که وعده -تحقق-نخستین آن دوفرارسد،بندگانی ازخودراکه سخت نیرومندهستندبرشمامی گماریم ،تامیان خانه ها-یتان برای قتل وغارت شما-به جستجودرآیند،واین تهدید

انجام خواهدیافت.

۶- پس - ازچندی-،دوباره شمارابرآنان چیره می گردانیم وشمارابا اموال وپسران یاری می دهیم و-تعداد-نفرات شمارا بیشترمی گردانیم.

۷- اگرنیکی کنیدبه خودنیکی کرده اید،واگربدی کنید،به خود-بد نموده اید-وچون تهدید آخرفرارسد-بیایند-تاشمارا اندوهگین

کنندودرمعبد-تان-چنانکه باراول داخل شدند-به زور-درآیندوبرهرچه دست یافتندیکسره -آن را-نابودکنند.

۸- امیداست که پروردگارتان شما را رحمت نماید،و-لی-اگر-به

گناه-بازگردید-مانیزبه کیفرشما-بازمی گردیم ،ودوزخ رابرای کافران زندان قرار دادیم.

۹- قطعا این قرآن به -آیینی-که خودپایدارتراست راه می نماید،وبه آن مومنانی که کارهای شایسته می کنند، بشارت می دهد

که پاداشی بزرگ برایشان خواهدبود.

۱۰- واینکه برای کسانی که به آخرت ایمان نمی آورندعذابی پردردآماده کرده ایم.

۱۱- وانسان-همانگونه که-خیررافرامی خواند-پیشامد-بدرا میخواندوانسان همواره شتابزده است.
۱۲- وشب وروز را دونشانه قراردادیم.نشانه شب راتیره گون ونشانه روزرا روشنی بخش گردانیدیم تا-درآن-فضلی ازپروردگارتان بجویید،وتاشماره سالهاوحساب-عمرها ورویدادها- رابدانیدوهرچیزی رابه روشنی بازنمودیم.
۱۳- وکارنامه هرانسانی رابه گردن اوبسته ایم، وروزقیامت برای اونامه ای که آن راگشاده می بیندبیرون می آوریم.
۱۴- " کارنامه ات رابخوان،کافیست که امروز خودت حسابرس خودت باشی."
۱۵- هرکس به راه آمده تنهابه سودخودبه راه آمده ،وهرکس بیراهه رفته تنها به زیان خودبیراهه رفته است.وهیچ باربری بارگناه دیگری رابرنمی دارد،وماتاپیامبری برنینگیزیم ،به عذاب
نمی پردازیم.
۱۶- وچون بخواهیم شهری راهلاک کنیم،خوشگذرانانش راوامیداریم تادرآن به انحراف-وفساد-بپردازند،ودرنتیجه عذاب بر
آن-شهر-لازم گردد،پس آن را زیرو زبرکنیم.
۱۷- وچه بسیار نسلهاراکه ماپس ازنوح به هلاکت رساندیم،وپروردگارتوبه گناهان بندگانش بسیارآگاه وبیناست.
۱۸- هرکس خواهان-دنیای-زودگذراست،به زودی هرکه راخواهیم- نصیبی-ازآن می دهیم،آنگاه جهنم راکه درآن خوارورانده داخل
خواهدشد،برای اومقرّرمی داریم.

۱۹- وهرکس خواهان آخرت است ونهایت کوشش رابرای آن بکندومومن باشد،آنان هستندکه تلاش آنهاموردحق شناسی واقع خواهدشد.

۲۰- هردو-دسته-اینان وآنان را ازعطای پروردگارت مدد می بخشیم،وعطای پروردگارت-ازکسی-منع نشده است.

۲۱- ببین چگونه بعضی ازآنان رابربعضی دیگربرتری داده ایم،وقطعا درجات آخرت وبرتری آن بزرگتروبیشتراست.

۲۲- معبوددیگری باخداوند قرار مده تانکوهیده و ماوانده نشوی.

۲۳- وپروردگارتومقرّرکردکه جزاورانپرستیدوبه پدرومادر-خود-احسان کنید.اگریکی ازآن دویاهردو،درکنارتوبه سالخوردگی رسیدندبه آنها-حتی-"اوف" مگو وبه آنان پرخاش مکن وباآنهاسخنی شایسته بگوی.

۲۴- وازسرمهربانی،بال فروتنی برآنان بگستروبگو: " پروروگارا،آن دورا رحمت کن چنانکه مرادرخردی پروردند."

۲۵- پروردگاراشمابه آنچه دردلهای خود داریدآگاه تراست،اگرشایسته باشید،قطعا اوآمرزنده توبه کنندگان است.

۲۶- وحق خویشاوندرابه اوبده ومستمندو در راه مانده را-دستگیری کن-و ولخرجی واسراف مکن.

۲۷- چراکه اسرافکاران برادران شیطان ها هستند،وشیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است.

۲۸- واگربه امیدرحمتی که ازپروردگارت جویای آن هستی،ازایشان روی برمی گردانی، پس با آنان سخنی نرم بگوی.

۲۹- ودستت رابه گردنت زنجیرمکن وبسیار-هم-گشاده دستی
منما تا ملامت شده وحسرت زده برجای نمانی.
۳۰- بی گمان، پرودگارتوبرای هرکه بخواهد،روزی راگشاده یا تنگ می
گرداند.درحقیقت ،اوبه -حال-بندگانش آگاه وبیناست.
۳۱- وازبیم تنگدستی فرزندان خودرامکشید،ماییم که به آنهاوشما روزی
میبخشیم،آری کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است.
۳۲- وبه زنا نزدیک نشوید ،چراکه آن همواره زشت وبد راهی است.
۳۳- ونفسی راکه خداوندحرام کرده است جزبه حق نکشید،وهرکس مظلوم
کشته شود،به سرپرست وی قدرتی داده ایم،پس -او-نبایددر قتل زیاده روی
کند،زیرا او-ازطرف شرع- یاری شده است.
۳۴- وبه مال یتیم -جزبه نیکوترین وجه-نزدیک نشوید تابه رشدبرسد،وبه
پیمان-خود-وفاکنید،زیراکه ازپیمان پرسش خواهدشد.
۳۵- وچون پیمانه می کنید،پیمانه را کامل دهید،وبا ترازوی درست
بسنجیدکه این بهتروخوش فرجام تراست.
۳۶- وچیزی راکه بدان علم نداری دنبال مکن،زیراگوش وچشم وقلب ،همه
مورد پرسش واقع خواهندشد.
۳۷- ودر-روی- زمین به نخوت گام برمدار،چراکه هرگز زمین رانمی توان
شکافت،ودربلندی به کوهها نمی توانی برسی.
۳۸- همه این -کارها-بدش نزدپروردگارتوناپسند است.
۳۹- این(سفارشها) ازحکمتهایی است که پروردگارت به تووحی کرده
است،وباخدای یگانه معبودی دیگرقرارمده،وگرنه حسرت زده

ومطروددرجهنم افکنده خواهی شد.

۴۰- آیا-پنداشتیدکه-پروردگارتان شمارابه-داشتن-پسران اختصاص داده ،وخوداز فرشتگان دخترانی برگرفته است؟بی تردیدکه شما سخنی عظیم میگویید.

۴۱- وبه راستی ،مادراین قرآن-حقایق را-گوناگون بیان کردیم،تاپندگیرند،و-لی-آنان راجزنفرت نمی افزاید.

۴۲- بگو: " اگر-چنانکه می گویند- بااوخدایانی-دیگر-بود،درآن صورت حتما درصدددجستن راهی به سوی-خداوند-صاحب عرش برمی آمدند."

۴۳- او-پاک و-منزّه است وازآنچه می گویندبسی والاتراست.

۴۴- آسمانهای هفتگانه وزمین وهرکس که درآنهاست اورا تسبیح می گویند،وهیچ چیزنیست مگراینکه درحال ستایش،تسبیح اومی گوید،ولی شما تسبیح آنهارادرنمی یابید،به راستی که اوهمواره بردبار-و-آمرزنده است.

۴۵- وچون قرآن بخوانی، میان تووکسانی که به آخرت ایمان ندارندپرده ای پوشیده قرارمی دهیم.

۴۶- وبردلهایشان پوششهامی نهیم تاآن رانفهمندودرگوشهایشان سنگینی-قرارمی دهیم-وچون درقرآن پروردگارخودرابه یگانگی یادکنی بانفرت پشت می کنند.

۴۷- هنگامی که به سوی توگوش فرامی دارندمابهترمی دانیم به چه-منظور-گوش میدهند،و-نیز-آنگاه که به نجوامی پردازند،وقتی که ستمگران گویند: " جزمردی افسون شده راپیروی نمی کنید."

۴۸- ببین چگونه برای تومثلها زدندوگمراه شدند،،درنتیجه راه به جایی نمی تواننددببرند.

۴۹- وگفتند: " آیاوقتی استخوان وخاک شدیم-باز-به آفرینشی جدیدبرانگیخته میشویم؟"

۵۰- بگو: " چه سنگ باشید یا آهن،

۵۱- یا آفریده ای ازآنچه درخاطرشمابزرگ می نماید-بازهم برانگیخته خواهیدشد-" پس خواهندگفت: " چه کسی مارابازمی گرداند؟" بگو: " همان کسی که نخستین بارشمارا آفرید." -باز-سرهای خودرابه طرف توتکان می دهندومی گویند: " آن چه زمانی خواهدبود؟" بگو: " شایدکه نزدیک باشد."

۵۲- روزی که شمارافرامیخواند،پس درحالی که اوراستایش می کنیداجابتش می نماییدومی پنداریدکه جزاندکی-دردنیا-نمانده اید.

۵۳- وبه بندگانم بگو: " آنچه راکه بهتراست بگویند" که شیطان میانشان رابه هم می زند،زیراشیطان همواره برای انسان دشمنی آشکاراست.

۵۴- پروردگارشمابه -حال-شما داناتراست،اگربخواهیدبرشما رحمت می آورد،یااگربخواهدشمارا عذاب می کند،وتورا برایشان نگهبان نفرستاده ایم.

۵۵- وپروردگارتو به هرکه -وهرچه- درآسمانهاوزمین است داناتراست.ودرحقیقت ،بعضی ازانبیارابربعضی برتری بخشیدیم وبه داوودزبوردادیم.

۵۶- بگو: " کسانی راکه به جای او-معبودخود-پنداشتید،بخوانید،-آنها-نه اختیاری دارندکه ازشما دفع زیان کنندونه -آنکه بلایی را ازشما-بگردانند.

۵۷- آن کسانی راکه ایشان می خوانند-خود-به سوی پروردگارشان تقرب

میجویند-تابدانند-کدام یک ازآنها-به او-نزدیکترند،وبه رحمت وی
امیدوارند،وازعذابش می ترسند،چراکه عذاب پروردگارت همواره
درخورپرهیز است.
۵۹- و-چیزی- ماراازفرستادن معجزات بازنداشت جزاینکه
پیشینیان،آنهارابه دروغ گرفتند،وبه ثمودماده شترداديم ،که -پديده
ای-روشنگربود،و-لی-به آن ستم کردند،وما معجزه هاراجزبرای بیم
دادن-مردم-نمی فرستیم.
۶۰- و-یادکن-هنگامی راکه به توگفتیم: " بدون تردید پروردگارت برمردم
احاطه دارد." وآن رویایی راکه به تونمایاندیم،و-نیز-آن درخت لعنت شده
درقرآن راجزبرای آزمایش مردم قرارندادیم ،وما آنان را بیم می دهیم،ولی
جزبرطغیان بیشتر آنها نمی افزاید.
۶۱- وهنگامی راکه به فرشتگان گفتیم: " برای آدم سجده
کنید"پس-همه-جزابلیس سجده کردند،گفت:" آیابرای کسی که ازگل آفریدی
سجده کنم؟"
۶۲- (سپس) گفت: " به من بگو: این کسی راکه برمن برتری دادی-برای چه
بود؟- اگرتاروزقیامت مهلتم دهی قطعا فرزندانش را-جزاندکی ریشه کن
خواهم کرد."
۶۳- فرمود: " بروکه هرکس ازآنان توراپیروی کندمسلماجهنم سزایتان
خواهدبودکه کیفری کامل است.
۶۴- وازایشان هرکه را توانستی با آوای خودتحریک کن وباسواران
وپیادگانت برآنهابتازوباآنان دراموال واولادشرکت کن وبه ایشان وعده بده."

وشیطان جزفریب به آنهاوعده
نمی دهد.
۶۵- " درحقیقت،تورابربندگان من تسلطی نیست،وحمایتگری
-چون-پروردگارت بس است."
۶۶- پروردگارشماکسی است که کشتی رادر دریابرای شما به حرکت درمی
آورد،تاازفضل اوبرای خودبجویید،چراکه او همواره به شما مهربان است.
۶۷- وچون در دریابه شما صدمه ای برسد،هرکه راجزاومی
خوانیدناپدید-وفراموش- می گردد،وچون-خداوند-شمارابه سوی خشکی
رهانید،رویگردان میشوید،وانسان همواره ناسپاس است.
۶۸- مگرایمن شدیدازاینکه شمارادرکنارخشکی درزمین فروبردیابرشما
طوفانی ازسنگریزه ها بفرستد،سپس برای خودنگاهبانی نیابید.
۶۹- یا-مگر-ایمن شدیدازاینکه باردیگرشمارا درآن-دریا-بازگرداندوتندبادی
شکننده برشمابفرستدوبه سزای آنکه کفرورزیدندغرقتان کند،آنگاه برای
خوددربرابرما کسی رانیابیدکه آن رادنبال کند؟
۷۰- وبه راستی ما فرزندان آدم راگرامی داشتیم، وآنان رادرخشکی
ودریابرمرکبها-برنشاندیم،وازچیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم
،وآنهارابربسیاری ازآفریده های خودبرتری آشکاردادیم.
۷۱- (یادکن)رویی راکه هرگروهی راباپیشوایشان فرامی خوانیم
پس هرکس کارنامه اش رابه دست راستش دهند،آنان کارنامه خودرامی
خوانندوبه قدرنخک هسته خرمایی به آنهاستم نمیشود.
۷۲- وهرکه

دراین-دنیا-کور-دل-باشددرآخرت-هم-کور-دل-وگمراهترخواهدبود.
۷۳- وچیزی نمانده بودکه تورا ازآنچه به سوی تو وحی کرده ایم گمراه کنندتاغیرازآن رابرماببندی ودرآن صورت تورابه دوستی خودبگیرند.
۷۴- واگرتورااستوارنمی داشتیم،قطعانزدیک بودکمی به سوی آنان متمایل شوی.
۷۵- درآن صورت ،حتماتورا دوبرابر-در-زندگی ودوبرابر-پس از-مرگ -عذاب-می چشاندیم ،آنگاه دربرابرمابرای خودیاوری
نمی یافتی.
۷۶- وچیزی نمانده بودکه تورا ازاین سرزمین برکنند،تاتورااز‌آنجابیرون نمایند،ودرآن صورت آنان-هم-پس ازتوجز-زمان -اندکی نمی ماندند.
۷۷- سنتی که همواره درمیان-امتهای-فرستادگانی که پیش ازتوگسیل داشته ایم-جاری-بوده است،وبرای سنت-وقانون-ماتغییری نخواهی یافت.
۷۸- نمازرا از زوال آفتاب تانهایت تاریکی شب برپادار،و-نیز-نمازصبح را،زیرانمازصبح همواره-مقرون با-حضور-فرشتگان-است.
۷۹- وپاسی ازشب را زنده بدار،تابرای تو-به منزله-نافله ای باشد،امیداست که پروردگارت تورابه مقامی ستوده برساند.
۸۰- وبگو: " پروردگارا،مرا-درهرکاری-به طرز درست داخل کن وبه طرزدرست خارج ساز،وازجانب خودت برای من تسلطی یاری بخش قرارده."
۸۱- وبگو: " حق آمدوباطل نابودشد.آری،باطل همواره نابودشدنی است."

۸۲- وماآنچه رابرای مومنان مایه درمان ورحمت است ازقرآن نازل می کنیم،و-لی-ستمگران راجززیان نمی افزاید.

۸۳- وچون به انسان نعمت ارزانی داریم،روی برمی گرداندوپهلو تهی می کند،وچون آسیبی به وی رسدنومیدمیگردد.

۸۴- بگو: " هرکس برحسب ساختار-روانی وبدنی-خودعمل می کند،وپروردگارشما به هرکه راه یافته ترباشدداناتراست."

۸۵- ودرباره روح ازتو می پرسند،بگو: " روح از-سنخ- فرمان پروردگارمن است،وبه شما از علم جزاندکی داده نشده است.

۸۶- واگربخواهیم قطعا آنچه رابه تو وحی کرده ایم می بریم،آنگاه برای-حفظ-آن دربرابرما برای خودمدافعی نمی یابی،

۸۷- مگررحمتی ازجانب پروردگارت-که به توبرسد-زیرا فضل اوبرتو همواره بسیاراست.

۸۸- بگو: " اگر انس وجن گردآیندتانظیراین قرآن رابیاورند،مانندآن رانخواهندآورد،هرچندبرخی ازآنهاپشتیبان برخی -دیگر-باشند."

۸۹- وبه راستی دراین قرآن ازهرگونه مثلی ،گوناگون آوردیم ولی بیشترمردم جزسر انکارندارند.

۹۰- وگفتند: " تااززمین چشمه ای برای ما نجوشانی،هرگزبه توایمان نخواهیم آورد.

۹۱- یا-باید-برای توباغی ازدرختان خرما وانگورباشدآشکارا ازمیان آنها جویبارها روان سازی،

۹۲- یاچنانکه ادعامی کنی ،آسمان راپاره پاره بر-سر-ما فروواندازی

،یاخداوفرشتگان رادربرابر-ماحاضر- آوری،
۹۳- یابرای توخانه ای ازطلاباشد،یا به آسمان بالا روی،وبه بالارفتن تو-هم-
اطمینان نخواهیم داشت،تابرما کتابی نازل کنی که آن رابخوانیم،بگو: " پاک
است پروردگارمن ،آیا-من-جزبشری فرستاده شده هستم؟
۹۴- و-چیزی-مردم را ازایمان آوردن بازنداشت،آنگاه که هدایت برایشان
آمدجزاینکه گفتند: " آیا خدابشری رابه سمت رسول مبعوث کرده است؟"
۹۵- بگو: " اگر درروی زمین فرشتگانی بودندکه بااطمینان راه می
رفتند،البته برآنان -نیز-فرشته ای رابعنوان پیامبرازآسمان نازل می کردیم."
۹۶- بگو: " میان من وشما،گواه بودن خداکافیست،چراکه اوهمواره به
-حال-بندگانش-آگاه وبیناست."
۹۷- وهرکه راخداوندهدایت کنداو راه یافته است،وهرکه راگمراه
سازد،دربرابراوبرای آنهاهرگز سرپرستانی نیابی،وروزقیامت آنهارا
کورولال وکر،به روی صورت درافتاده،برخواهیم انگیخت، جایگاهشان
دوزخ است.هربارکه آتش آن فرونشیند،شراره ای-تازه-برایشان می افزاییم.
۹۸- جزای آنها این است،چراکه آیات مارا انکارکردندوگفتند: " آیاوقتی ما
استخوان وخاک شدیم-باز-درآفرینشی تازه برانگیخته خواهیم شد؟"
۹۹- آیا ندانستندکه خدایی که آسمانهاوزمین راآفریده ،تواناست که مانندآنان
رابیافریندو-همان خداست که-برایشان زمانی مقررفرموده که درآن هیچ
شکی نیست؟و-لی-ستمگران جزانکار-چیزی را-نپذیرفتند.
۱۰۰- بگو: " اگرشما مالک گنجینه های رحمت پروردگارم بودید،بازهم
ازبیم خرج کردن قطعا امساک می ورزیدید،وانسان همواره بخیل است."

۱۰۱- ودرحقيقت مابه موسی نُه نشانه آشکارداديم-پس ،ازفرزندان اسراييل
بپرس-آنگاه که نزدآنان آمد،وفرعون به اوگفت: " ای موسی، من جدا تورا
افسون شده می پندارم."
۱۰۲- گفت: " قطعاميدانی که اين-نشانه ها-راکه باعث بينش
هاست،جزپروردگارآسمانهاوزمين نازل نکرده است،وراستی ای
فرعون،توراتباه شده می پندارم."
۱۰۳- پس -فرعون-تصميم گرفت که آنان را ازسرزمين-مصر-برکَنَد
پس او وهرکه راباوی بودهمه راغرق کرديم .
۱۰۴- وپس ازاوبه فرزندان اسراييل گفتيم: " دراين سرزمين ساکن
شويد،پس چون وعده آخرت فرارسدشمارا همه با هم محشورمی کنيم."
۱۰۵- وآن-قرآن-رابه حق نازل نموديم وبه حق نازل گرديد،وتوراجزبشارت
دهنده وبيم دهنده نفرستاديم.
۱۰۶- وقرآنی-باعظمت را-بخش بخش -برتو-نازل کرديم تاآن رابه آرامی به
مردم بخوانی وآن رابه تدريج نازل کرديم.
۱۰۷- بگو: " -چه- به آن ايمان بياوريديا نياوريد،بی گمان کسانی که پيش
از-نزول-آن دانش يافته اند،چون- اين کتاب-برآنان خوانده شودسجده کنان به
روی در می افتند."
۱۰۸- ومی گويند: " منزّه است پروردگارما،که وعده پروردگارما قطعا
انجام شدنی است."
۱۰۹- وبر روی زمين می افتندومی گريندوبرفروتنی آنها می افزايد.((سجده
واجب))

۱۱۰- بگو: " الله رابخوانید یا رحمن را بخوانید،هرکدام رابخوانید،ازآن
اوست نامهای زیباتر." ونمازت رابه آوازبلندمخوان وبسیارآهسته اش مکن
ومیان این-وآن-راهی-میانه-جوی.
۱۱۱- وبگو: " ستایش ازآن خدایی است که نه فرزندی گرفته ونه
درجهانداری شریکی داردونه وخواربوده که-نیازبه- دوستی داشته باشد."
واورا بسیاربزرگ شمار.

کهف (غار)

به نام خداوندبخشنده مهربان

۱- ستایش خدایی راکه این کتاب-آسمانی- رابربنده خودفروفرستادوهیچ گونه

کجی درآن ننهاد.

۲- (کتابی) راست ودرست،تا-گناهکاران را-ازجانب خودبه عذابی سخت بیم دهد،ومومنانی راکه کارهای شایسته
می کنندنویدبخشدکه برای آنان پاداشی نیکوست.

۳- درحالی که جاودانه درآن-بهشت-ماندگارخواهندبود.

۴- وتاکسانی راکه گفته اند: خداوندفرزندی گرفته است،هشداردهد.

۵- نه آنان ونه پدرانشان به این-ادّعا-دانشی ندارند.بزرگ سخنی است که ازدهانشان برمی آید.-آنان-جزدروغ نمی گویند.

۶- شایداگربه این سخن ایمان نیاورند،توجان خودراازاندوه،در پیگیری شان تباه سازی.

۷- درحقیقت،ما آنچه راکه برزمین است ،زیوری برای آن قراردادیم،تا آنان رابیازماییم که کدام یک ازایشان نیکوکارترند.

۸- وما آنچه راکه برآن است ،قطعا بیابانی بی گیاه خواهیم کرد.

۹- مگرپنداشتی اصحاب کهف ورقیم-خفتگان غار لوحه دار- ازآیات ما شگفت بوده است؟

۱۰- آنگاه که جوانان به سوی غارپناه جستندوگفتند: " پروردگارما ازجانب خودبه ما رحمتی بخش وکارمارا به سامان رسان."

۱۱- پس درآن غار،سالیانی چندبرگوشهایشان پرده زدیم.

۱۲- آنگاه آنان رابیدارکردیم،تابدانیم کدام یک ازآن دو دسته مدت درنگشان رابهترحساب کرده اند.

۱۳- ماخبرشان رابرتودرست حکایت می کنیم: آنان جوانانی بودندکه به

پروردگارشان ایمان آورده بودندوبرهدایتشان افزودیم.

۱۴- ودلهایشان رااستوارگردانیدیم آنگاه که-به قصدمخالفت باشرک-برخاستندوگفتند: " پروردگارماپروردگارآسمانهاوزمین است،جزاوهرگزمعبودی رانخواهیم خواند،که دراین صورت قطعا ناصواب گفته ایم."

۱۵- این قوم ما جزاومعبودانی اختیارکرده اند،چرابر-حقانیت-آنها برهانی آشکارنمی آورند؟پس کیست ستمکارترازآن کس که برخداوند دروغ بندد؟

۱۶- وچون ازآنهاوازآنچه که جزخدامی پرستندکناره گرفتید،پس به غارپناه جویید،تاپروردگارتان ازرحمت خودبرشمابگستراندوبرای شما درکارتان گشایشی فراهم سازد.

۱۷- وآفتاب رامی بینی که چون برمی آید،ازغارشان به سمت راست مایل است،وچون فرومیشودازسمت چپ دامن
برمی چیند،درحالی که آنان درجایی فراخ ازآن-غارقرارگرفته اند- . این ازنشانه های خداونداست .خداوندهرکه را راهنمایی کند او راه یافته است،وهرکه را بی راه گذاردهرگزبرای اویاری راهبرنخواهی یافت.

۱۸- ومی پنداری که ایشان بیدارند،درحالی که خفته اندوآنهارابه پهلوی راست وچپ می گردانیم،وسگشان برآستانه -غار-دودست خود را دراز کرده.اگربرحال آنان اطلاع می یافتی ،گریزان روی ازآنها برمی تافتی واز-مشاهده-آنها آکنده ازبیم میشدی.

۱۹- واین چنین بیدارشان کردیم،تامیان خودازیکدیگرپرسش کنند.گوینده ای

ازآنان گفت: " چقدرمانده اید؟" گفتند: " روزی یا پاره ای ازروز را مانده ایم." -سرانجام- گفتند: " پروردگارتان به آنچه مانده اید داناتراست،اینک یکی ازخودتان رابا این پول خورد به شهربفرستید،تاببیند کدام یک ازغذاهای آن پاکیزه تراست وازآن غذایی برایتان بیاورد،وبایدزیرکی به خرج دهدوهیچ کس را از-حال-شما آگاه نگرداند.

۲۰- چراکه اگرآنان برشمادست یابند،سنگسارتان می کنندیاشمارابه کیش خودبازمی گردانند،ودرآن صورت هرگزروی رستگاری نخواهید دید.

۲۱- وبدین گونه-مردم آن دیار را-برحالشان آگاه ساختیم تابدانندکه وعده خداوندراست است و-درفرارسیدن-قیامت هیچ شکی نیست،هنگامی که میان خوددرکارشان بایکدیگرنزاع می کردند،پس -عده ای-گفتند: " بر روی آنهاساختمانی بناکنید،پروردگارشان به-حال-آنان داناتراست."

-سرانجام-کسانی که برکارشان غلبه یافتندگفتند: " حتما برایشان معبدی بنا خواهیم کرد."

۲۲- به زودی خواهندگفت: " سه تن بودند-و-چهارمین آنهاسگشان بود." تیردرتاریکی می اندازند،و-عده ای-می گویند: " هفت تن بودند وهشتمین آنهاسگشان بود." بگو: " پروردگارم به شماره آنها آگاه تراست،جزاندکی -کسی شماره-آنهارا نمی داند." پس درباره ایشان جزبه صورت ظاهرجدال مکن ودرمورد آنها ازهیچکس جویا نشو.

۲۳- و زنهار درمورد چیزی مگوی که من آن را فردا انجام خواهم داد.

۲۴- مگرآنکه خدابخواهد،وچون فراموش کردی پروردگارت رایادکن وبگو: " امیدکه پروردگارم مرابه راهی که نزدیکترازاین به درست است هدایت

کند."

۲۵- وسیصدسال درغارشان درنگ کردندونه سال-نیزبرآن- افزودند.

۲۶- بگو: " خداوندبه آنچه درنگ کردند داناتراست،نهان آسمانها وزمین به اواختصاص دارد.وه چه بینا وشنواست.برای آنان یاوری جزاونیست وهیچکس رادرفرمانروایی خود شریک نمی گیرد."

۲۷- وآنچه راکه ازکتاب پروردگارت به تووحی شده است بخوان ،کلمات اورا تغییردهنده ای نیست،وجزاو هرگزپناهی نخواهی یافت.

۲۸- وبا کسانی که پروردگارشان راصبح وشام می خوانند-و- خشنودی اورامی خواهند،شکیبایی پیشه کن،ودو دیده آن را ازآنان برمگیرکه زیورزندگی دنیارا بخواهی،وازآن کس که قلبش را ازیادخودغافل ساخته ایم وازهوس خودپیروی کرده و-اساس-کارش بر زیاده روی است اطاعت مکن.

۲۹- وبگو: " حق ازپروردگارتان -رسیده -است.پس هرکه بخواهدبگرودوهرکه بخواهدانکارکند،که ما برای ستمگران آتشی آماده کرده ایم که سراپرده هایش آنان رادربرمی گیرد،واگرفریادرسی جویند،به آبی چون مس گداخته که چهره ها رابریان می کندیاری می شوند. وه چه بد شرابی وچه زشت جایگاهی است."

۳۰- کسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند-بدانندکه- ماپاداش کسی راکه نیکوکاری کرده است تباه نمی کنیم.

۳۱- آنانندکه بهشتهای عدن به ایشان اختصاص داردکه اززیرشان جویبارها روان است،درآنجابادستبندهایی ازطلاآراسته میشوندوجامه هایی

سبزازپرنیان نازک وحریرستبرمیپوشند،درآنجابرسریرها تکیه می زنند،چه خوش پاداش ونیکو
تکیه گاهی.
۳۲- وبرای آنان ،آن دومردرامثل بزن که به یکی ازآنهادوباغ انگورداديم وپیرامون آن دو-باغ-رابادرختان خرماپوشانديم،ومیان آن دورا کشتزاری قرارداديم.
۳۳- هریک ازاین دوباغ محصول خودرا-به موقع-میدادواز -صاحبش-چیزی دریغ نمی ورزید،ومیان آن دو-باغ-نهری روان کرده بوديم.
۳۴- وبرای اومیوه فراوان بود.پس به رفیقش-درحالی که با اوگفت وگومیکرد-گفت: " مال من ازتوبیشتراست وازحیث افرادازتونیرومندترم."
۳۵- ودرحالی که اوبه خویشتن ستمکاربود،داخل باغ شد-و-گفت: " گمان نمی کنم این نعمت هرگززوال پذیرد."
۳۶- وگمان نمی کنم که رستاخیز برپاشود،واگرهم به سوی پروردگارم بازگردانده شوم قطعا بهترازاین را دربازگشت خواهم یافت.
۳۷- رفیقش-درحالی که با اوگفت وگومیکرد-به اوگفت: " آیابه آن کسی که تورا ازخاک ،سپس ازنطفه آفرید،آنگاه تورا-به صورت-مردی درآورد،کافرشدی؟"
۳۸- امامن-میگویم: اوست خدا،پروردگارمن،وهیچکس را باپروردگارم شریک نمی سازم.
۳۹- وچون داخل باغت شدی چرانگفتی: ماشاءالله ،نیرویی

جزبه-قدرت-خداوندنیست.اگرمراازحیث مال وفرزندکمترازخودمیبینی.

۴۰- امیداست که پروردگارم بهترازباغ توبه من عطافرماید،وبرآن

-باغ تو-آفتی ازآسمان بفرستد،تابه زمینی هموارو لغزنده تبدیل گردد.

۴۱- یا آب آن -درزمین-فروکش کندتاهرگزنتوانی آن رابه دست آوری."

۴۲- (تابه اورسیدآنچه رابایدبرسد)و-آفت آسمانی- میوه هایش

رافروگرفت،پس برای-ازکف دادن-آنچه درآن-باغ-هزینه کرده بود،دستهایش

رابرهم میزددرحالی که داربستهای آن فروریخته بود.و-به حسرت-میگفت: "

ای کاش هیچکس راشریک پروردگارم نمی ساختم."

۴۳- واورا دربرابرخداوندگروهی نبود،تایاریش کنند،وتوانی نداشت که

خودرایاری کند.

۴۴- درآنجا-آشکارشدکه-یاری به خدای حق تعلق دارد.اوست بهترین پاداش

و-اوست-بهترین فرجام.

۴۵- وبرای آنان دنیارامثل بزن که مانندآبی است که آن را ازآسمان

فروفرستادیم،سپس گیاه زمین با آن درآمیخت و-چنان-خشک گردیدکه

بادهاپراکنده اش کردند،وخداست که همواره برهرچیزی تواناست.

۴۶- مال وپسران زیورزندگی دنیایند،ونیکی های ماندگارازنظرپاداش

نزدپروردگارت بهتروازنظرامید-نیز-بهتراست.

۴۷- و-یادکن-روزی راکه کوههارابه حرکت درمی آوریم،وزمین را

آشکار-وصاف-می بینی،وآنان راگردمی آوریم وهیچ یک را فروگذارنمی

کنیم.

۴۸- وایشان به صف پروردگارت عرضه میشوند-وبه آنهامی فرماید: - به

راستی همان گونه که نخستین بارشمارا آفریدیم-
باز-به سوی ما آمدید،بلکه پنداشتیدهرگز برای شما موعدی
مقررقرارنخواهیم داد.
۴۹- وکارنامه-عمل شما درمیان-نهاده میشود،آنگاه بزهکاران را ازآنچه
درآن است بیمناک میبینی، ومی گویند: " ای وای برما.این چه نامه ای است
که هیچ-کار-کوچک وبزرگی رافرونگذاشته ،جزاینکه همه رابه حساب
آورده است." وآنچه را انجام داده اندحاضریابند،وپروردگارتوبه هیچ کس
ستم نمی کند.
۵۰- و-یادکن-هنگامی راکه به فرشتگان گفتیم: " آدم راسجده کنید."
پس-همه-جزابلیس-سجده کردند،که از-گروه-جن بودوازفرمان پروردگارش
سرپیچید.آیا-با این حال-او ونسلش رابه جای من دوستان خود می
گیرید،وحال آنکه آنها دشمن شمایند؟وچه بدجانشینانی برای ستمگرانند.
۵۱- (من) آنان رانه درآفرینش آسمانهاوزمین به شهادت طلبیدم ونه
درآفرینش خودشان،ومن آن نیستم که گمراه شدگان را همکارخودبگیرم.
۵۲- و-یادکن-روزی راکه-خدا-میگوید: " آنهایی راکه شریکان من
پنداشتید،صداکنید." پس آنها رابخوانندو-لی-اجابتشان نکنند،وما میان آنان
ورطه ای قراردهیم.
۵۳- وگناهکاران آتش-دوزخ-را میبینندودر می یابندکه در آن
خواهندافتاد،وازآن راه گریزی نیابند.
۵۴- وبه راستی دراین قرآن ،برای مردم ازهرگونه مثلی آوردیم،و-لی-انسان
بیش ازهرچیزسرجدال دارد.

۵۵- وچیزی مانع مردم نشدازاینکه وقتی هدایت به سویشان آمدایمان
بیاورند،وازپروردگارشان آمرزش بخواهند،جزاینکه-مستحق
شوند-تاسنت-خداونددرموردعذاب-پیشینیان،درباره آنان-نیز-به کار
رود،یاعذاب رویارویشان بیاید.
۵۶- وپیامبران-خود-راجزبشارت دهنده وبیم رسان گسیل نمی داریم،وکسانی
که کافرشده اند،به باطل مجادله می کنندتابه وسیله آن،حق راپایمال
گردانند،ونشانه های من وآنچه را-بدان-
بیم داده شده اندبه تمسخر گرفتند.
۵۷- وکیست ستمکارترازآن کس که به آیات پروردگارش پندداده شده ،وازآن
روی برتافته ،ودستاوردپیشینه خودرا فراموش کرده است؟مابردلهای آنان
پوششهایی قراردادیم تاآن را درنیابندودرگوشهایشان
سنگینی-نهادیم-واگرآنهارابه سوی هدایت فراخوانی بازهرگزبه راه
نخواهندآمد.
۵۸- وپروردگارتوآمرزنده-و-صاحب رحمت است،اگربه -جرم-آنچه
مرتکب شده اند،آنهارامواخذه میکرد،قطعادرعذاب آنان تعجیل می نمود-ولی
چنین نمی کند-بلکه برای آنها سر رسیدی است که هرگزازبرابرآن راه
گریزیدنمی یابند.
۵۹- و-مردم-آن شهرهاچون بیدادگری کردند،هلاکشان کردیم،وبرای
هلاکتشان موعدی مقرر داشتیم.
۶۰- و-یادکن-هنگامی راکه موسی به جوان-همراه-خودگفت-: " دست
بردارنیستم تا به محل برخورددودریابرسم،هرچندسالها-ی سال- بگردم."

۶۱- پس چون به محل برخورد دو-دریا-رسیدند،ماهی خودشان رافراموش کردند،وماهی در دریا راه خودرا در پیش گرفت-ورفت-.

۶۲- وهنگامی که-ازآنجا-گذشتند-موسی-به جوان خودگفت: " غذایمان رابیاورکه راستی ما ازاین سفر رنج بسیاردیدیم."

۶۳- گفت: " دیدی؟ وقتی به سوی آن صخره پناه جستیم ،من ماهی رافراموش کردم،وجزشیطان آن را ازیادمن نبرد،تابه یادش باشم،وبه طورعجیبی راه خودرادر دریا پیش گرفت."

۶۴- گفت: " این همان بودکه ما می جستیم." پس جستجوکنان ردّپای خودراگرفتندوبرگشتند.

۶۵- تا بنده ای ازبندگان مارا یافتندکه ازجانب خودبه اورحمتی عطاکرده وازنزدخودبه اودانشی آموخته بودیم.

۶۶- موسی به اوگفت: " آیاتورا-به شرط اینکه ازبینشی که آموخته شده ای به من یاد دهی-پیروی کنم؟"

۶۷- گفت: " توهرگزنمی توانی همپای من صبرکنی.

۶۸- وچگونه میتوانی برچیزی که به شناخت آن احاطه نداری صبرکنی؟"

۶۹- گفت: " ان شاءالله مراشکیبا خواهی یافت ودرهیچ کاری تورا نافرمانی نخواهم کرد."

۷۰- گفت: " اگرمراپیروی می کنی،پس ازچیزی سئوال مکن،تا-خودم-ازآن با توسخن آغازکنم."

۷۱- پس رهسپارگردیدند،تاوقتی که سوارکشتی شدند،-وی-آن راسوراخ

کرد.-موسی-گفت: " آیاکشتی راسوراخ کردی تا سرنشینانش راغرق کنی؟واقعا به کارناروایی مبادرت ورزیدی."

۷۲- گفت: " آیانگفتم که توهرگزنمی توانی همپای من صبرکنی؟"

۷۳- (موسی)گفت: " به سبب آنچه فراموش کردم،مرامواخذه مکن ودرکارم برمن سخت مگیر."

۷۴- پس رفتندتابه نوجوانی برخوردند.-بنده ما-اوراکشت.-موسی به او-گفت: " آیاشخص بی گناهی رابدون اینکه کسی رابه قتل رسانده باشدکشتی؟ واقعا کارناپسندی مرتکب شدی."

۷۵- گفت: " آیابه تونگفتم که هرگزنمی توانی همپای من صبرکنی؟"

۷۶- (موسی)گفت: "اگرازاین پس چیزی ازتوپرسیدم،دیگربامن همراهی مکن-و-ازجانب من قطعامعذورخواهی بود."

۷۷- پس رفتندتابه اهل قریه ای رسیدند.ازمردم آنجاخوراکی خواستند،و-لی آنها- ازمهمان نمودن آن دوخودداری کردند،پس درآنجا دیواری یافتندکه میخواست فروریزد و-بنده ما-آن را استوارکرد.-موسی-گفت: "
اگرمیخواستی-میتوانستی-برای آن
مزدی بگیری."

۷۸- گفت: " این-بار،دیگروقت-جدایی میان من وتوست .به زودی تورا ازتاویل آنچه که نتوانستی برآن صبرکنی آگاه خواهم ساخت."

۷۹- اماکشتی ازآن بینوایانی بودکه دردریاکارمی کردند،خواستم آن را معیوب کنم-چراکه-پیشاپیش آنان پادشاهی بودکه هرکشتی-سالمی-رابه زورمی گرفت.

۸۰- اما نوجوان ،پدرومادرش-هردو-مومن بودند،پس ترسیدیم
-مبادا-آن دورا به طغیان وکفربکشد.
۸۱- پس خواستم که پروردگارشان آن دورابه پاکتروصهربانترازاوعوض
دهد.

۸۲- وامادیوار،ازآن دوپسر-بچه-یتیم درآن شهربود،وزیرآن گنجی متعلق به
آن دوبود،وپدرشان-مردی-نیکوکاربود.پس پروردگارتوخواست آن
دو-یتیم-به حدرشدبرسندوگنجینه خودرا-که رحمتی ازجانب پروردگارت
بود-بیرون آورند.واین-
کارها-رامن خودسرانه انجام ندادم.این بودتاویل آنچه که نتوانستی برآن
صبرکنی.
۸۳- وازتودرباره "ذوالقرنین" می پرسند.بگو: " به زودی چیزی ازاوبرای
شما خواهم خواند."
۸۴- ما درزمین به اوامکاناتی دادیم وازهرچیزی وسیله ای بدو بخشیدیم.
۸۵- تاراهی رادنبال کرد.
۸۶- تاآنگاه که به غروبگاه خورشیدرسید،به نظرش آمدکه-خورشید-درچشمه
ای گل آلودوسیاه غروب می کند،ونزدیک آن طایفه ای را یافت،فرمودیم: "
ای ذوالقرنین،-اختیارباتوست-یا عذاب می کنی یا درمیانشان-روش-نیکویی
پیش میگیری."
۸۷- گفت: "اماهرکه ستم ورزدعذابش خواهیم کرد،سپس به سوی
پروردگارش بازگردانیده میشود،آنگاه اوراعذابی سخت خواهدکرد."

۸۸- واماهرکه ایمان آوردوکارشایسته کند،پاداشی

-هرچه-نیکوترخواهدداشت.

۸۹- سپس راهی-دیگر-را دنبال کرد.

۹۰- تاآنگاه که به جایگاه برآمدن خورشیدرسید.-خورشید-را-چنین

-یافت که برقومی طلوع میکردکه برای ایشان دربرابرآن پوششی قرارنداده

بودیم.

۹۱- این چنین-میرفت-وقطعابه خبری که پیش او بوداحاطه داشتیم.

۹۲- بازراهی رادنبال نمود.

۹۳- تاوقتی به میان دوسدرسید،دربرابرآن دو-سد-طایفه ای رایافت که نمی

توانستندهیچ زبانی رابفهمند.

۹۴- گفتند: " ای ذوالقرنین،یاجوج وماجوج سخت درزمین

فسادمیکنند،آیا-ممکن است-مالی دراختیارتوقراردهیم تامیان ماوآنان سدّی

قراردهی؟"

۹۵- گفت: "آنچه پروردگارم به من درآن تمکّن داده-ازکمک مالی

شما-بهتراست،مرابانیرویی-انسانی-یاری کنیدتا-میان شماوآنهاسدّی

استوارقراردهم."

۹۶- برای من قطعات آهن بیاورید،تاآنگاه که میان دوکوه برابرشد،گفت: "

بدمید" تاوقتی که آن-قطعات-را آتش گردانید.گفت: " مس گداخته برایم

بیاوریدتاروی آن بریزم."

۹۷- (درنتیجه،اقوام وحشی) نتوانستندازآن -مانع-بالاروند ونتوانستندآن را

سوراخ کنند.

۹۸- گفت: " این رحمتی ازجانب پروردگارمن است،و-لی-چون وعده پروردگارم فرارسد،آن-سد-رادرهم کوبد، و وعده پروردگارم حق است."

۹۹- ودرآن روزآنان را رهامی کنیم تا موج آسابعضی بابرخی درآمیزندو-همین که-درصوردمیده شود،همه آنهارا گردخواهیم آورد.

۱۰۰- وآن روز،جهنم را آشکارابه کافران بنماییم.

۱۰۱- (به)همان کسانی که چشمان-بصیرت-شان ازیادمن درپرده بود،وتوانایی شنیدن-حق- نداشتند.

۱۰۲- آیاکسانی که کفرورزیده اند،پنداشته اندکه -میتوانند-به جای من،بندگانم راسرپرست بگیرند؟ماجهنم راآماده کرده ایم تا جایگاه پذیرایی کافران باشد.

۱۰۳- بگو: " آیاشمارا از زیانکارترین مردم آگاه گردانم؟"

۱۰۴- (آنان) کسانی هستندکه کوشش شان درزندگی دنیا به هدررفته وخودمی پندارندکه کارخوب انجام میدهند.

۱۰۵- (آری)آنان کسانی هستندکه آیات پروردگارشان ولقای اوراانکارکردند،درنتیجه اعمالشان تباه گردید،وروزقیامت برای آنها-قدر و-ارزشی نخواهیم نهاد.

۱۰۶- این جهنم سزای آنان است،چراکه کافرشدندوآیات من وپیامبرانم را به ریشخندگرفتند.

۱۰۷- بی تردیدکسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند فردوس جایگاه پذیرایی آنان است.

۱۰۸- جاودانه درآن خواهندبود،وازآنجادرخواست انتقال نمی کنند.

۱۰۹- بگو: " اگردریابرای کلمات پروردگارم مرکب شود،پیش ازآنکه کلمات پروردگارم پایان پذیرد،قطعا دریا پایان می یابد،هرچندنظیرش رابه مدد-آن-بیاوریم."

۱۱۰- بگو: " من هم مثل شما بشری هستم و-لی-به من وحی میشودکه خدای شما خدایی یگانه است،پس هرکس به لقای پروردگارخودامیددارد بایدبه کارشایسته بپردازد،وهیچکس رادرپرستش پروردگارش شریک نسازد."

مریم

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

کهیعص کاف،هاء ،یاء،عین،صاد

۲- (این) یادی است ازرحمت پروردگارتو-درباره-بنده اش زکریاست.

۳- آنگاه که -زکریا-پروردگارش را آهسته نداکرد.

۴- گفت: " پروردگارا،من استخوانم سست گردیده و-موی-سرم ازپیری سپیدگشته ،و-ای پروردگارمن- هرگزدردعای تو ناامیدنبوده ام."

۵- ومن پس ازخویشتن ازبستگانم بیمناکم وزنم نازاست،پس ازجانب خودولی-وجانشینی-به من ببخش.

۶- که ازمن ارث بردوازخاندان یعقوب-نیز-ارث برد،واورا -ای پروردگارمن-پسندیده گردان.

۷- ای زکریا،ماتورابه پسری-که نامش یحیی است-بشارت می دهیم،که قبلا همنامی برای اوقرارنداده ایم.

۸- گفت: " پروردگارا ،چگونه مراپسری خواهدبودوحال آنکه زنم نازاست ومن ازسالخوردگی ناتوان شده ام؟"

۹- (فرشته) گفت: " -فرمان-چنین است،پروردگارتوگفته که این-کار-برمن آسان است.

۱۰- گفت: " پروردگارا،نشانه ای برای من قرارده" فرمود: " نشانه تواین است که سه شبانه-روز-بااینکه سالمی بامردم سخن نمی گویی."

۱۱- پس،ازمحراب برقوم خویش درآمدوایشان راآگاه گردانیدکه روزوشب به نیایش بپردازید.

۱۲- ای یحیی،کتاب-خدا-رابه جدوجهدبگیر،وازکودکی به اونبوّت دادیم.

۱۳- و-نیز-ازجانب خود،مهربانی وپاکی-به اودادیم-وتقواپیشه بود.

۱۴- وباپدرومادرخودنیک رفتاربود وزورگویی نافرمان نبود.

۱۵- ودرود براو ،روزی که زاده شدوروزی که می میرد وروزی که زنده برانگیخته میشود.

۱۶- ودراین کتاب ازمریم یادکن،آنگاه که ازکسان خود،درمکانی شرقی به کناری شتافت.

۱۷- ودربرابر آنان پرده ای برخودگرفت.پس روح خودرابه سوی اوفرستادیم تابه -شکل-بشری خوش اندام براونمایان شد.

۱۸- (مریم) گفت: " اگرپرهیزکاری، من ازتوبه خدای رحمان پناه میبرم."

۱۹- گفت: " من فقط فرستاده پروردگارتوهستم، برای اینکه به توپسری پاکیزه ببخشم."

۲۰- گفت: " چگونه مراپسری باشدبا آنکه دست بشری به من نرسیده وبدکارنبوده ام؟"

۲۱- گفت: " -فرمان-چنین است،پروردگارتوگفته که آن برمن آسان است،وتااورا نشانه ای برای مردم ورحمتی ازجانب خویش قراردهیم،و-این-دستوری قطعی بود."

۲۲- پس-مریم-به او-عیسی-آبستن شدوبااوبه مکان دورافتاده ای پناه جست.

۲۳- تادردزایمان اورابه سوی تنه درخت خرمایی کشانید.گفت: " ای کاش ،پیش ازاین مرده بودم ویکسرفراموش شده بودم."

۲۴- پس از زیر-پای-او-فرشته-وی را ندا دادکه : غصه نخور،پروردگارت

زیر-پای-توچشمه آبی پدیدآورده است.

۲۵- وتنه درخت خرمارابه طرف خود-بگیرو-بتکان ،برتوخرمای تازه می ریزد.

۲۶- وبخوروبنوش ودیده روشن دار.پس اگرکسی ازآدمیان رادیدی،بگوی: " من برای -خدای-رحمان روزه نذرکرده ام،وامروزمطلقابا انسانی سخن نخواهم گفت."

۲۷- پس-مریم-درحالی که اورا درآغوش گرفته بودبه نزدقومش آورد.گفتند: " ای مریم،به راستی کاربسیارناپسندی مرتکب شده ای."

۲۸- ای خواهر هارون ،پدرت مردبدی نبودومادرت-نیز-بدکاره نبود.

۲۹- (مریم)به سوی-عیسی-اشاره کرد،گفتند: چگونه باکسی که درگهواره-و-کودک است سخن بگوییم؟"

۳۰- (کودک) گفت: " منم بنده خداوند،به من کتاب داده ومرا پیامبرقرارداده است.

۳۱- وهرجاکه باشم مرابابرکت ساخته وتا زنده ام به نمازوزکات سفارش کرده است.

۳۲- ومرانسبت به مادرم نیکوکارکرده وزورگو ونافرمانم نگردانیده است.

۳۳- ودرودبرمن روزی که زاده شدم وروزی که می میرم وروزی که زنده برانگیخته میشوم."

۳۴- این است-ماجرای-عیسی پسرمریم-همان--گفتاردرستی که درآن شک می کنند.

۳۵- خداوندرانسزدکه فرزندی برگیرد.منزّه است او،چون کاری را اراده کند،همین قدربه آن میگوید: " موجودشو" پس بیدرنگ موجودمیشود.

۳۶- ودرحقیقت ،خداست که پروردگارمن وپروردگارشماست ،پس اورا بپرستید،این است راه راست.

۳۷- اما دسته ها-ی گوناگون-ازمیان آنهابه اختلاف پرداختند،پس وای برکسانی که کافرشدنداز مشاهده روزی دهشتناک.

۳۸- چه شنواوبینایند روزی که به سوی ما می آیند،ولی ستمگران امروزدرگمراهی آشکارند.

۳۹- وآنان را از روز حسرت بیم ده،آنگاه که داوری انجام گیرد،وحال آنکه آنها-اکنون-درغفلتندوسرایمان آوردن ندارند.

۴۰- ماییم که زمین راباهرکه درآن است به میراث می بریم و-همه-به سوی ما بازگردانیده میشوند.

۴۱- ودراین کتاب به یادابراهیم پرداز،زیرااوپیامبری بسیارراستگوبود.

۴۲- چون به پدرش گفت: " پدرچان چراچیزی راکه نمی شنودونمی بیندوازتوچیزی رادورنمی کندمی پرستی؟

۴۳- ای پدر،به راستی مرا ازدانش-وحی،حقایقی به دست-آمده که تورا نیامده است.پس ازمن پیروی کن تاتورا به راهی راست هدایت نمایم.

۴۴- پدرجان،شیطان رامپرست،که شیطان-خدای-رحمان را عصیان نموده است.

۴۵- پدرجان،من میترسم ازجانب-خدای-رحمان عذابی به تورسدوتویارشیطان باشی."

۴۶- گفت: " ای ابراهیم آیاتوازخدایان من متنفری؟اگربازنایستی توراسنگسارخواهم کرد،و-برو-برای مدتی طولانی ازمن دورشو."

۴۷- (ابراهیم)گفت: " درودبرتوباد،به زودی ازپروردگارم برای توآمرزش می خواهم،زیرااوهمواره نسبت به من پرمهربوده است.

۴۸- وازشماو-از-آنچه غیرازخدامیخوانیدکناره میگیرم.وپروردگارم را میخوانم.امیدوارم که درخواندن پروردگارم ناامیدنباشم."

۴۹- وچون ازآنهاو-از-آنچه به جای خدامی پرستیدندکناره گرفت ،اسحاق ویعقوب رابه اوعطاکردیم وهمه راپیامبرگردانیدیم.

۵۰- وازرحمت خویش به آنان ارزانی داشتیم،وذکرخیربلندی برایشان قراردادیم.

۵۱- ودراین کتاب ازموسی یادکن ،زیراکه اوپاکدل وفرستاده ای پیامبربود.

۵۲- وازجانب راست طور،اوراندادادیم،ودرحالی که باوی رازگفتیم اورابه خودنزدیک ساختیم.

۵۳- وبه رحمت خویس برادرش هارون پیامبررابه اوبخشیدیم.

۵۴- ودراین کتاب ازاسماعیل یادکن،زیراکه اودرست وعده وفرستاده ای پیامبربود.

۵۵- وخاندان خودرابه نمازوزکات فرمان می دادوهمواره نزدپرودگارش پسندیده-رفتار-بود.

۵۶- ودراین کتاب ازادریس یادکن که اوراستگویی پیامبربود.

۵۷- و-ما-اورا به مقامی بلندارتقا دادیم.

۵۸- آنان کسانی ازپیامبران بودندکه خداوندبرایشان نعمت ارزانی

داشت،ازفرزندان آدم بودندوازکسانی که همراه
نوح-برکشتی-سوارکردیم،وازفرزندان ابراهیم واسراییل وازکسانی که-آنان
را-هدایت نمودیم وبرگزیدیم-و-هرگاه آیات-خدای-رحمان برایشان خوانده
میشد،سجده کنان وگریان به خاک می افتادند.
((سجده واجب))
۵۹- آنگاه پس ازآنان جانشینانی به جای ماندندکه نمازراتباه ساخته
وازهوسها پیروی کردند،وبه زودی-سزای-گمراهی-خود-را
خواهند دید.
۶۰- مگرآنان که توبه کرده وایمان آورده وکارشایسته انجام دادند،که آنان به
بهشت درمی آنیدوستمی برایشان نخواهدرفت.
۶۱- باغهای جاودانی که-خداوند-رحمان به بندگانش درجهان ناپیداوعده داده
است،درحقیقت وعده اوانجام شدنی است.
۶۲- درآنجاسخن بیهوده ای نمی شنوند،جزدرود،وروزی شان صبح وشام
درآنجا-آماده-است.
۶۳- این همان بهشتی است که به هریک ازبندگان ماکه پرهیزکارباشدبه
میراث میدهیم.
۶۴- و-مافرشتگان-جزبه فرمان پروردگارت نازل نمی شویم.آنچه پیش روی
ما وآنچه پشت سرما وآنچه میان این دو است،-همه-به اواختصاص
دارد،وپروردگارت هرگزفراموشکارنبوده است.
۶۵- پروردگارآسمانهاوزمین وآنچه میان آن دواست،پس اورابپرست
ودرپرستش اوشکیبا باش.آیا برای اوهمنامی میشناسی؟

۶۶- وانسان میگوید: " آیاوقتی بمیرم،راستی زنده-ازقبر-بیرون آورده میشوم؟"

۶۷- آیاانسان به یادنمی آوردکه مااوراقبلا آفریده ایم وحال آنکه چیزی نبوده است؟

۶۸- پس ،به پروردگارت سوگندکه آنهاراباشیاطین محشورخواهیم ساخت،سپس درحالی که به زانودرآمده اند،آنان راگرداگرد دوزخ حاضرخواهیم نمود.

۶۹- آنگاه ازهردسته ای،کسانی ازآنان راکه بر-خدای-رحمان سرکش تربوده اند،بیرون خواهیم کشید.

۷۰- پس ازآن به کسانی که برای درآمدن به -جهنم-سزاوارترند خود داناتریم.

۷۱- وهیچکس ازشمانیست مگر-اینکه-درآن واردمیگردد.این-امر-همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است.

۷۲- آنگاه کسانی راکه پرهیزکاربوده اندمی رهانیم،وستمگران رابه زانودرافتاده در-دوزخ-رهامی کنیم.

۷۳- وچون آیات روشن ما برآنان خوانده شود،کسانی که کفرورزیده اندبه آنان که ایمان آورده اندمی گویند: " کدام یک از-ما-دوگروه جایگاهش بهترومحفلش آراسته تراست؟"

۷۴- وچه بسبارنسلهاراپیش ازآنان نابودکردیم،که وسایلی بهتروظاهری فریباترداشتند.

۷۵- بگو: " هرکه درگمراهی است-خدای-رحمان به اوتا زمانی مهلت

میدهد،تاوقتی آنچه به آنان وعده داده میشود،یا عذاب

یاروزرستاخیزراببینید،پس به زودی خواهنددانست جایگاه چه کسی

بدتروسپاهش ناتوان تراست."

۷۶- وخداوندکسانی راکه هدایت یافته اندبرهدایتشان می افزاید،ونیکی های

ماندگار،نزدپروردگارت ازحیث پاداش بهتروخوش فرجام تراست.

۷۷- آیادیدی آن کسی راکه به آیات ماکفرورزیدوگفت: " قطعا به من مال

وفرزند-بسیار-داده خواهدشد؟"

۷۸- آیابرغیب آگاه شده یااز-خدای-رحمان عهدی گرفته است؟

۷۹- نه چنین است.به زودی آنچه رامیگوید،مینویسیم وعذاب رابرای

اوخواهیم افزود.

۸۰- وآنچه رامیگوید،ازاوبه ارث میبریم وتک وتنها به سوی ما خواهدآمد.

۸۱- وبه جای خدا،معبودانی اختیارکردندتابرای آنان-مایه-عزّت باشد.

۸۲- نه چنین است ،به زودی-آن معبودان-عبادت ایشان را انکارمی

کنندودشمن آنان می گردند.

۸۳- آیاندانستی که ماشیاطین رابرکافران گماشته ایم،تاآنان را

-به گناهان-تحریک کنند؟

۸۴- پس برضدآنان شتاب مکن،که ما -روزها-رابرای آنهاشماره میکنیم.

۸۵- (یادکن) روزی راکه پرهیزکاران رابه سوی-خدای-رحمان گروه گروه

محشورمیکنیم.

۸۶- ومجرمان راباحال تشنگی به سوی دوزخ می رانیم.

۸۷- (آنان) اختیارشفاعت راندارند،جزآن کس که ازجانب-خدای-

رحمان پیمانی گرفته است.

۸۸- وگفتند: " (خدای)رحمان فرزندی اختیارکرده است."

۸۹- واقعاچیززشتی را-برزبان-آوردید.

۹۰- چیزی نمانده است که آسمانهاازاین-سخن-بشکافندوزمین چاک

بخوردوکوهها به شدت فروریزند.

۹۱- ازاینکه برای-خدای-رحمان فرزندی قائل شدند.

۹۲- (خدای)رحمان رانسزدکه فرزندی اختیارکند.

۹۳- هرکه درآسمانهاوزمین است جزبنده واربه سوی -خدای-

رحمان نمی آید.

۹۴- ویقیناآنهارابه حساب آورده وبه دقت شماره کرده است.

۹۵- وروزقیامت همه آنهاتنها به سوی اوخواهندآمد.

۹۶- کسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند،به زودی

-خدای-رحمان برای آنان محبتی-دردلها-قرارمیدهد.

۹۷- درحقیقیت،مااین-قرآن-رابرزبان توآسان ساختیم تاپرهیزکاران

رابدان نوید،ومردم ستیزه جورابدان بیم دهی.

۹۸- وچه بسیارنسلهاکه پیش ازآنان هلاک کردیم.آیاکسی ازآنان رامی یابی

یاصدایی ازایشان میشنوی؟

طه

۱- بنام خداوند بخشنده مهربان

طه

۲- قرآن رابرتونازل نکردیم تابه رنج افتی.

۳- جزاینکه برای هرکه می ترسد،پندی باشد.

۴- (کتابی است) نازل شده ازجانب کسی که زمین وآسمانهای بلندرا آفریده
است.

۵- خدای رحمان که برعرش استیلا یافته است.

۶- آنچه درآسمانهاوآنچه درزمین وآنچه میان آن دو وآنچه زیرخاک است،
ازآن اوست.

۷- واگرسخن به آوازگویی ،اونهان ونهان تررا می داند.

۸- خدایی که جزاومعبودی نیست-و-نامهای نیکوبه اواختصاص دارد.

۹- وآیاخبرموسی به تورسید؟

۱۰- هنگامی که آتشی دید،پس به خانواده گفت: " درنگ کنید،زیرامن آتشی
دیدم،امیدکه پاره ای ازآن برای شما بیاورم یادرپرتوآتش راه-خودراباز-یابم.

۱۱- پس چون بدان رسید،نداداده شدکه : " ای موسی،

۱۲- این منم پروردگارتو،کفش خویش بیرون آورکه تودروادی
مقدس" طوی" هستی.

۱۳- ومن تورابرگزیده ام ،پس بدانچه وحی میشودگوش فراده.

۱۴- منم من،خدایی که جزمن خدایی نیست،پس مراپرستش کن وبه یادمن

نمازبرپادار.

۱۵- درحقیقت،قیامت فرارسنده است.میخواهم آن راپوشیده دارم،تاهرکسی به -موجب-آنچه میکوشدجزایابد.

۱۶- پس هرگزنبایدکسی که به آن ایمان نداردوازهوس خویش پیروی کرده است،تورا از-ایمان به-آن بازدارد،که هلاک خواهی شد.

۱۷- وای موسی،دردست راست توچیست؟"

۱۸- گفت: " این عصای من است،برآن تکیه میدهم وبا آن برای گوسفندانم برگ می تکانم ،وکارهای دیگری هم برای من ازآن برمی آید."

۱۹- فرمود: " ای موسی آن را بینداز."

۲۰- پس آن را انداخت وناگاه ماری شدکه به سرعت می خزید.

۲۱- فرمود: " آن رابگیرونترس،به زودی آن را به حال اوّلش بازخواهیم گردانید،

۲۲- وبازبه اوخطاب شدکه دست خودبه گریبان فروبرتا بادرخشانی ونوری بی عیب ونقص بیرون آیدواین معجزه دیگرتوخواهدبود.

۲۳- تابه تومعجزات بزرگ خودرابنمایانیم.

۲۴- بروبه سوی فرعون که اوبه سرکشی برخاسته است.

۲۵- گفت: " پروردگارا،سینه ام راگشاده گردان،

۲۶- وکارم رابرای من آسان ساز.

۲۷- واززبانم گره بگشای،

۲۸- (تا) سخنم رابفهمند،

۲۹- وبرای من دستیاری ازکسانم قرارده،

۳۰- هارون برادرم را،

۳۱- پشتم رابه اواستوارکن،

۳۲-،واورا شریک کارم گردان،

۳۳- تاتورافراوان تسبیح گوییم،

۳۴- وبسیاربه یادتوباشیم،

۳۵- زیراتوهمواره به-حال-مابینایی."

۳۶- فرمود: " ای موسی ،خواسته ات به توداده شد."

۳۷- وبه راستی،باردیگر-هم-برتومنت نهادیم،

۳۸- هنگامی که به مادرت آنچه راکه-باید-وحی میشدوحی کردیم،

۳۹- که اورا درصندوقچه ای بگذار،سپس در دریایش افکن تا دریااورا به کرانه اندازد-و-دشمن من ودشمن وی، اورابرگیرد،ومهری ازخودم برتو افکندم تا زیرنظرمن پرورش یابی.

۴۰- آنگاه خواهرتومیرفت ومیگفت: " آیاشمارابرکسی که عهده داراوگردد راهنمایی کنم؟پس تورا به سوی مادرت بازگردانیدیم تا دیده اش روشن شود وغم نخورد،و-سپس-شخصی راکُشتی و-ما-تورا ازاندوه رهانیدیم،وتورابارهاآزمودیم،وسالی چنددرمیان اهل"مدین" ماندی،سپس ای موسی درزمان مقدر-ومقتضی-آمدی.

۴۱- وتورابرای خودپروردم.

۴۲- تووبرادرت معجزه های مرا-برای مردم- ببریدودریادکردن من سستی

نکنید.

۴۳- برویدبه سوی فرعون که اوبه سرکشی برخاسته،

۴۴- وبا اوسخنی نرم گویید،شایدکه پندپذیردیا بترسد.

۴۵- آن دوگفتند: " پروردگارا،مامیترسیم که-او-آسیبی به ما برساندیاآنکه

سرکشی کند."

۴۶- فرمود: " نترسید،من همراه شمایم،میشنوم ومیبینم،

۴۷- پس به سوی اوبرویدوبگویید: مادوفرستاده پروردگارتو هستیم،پس

فرزندان اسرائیل رابامابفرست،وعذابشان

نکن،به راستی مابرای توازجانب پروردگارت معجزه ای آورده

ایم،وبرهرکس که ازهدایت پیروی کند درودباد.

۴۸- درحقیقت به سوی ماوحی آمده که عذاب برکسی است

که تکذیب کند وروی گرداند.

۴۹- (فرعون) گفت: " ای موسی،پروردگارشما دوتن کیست؟"

۵۰- گفت: " پروردگارما کسی است که هرچیزی راخلقتی که درخوراوست

داده،سپس آن راهدایت فرموده است."

۵۱- گفت: " حال نسلهای گذشته چگونه است؟"

۵۲- گفت: " علم آن درکتابی نزدپروردگارمن است،پروردگارم نه خطامی

کندونه فراموش می نماید."

۵۳- همان کسی که زمین را برایتان گهواره ای ساخت،وبرای شما

درآن،راهها ترسیم کردوازآسمان آبی فرودآورد،پس به وسیله آن رستنیهای

گوناگون ،جفت جفت بیرون آوردیم.

۵۴- بخوریدودامهایتان رابچرانیدکه قطعادراینهابرای خردمندان نشانه هایی است.

۵۵- ازاین-زمین-شمارا آفریده ایم،درآن شمارابازمی گردانیم وباردیگرشمارا ازآن بیرون می آوریم.

۵۶- درحقیقت،-ما-همه آیات خودرابه-فرعون-نشان دادیم،ولی -اوآنهارا-دروغ پنداشت و نپذیرفت.

۵۷- گفت: " ای موسی، آمده ای تاباسحرخود،مارا از سرزمینمان بیرون کنی؟

۵۸- ما-هم-قطعا برای توسحری مثل آن خواهیم آورد،پس میان ماوخودت موعدی بگذارکه نه ما آن راخلاف کنیم ونه تو،-آن هم-درجایی هموار."

۵۹- (موسی) گفت: " موعدشماروزجشن باشدکه مردم پیش از ظهرگردمی آیند."

۶۰- پس فرعون رفت و-همه-نیرنگ خودراگردآوردوبازآمد.

۶۱- موسی به-ساحران-گفت: " وای برشما،به خدادروغ مبندیدکه شمارا به عذابی سخت هلاک میکند،وهرکه دروغ بندد نومیدمیگردد."

۶۲- (ساحران) میان خود،درباره کارشان به نزاع برخاستندوبه نجواپرداختند.

۶۳- (فرعونیان) گفتند: " قطعااین دوتن ساحرند-و-میخواهندشما راباسحرخودازسرزمینتان بیرون کنند،وآیین والای شمارا براندازند.

۶۴- پس نیرنگ خودراگردآورید وبه صف پیش آیید،درحقیقت امروزهرکه

فایق آیدخوشبخت میشود."

۶۵- (ساحران) گفتند: " ای موسی، تو می افکنی یا -ما-نخستین

کس باشیم که می اندازیم؟"

۶۶- گفت : " -نه-بلکه شما بیندازید." پس ناگهان ریسمانهاوچوبدستی

هایشان ،براثرسحرشان درخیال او-چنین-مینمود که آنها به شتاب می خزند.

۶۷- وموسی درخودترسی احساس کرد.

۶۸- گفتیم: " مترس که توخودبرتری،

۶۹- وآنچه دردست راست داری بینداز ،تاهرچه راساخته

اندببلعد.درحقیقت،آنچه سرهم بندی کرده اند،افسون

افسونگراست،وافسونگرهرجابرود رستگارنمیشود."

۷۰- پس ساحران به سجده درافتادند،گفتند: " به پروردگارموسی وهارون

ایمان آوردیم."

۷۱- (فرعون) گفت: " آیاپیش ازآنکه به شما اجازه دهم به اوایمان

آوردید؟قطعا اوبزرگ شماست که به شما سحرآموخته

است ،پس بی شک دستهای شما وپاهایتان رایکی ازراست ویکی ازچپ قطع

میکنم وشما رابرتنه های درخت خرما به دارمی آویزم،تاخوب بدانیدعذاب

کدام یک ازما سخت تروپایدارتراست."

۷۲- گفتند: " ماهرگزتورا برمعجزاتی که به سوی ماآمده و-بر-

آن کس که ماراپدیدآورده است،ترجیح نخواهیم داد،پس هرحکمی میخواهی

بکن که تنها دراین زندگی دنیاست که -تو-

حکم رانی میکنی.
۷۳- مابه پروردگارمان ایمان آوردیم ،تاگناهان ماوآن سحری که مارابدان
واداشتی برما ببخشاید،وخداوندبهتروپایدارتراست."
۷۴- درحقیقت،هرکه به نزدپروردگارش گنهکاررود،جهنم برای اوست.درآن
نه می میردونه زندگی می یابد.
۷۵- وهرکه مومن به نزداو رود،درحالی که کارهای شایسته
انجام داده باشد،برای آنان درجات والا خواهدبود:
۷۶- بهشتهای عدن که اززیرآن جویبارها روان است،جاودانه درآن می
مانند،واین است پاداش کسی که به پاکی گراید.

۷۷- ودرحقیقت به موسی وحی کردیم که: " بندگانم راشبانه ببر،وراهی
خشک در دریا برای آنان بازکن که نه ازفرارسیدن-
دشمن-بترسی ونه -ازغرق شدن-بیمناک باشی."
۷۸- پس فرعون بالشکریانش آنهارادنبال کرد،و-لی-ازدریاآنچه آنان
رافروپوشانید،فروپوشانید.
۷۹- وفرعون قوم خودراگمراه کردوهدایت ننمود.
۸۰- " ای فرزندان بنی اسراییل ،درحقیقت-ما-شمارا از-دست-دشمنتان
رهانیدیم،ودرجانب راست طورباشماوعده نهادیم وبرشماترنجبین وبلدرچین
فروفرستادیم.
۸۱-،ازخوراکیهای پاکیزه ای که روزی شما کردیم،بخوریدو-لی-
درآن زیاده روی نکنیدکه خشم من برشمافرودآید،وهرکس خشم من

براوفرودآید،قطعادر-ورطه-هلاکت افتاده است.

۸۲- وبه یقین ،من آمرزنده کسی هستم که توبه کندوایمان بیاوردوکارشایسته نمایدوبه راه راست رهسپارشود."

۸۳- " وای موسی" چه چیزتورا -دور- ازقوم خودت به شتاب واداشته است؟"

۸۴- گفت: " اینان درپی من هستند،ومن-ای پروردگارم-به سویت شتافتم تاخشنودشوی."

۸۵- فرمود: " درحقیقت،ماقوم توراپس از-عزیمت-توآزمودیم وسامری آنهاراگمراه ساخت."

۸۶- پس موسی خشمگین واندوهناک به سوی قوم خودبرگشت -و-گفت: " ای قوم من،آیاپروردگارتان به شماوعده نیکونداد؟آیا این مدت برشماطولانی مینمود،یاخواستیدخشمی ازپروردگارتان برشمافرودآیدکه با وعده من مخالفت کردید؟"

۸۷- گفتند: " مابه اختیارخودباتوخلاف وعده نکردیم ولی اززینت آلات قوم،بارهایی سنگین بردوش داشتیم وآنهاراافکندیم و-خود- سامری -هم زینت آلاتش را-همین گونه بینداخت.

۸۸- پس برای آنان پیکرگوساله ای که صدایی داشت بیرون آورد،و-او وپیروانش-گفتند: " این خدای شماوخدای موسی است،و-پیمان خدارا-فراموش کرد."

۸۹- مگرنمی بینندکه -گوساله-پاسخ آنان رانمی دهدوبه حالشان سودو زیانی

ندارد؟

۹۰- ودرحقیقت ،هارون قبلا به آنان گفته بود: " ای قوم من،شمابه وسیله

این-گوساله-موردآزمایش قرارگرفته اید،وپروردگارشما-خدای-رحمان

است،پس مراپیروی کنیدوفرمان مرابپذیرید."

۹۱- گفتند: " ماهرگزازپرستش آن دست برنخواهیم داشت تا موسی به سوی

مابازگردد."

۹۲- (موسی)گفت: " ای هارون،وقتی دیدی آنهاگمراه شدندچه

چیزمانع توشد،

۹۳- که ازمن پیروی کنی؟آیا ازفرمانم سرباززدی؟"

۹۴- گفت: " ای پسرمادرم،نه ریش مرابگیرونه-موی-سرم را،من ترسیدم

بگویی: " میان بنی اسراییل تفرقه انداختی وسخنم را مراعات نکردی."

۹۵- (موسی)گفت: " ای سامری،منظورتوچه بود؟"

۹۶-گفت: " به چیزی که -دیگران-به آن پی نبردند،پی بردم ،وبه قدرمشتی

ازردپای فرستاده-خدا،جبرییل-برداشتم وآن رادرپیکر-گوساله-انداختم ونفس

من برایم چنین فریبکاری کرد."

۹۷- گفت: " پس بروکه بهره تودرزندگی این باشدکه-به هرکه نزدیک

توآمد-بگویی: -به من -دست نزنیدوتوراموعدی خواهدبودکه هرگزازآن

تخلف نخواهی کرد،و-اینک-به آن خدایی که پیوسته ملازمش بودی بنگر،آن

را قطعا می سوزانیم وخاکسترش میکنیم-و-در دریا فرومی پاشیم."

۹۸- " معبودشماتنها آن خدایی است که جزاومعبودی نیست،وعلم او همه

چیز را دربرگرفته است."

۹۹- اینگونه ازاخبارپیشین برتوحکایت میرانیم،ومسلما به توازجانب
خودقرآنی داده ایم.
۱۰۰- هرکس از-پیروی-آن روی برتابد،روزقیامت بارگناهی بردوش
میگیرد.
۱۰۱- پیوسته درآن -حال-می ماند،وچه بدباری روزقیامت خواهند داشت.
۱۰۲- (همان) روزی که درصوردمیده میشود،ودرآن روزمجرمان
راکبودچشم برمی انگیزیم.
۱۰۳- میان خودبه طورپنهانی میگویند: " شما -دردنیا-جزده
-روز،بیش-نمانده اید."
۱۰۴- مادداناتریم به آنچه می گویند،آنگاه که نیک آیین ترین
آنان میگوید: " جزیک روز،بیش نمانده اید."
۱۰۵- وازتودرباره کوهها می پرسند،بگو:" پروردگارم
آنهارا-درقیامت-ریزریزخواهدساخت.
۱۰۶- پس آنهاراپهن وهموارخواهدکرد.
۱۰۷- نه درآن کجی میبینی ونه ناهمواری.
۱۰۸- درآن روز،-همه مردم-داعی-حق-را-که هیچ انحرافی
دراونیست-پیروی می کنند،وصداهادرمقابل-خدای-رحمان خاشع
میگردد،وجزصدایی آهسته نمی شنوی.
۱۰۹- درآن روز،شفاعت-به کسی-سودنبخشد،مگرکسی راکه -خدای-رحمان
اجازه دهدوسخنش اوراپسندآید.
۱۱۰- آنچه راکه آنان درپیش دارندوآنچه راکه پشت سرگذاشته اندمی

داند،وحال آنکه ایشان بدان دانشی ندارند.

۱۱۱- وچهره هابرای آن -خدای-زنده پاینده خضوع می کنند،وآن کس که ظلمی بردوش دارد نا امیدمیشود.

۱۱۲- وهرکس کارهای شایسته کند،درحالی که مومن باشد،نه ازستمی می هراسدونه ازکاسته شدن-حقّش-.

۱۱۳- واینگونه آن را-به صورت-قرآنی عربی نازل کردیم،ودرآن از انواع هشدارهاسخن آوردیم،شایدآنان راه تقوارا درپیش گیرند،یا-این کتاب-پندی تازه برای آنان بیاورد.

۱۱۴- پس بلندمرتبه است خداوند،فرمانروای برحق،ودر-خواندن-قرآن،پیش ازآنکه وحی آن برتوپایان یابد،شتاب مکن،وبگو: " پروردگارا،بردانشم بیفزای."

۱۱۵- وبه یقین پیش ازاین با آدم پیمان بستیم،و-لی آن را-فراموش کرد،وبرای اوعزمی-استوار-نیافتیم.

۱۱۶- و-یادکن-هنگامی راکه به فرشتگان گفتیم: " برای آدم سجده کنید." پس جزابلیس که سرباززد-همه-سجده کردند.

۱۱۷- پس گفتیم: " ای آدم،درحقیقت،این-ابلیس-برای توو همسرت دشمنی -خطرناک- است،زنهارتاشمارا ازبهشت به درنکند تا تیره بخت گردی."

۱۱۸- درحقیقت برای تودرآنجااین-امتیاز-است که نه گرسنه میشوی ونه برهنه میمانی.

۱۱۹- و-هم-اینکه درآنجانه تشنه میگردی ونه آفتاب زده.

۱۲۰- پس شیطان او را وسوسه کرد،گفت: " ای آدم،آیاتورا به درخت جاودانگی وملکی که زایل نمیشود،راه نمایم؟"

۱۲۱- آنگاه ازآن-درخت ممنوع-خوردندوبرهنگی آنان برایشان نمایان شدوشروع کردندبه چسبانیدن برگهای بهشت برخود.و-این گونه-آدم به پروردگارخودعصیان ورزیدوبیراهه رفت.

۱۲۲- سپس پروردگارش اورابرگزیدوبراوببخشودو-وی را-هدایت کرد.

۱۲۳- فرمود: " همگی ازآن-مقام-فرودآیید،درحالی که بعضی ازشمادشمن بعضی دیگراست،پس اگربرای شماازجانب من رهنمودی رسد،هرکس ازهدایتم پیروی کندنه گمراه میشود ونه تیره بخت.

۱۲۴- وهرکس ازیادمن دل بگرداند،درحقیقت،زندگی تنگ-وسختی- خواهدداشت،وروزرستاخیزاورا نابینا محشورمیکنیم."

۱۲۵- میگوید: " پروردگارا،چرامرانابینامحشورکردی با آنکه بینابودم؟"

۱۲۶- میفرماید: " همان طورکه نشانه های مابرتوآمدوآن را به فراموشی سپردی،امروزهمان گونه فراموش میشوی."

۱۲۷- واینگونه هرکه رابه افراط گراییده وبه نشانه های پروردگارش نگرویده است سزامی دهیم،وقطعا شکنجه آخرت سخت تروپایدارتراست.

۱۲۸- آیابرای هدایتشان کافی نبودکه -ببینند-چه نسلهاراپیش ازآنان نابودکردیم که-اینک آنها-درسراهای ایشان راه میروند؟

به راستی برای خردمندان دراین-امر-نشانه هایی-عبرت انگیز
است.
۱۲۹- واگرسخنی ازپروردگارت پیشی نگرفته وموعدی معین مقررنشده
بود،قطعا-عذاب آنها-لازم می آمد.
۱۳۰- پس برآنچه میگویندشکیباباش،وپیش ازبرآمدن آفتاب وقبل ازفروشدن
آن،باستایش پروردگارت-اورا-تسبیح گوی ،وبرخی ازساعات شب وحوالی
روزرابه نیایش پرداز،باشدکه خشنودگردی
۱۳۱- وزنهار به سوی آنچه اصنافی ازایشان را ازآن
برخوردارکردیم-وفقط-زیورزندگی دنیاست تاایشان رادرآن بیازماییم ،دیدگان
خود مدوز، و-بدان که-روزی پرودگارتوبهتروپایدارتراست.
۱۳۲- وکسان خودرابه نمازفرمان ده وخودبرآن شکیبا باش،ماازتوجویای
روزی نیستیم،مابه توروزی می دهیم،وفرجام
-نیک-ازآن پرهیزکاران است.
۱۳۳- وگفتند: " چراازجانب پروردگارش معجره ای برای مانمی آورد؟" آیا
دلیل روشن آنچه درصحیفه های پیشین است برای آنان نیامده است؟
۱۳۴- واگرما آنان راقبل از-آمدن قرآن-به عذابی هلاک می کردیم،قطعا می
گفتند: " پروردگارا ،چراپیامبری به سوی مانفرستادی تاپیش ازآنکه
خوارورسواشویم ازآیات تو پیروی کنیم؟"
۱۳۵- بگو: " همه درانتظارند،پس درانتظارباشید،زوداست که بدانید یاران
راه راست کیانند وچه کسی راه یافته است."

انبیاء (پیامبران)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

برای مردم-وقت-حسابشان نزدیک شده است،وآنان دربی خبری رویگردانند.

۲- هیچ پندتازه ای ازپروردگارشان نیامد،مگراینکه بازی کنان آن راشنیدند.

۳- درحالی که دلهایشان مشغول است،وآنانکه ستم کردندپنهانی به نجوابرخاستندکه: " آیااین-مرد-جزبشری مانندشماست؟آیادیده ودانسته به سوی سحرمی روید؟"

۴- (پیامبر)گفت: "پروردگارم-هر-گفتار-ی-رادرآسمان وزمین می داند ،واوست شنوای دانا."

۵- بلکه گفتند: " خوابهای شوریده است،-نه-بلکه آن رابربافته ،بلکه اوشاعری است.پس همان گونه که برای پیشینیان هم عرضه شد،بایدبرای مانشانه ای بیاورد."

۶- قبل ازآنان-نیزمردم-هیچ شهری-که آن رانابودکردیم ایمان نیاوردند،پس آیااینان-به معجزه-ایمان می آورند؟

۷- وپیش ازتو-نیز-جزمردانی راکه به آنان وحی می کردیم گسیل

نداشتیم،اگرنمی دانید از اهل ذکر بپرسید.

۸- وایشان راجسدی که غذانخورندقرارندادیم وجاویدان نبودند.

۹- سپس وعده-خود-به آنان را راست گردانیدیم وآنهاوهرکه را خواستیم نجات دادیم وافراط کاران رابه هلاکت رسانیدیم.

۱۰- درحقیقت،ما کتابی به سوی شما نازل کردیم که یادشمادرآن است،آیانمی اندیشید؟

۱۱- وچه بسیارشهرهاراکه-مردمش-ستمکاربودنددرهم شکستیم،وپس ازآنهاقومی دیگرپدیدآوردیم.

۱۲- پس چون عذاب ما رااحساس کردند،بناگاه ازآن می گریختند.

۱۳- (هان)مگریزید،وبه سوی آنچه درآن متنعم بودیدو سراهایتان بازگردید،باشدکه شما مورد پرسش قرارگیرید.

۱۴- گفتند: " ای وای برما،که ما واقعا ستمگربودیم."

۱۵- سخنشان پیوسته همین بود،تا آنان را درو شده بیجان گردانیدیم.

۱۶- وآسمان وزمین وآنچه راکه میان آن دواست به بازیچه نیافریدیم.

۱۷- اگرمیخواستیم بازیچه ای بگیریم،قطعا آن را زپیش خوداختیارمی کردیم.

۱۸- بلکه حق رابرباطل فرو می افکنیم،پس آن رادرهم می شکند،وبناگاه آن نابودمیگردد.وای برشماازآنچه وصف می کنید.

۱۹- وهرکه درآسمانهاوزمین است برای اوست،وکسانی که نزداو هستندازپرستش وی تکبرنمی ورزند ودرمانده نمیشوند.

۲۰- شبانه روز،بی آنکه سستی ورزند،نیایش می کنند.

۲۱- آیابرای خودخدایانی اززمین اختیارکرده اندکه آنها-مردگان را-زنده می کنند؟

۲۲- اگردرآنها-زمین وآسمان- جزخدا،خدایانی-دیگر-وجود داشت، قطعا -زمین وآسمان-تباه میشد،پس منزّه است خداوند،پروردگار عرش ،ازآنچه وصف می کنند.

۲۳- درآنچه-خدا-انجام میدهد چون وچرا راه ندارد،و-لی-آنان -انسانها-موردسوال واقع خواهندشد.

۲۴- آیابه جای اوخدایانی برای خودخدایانی گرفته اند؟بگو: " برهانتان رابیاورید." این است یادنامه هرکه بامن است ویادنامه هرکه پیش ازمن بوده،-نه-بلکه بیشترشان حق را نمی شناسندودرنتیجه ازآن رویگردانند.

۲۵- وپیش ازتو هیچ پیامبری نفرستادیم مگراینکه به اووحی کردیم که : " خدایی جزمن نیست، پس مرابپرستید."

۲۶- وگفتند: " (خدای) رحمان فرزندی اختیارکرده." منزّه است او،بلکه-بندگانی ارجمندند.

۲۷- که درسخن براوپیشی نمی گیرند،وخودبه دستوراوکارمی کنند.

۲۸- آنچه فراروی آنان وآنچه پشت سرشان است میداند،وجزبرای کسی که -خدا-رضایت دهد،شفاعت نمی کنندوخودازبیم اوهراسانند.

۲۹- وهرکس ازآنان بگوید: " من-نیز-غیراوخدایی هستم" اورابه دوزخ کیفرمی دهیم،-آری- سزای ستمکاران را این گونه می دهیم.

۳۰- آیاکسانی که کفرورزیدند ندانستندکه آسمانهاوزمین هردوبه هم پیوسته
بودند،وما آن دورا ازهم جداساختیم،وهرچیززنده ای
را ازآب پدیدآوردیم؟آیا -بازهم-ایمان نمی آورند؟
۳۱- ودرزمین کوههایی استوارنهادیم تامبادا-زمین-آنان-مردم-
رابجنباند،ودرآن راههایی فراخ پدیدآوردیم،باشد که راه یابند.
۳۲- وآسمان راسقفی محفوظ قراردادیم،و-لی-آنان از-مطالعه در-نشانه های
آن اعراض می کنند.
۳۳- واوست آن کسی که شب وروز وخورشیدوماه راپدیدآورده است.هرکدام
ازاین دودرمداری-معین-شناورند.
۳۴- وپیش ازتوبرای هیچ بشری جاودانگی-دردنیا-قرارندادیم.آیا اگرتوازدنیا
بروی آنان جاویدانند؟
۳۵- هرنفسی مرگ را می چشد.وشما را ازراه آزمایش به شرّ
وخیر خواهیم آزمود،وبه سوی ما بازگردانیده میشوید.
۳۶- وکسانی که کافرشدند،چون تورابببینندفقط به مسخره ات
میگیرند-ومیگویند-" آیااین همان کسی است که خدایانتان را-به بدی-یادمی
کند؟" درحالی که آنان خود،یاد-خدای-رحمان رامنکرند
۳۷- انسان ازعجله آفریده شده است،به زودی آیاتم رابه شما نشان
میدهم.پس-عذاب را-به شتاب ازمن نخواهید.
۳۸- ومیگویند: " اگرراست میگویید،این وعده -قیامت-چه زمانی
خواهدبود؟"
۳۹- کاش آنان که کافرشده اندمیدانستندآنگاه که آتش را نه ازچهره های

خودونه ازپشتشان بازنمی توانندداشت،وخودموردحمایت قرارنمی گیرند-چه
حالی خواهندداشت-
۴۰- بلکه -آتش-به طورناگهانی به آنان میرسدوایشان رابهت زده میکند-به
گونه ای-که نه میتوانندآن رابرگردانندونه به آنان مهلت داده میشود.
۴۱- ومسلما پیامبران پیش ازتو-نیز-موردریشخندقرارگرفتند،پس کسانی که
آنان رامسخره میکردند-سزای-آنچه که آن رابه
ریشخندمیگرفتندگریبانگیرشان شد.
۴۲- بگو: " چه کسی شماراشب وروزاز-عذاب-رحمان حفظ
میکنند؟-نه-بلکه آنان ازیادپروردگارشان رویگردانند.
۴۳- آیابرای آنان خدایانی غیرازماست که ازایشان حمایت
کنند؟-آن خدایان-نه میتوانندخودرایاری کنندونه ازجانب ما
یاری شوند.
۴۴- (نه)بلکه اینهاوپدرانشان رابرخوردارکردیم تاعمرشان به
درازاکشید.آیانمی بینندکه ما می آییم وزمین راازجوانب آن فرومی
کاهیم؟آیاباز هم آنان پیروزند؟
۴۵- بگو: " من شمارافقط به وسیله وحی هشدارمی دهم."
و-لی-چون کرها بیم داده شوند،دعوت رانمی شنوند.
۴۶- واگرشمّه ای ازعذاب پرودگارت به آنان برسد،خواهندگفت
: " ای وای برماکه ستمکاربودیم."
۴۷- وترازوهای داد را در روزرستاخیزبرپامیکنیم،پس
هیچکس-در-چیزی-ستم نمی بیند،واگر-عمل-هموزن دانه خردلی باشدآن

رامی آوریم وکافی است که ما حسابرس باشیم.

۴۸- ودرحقیقت،به موسی وهارون فرقان دادیم و-کتابشان-برای پرهیزکاران روشنایی واندرزی است.

۴۹- (همان)کسانی که ازپروردگارشان درنهان میترسندوازقیامت هراسناکند.

۵۰- واین-کتاب-که آن رانازل کرده ایم-پندی خجسته است،آیاباز هم آن راانکارمی کنید؟

۵۱- ودرحقیقت،پیش ازآن به ابراهیم رشد-فکری-اش رادادیم ومابه-شایستگی-اودانابودیم.

۵۲- آنگاه که به پدرخودوقومش گفت: " این مجسمه هایی که شما ملازم آنها شده ایدچیستند؟"

۵۳- گفتند: " پدران خودراپرستندگان آنهایافتیم."

۵۴- گفت: " قطعاشماوپدرانتان درگمراهی آشکاری بودید."

۵۵- گفتند: " آیاحق رابرای ما آورده ای یاتوازشوخی کنندگانی."

۵۶- گفت: " -نه-بلکه پروردگارتان ،پروردگارآسمانهاوزمین است.همان کسی که آنهارا پدیدآورده است،ومن براین-واقعیت-
ازشاهدانم.

۵۷- وسوگندبه خداوندکه پس ازآنکه پشت کردیدورفتید،قطعادر کاربت های شما تدبیری خواهم کرد."

۵۸- پس آنهارا-جزبزرگترشان را-ریز ریزکرد ،باشدکه ایشان به سراغ آن بروند.

۵۹- گفتند: " چه کسی باخدایان ماچنین-معامله ای-کرده،که اوواقعا ازستمکاران است؟"

۶۰- گفتند: " شنیدیم جوانی، ازآنها-به بدی-یادمی کردکه به او ابراهیم گفته میشود."

۶۱- گفتند: " پس اورا دربرابردیدگان مردم بیاورید،باشدکه آنان شهادت دهند."

۶۲- گفتند: " ای ابراهیم آیاتوباخدایان ماچنین کردی؟"

۶۳- گفت: (نه)بلکه آن را این بزرگترشان کرده است،اگرسخن می گویند ازآنهابپرسید."

۶۴- پس به خودآمده و-به یکدیگر-گفتند: " درحقیقت،شما ستمکارید."

۶۵- سپس سرافکنده شدند-وگفتند-: " قطعا دانسته ای که اینهاسخن نمی گویند."

۶۶- گفت: " آیاجزخداچیزی را می پرستیدکه هیچ سودوزیانی به شما نمی رساند؟

۶۷- اف برشما وبرآنچه غیرازخدامی پرستید،مگرنمی اندیشید؟"

۶۸- گفتند: " اگرکاری می کنید،اورابسوزانیدوخدایانتان را یاری دهید."

۶۹- گفتیم: " ای آتش ،برای ابراهیم سردوبی آسیب باش."

۷۰- وخواستندبه اونیرنگی بزنندو-لی-آنان رازیانکارترین-مردم-قراردادیم.

۷۱- و او و لوط را-برای رفتن- به سوی آن سرزمینی که برای جهانیان درآن برکت نهاده بودیم ،رهانیدیم.

۷۲- واسحاق ویعقوب را-به عنوان نعمتی-افزون به اوبخشودیم وهمه را ازشایستگان قراردادیم.

۷۳- وآنان راپیشوایانی قراردادیم که به فرمان ماهدایت میکردند،وبه ایشان انجام دادن کارهای نیک وبرپاداشتن نماز
ودادن زکات راوحی کردیم وآنان پرستنده مابودند.

۷۴- وبه لوط حکمت ودانش عطاکردیم واورا ازآن شهری که -مردمش-کارهای پلید-جنسی-میکردندنجات دادیم.به راستی آنهاگروه بد ومنحرفی بودند.

۷۵- واو را دررحمت خویش داخل نمودیم،زیرا اوازشایستگان بود.

۷۶- ونوح را-یادکن-آنگاه که پیش از-سایرپیامبران-نداکرد،پس ماوراﺍجابت کردیم،و وی رابا خانواده اش ازبلای بزرگ رهانیدیم.

۷۷- واو را دربرابرمردمی که نشانه های مارابه دروغ گرفته بودندپیروزی بخشیدیم،چراکه آنان مردم بدی بودند،پس همه ایشان راغرق کردیم.

۷۸- و داوود وسلیمان را-یادکن-هنگامی که درباره آن کشتزار-که گوسفندان مردم شب هنگام درآن چریده بودند-داوری می کردند،و-ما-شاهدداوری آنان بودیم.

۷۹- پس آن -داوری-رابه سلیمان فهماندیم،وبه هریک از-آن دو- حکمت ودانش عطاکردیم،وکوهها رابا داوود وپرندگان به نیایش واداشتیم.ومابودیم انجام دهنده- این کار- .

۸۰- وبه -داوود-فن زره-سازی-آموختیم،تاشمارا از-خطرات-جنگتان حفظ

کند،پس آیا شما سپاسگزارید؟

۸۱- وبرای سلیمان تندبادرا-رام کردیم-که به فرمان اوبه سوی سرزمینی که
درآن برکت نهاده بودیم جریان می یافت،وما به هرچیزی دانابودیم.

۸۲- وبرخی ازشیاطین بودندکه برای اوغوّاصی وکارهایی غیر
ازآن می کردند،ومامراقب آنهابودیم.

۸۳- وایوب را-یادکن-هنگامی که پروردگارش راندا دادکه :
" به من آسیب رسیده است وتویی مهربان ترین مهربانان."

۸۴- پس -دعای-اورا اجابت نمودیم وآسیب وارده براورابرطرف
کردیم ،وکسان او ونظیرشان راهمراه با آنان -مجددا-به وی
عطاکردیم-تا-رحمتی ازجانب ما وعبرتی برای عبادت کنندگان
-باشد-.

۸۵- واسماعیل وادریس وذوالکفل را-یادکن-که همه ازشکیبایان بودند.

۸۶- وآنان را دررحمت خود داخل نمودیم،چراکه ایشان ازشایستگان بودند.

۸۷- و" ذوالنون" را-یادکن-آنگاه که خشمگین رفت وپنداشت که
ماهرگزبراوقدرتی نداریم،تادر-دل-تاریکیها ندادر دادکه: " معبودی
جزتونیست،منزّهی تو،راستی که من ازستمکاران بودم."

۸۸- پس-دعای-اورابرآورده کردیم واورا ازاندوه نجات دادیم،
ومومنان را-نیز-چنین نجات می دهیم.

۸۹- وزکریّا را-یادکن-هنگامی که پروردگارخودراخواند: " پروردگارا
مراتنها مگذاروتوبهترین وارثانی."

۹۰- پس -دعای-اورااجابت نمودیم ویحیی رابدوبخشیدیم وهمسرش رابرای

اوشایسته- وآماده حمل-نمودیم.زیراآنان درکارهای نیک شتاب می نمودندوما

را ازروی رغبت وبیم

می خواندندودربرابرما فروتن بودند.

۹۱- وآن-زن رایادکن-که خودراپاکدامن نگاه داشت،واز روح خویش

دراودمیدیم واو وپسرش رابرای جهانیان آیتی قراردادیم.

۹۲- این است امت شما که امتی یگانه است،ومنم پروردگارشما،پس

مرابپرستید.

۹۳- و-لی-دینشان رامیان خودپاره پاره کردند،همه بسوی مابازمی گردند.

۹۴- پس هرکه کارهای شایسته انجام دهدومومن-هم-باشد،برای

تلاش اوناسپاسی نخواهدبود،وماییم که به سوداوثبت می کنیم.

۹۵- وبر-مردم-شهری که آن راهلاک کرده ایم،بازگشتشان-به دنیا-حرام

است.

۹۶- تاوقتی که یاجوج وماجوج-راهشان-گشوده شودوآنهااز

هرتپه ای بتازند.

۹۷- و وعده حق نزدیک گردد،ناگهان دیدگان کسانی که کفرورزیده اندخیره

میشود-ومی گویند- " ای وای برماکه ازاین

-روز-درغفلت بودیم،بلکه ما ستمکاربودیم."

۹۸- درحقیقت،شماوآنچه غیرازخدامی پرستید،هیزم دوزخید،شما درآن

واردخواهیدشد.

۹۹- اگراینهاخدایانی-واقعی-بودنددرآن واردنمیشدند،وحال آنکه جملگی

درآن ماندگارند.

۱۰۰- برای آنهادرآنجاناله ای زاراست ودرآنجا-چیزی-نمی شنوند.
۱۰۱- بی گمان کسانی که قبلا ازجانب مابه آنان وعده نیکوداده شده است
ازآن-آتش-دور داشته خواهندشد.

۱۰۲- صدای آن رانمی شنوند،وآنان درمیان آنچه دلهایشان بخواهدجاودانند.
۱۰۳- دلهره بزرگ ،آنان راغمگین نمی کندوفرشتگان ازآنهااستقبال می
کنند-وبه آنان میگویند :این همان روزی است که به شماوعده می دادند.
۱۰۴- روزی که آسمان راهمچون درپیچیدن صفحه نامه هادرمی
پیچیم،همان گونه که بارنخست آفرینش را آغازکردیم،دوباره آن را بازمی
گردانیم.وعده ای است برعهده ما، که ما انجام دهنده
آنیم.
۱۰۵- ودرحقیقت،درزبورپس ازتورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما
به ارث خواهندبرد.
۱۰۶- به راستی دراین-امور-برای مردم عبادت پیشه
ابلاغی-حقیقی است.
۱۰۷- وتوراجزرحمتی برای جهانیان نفرستادیم.
۱۰۸- بگو: " جزاین نیست که به من وحی میشودکه خدای شما
خدایی یگانه است،پس آیا مسلمان میشوید؟"
۱۰۹- پس اگرروی برتافتندبگو: " به -همه-شمابه طوریکسان اعلام کردیم
،ونمی دانم آنچه وعده داده شده ایدآیا نزدیک است یادور."
۱۱۰- (آری) اوسخن آشکاررا می داندوآنچه راپوشیده میدارید

میداند.

۱۱۱- ونمی دانم ،شایدآن برای شما آزمایشی وتاچندگاهی-وسیله

- برخورداری باشد.

۱۱۲- گفت: " پروردگارا،-خودت-به حق داوری کن،وبه رغم آنچه

وصف می کنید،پروردگارماهمان بخشایشگردستگیر است."

حج

۱- به نام خداوند بخشنده مهربان

ای مردم،ازپروردگارخودپرواکنید،چراکه زلزله رستاخیزامری هولناک است.

۲- روزی که آن راببینید،هرشیردهنده ای آن راکه شیرمیدهد -ازترس- فرومی گذارد،وهرآبستنی بارخودرافرومینهد،ومردم رامست میبینی وحال آنکه مست نیستند،ولی عذاب خداوند شدیداست.

۳- وبرخی ازمردم درباره خداوندبدون هیچ علمی مجادله می کنندوازهرشیطان سرکشی پیروی می کنند.

۴- بر-شیطان-مقررشده است که هرکس اورابه دوستی بگیرد، قطعا او وی را گمراه میسازدوبه عذاب آتشش میکشاند.

۵- ای مردم،اگردرباره برانگیخته شدن درشک هستید،پس -بدانید-که ما شماراازخاک آفریدیم،سپس ازنطفه ،سپس ازعلقه ،آنگاه ازمضغه،دارای خلقت کامل و-احیانا-خلقت ناقص ،تا-قدرت خودرا-برشماروشن گردانیم.وآنچه را اراده میکنیم تامدتی معین دررحمهاقرارمیدهیم،آنگاه شمارا-به صورت-کودک برون می

آوریم،سپس-حیات شمارا ادامه می دهیم-تابه حدّرشدتان برسید،وبرخی

ازشما-زودرس-می میرد،وبرخی ازشمابه غایت پیری میرسد،به گونه ای که

پس ازآگاهی یافتن ،چیزی نمی داند.

وزمین راخشکیده میبینی و-لی- چون آب برآن فرودآوریم وبه جنبش درمی

آیدونمومی کندوازهرنوع-رستنیهای-نیکومی رویاند.

۶- این-قدرت نماییها-بدان سبب است که خداوندخودحق است

واوست که مردگان رازنده میکندو-هم-اوست که برهرچیزی تواناست.

۷- و-هم آنکه رستاخیز آمدنی است-و-شکی درآن نیست،ودرحقیقت ،خداست

که کسانی را که درگورها هستند برمی انگیزد.

۸- واز-میان-مردم کسی است که درباره خداوندبدون هیچ دانشی وبی هیچ

رهنمودوکتاب روشنی به مجادله می پردازد.

۹- (آن هم) ازسر نخوت تا-مردم را-ازراه خداگمراه کند،دراین دنیا برای

اورسوایی است،ودر روزرستاخیزاوراعذاب آتش سوزان

می چشانیم.

۱۰- این-کیفر-به سزای چیزهایی است که دستهای توپیش فرستاده است

و-گرنه-خداوندبه بندگان خودستم کننده نیست.

۱۱- وازمیان مردم کسی است که خداوندرافقط بریک حال

-وبدون عمل- می پرستد،پس اگرخیری به اوبرسدبدان اطمینان یابد،وچون

بلایی بدورسدروی برتابد.دردنیاوآخرت زیان دیده است،این است همان زیان

آشکار.

۱۲- به جای خداچیزی رامیخواندکه نه زیانی به اومی رساندونه

سودش میدهد،این است همان گمراهی دورو دراز.
۱۳- کسی رامیخواندکه زیانش ازسودش نزدیکتراست،وه چه بدمولایی وچه بد دمسازی.
۱۴- بی تردیدخداوندکسانی راکه گرویده وکارهای شایسته کرده اندبه باغهایی درمی آوردکه اززیرآن رودخانه ها روان است،خداوندهرچه بخواهدانجام میدهد.
۱۵- هرکه می پنداردکه خداوند-پیامبرش-رادردنیا وآخرت هرگز یاری نخواهدکرد-بگو-تاطنابی به سوی سقف کشد-وخودراحلق آویزکند-سپس -آن را- بِبُرَد.آنگاه بنگردکه آیانیرنگش چیزی راکه مایه خشم اوشده ازمیان خواهدبرد؟
۱۶- وبدین گونه-قرآن-را-به صورت- آیاتی روشنگرنازل کردیم وخداست که هرکه رابخواهدراه می نماید.
۱۷- کسانی که ایمان آوردندوکسانی که یهودی شدندوصابئی ها ومسیحیان وزرتشتیان وکسانی که شرک ورزیدندالبته خداروزقیامت میانشان داوری خواهدکرد،زیراخداوندبرهرچیزی
گواه است.
۱۸- آیا ندانستی که خداونداست که هرکس درآسمانهاوهرکس درزمین است،وخورشیدوماه و-تمام-ستارگان وکوهها ودرختان وجنبندگان وبسیاری ازمردم برای اوسجده می کنند؟ وبسیاری هستندکه عذاب برآنان واجب شده است،وهرکه راخداوندخوارکنداورا گرامی کننده ای نیست،چراکه خداوند هرچه بخواهدانجام میدهد.((سجده واجب))

۱۹- این دو-گروه-دشمنان یکدیگرندکه درباره پروردگارشان باهم ستیزه می کنند،کسانی که کفرورزیدند،جامه هایی ازآتش برایشان بریده شده است-و-ازبالای سرشان آب جوشان ریخته
میشود.

۲۰- آنچه درشکم آنهاست باپوست -بدن-شان بدان گداخته میگردد.

۲۱- وبرای -واردکردن ضربت برسر- آنان گرزهایی آهنین هست.

۲۲- هرباربخواهنداز-شدت-غم،ازآن بیرون رونددرآن بازگردانیده میشوند.-که هان-بچشیدعذاب آتش سوزان را.

۲۳- خداوندکسانی راکه ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند درباغهایی که اززیرآن نهرها روان است درمی آورد،در آنجابادستبندهایی ازطلاومرواریدآراسته میشوند،ولباسشان درآنجاازپرنیان است.

۲۴- وبه گفتارپاک هدایت میشوندوبه سوی راه-خدای-ستوده هدایت میگردند.

۲۵- بی گمان ،کسانی که کافرشدندوازراه خداوندومسجدالحرام -که آن رابرای مردم،اعم ازمقیم درآنجا وبادیه نشین یکسان قرار داده ایم-جلوگیری می کنند،و-نیز-هرکه بخواهددرآنجابه ستم-ازحق-منحرف شود،اوراازعذابی دردناک می چشانیم.

۲۶- وچون برای ابراهیم جای خانه رامعین کردیم-بدوگفتیم: -
" چیزی رابامن شریک مگردان وخانه ام رابرای طواف کنندگان وقیام

کنندگان ورکوع کنندگان -و-سجده کنندگان پاکیزه دار.

۲۷- ودرمیان مردم برای-ادای- حج بانگ برآورتا-زایران-پیاده و

-سوار-برهرشترلاغری -که ازراه دوری می آیند-به سوی توروی

آورند.

۲۸- تاشاهدمنافع خویش باشند،ونام خداوندرا در روزهای معلومی بردامهای

زبان بسته ای که روزی آنان کرده است ببرند

پس ازآنهابخوریدوبه درمانده مستمندبخورانید.

۲۹- سپس بایدآلودگی خودرا بزدایندوبه نذرهای خودوفاکنندو

برگردآن خانه کهن-کعبه-طواف به جای آورند.

۳۰- این است-آنچه مقررشده-وهرکس مقررات خداوندرابزرگ

شمارد،آن برای اونزدپروردگارش بهتراست،وبرای شما دامها

حلال شده است،مگرآنچه برشما خوانده میشود.پس،ازپلیدی بتها

دوری کنید،وازگفتارباطل اجتناب ورزید.

۳۱- درحالی که گروندگان خالص به خداوندباشید،نه شریک گیرندگان

-برای-او وهرکس به خداوندشرک ورزدچنان است که

گویی ازآسمان فروافتاده ومرغان-شکاری-اورا ربوده اندیا باد

اورا به جایی دورافکنده است.

۳۲- این است-فرایض خداوند-وهرکس شعائرخداوندرابزرگ دارد

درحقیقت ،آن-حاکی-ازپاکی دلهاست.

۳۳- برای شمادرآن-دامها-تامدتی معین سودهایی است،سپس

جایگاه آنها درخانه عتیق است.

۳۴-وبرای هرامتی مناسکی قراردادیم،تانام خدارابردامهای زبان بسته ای که
روزی آنها گردانیده یادکنند،پس-بدانیدکه-خدای شما
خدایی یگانه است،پس به -فرمان- اوگردن نهید،وفروتنان را
بشارت ده.
۳۵- همانان که چون-نام-خدایادشود،دلهایشان خشیت یابدو
-آنان که برهرچه بر سرشان آیدصبرپیشه کنندگانندوبرپادارندگان
نمازند،وازآنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند.
۳۶- وشتران فربه رابرای شماز-جمله-شعائرخداوندقراردادیم.درآنها
برای شما خیراست.پس نام خدارابرآنها-درحالی که برپای ایستاده
اند-ببریدوچون به پهلودرغلتیدنداز آنهابخوریدوبه
تنگدست وبه بینوابخورانید.اینگونه آنهارابرای شما رام کردیم،
امیداست که شکرگزارباشید.
۳۷- هرگز-نه-گوشتهای آنها ونه خونهایشان به خداوندنخواهد
رسید.ولی-این-تقوای شماست که به اومیرسد.اینگونه-خداوند-
آنهارابرای شمارام کرد،تاخدارابه پاس آنکه شماراهدایت نموده
به بزرگی یادکنید،ونیکوکاران رابشارت ده.
۳۸- قطعا خداوندازکسانی که ایمان آورده انددفاع مینماید
زیراخداوند هیچ خیانتکارناسپاسی رادوست ندارد.

۳۹- به کسانی که جنگ برآنان تحمیل شده،رخصت-جهاد-
داده شده است،چراکه موردظلم قرارگرفته اند،والبته خداوندبرپیروزی آنان

سخت تواناست.

۴۰- همان کسانی که به ناحق ازخانه هایشان بیرون رانده شدند
-آنها گناهی نداشتند-جز اینکه میگفتند: " پروردگارماخداونداست"
واگرخدابعضی ازمردم رابا بعض دیگردفع نمی کرد،صومعه ها
وکلیساهاوکنیسه ها ومساجدی که نام خداونددرآنهابسیاربرده میشود سخت
ویران میشد،وقطعا خداوندبه کسی که-دین-
اورایاری میکند،یاری میدهد،چراکه خداوندسخت نیرومندشکست
ناپذیراست.

۴۱- همان کسانی که چون درزمین به آنان توانایی دهیم،نمازبرپامی
دارندوزکات می دهندوبه کارهای نیک وامی دارندوازکارهای ناشایست
بازمی دارندوفرجام همه کارها از
آن خداوند است.

۴۲- واگرتوراتکذیب کردندقطعاپیش ازآنان قوم نوح وعادوثمود-
نیز-به تکذیب پرداختند.

۴۳- و-نیز- قوم براهیم وقوم لوط.

۴۴-و-همچنین- اهل مدین وموسی تکذیب شد،پس کافران را
مهلت دادم،سپس-گریبان-آنهاراگرفتم،بنگر،عذاب من چگونه بود؟

۴۵- وچه بسیارشهرهارا-که ستمکاربودند-هلاکشان کردیم و
-اینک-آن -شهرها-سقفهایشان فروریخته است،و-چه بسیار-
چاههای متروک وقصرهای افراشته را.

۴۶- آیادرزمین گردش نکرده اندتادلهایی داشته باشندکه با آن بیندیشند،یاگوشهایی که با آن بشنوند؟درحقیقت چشمها کورنیست بلکه دلهایی که درسینه هاست کوراست.

۴۷- وازتوباشتاب تقاضای عذاب می کنند،باآنکه هرگزخداوند دروعده اش خلاف نمی کند،ودرحقیقت یک روز نزدپروردگارت مانندهزارسال است ازآنچه- شما -می شمارید.

۴۸- وچه بساشهری که مهلتش دادم،درحالی که ستمکاربود،سپس -گریبان-آن راگرفتم وفرجام به سوی من است.

۴۹- بگو: " ای مردم، من برای شما فقط هشداردهنده ای آشکارم."

۵۰- پس آنان که گرویده وکارهای شایسته کرده اند،آمرزش وروزی نیکوبرای ایشان خواهدبود.

۵۱- وکسانی که در-تخطئه-آیات ما میکوشند-وبه خیال خود- عاجزکنندگان ماهستند، آنان اهل دوزخند.

۵۲- وپیش ازتو-نیز-هیچ رسول وپیامبری رانفرستادیم جزاینکه هرگاه چیزی تلاوت می نمود،شیطان درتلاوتش القای-شبهه- میکرد.پس خداوندآنچه راشیطان القامینمودمحومی گرداند سپس خداوندآیات خودرااستوارمیساخت وخداوند دانای حکیم است.

۵۳- تاآنچه راکه شیطان القامیکرد،برای کسانی که دردلهایشان بیماری است و-نیز-برای سنگدلان آزمایشی گرداند وستمگران درستیزه ای بس دور ودرازند.

۵۴- وتا آنان که دانش یافته اندبدانندکه این -قرآن-حق است -و-ازجانب پروردگارتوست،وبدان ایمان آورندودلهایشان برای اوخاضع گردند.وبه راستی خداوندکسانی راکه ایمان آورده اند،به سوی راهی راست راهبراست.

۵۵- و-لی-کسانی که کفرورزیده اند،همواره ازآن درتردیدند،تا به ناگاه قیامت برای آنان فرارسد،یاعذاب روزی بدفرجام به سراغشان بیاید.

۵۶- درآن روز ،پادشاهی ازآن خداونداست،میان آنان داوری میکند،و-درنتیجه-کسانی که ایمان آورده وکارهای نیک کرده اند درباغهایی پرنازونعمت خواهندبود.

۵۷- وکسانی که کفرورزیده ونشانه های مارا تکذیب کرده اند برای آنان عذابی خفت آورخواهدبود.

۵۸- وآنان که در راه خدا مهاجرت کرده اند،وآنگاه کشته شده یامرده اند،قطعاخداوندبه آنان رزقی نیکومی بخشدوبراستی این خداونداست که بهترین روزی دهندگان است.

۵۹- آنان رابه جایگاهی که آن رامی پسندنددرخواهدآورد،وشک نیست که خداونددانایی برداراست.

۶۰- آری چنین است ،وهرکس نظیرآنچه براوعقوبت رفته است دست به عقوبت زند،سپس موردستم قرارگیرد.قطعاخداونداورا یاری خواهدنمود،چراکه خداوندبخشایشگروآمرزنده است.

۶۱- این بدان سبب است که خداوندشب رادر روز درمی آورد وروز را-نیز-درشب درمی آورد،وخداست که شنوای بیناست.

۶۲- (آری)این بدان سبب است که خداوندخودحق است وآنچه به جای اومی
خوانندآن باطل است ،واین خداست که والا و
بزرگ است.
۶۳- آیا ندیده ای که خداونداز آسمان آبی فروفرستادوزمین
سرسبزگردید؟آری خداست که دقیق وآگاه است.
۶۴- آنچه درآسمانهاوزمین است ازآن اوست،ودرحقیقت ،این
خداست که خودبی نیازستوده است.
۶۵- آیاندیده ای که خداآنچه رادرزمین است به نفع شما رام
گردانید،وکشتیهادر دریا به فرمان اوروانند،وآسمان رانگاه می داردتا-مبادا-
برزمین فروافتد،مگربه اذن خودش،درحقیقت ،خداوند نسبت به مردم سخت
رئوف ومهربان است.
۶۶- واوست که شمارا زندگی بخشید،سپس شمارامی میراند
وباز زندگی میدهد،حقا که انسان سخت ناسپاس است.
۶۷- برای هرامتی مناسکی قراردادیم که آنهابدان عمل
می کنند،پس نبایددراین امرباتوبه ستیزه برخیزند،به راه
پروردگارت دعوت کن،زیراتوبر راهی راست قرارداری.
۶۸- واگرباتومجادله کردند،بگو: " خداوندبه آنچه می کنید
داناتراست."
۶۹- خداوند روزقیامت درموردآنچه بایکدیگردرآن اختلاف
می کردید،داوری خواهدکرد.
۷۰- آیاندانسته ای که خداوندآنچه رادرآسمان وزمین است

میداند؟اینها-همه-درکتابی-مندرج-است .قطعا این برای خداوند آسان است.

۷۱- وبه جای خداوندچیزی رامی پرستندکه بر-تایید-آن حجتی نازل نکرده وبدان دانشی ندارند،وبرای ستمکاران یاوری نخواهد بود.

۷۲- وچون آیات روشن مابرآنان خوانده میشود،درچهره کسانی که کفرورزیده اند-اثر-انکارراتشخیص میدهی،چیزی نمانده که بر کسانی که آیات مارابرایشان تلاوت می کنندحمله ورشوند.بگو : " آیاشمارابه بدترازاین خبردهم؟-همان-آتش است که خداوند آن رابه کسانی که کفرورزیده اند وعده داده ،وچه بدسرانجامی است."

۷۳- ای مردم ،مثلی زده شد،پس بدان گوش فرادهید: کسانی راکه جزخداوندمی خوانیدهرگز-حتی-مگسی نمی آفرینند،هرچندبرای -آفریدن-آن اجتماع کنند،واگرآن مگس چیزی از
آنان بربایدنمی توانندآن راباز پس گیرند.طالب ومطلوب هردو ناتوانند.

۷۴- قدرخداوندرا چنانکه درخوراوست نشناختند،بدون تردید خداونداست که نیرومندشکست ناپذیراست.

۷۵- خداوندازمیان فرشتگان رسولانی برمی گزیند، ونیزازمیان مردم،بی گمان خداوندشنوای داناست

۷۶- آنچه در دسترس آنان وآنچه پشت سرشان است میداندو

-همه-کارهابه خداوند بازگردانیده میشود.

۷۷- ای کسانی که ایمان آورده اید،رکوع وسجودکنیدو
پرودگارتان راپرستیدوکارخوب انجام دهید،باشدکه رستگارشوید.
((سجده مستحب))

۷۸- واگر درراه خداوندچنانکه حق جهاد-در راه-اوست جهاد
کنید،اوست که شمارا-برای خود-برگزیده ودر دین برشما سختی
قرار نداده است.آیین پدرتان ابراهیم -نیزچنین بوده است-اوبود
که قبلا شمارامسلمان نامید،ودراین -قرآن نیزهمین مطلب آمده
است-تا این پیامبربرشماگواه باشدوشمابرمردم گواه باشید.
پس نمازرابرپا داریدوزکات بدهیدوبه پناه خداوند روید،اومولای
شماست ،چه نیکومولایی وچه نیکویاوری .

مومنون

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

به راستی که مومنان رستگارشدند.

۲- همانان که درنمازشان فروتن هستند.

۳- وآنان که ازبیهوده رویگردانند.

۴- وآنان که زکات می پردازند.

۵- وکسانی که پاکدامن هستند.

۶- مگردرموردهمسرانشان یاکنیزانی که به دست آورده اند که دراین صورت برآنان نکوهشی نیست.

۷- پس هرکه فراترازاین جوید،آنان ازحد درگذرندگانند.

۸- وآنان که امانتهاوپیمان خودرارعایت می کنند.

۹- وآنان که برنمازهایشان مواظبت می نمایند.

۱۰- آنان هستندکه خود وارثند.

۱۱- همانان که بهشت رابه ارث می برندودرآنجاجاودان میمانند

۱۲- وبه یقین ،انسان را از عصاره ای ازگِل آفریدیم.

۱۳- سپس اورا-به صورت-نطفه ای درجایگاهی استوارقراردادیم.

۱۴- آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم.پس آن علقه را-به صورت-مضغه گردانیدیم،وآنگاه مضغه را استخوانهایی ساختیم.بعداستخوانهاراباگوشتی پوشانیدیم،آنگاه-جنین رادر-آفرینشی دیگرپدیدآوردیم.آفرین بادبرخداوندکه بهترین آفرینندگان است.

۱۵- بعدازاین-مراحل-قطعا خواهیدمُرد.

۱۶- آنگاه شمادر روز رستاخیزبرانگیخته خواهیدشد.

۱۷- وبه راستی-ما-بالای سرشماهفت راه آفریدیم.واز-کار-آفرینش
غافل نبوده ایم.
۱۸- وازآسمان آبی به اندازه-معین-فرودآوردیم،وآن رادرزمین جای
دادیم،ومابرای ازبین بردن آن مسلما توانابیم.
۱۹- پس برای شما به وسیله آن باغهایی ازدرختان خرماوانگور
پدیدارکردیم که درآنهابرای شمامیوه های فراوان است وازآنها
می خورید.
۲۰- وازطورسینادرختی برمی آیدکه روغن ونان خورشی برای خورندگان
است.
۲۱- والبته برای شما در دامها عبرتی است،از-شیری-که درشکم
آنهاست،به شما مینوشانیم،وبرای شمادرآنهاسودهای فراوان است
وازآنهامی خورید.
۲۲- وبرآنهاوبرکشتیهاسوارمیشوید.
۲۳- وبه یقین نوح رابه سوی قومش فرستادیم،پس-به آنان-
گفت:" ای قوم من،خداوندرابپرستید،شمارااجزاوخدایی نیست.
مگرپروانداريد؟"
۲۴- واشراف قومش که کافربودندگفتند: " این-مرد-جزبشری چون
شمانیست.میخواهدبرشمابرتری جوید،واگرخدامیخواست قطعا
فرشتگانی می فرستاد.-ما-درمیان پدران نخستین خودچنین
-چیزی-نشنیده ایم."
۲۵- اوجزمردی نیست که دروی-حال-جنون است،پس تاچندی درباره اش

دست نگه دارید.

۲۶- (نوح)گفت: : پروردگارا،ازآن روی که دروغگویم خواندند

مرا یاری کن."

۲۷- پس به او وحی کردیم که،زیرنظرماو-به-وحی ماکشتی رابساز

وچون فرمان مادر رسیدوتنوربه فوران آمد،پس درآن ازهرنوع

-حیوانی-دوتا-یکی نرودیگری ماده-باخانواده ات-بجزکسی ازآنان

که حکم -عذاب-براوپیشی گرفته است-واردکن،درباره کسانی

که ظلم کرده اندبامن سخن مگوی،زیرا آنها غرق خواهندشد.

۲۸- وچون توباآنان که همراه توهستندبرکشتی نشستی بگو

: " ستایش ازآن خدایی است که مارا ازگروه ظالمان نجات داد."

۲۹- وبگو: " پروردگارا،مرادرجایی پربرکت فرودآور-که-تونیکوترین

مهمان نوازانی."

۳۰- درحقیقت،دراین-ماجرا-عبرتهاییست ،وقطعا ما امتحان کننده بودیم.

۳۱- سپس،بعدازآنان نسل-هایی-دیگرپدیدآوردیم.

۳۲- ودرمیانشان پیامبری ازخودشان روانه کردیم که،خداوندرا

بپرستید.جزاوبرای شمامعبودی نیست،آیا سَر پرهیزکاری ندارید؟

۳۳- واشراف قومش که کافرشده،ودیدارآخرت را دروغ پنداشته

بودند،ودر زندگی دنیاآنان را مرفّه ساخته بودیم گفتند: " این

-مرد-جزبشری چون شما نیست،ازآنچه میخورید،میخورد،وازآنچه می

نوشید،مینوشد.

۳۴- واگربشری مثل خودتان را اطاعت کنیددرآن صورت قطعا

زیانکارخواهیدبود.

۳۵- آیابه شما وعده میدهدکه وقتی مردیدوخاک واستخوان شدید-باز-شما-ازگوررزنده-بیرون آورده میشوید؟

۳۶- وه ،چه دوراست آنچه که وعده داده میشوید.

۳۷- جزاین زندگانی دنیای ماچیزی نیست،می میریم وزندگی می کنیم وديگربرانگیخته نخواهیم شد.

۳۸- اوجزمردی که برخدادروغ می بنددنیست.ومابه اواعتقاد نداریم."

۳۹- گفت: " پروردگارا،ازآن روی که مرادروغ گوخواندندیاریم کن."

۴۰- فرمود: " به زودی سخت پشیمان خواهندشد."

۴۱- پس نعره-مرگبار-آنان رابه حق فروگرفت،وآنها را-چون-خاشاکی که برآب افتد،گردانیدیم،دورباد-ازرحمت خدا-گروه ستمکاران.

۴۲- آنگاه پس ازآنان نسلهای دیگری پدیدآوردیم.

۴۳- هیچ امّتی نه ازاجل خودپیشی می گیردونه بازپس می ماند.

۴۴- بازفرستادگان خودراپیاپی روانه کردیم،هرباربرای-هدایت-امّتی پیامبرش آمد،اوراتکذیب کردند،پس-ماامّتهای سرکش را-یکی پس ازدیگری آوردیم وآنهاراما‌یه عبرت گردانیدیم.دورباد -ازرحمت خدا- مردمی که ایمان نمی آورند.

۴۵- سپس موسی وبرادرش هارون رابا آیات خودوحجتی

آشکارفرستادیم.

۴۶- به سوی فرعون وسران-قوم-او ،ولی تکبرنمودندو مردمی

گردنکش بودند.

۴۷- پس گفتند: " آیابه دوبشرکه مثل خودماهستندوطایفه آنها

بندگان ما میباشندایمان بیاوریم؟"

۴۸- درنتیجه،آن دورا دروغگوخواندند،پس از زمره هلاک شدگان گشتند.

۴۹- وبه یقین مابه موسی کتاب دادیم،باشدکه آنان به راه راست روند.

۵۰- وپسرمریم ومادرش رانشانه ای گردانیدیم وآن دو را در

سرزمین بلندی که جای زیست و-دارای-آب زلال بودجای دادیم.

۵۱- ای پیامبران ازچیزهای پاکیزه بخوریدوکارنیک انجام دهید،

که من به آنچه انجام می دهید دانایم.

۵۲- ودرحقیقت،این امّت شماست که امّتی یگانه است ومن

پروردگارشمایم.پس ازمن پروادارید.

۵۳- تاکار-دین-شان رامیان خود تکه تکه کردند-و-دسته دسته

شدند،هردسته ای به آنچه نزدشان بود،دل خوش کردند.

۵۴- پس آنهارادرورطه گمراهی شان تاچندی واگذار.

۵۵- آیامی پندارندکه آنچه ازمال وپسران که بدیشان مدد

میدهیم .

۵۶- (ازآن روی است که) میخواهیم به سودشان درخیرات

شتاب ورزیم؟-نه-بلکه نمی فهمند.

۵۷- درحقیقت،کسانی که ازبیم پرودگارشان هراسانند

۵۸- وکسانی که به نشانه های پروردگارشان ایمان می آورند،

۵۹- وآنان که به پروردگارشان شرک نمی آورند.

۶۰- وکسانی که آنچه رادادند-در راه خدا-میدهند،درحالی که دلهایشان ترسان است-ومی دانند-که به سوی پروردگارشان بازخواهندگشت.

۶۱- آنان هستندکه درکارهای نیک شتاب می ورزندوآنان هستند که درانجام آنها سبقت می جویند.

۶۲- وهیچ کس راجزبه قدرتوانش تکلیف نمی کنیم،ونزدماکتابی هست که به حق سخن میگویدوآنان موردستم قرارنخواهند گرفت.

۶۳- (نه)بلکه دلهای آنان ازاین-حقیقت-درغفلت است،وآنان غیراز این-گناهان-کردارهایی-دیگر-دارندکه به انجام آن مبادرت می ورزند.

۶۴- تاوقتی خوشگذرانان آنهارابه عذاب قبرگرفتارسازیم،بناگاه به زاری درمی آیند.

۶۵- امروز زاری نکنیدکه قطعاشماازجانب مایاری نخواهیدشد.

۶۶- درحقیقت،آیات من برشماخوانده میشدوشمابودیدکه همواره به قهقهرا می رفتید.

۶۷- درحالی که از-پذیرفتن-آن تکبرمی ورزیدندوشب هنگام -درمحافل خود-بدگویی می کردید.

۶۸- آیا در-عظمت-این سخن نیندیشیده اند،یاچیزی برای آنان آمده که برای پدران پیشین آنهانیامده است؟

۶۹- یاپیامبرخودرا-درست-نشناخته و-لذا-به انکاراوپرداخته اند؟

۷۰- یامی گویندااوجنونی دارد؟-نه-بلکه-او-حق را برای ایشان آورده و-لی-بیشترشان حقیقت را خوش ندارند.

۷۱- واگرحق ازهوسهای آنهاپیروی میکرد،قطعا آسمانهاوزمین وهرکه درآنهاست تباه میشد.-نه-بلکه یادنامه شان رابه آنان داده ایم،ولی آنهااز-پیروی-یادنامه خود رویگردانند.

۷۲- یاازایشان مزدی مطالبه می کنی؟ومزدپرروردگارت بهتر است،واوست که بهترین روزی دهندگان است.

۷۳- ودرحقیقت،این تویی که جدّا آنهارابه راه راست میخوانی.

۷۴- وبه راستی کسانی که به آخرت ایمان ندارند،ازراه-درست-سخت منحرفند.

۷۵- واگرایشان راببخشاییم ،وآنچه ازصدمه برآنان-واردآمده-است برطرف کنیم،درطغیان خودکوردلانه اصرارمیورزند.

۷۶- وبه راستی ایشان رابه عذاب گرفتارکردیم و-لی-نسبت به پروردگارشان فروتنی نکردندوبه زاری درنیامدند.

۷۷- تاوقتی که دری ازعذاب دردناک برآنان گشودیم،بناگاه ایشان درآن -حال-نومید شدند.

۷۸- واوست آن کس که برای شماگوش وچشم ودل پدیدآورد چه اندک سپاسگزارید.

۷۹- واوست آن کس که شمارادرزمین پدیدآورد،وبه سوی اوست که گردآورده خواهیدشد.

۸۰- واوست آن کس که زنده میکندومی میراند،واختلاف شب وروز ازاوست،مگرنمی اندیشید.

۸۱- (نه)بلکه آنان-نیز-مثل آنچه پیشینیان گفته بودند،گفتند.

۸۲- گفتند: " آیاچون بمیریم وخاک واستخوان شویم،آیا واقعا بازمازنده خواهیم شد؟

۸۳- درست همین راقبلا به ماوپدرانمان وعده دادند،این جز افسانه های پیشینیان-چیزی-نیست."

۸۴- بگو: " اگرمی دانید-بگویید- زمین وهرکه درآن است به چه کسی تعلق دارد؟"

۸۵- خواهندگفت: " به خداوند" بگو: " آیاعبرت نمی گیرید؟"

۸۶- بگو: " پروردگارآسمانهای هفتگانه وپروردگارعرش بزرگ کیست؟"

۸۷- خواهندگفت: " خداوند" بگو: " آیا پروا نمی کنید؟"

۸۸- بگو: " فرمانروایی هرچیزی به دست کیست؟ واگرمی دانید -کیست آنکه- اوپناه میدهدوخود درپناه کسی نمی رود؟"

۸۹- خواهندگفت: " خداوند" بگو: " پس چگونه دستخوش افسون شده اید؟"

۹۰- (نه)بلکه حقیقت رابرایشان آوردیم،وقطعا آنان دروغگویند.

۹۱- خداوندفرزندی اختیارنکرده وبااومعبودی نیست،واگرجزاین بود،قطعاهرخدایی آنچه راآفریده باخودمیبرد،وحتما بعضی ازآنان بربعضی دیگرتفوّق میجستند،منزّه است خداوند ازآنچه

وصف میکنند.

۹۲- دانای نهان وآشکار،وبرتراست ازآنچه-با او-شریک می گردانند

۹۳- بگو: " پروردگارا،اگرآنچه راکه-ازعذاب-به آنان وعده داده شده است

به من نشان دهی.

۹۴- پروردگارا،پس مرادرمیان قوم ستمکارقرارمده."

۹۵- وبه راستی که ما توانابیم که آنچه رابه آنان وعده

داده ایم برتو بنمایانیم.

۹۶- بدی رابه شیوه ای نیکودفع کن،مابه آنچه وصف میکنند

داناتریم.

۹۷- وبگو: " پروردگارا،ازوسوسه های شیاطین به توپناه میبرم.

۹۸- وپروردگارل،ازاینکه-آنها-به پیش من حاصرشوندبه توپناه میبرم."

۹۹- تا آنگاه که مرگ یکی ازایشان فرارسد،میگوید: " پروردگارا،

مرا بازگردان،

۱۰۰- شایدمن درآنچه وانهاده ام کارنیکی انجام دهم،نه چنین

است،این سخنی است که اوگوینده آن است وپیشاپیش آنان

برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهندشد.

۱۰۱- پس آنگاه که درصوردمیده شود،-دیگر-میانشان نسبت

خویشاوندی وجود ندارد، واز-حال-یکدیگرنمی پرسند.

۱۰۲- پس کسانی که کفه میزان-اعمال-آنان سنگین باشد،ایشان رستگارانند.

۱۰۳- وکسانی که کفه میزان-اعمال-شان سبک باشد،آنان به خویشتن زیان

زده-و-همیشه درجهنم می مانند.

۱۰۴- آتش چهره آنهارامیسوزاند،وآنان درآنجاترش رو هستند.

۱۰۵- آیا آیات من برشماخوانده نمیشدو-همواره-آن راموردتکذیب قرارنمی دادید؟

۱۰۶- میگویند: " پروردگارا،شقاوت ما برماچیره شدومامردمی گمراه بودیم."

۱۰۷- پروردگارا،مارا ازاینجابیرون بر،پس اگربازهم-به بدی- برگشتیم ،درآن صورت ستمگرخواهیم بود.

۱۰۸- می فرماید: " (بروید)درآن گم شویدوبامن سخن نگویید."

۱۰۹- درحقیقت دسته ای ازبندگان من بودندکه می گفتند: " پرودگارا،ایمان آوردیم.برمابببخشای وبه ما رحم کن-که-توبهترین مهربانانی."

۱۱۰- وشما آنان-مومنان-رابه ریشخندگرفتید،تا-با این کار-یادمرا ازخاطرتان بردندوشما برآنان می خندیدید.

۱۱۱- من-هم- امروزبه -پاس-آنکه صبرکردند،بدانان پاداش دادم آری،ایشانندکه رستگارانند.

۱۱۲- می فرماید: " چه مدت به عددسالهادرزمین ماندید؟"

۱۱۳- میگویند: " یک روزیا پاره ای ازیک روز ماندیم،ازشماره کنندگان بپرس."

۱۱۴- می فرماید: " جزاندکی درنگ نکردید،کاش شما می دانستید."

۱۱۵- آیا پنداشتیدکه شمارابیهوده آفریده ایم واینکه شمابه سوی ما بازگردانیده نمی شوید؟

۱۱۶- پس والاست خداوند،فرمانروای برحق ،خدایی جزاونیست
-اوست-پروردگارعرش گرانمایه.
۱۱۷- وهرکس باخداوندمعبوددیگری بخواند،برای آن برهانی
نخواهدداشت،وحسابش فقط باپروردگارش میباشد،درحقیقت
کافران رستگارنمی شوند.
۱۱۸-وبگو: "پروردگارا،ببخشای ورحمت نما،توبهترین بخشایندگانی."

نور

۱- بنام خداوند بخشنده مهربان
(این)سوره ای است که آن رانازل وآن رافرض گردانیدیم
ودرآن آیاتی روشن فروفرستادیم،باشدکه شما پندپذیرید.
۲- به هرزن زناکارومردزناکارصدتازیانه بزنید،واگربه خداوروز
بازپسین ایمان دارید،در-کار-دین خدا،نسبت به آن دو دلسوزی
نکنید،وبایدگروهی ازمومنان درکیفرآن دوحضوریابند.
۳- مردزناکار،جز زن زناکاریامشرک رابه همسری نگیرد،وبر
مومنان این-امر-حرام گردیده است.
۴- وکسانی که نسبت زنا به زنان شوهردارمیدهند،سپس چهار
گواه نمی آورند،هشتادتازیانه به آنان بزنید،وهیچگاه شهادتی
ازآنهانپذیرید،واینانندکه خودفاسقند.
۵- مگرکسانی که بعدازآن-بهتان- توبه کرده وبه صلاح آمده

باشندکه خداوندالبته آمرزنده مهربان است.
۶- وکسانی که به همسران خودنسبت زنامیدهند،وجزخودشان گواهانی ندارند،هریک ازآنان-باید-چهاربار به خداوندسوگندیادکند که اوقطعا ازراستگویان است.
۷- و-گواهی در دفعه- پنجم این است که -شوهربگوید: لعنت خدابراوباداگرازدروغگویان باشد.
۸- واز-زن- کیفرساقط میشود،درصورتی که چهاربار به خداوند سوگندیادکندکه-شوهر-اوجدّا از دروغگویان است.
۹- و-گواهی-پنجم آنکه خشم خداوندبراوباداگر-شوهرش-از راستگویان باشد.
۱۰- واگرفضل ورحمت خداوندبرشمانبودواینکه خداوندتوبه پذیر سنجیده کاراست-رسوامی شدید-
۱۱- درحقیقت،کسانی که آن بهتان-داستان افک-را-درمیان-آوردند دسته ای ازشمابودند،آن -تهمت-راشرّی برای خودتصورنکنید بلکه برای شمادرآن مصلحتی-بوده- است.برای هرمردی ازآنان -که دراین کاردست داشته-همان گناهی است که مرتکب شده است،وآن کس ازایشان که قسمت عمده آن رابه گردن ،گرفته است عذابی سخت خواهدداشت.
۱۲- چراهنگامی که آن-بهتان-راشنیدید،مردان وزنان مومن گمان نیک به خودنبردندونگفتند: " این بهتانی آشکاراست؟"
۱۳- چراچهارگواه بر-درستی-آن-بهتان-نیاوردند؟پس چون گواهان

-لازم-رانیاورده اند،ایناننددکه نزدخداونددروغگویانند.
۱۴- واگرفضل خداوندورحمتش دردنیا وآخرت برشمانبود،قطعا
به -سزای-آنچه درآن به دخالت پرداختید،به شما عذابی بزرگ
میرسید.
۱۵- آنگاه که آن-بهتان-را اززبان یکدیگرمی گرفتیدوبا زبانهای
خودچیزی راکه بدان علم نداشتید،می گفتیدومی پنداشتیدکه
کاری سهل وساده است بااینکه آن-امر-نزدخداوندبس بزرگ بود.
۱۶- و-گرنه-چراوقتی آن راشنیدیدنگفتید: " برای ماسزاوارنیست
که دراین-موضوع-سخن گوییم.-خداوندا-تومنزّهی ،این بهتانی
بزرگ است."
۱۷- خداونداندرزتان میدهدکه هیچ گاه دیگرمثل آن را-اگرمومن
هستید-تکرارنکنید.
۱۸- وخداوندبرای شماآیات-خود-رابیان میکند،وخداوند دانای
سنجیده کاراست.
۱۹- کسانی که دوست دارندکه زشتکاری درمیان آنان که ایمان
آورده اندشیوع پیداکند،برای آنان در دنیاوآخرت عذابی پردرد
خواهدبود،وخداوند میداندوشما نمی دانید.
۲۰- واگرفضل ورحمت خدابرشمانبودواینکه خداوند رئوف ومهربان
است-مجازات سختی درانتظارتان بود-
۲۱- ای کسانی که ایمان آورده اید،پای ازپی گامهای شیطان منهید،وهرکس
پای برجای گامهای شیطان نهد-بداندکه-اوبه زشتکاری وناپسندوامی

دارد،واگرفضل خداوندورحمتش برشمانبود

هرگزهیچکس ازشماپاک نمیشد،ولی-این-خداونداست که هرکس را

بخواهدپاک می گرداندوخداوند-است که-شنوای داناست.

۲۲- وسرمایه داران وفراخ دولتان شمانبایدازدادن-مال-به خویشاوندان

وتهیدستان ومهاجران راه خدادریغ ورزند،وباید

عفوکنندوگذشت نمایندمگردوست نداریدکه خداوندبرشماببخشاید؟

وخداوندآمرزنده مهربان است.

۲۳- بی گمان ،کسانی که به زنان پاکدامن بی خبر-ازهمه جا-

وبا ایمان نسبت زنامیدهند،دردنیاوآخرت لعنت شده اند،وبرای آنهاعذابی

سخت خواهدبود.

۲۴- در روزی که زبان ودستهاوپاهایشان برضدآنان برای آنچه

انجام میدادند،شهادت می دهند.

۲۵- آن روزخداوندجزای شایسته آنان رابه طورکامل میدهدوخواهنددانست

که خداهمان حقیقت آشکاراست.

۲۶- زنان پلیدازآن مردان پلیدند،ومردان پلیدازآن زنان پلید،و

زنان پاک ازآن مردان پاک،ومردان پاک ازآن زنان پاک .اینان

ازآنچه درباره ایشان میگویندبرکنارند،برای آنان آمرزش وروزی

نیکوخواهدبود.

۲۷- ای کسانی که ایمان آورده اید،به خانه هایی که خانه های

شمانیست داخل نشویدتا اجازه بگیریدوبراهل آن سلام گویید

این برای شما بهتراست،باشدکه پندگیرید.

۲۸- واگرکسی را درآن نیافتید،پس داخل آن مشویدتابه شما اجازه داده شود،واگربه شماگفته شد:" برگردید" برگردید،که آن برای شماسزاوارتراست،وخداوندبه آنچه انجام میدهیدداناست.

۲۹- برشماگناهی نیست که به خانه های غیرمسکونی-که در آنهابرای شما استفاده ای هست-داخل شوید،وخداوندآنچه را آشکاروآنچه راپنهان میدارید میداند.

۳۰- به مردان باایمان بگو: " دیده فرونهندوپاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه تراست،زیراخداوندبه آنچه می کنند آگاه است."

۳۱- وبه زنان باایمان بگو: " دیدگان خودرا-ازهرنامحرمی- فروبندندوپاکدامنی ورزندو زینت های خودرا آشکارنگردانند مگرآنچه که طبعا ازآن پیداست.وبایدروسری خودرابرگردن خویش-فرو-اندازند،وزینت هایشان راجزبرای شوهرانشان یاپدرانشان یاپدران شوهرانشان یاپسرانشان یاپسران شوهرانشان یابرادرانشان یاپسران برادرانشان یاپسران خواهرانشان یازنان -همکیش-خودیاکنیزانشان یاخدمتکاران مردکه-اززن--بی نیازند یاکودکانی که برعورتهای زنان وقوف حاصل نکرده اند،آشکار نکنند،وپاهای خودرا-به گونه ای به زمین-نکوبندتاآنچه اززینتشان نهفته می دارندمعلوم گردد.ای مومنان همگی-ازمردوزن- به درگاه خداوندتوبه کنید،امیداست که رستگارشوید.

۳۲- بی همسران خود،وغلامان وکنیزان درستکارتان راهمسر

دهید.اگرتنگدستند،خداوندآنان راازفضل خویش بی نیازخواهد
کرد،وخداوندگشایگر داناست.
۳۳- وکسانی که-وسیله-زناشویی نمی یابند،بایدعفت ورزندتاخداوندآنان
راازفضل خویش بی نیازگرداندوازمیان
غلامانتان کسانی که درصددندباقراردادکتبی خودراآزادکنند،اگردرآنان خیری
-وتوانایی پرداخت مال-می یابید،قرار بازخریدآنهارابنویسید،وازآن مالی که
خداوندبه شماداده است به
ایشان بدهید-تاتدریجاخودراآزادکنند-وکنیزان خودرا-درصورتی که تمایل به
پاکدامنی دارند-برای اینکه متاع زندگی دنیارابجویید
به زنا وادارنکنید،وهرکس آنان رابه زوروادارکند،درحقیقت خداوند پس
ازاجبارنمودن ایشان-نسبت به آنها-آمرزنده مهربان
است.
۳۴- وقطعابه سوی شما آیاتی روشنگروخبری ازکسانی که پیش
ازشماروزگاربه سربرده اند،وموعظه ای برای اهل تقوافرودآورده ایم.
۳۵- خداوندنورآسمانهاوزمین است،مثل نوراوچون چراغدانی است که درآن
چراغی است،وآن چراغ درشیشه ای است،آن
شیشه گویی اختری درخشان است که ازدرخت خجسته زیتونی
که نه شرقی است ونه غربی،افروخته میشود.نزدیک است که
روغنش-هرچند بدان آتشی نرسیده باشد-روشنی بخشد.روشنی
بر روی روشنی است.خداهرکه رابخواهدبانورخویش هدایت
میکند،واین مثلهاراخداوندبرای مردم میزندوخداوندبه هرچیزی

داناست.

۳۶- درخانه هایی که خدارخصت داده که-قدرومنزلت-آنهارفعت یابدونامش درآنهایادشود.درآن-خانه-هاهربامدادوشامگاه اورانیایش میکنند.

۳۷- مردانی که نه تجارت ونه دادوستدی،آنان را ازیادخداو برپاداشتن نمازودادن زکات ،به خودمشغول نمی دارد،وازروزی که دلها ودیده ها درآن زیروروميشودمی هراسند.

۳۸- تاخداوندبهترازآنچه انجام می دادند،به ایشان جزادهدواز فضل خودبرآنان بیفزاید،وخدا-ست که- هرکه رابخواهدبی حساب روزی میدهد.

۳۹- وکسانی که کفرورزیدند،کارهایشان چون سرابی درزمینی هموار است که تشنه ،آن را آبی می پندارد،تاچون بدان رسدآن راچیزی نیابدوخداوندرانزدخویش یابدوحسابش راتمام به اودهدوخداوندحساب کننده ای سریع است.

۴۰- یا-کارهایشان-مانندتاریکیهایی است که دردریایی ژرف است که موجی آن رامی پوشاند-و-روی آن موجی-دیگر-است-و-بالای آن ابری است .تاریکیهایی است که بعضی برروی بعضی قرار گرفته است،هرگاه-غریق-دستش رابیرون آورد،به زحمت آن رامیبیند،وخداوندبه هرکس نوری نداده باشداوراهیچ نوری نخواهدبود.

۴۱- آیاندانسته ای که هرکه-وهرچه-درآسمانهاوزمین است برای خداوندتسبیح میگویند،وپرندگان-نیز-درحالی که درآسمان پرگشوده اند-تسبیح

اومی گویند-همه ستایش ونیایش خودرا
میدانند،وخداوندبه آنچه می کننددانااست.

۴۲- وفرمانروایی آسمانهاوزمین ازآن خداونداست،وبازگشت-همه-
به سوی خداوند است.
۴۳- آیاندیده ای که خداوند-است که-ابررا به آرامی میراند
سپس میان-اجزاء-آن پیوندمیدهد،آنگاه آن رامتراکم میسازد،پس دانه های
باران رامیبینی که ازخلال آن بیرون می آید،و-خداست که-از آسمان
ازکوههایی که درآنجاست تگرگی فرومیریزد،وهرکه
بخواهدبازمیدارد.نزدیک است روشنی برقش
چشمهارا ببرد.
۴۴- خداونداست که شب وروز را با هم جابجامیکند،قطعادراین
-تبدیل-برای دیده وران-درس-عبرتی است.
۴۵- وخداونداست که هرجنبنده ای را-ابتدا-ازآبی آفرید.پس پاره ای
ازآنهابرروی شکم راه میروندوپاره ای ازآنهابرروی دوپاوبعضی
ازآنهابرروی چهار-پا-راه میروند.خداوندهرچه بخواهدمی آفریند.
درحقیقت خداوندبرهرچیزی تواناست.
۴۶- قطعا آیاتی روشنگرفرودآورده ایم وخداوندهرکه رابخواهد
به راه راست هدایت می کند.
۴۷- ومیگویند: " به خداوپیامبر-او-گرویدیم واطاعت کردیم."
آنگاه دسته ای ازایشان پس ازاین-اقرار-روی برمی گردانند،

وآنان مومن نیستند.

۴۸- وچون به سوی خداوپیامبراوخوانده شوند،تامیان آنان داوری کند،بناگاه

دسته ای ازآنهاروی برمی تابند.

۴۹- واگرحق به جانب ایشان باشد،به حال اطاعت به سوی اومی آیند.

۵۰- آیادردلهایشان بیماری است،یاشک دارند،یاازآن میترسندکه

خداورسولش برآنان ستم ورزند؟-نه-بلکه خودشان ستمکارند.

۵۱- گفتارمومنان-وقتی به سوی خداوپیامبرش خوانده شوندتا

میانشان داوری کند-تنهااین است که میگویند: " شنیدیم واطاعت کردیم."

ایناننند که رستگارهستند.

۵۲- وکسی که خداوندوفرستاده اورافرمان برد،وازخدابترسد

وازاوپرواکند،آنان هستندکه خودکامیابند.

۵۳- وباسوگندهای سخت خودبه خداسوگندیادکردندکه اگربه آنان

فرمان دهی،بی شک-برای جهاد-بیرون خواهندآمد.بگو: " سوگند

مخورید،اطاعتی پسندیده-بهتراست-که خدابه آنچه میکنید

داناست.

۵۴- بگو: " خداوپیامبررا اطاعت کنید.پس اگرپشت

نمودید،-بدانیدکه-برعهده اوست آنچه تکلیف شده وبرعهده شماست

آنچه موظف هستید،واگراطاعتش کنیدراه خواهیدیافت،وبر

فرستاده-خدا-جزابلاغ آشکار-ماموریتی-نیست.

۵۵- خدابه کسانی ازشماکه ایمان آورده وکارهای شایسته

کرده اند،وعده داده است که حتماآنان رادراین سرزمین جانشین

-خود-قراردهد،همان گونه که کسانی راکه پیش ازآنان بودند
جانشین- خود-قرارداد،وآن دینی راکه برایشان پسندیده است
به سودشان مستقرکند،وبیمشان رابه ایمنی مبدل گرداند،
-تا- مراعبادت کنندوچیزی رابامن شریک نگردانند،وهرکس پس
ازآن به کفرگراید،آنان هستندکه نافرمانند.
۵۶- ونمازرابرپاکنیدوزکات رابدهیدوپیامبر-خدا-رافرمان بریدتا
موردرحمت قرارگیرید.
۵۷- ومپندارکسانی که کفرورزیدند-مارا-درزمین درمانده وعاجز
میکنند،جایگاهشان درآتش است وچه بدبازگشت گاهی است.
۵۸- ای کسانی که ایمان آورده اید،قطعابایدغلام وکنیزهای شما
وکسانی ازشماکه به-سن-بلوغ نرسیده اندسه باردرشبانه روز
ازشما کسب اجازه کنند،پیش ازنمازبامداد،ونیمروزکه جامه های
خودرابیرون می آورید،وپس ازنمازشامگاهان،-این-سه هنگام برهنگی
شماست،نه برشماونه برآنان گناهی نیست که غیرازاین
-سه هنگام-گرد یکدیگربچرخید-وباهم معاشرت نمایید-خداوند
آیات -خود-رااین گونه برای شما بیان می کند،وخداوند دانای
سنجیده کاراست.
۵۹- وچون کودکان شمابه بلوغ رسیدند،بایدازشماکسب اجازه
کنند،همان گونه که آنان که پیش ازایشان بودندکسب اجازه
کردند،خداوندآیات خودرا اینگونه برای شما بیان میدارد،وخدا
دانای سنجیده کاراست.

۶۰- وبرزنان ازکارافتاده ای که -دیگر-امید زناشویی ندارند
گناهی نیست که پوشش خودراکنارنهند-به شرطی که-زینتی
راآشکارنکنند،وعفّت ورزیدن برای آنها بهتراست،وخداشنوای داناست.
۶۱- برنابینا ولنگ وبیماروبرشما ایرادی نیست که ازخانه های
خودتان بخورید،یاازخانه های پدرانتان یاخانه های مادرانتان
یاخانه های عموهایتان یا خانه های عمه هایتان یاخانه های
دایی هایتان یاخانه های خاله هایتان یاآن -خانه هایی-که
کلیدهایش رادراختیارداریدیا-خانه-دوستتان -هم چنین-برشماباکی نیست که
باهم بخوریدیاپراکنده ،پس چون به خانه هایی
-که گفته شد-درآمدید،به یکدیگرسلام کنید،درودی که نزدخداوندمبارک
وخوش است.خداوندآیات-خود-را اینگونه برای
شما بیان می کند،امیدکه بیندیشید.
۶۲- جزاین نیست که مومنان کسانی هستندکه به خداورسولش
گرویده اند،وهنگامی که باوبرسرکاری اجتماع کردند،تاازوی
کسب اجازه نکنندنمی روند.درحقیقت،کسانی که ازتوکسب
اجازه می کنند،آنان هستندکه به خداوندوپیامبرش ایمان دارند.
پس چون برای برخی ازکارهایشان ازتواجازه خواستند،به هر
کس ازآنان که خواستی اجازه ده وبرایشان آمرزش بخواه
که خداوندآمرزنده مهربان است.
۶۳- پیامبررا مثل آنکه بعضی ازخودتان به بعضی دیگرخطاب
می کنید خطاب نکنید،خداوند میداند-چه-کسانی ازشما دزدانه

-ازنزداو-می گریزند.پس کسانی که ازفرمان اوتمرّدمی کنند بترسندکه مبادا بلایی به ایشان برسدیابه عذابی دردناک گرفتار شوند.

۶۴- هشدار که آنچه درآسمانها وزمین است،ازآن خداست.به یقین آنچه راکه برآن هستیدمی داند،وروزی که به سوی او بازگردانیده میشوند،آنان را-ازحقیقت-آنچه انجام داده اندخبر میدهد،وخداوند به هرچیزی داناست.

فرقان

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

بزرگ -وخجسته-است کسی که بربنده خود،فرقان-کتاب جداسازنده حق ازباطل-رانازل فرمود،تابرای جهانیان هشدار
دهنده ای باشد.

۲- همان کس که فرمانروایی آسمانهاوزمین ازآن اوست،وفرزندی اختیارنکرده وبرای اوشریکی درفرمانروایی نبوده است،وهرچیزی راآفریده وبدان گونه که درخورآن بوده اندازه گیری کرده است.

۳- وبه جای اوخدایانی برای خودگرفته اندکه چیزی راخلق نمی کنندوخودخلق شده اندوبرای خودنه زیانی رادراختیار دارندونه سودی را،ونه مرگی رادراختیاردارندونه حیاتی ونه رستاخیزی را.

۴- وکسانی که کفرورزیدند،گفتند: " این-کتاب-جزدروغی که آن رابربافته-چیزی-نیست،وگروهی دیگراورابرآن یاری کرده اند." وقطعا-باچنین نسبتی-ظلم بهتانی به پیش آوردند.

۵- وگفتند: " افسانه های پیشینیان است که آنهارابرای خود

نوشته ،وصبح وشام براو املا میشود."

۶- بگو: " آن راکسی نازل ساخته است که راز نهان ها را درآسمانها وزمین میداند،وهم اوست که همواره آمرزنده مهربان است."

۷- وگفتند: " این چه پیامبری است که غذامیخوردودربازارها راه میرود؟چرافرشته ای به سوی اونازل نشده تاهمراه وی هشداردهنده باشد.

۸- یاگنجی به طرف اوافکنده نشده یا باغی نداردکه از-باروبر-آن بخورد؟" وستمکاران گفتند: " جزمردی افسون شده رادنبال نمی کنید."

۹- بنگرچگونه برای تومثلها زدندوگمراه شدند،درنتیجه نمی توانندراهی بیابند.

۱۰- بزرگ -وخجسته-است کسی که اگربخواهدبهترازاین رابرای توقرارمیدهد،باغهایی که جویبارهااززیرآن روان خواهدبود،وبرای توکاخها پدید می آورد.

۱۱- (نه)بلکه -آنها-قیامت رادروغ خواندند،وبرای هرکس که قیامت رادروغ خواندآتش سوزان آماده کرده ایم.

۱۲- چون-دوزخ-ازفاصله ای دور،آنان راببیند،خشم وخروشی ازآن می شنوند.

۱۳- وچون آنان رادرتنگنایی ازآن به زنجیرکشیده بیندازند، آنجاست که مرگ-خود-را میخواهند.

۱۴-" امروزیک بار هلاک-خود-رامخواهیدوبسیارهلاک-خود-رابخواهید."

۱۵- بگو: " آیااین-عقوبت-بهتراست یابهشت جاویدان که به پرهیزکاران وعده داده شده است که پاداش وسرانجام آنان است؟"

۱۶- جاودانه هرچه بخواهنددرآنجا دارند.پروردگارتومسئول-تحقق- این وعده است.

۱۷- وروزی که آنان راباآنچه به جای خدا می پرستند،محشورمیکند،پس می فرماید: " آیاشمااین بندگان مرابه بیراهه کشاندیدیاخودگمراه شدند؟"

۱۸- میگویند: " منزّهی تو،مارا نسزدکه جزتوسرپرستی برای خود بگیریم،ولی توآنان وپدرانشان رابرخوردارکردی تا-آنجاکه-یاد-تورا فراموش کردندوگروهی هلاک شده بودند."

۱۹- قطعا-خدایانتان-درآنچه می گفتید،شماراتکذیب کردند،درنتیجه نه میتوانید-عذاب راازخود-دفع کنیدونه-خودرا-یاری نماییدوهر کس ازشماشرک ورزدعذابی سهمگین به اومی چشانیم.

۲۰- وپیش ازتوپیامبران-خود-رانفرستادیم جزاینکه آنان-نیز-غذا می خورندودربازارهاراه می رفتند،وبرخی ازشمارابرای برخی دیگر-وسیله-آزمایش قراردادیم،آیاشکیبایی میکنید؟وپروردگارتو همواره بیناست.

۲۱- وکسانی که به لقای ماامیدندارند،گفتند: " چرافرشتگان برما نازل نشدندیاپروردگارمان را نمی بینیم؟" قطعا درموردخود تکبرورزیدندوسخت سرکشی کردند.

۲۲- روزی که فرشتگان راببینند،آن روزبرای گناهکاران،بشارتی

نیست،ومی گویند: " دور وممنوع -آیدازرحمت خدا-."
۲۳- وبه هرگونه کاری که کرده اندمی پردازیم وآن را-چون-
گردی پراکنده میسازیم.
۲۴- آن روز ،جایگاه اهل بهشت بهترواستراحتگاهشان نیکوتراست.
۲۵- وروزی که آسمان باابری سپیدازهم می شکافدوفرشتگان
نزول یابند
۲۶- آن روز ،فرمانروایی بحق ،ازآن-خدای-رحمان است وروزی
است که برکافران بسی دشواراست.
۲۷- وروزی است که ستمکاردستهای خودرامی گزد،-و-میگوید
: " ای کاش باپیامبرراهی برمی گرفتم."
۲۸- " ای وای ،کاش فلانی رادوست-خود-نگرفته بودم.
۲۹- او-بودکه-مرابه گمراهی کشانیدپس ازآنکه قرآن به من رسیده بود."
وشیطان همواره فروگذارنده انسان است.
۳۰- وپیامبرگفت: " پروردگارا،قوم من این قرآن را رها کردند."
واینگونه برای هرپیامبری دشمنی ازگناهکاران قرارداديم،وهمین بس که
پروردگارت راهبروياورتوست.
۳۱- واین گونه برای هرپیامبری دشمنی ازگناهکاران قرارداديم،
وهمین بس که پروردگارت راهبروياورتوست.
۳۲- وکسانی که کافرشدندگفتند: " چراقرآن یکجابراونازل نشده
است؟" اینگونه-ماآن رابه تدریج نازل کردیم-تاقلبت رابه وسیله
آن استوارگردانیم،وآن رابه آرامی-برتو-خواندیم.

۳۳- وبرای تومثلی نیاوردند،مگرآنکه-ما-حق رابانیکوترین بیان برای
توآوردیم.
۳۴- کسانی که -به رودرافتاده-به سوی جهنم رانده میشوند،
آنان بدترین جای وکم ترین راه رادارند.
۳۵- وبه یقین-ما-به موسی کتاب-آسمانی-عطاکردیم وبرادرش
هارون راهمراه او ودستیار-ش-گردانیدیم.
۳۶- پس گفتیم: " هردوبه سوی قومی که نشانه های مارابه
دروغ گرفتندبروید." پس-ما-آنان رابه سختی هلاک نمودیم.
۳۷- وقوم نوح راآنگاه که پیامبران-خدا-راتکذیب کردندغرقشان
ساختیم وآنان رابرای-همه-مردم عبرتی گردانیدیم وبرای
ستمکاران عذابی پردردآماده کرده ایم.
۳۸- و-نیز-عادیان وثمودیان واصحاب رَس ونسلهای بسیاری
میان این-جماعتها-را-هلاک کردیم- .
۳۹- وبرای همه آنان مثلها زدیم وهمه را زیرو زبرکردیم.
۴۰- وقطعابرشهری که باران بلا برآن بارانده شدکه گذشته اند
مگرآن راندیده اند؟-چرا-ولی امیدبه زنده شدن ندارند
۴۱- وچون تورابیینند،جزبه ریشخندت نگیرند،-که- " آیا این
همان کسی است که خداونداورابه رسالت فرستاده است؟
۴۲- چیزی نمانده بودکه مارا ازخدایانمان -اگربرآن ایستادگی
نمی کردیم-منحرف کند،" وهنگامی که عذاب رامی بینندبه
زودی خواهنددانست چه کسی گمراه تراست.

۴۳- آیا آن کس که هوای-نفس-خودرامعبودخویش گرفته
است دیدی؟آیا-میتوانی-ضامن اوباشی؟
۴۴- یاگمان داری که بیشترشان میشنوندیا می اندیشند؟
آنان جزمانند ستوران نیستندبلکه گمراه ترند.
۴۵- آیاندیده ای که پروردگارت چگونه سایه راگسترده است؟
واگرمیخواست،آن راساکن قرارمیداد،آنگاه خورشیدرابرآن دلیل
گردانیدیم.
۴۶- سپس آن-سایه-را اندک اندک به سوی خودبازمیگیریم.
۴۷- واوست کسی که شب رابرای شماپوششی قراردادوخواب
را-مایه-آرامشی ،وروزرازمان برخاستن-شما-گردانید.
۴۸- واوست آن کس که بادهارانویدی پیشاپیش رحمت خویش
فرستادوازآسمان ،آبی پاک فرودآوردیم.
۴۹- تابه وسیله آن سرزمینی مرده رازنده گردانیم وآن رابه آنچه خلق کرده
ایم-ازدامهاوانسانهای بسیار- بنوشانیم.
۵۰- وقطعا آن-پند-رامیان آنان گوناگون ساختیم تاتوجه پیداکنند
و-لی-بیشترمردم جزناسپاسی نخواستند.
۵۱- واگرمیخواستیم قطعادرهرشهری هشداردهنده ای بر
می انگیختیم.
۵۲- پس ازکافران اطاعت نکن،وبا-الهام گرفتن از-قرآن باآنان به جهادی
بزرگ بپرداز.
۵۳- واوست کسی که دو دریاراموج زنان به سوی هم روان

کرد،این یکی شیرین-و-گوارا وآن یکی شور-و-تلخ است،ومیان آن دو،مانع وحریمی استوارقرارداد.

۵۴- واوست کسی که ازآب بشری آفریدواورا-دارای خویشاوندی- نسبی ودامادی قرارداد.وپروردگارتوهمواره تواناست.

۵۵- وغیرازخداچیزی رامیپرستندکه نه سودشان میدهدونه زیانشان میرساند،وکافرهمواره دربرابرپروردگارخودپشتیبان -شیطان- است.

۵۶- وتوراجزبشارتگروبیم دهنده نفرستادیم.

۵۷- بگو: " براین-رسالت-اجری ازشماطلب نمی کنم،جزاینکه هر کس بخواهدراهی به سوی پروردگارش-درپیش گیرد-."

۵۸- وبرآن زنده ای که نمی میرد توکل کن وبه ستایش او تسبیح گوی وهمین بس که اوبه گناهان بندگانش آگاه است.

۵۹- همان کسی که آسمانهاوزمین،وآنچه راکه میان آن دواست،درشش روزآفرید.آنگاه برعرش استیلایافت.رحمت کننده عالم -اوست-.درباره وی ازخبره ای بپرس-که میداند.-

۶۰- وچون به آنان گفته شود: " -خدای- رحمان راسجده کنید" میگویند: " رحمان چیست؟ آیابرای چیزی که مارا-بدان-فرمان میدهی سجده کنیم؟" و بر رمیدنشان می افزاید.((سجده واجب))

۶۱- (فرخنده و) بزرگواراست آن کسی که درآسمان برجهایی نهاد ،ودرآن ،چراغ وماهی درخشان قرارداد.

۶۲- واوست کسی که برای هرکس که بخواهدعبرت گیردیا

بخواهدسپاسگزاری نماید،شب وروز را جانشین یکدیگرگردانید.

۶۳- وبندگان خدای رحمان کسانی هستندکه روی زمین به نرمی
گام برمی دارند،وچون نادانان ایشان راطرف خطاب قرار دهند
به ملایمت پاسخ می دهند-ومی گویندسلام برشما-

۶۴- وآنان هستندکه درحال سجده یا ایستاده ،شب رابه روز
می آورند.

۶۵- وکسانی هستندکه میگویند: " پروردگارا،عذاب جهنم را ازما
بازگردان که عذابش سخت ودائمی است.

۶۶- ودر حقیقت ،آن بدقرارگاه وجایگاهی است.

۶۷- وکسانی هستندکه چون انفاق کنند،نه ولخرجی میکنندونه
تنگ میگیرند،ومیان این دو-روش-حدّ وسط را برمی گزینند.

۶۸- وکسانی اندکه باخدامعبودی دیگرنمی خوانندوکسی راکه خداوند-خونش
را-حرام کرده است جزبه حق نمی کشندوزنا
نمی کنند،وهرکس اینهاراانجام دهدسزایش رادریافت خواهدکرد.

۶۹- برای اودرروزقیامت عذاب دوچندان میشودوپیوسته درآن
خوارمیماند.

۷۰- مگرکسی که توبه کندوایمان آوردوکارشایسته کند،پس خداوندبدیهایشان
رابه نیکیها تبدیل میکند،وخداوندهمواره
آمرزنده مهربان است.

۷۱- وهرکس توبه کندوکارشایسته انجام دهد،درحقیقت به سوی
خداوندبازمی گردد.

۷۲- وکسانی هستندکه شهادت دروغ نمی دهند،وچون برلغو
بگذرندبابزرگواری بگذرند.

۷۳- وکسانی هستندکه چون به آیات پروردگارشان تدگرداده شوند مانندکران
وکوران ازآن نمی گذرند.

۷۴- وکسانی هستندکه میگویند: " پروردگارا،به ما از همسران و
فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان-ما-باشد،ومارا‌پیشوای
پرهیزکاران گردان."

۷۵- اینان هستندکه به پاس آنکه صبرکردند،غرفه-های بهشت-
پاداش خواهندیافت ودرانجا باسلام ودرودمواجه خواهندشد.

۷۶- درآنجا،جاودانه خواهندماند،چه خوش قرارگاه ومقامی.

۷۷- بگو: " اگردعای شمانباشد،پروردگارم هیچ اعتنایی به شما
نمی کند.درحقیقت شمابه تکذیب پرداخته ایدوبه زودی-عذاب
برشما-لازم خواهدشد."

شعراء

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

طسم   طا، سین، میم.

۲- این است آیه های کتاب روشنگر

۳- شایدتو ازاینکه-مشرکان-ایمان نمی آورند،جان خودراتباه سازی

۴- اگربخواهیم،معجزه ای ازآسمان برآنان فرودمی آوریم،تادربرابر آن گردنهایشان خاضع گردد.

۵- وهیچ تذکرجدیدی ازسوی-خدای-رحمان برایشان نیامدجزاینکه همواره ازآن روی برمی تافتند.

۶- (آنان)درحقیقت به تکذیب پرداختند،وبه زودی خبرآنچه که بدان ریشخندمی کردند،بدیشان خواهدرسید.

۷- مگردرزمین ننگریسته اندکه چه قدردرآن ازهرگونه جفتهای زیبا رویانیده ایم؟

۸- قطعادراین-هنرنمایی-عبرتی است و-لی-بیشترشان ایمان آورنده نیستند.

۹- ودرحقیقت،پروردگارتو همان شکست ناپذیرمهربان است.

۱۰- و-یادکن-هنگامی راکه پروردگارت موسی راندادر دادکه به سوی قوم ستمکاربرو.

۱۱- قوم فرعون: آیا پروا ندارید؟

۱۲- گفت: " پروردگارا،میترسم مراتکذیب کنند.

۱۳- وسینه ام تنگ میگردد،وزبانم بازنمیشود،پس به سوی
هارون بفرست.

۱۴- و-ازطرفی-آنان بر-گردن-من خونی دارندومی ترسم مرابکشند."

۱۵- فرمود: " نه چنین نیست،نشانه های مارا-برای آنان-ببریدکه
ماباشماشنونده ایم."

۱۶- پس به سوی فرعون برویدوبگویید: " ماپیامبرپروردگار
جهانهاهستیم.

۱۷- فرزندان بنی اسراییل رابامابفرست."

۱۸- (فرعون) گفت: " آیاتوراازکودکی درمیان خودنپروردیم وسالیانی
چندازعمرت راپیش مانماندی؟

۱۹- و-سرانجام- کارخودراکردی،وتوازناسپاسانی."

۲۰- گفت: " آن راهنگامی مرتکب شدم که ازگمراهان بودم،

۲۱- وچون ازشماترسیدم،ازشماگریختم،تاپروردگارم به من دانش
بخشیدومرا ازپیامبران قرارداد.

۲۲- و(آیا)اینکه فرزندان اسرائیل رابنده-خود-ساخته ای نعمتی
است که منّتش رابرمن مینهی؟"

۲۳- فرعون گفت: " وپروردگارجهانها چیست؟"

۲۴- گفت: " پرورگارآسمانهاوزمین وآنچه میان آن دواست
اگراهل یقین باشید."

۲۵- (فرعون) به کسانی که پیرامونش بودندگفت : "آیانمی شنوید؟"

۲۶- (موسی دوباره) گفت: " پروردگارشماوپروردگارپدران پیشین
شما."
۲۷- (فرعون) گفت: " واقعااین پیامبری که به سوی شمافرستاده شده،سخت
دیوانه است."
۲۸- (موسی)گفت: " پرودگارخاوروباختروآنچه میان آن دواست
اگرتعقل کنید."
۲۹- (فرعون) گفت: " اگرخدایی غیرازمن اختیارکنی قطعاتورا
از زندانیان خواهم ساخت."
۳۰- گفت: " گرچه برای توچیزی آشکاربیاورم؟"
۳۱- گفت: " اگرراست میگویی آن رابیاور."
۳۲- پس عصای خودبیفکندوبناگاه آن اژدری آشکارشد.
۳۳- ودستش رابیرون کشیدوبناگاه آن برای تماشاگران سپید
مینمود.
۳۴- (فرعون) به سرانی که پیرامونش بودندگفت: " واقعااین
ساحری بسیارداناست.
۳۵- میخواهدباسحرخودشمارا ازسرزمینتان بیرون کند،اکنون
چه رای میدهید؟"
۳۶- گفتند: " او وبرادرش رادربندداروگردآورندگان رابه شهرها
بفرست،
۳۷- تاهرساحرماهری رانزدتوبیاورند."
۳۸- پس ساحران برای موعد روزی معلوم گردآوری شدند.

۳۹- وبه توده مردم گفته شد: " آیاشما هم جمع خواهیدشد؟

۴۰- بدین امیدکه اگرساحران غالب شدندازآنان پیروی کنیم؟

۴۱- وچون ساحران پیش فرعون آمدند،گفتند: " آیا اگرماغالب

آییم واقعا برای ما مزدی خواهدبود؟"

۴۲- گفت: "آری،ودرآن صورت شماحتمااز-زمره-مقرّبان خواهید شد."

۴۳- موسی به آنان گفت: " آنچه راشمامی اندازیدبیندازید."

۴۴- پس ریسمانها وچوبدستی هایشان را انداختندوگفتند:

" به عزّت فرعون که ما حتما پیروزیم."

۴۵- پس موسی عصایش را انداخت وبناگاه هرچه رابه دروغ

برساخته بودندبلعید.

۴۶- درنتیجه ساحران به حالت سجده درافتادند.

۴۷- گفتند: " به پروردگارجهانهاایمان آوردیم:

۴۸- پروردگارموسی وهارون."

۴۹- گفت: " -آیا- پیش ازآنکه به شما اجازه دهم به اوایمان آوردید؟قطعا

اوهمان بزرگ شماست که به شماسحرآموخته

است،به زودی خواهیددانست.حتمادستهاوپاهای شماراازچپ وراست خواهم

بریدوهمه تان رابه دارخواهم آویخت."

۵۰- گفتند: " باکی نیست،ما روی به سوی پروردگارخودمی آوریم

۵۱- مامیدواریم که پروردگارمان گناهانمان رابرماببخشاید،-چرا-

که نخستین ایمان آورندگان بودیم."

۵۲- وبه موسی وحی کردیم که : " بندگان مراشبانه حرکت

ده،زيراشماموردتعقيب قرارخواهيدگرفت."

۵۳- پس فرعون ماموران جمع آوری-خودرا-به شهرهافرستاد.

۵۴- (وگفت:)" اينها عده ای ناچيزند.

۵۵- وراستی آنهامارابرسرخشم آورده اند.

۵۶- و-لی-ماهمگی به حال آماده باش درآمده ايم."

۵۷- سرانجام ماآنان رااززباغستانها وچشمه سارها،

۵۸- وگنجينه هاوجايگاهای پرنازونعمت بيرون کرديم.

۵۹- (اراده ما) چنين بود،وآن -نعمتها-رابه فرزندان اسراييل ميراث داديم.

۶۰- پس هنگام برآمدن آفتاب ،آنهاراتعقيب کردند.

۶۱- چون دوگروه همديگررادیدند،ياران موسی گفتند: " قطعا گرفتارخواهيم شد."

۶۲- گفت: " چنين نيست زيراپروردگارم بامن است وبه زودی مرا راهنمايی خواهدکرد."

۶۳- پس به موسی وحی کرديم: " باعصای خودبراين دريا بزن." تاازهم شکافت،وهرپاره ای همچون کوهی سترگ بود.

۶۴- وديگران رابدانجا نزديک گردانيديم.

۶۵- وموسی وهمه کسانی راکه همراه اوبودندنجات داديم،

۶۶- آنگاه ديگران راغرق کرديم.

۶۷- مسلما دراين-واقعه-عبرتی بود،و-لی-بيشترشان ايمان آورنده نبودند.

۶۸- وقطعاپروردگارتوهمان شکست ناپذیرمهربان است.

۶۹- وبرآنان گزارش ابراهیم رابخوان.

۷۰- آنگاه که به پدرخودوقومش گفت: " چه می پرستید؟"

۷۱- گفتند: " بتانی رامی پرستیم وهمواره ملازم آنهائیم."

۷۲- گفت: " آیاوقتی دعامیکنید، شما رامی شنوند؟

۷۳- یابه شماسودیازیان می رسانند؟"

۷۴- گفتند: " نه بلکه پدران خودرایافتیم که چنین میکردند."

۷۵- گفت: " آیادرانچه می پرستیده اید تامّل کرده اید؟

۷۶- شماوپدران شما؟

۷۷- قطعا همه آنها-جزپروردگارجهانها- دشمن من هستند.

۷۸- آن کس که مرا آفریده وهم او راهنماییم می کند.

۷۹- وآن کس که اوبه من خوراک میدهدوازتشنگی سیرابم میگرداند.

۸۰- وچون بیمارشوم اومرادرمان میبخشد.

۸۱- وآن کس که مرامی میراندوسپس زنده ام می گرداند.

۸۲- وآن کس که امیددارم روزپاداش ،گناهم رابرمن ببخشاید."

۸۳- پروردگارا،به من دانش عطاکن ومرابه صالحان ملحق فرما.

۸۴- وبرای من در-میان-آیندگان آوازه نیکوگذار.

۸۵- ومراازوارثان بهشت پرنعمت گردان.

۸۶- وبرپدرم ببخشای که اوازگمراهان بود

۸۷- وروزی که-مردم-برانگیخته میشوندرسوایم مکن

۸۸- روزی که هیچ مال وفرزندی سودنمی دهد

۸۹- مگرکسی که دلی پاک به سوی خدا بیاورد.

۹۰- و-آن روز- بهشت برای پرهیزکاران نزدیک میگردد.

۹۱- وجهنم برای گمراهان نمودارمیشود.

۹۲- وبه آنان گفته میشود: "آنچه جزخدامی پرستیدیدکجایند؟

۹۳- معبودهایی غیرازخدا؟ آیا یاریتان می کنند یاخودرایاری می دهند؟

۹۴- پس آنهاو همه گمراهان درآن-آتش-افکنده میشوند.

۹۵- و-همچنین- همگی لشکریان ابلیس

۹۶- آنهادرآنجادرحالی که به مخاصمه برخاسته اندمیگویند:

۹۷- " به خداسوگندکه مادرگمراهی اشکاری بودیم،

۹۸- چون شماراباپروردگارعالمیان برابرمی شمردیم

۹۹- اماکسی جزمجرمان ماراگمراه نکرد

۱۰۰- (افسوس که امروز) شفاعت کنندگانی برای ماوجودندارد

۱۰۱- ونه دوست گرم وپرمحبّتی

۱۰۲- ای کاش باردیگر-به دنیا-بازگردیم وازمومنان باشیم

۱۰۳- دراین ماجرا،نشانه-وعبرتی-است ،ولی بیشترآنان مومن نبودند

۱۰۴- و درحقیقت پروردگارتو همان شکست ناپذیرمهربان است.

۱۰۵- قوم نوح رسولان راتکذیب کردند

۱۰۶- هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: " آیاتقواپیشه نمی کنید؟

۱۰۷- مسلما من برای شما پیامبری امین هستم،

۱۰۸- ازخداوندپرواکنیدوفرمانم ببرید،

۱۰۹- وبراین-رسالت- اجری ازشماطلب نمی کنم،اجرمن جزبرعهده پروردگارجهانهانیست.

۱۱۰- پس، ازخداپرواکنیدوفرمانم ببرید،

۱۱۱- گفتند: " آیابه توایمان بیاوریم وحال آنکه فرومایگان ازتوپیروی کرده اند؟"

۱۱۲- (نوح)گفت: " به-جزییات- آنچه می کرده اند دانشی ندارم

۱۱۳- حساب آنها اگربفهمیدجزباپروردگارم نیست.

۱۱۴- ومن طردکننده مومنان نیستم

۱۱۵- من جزهشداردهنده ای آشکارنیستم."

۱۱۶- گفتند: " ای نوح اگردست برنداری قطعااز-جمله-سنگسار شدگان خواهی بود."

۱۱۷- گفت: " پروردگارا،قوم من مراتکذیب کردند،

۱۱۸- میان من وآنان فیصله ده ومن وهرکس ازمومنان راکه با من است نجات بخش."

۱۱۹- پس او وهرکه رادرآن کشتی آکنده بااوبود،رهانیدیم،

۱۲۰- آنگاه باقی ماندگان راغرق کردیم.

۱۲۱- قطعادراین-ماجرادرس-عبرتی بود،و-لی-بیشترشان ایمان آورنده نبودند.

۱۲۲- ودرحقیقت،پروردگارتوهمان شکست ناپذیرمهربان است.

۱۲۳- عادیان،پیامبران-خدا-راتکذیب کردند.

۱۲۴- آنگاه که برادرشان هودبه آنان گفت: " آیاپرواندارید؟

۱۲۵- من برای شمافرستاده ای درخوراعتمادم.

۱۲۶- ازخداوندپرواکنیدوفرمانم ببرید.

۱۲۷- وبراین-رسالت- اجری ازشماطلب نمی کنم،اجرمن جزبرعهده
پروردگار جهانهانیست.

۱۲۸- آیابرهرتپه ای بنایی میسازیدکه-درآن- دست به بیهوده کاری زنید؟

۱۲۹- وکاخهای استوارمیسازیدبه امیدآنکه جاودانه بمانید؟

۱۳۰- وچون حمله ورمیشوید-چون-زورگویان حمله ورمیشوید؟

۱۳۱- پس، ازخداپرواداریدوفرمانم ببرید.

۱۳۲- وازآن کس که شمارابه آنچه میدانیدمددکردپرواداريد:

۱۳۳- شمارابه-دادن- دامهاوپسران مددکرد.

۱۳۴- وبه-دادن-باغهاوچشمه ساران،

۱۳۵- من ازعذاب روزی هولناک برشما میترسم.

۱۳۶- گفتند: " خواه اندرزدهی وخواه ازاندرزدهندگان نباشی برای مایکسان
است.

۱۳۷- این جزشیوه پیشینیان نیست.

۱۳۸- وماعذاب نخواهیم شد."

۱۳۹- پس تکذیبش کردندوهلاکشان کردیم.قطعادراین-ماجرادرس-
عبرتی بود،و-لی-بیشترشان ایمان آورنده نبودند.

۱۴۰- ودرحقیقت،پروردگارتوهمان شکست ناپدیرمهربان است.

۱۴۱- ثمودیان،پیامبران راتکذیب کردند،

۱۴۲- آنگاه که برادرشان صالح به آنان گفت: " آیاپرواندارید؟

۱۴۳- من برای شمافرستاده ای درخوراعتمادم.

۱۴۴- ازخداپرواکنیدوفرمانم ببرید.

۱۴۵- وبراین-رسالت- اجری ازشماطلب نمی کنم اجرمن جزبر عهده پروردگارجهانها نیست.

۱۴۶- آیاشمارادرآنچه اینجاداریدآسوده رهامیکنند؟

۱۴۷- درباغهاودرکنارچشمه ساران،

۱۴۸- وکشتزارهاوخرمابنانی که شکوفه هایشان لطیف است؟

۱۴۹- وهنرمندانه برای خودازکوههاخانه هایی می تراشید.

۱۵۰- ازخداپرواکنیدوفرمانم ببرید.

۱۵۱- وفرمان افراطگران راپیروی نکنید.

۱۵۲- آنان که درزمین فسادمی کنندواصلاح نمی کنند."

۱۵۳- گفتند: " قطعاتوازافسون شدگانی،

۱۵۴- توجزبشری مانندمانیستی،اگرراست میگویی معجزه ای بیاور.

۱۵۵- گفت: " این ماده شتری است که نوبتی ازآب اوراست وروزی معین نوبت آب شماست.

۱۵۶- وبه آن گزندی نرسانیدکه عذاب روزی هولناک شمارافرو میگیرد.

۱۵۷- پس آن راپی کردندوپشیمان گشتند.

۱۵۸- آنگاه آنان راعذاب فروگرفت،قطعا دراین-ماجرا-عبرتی است و-لی-بیشترشان ایمان آورنده نبودند.

۱۵۹- ودرحقیقت،پروردگارتو همان شکست ناپذیرمهربان است.

۱۶۰- قوم لوط فرستادگان راتکدیب کردند.

۱۶۱- آنگاه برادرشان لوط به آنان گفت: " آیاپروانداريد؟

۱۶۲- من برای شمافرستاده ای قابل اعتمادم.

۱۶۳- ازخداپرواكنيد وفرمانم ببريد.

۱۶۴- وبراین-رسالت-اجری ازشما طلب نمی کنم،اجرمن جزبرعهده پروردگارجهانهانیست.

۱۶۵- آیاازمیان مردم جهان ،بامردها درمی آمیزید؟

۱۶۶- وآنچه راپروردگارتان ازهمسرانتان برای شما آفریده وامیگذارید؟-نه-بلکه شما مردمی تجاوزکارید.

۱۶۷- گفتند: " ای لوط اگردست برنداری،قطعا ازاخراج شدگان خواهی بود."

۱۶۸- گفت: " به راستی من دشمن کاری هستم که انجام میدهید.

۱۶۹- پروردگارا،مراوکسان مراازآنچه انجام میدهندرهایی بخش."

۱۷۰- پس او وکسانش راهمگی رهانیدیم

۱۷۱- جزپیرزنی که ازباقی ماندگان-درخاکسترآتش-بود.

۱۷۲- سپس دیگران راسخت هلاک کردیم.

۱۷۳- وبر-سر-آنان بارانی-ازآتش گوگرد-فروریختیم وچه بدبود باران بیم داده شدگان.

۱۷۴- قطعا دراین-عقوبت-عبرتی است،و-لی-بیشترشان ایمان آورنده نبودند.

۱۷۵- ودرحقیقت،پروردگارتو همان شکست ناپذیرمهربان است.

۱۷۶- اصحاب ایکه فرستادگان راتکذیب کردند.

۱۷۷- انگاه که شعیب به آنان گفت: " آیاپرواندارید؟

۱۷۸- من برای شما فرستاده ای قابل اعتمادم.

۱۷۹- ازخداپرواکنیدوفرمانم ببرید.

۱۸۰- وبراین-رسالت-اجری ازشماطلب نمی کنم،اجرمن جزبرعهده پروردگارجهانهانیست.

۱۸۱- پیمانه راتمام دهیدوازکم فروشان نباشید.

۱۸۲- وبا ترازوی درست بسنجید.

۱۸۳- واز ارزش اموال مردم نکاهیدودرزمین سربه فسادبرمدارید

۱۸۴- وازآن کس که شما وخلق-انبوه- گذشته راآفریده است پرواکنید."

۱۸۵- گفتند: " توواقعاازافسون شدگانی."

۱۸۶- " وتوجزبشری مانندما نیستی،وقطعاتورا ازدروغگویان میدانیم.

۱۸۷- پس اگرازراستگویانی پاره ای ازآسمان بر-سر-مابیفکن."

۱۸۸- (شعیب) گفت: " پروردگارم به آنچه میکنیددانا‌تراست."

۱۸۹- پس اوراتکذیب کردند،وعذاب روزابر -آتشبار- آنان رافروگرفت،به راستی آن،عذاب روزی هولناک بود.

۱۹۰- قطعا دراین-عقوبت درس- عبرتی است،و-لی- بیشترشان ایمان آورنده نبودند.

۱۹۱- ودرحقیقت ،پرورگارتوهمان شکست ناپدیرمهربان است.

۱۹۲- وراستی که این-قرآن- وحی پروردگارجهانهااست.

۱۹۳- " روح الامین" آن رابردلت نازل کرد.

۱۹۴- تااز-جمله-هشداردهندگان باشی،

۱۹۵- به زبان عربی روشن،

۱۹۶- و-وصف-آن درکتابهای پیشینیان آمده است.

۱۹۷- آیابرای آنان،این خوددلیلی روشن نیست که علمای بنی اسراییل ازآن اطلاع دارند؟

۱۹۸- واگرآن رابربرخی ازغیرعرب زبانان نازل می کردیم،

۱۹۹- وپیامبرآن رابرایشان میخواندبه آن ایمان نمی آوردند.

۲۰۰- این گونه دردلهای گناهکاران-انکار را-راه میدهیم،

۲۰۱- که به آن نگروندتاعذاب پردرد راببینند،

۲۰۲- که به طورناگهانی-درحالی که بی خبرند- بدیشان برسد.

۲۰۳- وبگویند: " آیامهلت خواهیم یافت؟"

۲۰۴- پس آیا عذاب مارابه شتاب می خواهند؟

۲۰۵- مگرنمی دانی که اگرسالها آنان رابرخوردارکنیم،

۲۰۶- وآنگاه آنچه که -بدان-بیم داده میشوندبدیشان برسد،

۲۰۷- آنچه ازآن برخوردارمیشدند،به کارشان نمی آید-وعذاب را ازآنان دفع نمی کند-؟

۲۰۸- وهیچ شهری راهلاک نکردیم مگرآنکه برای آن هشداردهندگانی بود.

۲۰۹- (تا آنان را) تذکر-دهند-وما ستمکارنبوده ایم.

۲۱۰- وشیطانها آن رافرودنیاورده اند.

۲۱۱- وآنان رانسزدونمی توانند-وحی کنند-

۲۱۲- درحقیقت آنهاازشنیدن ،معزول-ومحروم-اند.

۲۱۳- پس باخداوند،خدای دیگری مخوان که ازعذاب شدگان
خواهی شد.
۲۱۴- وخویشان نزدیکت راهشدارده.
۲۱۵- وبرای آن مومنانی که توراپیروی کرده اند،بال
خودرافروگستر.(تواضع ومهربانی کن)
۲۱۶- واگرتورانافرمانی کردند،بگو: " من ازآنچه میکنیدبیزارم."
۲۱۷- وبر-خداوند-عزیزمهربان توکل کن.(اعتمادوتکیه کن)
۲۱۸- آن کس که چون-به نماز-برمیخیزی تورامی بیند.
۲۱۹- وحرکت تورادرمیان سجده کنندگان -مینگرد-.
۲۲۰- اوهمان شنوای داناست.
۲۲۱- آیاشماراخبردهم که شیاطین برچه کسی فرودمی آیند؟
۲۲۲- برهردروغگوی گناهکاری فرودمی آیند،
۲۲۳- که -دزدانه-گوش فرامی دارندوبیشترشان دروغگویند،
۲۲۴- وشاعران راگمراهان پیروی می کنند.
۲۲۵- آیاندیده ای که آنان درهروادیی سرگردانند؟
۲۲۶- وآنان هستندکه چیزهایی میگویندکه خودانجام نمی دهند.
۲۲۷- مگرکسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده وخداوندرابسیاربه
یادآورده وپس ازآنکه موردستم قرارگرفته اند
یاری خواسته اند،وکسانی که ستم کرده اندبه زودی خواهند
دانست به کدام بازگشتگاه برخواهندگشت.

نمل (مورچه)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

طا، سین، این است آیات قرآن و-آیات-کتابی روشنگر.

۲- که-مایه-هدایت وبشارت برای مومنان است.

۳- همانان که نمازبرپامیدارندوزکات میدهندوخودبه آخرت یقین دارند.

۴- کسانی که به آخرت ایمان ندارند،کردارهایشان رادرنظرشان بیاراستیم-تاهمچنان-سرگشته بمانند.

۵- آنان کسانی هستندکه عذاب سخت برای ایشان خواهدبود ودرآخرت خودزیانکارترین-مردم-هستند.

۶- وحقیقتا توقرآن راازسوی حکیمی دانا دریافت میداری.

۷- (یادکن) هنگامی راکه موسی به خانواده خودگفت: " من آتشی به نظرم

رسید.به زودی برای شما خبری ازآن خواهم
آورد،یاشعله آتشی برای شما میآورم،باشدکه خودراگرم کنید."
۸- چون نزدآن آمد،آوارسیدکه: " خجسته-ومبارک گردید-آنکه
درکناراین آتش وآنکه پیرامون آن است،ومنزه است خداوند
پروردگارجهانها."
۹- " ای موسی،این منم خداوندعزیزحکیم."
۱۰- وعصایت رابیفکن ،پس چون آن راهمچون ماری دیدکه می جنبد،پشت
گردانیدوبه عقب بازنگشت. " ای موسی ،نترس که فرستادگان پیش من نمی
ترسند.
۱۱- لیکن کسی که ستم کرده سپس -بعدازبدی-نیکی راجایگزین
-آن- گردانیده-بداند-که من آمرزنده مهربانم.
۱۲- ودستت رادرگریبانت فروکن تاسپیدبی عیب بیرون آید.
-اینها-از-جمله-نشانه های نُه گانه ای است-که باید-به سوی فرعون
وقومش-ببری-زیرا که آنان مردمی نافرمانند.
۱۳- وهنگامی که آیات روشنگرمابه سویشان آمدگفتند: " این
سحری آشکاراست."
۱۴- وباآنکه دلهایشان بدان یقین داشت ،ازروی ظلم وتکبّرآن را
انکارکردند،پس ببین فرجام فسادگران چگونه بود.
۱۵- وبه راستی به داوود وسلیمان دانشی عطاکردیم ،وآن دوگفتند: " ستایش
خدای راکه مارابربسیاری ازبندگان باایمانش برتری داده است."
۱۶- وسلیمان ازداوودمیراث یافت وگفت: " ای مردم،مازبان

پرندگان راتعلیم یافته ایم واز هرچیزی به ماداده شده است،راستی که این
همان برتری آشکاراست."
۱۷- وبرای سلیمان سپاهیانش ازجن وانس وپرندگان جمع آوری
شدندو-برای رژه- دسته دسته گردیدند.
۱۸- تاآنگاه که به وادی مورچگان رسیدند،مورچه ای-به زبان
خویش-گفت: " ای مورچگان،به خانه هایتان داخل شوید،مبادا
سلیمان وسپاهیانش-ندیده ونادانسته- شمارا پایمال کنند."
۱۹- (سلیمان)ازگفتاراودهان به خنده گشودوگفت: " پروردگارا،دردلم افکن
تانعمتی راکه به من وپدرومادرم اررانی داشته ای سپاس بگزارم.،وبه
کارشایسته ای که آن رامی پسندی بپردازم،
ومرابه رحمت خویش درمیان بندگان شایسته ات داخل کن."
۲۰- وجویای-حال- پرندگان شدوگفت: " مراچه شده است که
هدهدرا نمی بینم؟ یاشاید ازغائبان است؟
۲۱- قطعااورابه عذابی سخت عذاب میکنم یاسرش رامیبرم
مگرآنکه دلیلی روشن برای من بیاورد.
۲۲- پس دیری نپاییدکه-هدهدآمدو- گفت: " ازچیزی آگاهی
یافتم که ازآن آگاهی نیافته ای،وبرای تواز" سبا" گزارشی
درست آورده ام.
۲۳- من-آنجا-زنی رایافتم که برآنهاسلطنت میکردوازهرچیزی
به اوداده شده بودوتختی بزرگ داشت.
۲۴- او وقومش راچنین یافتم که به جای خداوند به خورشید

سجده میکنند،وشیطان اعمالشان رابرایشان آراسته وآنان را ازراه بازداشته بود،درنتیجه-به حق-راه نیافته بودند.
۲۵- تابرای خدایی که نهان رادرآسمانهاوزمین بیرون می آورد وآنچه راپنهان میداریدوآنچه راآشکارمی نمایید میداند،سجده نکنند،
۲۶- خدای یکتای که هیچ خدایی جزاونیست ،پروردگارعرش بزرگ است.
((سجده مستحب))
۲۷- گفت: " خواهیم دیدآیاراست گفته ای یاازدروغگویان بوده ای."
۲۸- " این نامه مرابببروبه سوی آنهابیفکن ،آنگاه ازایشان روی برتاب ،پس ببین چه پاسخ می دهند."
۲۹- (ملکه سبا)گفت: " ای سران-کشور-نامه ای ارجمندبرای من آمده است،
۳۰- که ازطرف سلیمان است و-مضمون آن- این است،به نام خداوندبخشنده مهربان،
۳۱- برمن بزرگی مکنیدومرا ازدراطاعت درآیید."
۳۲- گفت: " ای سران-کشور- درکارم به من نطردهیدکه بی حصورشما-تابه حال- کاری رافیصله نداده ام."
۳۳- گفتند: " ماسخت نیرومندودلاوریم و-لی- اختیارکارباتوست بنگرچه دستورمیدهی؟"
۳۴- (ملکه)گفت: " پادشاهان چون به شهری درآیند،آن راتباه میکنندوعزیزانش راخوارمی گردانند،واین گونه میکنند."
۳۵- " و-اینک-من ارمغانی به سویشان میفرستم ومینگرم که

فرستادگان-من-باچه چیزبازمی گردند."

۳۶- وچون-فرستاده-نزدسلیمان آمد،-سلیمان-گفت: آیامرابه مالی کمک میدهید؟آنچه خداوندبه من عطاکرده بهتراست ازآنچه به شماداده است،-نه-بلکه شمابه ارمغان خودشادمانی مینمایید.

۳۷- به سوی آنان بازگردکه قطعاسپاهیانی بر-سر-ایشان می آوریم که دربرابرآنهاتاب ایستادگی نداشته باشندوازآن-دیار-
به خواری وزبونی بیرونشان میکنیم."

۳۸- (سپس) گفت: " ای سران-کشور-کدام یک ازشماتخت او را-پیش ازآنکه مطیعانه نزدمن آیند-برای من می آورد؟"

۳۹- عفریتی ازجن گفت: " من آن راپیش ازآنکه ازمجلس خودبرخیزیدبرای تومی آورم وبراین-کار-سخت توانا وقابل اعتمادم."

۴۰- شخصی که نزداودانشی ازکتاب بود،گفت: " من آن را پیش ازآنکه چشم خودرابرهم زنی برایت می آورم." پس چون-سلیمان-آن -تخت- رانزدخودمستقردید،گفت: " این از فضل پروردگارمن است ،تامرابیازمایدکه آیا سپاسگزارم یا ناسپاسی میکنم،وهرکس سپاس گزارد،تنهابه سودخویش سپاس می گزارد،وهرکس ناسپاسی کند،بی گمان پروردگارم بی نیاز وکریم است."

۴۱- گفت: "تخت-ملکه-رابرایش ناشناس گردانیدتاببینم آیاپی میبردیا ازکسانی است که پی نمی برند.

۴۲- پس وقتی-ملکه-آمد،بدو-گفته شد: " آیاتخت توهمین
گونه است؟" گفت: " گویااین همان است وپیش ازاین،ما
آگاه شده وازدراطاعت درآمده بودیم."
۴۳- و-درحقیقت قبلا-آنچه غیرازخدامی پرستیدمانع -ایمان-
اوشده بودواوازجمله گروه کافران بود.
۴۴- به اوگفته شد: " واردساحت کاخ-پادشاهی- شو."وچون آن
رادید،برکه ای پنداشت وساقهایش رانمایان کرد،-سلیمان-گفت:
" این کاخی مفروش ازآبگینه است." (ملکه)گفت: " پروردگارا،من
به خودستم کردم و-اینک-باسلیمان دربرابرخداوند،پرورددگارجهانها
تسلیم شدم."
۴۵- وبه راستی به سوی ثمودبرادرشان صالح رافرستادیم که:
" خدارابپرستید." پس به ناگاه آنان دودسته متخاصم شدند.
۴۶- (صالح)گفت: " ای قوم من،چراپیش از-جستن-نیکی،شتابزده
خواهان بدی هستید؟باشدکه موردرحمت قرارگیرید."
۴۷- گفتند: " مابه تووبه هرکس که همراه توست شگون بدزدیم.
گفت: " سرنوشت خوب وبدتان پیش خداست،بلکه شمامردمی
هستیدکه موردآزمایش قرارگرفته اید."
۴۸- ودرآن شهر،نُه دسته بودندکه درآن سرزمین فسادمی کردند
وازدراصلاح درنمی آمدند.
۴۹- (باهم)گفتند: بایکدیگرسوگندبخوریدکه حتمابه-صالح-وکسانش
شبیخون میزنیم،سپس به ولیّ اوخواهیم گفت: " مادرمحل قتل

کسانش حاضرنبودیم وماقطعا راست میگوییم."

۵۰- ودست به نیرنگ زدندو-مانیز-دست به نیرنگ زدیم وخبرنداشتند.

۵۱- پس بنگرکه فرجام نیرنگشان چگونه بود،ماآنان وقومشان راهمگی هلاک کردیم.

۵۲- واین-هم-خانه های خالی آنهاست به -سزای-بیدادی که کرده اند.قطعادراین-کیفر-برای مردمی که می دانندعبرتی خواهد بود.

۵۳- وکسانی راکه ایمان آورده وتقواپیشه کرده بودندرهانیدیم.

۵۴- و-یادکن- لوط راکه چون به قوم خودگفت: " آیا دیده و دانسته مرتکب عمل ناشایست میشوید؟

۵۵- آیاشمابه جای زنان ازروی شهوت بامردهادرمی آمیزید؟ -نه-بلکه شمامردمی جهالت پیشه اید."

۵۶- و-لی- پاسخ قومش غیرازاین نبودکه گفتند: " خاندان لوط را ازشهرتان بیرون کنیدکه آنهامردمی هستندکه به پاکی تظاهرمی نمایند."

۵۷- پس او وخانواده اش رانجات دادیم.جززنش راکه مقدرکردیم ازباقی ماندگان-درخاکسترآتش- باشد.

۵۸- وبارانی -ازسجّیل-برایشان فروباریدیم،وباران هشدارداده شدگان چه بدبارانی بود.

۵۹- بگو: " سپاس ازآن خداونداست و درود برآن بندگانش که برگزیده است." آیا خداوندبهتراست یاآنچه -باو-شریک می گردانند؟

۶۰- (آیاانچه شریک می پندارندبهتراست) یاآن کس که آسمانها وزمین راخلق کردوبرای شما آبی ازآسمان فرودآورد،پس به وسیله آن،باغهای بهجت انگیزرویانیدیم ،کارشمانبودکه درختانش رابررویانید.آیامعبودی باخداهست؟-نه-بلکه آنان قومی منحرفند.
۶۱- (آیاشریکانی که می پندارندبهتراست)یا آن کس که زمین راقرارگاهی ساخت ودرآن رودها پدیدآوردوبرای آن کوهها را -مانندلنگر-قرارداد،ومیان دو دریا برزخی گذاشت؟آیامعبودی دیگر با خداهست؟-نه-بلکه بیشترشان نمی دانند.
۶۲- یا-کیست-آن کس که درمانده را-چون وی رابخواند-اجابت میکند،وگرفتاری رابرطرف می گرداند،وشمارا جانشینان این زمین قرارمیدهد؟آیامعبودی دیگرباخداهست؟چه کم پندمی پذیرید.
۶۳- یاآن کس که شمارادرتاریکیهای خشکی ودریاراه می نماید وآن کس که بادها-ی باران زا-راپیشاپیش رحمتش بشارتگر میفرستد؟آیامعبودی دیگربا خداهست؟خداوندبرتر-وبزرگتر-است ازآنچه-بااو-شریک می گردانند.
۶۴- یاآن کس که خلقت راآغازمیکندوسپس آن رابازمی آورد، وآن کس که ازآسمان وزمین به شماروزی میدهد؟آیا معبودی دیگر با خداهست؟بگو: " اگرراست میگویید،برهان خویش را بیاورید."
۶۵- بگو: " هرکه درآسمانهاوزمین است-جزخداوند-غیب رانمی شناسندونمی دانند کی برانگیخته خواهندشد؟"

۶۶- (نه) بلکه علم آنان درباره آخرت نارساست-نه-بلکه ایشان
درباره آن تردیددارند،-نه-بلکه آنان درموردآن کوردلانند.
۶۷- وکسانی که کفرورزیدند،گفتند:" آیاوقتی ماوپدرانمان خاک
شدیم ،آیاحتما-زنده ازگور-بیرون آورده میشویم؟
۶۸- درحقیقت این رابه ما وپدرانمان قبلا وعده داده اند،این
جزافسانه های پیشینیان نیست."
۶۹- بگو: " درزمین بگردیدوبنگریدفرجام گناه کاران چگونه بوده
است.
۷۰- وبرآنان غم مخور،وازآنچه مکرمیکنندتنگدل مباش.
۷۱- ومیگویند: " اگرراست میگویید،این وعده کی خواهدبود؟"
۷۲- بگو: " شایدبرخی ازآنچه رابه شتاب میخواهیددرپی شما
باشد."
۷۳- وراستی پروردگارت بر-این-مردم دارای بخشش است ،
ولی بیشترشان سپاس نمی دارند.
۷۴- ودرحقیقت،پروردگارتوآنچه رادرسینه هایشان نهفته و
آنچه راآشکارمیدارند،نیک میداند.
۷۵- وهیچ پنهانی درآسمان وزمین نیست ،مگراینکه درکتابی
روشن-درج- است.
۷۶- بی گمان این قرآن برفرزندان اسراییل بیشترآنچه راکه
آنان درباره اش اختلاف دارندحکایت می کند.
۷۷- وبه راستی که آن رهنمودورحمتی برای مومنان است.

۷۸- درحقیقت،پروردگارتوطبق حکم خودمیان آنان داوری میکند
واوست شکست ناپذیردانا.

۷۹- پس برخداوند توکل کن که تورواقعابرحق آشکار هستی.

۸۰- البته تومردگان راشنوانمی گردانی ،واین ندارابه کرها-چون
پشت بگردانند-نمیتوانی بشنوانی.

۸۱- وراهبرکورها-وبازگرداننده-ازگمراهی شان نیستی،توجزکسانی راکه به
نشانه های ماایمان آورده اندومسلمانند،نمیتوانی بشنوانی.

۸۲- وچون قول-عذاب-برایشان واجب گردد،جنبنده ای را از
زمین برای آنان بیرون می آوریم که باایشان سخن گوید
که: " مردم-چنانکه باید- به نشانه های مایقین نداشتند.

۸۳- وآن روزکه ازهرامتی ،گروهی ازکسانی راکه آیات مارا
تکذیب کرده اندمحشورمی گردانیم ،پس آنان نگاه داشته
میشوندتاهمه به هم بپیوندند.

۸۴- تاچون-همه کافران- بیایند-خداوند-میفرماید: " آیانشانه های
مرابه دروغ گرفتیدوحال آنکه ازنظرعلم بدانهااحاطه نداشتید؟
آیا-درطول حیات- چه می کردید؟"

۸۵- وبه-کیفر-آنکه ستم کردند،حکم-عذاب-برآنان واجب گردد،
درنتیجه ایشان دم برنیاورند.

۸۶- آیا ندیده اندکه ماشب راقرارداده ایم تادرآن بیاسایند
وروز راروشنی بخش-گردانیدیم-؟ قطعا دراین-امر-برای مردمی

که ایمان میآورندمایه های عبرت است.

۸۷- وروزی که درصوردمیده شود،پس هرکه درآسمانهاوهرکه درزمین است به هراس افتد،مگرآن کس که خداوندبخواهد،وجملگی بازبونی روبه سوی اوآورند.

۸۸- وکوهها رامیبینی-و-می پنداری که آنهاجامدوبی حرکتندوحال انکه آنها مانندابردرحرکتند.-این-صنع خدایی است که هرچیزی رادرکمال استواری پدیدآورده است.درحقیقت،اوبه آنچه انجام میدهیدآگاه است.

۸۹- هرکس نیکی به میان آورد،پاداشی بهترازآن خواهدداشت،وآنان ازهراس آن روز ایمنند.

۹۰- وهرکس بدی به میان آورد،به رو درآتش-دوزخ-سرنگون شوند.آیاجزآنچه میکردیدسزاداده میشوید؟

۹۱- من مامورم که تنهاپرودگاراین شهرراکه آن رامقدس شمرده وهرچیزی ازآن اوست پرستش کنم،ومامورم که ازمسلمانان باشم.

۹۲- واینکه قرآن رابخوانم ،پس هرکه راه یابدتنهابه سودخود راه یافته است،وهرکه گمراه شودبگو:
"من فقط ازهشداردهندگانم."

۹۳- وبگو: "ستایش ازآن خداونداست،به زودی آیاتش رابه شما نشان خواهددادوآن راخواهیدشناخت." وپروردگارتوازآنچه می کنند غافل نیست.

قصص (داستان ها)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

طا ،سین ، میم،

۲- این است آیات کتاب روشنگر.

۳- (بخشی)ازگزارش-حال-موسی وفرعون رابرای -آگاهی-مردمی

که ایمان می آورند،به درستی برتومیخوانیم.

۴- فرعون،درسرزمین-مصر-سربرداشت،ومردم آن راطبقه طبقه

ساخت،طبقه ای ازآنان رازبون میداشت: پسرانشان راسرمیبرید،وزنانشان

را-برای بهره کشی-زنده برجای میگذاشت ،که وی از

فسادکاران بود.

۵- وخواستیم برکسانی که درآن سرزمین فرودست شده بودند

منّت نهیم وآنان راپیشوایان-مردم-گردانیم،وایشان راوارث-زمین-

کنیم.

۶- ودرزمین قدرتشان دهیم و-ازطرفی-به فرعون وهامان ولشکریانشان

آنچه راکه ازجانب آنان بیمناک بودند،بنمایانیم.

۷- وبه مادرموسی وحی کردیم که: " اوراشیرده وچون براو

بیمناک شدی اورا درنیل بینداز،ومترس واندوه مدارکه ما او

را به توبازمی گردانیم واز-زمره-پیمبرانش قرارمی دهیم."

۸- پس خاندان فرعون ،اورا-ازآب-برگرفتندتاسرانجام دشمن-جان-

آنان ومایه اندوهشان باشد.آری فرعون وهامان ولشکریان آنها خطاکاربودند.
۹- وهمسرفرعون گفت: " -این کودک-نورچشم من وتو خواهدبود.اورانکشید.شایدبرای ماسودمندباشدیااورابه فرزندی بگیریم،ولی آنهاخبرنداشتند.
۱۰- ودل مادرموسی-ازهرچیز،جزازفکرفرزند-تهی گشت.اگرقلبش رااستوارنساخته بودیم تاازایمان آورندگان باشد،چیزی نمانده بود که آن-راز-را افشاکند.
۱۱- وبه خواهر-موسی-گفت: " ازپی اوبرو." پس اورا ازدوردید درحالی که آنان متوجه نبودند.
۱۲- وازپیش ،شیردایگان رابراوحرام گردانیده بودیم،پس-خواهرش آمدو-گفت: " آیاشمارابرخانواده ای راهنمایی کنم که برای شماازوی سرپرستی کندوخیرخواه باشند؟"
۱۳- پس اورابه مادرش بازگردانیدیم تاچشمش روشن شود و غم نخوردوبداندکه وعده خداونددرست است،ولی بیشترشان نمی دانند.
۱۴- وچون به رشدوکمال خویش رسید،به اوحکمت ودانش عطا کردیم ونیکوکاران راچنین پاداش میدهیم.
۱۵- وداخل شهرشدبی آنکه مردمش متوجه باشند.پس موسی مشتی بدو زد واورا کشت.گفت: " این کارشیطان است،چراکه اودشمنی گمراه کننده-و-آشکاراست."

۱۶- گفت: " پروردگارا من برخویشتن ستم کردم،مرابخش
پس خداونداز اودرگذشت که وی آمرزنده مهربان است.
۱۷- (موسی)گفت: ،" پروردگارابه پاس نعمتی که برمن ارزانی داشتی
،هرگزپشتیبان مجرمان نخواهم بود."
۱۸- صبحگاهان درشهر،بیمناک ودرانتظار-حادثه ای-بود،ناگاه همان
کسی که دیروزازوی یاری خواسته بود-باز-بافریادازاویاری
خواست،موسی به اوگفت: " به راستی که توآشکاراگمراهی."
۱۹- وچون خواست به سوی آنکه دشمن هردوشان بودحمله آوردگفت: " ای
موسی،آیامیخواهی مرابکشی چنانکه دیروز
شخصی راکشتی؟تومیخواهی دراین سرزمین فقط زورگوباشی
ونمی خواهی ازاصلاحگران باشی."
۲۰- وازدورافتاده ترین-نقطه-شهر،مردی دوان دوان آمد-و-گفت:
" ای موسی،سران قوم درباره تومشورت می کنندتاتورابکشند
پس-ازشهر-خارج شو.من جدّا ازخیرخواهان توهستم."
۲۱- موسی ترسان ونگران ازانجابیرون رفت-درحالی که می-
گفت: " پروردگارا،مراازگروه ستمکاران نجات بخش."
۲۲- وچون به سوی -شهر-مدین رونهاد-باخود-گفت: " امید
است پروردگارم مرابه راه راست هدایت کند."
۲۳- وچون به آب مدین رسیدگروهی ازمردم رابرآن یافت که
-دامهای خودرا-آب می دادندوپشت سرشان دوزن رایافت که
-گوسفندان خودرا-دورمی کردند.-موسی-گفت: " منظورتان

-ازاین کار-چیست؟گفتند: " -مابه گوسفندان خود-آب نمی دهیم
تاشبانان-همگی گوسفندانشان را-برگردانندوپدرماپیری سالخورده است."
۲۴- پس برای آن دو-گوسفندان را-آب داد،آنگاه به سوی سایه
برگشت وگفت: " پروردگارا،من به هرخیری که سویم بفرستی
سخت نیازمندم."
۲۵- پس یکی ازآن دوزن-درحالی که باشرم گام برمیداشت-
نزدوی آمد-و-گفت: " پدرم تورامی طلبدتاتورابه پاداش آب دادن
-گوسفندان-برای ما،مزددهد." وچون -موسی-نزداوآمدوسرگذشت
-خود-رابراوحکایت کرد،-وی-گفت: " نترس که ازگروه ستمگران
نجات یافتی."
۲۶- یکی ازآن دو-دختر-گفت:" ای پدر،اورااستخدام کن،چراکه
بهترین کسی است که استخدام میکنی،هم نیرومند-وهم-درخور
اعتماداست."
۲۷- (شعیب)گفت: " من میخواهم یکی ازاین دودخترخودرا
به نکاح تودرآورم،به این-شرط-که هشت سال برای من کارکنی
واگرده سال راتمام گردانی اختیارباتو است ونمی خواهم بر
توسخت گیرم،ومرا ان شاءالله ازدرستکاران خواهی یافت."
۲۸- (موسی)گفت: " این-قرارداد-میان من وتوباشدکه هریک ازدومدت رابه
انجام رسانیدم،برمن تعدّی-روا-نباشد،وخداوندبر
آنچه می گوییم وکیل است."
۲۹- وچون موسی آن مدت رابه پایان رسانیدوهمسرش را

-همراه-برد،آتشی راازدوردرکنارطورمشاهده کرد،به خانواده
خودگفت: " -اینجا-بمانید،که من آتشی ازدوردیدم،شایدخبری
ازآن یاشعله ای آتش برایتان بیاورم،باشدکه خودراگرم کنید."
۳۰- پس چون به آن -آتش-رسید،ازجانب راست وادی ،درآن
جایگاه مبارک ،ازآن درخت نداآمدکه: " ای موسی،منم من،
خداوند، پرورددگارجهانها."
۳۱- و-فرمود-" عصای خودرا بینداز." پس چون دیدآن مثال
ماری می جنبد،پشت کردوبرنگشت." ای موسی پیش آی و
مترس که تودرامانی."
۳۲- " دست خودرابه گریبانت ببرتاسپیدبی نقص بیرون بیاید،
و-برای رهایی-ازاین هراس بازویت رابه خویشتن بچسبان،این
دو-نشانه-دوبرهان ازجانب پروردگارتواست-که باید-به سوی
فرعون وسران-کشور-او-ببری-زیرا آنان همواره قومی نافرمانند."
۳۳- گفت: " پروردگارا،من کسی ازایشان راکشته ام،میترسم
مرابکشند.
۳۴- وبرادرم هارون ازمن زبان آورتراست،پس اورابامن به
دستیاری گسیل دارتامراتصدیق کند،زیرامیترسم مراتکذیب کنند."
۳۵- فرمود: " به زودی بازویت رابه-وسیله-برادرت نیرومند
خواهیم نمودوبرای شماهردو،تسلطی قرارخواهیم دادکه با-وجود-
آیات ما،به شمادست نخواهندیافت شماوهرکه شماراپیروی کند
چیره خواهیدبود."

۳۶- پس چون موسی آیات روشن مارابرای آنان آورد،گفتند:
" این جزسحری ساختگی نیست وازپدران پیشین خودچنین
-چیزی-نشنیده ایم."
۳۷- وموسی گفت: " پروردگارم به -حال-کسی که ازجانب او
رهنمودی آورده و-نیز-کسی که فرجام-نیکوی-آن سرابرای اوست
داناتراست.درحقیقت،ظالمان رستگارنمیشوند."
۳۸- فرعون گفت: " ای بزرگان قوم،من جزخویشتن برای شما
خدایی نمی شناسم.پس ای هامان،برایم بر گل آتش بیفروز وبرجی-بلند-برای
من بساز،شایدبه -حال-خدای موسی اطلاع یابم،ومن جدا اورا ازدروغگویان
می پندارم."
۳۹- واو وسپاهیانش درآن سرزمین به ناحق سرکشی کردند
وپنداشتندکه به سوی مابازگردانیده نمیشوند.
۴۰- تااووسپاهیانش رافروگرفتیم وآنان رادردیا افکندیم،بنگرکه
فرجام کارستمکاران چگونه بود.
۴۱- وآنان راپیشوایانی که به سوی آتش دعوت می کنند
گردانیدیم،وروزرستاخیزیاری نخواهندشد.
۴۲- ودراین دنیالعنتی بدرقه-نام-آنان کردیم وروزقیامت-نیز-
ایشان از-جمله-زشت رویانند.
۴۳- وبه راستی،پس ازآنکه نسلهای نخستین راهلاک کردیم،
به موسی کتاب دادیم که-دربردارنده- روشنگری هاورهنمودورحمتی برای
مردم بود،امیدکه آنان پندگیرند.

۴۴- وچون امر-پیامبری-رابه موسی واگذاشتیم،تودرجانب غربی
-طور-نبودی وازگواهان-نیز-نبودی.
۴۵- لیکن مانسلهایی پدیدآوردیم وعمرشان طولانی شد،وتودر
میان ساکنان-شهر-مدین مقیم نبودی تاآیات مارابرایشان بخوانی
لیکن مابودیم که فرستنده-پیامبران-بودیم.
۴۶- وآن دم که-موسی را-ندادردادیم ،تودرجانب طورنبودی،
ولی-این اطلاع تو-رحمتی است ازپروردگارتو،تاقومی راکه هیچ
هشداردهنده ای پیش ازتوبرایشان نیامده است بیم دهی،باشد
که آنان پندپذیرند.
۴۷- واگرنبودکه وقتی به-سزای-پیش فرست دستهایشان مصیبتی
به ایشان برسد،بگویند:" پروردگارا،چرافرستاده ای به سوی ما
نفرستادی تاازاحکام توپیروی کنیم وازمومنان باشیم."
-قطعادرکیفرآنان شتاب می کردیم-
۴۸- پس چون حق ازجانب مابرایشان آمدگفتند: " چرانظیرآنچه
به موسی داده شد،به اوداده نشده است؟" آیابه آنچه قبلابه
موسی داده شدکفرنورزیدند؟گفتند:" دوساحرباهم ساخته اند."
وگفتند: " ماهمه رامنکریم."
۴۹- بگو: " پس اگرراست میگویید،کتابی ازجانب خدابیاوریدکه
ازاین دوهدایت کننده ترباشدتاپیرویش کنم."
۵۰- پس اگرتورا اجابت نکردند،بدان که فقط هوسهای خودراپیروی
میکنند،وکیست گمراهترازآنکه بی راهنمایی خداازهوسش پیروی

کند؟بی تردیدخداوندمردم ستمگررا راهنمایی نمی کند.

۵۱- وبه راستی ،این گفتاررا برای آنان پی درپی وبه هم پیوسته نازل ساختیم،امیدکه آنان پندپذیرند.

۵۲- کسانی که قبل ازآن کتاب به ایشان داده ایم،آنان به-قرآن-میگروند.

۵۳- وچون برایشان فروخوانده میشود،میگویند: " بدان ایمان آوردیم که آن درست است-و-ازطرف پروردگارماست،ماپیش از آن -هم-ازتسلیم شوندگان بودیم."

۵۴- آنان هستند که به-پاس-آنکه صبرکردندو-برای آنکه-بدی رابا نیکی دفع می نمایندوازآنچه روزی شان داده ایم انفاق می کنند،دوبارپاداش خواهندیافت.

۵۵- وچون لغوی بشنونداز‌آن روی برمی تابندومیگویند: " کردارهای ما ازآن ما وکردارهای شما ازآن شماست،سلام برشما
جویای-مصاحبت-نادانان نیستیم."

۵۶- درحقیقت،توهرکه رادوست داری نمی توانی راهنمایی کنی، لیکن خداست که هرکه رابخواهدراهنمایی میکندواو به راه
یافتگان داناتراست.

۵۷- وگفتند: " اگرباتواز-نور-هدایت پیروی کنیم،ازسرزمین خودربوده خواهیم شد." آیاآنان رادرحرمی امن جای ندادیم که محصولات هرچیزی-که رزقی ازجانب ماست-به سوی آن سرازیر
میشود؟ولی بیشترشان نمی دانند.

۵۸- وچه بسیارشهرهاکه هلاکش کردیم،-زیرا-زندگی خوش ،آنها
راسرمست کرده بود،این است سراهایشان که پس ازآنان-جزبرای
عده کمی-موردسکونت قرارنگرفته ،ومابیم که وارث آنان بودیم.
۵۹- وپروردگارتو-هرگز-ویرانگرشهرهانبوده است تا-پیشتر- درمرکز
آنهاپیامبری برانگیزدکه آیات مارا برایشان بخواند،وماشهرهارا
-تامردمشان ستمگرنباشند- ویران کننده نبوده ایم.
۶۰- وهرآنچه به شماداده شده است،کالای زندگی دنیاوزیور
آن است،و-لی-آنچه پیش خداونداست بهتروپایدارتراست ومگر
نمی اندیشید؟
۶۱- آیاکسی که وعده نیکوبه اوداده ایم واوبه آن خواهدرسید
مانندکسی است که ازکالای زندگی دنیابهره مندش گردانیده ایم
-ولی-اوروزقیامت از-جمله-احضارشدگان-درآتش-است؟
۶۲- و-به یادآور-روزی راکه آنان راندامیدهدومیفرماید: " آن شریکان
من،که می پنداشتیدکجایند؟"
۶۳- آنان که حکم -عذاب-برایشان واجب آمده،میگویند: " پروردگارا،اینان
هستندکسانی که گمراه کردیم،گمراهشان کردیم
همچنانکه خودگمراه شدیم.-ازآنان-به سوی توبیزاری می جوییم،
مارا نمی پرستیدند-بلکه پندارخودرادنبال میکردند."
۶۴- و-به آنان-گفته میشود: " شریکان خودرافراخوانید."
-پس آنهارامیخوانند-ولی پاسخشان نمی دهندوعذاب رامیبینند
-وآرزومیکنندکه-ای کاش هدایت یافته بودند.

۶۵- وروزی راکه-خداوند-آنان راندا درمیدهدومیفرماید: "فرستادگان-ما-راچه پاسخ دادید؟"

۶۶- پس درآن روزاخباربرایشان پوشیده گرددوازیکدیگرنمی توانند بپرسند.

۶۷- واماکسی که توبه کندوایمان آوردوبه کارشایسته پردازد، امیداست که ازرستگاران باشد.

۶۸- وپروردگارتوهرچه رابخواهدمی آفریندوبرمی گزیند،وآنان اختیاری ندارند.منزّه است خداوند،وازآنچه-بااو-شریک می گردانندبرتراست.

۶۹- وآنچه راسینه هایتان پوشیده یاآشکارمیدارد،پروردگارت میداند.

۷۰- واوست خدا-یی که- جزاومعبودی نیست.دراین-سرای-نخستین ودرآخرت ،ستایش ازآن اوست،وفرمان،ازآن اوست وبه سوی اوبازگردانیده میشوید.

۷۱- بگو: " هان،چه می پنداریداگرخداتاروزرستاخیزشب رابرشما دائمی بدارد،آیاجزخداوندکدامین معبودبرای شما روشنی میاورد؟

۷۲- بگو: " هان،چه می پنداریداگرخداتاروزقیامت روز را برشما دائمی بدارد،آیاجزخداوندکدامین معبودبرای شما شبی میاوردکه درآن آرام گیرید،آیانمی بینید؟"

۷۳- وازرحمتش برایتان شب وروز راقراردادتادراین-یک-بیارامید و-درآن یک-ازفضل او-روزی خود-بجویید،باشدکه سپاس بدارید.

۷۴- و-یادکن-روزی راکه ندایشان میکندومیفرماید: " آن شریکان
گه می پنداشتیدکجایند؟"
۷۵- وازمیان هرامتی گواهی بیرون میکشیم ومیگوییم: " برهان
خودرابیاورید." پس بدانندکه حق ازآن خداست،وانچه می بافتندازدستشان
میرود.
۷۶- قارون ازقوم موسی بودوبرآنان ستم کرد،وازگنجینه هاآن
قدربه اوداده بودیم که کلیدهای آنهابرگروه نیرومندی سنگین
می آمد،آنگاه که قوم وی بدوگفتند: " شادی مغرورانه مکن که
خداوند شادی کنندگان مغروررا دوست نمی دارد.
۷۷- وباآنچه خدایت داده سرای آخرت رابجوی وسهم خودراازدنیا فراموش
مکن،وهمچنانکه خداوندبه تونیکی کرده
توهم نیکی کن،ودرزمین فسادمجوی که خداوندفسادگران رادوست نمی دارد.
۷۸- (قارون) گفت:" من اینهارادرنتیجه علم خودیافته ام."
آیاوی ندانست که خداوندنسلهایی راپیش ازاونابودکردکه از
اونیرومندترومال اندوزتربودند؟و-لی اینگونه-مجرمان را-نیازی-
به پرسیده شدن ازگناهانشان نیست.
۷۹- پس-قارون-باکوکبه خودبرقومش نمایان شد،کسانی که خواستارزندگی
دنیابودندگفتند: "
" ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده به ما-هم-داده میشد
واقعااوبهره بزرگی دارد."
۸۰- وکسانی که علم یافته بوونند،گفتند: " وای برشما برای کسی که ایمان

آورده وکارشایسته کرده پاداش خداوندبهتراست وجز

شکیبایان آن رادرنیابند."

۸۱- آنگاه-قارون-راباخانه اش درزمین فروبردیم،وگروهی نداشت

که دربرابر-عذاب-خداونداورایاری کنندو-خودنیز-نتوانست ازخود

دفاع کند.

۸۲- وهمان کسانی که دیروزآرزو داشتندبه جای اوباشند،صبح

می گفتند: " وای مثل اینکه خداروزی رابرای هرکس ازبندگانش

که بخواهدگشاده یاتنگ می گرداند،واگرخدابرمامنت ننهاده بود

مارا-هم-به زمین فروبرده بود،وای ،گویی که کافران رستگار

نمی گردند."

۸۳- آن سرای آخرت رابرای کسانی قرارمیدهیم که درزمین خواستاربرتری

وفسادنیستندوعاقبت-خوش-ازآن پرهیزکاران است.

۸۴- هرکس نیکی به میان آورد،برای او-پاداشی-بهترازآن

خواهدبود،وهرکس بدی به میان آورد،کسانی که کارهای بدکرده اندجزسزای

آنچه کرده اندنخواهندیافت.

۸۵- درحقیقت،همان کسی که این قرآن رابرتوفرض کرد،یقیناتو

رابه سوی وعده گاه بازمی گرداند.بگو: " پروردگارم بهترمیداند

چه کس هدایت آورده وچه کس درگمراهی آشکاری است؟"

۸۶- وتوامیدوارنبودی که برتوکتاب القاشود،بلکه این رحمتی

ازپروردگارتوبود.پس توهرگزپشتیبان کافران مباش.

۸۷- والبته نبایدتورا ازآیات خداوند-بعدازآنکه برتونازل شده

است-بازدارند،وبه سوی پروردگارت دعوت کن،وزنهارازمشرکان مباش.

۸۸- وباخداوندمعبودی دیگرمخوان،خدایی جزاونیست ،جزذات او همه چیزنابودشونده است.فرمان ازآن اوست ،وبه سوی اوبازگردانیده میشوید.

عنکبوت

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

الف ، لام ، میم،

۲- آیامردم پنداشتندکه تاگفتندایمان آوردیم رهامیشوندومورد
آزمایش قرارنمی گیرند؟

۳- وبه یقین ،کسانی راکه پیش ازاینان بودندآزمودیم،تاخداوند
آنان راکه راست گفته اندمعلوم دارد ودروغگویان را-نیز-معلوم
دارد.

۴- آیاکسانی که کارهای بدمی کنند،می پندارندکه برما سبقت
خواهندجست؟ چه بد داوری میکنند.

۵- کسی که به دیدارخداوندامیددارد-بداندکه-اجل -اوازسوی-
خداوندآمدنی است،واوست شنوای دانا.

۶- وهرکه تلاش کند،تنها برای خودتلاش میکند،زیراخداوند
ازجهانیان سخت بی نیازاست.

۷- وکسانی که ایمان آورده وکارهای نیک کرده اند،قطعاگناهانشان را ازآنان
می زداییم،وبهترازآنچه می کردندپاداششان میدهیم.

۸- وبه انسان سفارش کردیم که به پدرومادرخودنیکی کند
و-لی-اگرآنهاباتودر کوشندتاچیزی راکه بدان علم نداری بامن شریک
گردانی،ازایشان اطاعت نکن،سرانجامتان به سوی من
است ،وشمارا از-حقیقت-آنچه انجام میدادیدباخبرخواهم کرد.

۹- وکسانی که گرویده وکارهای شایسته کرده اند،البته آنان

رادرزمره شایستگان درمی آوریم.

۱۰- وازمیان مردم کسانی هستندکه میگویند: " به خداوند ایمان آورده ایم" وچون در-راه-خداآزارکشند، فتنه انسانهارا مانندعذاب خداقرارمی دهند،واگرازجانب پروردگارت پیروزی رسدحتما خواهندگفت: " ماباشمابودیم." آیاخدابه آنچه دردلهای جهانیان است داناترنیست؟

۱۱- وقطعا خداوندکسانی راکه ایمان آورده اندمی شناسد،ویقینا منافقان را-نیز-می شناسد.

۱۲- وکسانی که کافرشده اند،به کسانی که ایمان آورده اند میگویند: " راه ما راپیروی کنیدوگناهانتان به گردن ما." و-لی- چیزی ازگناهانشان رابه گردن نخواهندگرفت،قطعا آنان دروغگویانند.

۱۳- وقطعابارهای گران خودشان وبارهای گران-دیگر-رابابارهای گران خودبرخواهندگرفت،ومسلماروزقیامت ازآنچه به دروغ برمی بستندپرسیده خواهندشد.

۱۴- وبه راستی ،نوح رابه سوی قومش فرستادیم ،پس درمیان آنان نهصدوپنجاه سال درنگ کرد،تاطوفان آنهارادرحالی که ستمکاربودندفراگرفت.

۱۵- واورابا‌کشتی نشینان برهانیدیم وآن -سفینه-رابرای جهانیان عبرتی گردانیدیم.

۱۶- و-یادکن-ابراهیم راچون به قوم خویش گفت: " خداوندرا بپرستیدوازاوپروا بدارید،اگربدانیداین-کار-برای شمابهتراست."

۱۷- واقعا آنچه راکه شماسوای خداوندمی پرستیدجزبتانی نیستندودروغی برمیسازید،درحقیقت،کسانی راکه جزخداوند می پرستیداختیارروزی شمارا دردست ندارند.پس روزی راپیش خداوندبجوییدواورا بپرستید و وی راسپاس گویید،که به سوی اوبازگردانیده میشوید.

۱۸- واگرتکذیب کنید،قطعاامتهای پیش ازشما-هم-تکذیب کردند،وبرپیامبر-خدا-جزابلاغ آشکار-وظیفه ای نیست.

۱۹- آیاندیده اندکه خداوندچگونه آفرینش راآغازمیکندسپس آن رابازمیگرداند؟درحقیقت،این-کار-برخداوند-آسان است.

۲۰- بگو: " درزمین بگردیدوبنگریدچگونه آفرینش راآغازکرده است سپس-باز-خداونداست که نشاة آخرت راپدیدمی آورد،خداونداست که برهرچیزی تواناست."

۲۱- هرکه رابخواهدعذاب وهرکه رابخواهدرحمت میکندوبه سوی اوبازگردانیده میشوید.

۲۲- وشمانه درزمین ونه درآسمان عاجزکننده-او-نیستید،وجزخداوندبرای شما یارویاوری نیست.

۲۳- وکسانی که آیات خداوندولقای اورامنکرشدند،آنان هستندکه ازرحمت من نومیدندوایشان راعذابی پردردخواهدبود.

۲۴- وپاسخ قومش جزاین نبودکه گفتند: " بکشیدش یا بسوزانیدش." ولی خداوند اورا ازآتش نجات بخشید،آری،دراین

-نجات بخشی خدا-برای مردمی که ایمان دارندقطعا دلایلی است.
۲۵- و-ابراهیم-گفت: " جزخداوند،فقط بتهایی رااختیارکرده ایدکه آن هم
برای دوستی میان شما درزندگی دنیاست،آنگاه روزقیامت بعضی
ازشمابعضی دیگررا انکاروبرخی ازشما برخی
دیگررا لعنت می کنندوجایتان درآتش است وبرای شمایاورانی
نخواهدبود."
۲۶- پس لوط به اوایمان آوردو-ابراهیم-گفت: " من به سوی
پروردگارخودهجرت کننده ام ،که اوست ارجمندحکیم."
۲۷- واسحاق ویعقوب رابه اوعطاکردیم ودرمیان فرزندانش
پیامبری وکتاب قراردادیم ودردنیا پاداشش رابه اوبخشیدیم
وقطعااودرآخرت-نیز-ازشایستگان خواهدبود.
۲۸- و-یادکن- لوط را هنگامی که به قوم خودگفت: "شمابه
کاری زشت می پردازیدکه هیچ کسی ازمردم زمین درآن-کار-
برشماپیشی نگرفته است.
۲۹- آیاشمابامردهادرمی آمیزیدوراه-توالدوتناسل-راقطع میکنیدودر
محافل خودپلیدکاری می کنید؟" و-لی-پاسخ قومش جزاین
نبودکه گفتند:" اگرراست میگویی عذاب خدارابرای ما بیاور."
۳۰- (لوط)گفت: " پروروگارا،مرابرقوم فسادکارغالب گردان."
۳۱- وچون فرستادگان مابرای ابراهیم بشارت آوردند،گفتند:
" ما اهل این شهر راهلاک خواهیم کرد،زیرامردمش ستمکاربوده اند."
۳۲- گفت: " لوط-نیز- درآنجاست." گفتند: " مابهترمیدانیم چه کسانی

درآنجاهستند!او وکسانش را-جززنش که ازباقی
ماندگان-درخاکستروآتش-است-حتمانجات خواهیم داد."
۳۳- وهنگامی که فرستادگان مابه سوی لوط آمدند،به علت-حضور-ایشان
ناراحت شدودستش از-حمایت-آنهاکوتاه گردید.
گفتند: " نترس وغصه نخورکه ماتوو خانواده ات را-جززنت که ازباقی
ماندگان است-حتما می رهانیم.
۳۴- مابرمردم این شهربه فسقی که می کردند،عذابی ازآسمان
فروخواهیم فرستاد.
۳۵- وازآن برای مردمی که می اندیشندنشانه ای روشن باقی
گذاشتیم.
۳۶- وبه سوی مدین برادرشان شعیب را-فرستادیم- گفت: " ای
قوم من،خدارابپرستیدوبه روزبازپسین امیدداشته باشیدودرزمین
سربه فسادبرمدارید."
۳۷- پس اورادروغگوخواندندوزلزله آنان رافروگرفت وبامدادان
درخانه هایشان ازپادرآمدند.
۳۸- وعادوثمودرا-نیزهلاک نمودیم-قطعا-فرجام آنان- ازسراهایشان
برشماآشکارگردیده است،وشیطان کارهایشان رادرنظرشان بیاراست وازراه
بازشان داشت باآنکه-درکاردنیا- بینابودند.
۳۹- وقارون وفرعون وهامان را-هم هلاک کردیم- وبه راستی
موسی برای آنان دلایل آشکارآورد،و-لی-آنهادرآن سرزمین سرکشی
نمودندو-بااین همه برما-پیشی نجستند.

۴۰- وهریک-ازایشان-را به گناهش گرفتار-عذاب-کردیم،ازآنان کسانی بودندکه بر-سر-ایشان بادی همراه باشن فروفرستادیم،وازآنان کسانی بودندکه نعره-مرگبار-آنهارافروگرفت وبرخی ازآنان رادرزمین فروبردیم وبعضی راغرق کردیم،و-این-خداوند-نبودکه بر ایشان ستم کرد،بلکه خودشان برخودستم می کردند.

۴۱- داستان کسانی که غیرازخدادوستانی اختیارکرده اندهمچون عنکبوت است که-با آب دهان خود-خانه ای برای خویش ساخته،ودرحقیقت-اگرمیدانستند-سست ترین خانه ها همان خانه عنکبوت است.

۴۲- خدامی داندهرآنچه راکه جزاومی خوانند،وهم اوست شکست ناپذیرسنجیده کار.

۴۳- واین مثلهارابرای مردم می زنیم و-لی-جزدانشوران آنهارا درنیابند.

۴۴- خداوندآسمانهاوزمین رابه حق آفرید.قطعادراین-آفرینش-برای مومنان عبرتی است.

۴۵- آنچه ازکتاب به سوی تووحی شده است بخوان،ونمازرابرپا دار،که نمازازکارزشت وناپسندبازمی دارد،وقطعا یادخدابالاتراست، وخداوندمی داندچه میکنید.

۴۶- وبااهل کتاب جزبه-شیوه ای-که بهتراست،مجادله نکنید-مگر-با-کسانی ازآنان که ستم کرده اند-وبگویید: " به آنچه به سوی ما نازل شده و-آنچه-به سوی شما نازل گردیده ،ایمان آوردیم،

وخدای ماوخدای شما یکی است وما تسلیم اوییم."

۴۷- وهمچنین ماقرآن رابرتونازل کردیم.پس آنان که بدیشان کتاب داده ایم بدان ایمان می آورند،وازمیان اینان کسانی

هستند که به آن می گروند،وجزکافران-کسی-آیات مراانکارنمی کند.

۴۸- وتوهیچ کتابی راپیش ازاین نمی خواندی وبادست-راست-

خود-کتابی-نمی نوشتی،وگرنه باطل اندیشان قطعابه شک می افتادند.

۴۹- بلکه-قرآن-آیاتی روشن درسینه های کسانی است که علم

-الهی- یافته اند،وجزستمگران منکرآیات مانمی شوند.

۵۰- وگفتند: " چرابراوازجانب پروردگارش نشانه هایی-معجزه آسا- نازل نشده است؟" بگو: " آن نشانه هاپیش خداست،

ومن تنهاهشداردهنده ای آشکارم."

۵۱- آیابرای ایشان بس نیست که این کتاب راکه برآنان خوانده

میشودبرتوفروفرستادیم؟درحقیقت،دراین-کار-برای مردمی که ایمان

دارند،رحمت ویادآوری است.

۵۲- بگو: " کافی است که خداوندمیان من وشما شاهدباشد.آنچه

راکه دراسمانهاوزمین است میداند،وآنان که به باطل گرویده و

خداوندرا انکارکرده اندهمان زیانکارانند."

۵۳- وازتو به شتاب درخواست عذاب-الهی را-دارند،واگرسرآمدی

معین نبود،قطعا عذاب به آنان میرسید وبی آنکه خبردارشوند

غافلگیرشان میکرد.

۵۴- وشتابزده ازتوعذاب میخواهند،وحال آنکه جهنم قطعابر

کافران احاطه دارد.

۵۵- آن روزکه عذاب ازبالای -سر-آنهاواززیرپاهایشان آنهارافرو گیرد،و-خداوند-می فرماید: " -نتیجه-آنچه را می کردیدبچشید."

۵۶- " ای بندگان من که ایمان آورده اید،زمین من فراخ است ،تنهامرابپرستید."

۵۷- هرنفسی چشنده مرگ است،آنگاه به سوی مابازگردانیده خواهیدشد.

۵۸- وکسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند،قطعا آنان رادرغرفه هایی ازبهشت جای میدهیم که اززیرآنهاجویها روان است.جاودان درآنجاخواهندبود،چه نیکوست پاداش عمل کنندگان.

۵۹- همان کسانی که شکیبایی ورزیده وبرپروردگارشان توکل نموده اند.

۶۰- وچه بسیارجاندارانی که نمی توانندمتحمل روزی خودشوند. خداونداست که آنهاوشمارا روزی میدهد،واوست شنوای دانا.

۶۱- واگرازایشان بپرسی: " چه کسی آسمانهاوزمین راآفریده و خورشیدوماه را-چنین-رام کرده است؟" حتما خواهندگفت: "الله" پس چگونه -ازحق- بازگردانیده میشوند؟

۶۲- خداوندبرهرکس ازبندگانش که بخواهدروزی راگشاده میگرداندو-یا-براوتنگ میسازد،زیراخداوندبه هرچیزی داناست.

۶۳- واگرازآنان بپرسی: " چه کسی ازآسمان آبی فروفرستاده

وزمین راپس ازمرگش به وسیله آن زنده گردانیده است؟"حتما

خواهندگفت: " الله" بگو: " ستایش ازآن خداونداست بااین همه

بیشترشان نمی اندیشند.

۶۴- این زندگی دنیاجزسرگرمی وبازیچه نیست،وزندگی حقیقی

همانا-در-سرای آخرت است،ای کاش می دانستند.

۶۵- وهنگامی که برکشتی سوارمیشوند،خداوندرابادلی پاک

میخوانند،و-لی-چون به سوی خشکی رساندونجاتشان داد،بناگاه

شرک می ورزند.

۶۶- بگذارتابه آنچه بدیشان داده ایم انکارآورندوبگذارتابرخوردار

شوند،زوداست که بدانند.

۶۷- آیاندیده اندکه ما-برای آنان-حرمی امن قراردادیم وحال آنکه مردم

ازحوالی آنان ربوده میشوند؟آیابه باطل ایمان می آورندوبه نعمت

خداوندکفرمی ورزند؟

۶۸- وکیست ستمکارترازآن کس که برخداونددروغ بندددیاچون

حق به سوی اوآیدآن راتکذیب کند؟آیاجای کافران-در-جهنم

نیست؟

۶۹- وکسانی که درراه ما کوشیده اند،به یقین راههای خودرابرآنان مینماییم

ودرحقیقت ،خداوندبانیکوکاران است.

روم

۱- بنام خداوند بخشنده مهربان

الف ، لام ، میم

۲- رومیان شکست خوردند.

۳- درنزدیکترین سرزمین،و-لی-بعدازشکستشان ،درظرف چندسالی

،به زودی پیروزخواهندگردید.

۴- کاردرگذشته وآینده ازآن خداونداست،ودرآن روزاست که مومنان ازیاری

خداوندشادمیگردند.

۵- هرکه رابخواهدیاری می کند،واوست شکست ناپذیرمهربان.

۶- وعده خداونداست،خداوندوعده اش راخلاف نمی کند،ولی

بیشترانسانها نمی دانند.

۷- از زندگی دنیا،ظاهری رامی شناسند،وحال آنکه ازآخرت غافلند.

۸- آیادرخودشان به تفکرنپرداخته اند؟خداوندآسمانهاوزمین وآنچه

راکه میان آن دواست،جزبه حق وتاهنگامی معین،نیافریده است،

و-بااین همه-بسیاری ازانسانها لقای پروردگارشان راسخت منکرند.

۹- آیادرزمین نگردیده اندتاببینندفرجام کسانی که پیش ازآنان

بوده اند،چگونه بوده است؟آنهابس نیرومندترازایشان بودند،وزمین رازیرو

روکردندوبیش ازآنچه آنهاآبادش کردند،آن راآباد

ساختند،وپیامبرانشان دلایل آشکاربرایشان آوردند.بنابراین خداوندبرآن

نبودکه برایشان ستم کند،لیکن خودشان برخودستم

میکردند.

۱۰- آنگاه فرجام کسانی که بدی کردند-بسی-بدتربود،-چرا-که آیات

خداوندراتکذیب کردندوآنهارابه تمسخرمیگرفتند.

۱۱- خداونداست که آفرینش راآغازوسپس آن راتجدیدمیکند،آنگاه

به سوی اوبازگردانیده میشوید.

۱۲- وروزی که قیامت برپاشودمجرمان نومیدمی گردند.

۱۳- وبرای آنان ازشریکانشان شفیعانی نیست،وخودمنکرشریکان

خودمیشوند.

۱۴- وروزی که رستاخیزبرپاگردد،آن روز-مردم-پراکنده میشوند.

۱۵- اما کسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند،در

گلستانی شادمان می گردند.

۱۶- واماکسانی که کافرشده وآیات ماودیدارآخرت رابه دروغ
گرفته اند،پس آنان درعذاب حاضرآیند.
۱۷- پس خداوندراتسبیح گوییدآنگاه که به عصردرمی آیید و
آنگاه که به بامداددرمیشوید.

۱۸- وستایش ازآن اوست درآسمانهاوزمین وشامگاهان ووقتی که به
نیمروزمیرسید.
۱۹- زنده را ازمرده بیرون می آورد،ومرده را اززنده بیرون میآورد،وزمین
رابعدازمرگش زنده میسازد،وبدین گونه-ازگورها-
بیرون آورده میشوید.
۲۰- وازنشانه های اواین است که شمارا ازخاک آفرید،پس
بناگاه شما-به صورت-بشری هرسوپراکنده شدید.
۲۱- وازنشانه های اواینکه از-نوع-خودتان همسرانی برای شما
آفریدتابدانهاآرام گیرید،ومیانتان دوستی ورحمت نهاد،آری!دراین
-نعمت-برای مردمی که می اندیشندقطعا نشانه هایی هست.
۲۲- وازنشانه های-قدرت-اوآفرینش آسمانهاوزمین واختلاف زبانهای
شماورنگهای شماست.قطعادراین-امرنیز-برای دانشوران نشانه هایی هست.
۲۳- وازنشانه های-حکمت-اوخواب شمادرشب وروز وجستجوی
شماازفضل اوست.دراین برای مردمی که می شنوندقطعا نشانه هایی است.
۲۴- وازنشانه های اوبرق رابرای شمابیم آور وامیدبخش مینمایاندوازآسمان
به تدریج آبی فرومیفرستد،که به وسیله آن

زمین راپس ازمرگش زنده میگرداند.دراین برای مردمی که تعقّل
می کنند،قطعانشانه هایی هست.
۲۵- وازنشانه های اواین است که آسمان وزمین به فرمانش برپایند،پس چون
شمارابایک بارخواندن فراخواندبناگاه-ازگورها-
خارج میشوید.
۲۶- وهرکه درآسمانهاوزمین است ازآن اوست،همه اوراگردن نهاده اند.
۲۷- واوست که آفرینش راآغازمیکندوبازآن راتجدیدمینماید،واین
براوآسانتراست.ودرآسمانهاوزمین نمونه والا ازآن اوست، واوست شکست
ناپدیرسنجیده کار.
۲۸- (خداوند)برای شماازخودتان مثلی زده است،آیادرآنچه به شما
روزی داده ایم شریکانی ازبردگانتان داریدکه درآن مساوی باشیدوهمان
طورکه شماازیکدیگربیم داریدازآنهابیم داشته باشید؟
اینگونه آیات خودرابرای مردمی که می اندیشند،به تفصیل بیان
می کنیم.
۲۹- نه-این چنین نیست-بلکه کسانی که ستم کرده اند،بدون هیچ گونه دانشی
هوسهای خودراپیروی کرده اند.پس آن کس
راکه خداگمراه کرده چه کسی هدایت می کند؟وبرای آنان یاورانی
نخواهدبود.
۳۰- پس روی خودراباگرایش تمام به حق ،به سوی این دین
کن،باهمان سرشتی که خداوندمردم رابرآن سرشته است.آفرینش
خداوندتغییرپذیرنیست.این است همان دین پایدار،ولی بیشتر

مردم نمی دانند.

۳۱- به سویش توبه بریدو ازاوپروابداریدونمازرابرپاکنیدوازمشرکان نباشید.

۳۲- ازکسانی که دین خودراقطعه قطعه کردندوفرقه فرقه شدند،هرحزبی بدانچه پیش آنهاست دلخوش شدند.

۳۳- وچون مردم را زیانی رسد،پروردگارخودرادرحالیکه به درگاه اوتوبه می کنند،میخوانند،وآنگاه که ازجانب خودرحمتی به آنان چشانید،بناگاه دسته ای ازایشان به پروردگارشان شرک می آورند.

۳۴- بگذارتابه آنچه بدانهاعطاکرده ایم کفران ورزند،-بگو: -برخوردارشوید،زوداست که خواهید دانست.

۳۵- یا-مگر-حجتی برآنان نازل کرده ایم که درآن-حجّت- درباره آنچه با-خداوند-شریک می گردانیده ایدسخن میگوید؟

۳۶- وچون مردم رارحمتی بچشانیم،بدان شادمیگردند،وچون به -سزای-آنچه دستاوردگذشته آنان است صدمه ای به ایشان برسد،بناگاه نومیدمیشوند.

۳۷- آیاندانسته اندکه-این-خداونداست که روزی رابرای هرکس که بخواهدفراخ یاتنگ میگرداند؟ قطعادراین برای مردمی که ایمان میآورندعبرتهاست.

۳۸- پس حق خویشاوندی وتنگدست در راه مانده رابده.این برای کسانی که خواهان خشنودی خداوندهستندبهتراست،واینان

همان رستگارانند.

۳۹- وآنچه-به قصد- ربامیدهیدتادراموال مردم سودوافزایش
بردارد،نزدخداوندفزونی نمی گیرد،و-لی-آنچه رااززکات-درحالی که
خشنودی خداوندراخواستارید-دادید،پس آنان همان فزونی یافتگانند.

۴۰- خداوندهمان کسی است که شماراآفریدسپس به شماروزی بخشید،آنگاه
شمارامی میراندوپس ازآن زنده میگرداند.آیادرمیان شریکان شماکسی هست
که کاری ازاین-قبیل-انجام دهد؟ منزّه
است او،وبرتراست ازآنچه-باوی-شریک می گردانند.

۴۱- به سبب آنچه دستهای مردم فراهم آورده،فساددرخشکی
ودریانموداشده است،تا-سزای-بعضی ازآنچه راکه کرده اندبه
آنان بچشاند،باشدکه بازگردند.

۴۲- بگو: " درزمین بگردیدوبنگریدفرجام کسانی که پیشتربوده
-و-بیشترشان مشرک بودندچگونه بوده است."

۴۳- پس به سوی این دین پایدارروی بیاور،پیش ازآنکه روزی
ازجانب خدافرارسدکه برگشت ناپذیرباشد،ودرآن روز-مردم-دسته
دسته میشوند.

۴۴- هرکه کفرورزد،کفرش به زیان خوداوست،وکسانی که کار
نیک کنند،-فرجام نیک را-به سودخودشان آماده می کنند.

۴۵- تا-خداوند-کسانی راکه ایمان آورده وکارهای نیک کرده اند
به فضل خویش پاداش دهد،که اوکافران رادوست نمی دارد.

۴۶- وازنشانه های اواین است که بادهای بشارت آوررامیفرستد

تابخشی ازرحمتش رابه شما بچشاندوتاکشتی به فرمانش روان گردد،وتاازفصل او-روزی-بجویید،وامیدکه سپاسگزاری کنید.
۴۷- ودرحقیقت،پیش ازتوفرستادگانی به سوی قومشان گسیل داشتیم،پس دلایل آشکاربرایشان آوردند،وازکسانی که مرتکب جرم شدندانتقام گرفتیم ،ویاری کردن مومنان برمافرض است.
۴۸- خداوندهمان کسی است که بادهارامیفرستدوابری برمی انگیزدوآن رادرآسمان-هرگونه بخواهد-می گستراندوانبوهش میگرداند،پس میبینی باران ازلابلای آن بیرون می آید،وچون
آن رابه هرکس ازبندگانش که بخواهد،رسانید،بناگاه آنان شادمانی می کنند.
۴۹- وقطعا پیش ازآنکه برایشان فروریزد،-آری-پیش ازآن سخت نومیدبودند.
۵۰- پس به آثاررحمت خداوندبنگرکه چگونه زمین راپس ازمرگش زنده میگرداند.درحقیقت،هم اوست که قطعا زنده کننده مردگان است،واوست که برهرچیزی تواناست.
۵۱- واگربادی-آفت زا-بفرستیم و-کشت خودرا-ببینند،قطعا پس از آن کفران می کنند.
۵۲- ودرحقیقت ،تومردگان راشنوانمی گردانی،واین دعوت رابه کرها-آنگاه که به ادبارپشت می گردانند-نمیتوانی بشنوانی.
۵۳- وتوکوران را ازگمراهی شان به راه نمی آوری ،توتنهاکسانی رامی شنوانی که به آیات ما ایمان می آورندوخودتسلیم هستند.
۵۴- خواونداست آن کس که شمارا ابتداناتوان آفرید،آنگاه پس

ازناتوانی قوّت بخشید،سپس بعدازقوّت ناتوانی وپیری داد.هرچه بخواهدمی آفریندوهم اوست دانای توانا.

۵۵- وروزی که رستاخیزبرپاشود،مجرمان سوگندمیخورندکه جزساعتی درنگ نکرده اند.-دردنیاهم-این گونه به دروغ کشانیده می شدند.

۵۶- و-لی-کسانی که دانش وایمان یافته اندمیگویند: " قطعا شما -به موجب آنچه-درکتاب خدا-ست-تاروزرستاخیزمانده اید،واین،روز رستاخیزاست ولی شما خودتان نمی دانستید."

۵۷- ودرچنین روزی-دیگر-پوزش آنان که ستم کرده اندسود نمی بخشد،وبازگشت به سوی حق ازآنان خواسته نمیشود.

۵۸- وبه راستی دراین قرآن برای مردم ازهرگونه مثلی آوردیم وچون برای ایشان آیه ای بیاوری،آنان که کفرورزیده اندحتما خواهندگفت: " شماجزبرباطل نیستید."

۵۹- اینگونه،خداوندبردلهای کسانی که نمی دانندمُهرمینهد.

۶۰- پس صبرکن که وعده خداوندحق است،وزنهارتاکسانی که یقین ندارند،تورابه سبکسری واندارند.

لقمان

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

الف ، لام ، میم

۲- این است آیات کتاب حکمت آموز

۳- (که)برای نیکوکاران رهنمودورحمتی است.

۴- (همان)کسانی که نمازبرپامی دارندوزکات می دهندو-هم-
ایشانندکه به آخرت یقین دارند.

۵- آنان هستندکه ازجانب پروردگارشان ازهدایت برخوردارند
وایشانندکه رستگارانند.

۶- وبرخی ازمردم کسانی هستندکه سخن بیهوده راخریدارند
تا-مردم را-بی-هیچ- دانشی ازراه خداگمراه کنند،و-راه خدا- رابه
ریشخندگیرند،برای آنان عذابی خوارکننده خواهدبود.

۷- وچون آیات مابراوخوانده شود،بانخوت روی برمیگرداند،چنانکه گویی
آن رانشنیده-یا-گویی درگوشهایش سنگینی
هست،پس اورا ازعذابی پردرد خبربده.

۸- درحقیقت ،کسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند،باغهای
پرنعمت خواهندداشت.

۹- که درآن جاودان می مانند،وعده خداست که حق است و

هم اوست شکست ناپذیرسنجیده کار.
۱۰- آسمانهارابی هیچ ستونی که آن راببینیدخلق کردودرزمین کوههای استواربیفکندتا-مبادازمین-شمارابجنباند،ودرآن ازهرگونه جنبنده ای پراکنده گردانید،وازآسمان آبی فروفرستادیم وازهرنوع -گیاه-نیکودرآن رویانیدیم.
۱۱- این خلقت خداست-اینک-به من نشان دهیدکسانی که غیرازاو هستندچه آفریده اند؟-هیچ-بلکه ستمکاران درگمراهی
آشکارند.
۱۲- وبه راستی ،لقمان راحکمت دادیم که خداوندرا سپاس بگزار وهرکه سپاس بگزارد،تنهابرای خودسپاس می گزارد،وهرکس کفران کند،درحقیقت،خداوند بی نیازستوده است.
۱۳- و-یادکن-هنگامی راکه لقمان به پسرخویش-درحالی که وی او را اندرزمیداد-گفت: " ای پسرک من،به خداوندشرک میاور که به راستی شرک ستمی بزرگ است."
۱۴- وانسان رادرباره پدرومادرش سفارش کردیم،مادرش به او باردارشد،سستی برروی سستی،وازشیربازگرفتنش دردوسال است-آری به اوسفارش کردیم- که شکرگزارمن وپدرومادرت باش که بازگشت-همه-به سوی من است.
۱۵- واگرتوراواداروندتادرباره چیزی که تورابدان دانشی نیست به من شرک ورزی ،ازآنان فرمان مبر،و-لی-دردنیا به خوبی باآنان معاشرت کن،وراه کسی راپیروی کن که توبه کنان به

سوی من بازمی گردد،و-سرانجام-بازگشت شمابه سوی من است
واز-حقیقت-آنچه انجام میدادیدشمارابا خبرخواهم کرد.
۱۶- " ای پسرک من،اگر-عمل تو-هموزن دانه خردلی ودرتخته سنگی
یادرآسمانهایادرزمین باشد،خداوندآن رامی آورد،که خداوند
بسیاردقیق وآگاه است.
۱۷- ای پسرک من،نمازرابرپاداروبه کارپسندیده وادارواز کارناپسند
بازدار،وبرآسیبی که برتوواردآمده است شکیبا باش،این-حاکی-
ازعزم -واراده تو در-اموراست.
۱۸- وازمردم-به نخوت-رخ برمتاب ودرزمین خرامان راه نرو که
خداوندخودپسندلافزن را دوست ندارد.
۱۹- ودر راه رفتن خودمیانه روباش،وصدایت را آهسته ساز،
که بدترین آوازها بانگ خران است.
۲۰- آیاندانسته ایدکه خداوندآنچه راکه درآسمانهاوآنچه راکه در
زمین است مسخّرشماساخته ونعمتهای ظاهروباطن خودرابرشما
تمام کرده است؟وبرخی ازمردم درباره خداوندبی-آنکه-علم ورهنمودوکتابی
روشن-داشته باشند-به مجادله برمی خیزند.
۲۱- وچون به آنان گفته شود: " آنچه راکه خداوندنازل کرده
پیروی کنید." میگویند: " -نه-بلکه آنچه که پدرانمان رابرآن
یافته ایم پیروی می کنیم" آیاهرچندشیطان آنان رابه سوی
عذاب سوزان فراخواند؟
۲۲- وهرکس خودرا-درحالی که نیکوکارباشد-تسلیم خداوند کند

قطعا درریسمان استواری چنگ زده وفرجام کارها به سوی

خداونداست.

۲۳- وهرکس که کفرورزد،نبایدکفراوتوراغمگین گرداند.بازگشتشان

به سوی ماست.وبه-حقیقت-آنچه کرده اندآگاهشان خواهیم

کرد.درحقیقت،خداوندبه رازدلها داناست.

۲۴- (ما) آنان را اندکی برخوردارمیسازیم،سپس ایشان رادرعذابی

پرفشاردرمانده می کنیم.

۲۵- واگرازآنهابپرسی : "چه کسی آسمانهاوزمین را آفریده است؟

مسلما خواهندگفت: " خدا" بگو: " ستایش ازآن خداست."

ولی بیشترشان نمی دانند.

۲۶- آنچه درآسمانهاوزمین است ازآن خداست و،درحقیقت

خداوندهمان بی نیازستوده است.

۲۷- واگران چه درخت درزمین است قلم باشدودریارا هفت

دریای دیگربه یاری آید،سخنان خداوندپایان نپذیرد.قطعا خداوند

است که شکست ناپذیرحکیم است.

۲۸- آفرینش وبرانگیختن شما-درنزدما-جزمانند-آفرینش-یک تن

نیست،که خدا شنوای بیناست.

۲۹- آیاندیده ای که خداوندشب رادرروز درمی آوردوروز را

درشب درمی آورد،وآفتاب وماه راتسخیرکرده است-که-هریک

تاوقت معلومی روانند،-نیز-خداوندبه آنچه می کنیدآگاه است؟

۳۰- این-هاهمه-دلیل آن است که خداوندخودحق است وغیرازاوهرچه راکه

می خوانندباطل است،وخداوندهمان بلندمرتبه بزرگ است.

۳۱- آیاندیده ای که کشتیهابه نعمت خداونددردریاروان می گردندتابرخی ازنشانه های-قدرت-خودرابه شما بنمایاند؟قطعا دراین-قدرت نمایی-برای هرشکیبای سپاسگزاری نشانه هاست.

۳۲- وچون موجی کوه آسا آنان رافراگیرد،خداوندرابخوانندو اعتقاد-خود-رابرای اوخالص گردانند،و-لی-چون نجاتشان دادوبه خشکی رساندبرخی ازآنان میانه روهستند،ونشانه های ماراجزهرخائن ناسپاسگزاری انکارنمی کند.

۳۳- ای انسانها،ازپروردگارتان پروابدارید،وبترسیدازروزی که هیچ پدری به کارفرزندش نمی آید،وهیچ فرزندی-نیز-به کارپدرش نخواهدآمد.آری وعده خداوندحق است.زنهارتااین زندگی دنیاشمارانفریبد،وزنهارتاشیطان شمارامغرورنسازد.

۳۴- درحقیقت،خداونداست که علم-به-قیامت نزداوست،وباران رافرومیفرستد،وانچه راکه دررحمهاست میداندوکسی نمی داند فرداچه به دست می اورد،وکسی نمی داننددرکدامین سرزمین می میرد.درحقیقت ،خداست-که-دانای آگاه است.

سجده

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

الف ، لام ،میم

۲- نازل شدن این کتاب -که هیچ شک درآن نیست-ازطرف پروردگارجهانهاست.

۳- آیامیگویند: " آن رابربافته است؟" -نه چنین است-بلکه آن حق وازجانب پروردگارتوست،تامردمی راکه پیش ازتوبیم دهنده ای برای آنان نیامده است هشداردهی،امید که راه یابند.

۴- خداوندکسی است که آسمانهاوزمین وآنچه راکه میان آن دو است درشش هنگام آفرید،آنگاه برعرش استیلا یافت.برای شما غیرازاوسرپرست وشفاعتگری نیست،آیا بازهم پندنمی گیرید؟

۵- کار-جهان-راازآسمان-گرفته-تازمین،اداره میکند،آنگاه-نتیجه وگزارش آن-در روزی که مقدارش-آن چنان که شما-آدمیان-برمی شمارید-هزارسال است،به سوی اوبالامیرود.

۶- اوست دانای نهان وآشکار،که شکوهمندمهربان است.

۷- همان کسی که هرچیزی راکه آفریده است نیکوآفریده،وآفرینش انسان راازگِل آغازکرد،

۸- سپس-تداوم-نسل اورا از چکیده آبی پست مقرّرفرمود.

۹- آنگاه اورادرست اندام نمود،وازروح خویش دراودمید و

برای شماگوش ودیدگان ودلهاقراردادچه اندک سپاس می گزارید

۱۰- وگفتند: " آیاوقتی در-دل-زمین گم شدیم،آیا-باز-ما درخلقت جدیدی خواهیم بود؟" -نه-بلکه آنهابه لقای پروردگارشان کافرند.

۱۱- بگو: " فرشته مرگی که برشماگمارده شده ،جانتان رامیستاند آنگاه به سوی پروردگارتان بازگردانیده میشوید."

۱۲- وکاش هنگامی راکه مجرمان پیش پروردگارشان سرهاشان رابه زیرافکنده اندمیدیدی-که می گویند:" پروردگارا،دیدیم وشنیدیم،مارابازگردان تاکارشایسته کنیم،چراکه ما یقین داریم."

۱۳- واگرمیخواستیم حتمابه هرکسی هدایتش رامیدادیم،لیکن سخن من محقّّق گردیده که: جهنم رااز همه جنّیان وآدمیان خواهم آکند."

۱۴- پس به-سزای- آنکه دیداراین روزتان را ازیادبردید-عذاب را- بچشید،ما-نیز-فراموشتان کردیم،وبه-سزای-آنچه انجام می دادید عذاب جاودان رابچشید.

۱۵- تنهاکسانی به آیات ما می گروندکه چون آن -آیات-رابه ایشان یادآوری کنند،سجده کنان به روی درمی افتند،وبه ستایش پروردگارشان تسبیح می گویندوآنان بزرگی نمی فروشند.

((سجده واجب))

۱۶- پهلوهایشان ازخوابگاههاجدامی گردد-و-پروردگارشان را ازروی بیم وطمع میخوانند،وازآنچه روزیشان داده ایم انفاق میکنند.

۱۷- هیچ کس نمی داندچه چیزازآنچه روشنی بخش دیدگان است به -پاداش-آنچه انجام میدادندبرای آنان پنهان کرده ام.

۱۸- آیاکسی که مومن است،چون کسی است که نافرمان است؟ یکسان نیستند.

۱۹- اماکسانی که ایمان آورده وکارهای نیک کرده اند،به-پاداش-آنچه انجام میدادنددرباغهایی که درآن جایگزین میشوند،پذیرایی می گردند.

۲۰- اماکسانی که نافرمانی کرده اند،پس جایگاهشان آتش است هربارکه بخواهندازآن بیرون بیایند،درآن بازگردانیده میشوندوبه آنان گفته میشود: "عذاب آن آتشی راکه دروغش می پنداشتیدبچشید."

۲۱- وقطعا غیرازآن عذاب بزرگتر،ازعذاب این دنیا-نیز-به آنان می چشانیم،امیدکه آنها-به خدا-بازگردند.

۲۲- وکیست ظالم ترازآن کس که به آیات پروردگارش پند داده شود-و-آنگاه ازآن روی بگرداند؟قطعا ما ازمجرمان انتقام کشنده ایم.

۲۳- وبه راستی-ما-به موسی کتاب دادیم،پس درلقای او-باخدا-تردیدمکن،وآن -کتاب-رابرای فرزندان اسرائیل-مایه-هدایت قرار دادیم.

۲۴- وچون شکیبایی کردندوبه آیات مایقین داشتند،برخی از آنان راپیشوایانی قراردادیم که به فرمان ما-مردم را- هدایت میکردند.

۲۵- درحقیقت،پروردگارتو،خودروزقیامت درآنچه بایکدیگردر
باره آن اختلاف میکردند،میانشان داوری خواهدکرد.
۲۶- آیابرای آنان روشن نگردیده که چه بسیارنسلهاراپیش از
آنهانابودگردانیدیم-که اینان-درسراهایشان راه میروند؟قطعا دراین
عبرتهاست ،مگرنمی شنوند؟
۲۷- آیانگریسته اندکه ماباران رابه سوی زمین بایرمیرانیم،وبه
وسیله آن کشته ای رابرمی آوریم که دامهایشان وخودشان ازآن
میخورند؟مگرنمی بینند؟
۲۸- ومی پرسند: " اگرراست می گویید،این پیروزی-شما-چه
وقت است؟"
۲۹- بگو: " روزپیروزی ایمان کسانی که کافرشده اندسودنمی بخشدوآنان
مهلت نمی یابند."
۳۰- پس ازایشان روی برتاب ومنتظرباش که آنهانیزدرانتظارند.

احزاب

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

ای پیامبر،ازخداوندپروابداروکافران ومنافقان رافرمان مبر،که خداوندهمواره دانای حکیم است.

۲- وآنچه راکه ازجانب پروردگارت به سوی تووحی میشود،پیروی کن که خداوندهمواره به آنچه می کنیدآگاه است.

۳- وبرخداونداعتمادوتکیه کن ،همین بس که خداوندنگهبان است.

۴- خداوندبرای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است، وآن همسرانتان راکه مورد"ظهار" قرارمیدهید مادران شما نگردانیده،وپسرخواندگانتان راپسران-واقعی-شما قرارنداده است این گفتارشمابه زبان خودتان است،و-لی-خداوندحقیقت رامیگوید واو به راه راست هدایت میکند.

۵- آنان رابه-نام-پدرانشان بخوانید،که این نزدخداعادلانه است،واگرپدرانشان رانمی شناسیدپس برادران دینی وموالی شما هستند،ودرآنچه اشتباها مرتکب آن شده ایدبرشماگناهی نیست ولی درآنچه دلهایتان عمد داشته است-مسئولید-وخداست که همواره آمرزنده مهربان است.

۶- پیامبربه مومنان ازخودشان سزاوارتراست وهمسرانش مادران ایشانند،وخویشاوندان-طبق-کتاب خدابعضی-نسبت به بعضی

اولویت دارند-و-برمومنان ومهاجران-مقدّمند-مگرآنکه بخواهید
به دوستان-مومن-خود-وصیت یا-احسانی کنید،واین درکتاب
نگاشته شده است.
۷- و-یادکن-هنگامی راکه ازپیامبران پیمان گرفتیم،وازتووازنوح
وابراهیم وموسی وعیسی پسرمریم،واز-همه-آنان پیمانی استوار
گرفتیم.
۸- تا راستان راازصدقشان بازپرسد،وبرای کافران عذابی دردناک
آماده کرده است.
۹- ای کسانی که ایمان آورده اید،نعمت خداوندرابرخودبه یاد
آرید، آنگاه که لشکرهایی به سوی شما-در-آمدند،پس برسرآنان
تندبادی ولشکرهایی که آنهارانمی دیدیدفرستادیم،وخداوندبه
آنچه می کنیدهمواره بیناست.
۱۰- هنگامی که ازبالای-سر-شماواززیر-پای-شما آمدند،وآنگاه که
چشمهاخیره شدوجانهابه گلوگاهها رسیدوبه خداوندگمانهایی
-نابجا-می بردید.
۱۱- آنجا-بودکه-مومنان درآزمایش قرارگرفتندوسخت تکان خوردند
۱۲- وهنگامی که منافقان وکسانی که دردلهایشان بیماری است
میگفتند: " خداوندورسولش جزفریب به ما وعده ای ندادند."
۱۳- وچون گروهی ازآنان گفتند: " ای اهل مدینه دیگرشماراجای درنگ
نیست،برگردید." وگروهی ازآنان ازپیامبراجازه میخواستند
ومیگفتند:" خانه های ما بی حفاظ است." و-لی خانه هایشان-

بی حفاظ نبود،-آنان-جز فرارچیزی نمی خواستند.

۱۴- واگرازاطراف-مدینه-موردهجوم واقع میشدندوآنگاه آنان را

به ارتدادمیخواندند،قطعاآن رامی پذیرفتندوجزاندکی دراین-کار-

درنگ نمی کردند.

۱۵- باانکه قبلا باخداوندسخت پیمان بسته بودندکه پشت-به

دشمن-نکنند،وپیمان خداوندهمواره بازخواست دارد.

۱۶- بگو: " اگرازمرگ یاکشته شدن بگریزید،هرگزاین فراربرای شما

سودنمی بخشد،ودرآن صورت جزاندکی برخوردارنخواهیدشد."

۱۷- بگو: " چه کسی میتوانددربرابرخداازشما حمایت کنداگراوبخواهدبرای

شما بد بیاوردیا بخواهدشمارا رحمت کند؟

وغیرازخداوندبرای خودیارویاوری نخواهندیافت."

۱۸- خداوندکارشکنان-ومانع شوندگان-شما وآن کسانی راکه به

برادرانشان میگفتند: " نزدمابیایید" وجزاندکی روی به جنگ

نمی آورند-خوب-می شناسند.

۱۹- برشما بخیلانند،وچون خطرفرارسدآنان رامیبینی که مانند

کسی که مرگ اورافراگرفته چشمانشان درحدقه میچرخد-و-

به سوی تومی نگرند،وچون ترس برطرف شودشمارابا زبانهایی

تند نیش می زنند،برمال حریصند.آنان ایمان نیاورده اندوخداوند

اعمالشان راتباه گردانیده واین-کار-همواره برخداوندآسان است.

۲۰- اینان-چنین-می پندارندکه دسته های دشمن نرفته اندو

اگردسته های دشمن بازآیندآرزومیکنند،کاش میان اعراب بودند
وازاخبار-مربوط به-شما جویامیشدند،واگردرمیان شمابودند،جزاندکی جنگ
نمی کردند.
۲۱- قطعابرای شمادر-اقتدابه-رسول خداسرمشقی نیکوست،برای
آن کس که به خداوروزبازپسین امیددارددو خداوندرا فراوان
یادمی کند.
۲۲- وچون مومنان دسته های دشمن رادیدند،گفتند: " این همان
است که خداوندوفرستاده اش به ما وعده دادندوخداوندو
رسولش راست گفتند: " وجزبر ایمان وفرمانبرداری آنان نیفزود.
۲۳- ازمیان مومنان مردانی هستندکه به آنچه باخداوندعهدبستند
صادقانه وفاکردند.برخی ازآنان به شهادت رسیدندوبرخی ازآنها
در-همین-انتظارندو-هرگزعقیده خودرا-تغییر ندادند.
۲۴- تاخداوندراستگویان رابه-پاداش-راستی شان پاداش دهد،
ومنافقان رااگربخواهدعذاب کندیابرایشان ببخشایدکه خداوند
همواره آمرزنده مهربان است.
۲۵- وخداوندآنان راکه کفرورزیده اند،بی آنکه به مالی رسیده
باشند،به غیظ-وحسرت-برگرداند،وخداوند-زحمت-جنگ رااازمومنان
برداشت،وخداوندهمواره نیرومندشکست ناپذیراست.
۲۶- وکسانی ازاهل کتاب راکه با-مشرکان-همپشتی کرده بودند،
ازقلعه هایشان به زیرآوردودردلهایشان هراس افکند،گروهی را
می کشتیدوگروهی را اسیرمی کردید.

۲۷- وزمینشان وخانه هاواموالشان وسرزمینی راکه درآن پانںهاده
بودیدبه شمامیراث داد،وخداوندبرهرچیزی تواناست.
۲۸- ای پیامبر،به همسرانت بگو: " اگرخواهان زندگی دنیاوزینت آن
هستید،بیاییدتامهرتان رابدهم و-خوش و-خرم شما را رها کنم.
۲۹- واگرخواستارخداوندورسول او وسرای آخرت هستید،پس
به راستی خداوندبرای نیکوکاران شماپاداش بزرگی آماده گردانیده است.
۳۰- ای همسران پیامبر،هرکس ازشما مبادرت به کارزشت آشکاری
کند،عذابش دوچندان خواهدبود،واین برای خداوندهمواره
آسان است.
۳۱- وهرکس ازشماازخداوندوفرستاده اش رافرمان بردوکارنیک
انجام دهد،پاداشش رادوچندان میدهیم وبرایش روزی نیکو
فراهم خواهیم ساخت.
۳۲- ای همسران پیامبر،شمامانندهیچ یک اززنان-دیگر-نیستید،
اگرسر پروا داریدپس به نازسخن مگوییدتاکسی که دردلش بیماری است
طمع ورزد،وگفتاری شایسته گویید.
۳۳- ودرخانه هایتان قرارگیریدومانندروزگارجاهلیت قدیم زینتهای
خودراآشکارمکنید،ونمازبرپاداریدوزکات بدهیدوخداوندورسولش را
فرمان برید.خداوندفقط میخواهدآلودگی راازشما خاندان-پیامبر-
بزدایدوشماراپاک وپاکیزه گرداند.
۳۴- وآنچه راکه ازآیات خداوندو-سخنان-حکمت-آمیز-درخانه های
شماخوانده میشودیادکنید.درحقیقت،خداوندهمواره دقیق وآگاه است.

۳۵- مردان وزنان مسلمان،ومردان وزنان باایمان،ومردان وزنان
عابد،ومردان وزنان راستگو،ومردان وزنان صبور،ومردان وزنان
فروتن،ومردان وزنان صدقه دهنده،ومردان وزنان روزه دار،ومردان وزنان
پاکدامن ومردان وزنانی که خداوندرافراوان یاد
می کنند،خداوندبرای-همه-آنان آمرزشی وپاداشی بزرگ فراهم
ساخته است.
۳۶- وهیچ مردوزن مومنی رانرسدکه چون خداوندورسولش به
کاری فرمان دهند،برای آنان درکارشان اختیاری باشد،وهرکس
خداوندورسولش رانافرمانی کندقطعا دچارگمراهی آشکاری گردیده است.

۳۷- وآنگاه که به کسی که خداوندبراونعمت ارزانی داشته بود
وتو-نیز-به اونعمت داده بودی،میگفتی: " همسرت راپیش خودنگاه
داروازخداوندپروابدار." وانچه راکه خداآشکارکننده آن بود،دردل خودنهان
می کردی وازمردم میترسیدی ،باآنکه خداوند
سزاوارتربودکه ازاوبترسی.پس چون زیدازآن-زن-کام برگرفت -واوراترک
گفت-وی رابه نکاح تودرآوردیم تا-درآینده-درمورد
ازدواج مومنان بازنان پسرخواندگانشان-چون آنان راطلاق گفتند-
گناهی نباشد،وفرمان خداوندصورت اجراپذیرد.
۳۸- برپیامبردرآنچه خداوندبرای اوفرض گردانیده گناهی نیست.
-این-سنّت خداونداست که ازدیربازدرمیان گذشتگان-معمول-بوده
وفرمان خداوندهمواره به اندازه مقرّر-ومتناسب باتوانایی-است.

۳۹- همان کسانی که پیامهای خداوندراابلاغ می کنندوازاومیترسندوازهیچ
کس جزخداوند نمی ترسند.وخداوند
برای حساب رسی کفایت میکند.
۴۰- محمّد(ص) پدرهیچیک ازمردان شمانیست،ولی فرستاده خداوند
وخاتم پیامبران است.وخداوندهمواره برهرچیزی داناست.
۴۱- ای کسانی که ایمان آورده اید،خداوندرایادکنید یادی بسیار
۴۲- وصبح وشام اورابه پاکی بستایید.

۴۳- اوست کسی که بافرشتگانش برشما درودمیفرستدتاشمارا
ازتاریکیها به سوی روشنایی برآورد،وبه مومنان همواره مهربان
است.
۴۴- درودشان-روزی که دیدارش کنند-سلام خواهدبود،وبرای آنان
پاداشی نیکوآماده کرده است.
۴۵- ای پیامبر،ماتورا-به سِمتِ-شاهدوبشارتگروهشداردهنده فرستادیم.
۴۶- ودعوت کننده به سوی خداوندبه فرمان او،وچراغی تابناک.
۴۷- ومومنان رابشارت ده که برای آنان ازجانب خداوند
بخشایشی فراوان خواهدبود.
۴۸- وکافران ومنافقان رافرمان مبر،وازآزارشان بگذروبرخداوند
اعتمادوتکیه کن وکارسازی -چون- خداوندکفایت می کند.
۴۹- ای کسانی که ایمان آورده اید،اگرزنان مومن رابه نکاح

خوددرآوردید،آنگاه پیش ازآنکه باآنان همخوابگی کنید،طلاقشان دادید،دیگربرعهده آنهاعُدّه ای که آن رابشمارید،نیست،پس مهرشان رابدهیدوخوش وخرم آنهارارهاکنید.

۵۰- ای پیامبر،مابرای توآن همسرانی راکه مهرشان راداده ای حلال کردیم،و-کنیزانی-راکه خداونداز غنیمت جنگی دراختیار توقرارداده،ودختران خاله هایت که باتومهاجرت کرده اند،وزن مومنی که خودرا-داوطلبانه-به پیامبرببخشد-درصورتی که پیامبر بخواهداورابه زنی گیرد،-این ازدواج ازروی بخشش-مخصوص توست نه دیگرمومنان،مانیک میدانیم که درموردزنان وکنیزانشان چه برآنان مقرّرکرده ایم،تابرای تومشکلی پیش نیاید،وخداوند همواره آمرزنده مهربان است.

۵۱- نوبت هرکدام ازآن زنها راکه میخواهی به تاخیراندازوهر کدام راکه میخواهی پیش خودجای ده،وبرتوباکی نیست که هرکدام راکه ترک کرده ای-دوباره-طلب کنی.این نزدیکتراست برای اینکه چشمانشان روشن گرددودلتنگ نشوندوهمگی شان به آنچه به آنان داده ای خشنود گردند،وآنچه دردلهای شماست خداوندمیداند،وخداوندهمواره دانای برداراست.

۵۲- ازاین پس ،دیگر-گرفتن-زنان ونیزاینکه به جای آنان زنان دیگری برتوحلال نیست،هرچندزیبایی آنهابرای توموردپسند افتد،به استثنای کنیزان وخداوندهمواره برهرچیزی مراقب است.

۵۳- ای کسانی که ایمان آورده اید،داخل اتاقهای پیامبرنشوید،

مگرآنکه برای-خوردن-طعامی به شما اجازه داده شود،-آن هم-
بی آنکه درانتظارپخته شدن آن باشید،ولی هنگامی که دعوت
شدید داخل گردید، ووقتی غذاخوردیدپراکنده شویدبی آنکه
سرگرم سخنی گردید.این-رفتار-شماپیامبررا می رنجاندو-لی-
ازشماشرم میدارد،وحال آنکه خداوندازحق-گویی-شرم نمی کند،
وچون اززنان-پیامبر-چیزی خواستیدازپشت پرده ازآنان بخواهید
،این برای دلهای شماودلهای آنان پاکیزه تراست،وشماحق ندارید
رسول خدارابرنجانید،ومطلقا-نباید-زنانش راپس ازاوبه نکاح خود
درآورید،چراکه این نزدخداوندهمواره-گناهی-بزرگ است.
۵۴- اگرچیزی رافاش کنیدیا آن راپنهان داریدقطعاخداوندبه هر
چیزی داناست.
۵۵- برزنان درموردپدران وپسران وبرادران وپسران برادران و
پسران خواهران وزنان-همکیش-وبردگانشان گناهی نیست-که دیده
شوند-وبایدازخداوندپروابداریدکه خداهمواره برهرچیزی شاهداست.
۵۶- خداوندوفرشتگانش برپیامبردرودمی فرستند،ای کسانی که
ایمان آورده اید،براودرودفرستیدوبه فرمانش بخوبی گردن نهید.
۵۷- بیگمان،کسانی که خداوندوپیامبراوراآزارمی رسانند،خداوند
آنان رادردنیاوآخرت لعنت کرده وبرایشان عذابی خفت آور
آماده ساخته است.
۵۸- وکسانی که مردان وزنان مومن رابی آنکه مرتکب-عمل
زشتی-شده باشندآزارمی رسانند،قطعا تهمت وگناهی آشکار

به گردن گرفته اند.

۵۹- ای پیامبر،به زنان ودخترانت وبه زنان مومنان بگو: " پوششهای خودرابرخودفروترگیرند.این برای آنکه شناخته شوند وموردآزارقرارنگیرند-به احتیاط- نزدیکتراست،وخداوندآمرزنده مهربان است.

۶۰- اگرمنافقان وکسانی که دردلهایشان بیماری هست وشایعه افکنان درمدینه-ازکارشان-بازنایستند،توراسخت برآنان مسلط میکنیم تاجز-مدتی-اندک درهمسایگی تونپایند.

۶۱- ازرحمت خداونددورگردیده وهرکجایافته شوند گرفته و به سختی کشته خواهندشد.

۶۲- درباره کسانی که بیشتربوده اند-همین-سنّت خداوند-جاری بوده - است،ودرسنّت خداوندهرگزتغییری نخواهی یافت.

۶۳- مردم ازتودرباره قیامت میپرسند،بگو: " علم آن فقط نزد خداونداست." وچه میدانی؟ شایدرستاخیزنزدیک باشد.

۶۴- خداوندکافران رالعنت کرده وبرای آنهاآتش فروزانی آماده کرده است.

۶۵- جاودانه درآن می مانند،نه یاری می یابندونه یاوری.

۶۶- روزی که چهره هایشان را درآتش زیرورومی کنند،میگویند : " ای کاش ماخداوندرافرمان میبردیم وپیامبررا اطاعت می کردیم."

۶۷- ومی گویند: " پروردگارا،ماروسا وبزرگتران خویش رااطاعت کردیم ومارا ازراه به درکردند."

۶۸- " پروردگارا،آنان رادوچندان عذاب ده ولعنتشان کن لعنتی بزرگ."

۶۹- ای کسانی که ایمان آورده اید،مانندکسانی نباشیدکه موسی را-بااتهام خود-آزاردادند،وخداوندا‌ورا ازآنچه گفتندمبرّاساخت ونزد خداوندآبرومندبود.

۷۰- ای کسانی که ایمان آورده اید،ازخداوندپرواداریدوسخنی استوارگویید.

۷۱- تااعمال شمارابه صلاح آوردوگناهانتان رابرشما ببخشایدو هرکس خداوندوپیامبرش رافرمان بردقطعا به رستگاری بزرگی نائل آمده است.

۷۲- ما امانت-الهی وبارتکلیف-رابرآسمانهاوزمین وکوهها عرضه کردیم،پس ازبرداشتن آن سرباززدندوازآن هراسناک شدند،و-لی- انسان آن رابرداشت ،راستی اوستمگری نادان بود

۷۳- (آری چنین است)تاخداوندمردان وزنان منافق ،ومردان وزنان مشرک راعذاب کندوتوبه مردان وزنان باایمان راپذیرد،وخداوند همواره آمرزنده مهربان است.

سبا

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سپاس خدایی راکه آنچه درآسمانهاوآنچه درزمین است ازآن اوست،ودرآخرت-نیز-سپاس ازآن اوست،وهم اوست سنجیده کار آگاه.

۲- آنچه درزمین فرومیرودوآنچه ازآن برمی آیدوآنچه ازآسمان فرومیشودوآنچه درآن بالامیرود-همه را- میداند،واوست مهربان آمرزنده.

۳- وکسانی که کافرشدند،گفتند: " قیامت برای مانخواهدآمد."

بگو: " چرا،سوگندبه پروردگارم که حتما برای شما خواهدآمد. -همان- دانای نهان-ها-که هموزن ذرّه ای ،نه درآسمانها ونه در زمین ،ازوی پوشیده نیست،ونه کوچکترازآن ونه بزرگترازآن است مگراینکه درکتابی آشکاراست."

۴- تاکسانی راکه ایمان آورده وکارهای نیک کرده اندبه پاداش رساند،آنانندکه آمرزش وروزی خوش برایشان خواهدبود.

۵- وکسانی که درآیات ما کوشش می ورزندکه مارا به عجز بکشانند،برایشان عذابی ازبلایی دردناک باشد.

۶- وکسانی که ازعلم بهره یافته اند،می دانندکه آنچه ازجانب پروردگارت به سوی تونازل شده،حق است وبه راه آن عزیز ستوده راهبری می کند.

۷- وکسانی که کفرورزیدند،گفتند: " آیامردی رابه شما نشان دهیم که شمارااخبرمیدهدکه چون کاملا متلاشی شدید،قطعا درآفرینشی جدیدخواهیدبود؟

۸- آیا-این مرد-برخداونددروغی بسته یاجنونی دراوست؟-نه- بلکه آنان که به آخرت ایمان ندارنددرعذاب وگمراهی دور و درازند.

۹- آیابه آنچه -ازآسمان وزمین-دردسترسشان وپشت سرشان است ننگریسته اند؟اگربخواهیم آنان رادرزمین فرومیبریم،یاپاره سنگهایی ازآسمان برسرشان می افکنیم،قطعادراین-تهدید-برای هربنده توبه کاری عبرت است.

۱۰- وبه راستی داوودرا ازجانب خویش مزیّتی عطاکردیم -وگفتیم-ای کوههاباااو-درتسبیح خداوند-همصداشوید،وای پرندگان -هماهنگی کنید-وآهن رابرای اونرم گردانیدیم.

۱۱- (که)زره های فراخ بسیاروحلقه هارادرست اندازه گیری کن،

وکارنیک کنید،زیرامن به آنچه انجام می دهیدبینایم.

۱۲- وبادرابرای سلیمان-رام کردیم-که رفتن آن بامداد،یک ماه
وآمدنش شبانگاه ،یک ماه-راه-بود،ومعدن مس رابرای اوذوب
گردانیدیم،وبرخی ازجن به فرمان پرورگارشان پیش اوکارمی
کردند،وهرکس ازآنهاازدستورسرپیچی میکرد،ازعذاب سوزان به
اومی چشاندیم.

۱۳- (آن متخصصان)برای اوهرچه میخواست ازنمازخانه هاومجسمه
هاوظروف بزرگ مانندحوضچه هاودیگهای چسبیده
به زمین میساختند.ای خاندان داوود،شکرگزارباشید.وازبندگان
من اندکی سپاسگزارند.

۱۴- پس چون مرگ رابراومقررداشتیم،جزجنبنده ای خاکی
-موریانه-که عصای اورا-به تدریج-میخورد،-آدمیان را-ازمرگ اوآگاه
نگردانید،پس چون-سلیمان-فروافتادبرای جنیان روشن
گردیدکه اگرغیب می دانستند،درآن عذاب خفّت آورنمی ماندند.

۱۵- قطعابرای-مردم-سبادرمحل سکونتشان نشانه بود،دوباغستان
ازراست وچپ-به آنان گفتیم: - ازروزی پروردگارتان
بخوریدواوراشکرکنید.شهری است خوش وخدایی آمرزنده.

۱۶- پس روی گردانیدند،وبرآن سیل-سدّ-عِرَم را روانه کردیم.
ودوباغستان آنهارابه دوباغ که میوه های تلخ وشوره گز
ونوعی ازکُنارتنگ داشت تبدیل کردیم.

۱۷- این-عقوبت-رابه-سزای-آنکه کفران کردندبه آنان جزادادیم

وآیاجزناسپاس رابه مجازات میرسانیم؟

۱۸- ومیان آنان ومیان آبادانیهایی که درآنهابرکت نهاده بودیم

شهرهای متصل به هم قرارداده بودیم،ودرمیان آنهامسافت را،

به اندازه مقررداشته بودیم،دراین-راه-ها شبان وروزان آسوده

خاطربگردید.

۱۹- تاگفتند: " پروردگارا،میان-منزلهای- سفرهایمان فاصله انداز."

وبرخویشتن ستم کردند.پس آنهارا-برای آیندگان،موضوع- حکایتها

گردانیدیم،وسخت تارومارشان کردیم،قطعادراین-ماجرا-برای هرشکیبای

سپاسگزاری عبرتهاست.

۲۰- وقطعاشیطان گمان خودرادرموردآنهاراست یافت،وجزگروهی

ازمومنان-بقیه-ازاوپیروی کردند،

۲۱- و-شیطان-رابرآنان تسلطی نبود،جزآنکه کسی راکه به آخرت

ایمان داردازکسی که درباره آن درتردیداست

بازشناسیم،وپروردگارتوبرهرچیزی نگاهبان است.

۲۲- بگو:" کسانی راکه جزخدا-معبودخود-پنداشته ایدبخوانید: "

هموزن ذرّه ای نه درآسمانهاونه درزمین مالک نیستند،ودرآن دو

شرکتی ندارند،وبرای وی ازمیان آنان هیچ پشتیبانی نیست."

۲۳- وشفاعتگری درپیشگاه اوسودنمی بخشد،مگربرای آنکس که

به وی اجازه دهد،تاچون هراس ازدلهایشان برطرف شود،میگویند:" حقیقت

،وهم اوست بلندمرتبه وبزرگ."

۲۴- بگو: " کیست که شماراازآسمانها وزمین روزی میدهد؟"
بگو: " خداوندودرحقیقت یاما،یاشمابر هدایت یاگمراهی آشکاریم."
۲۵- بگو: " (شما)ازآنچه مامرتکب شده ایم بازخواست نخواهید
شد،و-مانیز-ازآنچه شماانجام میدهیدبازخواست نخواهیم شد."
۲۶- بگو: " پروردگارمان ماوشمارااجمع خواهدکرد،سپس میان ما
به حق داوری میکند،واوست داوردانا."
۲۷- بگو: " کسانی راکه-به عنوان-شریک به اوملحق گردانیده اید
به من نشان دهید." چنین نیست،بلکه اوست خدای عزیزحکیم.
۲۸- وماتوراجز-به سمت-بشارتگروهشداردهنده برای تمام انسانها
نفرستادیم،لیکن بیشترمردم نمی دانند.
۲۹- ومیگویند: " اگرراست میگویید،این وعده چه وقت است؟"
۳۰- بگو: " میعادشماروزی است که نه ساعتی ازآن پس توانید
رفت،ونه پیشی توانیدجُست."
۳۱- وکسانی که کافرشدندگفتند: " نه به این قرآن ونه به آن
-توراتی-که پیش ازآن است هرگزایمان نخواهیم آورد." و ای کاش بیدادگران
را هنگامی که درپیشگاه پروردگارشان بازداشت شده اند میدیدی، برخی
ازآنان بابرخی گفتگومی کنند،کسانی که
زیردست بودندبه کسانی که برتری داشتندمی گویند: " اگرشما
نبودیدقطعا ما مومن بودیم."
۳۲- کسانی که برتری داشتند،به کسانی که زیردست بودند
میگویند: " مگرمابودیم که شمارااز هدایت ،پس ازآنکه بسوی شما

آمد،بازداشتیم؟-نه-بلکه خودتان گناهکاربودید."

۳۳- وکسانی که زیردست بودندبه کسانی که برتری داشتند،میگویند: "

(نه)بلکه نیرنگ شب وروز،آنگاه که ماراوادارمیکردید

که به خداکافرشویم وبرای اوهمتایانی قراردهیم." وهنگامی که

عذاب راببینندپشیمانی خودراآشکارکنند،ودرگردنهای کسانی که

کافرشده اندغُلها می نهیم،آیا جزبه سزای آنچه انجام می دادند

میرسند؟

۳۴- و-ما-درهیچ شهری هشداردهنده ای نفرستادیم جزآنکه

خوشگذرانان آنهاگفتند: " مابه آنچه شمابدان فرستاده شده اید

کافریم."

۳۵- وگفتند: " مادارایی وفرزندانمان ازهمه بیشتراست وما عذاب

نخواهیم شد."

۳۶- بگو: " پروردگارمن است که روزی رابرای هرکس که بخواهد گشاده

یاتنگ می گرداند،لیکن بیشترمردم نمی دانند."

۳۷- واموال وفرزندانتان چیزی نیست که شمارابه پیشگاه ما

نزدیک گرداند،مگرکسانی که ایمان آورده وکارنیک کرده باشند.

پس برای آنان دوبرابرآنچه انجام داده اندپاداش است وآنهادر

غرفه هاآسوده خاطر خواهندبود.

۳۸- وکسانی که در-ابطال-آیات ما میکوشندکه-مارابه خیال خود-

عاجزگردانند،آنانندکه درعذاب احضارمیشوند.

۳۹- بگو: "درحقیقت،پروردگارمن است که روزی رابرای هرکس از

بندگانش که بخواهدگشاده یابرای اوتنگ میگرداند.وهرچه راانفاق کردیدعوضش رااومیدهد.واوبهترین روزی دهندگان است."

۴۰- و-یادکن-روزی راکه همه آنان رامحشورمیکند،آنگاه به فرشتگان میفرماید:" آیااینهابودندکه شمارامی پرستیدند؟"

۴۱- میگویند: " منزّهی تو،سرپرست ماتویی نه آنهابلکه جنّیان را می پرستیدند،بیشترشان به آنهااعتقادداشتند."

۴۲- اکنون برای یکدیگرسودوزیانی ندارید،وبه کسانی که ستم کرده اندمیگوییم: " بچشیدعذاب آتشی راکه آن رادروغ می شمردید."

۴۳- وچون آیات تابناک مابرآنان خوانده میشودمیگویند: " این جزمردی نیست که میخواهدشماراازآنچه پدرانتان می پرستیدند بازدارد." و-نیز-میگویند: " این جزدروغی بربافته نیست." وکسانی که به حق-چون به سویشان آمد-کافرشدندمیگویند: " این جزافسونی آشکارنیست."

۴۴- وماکتابهایی به آنان نداده بودیم که آن رابخوانند،وپیش از توهشداردهنده ای به سویشان نفرستاده بودیم.

۴۵- وکسانی که پیش ازاینان بودند-نیز-تکذیب کردند،درحالی که اینان به ده یک آنچه بدیشان داده بودیم نرسیده اند-آری-فرستادگان مرادروغ شمردند،پس چگونه بودکیفرمن؟

۴۶- بگو: من فقط به شما یک اندرزمیدهم که: دو دو وبه تنهایی برای خداوندبه پاخیزید،سپس بیندیشیدکه رفیق شما هیچ گونه دیوانگی ندارد.اوشمارا ازعذاب سختی که درپیش است جز هشداردهنده ای نیست.

۴۷- بگو: " هرمزدی که ازشما خواستم آن ازخودتان، مزدمن جزبرخداوندنیست واوبرهرچیزی شاهداست."

۴۸- بگو: " بی گمان،پرورروگارم حقیقت را القامی کند،-اوست- دانای نهان ها."

۴۹- بگو: " حق آمدو- دیگر-باطل از سرنمی گیردو برنمی گردد."

۵۰- بگو: " اگرگمراه شوم،فقط به زیان خودگمراه شده ام،واگر هدایت یابم-این ازبرکت-چیزی است که پروردگارم به سویم وحی میکند،که اوست شنوای نزدیک."

۵۱- وای کاش،میدیدی هنگامی راکه-کافران-وحشت زده اند-آنجا که راه-گریزی نمانده است وازجایی نزدیک گرفتارآمده اند.

۵۲- ومیگویند: " به او ایمان آوردیم." وچگونه ازجایی-چنین-دور دست یافتن-به ایمان-برای آنان میسّراست؟

۵۳- وحال آنکه پیش ازاین منکراوشدند،وازجایی دور،به نادیده -تیرتهمت-می افکندند.

۵۴- ومیان آنان ومیان آنچه-به آرزو-میخواستندحایلی قرار میگیرد،همان گونه که ازدیربازبا امثال ایشان چنین رفت، زیرا آنها-نیز-دردولی سختی بودند.

فاطر

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سپاس خدای راکه پدیدآورنده آسمان وزمین است-و-فرشتگان

راکه دارای بالهای دوگانه وسه گانه وچهارگانه اند پیام آورنده

قرار داده است،درآفرینش،هرچه بخواهدمی افزاید،زیرا خداوند

برهرچیزی تواناست.

۲- هررحمتی راکه خداوندبرای مردم گشاید،بازدارنده ای برای آن

نیست،وآنچه راکه بازدارد،پس از-بازگرفتن-گشاینده ای ندارد،واوست همان

شکست ناپذیرسنجیده کار.

۳- ای انسانها،نعمت خداوندبرخودرایادکنید.آیاغیرازخداآفریدگاری

هست که شماراازآسمان وزمین روزی دهد؟خدایی جزاونیست

،پس چگونه انحراف می یابید؟

۴- واگرتوراتکذیب کنند،قطعا پیش ازتو-نیز-فرستادگانی تکذیب

شدند،و-همه-کارهابه سوی خداوندبازگردانیده میشود.

۵- ای انسانها،بدون تردید وعده خداوندحق است،زنهارتااین

زندگی دنیا شمارافریب ندهد،وزنهارتا-شیطان-فریبنده شماراދر
باره خداوند نفریبد.
۶- درحقیقت ،شیطان دشمن شماست،شمااورادشمن گیرید.-او-
فقط داورودسته خودرامیخواندتاآنهاازیاران آتش باشند.
۷- کسانی که کفرورزیده اند،عذابی سخت خواهندداشت،وکسانی
که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند،برای آنان آمرزش و
پاداشی بزرگ است.
۸- آیاآن کس که زشتی کردارش برای اوآراسته شده وآن رازیبا
میبیند-همانند مومن نیکوکاراست؟-خداونداست که هرکه رابخواهد گمراه
میگرداندوهرکه رابخواهدهدایت میکند.پس مبادا
به سبب حسرتها-ی گوناگون- برآنان ،جانت برود،قطعا خداوندبه آنچه
میکنند داناست.
۹- وخداوندهمان کسی است که بادهاراروانه میکند،پس-بادها-
ابری رابرمی انگیزند،و-ما-آن رابه سوی سرزمینی مرده راندیم،
وآن زمین رابدان-وسیله-پس ازمرگش زندگی بخشیدبم،رستاخیز
-نیز-چنین است.
۱۰- هرکس سربلندی میخواهد،سربلندی یکسره ازآن خداونداست
سخنان پاکیزه به سوی اوبالا میرود،وکارنیک به آن رفعت میبخشد.وکسانی
که باحیله ومکرکارهای بدمیکنند،عذابی سخت
خواهندداشت،ونیرنگشان خودتباه میگردد.
۱۱- وخداوند- است که-شمارا ازخاکی آفرید،سپس ازنطفه ای

آنگاه شماراجفت جفت گردانید،وهیچ مادینه ای بارنمی گیرد
وبارنمی نهدمگربه علم او،وهیچ سالخورده ای عمردرازنمی یابد
وازعمرش کاسته نمی گردد،مگرآنکه درکتابی است.درحقیقت
این برای خداوندآسان است.
۱۲- ودو دریا یکسان نیستند،این یک شیرین تشنگی زدا-و-
نوشیدنش گواراست،وآن یک ،شورتلخ مزه است،وازهریک
گوشتی بیرون می آورید،وکشتی را درآن،موج شکاف میبینی
تاازفضل او-روزی خودرا-جستجوکنید،وامید که سپاس بگزارید.
۱۳- شب رابه رور در می آوردوروزرابه شب درمی آورد،وآفتاب
وماه راتسخیرکرده است-که- هریک تاهنگامی معین روانند،این
است خداوندپروروگارشما،فرمانروایی ازآن اوست،وکسانی راکه
بجز اومیخوانید،مالک پوست هسته خرمایی نیستند.
۱۴- اگرآنهارابخوانید،دعای شمارانمی شنوند،واگر-فرضا-بشنوند
اجابتتان نمی کنند،وروزقیامت شرک شماراانکارمیکنند،و-هیچکس-
چون-خدای-آگاه،توراخبردارنمی کند.
۱۵- ای انسانها شما نیازمندوفقیر درگاه خداوند هستید،وخداونداست که بی
نیازوستوده است
۱۶- واگربخواهدشمارامیبرد وخلقی نو-برسرکار-می آورد.
۱۷- واین -امر- برای خداونددشوارنیست.
۱۸- وهیچ بارکشی باردیگری رابرنمی دارد،واگر گرانباری
-دیگری رابه یاری- به سوی بارخودفرخواند،چیزی ازآن برداشته

نمیشود،هرچندخویشاوندباشد.-تو-تنهاکسانی راکه ازپروردگارشان درنهان میترسندونمازبرپامیدارند،هشدارمیدهی،وهرکس پاکیزگی جویدتنهابرای خودپاکیزگی میجویدوفرجام به سوی خداونداست.

۱۹-ونابیناوبینا یکسان نیستند.

۲۰- ونه تیرگی ها وروشنایی

۲۱- ونه سایه وگرمای آفتاب

۲۲- وزندگان ومردگان یکسان نیستند،خداونداست که هرکه را بخواهدشنوامیگرداند،وتوکسانی راکه درگورهاهستندرانمیتوانی شنوا گردانی.

۲۳- تو بجز هشداردهنده ای نیستی.

۲۴- ماتورا به حق بشارتگروهشداردهنده گسیل داشتیم،وهیچ امّتی نبوده مگراینکه درآن هشداردهنده ای گذشته است.

۲۵- واگرتوراتکذیب کنند،قطعاکسانی که پیش ازآنهابودندبه تکذیب پرداختند.پیامبرانشان دلایل آشکارونوشته هاوکتاب روشن برای آنان آوردند.

۲۶- آنگاه کسانی راکه کافرشده بودندفروگرفتیم،پس چگونه بود کیفرمن؟

۲۷- آیاندیده ای که خداوندازآسمان آبی فرودآوردوبه-وسیله-آن میوه هایی که رنگهای آنها گوناگون است بیرون آوردیم؟ وازبرخی کوهها،راههای سپیدوگلگون به رنگهای مختلف وسیاه

پررنگ-آفریدیم-.
۲۸- وازمردمان وجانوران ودامهاکه رنگهایشان همانگونه مختلف
است-پدیدآوردیم- ازبندگان خداوندتنها دانایان هستندکه ازاومیترسند،آری
خداوند،ارجمندآمرزنده است.
۲۹- درحقیقت کسانی که کتاب خداوندرامیخوانندونمازبرپامیدارندوازآنچه
بدیشان روزی داده ایم
نهان وآشکار انفاق میکنند،امیدبه تجارتی بسته اندکه هرگز زوال نمی پذیرد.
۳۰- تاپاداشسان راتمام بدیشان عطاکندوازفزون بخشی خوددرحق آنان
بیفزایدکه اوآمرزنده حق شناس است.
۳۱- وآنچه ازکتاب به سوی تووحی کرده ایم،خودحق-و-تصدیق
کننده-کتابهای-پیش ازآن است،قطعا خداوندنسبت به بندگانش آگاه بیناست.
۳۲- سپس این کتاب رابه آن بندگان خودکه-آنان را-برگزیده بودیم ،به میراث
دادیم،پس برخی ازآنان درکارهای نیک به
اذن خداوندپیشگامند،واین خود برتری بزرگ است.
۳۳- (در)بهشتهای همیشگی-که-به آنهادرخواهندآمد.درآنجابا
دستبندهایی از زر ومرواریدزیوریابندودرآنجا جامه شان
پرنیان خواهدبود.
۳۴- ومیگویند: " سپاس خدایی راکه اندوه راازما بزدود ،
به راستی پروردگارما آمرزنده حق شناس است.
۳۵- همان-خدایی-که مارابه فضل خویش درسرای ابدی جای
داد.دراینجارنجی به مانمیرسدودراینجادرماندگی به ما دست نمیدهد.

۳۶- و-لی-کسانی که کافرشده اند،آتش جهنم برای آنان خواهدبود.حکم به
مرگ برایشان-جاری-نمیشودتابمیرند،ونه عذاب
آن ازایشان کاسته شود.-آری-هرناسپاسی راچنین کیفرمیدهیم.
۳۷- وآنان درآنجافریادبرمی آورند: " پروردگارا،مارابیرون بیاور،
تاغیرازآنچه میکردیم ،کارنیک کنیم." مگرشمارا عمردراز ندادیم
که هرکس که بایددرآن عبرت گیرد،عبرت میگرفت،و-آیا-برای شما
هشداردهنده نیامد؟پس بچشیدکه برای ستمگران یاوری نیست.
۳۸- خدا-ست که-دانای نهان آسمانهاوزمین است واوست که به
رازدلهاداناست.
۳۹- اوست کسی که شمارادراین سرزمین جانشین گردانید.پس
هرکه کفرورزد کفرش به زیان اوست،وکافران راکفرشان جزدشمنی
نزدپروردگارشان نمی افزاید،وکافران راکفرشان غیراز
زیان نمی افزاید.
۴۰- بگو: " به من خبر دهیدازشریکان خودتان که به جای
خداوندمیخوانید،به من نشان دهیدکه چه چیزی اززمین را
آفریده اند؟یاآنان در-کار-آسمانهاهمکاری داشته اند؟یابه ایشان
کتابی داده ایم که دلیلی بر-حقانیت-خودازآن دارند؟" -نه-بلکه
ستمکاران جزفریب به یکدیگروعده نمی دهند.
۴۱- همانا خداوندآسمانهاوزمین رانگاه میداردتانیفتند،واگربیفتند
بعدازاوهیچ کس آنهارا نگاه نمی دارد،اوست بردبارآمرزنده.
۴۲- وباسوگندهای سخت خودبه خداوندسوگندیادکردندکه اگر

هرآینه هشداردهنده ای برای آنان بیاید،قطعاازهریک ازامتها راه یافته ترشوند،وچون هشداردهنده ای برای ایشان آمد،جز برنفرتشان نیفزود.

۴۳- (انگیزه)این کارشان فقط گردنکشی در-روی-زمین ونیرنگ زشت بود،ونیرنگ زشت جز-دامن-صاحبش رانگیردپس آیاجز سنّت پیشینیان راانتظارمیبرند؟وهرگزبرای سنّت خداونددگرگونی نخواهی یافت.

۴۴- آیادرزمین نگردیده اندتافرجام-کار-کسانی راکه پیش ازایشان -زیسته- ونیرومندترازایشان بودندبنگرند؟وهیچ چیز،نه درآسمانها ونه درزمین ،خداوندرا عاجزنکرده است،چراکه اوهمواره دانای تواناست.

یس

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

یا ،سین

۲- سوگندبه قرآن حکمت آموز

۳- که قطعا توازپیامبران هستی،

۴- برراهی راست،

۵- (وکتابت)ازجانب آن عزیز مهربان نازل شده است،

۶- تاقومی راکه پدرانشان بیم داده نشدندودرغفلت ماندند،

بیم دهی.

۷- آری،گفته-خداوند-درباره بیشترشان محقق گردیده است،درنتیجه

آنهانخواهندگروید.

۸- مادرگردنهای آنان ،تاچانه هایشان ،غُلهایی نهاده ایم،به طوری

که سرهایشان رابالا نگاه داشته ودیده فروهشته اند.

۹- و-ما-فراروی آنهاسدّی وپشت سرشان سدّی نهاده وپرده ای

بر-چشمان-آنان فروگسترده ایم،درنتیجه نمی توانندببینند.

۱۰- وآنان راچه بیم دهی-و-چه بیم ندهی،به حالشان تفاوت

نمی کند،نخواهندگروید.

۱۱- بیم دادن تو،تنهاکسی را-سودمند-است که کتاب حق راپیروی کندواز-خداوند-رحمان درنهان بترسد.-چنین کسی را-به آمرزش وپاداشی پرارزش بشارت ده.

۱۲- آری ،ماییم که مردگان رازنده میسازیم وآنچه رااز پیش فرستاده اند،با آثار-واعمال-شان درج می کنیم،وهرچیزی رادرکارنامه ای روشن برشمرده ایم.

۱۳- (داستان)مردم آن شهری راکه رسولان بدانجاآمدندبرای آنان مثل بزن:

۱۴- آنگاه که دوتن سوی آنان فرستادیم،و-لی-آن دورا دروغگو نامیدند،تابا-فرستاده-سومین -آنان را-تاییدکردیم،پس-رسولان-گفتند: " مابه سوی شما به پیامبری فرستاده شده ایم."

۱۵- (ناباوران آن دیار) گفتند:" شماجزبشری ماننددمانیستید،و -خداوند-رحمان چیزی نفرستاده،وشما جزدروغ نمی پردازید."

۱۶- گفتند: " پروردگارما میداندکه ما واقعا به سوی شما به پیامبری فرستاده شده ایم."

۱۷- وبرما-وظیفه ای-جزرساندن آشکارنیست.

۱۸- پاسخ دادند: " ما-حضور-شمارا به فال بد گرفته ایم،اگر دست برندارید،سنگسارتان می کنیم وقطعا عذاب دردناکی از مابه شما خواهدرسید."

۱۹- (رسولان)گفتند: " شومی شما باخودشماست،آیااگرشمارا پند دهند-بازکفرمی ورزید-؟ نه ،بلکه شما قومی اسراف کارهستید."

۲۰- و-دراین میان-مردی ازدورترین جای شهردوان دوان آمد،-و-

گفت: " ای مردم ،ازاین فرستادگان پیروی کنید.

۲۱- ازکسانی که پاداشی ازشمانمی خواهندوخود-نیز-برراه راست

قراردارند،پیروی کنید.

۲۲- آخرچراکسی رانپرستم که مراآفریده است و-همه-شمابه سوی

اوبازگشت می یابید؟

۲۳- آیابه جای اوخدایانی راپپرستم که اگر-خدای-رحمان بخواهد

به من گزندی برساند،نه شفاعتشان به حالم سودمیدهدونه

میتوانندمرابرهانند؟

۲۴- درآن صورت ،من قطعادرگمراهی آشکاری خواهم بود.

۲۵- من به پروردگارتان ایمان آوردم،-اقرار-مرابشنوید."

۲۶- (سرانجام به جرم ایمان کشته شد،وبدو)گفته شد: " به

بهشت درآی ." گفت: " ای کاش ،قوم من می دانستند،

۲۷- که پروردگارم چگونه مراآفریدودر زمره عزیزانم قرار داد."

۲۸- پس از-شهادت-وی هیچ سپاهی ازآسمان برقومش فرودنیاوردیم و-پیش

ازاین هم- فروفرستنده نبودیم.

۲۹- تنها یک نعره بودوبس، وبناگاه-همه-آنهاسردبرجای فسردند.

۳۰- دریغابراین بندگان ،هیچ فرستاده ای برآنان نیامدمگرآنکه

اوراریشخندمیکردند.

۳۱- مگرندیده ایدکه چه بسیارنسلهاراپیش ازآنان هلاک گردانیدیم که

دیگرآنهابه سویشان بازنمی گردند؟

۳۲- وقطعاهمه آنان درپیشگاه مااحضارخواهندشد.

۳۳- وزمین مرده،برهانی است برای ایشان ،که آن رازنده گردانیدیم ودانه ازآن برآوردیم که ازآن میخورند.

۳۴- ودرآن-زمین-باغهایی ازدرختان خرماوتاک قراردادیم و چشمه ها درآن روان کردیم.

۳۵- تاازمیوه آن و-از-کارکرددستهای خودشان بخورند،آیاباز -هم-سپاس نمی گزارند؟

۳۶- پاک-خدایی-که ازآنچه زمین میرویاندو-نیز-ازخودشان واز آنچه نمی دانند،همه رانروماده گردانیده است.

۳۷- ونشانه ای -دیگر-برای آنهاشب است که روزرا-مانندپوست- ازآن برمی کنیم وبناگاه آنان درتاریکی فرومیروند.

۳۸- وخورشیدبه-سوی-قرارگاه مخصوص خود درسریان است ،تقدیرآن عزیز دانا این است.

۳۹- وبرای ماه منزلهایی معین کرده ایم ،تاچون شاخک خشک خوشه خرمابازگردد.

۴۰- نه خورشیدراسزدکه به ماه رسد،ونه شب برروز پیشی جوید،وهرکدام درسپهری شناورند.

۴۱- ونشانه ای-دیگر-برای آنان اینکه :مانیاکانشان رادرکشتی انباشته سوارکردیم.

۴۲- ومانندآن برای ایشان مرکبها خلق کردیم.

۴۳- واگربخواهیم غرقشان میکنیم وهیچ فریادرسی نمی یابندوروی نجات

نمی بینند.

۴۴- مگررحمتی ازجانب ما-شامل آنهاگردد- وتاچندی -آنهارا-
برخوردارسازیم.

۴۵- وچون به ایشان گفته شود: " ازآنچه درپیش رو وپشت
سرداریدبترسید،امیدکه موردرحمت قرارگیرید." -نمی شنوند-

۴۶- وهیچ نشانه ای ازنشانه های پرورگارشان برآنان نیامد،
جزاینکه ازآن رویگردان شدند.

۴۷- وچون به آنان گفته شود: " ازآنچه خدابه شماروزی داده
انفاق کنید" کسانی که کافرشده اند،به آنان که ایمان آورده اند
میگویند: " آیاکسی رابخورانیم که اگرخدامیخواست-خودش-وی
رامیخودانید؟شماجزدرگمراهی آشکاری نیستید."

۴۸- ومیگویند: " اگرراست میگویید،پس این وعده-عذاب-چه زمانی
خواهدبود؟"

۴۹- جزیک فریاد-مرگبار-را انتظارنخواهندکشیدکه هنگامی که
سرگرم جدالندغافلگیرشان کند.

۵۰- آنگاه نه توانایی وصیتی دارندونه میتوانندبه سوی کسان خودبازگردند.

۵۱- ودرصوردمیده خواهدشد،پس بناگاه ازگورهای خودشتابان به سوی
پروردگارخویش می آیند.

۵۲- میگویند: " ای وای برما،چه کسی ماراازآرامگاه مان برانگیخت؟ این
است همان وعده خدای رحمان،وپیامبران راست
می گفتند."

۵۳- (بازهم)یک نعره است وبس ،وبناگاه همه درپیشگاه ماحاضرآیند.

۵۴- امروزبرکسی هیچ ستم نمیرود،جزدربرابرآنچه کرده اید پاداشی نخواهیدیافت.

۵۵- دراین روز،اهل بهشت کاروباری خوش درپیش دارند.

۵۶- آنهاباهمسرانشان درزیرسایه ها برتختها تکیه می زنند.

۵۷- درآنجابرای آنها-هرگونه-میوه هست وهرچه دلشان بخواهد.

۵۸- ازجانب پروردگار-ی-مهربان -به آنان-سلام گفته میشود.

۵۹- وای گناهکاران ،امروز-ازبی گناهان-جداشوید.

۶۰- ای فرزندان آدم ،مگرباشما عهدنکرده بودیم که شیطان رانپرستید،زیراوی دشمن آشکارشماست؟

۶۱- واینکه مرابپرستید ،این است راه راست.

۶۲- و-او-گروهی انبوه ازمیان شماراسخت گمراه کرد،آیا تعقل نمی کردید؟

۶۳- این است جهنمی که به شماوعده داده میشد!

۶۴- به-جرم-آنکه کفرمی ورزیدید،اکنون درآن درآیید.

۶۵- امروزبردهانهای آنان مُهرمی نهیم،ودستهایشان باماسخن میگویند،وپاهایشان بدانچه فراهم میساختند گواهی میدهند.

۶۶- واگربخواهیم هرآینه فروغ ازدیدگانشان میگیریم تادرراه -برهم پیشی جویند،ولی-راه راست را-ازکجا می توانند ببینند؟

۶۷- واگربخواهیم ،ایشان رادرجای خودمسخ میکنیم-به گونه ای- که نه بتوانندبروندونه برگردند.

۶۸- وهرکه راعمردرازدهیم،اورا-ازنظر-خلقت فروکاسته-وشکسته-گردانیم،آیانمی اندیشند؟

۶۹- و-ما-به اوشعرنیاموختیم ودرخور وی نیست ،این-سخن-جز اندرز وقرآنی روشن نیست.

۷۰- تاهرکه را-دلی-زنده است بیم دهد،وگفتار-خداوند-درباره کافران محقّق گردد.

۷۱- آیاندیده اندکه ما به قدرت خویش برای ایشان چهارپایانی آفریده ایم تاآنان مالک آنهاباشند؟

۷۲- وآنهارابرای ایشان رام گردانیدیم ،ازبرخی شان سواری میگیدند وازبعضی میخورند.

۷۳- وازآنهاسودهاونوشیدنیهادارند،پس چراشکرگزارنیستید؟

۷۴- وغیرازخدا-ی یگانه-خدایانی به پرستش گرفتند،تامگریاری شوند.

۷۵- -(ولی بتان)نمی توانندآنان رایاری کنندوآنان هستندکه برای -بتان-چون سپاهی احضارشده اند.

۷۶- پس، گفتارآنان تورا غمگین نگرداندکه ما آنچه راپنهان و آنچه راآشکارمی کنند،میدانیم.

۷۷- مگرآدمی ندانسته است که ما اورا ازنطفه ای آفریده ایم پس بناگاه وی ستیزه جویی آشکارشده است.

۷۸- وبرای ما مثلی آوردوآفرینش خودرافراموش کرد،گفت: " چه کسی این استخوانهاراکه چنین پوسیده است زندگی میبخشد؟"

۷۹- بگو: "همان کسی که نخستین بارآن راپدیدآوردواوست که
به هر-گونه-آفرینشی داناست."

۸۰- هم اوکه برایتان در درخت سبزرنگ آتش نهادکه ازآن-چون
نیازتان افتد-آتش می افروزید.

۸۱- آیاکسی که آسمانهاوزمین راآفریده توانا نیست که-باز-مانند
آنهارابیافریند؟آری ،اوست آفریننده دانا.

۸۲- چون به چیزی اراده فرماید،کارش همین بس که میگوید:
" باش" پس -بیدرنگ-موجودمیشود.

۸۳- پس-شکوهمندو-پاک است آن کسی که ملکوت هرچیزی دردست
اوست،وبه سوی اوست که بازگردانیده میشوید.

صافات (صف بستگان)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سوگندبه صف بستگان-که صفی،باشکوه، بسته اند.

۲- وبه بازدارندگان که-انسان را ازگناهان-به شدت بازمی دارند.

۳- وبه تلاوت کنندگان -آیات الهی-

۴- که بدون تردید معبودشما یگانه است.

۵- پروردگارآسمانهاوزمین وآنچه میان آن دواست وپروردگارمشرقها.

۶- ما آسمان این دنیارابه زیور ستارگان آراستیم.

۷- و-آن را-ازهرشیطان سرکشی نگاه داشتیم.

۸- (به طوری که)نمی توانندبه انبوه-فرشتگان-عالم بالا گوش فرادهند،وازهرسوی پرتاب میشوند.

۹- باشدّت به دوررانده میشوند،وبرایشان عذابی دایم است.

۱۰- مگرکسی که-ازسخن بالاییان-یکباره استراق سمع کند،که شهابی شکافنده ازپی اومیتازد.

۱۱- پس،-ازکافران- بپرس: آیاایشان-ازنظر-آفرینش سخت ترند یاکسانی که-درآسمانها-خلق کردیم؟ماآنان راازگِلی چسبنده خلق کردیم.

۱۲- بلکه عجب میداری و-آنها-ریشخندمی کنند.

۱۳- وچون پندداده شوندعبرت نمی گیرند.

۱۴- وچون آیتی ببینندبه ریشخندمی پردازند!

۱۵- ومیگویند: " این جزسحری آشکارنیست."

۱۶- " آیاچون مردیم وخاک واستخوانهای-خُرد-گردیدیم،آیا براستی برانگیخته میشویم؟

۱۷- وهمین طورپدران اولیه ما؟"

۱۸- بگو: " آری!درحالی که شما خوارید."

۱۹- وآن تنهایک فریاداست وبس،بناگاه آنان به تماشا خیزند

۲۰- ومیگویند: " ای وای برما،این است روز جزا"

۲۱- این است همان روز داوری که آن راتکذیب می کردید،

۲۲- کسانی راکه ستم کرده اند،باهم ردیفانشان وآنچه غیرازخدا می پرستیده اند.

۲۳- گِردآوریدوبه سوی راه جهنم رهبری شان کنید.

۲۴- وبازداشتشان نمایید که آنهامسئولند

۲۵- شماراچه شده است که همدیگررا یاری نمی کنید؟

۲۶- (نه)بلکه امروزآنان ازدرتسلیم درآمدگانند

۲۷- وبعضی روی به بعضی دیگرمی آورند-و-ازیکدیگرمیپرسند

۲۸- (و)میگویند: " شما-ظاهرا-ازدردوستی بامادرمی آمدید-وخود راحق به جانب مینمودید- "

۲۹- (متهمان)میگویند: " -نه-بلکه باایمان نبودید.

۳۰- ومارابرشماهیچ تسلطی نبود،بلکه خودتان سرکش بودید.

۳۱- پس فرمان پروردگارمان برماسزاوارآمد،ماواقعاباید-عذاب را- بچشیم،

۳۲- وشماراگمراه کردیم،زیراخودمان گمراه بودیم."

۳۳- پس،درحقیقت،آنان درآن روزدرعذاب شریک یکدیگرند،

۳۴- (آری)مابامجرمان چنین رفتارمی کنیم،

۳۵- چراکه آنان بودندکه وقتی به ایشان گفته میشد: " خدایی جزخدای یگانه نیست"تکبرمی ورزیدند،

۳۶- ومی گفتند: " آیامابرای شاعری دیوانه دست ازخدایانمان برداریم؟"

۳۷- ولی نه،-او-حقیقت را آورده وفرستادگان راتصدیق کرده است.

۳۸- درواقع،شماعذاب پردرد راخواهیدچشید

۳۹- وجزآنچه میکردیدجزانمی یابید

۴۰- مگربندگان خالص خداوند.

۴۱- آنان رزق معین خواهندداشت.

۴۲- (انواع)میوه ها ،وآنان مورداحترام خواهندبود.

۴۳- درباغهای پرنعمت

۴۴- برسریرهادربرابرهمدیگر-می نشینند-

۴۵- باجامی ازباده ناب پیرامونشان به گردش درمی آیند،

۴۶- (باده ای)سخت سپیدکه نوشندگان رالذتی-خاص-میدهد.

۴۷- نه درآن فسادعقل است ونه ایشان ازآن به بدمستی -وفرسودگی-می افتند.

۴۸- ونزدشان-دلبرانی-فروهشته نگاه وفراخ چشم باشند.

۴۹- (ازشدت سپیدی)گویی تخم شترمرغ-زیر پَرَ-ند،

۵۰- پس برخی شان به برخی روی نموده واز همدیگرپرس و جومی کنند.

۵۱- گوینده ای ازآنان میگوید: " راستی من-دردنیا-همنشینی داشتم،

۵۲- (که به من)میگفت: " آیاواقعاتواز ایمان آورندگانی؟

۵۳- آیاوقتی مُردیم وخاک واستخوان شدیم،آیاواقعاجزامی یابیم؟

۵۴- (مومن)میپرسد:" آیاشمااطلاع دارید-کجاست-؟"

۵۵- پس اطلاع حاصل می کند،واورا درمیان آتش میبیند

۵۶- (و)میگوید: " به خداسوگند،چیزی نمانده بودکه تومرابه هلاک اندازی.

۵۷- واگررحمت پروردگارم نبود،هرآینه من-نیز-ازاحضارشدگان بودم."

۵۸- (وازروی شوق میگوید:)" آیادیگرروی مرگ نمی بینم،

۵۹- جز همان مرگ نخستین خود؟وماهرگزعذاب نخواهیم شد؟

۶۰- براستی که این همان کامیابی بزرگ است."

۶۱- برای چنین -پاداشی-بایدکوشندگان بکوشند.

۶۲- آیاازنظرپذیرایی این بهتراست یادرخت زقوم.

۶۳- درحقیقت،ما آن رابرای ستمگران(مایه آزمایش و) عذابی گردانیدیم.

۶۴- آن،درختی است که ازقعرآتش سوزان میروید.

۶۵- میوه اش گویی چون سرهای شیاطین است.

۶۶- پس-دوزخیان-حتماازآن میخورندوشکمهارا ازآن پرمیکنند.

۶۷- سپس برای آنان آمیزه ای ازآب جوش است که به دنبال
آن نوشند.
۶۸- آنگاه بازگشتشان بی گمان به سوی دوزخ است.
۶۹- آنهاپدران خودراگمراه یافتند.
۷۰- پس ایشان به دنبال آنهامی شتابند.
۷۱- وقطعا پیش ازآنهابیشترپیشینیان به گمراهی افتادند.
۷۲- وحال آنکه مسلما درمیانشان هشداردهندگانی فرستادیم.
۷۳- پس ببین فرجام هشدارداده شدگان چگونه بود.
۷۴- به استثنای بندگان خالص خدا.
۷۵- ونوح،ماراندادداد،وچه نیک اجابت کننده بودیم
۷۶- واو وکسانش را ازاندوه بزرگ رهانیدیم.
۷۷- و-تنها-نسل اورا باقی گذاشتیم
۷۸- ودرمیان آیندگان-آوازه نیک-اورا برجای گذاشتیم.
۷۹- درودبرنوح درمیان جهانیان.
۸۰- ما اینگونه نیکوکاران راپاداش میدهیم.
۸۱- به راستی اوازبندگان مومن مابود.
۸۲- سپس دیگران راغرق کردیم.
۸۳- وبی گمان،ابراهیم ازپیروان اوست.
۸۴- آنگاه که بادلی پاک به -پیشگاه-پروردگارش آمد.
۸۵- چون به پدر-خوانده-وقوم خودگفت: " چه می پرستید؟
۸۶- آیاغیرازآنها،به دروغ،خدایانی-دیگر-میخواهید؟

۸۷- پس گمانتان به پرودگارجهانها چیست؟"

۸۸- پس نظری به ستارگان افکند،

۸۹- وگفت: " من کسالت دارم"

۹۰- پس پشت کنان از اوروی برتافتند،

۹۱- تانهانی به سوی خدایانشان رفت و-به ریشخند-گفت: "آیا غذانمی خورید؟

۹۲- شماراچه شده که سخن نمی گویید؟"

۹۳- پس بادست راست،برسرآنهازدن گرفت!

۹۴- تادوان دوان بسوی او روکردند.

۹۵- (ابراهیم)گفت: " آیاآنچه رامیتراشید،میپرستید؟

۹۶- بااینکه خداوندشماوآنچه راکه برمیسازیدآفریده است"

۹۷- گفتند: " برایش-کوره-خانه ای بسازیدودرآتشش بیندازید."

۹۸- نمرودیان قصدمکروستمش کردندماهم آنان راخواررونابود ساختیم-وآتش رابراوگلستان نمودیم.-

۹۹- و-ابراهیم-گفت: " من به سوی پروردگارم رهسپارم ، البته بزودی مراهدایت خواهدفرمود.

۱۰۰- " ای پروردگارمن،مرا-فرزندی-ازصالحان بخش."

۱۰۱- پس اورابه پسری بردباربشارت دادیم.

۱۰۲- ووقتی باآوبه جایگاه"سعی" رسید،گفت: " ای پسرکم،من درخواب-چنین-می بینم که تورا سرمی برم،پس ببین چه به نظرت می آید؟" گفت: " ای پدرم،آنچه رامأموری انجام بده

ان شاء الله مرا ازشکیبایان خواهی یافت."

۱۰۳- پس وقتی هردوتن تسلیم امرحق گشتند واو را-برای کشتن- به روی درافکند.

۱۰۴- اورا ندا دادیم که ای ابراهیم!

۱۰۵- رویا-ی خود-راحقیقت بخشیدی،مانیکوکاران راچنین پاداش میدهیم.

۱۰۶- راستی که این همان آزمایش آشکاربود.

۱۰۷- واو را درازای قربانی بزرگ بازرهانیدیم.

۱۰۸- ودر-میان-آیندگان برای او-آوازه نیک-به جای گذاشتیم.

۱۰۹- درود برابراهیم!

۱۱۰- نیکوکاران راچنین پاداش میدهیم.

۱۱۱- درحقیقت ،اوازبندگان با ایمان مابود.

۱۱۲- واورا به اسحاق که پیامبری-ازجمله-شایستگان است بشارت دادیم.

۱۱۳- وبه او وبه اسحاق برکت دادیم ،وازنسل آن دوبرخی نیکوکارو-برخی-آشکارا به خودستمکاربودند.

۱۱۴- ودرحقیقت،برموسی وهارون منّت نهادیم.

۱۱۵- وآن دو وقومشان را ازاندوه بزرگ رهانیدیم.

۱۱۶- وآنان رایاری دادیم تاایشان غالب آمدند.

۱۱۷- وآن دوراکتاب روشن دادیم.

۱۱۸- وهردورابه راه راست هدایت کردیم.

۱۱۹- وبرای آن دودر-میان-آیندگان-نام نیک-به جای گذاشتیم.

۱۲۰- درود برموسی و هارون،

۱۲۱- مانیکوکاران راچنین پاداش میدهیم.

۱۲۲- زیرا ان دوازبندگان باایمان مابودند.

۱۲۳- وبه راستی الیاس ازفرستادگان-ما-بود.

۱۲۴- چون به قوم خودگفت: " آیاپروا نمی دارید؟

۱۲۵- آیا" بعل" رامی پرستیدوبهترین آفرینندگان راوامیگذارید؟

۱۲۶- (یعنی:) خداوندراکه پروردگارشماوپروردگارپدران پیشین شماست؟

۱۲۷- پس اورا دروغگوشماردند،وقطعا آنها-درآتش-احضارخواهند شد.

۱۲۸- مگربندگان مخلص خداوند.

۱۲۹- وبرای اودر-میان-آیندگان-آوازه نیک-به جای گذاشتیم.

۱۳۰- درود برآل یاسین.

۱۳۱- مانیکوکاران رااین چنین پاداش میدهیم.

۱۳۲- زیرا اوازبندگان باایمان مابود.

۱۳۳- ودرحقیقت ،لوط اززمره فرستادگان بود.

۱۳۴- آنگاه که اوو همه کسانش رارهانیدیم،

۱۳۵- جزپیرزنی که درمیان باقی ماندگان-وخاکسترشدگان-بود.

۱۳۶- سپس دیگران راهلاک کردیم.

۱۳۷- ودرحقیقت،شمابرآنان صبحگاهان

۱۳۸- وشامگاهان می گذرید،آیا فکرنمی کنید؟

۱۳۹- ودرحقیقت،یونس اززمره فرستادگان بود.

۱۴۰- آنگاه که به سوی کشتی پُر ،بگریخت،

۱۴۱- پس-سرنشینان- باهم قرعه انداختندو-یونس-ازباختگان شد.

۱۴۲- (اورابه دریا افکندند)وماهی دریا اورابه کام فروبردواو درخورملامت بود.

۱۴۳- واگراواززمره تسبیح کنندگان نبود،

۱۴۴- قطعا تاروزی که برانگیخته میشوند،درشکم آن-ماهی- میماند.

۱۴۵- پس اورادرحالی که ناخوش بودبه زمین خشکی افکندیم،

۱۴۶- وبربالای-سر-اودرختی از-نوع-کدو رویانیدیم.

۱۴۷- واورا به سوی یکصدهزار یا افزون -به رسالت-فرستادیم.

۱۴۸- پس ایمان آوردندوتاچندی برخوردارشان کردیم.

۱۴۹- پس، ازمشرکان جویاشو: آیاپروردگارت رادختران وآنان راپسران است؟

۱۵۰- یاآنکه چون مافرشتگان راخلق میکردیم آنجاحاضربودند ودیدندکه آنهارا مونث آفریدیم؟

۱۵۱- هشدار که اینان ازدروغ پردازی خودقطعا خواهندگفت:

۱۵۲- " خدافرزندآورده" درحالی که آنهاقطعا دروغگویانند.

۱۵۳- آیا-خداوند-دختران رابرپسران برگزیده است؟

۱۵۴- شمارا چه شده؟ چگونه حکم می کنید؟

۱۵۵- آیاسَرِ پندگرفتن ندارید؟

۱۵۶- یادلیلی آشکار-دردست-دارید؟

۱۵۷- پس اگرراست میگویید کتابتان رابیاورید.

۱۵۸- ومیان خداوند وجن هاپیوندی انگاشتندوحال آنکه جنیان نیک دانسته اندکه-برای حساب پس دادن-خودشان احضارخواهند شد.

۱۵۹- خداوندمنزّه است ازآنچه دروصف می آورند.

۱۶۰- به استثنای بندگان مخلص خداوند.

۱۶۱- درحقیقت،شماوآنچه -که شماآن را-می پرستید،

۱۶۲- برضدّاوگمراه کننده نیستید.

۱۶۳- مگرکسی راکه به دوزخ رفتنی است.

۱۶۴- وهیچ یک ازما-فرشتگان-نیست مگر-اینکه-برای او-مقام و-مرتبه ای معیّن است.

۱۶۵-ودرحقیقت،ماییم که-برای انجام فرمان خداوند-صف بسته ایم.

۱۶۶- وماییم که خودتسبیح گویانیم.

۱۶۷- و-مشرکان-به تاکیدمی گفتند:

۱۶۸- " اگرپند-نامه-ای ازپیشینیان نزدمابود،

۱۶۹- قطعا ازبندگان خالص خداوندمیشدیم.

۱۷۰- ولی-وقتی قرآن آمد-به آن کافرشدند، وزوداست که بدانند.

۱۷۱- وقطعا فرمان مادرباره بندگان فرستاده ماازپیش-چنین-رفته است.

۱۷۲- که آنان-بردشمنان خودشان-حتماپیروزخواهندشد.

۱۷۳- وبدون تردیدسپاه ما همواره غالبند.

۱۷۴- پس تامدتی-معین-ازآنان روی برتاب.

۱۷۵- وآنان رابنگرکه خواهنددید.

۱۷۶- آیاعذاب مارا شتابزده خواستارند؟

۱۷۷- (پس هشداردهندگان را) آنگاه که عذاب به خانه آنان فرود

آیدچه بدصبحگاهی است.

۱۷۸- وازایشان تامدتی -معین-روی برتاب.

۱۷۹- وبنگرکه خواهنددید.

۱۸۰- منزّه است پروردگارتو،پروردگارشکوهمند،ازآنچه وصف میکنند.

۱۸۱- ودرود برفرستادگان!

۱۸۲- وستایش ازآن خداوند،پروردگارجهانهاست.

ص

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

صاد ، سوگندبه قرآن پراندرز!

۲- آری آنان که کفرورزیدند درسرکشی وستیزه اند.

۳- چه بسیارنسلهاکه پیش ازایشان هلاک کردیم که-مارا-به

فریادخواندند،و-لی-دیگرمجال گریزنبود.

۴- وازاینکه هشداردهنده ای ازخودشان برایشان آمده درشگفتند

،وکافران میگویند:" این ساحری شیّاداست،

۵- آیاخدایان-متعدد-راخدای واحدی قرارداده؟این واقعاچیزعجیبی است."

۶- وبزرگانشان روان شدند-وگفتند: - "برویدوبرخدایان خود ایستادگی کنیدکه این امرقطعا هدف -ما-ست.

۷- (ازطرفی)این-مطلب-رادرآیین اخیر-عیسوی هم- نشنیده ایم این-ادعا-جزدروغ بافی نیست.

۸- آیاازمیان ماقرآن براونازل شده است؟" -نه-بلکه آنان درباره قرآنِ من درشک هستند.-نه-بلکه هنوزعذاب -مرا-نچشیده اند.

۹- آیاگنجینه های رحمت پروردگارارجمندبسیاربخشنده تونزد ایشان است؟

۱۰- آیافرمانروایی آسمانهاوزمین وآنچه میان آن دواست ازآنِ ایشان است؟-اگرچنین است-پس -باچنگ زدن-درآن اسباب به بالا روند.

۱۱- این سپاهک دسته های دشمن درآنجا-بَدر-درهم شکستنی اند

۱۲- پیش ازایشان قوم نوح وعادوفرعونِ صاحب خرگاهها تکذیب کردند.

۱۳- وثمود وقوم لوط واصحاب ایکه-نیزبه تکذیب پرداختند-آنها دسته های مخالف بودند.

۱۴- هیچ کدام نبودندکه پیامبران-ما-راتکذیب نکنند،پس عقوبت -من برآنان-سزاوارآمد.

۱۵- واینان جزیک نعره را انتظارنمی برندکه هیچ-مجال-

سرخاراندنی درآن نیست.

۱۶- وگفتند: " پروردگارا،پیش از-رسیدن-روزحساب،بهره مارا

-ازعذاب-به شتاب به ما بده."

۱۷- برآنچه میگویندصبرکن،وداوود ،بنده ماکه دارای امکانات

-متعدد-بود را به یادآور،آری اوبسیارتوبه کننده بود.

۱۸- ماکوههارابااومسخّرساختیم-که-شامگاهان وبامدادان خداوند

رانیایش میکردند.

۱۹- وپرندگان راازهرسو-براو-گرد-آوردیم-همگی-به نوای دلنوازش-

به سوی اوبازگشت کننده بودند.

۲۰- وپادشاهیش رااستوارکردیم واوراحکمت وکلام فیصله دهنده

عطاکردیم.

۲۱- وآیاخبردادخواهان-چون ازنمازخانه-او-بالارفتند-به تورسید؟

۲۲- وقتی-به طورناگهانی-برداوود درآمدند،واوازآنان به هراس

افتاد،گفتند: " نترس-ما-دومدّعی-هستیم-که یکی ازمابردیگری

تجاوزکرده،پس میان مابه حق داوری کن،وازحق دورمشو،وما

رابه راه راست راهبرباش."

۲۳- " این -شخص-برادرمن است.اورا نود ونه میش ومرا یک

میش است،ومیگوید: آن رابه من بسپار،ودرسخنوری برمن

غالب آمده است."

۲۴- (داوود)گفت: " قطعااودرمطالبه میش تو-اصافه-برمیش های

خودش ،برتوستم کرده،ودرحقیقت بسیاری ازشریکان به همدیگر

ستم روامی دارند،به استثنای کسانی که ایمان آورده وکارهای
نیک کرده اند،واینهابسیار اندک هستند،وداوود دانست که ما اوراآزمایش
کرده ایم.پس ازپروردگارش آمرزش خواست وبه
رو درافتاد وتوبه کرد.
((سجده واجب))
۲۵- وبراواین رابخشودیم،ودرحقیقت برای اونزدما تقرّب وفرجامی خوش
خواهدبود.
۲۶- ای داوود،ماتورادرزمین خلیفه- وجانشین-گردانیدیم،پس
میان مردم به حق داوری کن،وزنهارازهوس پیروی مکن که
تورازراه خداوندبه درکند.درحقیقت کسانی که ازراه خداوند
به درمی روند،به-سزای-آنکه روزحساب رافراموش کرده اند
عذابی سخت خواهندداشت.
۲۷- وآسمان وزمین وآنچه راکه میان این دواست به باطل
نیافریدیم.این گمان کسانی است که کافرشده-وحق پوشی کرده-
اند،پس وای ازآتش برکسانی که کافرشده اند.
۲۸- یا-مگر-کسانی راکه گرویده وکارهای شایسته کرده اند،چون
مفسدان درزمین میگردانیم،یاپرهیزکاران راچون پلیدکاران قرار
میدهیم؟
۲۹- (این)کتابی مبارک است که آن رابه سوی تونازل کرده ایم
تادر-باره-آیات آن بیندیشند،وخردمندان پندگیرند.
۳۰- وسلیمان رابه داوودبخشیدیم.چه نیکوبنده ای ،به راستی

اوتوبه کاربود.

۳۱- هنگامی که-طرف-غروب ،اسبهای اصیل رابراوعرضه کردند،

۳۲- (سلیمان)گفت: " واقعامن دوستی اسبان رابریادپروردگارم ترجیح دادم تا-هنگام نمازگذشت وخورشید-درپس حجاب ظلمت شد."

۳۳- (گفت : " اسبها)رانزدمن بازآورید." پس شروع کردبه دست کشیدن برساقها وگردن آنها-وسرانجام وقف کردن آنها درراه خدا-.

۳۴- وقطعاسلیمان را آزمودیم وبرتخت اوجسدی بیفکندیم،پس به توبه بازآمد.

۳۵- گفت: " پروردگارا،مرابیخش ومُلکب به من ارزانی دارکه هیچ کس راپس ازمن سزاوارنباشد،درحقیقت،تویی که خودبسیاربخشنده ای."

۳۶- پس بادرادراختیاراوقراردادیم که هرجاتصمیم میگرفت،به فرمان اونرم، روان میشد.

۳۷- وشیطانهارا -از-بنّا وغوّاص،

۳۸- تا-وحشیان-دیگرراکه جفت جفت بازنجیرهابه هم بسته بودند-تحت فرمانش درآوردیم-.

۳۹- (گفتیم:) " این بخشش ماست،-آن را-بیشماربیخش یا نگه دار."

۴۰- وقطعابرای اودرپیشگاه ماتقرّب وفرجام نیکوست.

۴۱- وبنده ما ایوب رابه یادآور،آنگاه که پروردگارش راندا دادکه : " شیطان مرابه رنج وعذاب مبتلا کرد."

۴۲- (به اوگفتیم:)" باپای خود-به زمین-بکوب،اینک این چشمه ساری است سردوآشامیدنی."

۴۳- و-مجددا-کسانش راونظایرآنهاراهمراه آنهابه اوبخشیدیم،تارحمتی ازجانب ماوعبرتی برای خردمندان باشد.

۴۴- (وبه اوگفتیم:) " یک بسته ترکه به دستت برگیرو-همسرت را-با آن بزن وسوگندمشکن." ماوراشکیبا یافتیم ،چه نیکوبنده ای،به راستی اوتوبه کاربود.

۴۵- وبندگان ما ابراهیم واسحاق ویعقوب راکه نیرومندودیده وربودند به یادآور.

۴۶- ماآنان را باموهبت خاصّی-که یادآوری آن سرای بود-خالص گردانیدیم.

۴۷- وآنان درپیشگاه ماجدّا ازبرگزیدگان نیکانند.

۴۸- واسماعیل ویسع وذوالکفل رابه یادآور-که-همه ازنیکانند.

۴۹- این ذکر ویادآوریست، وقطعا برای پرهیزکاران فرجامی نیک است.

۵۰- باغهای همیشگی درحالی که درهای-آنها-برایشان گشوده است.

۵۱- درآنجاتکیه میزنند-و-میوه های فراوان ونوشیدنی درآنجا طلب می کنند.

۵۲- ونزدشان-دلبران-فروهشته نگاه همسال است.

۵۳- این است آنچه برای روزحساب به شماوعده داده میشد.

۵۴- (میگویند:)" درحقیقت،این روزی ماست وآن راپایانی نیست."

۵۵- این است-حال بهشتیان-و-اما-برای طغیانگران واقعابد
فرجامی است.
۵۶- به جهنم درمی آیند،وچه بدآرامگاهی است.
۵۷- این جوش آب وچرک آب است،باید آن رابچشند.
۵۸- وازهمین گونه ،انواع دیگر-عذابها-
۵۹- اینهاگروهی هستندکه باشمابه اجبار-درآتش-درمی آیند.
بدا به حال آنها،زیرا آنان داخل آتش میشوند.
۶۰- (به روسای خود)میگویند: " بلکه برخودشماخوش مباد!این
-عذاب- راشماخودبرای ما ازپیش فراهم آوردید،وچه بدقرارگاهی است."
۶۱- میگویند: " پروردگارا،هرکس این-عذاب-راازپیش برای مافراهم
آورده ،عذاب اورا درآتش دوچندان کن."
۶۲- ومی گویند: " ماراچه شده است که مردانی راکه ما آنان
راازـزمره-اشرارمیشمردیم نمی بینیم؟
۶۳- آیا آنان را-دردنیا-به ریشخندمی گرفتیم یاچشمها-ی ما-برآنها
نمی افتد؟"
۶۴- این مجادله اهل آتش قطعا راست است.
۶۵- بگو: "من فقط هشداردهنده ای هستم وجزخدای یگانه قهار
معبودی دیگرنیست.
۶۶- پروردگارآسمانهاوزمین وآنچه میان آن دواست،همان شکست
ناپذیرآمرزنده.
۶۷- بگو: " این خبری عظیم است.

۶۸- (که) شماازآن روی برمیتابید.

۶۹- مرادرباره ملاء اعلی هیچ دانشی نبودآنگاه که مجادله میکردند.

۷۰- به من هیچ-چیز-وحی نمیشود،جزاینکه من هشداردهنده ای آشکارم.

۷۱- آنگاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: " من بشری را از گِل خواهم آفرید.

۷۲- پس چون اورا-کاملا-درست کردم وازروح خویش درآن دمیدم،سجده کنان برای او-به خاک-بیفتید."

۷۳- پس همه فرشتگان یکسره سجده کردند.

۷۴- مگرابلیس-که-تکبرنمودوازکافران شد.

۷۵- فرمود: " ای ابلیس ،چه چیزتورامانع شدکه برای چیزی که به دستان قدرت خویش خلق کردم سجده آوری؟آیاتکبرنمودی یا ازبرتری جویانی؟"

۷۶- گفت: " من ازاوبهترم،مرا ازآتش آفریدی واورا ازگِل آفریده ای."

۷۷- فرمود: " پس ازآن-مقام- بیرون شو،که تورانده ای.

۷۸- وتاروز جزا لعنت من برتوباد."

۷۹- گفت: " پروردگارا،پس مراتاروزی که برانگیخته میشوند مهلت ده."

۸۰- فرمود: " درحقیقت ،توازمهلت یافتگانی،

۸۱- تاروز معین معلوم."

۸۲- (شیطان)گفت: " پس به عزّت توسوگندکه همگی را جدّا

ازراه به درمیبرم.

۸۳- مگرآن بندگان پاکدل تورا."

۸۴- فرمود: " حق-ازمن-است وحق رامیگویم.

۸۵- هرآینه جهنم راازتووازهرکس که ازآنان که توراپیروی

کند،ازهمگی شان ،خواهیم انباشت."

۸۶- بگو: " مزدی براین-رسالت-ازشماطلب نمی کنم ومن ازکسانی

نیستم که چیزی ازخودبسازم وبه خداوندنسبت دهم.

۸۷- این-قرآن-جزپندی برای جهانیان نیست.

۸۸- وقطعا پس ازچندی خبرآن راخواهید آموخت."

زمر (گروه ها)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

نازل شدن-این کتاب-ازجانب خدای شکست ناپذیرسنجیده کاراست.

۲- ما-این-کتاب رابه حق به سوی توفرودآوردیم،پس خداوند را-درحالی که دین-خود-رابرای اوخالص کننده ای-عبادت کن.

۳- اگاه باشید،آئین پاک ازآن خداست، وکسانی که به جای او دوستانی برای خودگرفته اند-به این بهانه-که ما آنهاراجزبرای اینکه ماراهرچه بیشتربه خداوندنزدیک گردانند،نمی پرستیم، البته خداوندمیان آنان درباره آنچه که برسرآن اختلاف دارند داوری خواهدکرد.درحقیقت ،خداوندآن کسی که دروغ پرداز ناسپاس است را هدایت نمی کند.

۴- اگرخدامیخواست،برای خودفرزندی بگیرد،قطعااز-میان-آنچه

خلق میکند،آنچه رامیخواست برمی گزید.منزّه است او.
اوست خداوند یگانه قهار.

۵- آسمانهاوزمین رابه حق آفرید.شب رابه روزدرمی پیچد،
وروزرابه شب درمی پیچدوآفتاب وماه راتسخیرکرد.هرکدام
تامدتی معین روان هستند،آگاه باش که او همان شکست ناپذیر
آمرزنده است.
۶- شماراازنفسی واحدآفرید،سپس جفتش را ازآن قرارداد.
وبرای شماازدامهاهشت قسم پدیدآورد.شمارادرشکمهای مادرانتان
آفرینشی پس ازآفرینشی درتاریکیهای سه گانه خلق کرد.این
است خداوند،پروردگارشما،فرمانروایی ازآن اوست،خدایی جزاونیست،پس
چگونه برگردانیده میشوید؟
۷- اگرکفرورزید،خداوند ازشما سخت بی نیازاست وبرای بندگانش کفران را
خوش نمی دارد،واگرسپاس داریدآن رابرای
شمامی پسندد،وهیچ بردارنده ای بار-گناه-دیگری رابرنمی دارد،
آنگاه بازگشت شمابه سوی پروردگارتان است،وشمارابه آنچه
انجام میدادیدخبرخواهدداد،که اوبه رازدلهاداناست.
۸- وچون به انسان آسیبی رسد،پروردگارش را-درحالی که به سوی
اوبازگشت کننده است-میخواند،سپس چون اوراازجانب
خودنعمتی عطاکند،آن-مصیبتی- راکه دررفع آن پیشتربه درگاه
اودعامیکرد،فراموش مینمایدوبرای خداوندهمتایانی قرارمیدهد

تا-خودودیگران را-ازراه اوگمراه گرداند.بگو: " به کفرت اندکی برخوردارشوکه توازاهل آتشی."

۹- (آیاچنین کسی بهتراست) یاآن کسی که اودرطول شب در سجده وقیام اطاعت-خداوند-میکند-و-ازآخرت میترسدورحمت پروردگارش را امید دارد؟بگو: " آیاکسانی که میدانندوکسانی که نمی دانند یکسانند؟" تنهاخردمنداننددکه پندپذیرند.

۱۰- بگو: " ای بندگان من که ایمان آورده اید،ازپروردگارتان پروابدارید.برای کسانی که دراین دنیاخوبی کرده اند،نیکی خواهدبود،وزمین خداوندفراخ است.بی تردیدشکیبایان پاداش خودرابی حساب-و-به تمام خواهندیافت."

۱۱- بگو: "من مامورم که خداوندرا-درحالی که دینم رابرای او خالص گردانیده ام-بپرستم.

۱۲- ومامورم که نخستین مسلمانان باشم."

۱۳- بگو: " من اگربه پروردگارم عصیان ورزم،ازعذاب روزی هولناک میترسم."

۱۴- بگو: " خداوندرامیپرستم درحالی که دینم رابرای اوخالص میگردانم.

۱۵- پس هرچه راغیرازاومیخواهید،بپرستید" -ولی به آنان-بگو: " زیانکاران درحقیقت کسانی هستندکه به خودوکسانشان درروز قیامت زیان رسانده اند،آری ،این همان خسران آشکاراست."

۱۶- آنهاازبالای سرشان چترهایی ازآتش خواهندداشت وازریر
پایشان-نیز-طبق هایی-آتشین است-این-کیفری-است که خداوندبندگانش رابه
آن بیم میدهد.ای بندگان من ،ازمن بترسید.

۱۷- و-لی-آنان که خودرا ازطاغوت به دورمیدارندتامباداورا
بپرستندوبه سوی خداوندبازگشته اندآنان رابشارت باد،پس
بشارت ده به آن بندگان من که:

۱۸- به سخن گوش فرامیدهندوبهترین آن راپیروی میکنند،،
اینان هستندکه خدایشان راه نموده واینان هستندهمان
خردمندان.

۱۹- پس آیاکسی که فرمان عذاب براوواجب آمده-کجا روی رهایی
دارد-؟آیاتوکسی راکه درآتش است میرهانی؟

۲۰- لیکن کسانی که ازپروردگارشان پرواداشتند،برای ایشان
غرفه هایی است که بالای آنهاغرفه هایی-دیگر-بناشده است،
نهرها اززیرآن روان است.وعده خداونداست،خداوندخلاف وعده
نمی کند.

۲۱- مگرندیده ای که خداونداز‌آسمان آبی فرودآوردپس آن را
به چشمه هایی که در-طبقات زیرین-زمین است راه داد،آنگاه
به وسیله آن کشتزاری راکه رنگهای آن گوناگون است بیرون
می آورد،سپس خشک می گردد.آنگاه آن رازرد میبینی،سپس
خاشاکش میگرداند.قطعا دراین-دگرگونیها-برای صاحبان خرد
عبرتی است.

۲۲- پس آیاکسی که خداوندسینه اش رابرای-پذیرش-اسلام گشاده،
و-درنتیجه-برخوردارازنوری ازجانب پروردگارش میباشد
-همانندفردتاریکدل است-؟پس وای برآنان که ازسخت دلی یادخداوندنمی
کنند،ایناننددکه درگمراهی آشکارند.
۲۳- خداوندزیباترین سخن را-به صورت-کتابی متشابه متضمّن
وعد ووعید ،نازل کرده است.آنان که ازپروردگارشان
می هراسند،پوست بدنشان ازآن به لرزه می افتد،سپس پوستشان ودلشان به
یادخداوندنرم میگردد.این است هدایت خداوند،هرکه
رابخواهد،به آن راه نماید،وهرکه راخداوندگمراه کنداورا راهبری
نیست.
۲۴- پس آیاآن کس که -به جای دستها-باچهره خود،گزندعذاب
راروزقیامت دفع میکند-مانندکسی است که ازعذاب ایمن است-؟
وبه ستمگران گفته میشود: " آنچه راکه دستاوردتان بوده است
بچشید."
۲۵- کسانی-هم-که پیش ازآنان بودندبه تکذیب پرداختند،وازآنجا
که حدس نمی زدندعذاب برایشان آمد.
۲۶- پس خداونددرزندگی دنیا رسوایی رابه آنان چشانید،واگر
میدانستند،قطعا عذاب آخرت بزرگتراست.
۲۷- ودراین قرآن ازهرگونه مثلی برای مردم آوردیم،باشدکه آنان
پندگیرند.
۲۸- قرآنی عربی ،بی هیچ کجی،باشدکه آنان راه تقواپویند.

۲۹- خداوندمثلی زده است،مردی است که چندخواجه ناسازگار
در-مالکیت-اوشرکت دارند-وهریک اورابه کاری می گمارند-ومردی
است که تنهافرمانبریک مرداست.آیااین دومثل یکسانند؟سپاس
خداوندرا.-نه-بلکه بیشترشان نمی دانند.
۳۰- قطعاتوخواهی مُرد،وآنان-نیز-خواهندمُرد.
۳۱- سپس شماروزقیامت پیش پروردگارتان مجادله خواهیدکرد.
۳۲-پس کیست ستمکارترازآن کس که برخداونددروغ بست،و
-سخن-راست راچون به سوی اوآمد،دروغ پنداشت؟آیاجای کافران درجهنم
نیست؟
۳۳- وآن کس که راستی آوردوآن راباورنمود،آنان هستندکه
خودپرهیزکارند.
۳۴- برای آنان هرچه بخواهندپیش پروردگارشان خواهدبود.
این است پاداش نیکوکاران.
۳۵- تاخداوندبدترین عملی راکه انجام داده اند،ازایشان بزداید
وآنان رابه بهترین کاری که می کرده اند،پاداش دهد.
۳۶- آیاخداوندکفایت کننده بنده اش نیست؟و-کافران-توراازآنها
که غیراوهستندمی ترسانندوهرکه راخداوندگمراه گرداندبرایش
راهبری نیست.
۳۷- وهرکه راخداوندهدایت کندگمراه کننده ای ندارد،مگرخداوند
نیست که نیرومندوکیفرخواه است؟
۳۸- واگرازآنهابپرسی: " چه کسی آسمانهاوزمین راخلق کرده؟"

قطعا خواهندگفت: "خداوند" بگو: " (هان)چه تصوّرمیکنید،اگر خداوندبخواهدصدمه ای به من برساند،آیاآنچه رابه جای خدا میخوانیدمیتوانندصدمه اورابرطرف کنند،یااگراورحمتی برای من اراده کندآیاآنهامیتوانندرحمتش رابازدارند؟" بگو:" خداوندمرا بس است ،اهل توکل تنهابراوتوکّل می کنند."

۳۹- بگو: " ای قوم من شمابرحسب امکانات خودعمل کنید،من -نیز-عمل میکنم،پس به زودی خواهیددانست.

۴۰- (که)چه کسی راعذابی که رسوایش کندخواهدآمدوعذابی پایداربراونازل میشود."

۴۱- مااین کتاب رابرای-رهبری-مردم به حق برتوفروفرستادیم، پس هرکس هدایت شود،به سودخوداوست،وهرکس بیراهه رود، تنهابه زیان خودش گمراه میشودوتوبرآنهاوکیل نیستی.

۴۲- خداوندروح مردم راهنگام مرگشان به تمامی بازمی ستاند، و-نیز-روحی راکه در-موقع-خوابش نمرده است-قبض میکند-پس آن -نفسی-راکه مرگ رابراوواجب کرده نگاه میدارد،وآن دیگر -نفسها-راتاهنگامی معین-به سوی زندگی دنیا-بازپس میفرستد قطعا دراین-امر-برای مردمی که می اندیشندنشانه هایی-ازقدرت خداوند-است.

۴۳- آیاغیرازخداوندشفاعتگرانی برای خودگرفته اند؟بگو: " آیا هرچنداختیارچیزی رانداشته باشندونیندیشند؟"

۴۴- بگو: " شفاعت ،یکسره ازآن خداست.فرمانروایی آسمانها و

زمین خاصّ اوست،سپس به سوی اوبازگردانیده میشوید."

۴۵- وچون خداوندبه تنهایی یادشود،دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارند،منزجرمیگردد،وچون کسانی غیرازاویادشوند،بناگاه آنان شادمانی میکنند.

۴۶- بگو: " بارالها،ای پدیدآورنده آسمانهاوزمین،-ای-دانای نهان وآشکار،توخوددرپیان بندگانت برسرآنچه اختلاف میکردند، داوری میکنی."

۴۷- واگرآنچه درزمین است،یکسره برای کسانی که ظلم کرده اندباشدونظیرش-نیز-باآن باشد،قطعا-همه-آن را برای رهایی خودشان ازسختی عذاب روزقیامت خواهندداد،وآنچه تصوّر-ش را- نمی کردند،ازجانب خدابرایشان آشکارمی گردد.

۴۸- و-نتیجه-گناهانی که مرتکب شده اند،برایشان ظاهرمیشود، وآنچه راکه بدان ریشخندمیکردند،آنهارافرامیگیرد.

۴۹- وچون انسان را آسیبی رسد،مارافرامیخواند،سپس چون نعمتی ازجانب خودبه اوعطاکنیم میگوید: " آن راتنهابه دانش خودیافته ام." نه چنان است،بلکه آن آزمایشی است،ولی بیشترشان نمی دانند.

۵۰- قطعاکسانی که پیش ازآنان بودند-نیز-این-سخن-راگفتندوآنچه به دست آورده بودند،کاری برایشان نکرد.

۵۱- تا-آنکه-کیفرآنچه مرتکب شده بودند،بدیشان رسیدوکسانی از این -گروه-که ستم کرده اند،به زودی نتایج سوء آنچه مرتکب شده اند،بدیشان خواهدرسیدوآنان عاجزکننده مانیستند.

۵۲- آياندانسته اندكه خداونداست كه روزى رابراى هركس كه بخواهد،گشاده ياتنگ ميگرداند؟قطعا دراين براى مردمى كه ايمان دارندنشانه هايى-ازحكمت-است.

۵۳- بگو: " اى بندگان من-كه برخويشتن زياده روى رواداشته ايد-ازرحمت خداوندناميدنشويد.درحقيقت خداوندهمه گناهان را
مى آمرزد،كه اوخودآمرزنده مهربان است.

۵۴- وپيش ازآنكه شماراعذاب دررسد،وديگريارى نشويد،به سوى پروردگارتان بازگرديد،وتسليم اوشويد.

۵۵- وپيش ازآنكه به طورناگهانى ودرحالى كه حدس نمى زنيد شماراعذاب دررسد،نيكوترين چيزى راكه ازجانب پرورگارتان به سوى شمانازل آمده است پيروى كنيد."

۵۶- تاآنكه -مبادا-كسى بگويد: " دريغابرآنچه درحضورخداوند كوتاهى ورزيدم ،بى ترديد من ازريشخندكنندگان بودم."

۵۷- يابگويد: " اگرخدايم هدايت ميكرد،مسلماازپرهيزكاران بودم."

۵۸- ياچون عذاب راببيند،بگويد: " كاش،مرابرگشتى بودتاازنيكو-كاران ميشدم."

۵۹- (به اوگفته شود:)آرى ،نشانه هاى من برتوآمدوآنهاراتكذيب كردى وتكبّرورزيدى واز-جمله-كافران شدى.

۶۰- وروزقيامت كسانى راكه برخداونددروغ بسته اندروسياه ميبينى،آياجاى سركشان درجهنم نيست؟

۶۱- وخداوندكسانى راكه تقواپيشه كرده اند،به-پاس-كارهايى كه

مایه رستگاری شان بوده،نجات میدهد.عذاب به آنان نمیرسدوغمگین
نخواهندگردید.
۶۲- خداوندآفریدگارهمه چیزاست،واوست که برهمه چیزنگهبان
است.
۶۳- کلیدهای آسمان وزمین ازآن اوست،وکسانی که نشانه های
خداوندراانکارکردند،آنان هستندکه زیانکارانند.
۶۴- بگو: " ای نادانان،آیامراوادارمیکنیدکه جزخداوندراپرستم؟"
۶۵- وقطعابه تووکسانی که پیش ازتوبودندوحی شده است: "
اگرشرک ورزی حتما عملت تباه ومسلما اززیانکاران خواهی شد."
۶۶- بلکه خداوندراپرست وازسپاسگزاران باش.
۶۷- وخداوندراآنچنان که باید،به بزرگی نشناخته اند،وحال آنکه
روزقیامت زمین یکسره درقبضه-قدرت-اوست،وآسمانهادرپیچیده
به دست اوست،اومنزّه است وبرتراست ازآنچه-باوی-شریک
میگردانند.
۶۸- ودرصوردمیده میشود،پس هرکه درآسمانهاوهرکه درزمین است
بیهوش درمی افتد،مگرکسی که خداوندبخواهد، سپس
باردیگردرآن دمیده میشودوبناگاه آنان برپای ایستاده می نگرند.
۶۹- وزمین به نورپروردگارش روشن گردد،وکارنامه-اعمال درمیان-نهاده
شود،وپیامبران وشاهدان رابیاورند،ومیانشان به حق
داوری گردد،ومورددستم قرارنگیرند.
۷۰- وهرکسی-نتیجه-آنچه انجام داده است به تمام بیابدواو

به آنچه میکنندداناتراست.

۷۱- وکسانی که کافرشده اند،گروه گروه به سوی جهنم رانده
شوند،تاچون بدان رسند،درهای آن -به رویشان-گشوده گردد
ونگهبانانش به آنان گویند: " مگرفرستادگانی ازخودتان برشما
نیامدندکه آیات پروردگارتان رابرشمابخوانندوبه دیدارچنین
روزی شماراهشداردهند؟" گویند: " چرا" ولی فرمان عذاب بر
کافران واجب آمد.

۷۲- وگفته شود: " ازدرهای دوزخ درآیید،جاودانه درآن بمانید
وه چه بد-جایی-است جای سرکشان"

۷۳- وکسانی که ازپروردگارشان پرواداشته اند،گروه گروه به سوی بهشت
سوق داده شوند،تاچون بدان رسندودرهای آن
-به رویشان-گشوده گرددونگهبانان آن به ایشان گویند: " سلام
برشما،خوش آمدید،درآن درآیید-و-جاودانه-بمانید-"

۷۴- وگویند: " سپاس خدایی راکه وعده اش رابرماراست
گردانیدوسرزمین-بهشت- رابه ماميراث داد،ازهرجای آن باغ-پهناور-
که بخواهیم جای می گزینیم." چه نیک است پاداش عمل -
کنندگان.

۷۵- وفرشتگان رامیبینی که پیرامون عرش به ستایش پروردگار
خودتسبیح میگویندومیانشان به حق داوری میگرددوگفته میشود
: " سپاس،ازآن پروردگارجهانیان است."

غافر (آمرزنده)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

حاء ، میم.

۲- فروفرستادن این کتاب ،ازجانب خداوندارجمنددا‌ناست.

۳- (که)بخشنده گناه وتوبه پذیر-و-سخت کیفر-و-فراخ نعمت است.خدایی جزاونیست،بازگشت به سوی اوست.

۴- جزآنهایی که کفرورزیدند-کسی-درآیات خداوندستیزه نمیکند، پس رفت وآمدشان درشهرهاتورادستخوش فریب نگرداند.

۵- پیش ازاینان قوم نوح،وبعدازآنان دسته های مخالف-دیگر- به تکذیب پرداختند،وهرامّتی قصد فرستاده خودراکردندتااورا بگیرند،وبه-وسیله-باطل جدال نمودندتاحقیقت راباآن پایمال کنند. پس آنان رافروگرفتیم ،آیاچگونه بودکیفرمن؟

۶- وبدین سان فرمان پروردگارت درباره کسانی که کفرورزیده بودند،به حقیقت پیوست که ایشان همدمان آتش خواهندبود.

۷- کسانی که عرش-خداوند-راحمل میکنند،وآنهاکه پیرامون آن هستند،به سپاس پروردگارشان تسبیح میگویندوبه اوایمان دارند وبرای کسانی که گرویده اندطلب آمرزش میکنند: " پروردگارا،

رحمت ودانش-توبر-هرچیزاحاطه دارد،کسانی راکه توبه کرده
وراه تورادنبال کرده اندببخش وآنهاراازعذاب آتش نگاه دار."
۸- "پروردگارا،آنان رادرباغهای جاویدکه وعده شان داده ای،باهرکه
ازپدران وهمسران وفرزندانشان که به صلاح آمده اند،داخل
کن،زیراتوخودارجمندوحکیمی.
۹- وآنان راازبدیهانگاه دار،وهرکه رادرآن روزازبدیها حفظ کنی،البته
رحمتش کرده ای،واین همان کامیابی بزرگ است."
۱۰- کسانی که کافربوده اندموردندا قرارمیگیرند،که:" قطعا دشمنی
خداوندازدشمنی شمانسبت به همدیگرسخت تراست،آنگاه
که به سوی ایمان فراخوانده میشدیدوانکارمی ورزیدید."
۱۱- میگویند: " پروردگارا ،دوبارمارابه مرگ رسانیدی ودو بارمارا
زنده کردی.به گناهانمان اعتراف کردیم،پس آیاراه بیرون شدنی
-ازآتش-هست؟"
۱۲- این-کیفر-ازآن روی برشماست که چون خداوندبه تنهایی
خوانده میشد،کفرمی ورزیدید،وچون به اوشرک آورده میشد،
آن راباورمیکردید،پس-امروز-فرمان ازآن خداوندوالای بزرگ است.
۱۳- اوست آن کس که نشانه های خودرابه شمامی نمایاندوبرای
شماازآسمان روزی میفرستد،وجزآن کس که توبه کاراست-کسی-
پندنمی گیرد.
۱۴- پس خداوندراپاکدلانه فراخوانید،هرچندناباوران راناخوش آید.
۱۵- بالابرنده درجات،خداوندعرش،به هرکس ازبندگانش که خواهدآن

روح-فرشته-را،به فرمان خویش میفرستد،تا-مردم را-
ازروز ملاقات بترساند.
۱۶- آن روزکه آنان ظاهرگردند،چیزی ازآنهابرخداوندپوشیده
نمی ماند،امروزفرمانروایی ازآن کیست؟ازآن خداوندِیکتای
قهّاراست.
۱۷- امروزهرکسی به -موجب-آنچه انجام داده است کیفرمی
یابد،امروزستمی نیست ،آری خداوند حساب رسی سریع است.
۱۸- وآنهارا ازآن روزقریب بترسان،آنگاه که جانهابه گلوگاه میرسددرحالی
که اندوه خودرافرومیخورند.برای ستمگران نه
یاری است ونه شفاعتگری که مورداطاعت باشد.
۱۹- (خداوند)نگاههای دزدانه وآنچه راکه دردلهانهان میدارند
میداند.
۲۰- وخداست که به حق داوری میکند،وکسانی راکه دربرابراو
میخوانند-عاجزندو-به چیزی داوری نمی کنند،درحقیقت، خداوند
است که خودشنوای بیناست.
۲۱- آیادرزمین نگردیده اندتاببینندفرجام کسانی که پیش ازآنها
-زیسته-اندچگونه بوده است؟آنهاازایشان نیرومندتر-بوده-وآثار
-پایدارتری-درروی زمین-ازخودباقی گذاشتند-بااین همه خداوند
آنان رابه کیفرگناهانشان گرفتارکردودربرابرخدا حمایتگری نداشتند.
۲۲- این-کیفر-ازآن روی بودکه پیامبرانشان دلایل آشکاربرایشان
می آوردندولی-آنها-انکارمی کردند.پس خداوند-گریبان-آنهاراگرفت

زیرا اونیرومندسخت کیفراست.

۲۳- وبه یقین موسی راباآیات خودوحجتی آشکارفرستادیم،

۲۴- به سوی فرعون وهامان وقارون،-اما آنان-گفتند: " اوساحری بسیاردروغ زن است."

۲۵- پس وقتی حقیقت راازجانب مابرای آنان آورد،گفتند: " پسران کسانی راکه بااوایمان آورده اندبکشیدوزنانشان رازنده بگذارید." و-لی-نیرنگ کافران جزدرگمراهی نیست.

۲۶- وفرعون گفت: " مرابگذاریدموسی رابکشم تاپروددگارش رابخواند.من میترسم آیین شماراتغییردهدیادراین سرزمین فسادکند."

۲۷- وموسی گفت: " من ازهرمتکبری که به روزحساب عقیده ندارد،به پروددگارخودوپروردگارشما پناه برده ام."

۲۸- ومردی مومن ازخاندان فرعون که ایمان خودرانهان میداشت،گفت: " آیامردی رامی کشیدکه میگوید: پروردگارمن خداونداست؟ومسلمابرای شماازجانب پروردگارتان دلایل آشکاری آورده،واگردروغگوباشددروغش به زیان اوست،واگرراستگوباشد برخی ازانچه به شماوعده میدهدبه شماخواهدرسید،چراکه خداوندکسی راکه افراط گر دروغگو باشدهدایت نمی کند.

۲۹- ای قوم من،امروزفرمانروایی ازآن شماست-و-دراین سرزمین مسلط هستید،و-لی-چه کسی ماراازبلای خدا-اگربه مابرسد-حمایت خواهدکرد؟" فرعون گفت: " جزآنچه میبینم،به شمانمی نمایم،وشماراجزبه راه راست راهبرنیستم."

۳۰- کسی که ایمان آورده بود،گفت: " ای قوم من،من از-روزی-
مثل روزدسته ها-ی مخالف خدا-برشما میترسم.
۳۱- (ازسرنوشتی)نظیرسرنوشت قوم نوح وعادوثمودوکسانی که
پس ازآنها-آمدند-و-گرنه-خداوندبربندگان ستم نمی خواهد.
۳۲- وای قوم من،من برشماازروزی که مردم یکدیگررا-به یاری
هم-ندادرمی دهند،بیم دارم.
۳۳- روزی که پشت کنان بازمی گردید،برای شمادربرابرخداوند
هیچ حمایتگری نیست،وهرکه راخداوندگمراه کنداورا راهبری
نیست."
۳۴- وبه یقین،یوسف پیش ازاین،دلایل آشکاربرای شماآورد،واز
آنچه برای شماآوردهمواره درتردیدبودیدتاوقتی که ازدنیارفت،گفتید: "
خداوندبعدازاوهرگزفرستاده ای رابرنخواهدانگیخت."
اینگونه،خداوندهرکه را افراط گر شکّاک است،گمراه میگرداند.
۳۵- کسانی که درباره آیات خداوندمجادله می کنند،درنزدخداوند
ونزدکسانی که ایمان آورده اند-مایه-عداوت بزرگی است،این
گونه،خداوندبردل هرمتکبروزورگویی مُهرمی نهد.
۳۶- وفرعون گفت: " ای هامان ،برای من کوشکی بلندبساز،
شایدمن به آن راههابرسم:
۳۷- راههای-دستیابی به-آسمانها،تا ازخدای موسی اطلاع حاصل کنم ومن
اوراسخت دروغ پردازمی پندارم." واین گونه برای
فرعون ،زشتی کارش آراسته شدوازراه-راست-بازماند،ونیرنگ

فرعون جزبه تباهی نینجامید.

۳۸- وآن کس که ایمان آورده بودگفت: " ای قوم من ، مراپیروی
کنیدتاشمارابه راه درست هدایت کنم.

۳۹- ای قوم من،این زندگی دنیاتنها کالایی است،ودرحقیقت
،آن آخرت است که سرای پایداراست.

۴۰- هرکه بدی کند،جزبه مانندآن کیفرنمی یابد،وهرکه کارشایسته کند-چه
مردباشدچه زن-درحالی که ایمان داشته باشد،درنتیجه
داخل بهشت میشوندودرآنجا بی حساب روزی می یابند.

۴۱- وای قوم من،چه شده است که من شمارابه نجات فرامیخوانم
و-شما-مرابه آتش فرامیخوانید؟

۴۲- مرافرامیخوانیدتابه خدا کافرشوم وچیزی راکه بدان علمی
ندارم بااوشریک گردانم ومن شمارابه سوی آن ارجمندآمرزنده
دعوت می کنم.

۴۳- آنچه مرابه سوی آن دعوت میکنید،به ناچارنه دردنیا
ونه درآخرت-درخور-خواندن نیست،ودرحقیقت،برگشت مابه
سوی خداونداست،وافراط گران همدمان آتش هستند.

۴۴- پس به زودی آنچه رابه شما میگویم به یادخواهیدآورد
کارم رابه خداوندمیسپارم،خداوند است که به بندگان بیناست."

۴۵- پس خداونداورا ازعواقب سوء آنچه نیرنگ میکردندحمایت
فرمود،،وفرعونیان راعذاب سخت فروگرفت.

۴۶-(اینک هر) صبح وشام برآتش عرضه میشوند،وروزی که

رستاخیزبرپاشود-فریادمیرسدکه: - " فرعونیان رادرسخت ترین عذاب درآورید."

۴۷- وآنگاه که درآتش شروع به آوردن حجّت میکنند،زیردستان به کسانی که گردنکش بودند،میگویند: " ماپیروشمابودیم،پس آیا میتوانید پاره ای ازاین آتش راازما دفع کنید؟"

۴۸- کسانی که گردنکشی میکردند،میگویند: " (اکنون)همه مادرآن هستیم،خداست که میان بندگان داوری کرده است."

۴۹- وکسانی که درآتشند،به نگهبانان جهنم میگویند: " پروردگارتان رابخوانیدتایک روزازاین عذاب رابه ما تخفیف دهد."

۵۰- میگویند: " مگرپیامبران دلیل روشن به سوی شمانیاوردند؟ میگویند: " چرا" میگویند: " پس دعاکنید،و-لی-دعای کافران جزدر بیراهه نیست."

۵۱- درحقیقت ،مافرستادگان خودوکسانی راکه گرویده اند،در زندگی دنیاوروزی که گواهان برپای می ایستندقطعایاری میکنیم،

۵۲- (همان)روزی که ستمگران راپوزش طلبی شان سودنمی دهد وبرای آنان لعنت است،وبرایشان بدفرجامی آن سرای است.

۵۳- وقطعاموسی راهدایت دادیم.وبه فرزندان اسراییل تورات رابه میراث نهادیم،

۵۴- (که)رهنمودویادکردی برای خردمندان است.

۵۵- پس صبرکن که وعده خداوندحق است وبرای گناهت

آمرزش بخواه وبه سپاس پروردگارت ،شامگاهان وبامدادان
ستایشگرباش.
۵۶- درحقیقت،آنان که درباره نشانه های خداوند-بی آنکه حجّتی
برایشان آمده باشد-به مجادله برمیخیزنددردلهایشان جربزرگنمایی
نیست-و-آنان به آن -بزرگی که آرزویش رادارند-نخواهندرسید.
پس به خداوندپناه جوی،زیرااوخودشنوای بیناست.
۵۷- قطعاآفرینش آسمانهاوزمین بزرگترازآفرینش مردم است،
ولی بیشترمردم نمی دانند.
۵۸- ونابینا وبینایکسان نیستند،وکسانی که ایمان آورده وکارهای نیک کرده
اند-نیز-با-مردم-بدکار-یکسان-نیستند،چه اندک پند
می پذیرید.
۵۹- درحقیقت،قیامت قطعا آمدنی است،درآن تردیدی نیست ولی
بیشترانسانهاایمان نمی آورند.
۶۰- وپروردگارتان فرمود: " مرابخوانیدتا اجابت کنم شمارا.
درحقیقت،کسانی که ازپرستش من کبرمی ورزندبه زودی خوار
در دوزخ درمی آیند."
۶۱- خداوند-همان-کسی است که شب رابرای شماپدیدآوردتادرآن
آرام گیرید،وروزراروشنی بخش-قرارداد-.آری خداوندبرانسانها
بسیارصاحب تفضّل است،ولی بیشترانسانهاسپاس نمی دارند.
۶۲- این است خداوند،پروردگارشما-که-آفریننده هرچیزی است،
خدایی جزاونیست.پس چگونه-ازاو-بازگردانیده میشوید؟

۶۳- کسانی که نشانه های خداوندراانکارمی کردند،اینگونه-از
خداوند-رویگردان میشوند.
۶۴- خداوند-همان-کسی است که زمین رابرای شما قرارگاه
ساخت وآسمان رابنایی-گردانید-وشمارااصورتگری کردوصورتهای
شمارانیکونمودوازچیزهای پاکیزه به شما روزی داد.این است
خداوندپروردگارشما،بلندمرتبه وبزرگ است خداوند،پروردگارجهانیان.
۶۵- اوست-همان-زنده ای که خدایی جزاونیست.پس اورادرحالی
که دین-خود-رابرای اوخالص گردانیده ایدبخوانید.سپاس-هاهمه-
ازآن خداوندپروردگارجهانهاست.
۶۶- بگو: " من نهی شده ام ازاینکه جزخداوندکسانی راکه-شما-
میخوانیدپرستش کنم-آن هم-هنگامی که ازجانب پروردگارم مرا
دلایل روشن رسیده باشد،ومامورم که فرمانبرپروردگارجهانها
باشم."
۶۷- اوهمان کسی است که شماراازخاکی آفرید،سپس ازنطفه ای
،آنگاه ازعلقه ای،وبعدشمارا-به صورت-کودکی برمی آورد،تابه
کمال قوّت خودبرسیدوتاسالمندشوید،وازمیان شماکسی است که
مرگ پیش رس می یابد،وتا-بالاخره-به مدتی که مقرّراست برسید،وامیدکه
دراندیشه فرورويد.
۶۸- اوهمان کسی است که زنده می کندومی میراند،وچون
به کاری حکم کند،همین قدربه آن میگوید: " باش" بی درنگ
موجود میشود.

۶۹- آیاکسانی راکه در-ابطال-آیات خداوندمجادله می کنندندیده

ای-که-تاکجا-ازحقیقت-منحرف شده اند؟

۷۰- کسانی که کتاب-خداوند-وآنچه راکه فرستادگان خودرابدان

گسیل داشته ایم تکذیب کرده اند،به زودی خواهنددانست:

۷۱- هنگامی که غُلهادرگردنهایشان-افتاده-و-با-زنجیرهاکشانیده

میشوند.

۷۲- درمیان جوشاب-و-آنگاه درآتش برافروخته میشوند.

۷۳- آنگاه به آنان گفته میشود: " آنچه رادربرابرخداوند-بااو-

شریک می ساختیدکجایند؟"

۷۴- میگویند: " گمشان کردیم بلکه پیشترهم-ماچیزی را صدا

نمی زدیم." این گونه خداوندکافران راگمراه می گذارد.

۷۵- این-عقوبت-به سبب آن است که درزمین به ناروا شادی

وسرمستی می کردیدوبدان سبب است که-سخت به خود-

می نازیدید.

۷۶- ازدرهای دوزخ درآیید،درآن جاودان-بمانید-چه بداست

جای سرکشان.

۷۷- پس صبرکن که وعده خداوند راست است.پس -چه پاره ای ازآنچه راکه

به آنان وعده داده ایم ،به توبنمایانیم،چه تو

راازدنیاببریم-درهرصورت آنان- به سوی مابازگردانیده میشوند.

۷۸- ومسلماپیش ازتوفرستادگانی را روانه کردیم.برخی ازآنان

را-ماجرایشان را-برتوحکایت کرده ایم وبرخی ازایشان رابرتو

حکایت نکرده ایم،وهیچ فرستاده ای رانرسدکه بدون اجازه خداوندنشانه ای بیاورد.پس چون فرمان خداوندبرسدبه حق داوری میشوند،وآنجاست که باطل کاران زیان می کنند.

۷۹- خداوند-همان-کسی است که چهارپایان رابرای شما پدید آوردتاازبرخی ازآنهاسواری گیریدوازبرخی ازآنهابخورید.

۸۰- ودرآنهابرای شما سودهاست تابا-سوارشدن بر-آنهابه مقصودی که دردلهایتان است برسید،وبرآنهاوبرکشتی حمل میشوید.

۸۱- ونشانه های-قدرت-خویش رابه شما می نمایاند.پس کدام یک ازآیات خداوندرا انکارمی کنید؟

۸۲- آیادرزمین نگشته اندتا عاقبت کسانی راکه پیش ازآنان بودندراببینندکه چگونه بوده است؟-آنهابه مراتب ازحیث تعداد-بیشترازآنان،و-ازحیث-نیروآثاردر روی زمین استوارتربودند، و-لی-آنچه به دست می آوردند،به حالشان سودی نبخشید.

۸۳- وچون پیامبرانشان دلایل آشکاربرایشان آوردند،به آن چیز -مختصری-ازدانش که نزدشان بودخرسندشدند،و-سرانجام-آنچه به ریشخندمی گرفتندآنان رافروگرفت.

۸۴- پس چون سختی-عذاب-مارادیدندگفتند: " فقط به خداوند ایمان آوردیم وبدانچه بااوشریک می گردانیدیم کافریم."

۸۵- و-لی-هنگامی که عذاب مارامشاهده کردند،دیگرایمانشان برای آنهاسودی نداد.سنّت خداونداست که از-دیرباز-درباره بندگانش چنین جاری شده،وآنجاست که ناباوران زیان کرده اند.

فصّلت (فصل فصل شده)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

حم،   حاء ،میم.

۲- وحی ای است ازجانب رحمتگرمهربان.

۳- کتابی است که آیات آن،به روشنی بیان شده،قرآنی است

به زبان عربی برای مردمی که می دانند.

۴- بشارتگروهشداردهنده است،و-لی-بیشترآنان رویگردان شدند،

درنتیجه-چیزی را-نمی شنوند.

۵- وگفتند: " دلهای ماازآنچه مارابه سوی آن میخوانی سخت

محجوب ومهجوراست،ودرگوشهای ماسنگینی ومیان ماوتوپرده ای است،پس

توکارخودرابکن ما-هم-کارخودرامیکنیم."

۶- بگو: " من بشری چون شماهستم،جزاینکه به من وحی

میشودکه خدای شماخدایی یگانه است،پس مستقیما به سوی

اوبشتابیدوازاوآمرزش بخواهید، و وای برمشرکان."

۷- همان کسانی که زکات نمی دهندوآنان که به آخرت ناباورند.

۸- کسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اندآنان را

پاداشی بی پایان است.

۹- بگو: " آیااین شماییدکه واقعابه آن کسی که زمین رادر

دو روزآفرید،کفرمی ورزیدوبرای اوهمتایانی قرارمیدهید؟

این است پروردگارجهانها."

۱۰- ودر-زمین-،ازفرازآن-لنگرآسا-کوهها نهادودرآن خیرفراوان
پدیدآورد،وموادخوراکی آن رادرچهارروزاندازه گیری کرد-که-
برای خواهندگان،درست-ومتناسب بانیازهایشان-است.
۱۱- سپس آهنگ-آفرینش-آسمان کرد،وآن بخاری بود.پس به
آن وبه زمین فرمود: " خواسته یا ناخواسته بیایید."آن دو
گفتند: " فرمان پذیرآمدیم."
۱۲- پس آنهارا-به صورت-هفت آسمان،دردو روز مقرّر داشت،
ودرهرآسمانی کار-مربوط به-آن راوحی فرمود،وآسمان-این-دنیا
رابه چراغهاآذین کردیم و-آن رانیک-نگاه داشتیم،این است
اندازه گیری آن نیرومنددانا.
۱۳- پس اگرروی برتافتندبگو: " شما را ازآذرخشی چون آذرخش
عادوثمودبرحذرداشتم."
۱۴- چون فرستادگان-ما-ازپیش رو وازپشت سرشان برآنان آمدند
-وگفتند: -" زنهار،جزخداوندرانپرستید." گفتند: " اگرپروردگارما
میخواست قطعافرشتگانی فرومیفرستاد،پس مابه آنچه بدان
فرستاده شده ایدکافریم."
۱۵- وامّا عادیان،درزمین تکبرورزیدندوگفتند: " ازمانیرومندتر
کیست؟" آیاندانسته اندکه آن خدایی که خلقشان کرده خوداز
ایشان نیرومندتراست؟ودرنتیجه آیات مارا انکارمی کردند.
۱۶- پس برآنان تندبادی توفنده در روزهایی نحس فرستادیم
تادرزندگی دنیاعذاب رسوایی رابدانان بچشانیم وقطعا عذاب

آخرت رسواکننده تراست وآنان یاری نخواهندشد.

۱۷- واما ثمودیان،پس آنان راراهبری کردیم و-لی-کوردلی رابر هدایت ترجیح دادند،پس به -کیفر-آنچه مرتکب میشدندصاعقه عذاب خقّت آورآنان رافراگرفت.

۱۸- وکسانی راکه ایمان آورده بودندوپروا میداشتندرهانیدیم.

۱۹- و-یادکن-روزی راکه دشمنان خداوندبه سوی آتش گردآورده وبازداشت-ودسته دسته تقسیم-میشوند.

۲۰- تاچون بدان رسند،گوششان ودیدگانشان وپوستشان به آنچه می کرده اند،برضدّشان گواهی دهند.

۲۱- وبه پوست-بدن-خودمیگویند: " چرابرضدّماشهادت دادید؟" میگویند: " همان خدایی که هرچیزی رابه زبان درآورده ماراگویا گردانیده است،واونخستین بارشما راآفریدوبه سوی اوبرگردانیده میشوید."

۲۲- و-شما-ازاینکه مباداگوش ودیدگان وپوستتان برضدّشماگواهی دهند-گناهانتان را-پوشیده نمی داشتیدلیکن گمان داشتیدکه خدا بسیاری ازآنچه راکه می کنیدنمی داند.

۲۳- وهمین بودگمانتان که درباره پروردگارتان بردید،شمارااهلاک کردواززیانکاران شدید.

۲۴- پس اگرصبرنمایندجایشان درآتش است واگرازدرپوزش درآیندموردإجابت قرارنمی گیرند.

۲۵- وبرای آنان دمسازانی گذاشتیم وآنچه دردسترس ایشان

وآنچه درپی آنان بوددرنظرشان زیباجلوه دادندوفرمان-عذاب-
درمیان امّتهایی ازجن وانس که پیش ازآنان روزگاربه سربرده
بودند،برایشان واجب آمد،چراکه آنهازیانکاران بودند.
۲۶- وکسانی که کافرشدندگفتند: " به این قرآن گوش ندهید
وسخن لغودرآن اندازید،شاید شماپیروزشوید."
۲۷- وقطعاکسانی راکه کافرشده اندعذابی سخت می چشانیم
وحتماآنهارابه بدترازآنچه میکرده اندجزامیدهیم.
۲۸- آری،سزای دشمنان خداهمان آتش است که درآن منزل همیشگی
دارند.-این-جزابه کیفرآن است که نشانه های مارا
انکارمیکردند.
۲۹- وکسانی که کفرورزیدندگفتند: " پروردگارا،آن دو ازجن وانس
که مارااگمراه کردندبه مانشان ده تاآنهارازیرپاهایمان بگذاریم تازبون شوند."
۳۰- درحقیقت کسانی که گفتند: " پروردگارماخداست" سپس
استقامت کردند،فرشتگان برآنان فرودمی آیند-ومیگویند: -
" هان ،نترسیدوغمگین نباشید،وبه بهشتی که وعده یافته بودید
شادباشید.
۳۱- درزندگی دنیاودرآخرت دوستانتان ماییم،وهرچه دلهایتان
بخواهددر-بهشت-برای شماست،وهرچه خواستارباشیددرآنجا
خواهیدداشت.
۳۲- روزی آماده ای ازسوی آمرزنده مهربان است."
۳۳- وکیست خوش گفتارترازآن که به سوی خداونددعوت نماید

وکارنیک کندوگوید: " من ازتسلیم شدگانم." ؟
۳۴- ونیکی بابدی یکسان نیست-بدی را-آنچه خودبهتراست دفع کن،انگاه کسی که میان توومیان اودشمنی است گویی دوستی یکدل می گردند.
۳۵- واین-خصلت- راجزکسانی که شکیبابوده اندنمی یابند،وآن راجزصاحب بهره ای بزرگ نخواهدیافت.
۳۶- واگردمدمه ای ازشیطان توراازجای درآورد،پس به خداوند پناه ببرکه اوخودشنوای داناست.
۳۷- وازنشانه های اوشب وروزوخورشیدوماه است،نه برای خورشیدسجده کنیدونه برای ماه،واگرفقط اورامی پرستیدآن خدایی راسجده کنید که آنهاراخلق کرده است.
((سجده واجب))
۳۸- پس اگرتکبرورزیدند،کسانی که درپیشگاه پروردگارتوهستند شبانه روزاورا نیایش می کنندوخسته نمیشوند.
۳۹- وازنشانه های اواین است که توزمین رافسرده میبینی وچون باران برآن فروریزیم به جنبش درآیدوبردمد.آری ،همان
کسی که آن رازندگی بخشیدقطعازنده کننده مردگان است.در حقیقت،اوبرهرچیزی تواناست.
۴۰- کسانی که درآیات ما کج روی می کنندبرما پوشیده نیستند آیاکسی که درآتش افکنده میشودبهتراست یاکسی که روزقیامت آسوده خاطرمی آید؟هرچه میخواهیدبکنیدکه اوبه آنچه انجام

میدهیدبیناست.

۴۱- کسانی که به این قرآن کفرورزیدند-به کیفرخودمیرسند-وبه راستی که آن کتابی ارجمنداست.

۴۲- ازپیش روی آن وازپشت سرش باطل به سویش نمی آید وحی ای است ازحکیمی ستوده.

۴۳- به توجزآنچه به پیامبران پیش ازتوگفته شده است گفته نمیشود،به راستی که پروردگارتودارای آمرزش ودارنده کیفری پردرد است.

۴۴- واگر-این کتاب را-قرآنی غیرعربی گردانیده بودیم،قطعا میگفتند: " چراآیه های آن روشن بیان نشده؟کتابی غیرعربی و-مخاطب آن-عرب زبان؟" بگو: " این برای کسانی که ایمان آورده اندرهنمودودرمانی است،وکسانی که ایمان نمی آورند درگوشهایشان سنگینی است وقرآن برایشان نامفهوم است، و-گویی-آنان راازجایی دورصدا می کنند.

۴۵- وبه راستی موسی راکتاب دادیم،پس درآن اختلاف واقع شد،واگرازجانب پروردگارت فرمان-مهلت-سبقت نگرفته بود، قطعا میانشان داوری شده بود،ودرحقیقت آنان درباره آن به شگی سخت دچارهستند.

۴۶- هرکه کارنیک کند،به سودخوداوست،وهرکه بدی کند به زیان خوداوست،وپروردگارتوبه بندگان ستمکارنیست.

۴۷- دانستن زمان قیامت فقط منحصربه اوست،ومیوه هااز

غلافهایشان بیرون نمی آیندو هیچ مادینه ای بارنمی گیردوپیارنمی
گذاردمگرآنکه اوبه آن علم دارد.وروزی که
-خداوند-آنان راندامیدهد: " شریکان من کجا هستند؟" میگویند
: " با بانگ رسا به تومی گوییم که هیچ گواهی ازمیان مانیست."
۴۸- وآنچه ازپیش میخواندند،از-نظر-آنان ناپدیدمیشودومیدانند
که آنان را روی گریزنیست.
۴۹- انسان ازدعای خیرخسته نمیشود،وچون آسیبی به اورسد
مایوس-و-نا امیدمی گردد.
۵۰- واگرازجانب خودرحمتی-پس اززیانی که به اورسیده است-
بچشانیم قطعاخواهدگفت: " من سزاوارآنم وگمان ندارم که قیامت
برپاشودواگرهم به سوی پروردگارم بازگردانیده شوم قطعا نزداوبرایم خوبی
خواهدبود." پس بدون شک کسانی
راکه کفران کرده اند،به آنچه انجام داده اندآگاه خواهیم کرد،
ومسلما ازعذابی سخت به آنان خواهیم چشانید.
۵۱- وچون انسان رانعمت بخشیم،روی برتابدوخودراکنارکشد،وچون آسیبی
به اورسد دعای عریض وطویل نماید.
۵۲- بگو: " به من خبردهید،اگر-قرآن-ازنزدخداوند-آمده-باشد
وآن راانکارکرده باشید،چه کسی گمراه ترازآنکس خواهدبود
که به مخالفتی دورودراز-دچار-آمده باشد؟"
۵۳- به زودی نشانه های خودرادرافقها ودردلهایشان بدیشان
خواهیم نمود،تابرایشان روشن گرددکه اوخودحق است،آیاکافی

نیست که پروردگارت خودشاهدهرچیزی است؟

۵۴- آری ،آنان درلقای پروردگارشان تردید دارند.آگاه باش که مسلما اوبه هرچیزی احاطه دارد.

شوری (شورا)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

حم ، (حاء ، میم)

۲- عسق، (عین، سین، قاف).

۳- اینگونه خداوندنیرومندحکیم به سوی تووبه سوی کسانی که

پیش ازتوبودند،وحی میکند.

۴- ازآن اوست هرچه درآسمانهاوزمین است واوبلندمرتبه بزرگ

است.

۵- چیزی نمانده که آسمانهاازفرازشان بشکافندو- حال آنکه- فرشتگان به

سپاس پروردگارشان تسبیح میگویندوبرای کسانی که درزمین هستندآمرزش

می طلبند.آگاه باش بدون تردید خداوندآمرزنده مهربان است.

۶- وکسانی که به جای اودوستانی برای خودگرفته اند،خدا

برایشان حافظ است وتو وکیل آنان نیستی.

۷- وبدین گونه قرآن عربی به سوی تووحی کردیم تا-مردم-

مکّه وکسانی راکه پیرامون آن هستندهشداردهی،واز روزگرد

آمدن -خلق-که تردیدی درآن نیست-بیم دهی،گروهی دربهشتند

وگروهی درآتش.

۸- واگرخداوندمیخواست قطعا آنان راامّتی یگانه می گردانید

لیکن هرکه رابخواهد،به رحمت خویش درمی آوردوستمگران

نه یاری دارندونه یاوری.

۹- آیابه جای اوسرپرستانی برای خودگرفته اند؟خداونداست که

دوست راستین است،واوست که مردگان رازنده میکند،وهم اوست که

برهرچیزی تواناست.

۱۰- ودرباره هرچیزی اختلاف پیداکردید، داوریش به خداوند-ارجاع
میگردد-چنین خدایی پروردگارمن است.براوتوکل کردم وبه سوی اوبازمی
گردم.
۱۱- پدیدآورنده آسمانهاوزمین است.ازخودتان برای شما جفتهایی
قرارداد،وازدامها-نیز-نروماده-قرارداد-.بدین وسیله -تعداد-
شمارابسیارمیگرداند.چیزی مانننداونیست واوست شنوای بینا.
۱۲- کلیدهای آسمانهاوزمین ازآن اوست.برای هرکس که بخواهد
روزی راگشاده یاتنگ میگرداند.اوست که برهرچیزی داناست.
۱۳- از-احکام-دین،آنچه راکه به نوح درباره آن سفارش کرد،
برای شما تشریع کردوآنچه رابه تووحی کردیم وآنچه راکه در
باره آن به ابراهیم وموسی وعیسی سفارش نمودیم که: " دین
رابرپاداریدودرآن تفرقه اندازی نکنید." برمشرکان آنچه که ایشان
رابه سوی آن فرامیخوانی ،گران می آید.خداوندهرکه رابخواهد
به سوی خودبرمی گزیند،وهرکه راکه ازدرتوبه درآید به سوی خود راه
مینماید.
۱۴- وفقط پس ازآنکه علم برایشان آمد،راه تفرقه پیمودند
-آن هم-به صرف حسد-وبرتری جویی- میان همدیگر.واگر
سخنی ازجانب پروردگارت تازمانی معین پیشی نگرفته بود
قطعا میانشان داوری شده بود.وکسانی که بعدازآنان کتاب را
میراث یافتندواقعا درباره او درتردیدی سخت هستند.
۱۵- بنابراین به دعوت پرداز،وهمان گونه که مامور هستی

ایستادگی کن،وهوسهای آنان راپیروی مکن وبگو: " به هرکتابی
که خداوندنازل کرده است ایمان آوردم ومامورشدم که میان
شماعدالت کنم،خداوندپروردگارما وپروردگارشماست،اعمال ما ازآن ما
واعمال شما ازآن شماست،میان ماوشما خصومتی نیست،خداوندمیان
ماراجمع میکندوفرجام به سوی اوست.
۱۶- وکسانی که درباره خداوندپس ازاجابت اوبه مجادله
میپردازند،حجتشان پیش پروردگارشان باطل است،وخشمی
-ازخدا-برایشان است وبرای آنان عذابی سخت خواهدبود.
۱۷- خداوندهمان کسی است که کتاب ووسیله سنجش رابه
حق نازل فرمود،وتوچه میدانی شاید قیامت نزدیک باشد.
۱۸- کسانی که به آن ایمان ندارندشتابزده آن رامیخواهند،و
کسانی که ایمان آورده اند،ازآن هراسناکندومی دانندکه آن
حقّ است.بدان که آنان که درموردقیامت تردیدمیورزند
قطعا درگمراهی دور ودرازی هستند.
۱۹- خداوندنسبت به بندگانش مهربان است،هرکه رابخواهد
روزی میدهدواوست نیرومندغالب.
۲۰- کسی که کشت آخرت بخواهد،برای وی درکشته اش
می افزاییم وکسی که کشت این دنیارابخواهدبه اوازآن
میدهیم و-لی-درآخرت اورانصیبی نیست.
۲۱- آیابرای آنان شریکانی است که درآنچه خداوندبدان
اجازه نداده برایشان بنیادآیینی نهاده اند؟واگرفرمان قاطع

-درباره تاخیر عذاب درکار-نبودمسلما میانشان داوری میشد
وبرای ستمکاران شکنجه ای پردرد است.
۲۲- (درقیامت) ستمگران را ازآنچه انجام داده اند،هراسناک
میبینی و-جزای عملشان-به آنان خواهدرسید،وکسانی که ایمان
آورده وکارهای شایسته کرده انددرباغهای بهشتند.آنچه رابخواهند
نزدپروردگارشان خواهندداشت،این است همان فضل
عظیم.
۲۳- این همان-پاداشی-است که خداوندبندگان خودراکه ایمان
آورده وکارهای شایسته کرده اندبدان-بشارت داده است.
بگو: " به ازای آن-رسالت-پاداشی ازشما نمیخواهم،مگردوستی
خویشاوندان." وهرکس نیکی به جای آورد برای اودرثواب
آن خواهیم افزود.قطعا خداوندآمرزنده وقدرشناس است.
۲۴- آیامی گویند: " برخدادروغی بسته است؟" پس اگرخدا
بخواهدبردلت مُهرمی نهدوخدوندباطل رامحووحقیقت رابا
کلمات خویش پابرجامیکند.اوست که به رازدلها داناست.
۲۵- واوست کسی که توبه را ازبندگان خودمی پذیردواز
گناهان درمی گذردوآنچه میکنیدرامیداند.
۲۶- وکسانی راکه ایمان آورده وکارهای شایسته انجام داده اند
اجابت میکندوازفضل خویش به آنان زیاده میدهد،وبرای کافران
عذاب سختی خواهدبود.
۲۷- واگرخداوندروزی رابربندگانش فراخ گرداند،مسلما درزمین سربه

عصیان برمیدارند،لیکن آنچه رابخواهدبه اندازه ای

فرومی فرستد.به راستی که اوبه بندگانش آگاه وبیناست.

۲۸- واوست کسی که باران راپس ازآنکه ناامیدشدندنازل

می نماید،ورحمت خویش رامیگستردوهم اوست سرپرست ستوده.

۲۹- وازنشانه های اوست آفرینش آسمانهاوزمین وآنچه از

جنبنده درمیان آن دوپراکنده است،واو هرگاه بخواهدبرگرد

آوردن آنان تواناست.

۳۰- وهرمصیبتی به شمابرسدبه سبب دستاوردخودشماست

وازبسیاری درمی گذرد.

۳۱- وشمادرزمین توان به عجزکشاندن خداوندراندارید،وجز

خداوندشما سرپرست ویاوری ندارید.

۳۲- وازنشانه های اوکشتی های کوه آسا در دریاست.

۳۳- اگربخواهدبادراساکن میگرداندوبرپشت متوقف می مانند.

قطعا دراین برای هرشکیبای شکرگزاری نشانه هاست.

۳۴- یابه- سزای-آنچه -کشتی نشینان-مرتکب شده اندهلاکشان

کند،و-لی-ازبسیاری درمی گذرد.

۳۵- وآنان که درآیات مامجادله می کنند،بدانندکه ایشان راگریزی

نیست.

۳۶- وآنچه به شما داده شده برخورداری زندگی دنیاست،وآنچه

نزدخداونداست برای کسانی که گرویده اندوبه پروردگارشان

اعتماد دارندبهتروپایدارتراست.

۳۷- وکسانی که ازگناهان بزرگ وزشتکاری ها خودرا به دور میدارندوچون به خشم درمی آینددر می گذرند.

۳۸- وکسانی که پروردگارشان رااجابت نموده ونمازبرپاکرده اند وکارشان درمیانشان مشورت است وازآنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند.

۳۹- وکسانی که چون ستم برایشان رسد،یاری میجویند

۴۰- وجزای بدی ماننددآن،بدی است.پس هرکه درگذردونیکوکاری کند،پاداش اوبرخداونداست.به راستی اوستمگران رادوست

نمی دارد.

۴۱- وهرکه پس ازستم خود،یاری جوید-وانتقام گیرد-راه-نکوهشی برایشان نیست.

۴۲- راه-نکوهش-تنهابرکسانی است که به مردم ستم می کنند، ودر-روی-زمین به ناحق سربرمی دارند.آنان عذابی دردناک خواهندداشت.

۴۳- وهرکه صبرکندودرگذرد،مسلمااین-خویشتن داری،حاکی-از اراده قوی-در-کارهاست.

۴۴- وهرکه راخداوندگمراه گرداند،پس ازاویاری نخواهدداشت، وستمگران رامیبینی که چون عذاب رابنگرندمیگویند: " آیاراهی برای بازگشت هست؟"

۴۵- آنان رامیبینی برآتش عرضه میشوند،اززبونی ،فروتن شده اند،زیرچشمی می نگرند،وکسانی که گرویده اندمیگویند: " در حقیقت ،زیانکاران کسانی هستند که روزقیامت خودشان وکسانشان

رادچارزیان کرده اند." آری ،ستمکاران درعذابی پایدارند.

۴۶- وجزخداوندبرای آنان دوستانی نیست که آنهارایاری کنند، وهرکه راخداوندگمراه نمایدهیچ راهی برای اونخواهدبود.

۴۷- پیش ازآنکه روزی فرارسدکه آن راازجانب خداوندبرگشتی نباشد،پروردگارتان رااجابت کنید.آن روز نه برای شما پناهی ونه برایتان- مجال- انکاری هست.

۴۸- پس اگرروی برتابند،ماتورابرآنان نگهبان نفرستاده ایم.برعهده توجزرسانیدن-پیام- نیست،وماچون رحمتی ازجانب خودبه انسان بچشانیم ،بدان شادوسرمست گردد،وچون

به دستاوردپیشینآنها،به آنان بدی رسد،انسان ناسپاسی میکند.

۴۹- فرمانروایی آسمانهاوزمین ازآن خداونداست،هرچه بخواهد می آفریند،به هرکس بخواهدفرزنددختروبه هرکس بخواهدفرزند پسرمیدهد.

۵۰- یاآنهاراپسر-ان-ودختر-انی-توام بایکدیگرمی گرداند،وهرکه رابخواهدعقیم میسازد.اوست دانای توانا.

۵۱- وهیچ بشری رانرسدکه خداوندبااوسخن گویدجز وحی یاازفراسوی حجابی ،یافرستاده ای بفرستدوبه اذن اوهرچه بخواهدوحی نماید.آری اوست بلندمرتبه سنجیده کار.

۵۲- وهمین گونه ،روحی ازامرخودمان به سوی تووحی کردیم تونمی دانستی کتاب چیست ونه ایمان،ولی آن رانوری گردانیدیم که هرکه ازبندگان خودرابخواهیم به وسیله آن

راه می نماییم،وبه راستی که توبه خوبی به راه راست

هدایت میکنی.

۵۳- راه همان خدایی که آنچه درآسمانهاوآنچه درزمین است

ازآن اوست ،هشدار که کارها به خداوندبازمی گردد.

زخرف (زینت)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

حم (حاء ،میم)

۲- سوگندبه کتاب روشنگر.

۳-ماآن راقرآنی عربی قراردادیم،باشدکه بیندیشند.

۴- وهمانا که آن درکتاب اصلی-لوح محفوظ-به نزدماسخت والا

وپرحکمت است.

۵- آیابه-صرف-اینکه شماقومی منحرفید-باید-قرآن را ازشما بازداریم؟

۶- وچه بساپیامبرانی که درگذشتگان روانه کردیم.

۷- وهیچ پیامبری به سوی ایشان نیامد،مگراینکه اورابه ریشخند میگرفتند.

۸- ونیرومندترازآنان رابه هلاکت رسانیدیم وسنّت پیشینیان تکرارشد.

۹- واگرازآنان بپرسی: " آسمانهاوزمین راچه کسی آفریده؟" قطعا خواهندگفت: " آنهاراهمان قادرتواناآفریده است."

۱۰- همان کسی که این زمین رابرای شماگهواره ای گردانیدوبرای شمادرآن راههانهاد،باشدکه راه یابید.

۱۱- وآن کس که آبی به اندازه ازآسمان فرودآورد،پس به وسیله آن،سرزمینی مرده رازنده گردانیدیم،همین گونه-ازگورها-بیرون آورده میشوید.

۱۲- وهمان کسی که جفتهارایکسره آفرید،وبرای شمازکشتی ها ودامها-وسیله ای که سوارشویدقرارداد.

۱۳- تابرپشت آن-ها-قرارگیرید،پس چون برآن-ها-برنشستید،نعمت پروردگارخودرایادکنیدوبگویید: " پاک است کسی که این رابرای مارام کردو-گرنه-مارایارای- رام ساختن-آنهانبود."

۱۴- " وبه راستی که مابه سوی پروردگارمان بازخواهیم گشت."

۱۵- وبرای اوبعضی ازبندگان-خدا-راجزیی-چون فرزندوشریک- قراردادند.به راستی که انسان آشکارابسیارناسپاس است.

۱۶- آیاازآنچه می آفریند،خوددخترانی برگرفته وبه شما پسران رااختصاص داده است؟

۱۷- وچون یکی ازآنان رابه آنچه به-خدای-رحمان نسبت میدهد خبردهند،چهره اوسیاه میگردد،درحالی که خشم وتاسف خودرا فرومیخورد.

۱۸- آیاکسی-راشریک خدامی کنند-که در زرو زیورپروررش یافته ودر-هنگام-مجادله بیانش ناروشن است؟

۱۹- وفرشتگانی راکه خود،بندگان رحمانند،مادینه-ودختران او-پنداشتند.آیادرخلقت آنان حضورداشتند؟گواهی ایشان به زودی نوشته میشودو-ازآن-پرسیده خواهندشد.

۲۰- ومیگویند: " اگر-خدای-رحمان میخواست،آنهارانمی پرستیدیم." آنان به این-دعوی-دانشی ندارند-و-جزحدس نمی زنند.

۲۱- آیابه آنان پیش ازآن-قرآن- کتابی داده ایم که بدان تمسّک میجویند؟

۲۲- (نه)بلکه گفتند: " ماپدران خودرابرآیینی یافتیم وما-هم با-پی گیری ازآنان ،راه یافتگانیم."

۲۳- وبدینگونه درهیچ شهری پیش ازتوهشداردهنده ای نفرستادیم مگرآنکه خوشگذرانان آنان گفتند: " ماپدران خودرابر آیینی-وراهی-یافته ایم ومماازپی ایشان رهسپاریم."

۲۴- گفت: " هرچندهدایت کننده ترازآنچه پدران خودرابرآن یافته اید برای شما بیاورم؟" گفتند: " ما-نسبت-به آنچه بدان فرستاده

شده ایدکافریم."

۲۵- پس،ازآنان انتقام گرفتیم،پس بنگرفرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است.

۲۶- وچون ابراهیم به-نا-پدری خودوقومش گفت: " من واقعاًاز آنچه میپرستیدبیزارم.

۲۷- مگرآن کس که مراپدیدآورد،والبته اومراراهنمایی خواهدکرد."

۲۸- واو آن رادرپی خودسخنی جاویدان کرد،باشدکه آنان-به توحید-بازگردند.

۲۹- بلکه اینان وپدرانشان رابرخورداری دادم تاحقیقت وفرستاده ای آشکاربه سویشان آمد.

۳۰- وچون حقیقت به سویشان آمد،گفتند: " این افسونی است وما منکرآنیم."

۳۱- وگفتند: " چرااین قرآن برمردی بزرگ ازدوشهرنازل نشده است؟"

۳۲- آیاآنانندکه رحمت پروردگارت راتقسیم میکنند؟ما-وسایل-معاش آنان رادرزندگی دنیامیانشان تقسیم کرده ایم،وبرخی از آنان را از-نظر-درجات،بالاترازبعضی قرارداده ایم تابعضی ازآنها بعضی رادرخدمت گیرند،ورحمت پروددگارتوازآنچه آنان می اندوزند بهتراست.

۳۳- واگرنه آن بودکه انسانهاامّتی واحدگردند،قطعا برای خانه های آنان که به رحمان کفرمی ورزیدند،سقفهاونردبانهایی از

نقره که برآنها بالاروندقرارمی دادیم.

۳۴- وبرای خانه هایشان نیزدرهاوتختهایی که برآنهاتکیه زنند.

۳۵- وزر وزیورها.وهمه اینهاجزمتاع زندگی دنیا نیست،وآخرت

پیش پروردگارتو ازآن پرهیزکاران است.

۳۶- وهرکس ازیادرحمان دل بگرداند،براوشیطانی می گماریم

تابرای وی دمسازی باشد.

۳۷- ومسلماآنهاایشان را ازراه بازمی دارندومی پندارندکه راه

یافتگانند.

۳۸- تاآنگاه که اوبه حضورماآید،-خطاب به شیطان-گوید: " ای کاش میان

من وتو،فاصله خاوروباختربود،که چه بد دمسازی

هستی!"

۳۹- وامروزهرگز-پشیمانی-برای شماسودی نمی بخشد،چون

ستم کردید،درحقیقت،شمادرعذاب،مشترک خواهیدبود.

۴۰- پس آیا تومیتوانی کرها راشنواکنی؟،یاکورها وکسی راکه

همواره درگمراهی آشکاری است راه نمایی؟

۴۱- پس اگرماتورابربریم،قطعا ازآنان انتقام میگیریم،

۴۲- یاآنچه رابه آنان وعده داده ایم به تونشان دهیم حتما

برآنان قدرت داریم.

۴۳- پس به آنچه به سوی تووحی شده است چنگ بزن که تو

بر راهی راست قرارداری.

۴۴- وبه راستی که-قرآن-برای تووبرای قوم تونذگری است،وبه

زودی-درموردآن-پرسیده خواهیدشد.

۴۵- وازرسولان ماکه پیش ازتوگسیل داشتیم جویاشو:آیادربرابر رحمان،خدایانی که موردپرستش قرارگیرندمقرّرداشته ایم؟

۴۶- وهمانامو‌سی رابانشانه های خویش به سوی فرعون وسران اوروانه کردیم.پس گفت: " من فرستاده پروددگارجهانیانم."

۴۷- پس چون آیات مارابرای آنان آورد،ناگهان ایشان برآنهاخنده زدند.

۴۸- و-ما-نشانه ای به ایشان نمی نمودیم مگراینکه آن ازنظیر آن بزرگتربود،وبه عذاب گرفتارشان کردیم تامگربه راه آیند.

۴۹- وگفتند: " ای ساحر،پروردگارت رابه آنچه باتوعهد کرده،برای مابخوان،که ماواقعا به راه درست درآمده ایم."

۵۰- وچون عذاب را ازآنهابرداشتیم،بناگاه آنان پیمان شکستند.

۵۱- وفرعون درقوم خودندا در داد-و-گفت: " ای مردم من،آیا پادشاهی مصرواین نهرها که اززیر-کاخهای-من روان است از آن من نیست؟پس مگرنمی بینید؟

۵۲- آیا-نه-من ازاین کس که خودبی مقداراست ونمی تواند درست بیان کندبهترم؟

۵۳- پس چرابراودستبندهایی زرّین آویخته نشده؟یابااوفرشتگانی همراه نیامده اند؟

۵۴- پس قوم خودراسبک مغزیافت-وآنان رافریفت-واطاعتش کردند،چراکه آنهامردمی منحرف بودند.

۵۵- وچون مارابه خشم آوردند،ازآنان انتقام گرفتیم وهمه آنان
راغرق کردیم.
۵۶- وآنان راپیشینه ای-بد-وعبرتی برای آیندگان گردانیدیم.
۵۷- وهنگامی که-درمورد-پسرمریم مثالی آورده شد،بناگاه قوم
توازآن-سخن-هلهله درانداختند-واعراض کردند- .
۵۸- وگفتند: " آیامعبودان مابهترندیااو؟" آن-مثال-راجزازراه
جدل برای تونزدند،بلکه آنان مردمی جدل پیشه اند.

۵۹- (عیسی)جزبنده ای که بر وی منّت نهاده واورابرای
فرزندان اسراییل سرمشق گردانیده ایم نیست.
۶۰- واگربخواهیم قطعا به جای شمافرشتگانی که در-روی-
زمین جانشین -شما-کردندقراردهیم.
۶۱- وهماناآن،نشانه ای برای-فهم-قیامت است،پس زنهاردرآن
تردیدمکن،وازمن پیروی کنید،این است راه راست.
۶۲- ومباداشیطان شماراازراه به دربرد،زیرااوبرای شمادشمنی آشکاراست.
۶۳- وچون عیسی دلایل آشکارآورد،گفت: " به راستی برای شما
حکمت آوردم،وتا درباره بعضی ازآنچه درآن اختلاف میکردید
برایتان توضیح دهم،پس،ازخداوندبترسیدوفرمانم ببرید."
۶۴- درحقیقت،خداونداست که خودپروردگارمن وپروردگارشماست
پس اورابپرستید،این است راه راست.
۶۵- تا-آنکه-ازمیانشان،احزاب دست به اختلاف زدند،پس وای بر

کسانی که ستم کردنداز عذاب روزی دردناک.

۶۶- آیاجز-این-انتظارمیبرندکه قیامت-درحالی که حدس نمی زنند-ناگهان برآنان در رسد؟

۶۷- درآن روز،یاران-جزپرهیزکاران-بعضی شان دشمن بعضی دیگرند.

۶۸- ای بندگان من،امروزبرشما بیمی نیست وغمگین نخواهیدشد.

۶۹- همان کسانی که به آیات مایمان آورده وتسلیم بودند.

۷۰- شماباهمسرانتان شادمانه داخل بهشت شوید.

۷۱- سینی هایی ازطلاوجام هایی دربرابرآنان می گردانند،ودر آنجاآنچه دلهاآن رابخواهندودیدگان راخوش آید-هست-وشما درآن جاودانید.

۷۲- واین است همان بهشتی که به-پاداش-آنچه میکردیدمیراث یافتید.

۷۳- درآنجابرای شمامیوه هایی فراوان خواهدبودکه ازآنها میخورید.

۷۴- بی گمان،مجرمان درعذاب جهنم ماندگارند.

۷۵- (عذاب)ازآنان تخفیف نمی یابدوآنهادرآنجاناامیدند.

۷۶- ومابرایشان ستم نکردیم،بلکه خودستمکاربودند.

۷۷- وفریادکشند: " ای مالک،-بگو-پروردگارت جان مارا بستاند." پاسخ دهد: " شما ماندگارید."

۷۸- قطعا حقیقت رابریتان آوردیم،لیکن بیشترشماحقیقت را خوش نداشتید.

۷۹- یادرکاری ابرام ورزیده اید؟ما-نیز-ابرام می ورزیم.

۸۰- آیامی پندارندکه ماراز آنهاونجوایشان رانمی شنویم؟چرا،

وفرشتگان ماپیش آنان-حاضرندو-ثبت می کنند.

۸۱- بگو: " اگربرای-خدای-رحمان فرزندی بود،خودمن نخستین

پرستندگان بودم."

۸۲- پروردگارآسمانهاوزمین-و-پروردگارعرش،ازآنچه وصف می کنند

منزّه است.

۸۳- پس آنان رارهاکن تادریاوه گویی خودفرورروندوبازی کنند

تاآن روزی راکه بدان وعده داده میشونددیدارکنند.

۸۴- واوست که درآسمان خداونداست ودرزمین خداونداست

وهم اوست سنجیده کاردانا.

۸۵- وخجسته است کسی که فرمانروایی آسمانهاوزمین وآنچه

میان آن دواست ازآن اوست،وعلم قیامت پیش اوست وبه

سوی اوبرگردانیده میشوید.

۸۶- وکسانی که به جای اومیخوانند-ومی پرستند-اختیارشفاعت

ندارند،مگرآن کسانی که آگاهانه به حق گواهی داده باشند.

۸۷- واگرازآنان بپرسی: " چه کسی آنان راخلق کرده؟" مسلما

خواهندگفت: " خداوند" پس چگونه بازگردانیده میشوند؟

۸۸- وگوید: " ای پروردگارمن ،اینها جماعتی اندکه ایمان نخواهندآورد."

۸۹- (وخداوندفرمود:) ازایشان روی برتاب وبگو: " به سلامت"

پس زود باشد که بدانند.

دخان (دود)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

حاء میم

۲- سوگندبه کتاب روشنگر

۳- ماآن رادرشبی فرخنده نازل کردیم،که ما هشداردهنده بودیم.

۴- درآن هرکاری استوارفیصله می یابد.

۵- کاری است ازجانب ما .مافرستنده پیامبران بودیم.

۶- رحمتی ازپروردگارتوست،که اوشنوای داناست.

۷- پروردگارآسمانهاوزمین وآنچه میان آن دواست،اگریقین دارید.

۸- خدایی جزاونیست ،اوزنده میکندومی میراند،پروردگارشماو

پروردگارپدران شماست.

۹- ولی نه، آنها به شک وشبهه خویش سرگرمند.

۱۰- پس درانتظارروزی باش که آسمان دودی آشکاربرمی آورد.

۱۱- که مردم رافرومی گیرد،این است عذاب پردرد.

۱۲- " پروردگارا،این عذاب راازما دفع کن که ما ایمان داریم."

۱۳- آنان راکجا تذکرباشد،وحال آنکه به یقین برای آنان پیامبری روشنگرآمده است.

۱۴- پس،ازاو روی برگرداندندوگفتند: " تعلیم یافته ای دیوانه است."

۱۵- مااین عذاب را اندکی ازشما برمی داریم درحقیقت باز ازسرمی گیرید.

۱۶- روزی که دست به حمله می زنیم،همان حمله بزرگ، ما انتقام کشنده ایم.

۱۷- وبه یقین،پیش ازآنان قوم فرعون رابیازمودیم،وپیامبری بزرگواربرایشان آمد.

۱۸- که: " بندگان خداوند را به من بسپارید،زیراکه من فرستاده ای امین برای شماهستم.

۱۹- وبرخداوندبرتری مجوییدکه من برای شماحجتی آشکارآورده ام.

۲۰- ومن به پروردگارخودوپروردگارشماپناه میبرم ازاینکه مرا سنگسارکنید.

۲۱- واگربه من ایمان نمی آورید،پس ازمن کناره گیرید."

۲۲- پس پروردگارخودراخواندکه : " اینهامردمی گناهکارند.،"

۲۳- (فرمود): " بندگانم راشبانه ببر،زیراشماموردتعقیب واقع خواهیدشد.

۲۴- ودریاراهنگامی که آرام است پشت سربگذار،که آنان سپاهی
غرق شدنی هستند.
۲۵- چه باغها وچشمه سارانی برجای نهادند.
۲۶- وکشتزارهاوجایگاه های نیکو.
۲۷- ونعمتی که ازآن برخورداربودند.
۲۸- این چنین-بود-وآنهارابه مردمی دیگرمیراث دادیم.
۲۹- وآسمان وزمین برآنان زاری نکردندومهلت نیافتند.
۳۰- وبه راستی،فرزندان اسراییل رااز‌عذاب خفّت آوررهانیدیم:
۳۱- ازفرعون که متکبّری ازافراط کاران بود.
۳۲- وقطعا آنان رادانسته برمردم جهان ترجیح دادیم.
۳۳- وازنشانه ها-ی الهی-آنچه راکه درآن آزمایشی آشکاربود،
بدیشان دادیم.
۳۴- هرآینه این-کافران-میگویند:
۳۵- " جزمرگ نخستین،دیگرنیست وما زنده شدنی نیستیم.
۳۶- اگرراست میگویید،پس پدران مارا -باز-آورید.
۳۷- آیاایشان بهترندیاقوم " تبّع " وکسانی که پیش ازآنها بودند؟آنهارا هلاک
کردیم،زیراکه گنهکاربودند.
۳۸- وآسمانهاوزمین وآنچه راکه میان آن دواست به بازی نیافریده ایم،
۳۹- آنهاراجزبه حق نیافریده ایم ،لیکن بیشترشان نمی دانند.
۴۰- درحقیقت،روز" جداسازی" موعدهمه آنهاست.
۴۱- همان روزی که هیچ دوستی ازهیچ دوستی نمیتواندحمایتی

کند،وآنان یاری نمیشوند.

۴۲- مگرکسی راکه خداوندرحمت کرده است،زیراکه اوست همان ارجمندمهربان.

۴۳- آری، درخت زقوم،

۴۴- خوراک گناه کاراست.

۴۵- همانندمس گداخته درشکمهامی گدازد،

۴۶-همانندجوشش آب جوشان.

۴۷- اورابگیریدوبه میان دوزخش بکشانید،

۴۸- آنگاه ازعذاب جوشان برسرش فروریزید.

۴۹- بچش که توهمان ارجمندبزرگواری،

۵۰- این است همان چیزی که درباره آن تردیدمیکردید.

۵۱- به راستی پرهیزکاران درجایگاهی آسوده-هستند-.

۵۲- دربوستانهاوکنارچشمه سارها.

۵۳- پرنیان نازک ودیبای ستبرمی پوشند-و-برابرهم نشسته اند.

۵۴- (آری)چنین -خواهدبود-وآنهاراباحوریان درشت چشم همسر میگردانیم.

۵۵- درآنجاهرمیوه ای را-که بخواهند-آسوده خاطرمی طلبند.

۵۶- درآنجاجزمرگ نخستین، مرگ نخواهندچشیدو-خداوند-آنهارا ازعذاب دوزخ نگاه میدارد.

۵۷-(این) بخششی است ازجانب پروردگارتو،این است همان کامیابی بزرگ.

۵۸- درحقیقت -قرآن-رابرزبان توآسان گردانیدیم،امیدکه پندپذیرند.

۵۹- پس مراقب باش،زیراکه آنان هم مراقبند.

جاثیه (به زانودرآمده)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

حاء ، میم.

۲- نازل نمودن این کتاب ،ازجانب خدای ارجمندسنجیده کار است.

۳- به راستی درآسمانهاوزمین،برای مومنان نشانه هایی هست.

۴- ودرآفرینش خودتان وآنچه ازجنبنده هاپراکنده می گرداند،برای مردمی که یقین دارندنشانه هایی هست.

۵- و-نیزدر-پیاپی آمدن شب وروز ،وآنچه خداونداز روزی از آسمان نازل فرموده وبه-وسیله-آن،زمین راپس ازمرگش زنده گردانیده است،و-همچنین درگردش بادها-به هرسو-برای مردمی که می اندیشندنشانه هایی هست.

۶- این-ها-ست آیات خداوندکه به راستی آن رابرتومیخوانیم پس،بعدازخداوندونشانه های اوبه کدام سخن خواهندگروید؟

۷- وای برهردروغگوی گناه کار.

۸- (که)آیات خداوندبراوخوانده میشود، میشنودوبازبه حال تکبّر -چنانکه گویی آن رانشنیده است-سماجت میورزد.پس اورا از عذابی پردردخبرده.

۹- وچون از نشانه های ماچیزی بداند،آن رابه ریشخندمیگیرد.
آنان عذابی خفّت آورخواهندداشت.
۱۰- پیشاپیش آنهادوزخ است،ونه آنچه راندوخته ونه آن
دوستانی راکه غیرازخداونداختیارکرده اند،به کارشان می آید،
وعذابی بزرگ خواهندداشت.
۱۱- این رهنمودی است ،وکسانی که آیات پروردگارشان راانکار
کردند،برایشان عذابی دردناک ازپلیدی است.
۱۲- خداوندهمان کسی است که دریارابه سودشما رام گردانید
تاکشتیهادرآن به فرمانش روان شوند،وتا ازفزون بخشی او-روزی
خویش را-طلب نمایید،وباشدکه سپاس گزارباشید.
۱۳- وآنچه رادرآسمانهاوآنچه رادرزمین است به سودشمارام کرد،
همه ازاوست.قطعا دراین-امر-برای مردمی که می اندیشندنشانه هایی است.
۱۴- به کسانی که ایمان آورده اندبگوتاازکسانی که به روزهای
-پیروزی-خداونداميد دارنددر گذرند،تا-خداهر-گروهی رابه -سبب-
آنچه مرتکب می شده اندبه مجازات رساند.
۱۵- هرکه کاری شایسته کند،به سودخوداوست،وهرکه بدی کند
به زیانش باشد.سپس به سوی پروردگارتان برگردانیده میشوید.
۱۶- وبه یقین،فرزندان اسراییل راکتاب-تورات-وحکم وپیامبری دادیم
وازچیزهای پاکیزه روزیشان کردیم وآنان رابرمردم روزگار
برتری دادیم.
۱۷- ودلایل روشنی درامر-دین-به آنان عطاکردیم،وجزبعدازآنکه

علم برایشان-حاصل-آمد،-آن هم-ازروی رشک ورقابت میان
خودشان،دستخوش اختلاف نشدند.قطعاپروردگارت روزقیامت
میانشان درباره آنچه اختلاف میکردند،داوری خواهدکرد.
۱۸- سپس تورادرطریقه آیینی-که ناشی-ازامر-خداست-نهادیم.پس
آن راپیروی کن،وهوسهای کسانی راکه نمی دانندپیروی مکن،
۱۹- آنان هرگزدربرابرخداوندازتوحمایت نمی کنند-وبه هیچ وجه
به کارتونمی آیند-وستمگران بعضی شان دوستان بعضی-دیگر-ند
وخداونديار پرهیزکاران است.
۲۰- این-کتاب-برای مردم ،بینش بخش وبرای قومی که یقین
دارند،رهنمودورحمتی است.
۲۱- آیاکسانی که مرتکب کارهای بدشده اندپنداشته اندکه آنان
راماننددکسانی قرارمی دهیم که ایمان آورده وکارهای نیک کرده اند-به
طوری که-زندگی آنهاومرگشان یکسان باشد؟چه بد داوری
می کنند.
۲۲- وخداوندآسمانهاوزمین رابه حق آفریده است،وتاهرکسی به
-موجب-آنچه به دست آورده پاداش یابد،وآنان موردستم قرار
نخواهندگرفت.
۲۳- پس آیادیدی کسی راکه هوس خویش رامعبودخودقرارداده
وخداونداورادانسته گمراه گردانیده وبرگوش اوو دلش مهر زده
وبردیده اش پرده نهاده است؟آیاپس ازخداوندچه کسی اوراهدایت
خواهدکرد؟آیاپندنمی گیرید؟

۲۴- وگفتند: " غیراززندگانی دنیای ما-چیزدیگری نیست-می میریم وزنده میشویم،ومارا‌جزطبیعت هلاک نمی کند." و-لی-
به این -مطلب-هیچ دانشی ندارند-و-جز-طریق-گمان نمی سپرند.
۲۵- وچون آیات روشن مابرآنان خوانده شود،دلیلشان همواره جزاین نیست که میگویند: " اگرراست میگوییدپدران مارا-حاضر-آورید."
۲۶- بگو: " خداوند-است که-شمارا زندگی می بخشد،سپس می میراند،آنگاه شمارابه سوی روزرستاخیز-که تردیدی درآن نیست-گردمی آورد،ولی بیشترمردم-این را-نمی دانند."
۲۷- وفرمانروایی آسمانهاوزمین ازآن خداونداست،وروزی که قیامت برپاشود،آن روز است که باطل اندیشان زیان خواهندديد.
۲۸- وهرامّتی رابه زانودرآمده میبینی ،هرامّتی به سوی کارنامه خودفراخوانده میشود-وبدیشان میگویند: - " آنچه رامی کردید امروزپاداش می یابید.
۲۹- این است کتاب ما که علیه شمابه حق سخن میگوید.مااز آنچه می کردید،نسخه برمی داشتیم."
۳۰- واما کسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند،پس پروردگارشان آنان رادرجواررحمت خویش داخل میگرداند.این همان کامیابی آشکاراست.
۳۱- واماکسانی که کافرشدند-بدانهامی گویند: - " پس مگرآیات من برشماخوانده نمیشد؟و-لی-تکبّرنمودیدومردمی بدکاربودید."

۳۲- وچون گفته شد: " وعده خداوندراست است وشگی در
قیامت نیست " گفتید: " مانمی دانیم قیامت چیست.جزگمان
نمی ورزیم ومایقین نداریم،"

۳۳- و-حقیقت-بدیهایی که کرده اند،برآنان پدیدارمیشودوآنچه
راکه بدان ریشخندمی کردند،آنان رافرومی گیرد.

۳۴- وگفته شود: " همان گونه که دیدارامروزتان رافراموش
کردید،امروزشمارافراموش خواهیم کرد،وجایگاهتان درآتش
است وبرای شما یاورانی نخواهدبود."

۳۵- این بدان سبب است که شماآیات خداوندرابه ریشخند
گرفتیدوزندگی دنیافریبتان داد.پس امروزنه ازاین-آتش-بیرون
آورده میشوند،ونه عذرشان پذیرفته میگردد.

۳۶- پس سپاس ازآن خداست ،پروردگارآسمانهاوپروردگارزمین
،پروردگارجهانها.

۳۷- ودرآسمانهاوزمین،بزرگی ازآن اوست! واوست شکست ناپذیر
سنجیده کار.

احقاف (سرزمین احقاف)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

حاء ، میم.

۲- فروفرستادن این کتاب ازجانب خداوندارجمندحکیم است.

۳- آسمانهاوزمین وآنچه راکه میان آن دواست راجزبه حق و زمانی معیّن نیافریدیم،وکسانی که کافرشده اند،ازآنچه هشدار داده شده اندرویگردانند.

۴- بگو: " به من خبردهید،آنچه رابه جای خداوندفرامیخوانید به من نشان دهیدکه چه چیزی اززمین آفریده یاآنان رادر-کار- آسمانهامشارکتی است؟اگرراست میگویید،کتابی پیش ازاین-قرآن- یا بازمانده ای ازدانش نزدمن آورید."

۵- وکیست گمراه ترازکسی که به جای خداوندکس دیگری را صدامیزند ، همان که تاروزقیامت هم جواب اورا نخواهدداد، وآنهاازدعای اینان بی خبرند.

۶- وچون انسانهامحشورگردند،دشمنان آنان باشندوبه عبادتشان انکارورزند.

۷- وچون آیات روشن مابرایشان خوانده شود،آنان که چون حقیقت به سویشان آمدمنکرآن شدند،گفتند:" این سحری آشکار است."

۸- یامیگویند: " این-کتاب-رابربافته است." بگو: " اگرآن رابربافته

باشم،دربرابرخداونداختیارچیزی برای من ندارید.اوآگاه تراست به
آنچه-باطعنه-درآن فرومیروید.گواه بودن اومیان من وشما بس است،واوست
آمرزنده مهربان."
۹- بگو: " من از-میان-پیامبران،نودرآمدی نبودم ونمی دانم بامن وشماچه
معامله ای خواهدشد،جزآنچه که به من وحی میشودرا
پیروی نمی کنم،ومن جز هشداردهنده ای آشکارنیستم."
۱۰- بگو: " به من خبردهید،اگراین-قرآن-ازنزدخداوندباشدوشمابدان
کافرشده باشیدوشاهدی ازفرزندان اسراییل به مشابهت آن-باتورات-گواهی
داده وایمان آورده باشد،وشماتکبّرنموده باشید
-آیاباز هم شماستمکارنیستید؟-البته خداوندقوم ستمکاررا هدایت
نمی کند."
۱۱- وکسانی که کافرشدند،به آنان که گرویده اندگفتند: " اگر
-این دین-خوب بود،برمابدان پیشی نمی گرفتند." وچون بدان
هدایت نیافته اند،به زودی خواهندگفت: " این دروغی قدیمی
است."
۱۲- و-حال آنکه-پیش ازآن،کتاب موسی،راهبرو-مایه-رحمتی بود،
واین-قرآن-کتابی است به زبان عربی که تصدیق کننده-آن-است،
تاکسانی راکه ستم کرده اندهشداردهدوبرای نیکوکاران بشارتی
باشد.
۱۳- محققاکسانی که گفتند: " پروردگارماخداونداست" سپس
ایستادگی گردند،بیمی برآنان نیست وغمگین نخواهندشد.

۱۴- ایشان اهل بهشتندکه به پاداش آنچه انجام می دادند
جاودانه درآن می مانند.
۱۵- وانسان را-نسبت-به پدرومادرش به احسان سفارش کردیم.
مادرش باتحمل رنج به اوباردارشدوباتحمّل رنج اورابه دنیاآورد.
وباربرداشتن وازشیرگرفتن اوسی ماه است،تاآنگاه که به رشد
کامل خودبرسدوبه چهل سال برسد،میگوید: " پروردگارا،بردلم
بیفکن تانعمتی راکه به من وپدرومادرم ارزانی داشته ای سپاس گویم
وکارشایسته ای انجام دهم که آن راخوش داری،
وفرزندانم رابرایم شایسته گردان ،درحقیقت،من به درگاه تو
توبه آوردم ومن ازفرمان پذیرانم."
۱۶- اینان هستندکسانی که بهترین آنچه راکه انجام داده اند
ازایشان خواهیم پذیرفت وازبدیهایشان درخواهیم گذشت،در-زمره-بهشتیان
هستند،-همان-وعده راستی که بدانان وعده داده میشده است.
۱۷- وآن کس که به پدرومادرخودگوید: " اف برشما،آیابه من وعده میدهیدکه
زنده خواهم شدوحال آنکه پیش ازمن نسلها
سپری-ونابود-شدند." وآن دوبه-درگاه-خداوندزاری می کنند: " وای
برتو،ایمان بیاور.وعده خداوندحق است." و-لی پسر-پاسخ میدهد
: " اینهاجزافسانه های گذشتگان نیست."
۱۸- آنان کسانی هستندکه گفتار-خدا-علیه ایشان-همراه باامتهایی
ازجنیان وآدمیان که پیش ازآنان روزگاربسربردند- به حقیقت
پیوست،بی گمان آنان زیانکاربودند.

۱۹- وبرای هریک در-نتیجه-آنچه انجام داده اندررجاتی است،وتا
-خداوندپاداش-اعمالشان راکامل بدهد،وآنان موردستم قرارنخواهندگرفت.
۲۰- وآن روزکه آنهایی راکه کفرورزیده اند،برآتش عرضه میدارند
-به آنان میگویند: - " نعمتهای پاکیزه خودرادرزندگی دنیایتان
-خودخواهانه-صرف کردیدوازآنهابرخوردارشدید،پس امروزبه-سزای-
آنکه درزمین به ناحق سرکشی می نمودیدوبه سبب آنکه نافرمانی می
کردید،به عذاب خفّت -آور-کیفرمی یابید."
۲۱- وبرادر عادیان رابه یادآور،آنگاه که قوم خویش رادر
ریگستان بیم داد،درحالی که پیش ازاو وپس ازاوقطعاهشدار
دهندگانی گذشته بودند،که : " جزخداوندرانپرستید،واقعا من بر
شماازعذاب روزی هولناک میترسم."
۲۲- گفتند: آیاآمده ای که مارااززخدایانمان برگردانی؟پس اگرراست میگویی،
آنچه به ماوعده میدهی-برسرمان-بیاور."
۲۳- گفت: " علم فقط نزدخداونداست،وآنچه رابدان فرستاده
شده ام به شما میرسانم،ولی من شمارااگروهی میبینم که درجهل
اصرارمیورزید."
۲۴- پس چون آن-عذاب-را-به صورت-ابری روی آورنده به
سوی وادیهای خود دیدند،گفتند: " این ابری است که بارش
دهنده ماست." -هودگفت: " نه-بلکه همان چیزی است که با
شتاب خواستارش بودید،بادی است که درآن عذابی پردرد-
نهفته- است.

۲۵- همه چیزرابه دستور پروردگارش ریشه کن می کند."
۲۶- وبه راستی درچیزهایی به آنان امکانات داده بودیم که به شمادرآنها امکاناتی نداده ایم،وبرای آنان گوش ودیده ها ودلهایی-نیرومندترازشما-قرارداده بودیم،و چون به نشانه های خداوندانکارورزیدند گوششان ونه دیدگانشان ونه دلهایشان ،به هیچ وجه به دردشان نخورد،وآنچه ریشخندش می کردندبه سرشان آمد.
۲۷- وبی گمان همه شهرهای پیرامون شماراهلاک کرده وآیات خودرا گوناگون بیان داشته ایم، باشد که آنان بازگردند.
۲۸- پس چراآن کسانی راکه غیرازخدابه منزله معبودانی برای تقرّب-به خداوند-اختیارکرده بودند،آنهارا یاری نکردند،بلکه ازدستشان دادند؟واین بود دروغ آنان وآنچه برمی بافتند.
۲۹- وچون تنی چندازجن رابه سوی توروانه کردیم که قرآن رابشنوند،پس چون برآن حاضرشدند-به یکدیگر-گفتند: " گوش فرادهید." وچون به انجام رسید هشداردهنده به سوی قوم خودبازگشتند.
۳۰- گفتند: " ای قوم ما، ماکتابی راشنیدیم که بعدازموسی نازل شده-و-تصدیق کننده-کتابهای-پیش ازخوداوست.وبه سوی حق وبه سوی راهی راست راهبری میکند.
۳۱- ای قوم ما،دعوت کننده خداوندرا پاسخ دهیدوبه اوایمان آوریدتا-خدا-برخی ازگناهانتان رابرشماببخشایدوازعذابی پردرد

پناهتان دهد.

۳۲- وکسی که دعوت کننده خداوندرااجابت نکند،درزمین عاجز
کننده -خدا-نیست ودربرابراو اولیایی ندارد،آنها درگمراهی آشکاری هستند.

۳۳- مگرندانسته ایدکه آن خدایی که آسمانهاوزمین را آفریده
ودرآفریدن آنهادرمانده نگردیده ، قادراست مردگان رازنده کند؟
آری اوست که برهر چیزی تواناست.

۳۴- وروزی که کافران برآتش عرضه میشوند-ازآنان میپرسند: -
" آیا این راست نیست؟" میگویند: " سوگندبه پروردگارمان
که آری." میفرماید: " پس به -سزای-آنکه انکارمی کردیدعذاب
رابچشید."

۳۵- پس همان گونه که پیامبران نستوه صبرکردند،صبرکن،وبرای
آنان عجله به خرج مده.روزی که آنچه راوعده داده میشوند
بنگرند،گویی که آنان جزساعتی ازروز را-دردنیا-نمانده اند،-این-
ابلاغی است ،پس آیاجزمردم نافرمان هلاکت خواهندیافت؟

محمّد

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

کسانی که کفرورزیدندو ازراه خداوندبازداشتند،-خداوند-اعمال
آنان راتباه خواهدکرد.
۲- وآنان که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اندوبه آنچه بر
محمّد(ص) نازل آمده ایمان آورده اند-که آن خودحق وازجانب
پروردگارشان است-خدانیز-بدیهایشان رازدود وحالشان رابهبودبخشید.
۳- این بدان سبب است که آنان که کفرورزیدند،ازباطل پیروی
کردندوکسانی که ایمان آوردندازهمان حق-که ازجانب پروردگارشان
است-پیروی کردند.اینگونه خداوندبرای مردم مثالهایش را میزند.
۴- پس چون باکسانی که کفرورزیده
اندبرخوردکنید،گردنها-یشان-رابزنید.تاچون آنان راازپای درآوردید،پس-
اسیران
را-استواردربندکشید،سپس یا-برآنان-منت نهید-وآزادشان کنید-
ویافدیه-ازایشان بگیرید-.تادرجنگ،اسلحه برزمین گذاشته شود.
این است-دستورخدا-واگرخدامیخواست ازایشان انتقام می کشید
ولی-فرمان پیکارداد-تابرخی ازشمارابه وسیله برخی بیازمایدو
کسانی که درراه خداکشته شده اند،هرگزکارهایشان راضایع
نمی کند.
۵- به زودی آنان را راه مینمایدوحالشان رانیکومیگرداند.
۶- ودربهشتی که برای آنان وصف کرده،آنان رادرمی آورد.
۷- ای کسانی که ایمان آورده اید،اگرخدارایاری کنیدخداوند
یاریتان می کندوگامهایتان را استوارمیدارد.

۸- وکسانی که کفرورزیدند،نگونساری برآنان باد،و-خداوند-
اعمالشان رابربادداد.
۹- این بدان سبب است که آنان آنچه راخدانازل کرده است
خوش نداشتند،و-خدانیز-کارهایشان راباطل کرد.
۱۰- مگردرزمین نگشته اندتاببینندفرجام کسانی راکه پیش ازآنان
بودندکه به کجا انجامیده است؟خداوندزیروزبرشان کردوکافران
رانظایر-همین کیفرهادرپیش-است.
۱۱- چراکه خداوند مولای کسانی است که ایمان آورده اند،ولی
کافران رامولایی نیست.
۱۲- خداوندکسانی راکه ایمان آورده اندوکارهای نیک انجام داده
اند،درباغهایی که اززیرآنهانهرها روان است درمی آورد،و-حال
آنکه-کسانی که کافرشده اند-درظاهر-بهره میبرندو همان گونه که چهارپایان
میخورند آنها هم میخورند،و-لی-جایگاه آنها آتش است.
۱۳- وبساشهرهاکه نیرومندترازآن شهری بودکه تورابیرون راند،که
ماهلاکشان کردیم وبرای آنهایاوری نبود.
۱۴- آیاکسی که برحجتی ازجانب پروردگارخویش است،چون
کسی است که بدی کردارش برای اوزیباجلوه داده شده وهوسهای
خودراپیروی کرده اند؟
۱۵- مثل بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده-چون باغی
است که-درآن نهرهایی است ازآبی که-رنگ وبو وطعمش-برنگشته
وجویهایی ازشیری که مزه اش دگرگون نشود

ورودهایی ازباده ای که برای نوشندگان لذتی است ،وجویبارهایی ازانگبین
ناب،ودرآنجازهرگونه میوه برای آنان
-فراهم-است و-ازهمه بالاتر-آمرزش پروردگارآنهاست.-آیاچنین
کسی درچنین باغی دل انگیز-مانندکسی است که جاودانه در
آتش است وآبی جوشان به خوردشان داده میشود-تا-روده هایشان راازهم
فروپاشد؟
۱۶- وازمیان-منافقان-کسانی هستندکه-درظاهر-به-سخنان-توگوش
میدهند،ولی چون ازنزدتوبیرون میروند،به دانش یافتگان میگویند: " هم
اکنون چه گفت؟" همانان هستندکه خداوندبردلهایشان مُهرنهاده است
وازهوسهای خودپیروی
کرده اند.
۱۷- و-لی-آنان که به هدایت گراییدند-خداوند-آنان راهرچه
بیشترهدایت بخشیدو-توفیق-پرهیزکاری شان داد.
۱۸- آیا-کافران-جزاین انتظارمیبرندکه رستاخیزبه ناگاه برآنان
فرارسد؟وعلامات آن اینک پدیدآمده است،پس اگر-قیامت-
برآنان دررسد،دیگرجای اندرزشان نیست؟
۱۹- پس بدان که هیچ معبودی جزخداوندنیست،وبرای گناه
خویش آمرزش خواه،وبرای مردان وزنان باایمان-طلب مغفرت
کن-وخداونداست که فرجام وپایان شمارامی داند.
۲۰- وکسانی که ایمان آورده اندمیگویند: " چراسوره ای-درباره
جهاد-نازل نمیشود؟" اماچون سوره ای صریح نازل شدودرآن

نام کارزارآمد،آنان که دردلهایشان مرضی هست،مانندکسی که
به حال بیهوشی مرگ افتاده به تومی نگرند.
۲۱- (ولی)فرمان پذیری وسخنی شایسته برایشان بهتراست،وچون
کاربه تصمیم کشد،قطعا خیرآنان دراین است که با خداوند
صادق باشند.
۲۲- پس-ای منافقان-آیاامیدبستیدکه چون-ازخداوند-برگشتید
-یاسرپرست مردم شدید-در-روی-زمین فسادکنیدوخویشاوندیهای
خودراازهم بگسلید؟
۲۳- اینان همان کسانندکه خداوندآنان رالعنت نموده و-گوش دل-
ایشان راناشنوا وچشمهایشان رانابیناکرده است.
۲۴- آیابه آیات قرآن نمی اندیشند؟یا بردلهایشان قفلهایی نهاده
شده است؟
۲۵- بیگمان کسانی که پس ازآنکه-راه-هدایت برآنان روشن شد
-به حقیقت-پشت کردند،شیطان آنان رافریفت وبه آرزوهای دورو
درازشان انداخت.
۲۶- چراکه آنان به کسانی که آنچه راخداوندنازل کرده خوش
نمی داشتند،گفتند: " مادرکار-مخالفت-تاحدودی ازشما اطاعت خواهیم
کرد."وخداوند ازهمداستانی آنان آگاه است.
۲۷- پس چگونه-تاب می آورند-وقتی که فرشتگان-عذاب- جانشان رامی
ستانندوبرچهره وپشت آنان تازیانه می نوازند؟
۲۸- زیراآنان ازآنچه خداوندرابه خشم آورده پیروی کرده اند

وخرسنديش راخوش نداشتند،پس اعمالشان راباطل گردانید.

۲۹- آیاکسانی که دردلهایشان مرضی هست ،پنداشتندکه خداوند هرگزکینه آنان را آشکارنخواهدکرد؟

۳۰- واگربخواهیم قطعاآنان رابه تومی نمایانیم،درنتیجه ایشان رابه سیمای-حقیقی-شان می شناسی وازآهنگ سخن به-حال-آنان پی خواهی برد،وخداست که کارهای شمارامیداند.

۳۱- والبته شمارامی آزماییم تامجاهدان وشکیبایان شماراباز شناسانیم،وگزارشهای-مربوط به-شماراسیدگی کنیم.

۳۲- کسانی که کافرشدندو-مردم را-ازراه خداوندبازداشتندوپس ازانکه راه هدایت برآنان آشکارشد،باپیامبر-خدا-درافتادند،هرگزبه خدا گزندی نمی رسانند،وبه زودی-خدا-کرده هایشان راتباه خواهدکرد.

۳۳- ای کسانی که ایمان آورده اید،خدارااطاعت کنیدوازپیامبر -اونیز-اطاعت نمایید،واعمال خودراتباه مکنید.

۳۴- آنان که کفرورزیدندومانع راه خداشدند،سپس درحال کفر مردند،هرگزخداونداز آنان درنخواهدگذشت.

۳۵- پس سستی نورزیدو-کافران را-به آشتی مخوانید-که-شما برتریدوخداوندباشماست واز-ارزش-اعمالتان هرگزنخواهدکاست.

۳۶- زندگی این دنیالهو ولعبی بیش نیست واگرایمان بیاورید وپروابدارید-خدا-پاداش شمارامیدهدواموالتان رانمی خواهد.

۳۷- اگر-اموال-شمارابخواهدوبه اصرارازشماطلب کندبخل می

ورزید،وکینه های شمارابرملا می کند.

۳۸- شماهمان هستیدکه برای انفاق درراه خدافراخوانده شده اید.پس برخی ازشما بخل می ورزند،وهرکس بخل ورزد تنها
به زیان خودبخل ورزیده ،و-گرنه-خداوندبی نیازاست وشما محتاجید،واگرروی برتابید-خدا-جای شمارابه مردمی غیرازشما خواهددادکه مانندشمانخواهندبود.

فتح (پیروزی)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

مابه توپیروزی بخشیدیم، پیروزی آشکاری.

۲- تاخداوندازگناه گذشته وآینده تودرگذردونعمت خودرابرتوتمام
گرداندوتورابه راهی راست هدایت کند.
۳- وتورابه نصرتی ارجمندیاری نماید.
۴- اوست آن که دردلهای مومنان آرامش رافروفرستادتاایمانی
برایمان خودبیفزایند،وسپاهیان آسمانهاوزمین ازآن خداونداست
وخداهمواره دانای سنجیده کاراست.
۵- تامردان وزنانی راکه ایمان آورده انددرباغهایی که اززیرآن
جویبارهاروان است،درآوردودرآن جاودان بدارد.وبدیهایشان راازآنان
بزداید،واین درپیشگاه خداوند کامیابی عظیم است.
۶- و-تا-مردان وزنان منافق ومردان وزنان مشرک راکه به خدا
گمان بدبرده اندعذاب کند،بد زمانه برآنان باد.وخداوندبر ایشان
خشم نموده ولعنتشان کرده وجهنم رابرای آنان آماده گردانیده
و-چه-بدسرانجامی است.
۷- وسپاهیان آسمانهاوزمین ازآن خداونداست ،وخداوندهمواره
شکست ناپذیرسنجیده کاراست.
۸- ماتورا شاهدوبشارتگرو هشداردهنده ای فرستادیم.
۹- تابه خداوندوفرستاده اش ایمان آوریدواورا یاری کنیدو
ارجش نهید،و-خداوند-رابامدادان وشامگاهان به پاکی بستایید.
۱۰- درحقیقت،کسانی که باتوبیعت می کنند،جزاین نیست که با
خدابیعت می کنند،دست خدابالای دستهای آنان است.پس هرکه
پیمان شکنی کند،تنهابه زیان خودپیمان می شکند،وهرکه برآنچه

باخداعهدبسته وفاداربماند،به زودی خداوندپاداشی بزرگ به او
می بخشد.
۱۱- برجای ماندگان اعراب به زودی به توخواهندگفت: " اموال
ماوکسانمان مارااگرفتارکردند،برای ماآمرزش بخواه." چیزی راکه
دردلهایشان نیست برزبان خویش می رانند.بگو: " اگرخداوندبخواهدبه شما
زیانی یاسودی برساندچه کسی دربرابر
اواختیارچیزی رادارد؟بلکه-این-خداست که به آنچه میکنید
همواره آگاه است.
۱۲- (نه چنان بود)بلکه پنداشتیدکه پیامبرومومنان هرگزبه خانمان
خودبرنخواهندگشت،واین-پندار-دردلهایتان نمودی خوش یافت،
وگمان بد کردید،وشما مردمی درخورهلاکت بودید."
۱۳- وهرکس به خداوندوپیامبراو ایمان نیاورده است -بداندکه-
مابرای کافران آتشی سوزان آماده کرده ایم.
۱۴- وفرمانروایی آسمانهاوزمین ازآن خداست: هرکه رابخواهد
میبخشایدوهرکه رابخواهدعذاب میکندوخداوند همواره آمرزنده
مهربان است.
۱۵- چون به-قصد-گرفتن غنائم روانه شدید،به زودی برجای ماندگان
خواهندگفت: " بگذاریدما-هم-به دنبال شمابیاییم."
-اینگونه-میخواهنددستورخداوندرادگرگون کنند.بگو: " هرگزاز
پی مانخواهیدآمد.آری،خداونداز پیش درباره شماچنین فرموده."
پس به زودی خواهندگفت: " (نه)بلکه برمارشک می برید."

(نه چنین است) بلکه جزاندکی درنمی یابند.

۱۶- به برجای ماندگان اعراب بگو: " به زودی به سوی قومی سخت زورمنددعوت خواهیدشدکه باآنان بجنگیدیااسلام آورند. پس اگرفرمان بریدخداوندشماراپاداش نیک میبخشد.واگر-همچنان که پیشترپشت کردید-(بازهم) روی بگردانید،شمارابه عذابی پردردمعذّب میدارد."

۱۷- برنابینا گناهی نیست وبرلنگ گناهی نیست وبربیمارگناهی نیست-که درجهادشرکت نکنند.-وهرکس خداوندوپیامبراورا فرمان برد،وی را درباغهایی گه اززیرآن نهرهایی روان است درمی آورد. وهرکس روی برتابد،به عذابی دردناک معذّبش میدارد.

۱۸- به راستی خداوندهنگامی که مومنان ،زیرآن درخت باتوبیعت می کردنداز‌آنان خشنودشد،وآنچه دردلهایشان بودبازشناخت وبرآنان آرامش فروفرستادوپیروزی نزدیکی به آنها پاداش داد.

۱۹- و-نیز-غنیمتهای فراوانی خواهندگرفت،وخداوندهمواره نیرومند سنجیده کاراست.

۲۰- وخداوندبه شما غنیمتهای فراوان وعده داده که به زودی آنهاراخواهیدگرفت،واین-پیروزی-رابرای شما پیش انداخت،ودستهای انسانهارا ازشما کوتاه ساخت،وتا برای مومنان نشانه ای باشدوشما رابه راه راست هدایت کند.

۲۱- و-غنیمتهای-دیگر-ی نیزهست-که شمابرآنهادست نیافته اید-و-

خداوندبرآنهانیک احاطه دارد،وهمواره خداوندبرهرچیزی تواناست.
۲۲- واگرکسانی که کافرشدندبه جنگ باشمابرخیزند،قطعاپشت
خواهندکرد،ودیگریارویاوری نخواهندیافت.
۲۳- سنّت الهی ازپیش همین بوده ،ودرسنّت الهی هرگزتغییری
نخواهی یافت.
۲۴- واوست همان کسی که دردل مکّه-پس ازپیروزکردن
شمابرآنان-دستهای شماراازایشان کوتاه گردانیدوخداوندهمواره
به آنچه انجام میدهید بیناست.
۲۵- آنهابودندکه کفرورزیدندوشماراازمسجدالحرام بازداشتندو
نگذاشتندقربانی-شما-که بازداشته شده بودبه محلّش برسد
واگر-درمکه-بی آنکه آنان رابشناسیدندانسته پایمالشان کنید
وتاوانشان برشمابماند-فرمان حمله به مکه می دادیم-تاخداوند
هرکه رابخواهددرجواررحمت خویش درآورد.اگر-کافرومومن-ازهم
متمایزمیشدند،قطعاکافران رابه عذاب دردناکی معذب میداشتیم.
۲۶- آنگاه که کافران دردلهای خودتعصّب-آن هم-تعصّب جاهلیت
ورزیدند،پس خداوندآرامش خودرابرفرستاده خویش وبرمومنان
فروفرستاد،وآرمان تقواراملازم آنان ساخت.و-درواقع-آنان به-رعایت-آن-
آرمان سزاوارتروشایسته-انصاف به-آن بودند،وخداوندهمواره برهرچیزی
داناست.
۲۷- حقّا خداوندرویای پیامبرخودراتحقّق بخشید-که دیده بود-
: شمابدون شک به خواست خدادرحالی که سرتراشیده وموی

-وناخن-کوتاه کرده اید،باخاطری آسوده درمسجدالحرام درخواهید
آمد.خداوندآنچه راکه نمی دانستیددانست،وغیرازاین،پیروزی
نزدیکی-برای شما-قرارداد.
۲۸- اوست کسی که پیامبرخودرابه-قصد-هدایت،با آئین درست روانه
ساخت،تاآن رابرتمام ادیان پیروزگرداندوگواه بودن خداوند
کفایت می کند.
۲۹- محمّد-ص-پیامبرخداست وکسانی که بااوهستند،برکافران سختگیربا
همدیگرمهربانند؟آنان رادررکوع وسجودمیبینی.فضل
وخشنودی خداوندراخواستارند.علامت-مشخصه- آنان براثرسجود
درچهره هایشان است.این صفت ایشان است درتورات ومثل آنهادرانجیل
چون کشته ای است که جوانه خودبرآوردوآن را
مایه دهدتاستبرشودوبرساقه های خودبایستدودهقانان رابه
شگفت آورد،تااز-انبوهی-آنان-خدا-کافران رابه خشم دراندازد.خداوندبه
کسانی ازآنان که ایمان آورده وکارهای
شایسته کرده اند،آمرزش وپاداش بزرگی وعده داده است.

حجرات (حجره ها)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

ای کسانی که ایمان آورده اید،دربرابرخداوندوپیامبرش-در

هیچ کاری-پیشی مجوییدوازخداوندپروابداریدکه خداوندشنوای

داناست.

۲- ای کسانی که ایمان آورده اید،صدایتان رابلندترازصدای پیامبرنکنید،وهمچنانکه بعضی ازشمابابعضی دیگربلندسخن میگوییدبااوبه صدای بلندسخن مگویید،مبادا بی آنکه بدانید اعمالتان تباه شود.

۳- کسانی که پیش پیامبرخداصدایشان رافرومی کشندهمان کسانی هستندکه خداونددلهایشان رابرای پرهیزکاری امتحان کرده است،آنان راآمرزش وپاداشی بزرگ است.

۴- کسانی که تورا ازپشت اتاقها به فریادمی خوانند،بیشترشان نمی فهمند.

۵- واگرصبرکنندتابرآنان درآیی مسلمابرایشان بهتراست وخداوند آمرزنده ومهربان است.

۶- ای کسانی که ایمان آورده اید،اگرفاسقی برایتان خبری آورد نیک وارسی کنید،مبادابه نادانی گروهی راآسیب برسانیدو -بعد-ازآنچه کرده ایدپشیمان شوید.

۷- وبدانیدکه پیامبرخدادرمیان شماست.اگردربسیاری ازکارها از-رای ومیل-شماپیروی کند،قطعادچارزحمت میشوید،لیکن خداوند ایمان رابرای شما دوست داشتنی گردانیدوآن رادردلهای شمابیاراست وکفروپلیدکاری وسرکشی رادرنظرتان ناخوشایندساخت.آنان -که چنین هستند-راه یافتگانند.

۸- (واین)بخششی ازخداونعمتی-ازاوست-وخداونددانای سنجیده

کاراست.
۹- واگردوطایفه ازمومنان باهم بجنگند،میان آن دوررااصلاح
دهید،واگر-باز-یکی ازآن دوبردیگری تعدّی کرد،باآن-طایفه ای-
که تعدّی میکندبجنگیدتابه فرمان خداوندبازگردد.پس اگربازگشت
میان آنهارادادگرانه سازش دهیدوعدالت کنید،که خداوند
دادگران را دوست میدارد.
۱۰- درحقیقت مومنان باهم برادرند،پس میان برادرانتان راسازش
دهیدوازخداوندپروابدارید،امیدکه موردرحمت قرارگیرید.
۱۱- ای کسانی که ایمان آورده اید،نبایدقومی قوم دیگررا مسخره
کنند،شایدآنهاازاینهابهترباشند،ونبایدزنانی زنان -دیگر-
را-مسخره کنند-،شایدآنهاازاینهابهترباشند،وازیکدیگرعیب مگیرید،
وبه همدیگرلقبهای زشت مدهید،چه ناپسندیده است نام زشت
پس ازایمان،وهرکه توبه نکردآنان خودستمکارند.
۱۲- ای کسانی که ایمان آورده اید،ازبسیاری ازگمانها بپرهیزید
که پاره ای ازگمانها گناه است،وجاسوسی نکنیدوبعضی ازشما
غیبت بعضی نکنند،آیاکسی ازشمادوست داردکه گوشت برادر
مرده اش رابخورد؟ازآن کراهت دارید.-پس-ازخدابترسید،که خدا
توبه پذیرمهربان است.
۱۳- ای مردم،ماشمارا ازمردوزنی آفریدیم وشماراملت ملت وقبیله قبیله
گردانیدیم تابایکدیگرشناسایی متقابل حاصل کنید.
درحقیقت ارجمندترین شمانزدخداپرهیزکارترین شماست،بی تردید،

خداونددانای آگاه است.

۱۴- (برخی از)اعراب گفتند: " ایمان آوردیم." بگو: " ایمان نیاورده اید،لیکن بگویید:اسلام آوردیم،وهنوز دردلهای شما ایمان داخل نشده است.واگرخداوپیامبراورا فرمان بریداز-ارزش-اعمالتان چیزی کم نمی کند.خداوندآمرزنده مهربان است."

۱۵- درحقیقت، مومنان کسانی هستندکه به خداوندوپیامبراو گرویده و شک نیاورده وبامال وجانشان درراه خداوندجهاد کرده اند،اینان هستندکه راست کردارند.

۱۶- بگو: " آیاخداوندراازدین خودخبرمی دهید؟وحال آنکه خداوند همه آنچه را که درزمین است میداند،وخداوندبه همه

چیزداناست.

۱۷- ازاینکه اسلام آورده اندبرتومنّت می نهند،بگو: " برمن از اسلام آوردنتان منّت مگذارید،بلکه خداونداست که با هدایت نمودن شما به ایمان،برشما منت می گذارد،اگرراستگوباشید.

۱۸- خداونداست که پنهان آسمانها وزمین رامی داندوخداوند به آنچه می کنید بیناست."

ق (قاف)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

قاف ،سوگندبه قرآن باشکوه.

۲- (که آنان که نگرویدند) بلکه ازاینکه هشداردهنده ای ازخودشان برایشان

آمد،درشگفت شدندوکافران گفتند: " این

-محمّدص وحکایت معاد-چیزی عجیب است."

۳- "ایاچون مُردیم وخاک شدیم-زنده میشویم-این بازگشتی بعیداست."

۴- قطعادانسته ایم که زمین-چه مقدار-ازاجسادشان فرومیکاهد وپیش ماکتاب ضبط کننده ای هست.

۵- (نه)بلکه حقیقت را،وقتی برایشان آمد،دروغ خواندند،وآنهادر کاری سردرگم-مانده-اند.

۶- مگربه آسمان بالای سرشان ننگریسته اندکه چگونه آن راساخته وزینتش داده ایم وبرای آن هیچ گونه شکافتگی نیست.

۷- وزمین راگستردیم ودرآن لنگر-آساکوه -هافروافکندیم ودرآن ازهرگونه جفت دل انگیز رویانیدیم.

۸- (تا)برای هربنده توبه کاری بینش افزا وپندآموزباشد.

۹- وازآسمان ،آبی پربرکت نازل نمودیم،پس بدان باغهاودانه های دروکردنی رویانیدیم.

۱۰- ودرختان تناورخرماکه خوشه-های-روی هم چیده دارند.

۱۱- (اینها همه) برای روزی بندگان است،وبا آن سرزمین مرده ای رازنده گردانیدیم،قیامت -هم-چنین است.

۱۲- پیش ازایشان قوم نوح واصحاب رسّ وثمود،

۱۳- وعادوفرعون وبرادران لوط،

۱۴- وبیشه نشینان وقوم تبّع به تکذیب پرداختند،همگی فرستادگان رابه

انکارگرفتندوتهدید واجب آمد.

۱۵- مگرازآفرینش نخستین به تنگ آمدیم؟بلکه آنهاازخلق جدید درشک هستند.

۱۶- ومباانسان راآفریده ایم ومی دانیم که نفس اوچه وسوسه ای به اومی کندومااز شاهرگ به اونزدیکتریم.

۱۷- آنگاه که دو-فرشته-دریافت کننده ازراست وازچپ ،مراقب نشسته اند.

۱۸- (آدمی) هیچ سخنی رابه لفظ درنمی آورد،مگراینکه مراقبی آماده نزداو-آن راضبط میکند-

۱۹- وسکرات مرگ،به راستی دررسید،این همان است که ازآن می گریختی،

۲۰- ودرصوردمیده شود،این است روزتهدید.

۲۱- وهرکس می آید-درحالی که- بااوسوق دهنده وگواهی دهنده ای است.

۲۲- (به اومیگویند:) " واقعا که ازاین-حال-سخت درغفلت بودی، و-لی-ماپرده ات را-ازجلوی چشمانت-برداشتیم ودیده ات امروزتیزاست."

۲۳- و-فرشته-همنشین اومیگوید: " این است آنچه پیش من آماده است-وثبت کرده ام- ."

۲۴- (به آن دوفرشته خطاب میشود): " هرکافرسرسختی رادرجهنم فروافکنید،

۲۵- (هر)بازدارنده ازخیری -هر-متجاوز شکاکی

۲۶- که باخداوند،خدای دیگرقرارداد،-ای دوفرشته-اورادرعذاب

شدید فروافکنید.

۲۷- (شیطان)همدمش میگوید: " پروردگارما،من اورابه عصیان وانداشتم ،لیکن-خودش-درگمراهی دورودرازی بود."

۲۸- (خداوند) میفرماید: " درپیشگاه من باهمدیگرستیزه نکنید -که-ازپیش به شماهشدارداده بودم.

۲۹- پیش من حکم دگرگون نمیشود،ومن-نسبت-به بندگانم بیدادگرنیستم."

۳۰- آن روزکه-ما-به دوزخ میگوییم: " آیاپرشدی؟" ومیگوید : " آیابازهم هست؟"

۳۱- وبهشت رابرای پرهیزکاران نزدیک گردانند،بی آنکه دورباشد.

۳۲- (وبه آنان گویند): " این همان است که وعده یافته اید-و-برای هرتوبه کارنگهبان -حدود خدا-خواهدبود،

۳۳- آنکه درنهان ازخدای بخشنده بترسدوبادلی توبه کار-باز-آید.

۳۴- به سلامت-وشادکامی-درآن درآیید-که-این روز جاودانگی است.

۳۵- هرچه بخواهنددرآنجادارند،وپیش مافزونتر-هم -هست.

۳۶- وچه بساکه نسلها که پیش ازایشان هلاک کردیم که -بس-نیرومندترازاینان بودندودرشهرها پرسه زده بودند-اماسرانجام-مگرگریزگاهی بود؟

۳۷- قطعا دراین-عقوبتها-برای هرصاحبدل وحق پذیری که خود به گواهی ایستد،عبرتی است.

۳۸- ودرحقیقت،آسمانهاوزمین وآنچه راکه میان آن دواست درشش هنگام
آفریدیم واحساس ماندگی نکردیم.

۳۹- وبرآنچه میگویند،صبرکن،وپیش ازبرآمدن آفتاب وپیش ازغروب ،به
ستایش پروردگارت تسبیح گوی.

۴۰- وپاره ای ازشب وبه دنبال سجود اوراتسبیح گوی.

۴۱- وروزی که منادی ازجایی نزدیک ندادرمیدهد،به گوش باش.

۴۲- روزی که نعره رابه حق میشنوند،آن روزبیرون آمدن است.

۴۳- ماییم که خود،زندگی می بخشیم وبه مرگ میرسانیم وبرگشت به سوی
ماست.

۴۴- روزی که زمین به سرعت از-اجساد-آنان جداوشکافته میشود،این
حشری است که برماآسان خواهدبود.

۴۵- مابه آنچه میگویندداناتریم،وتوبه زور وادارکننده آنان نیستی
پس به قرآن هرکه راازتهدید میترسد پند ده.

ذاریات (بادهای ذره افشان)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سوگندبه بادهای ذره افشان

۲- وابرهای گرانبار.

۳- وسبک سیران،

۴- وتقسیم کنندگان کار-ها-.

۵- که آنچه وعده داده شده اید راست است.

۶- و-روز-پاداش واقعیت دارد.

۷- سوگندبه آسمان مشبّک،

۸- که شما-درباره قرآن-درسخنی گوناگون هستید.

۹- (بگوی) تاهرکه ازآن برگشته ،برگشته باشد.

۱۰- مرگ بردروغ پردازان!

۱۱- همانان که درورطه نادانی بی خبرند.

۱۲- پرسند: " روزپاداش کی است؟"

۱۳- همان روز که آنان برآتش ،عقوبت-وآزموده-شوند.

۱۴- عذاب-موعود-خودرابچشد،این است همان -بلایی-که با شتاب خواستارآن بودید.

۱۵- پرهیزکاران درباغهاوچشمه سارانند.

۱۶- آنچه راپروردگارشان عطافرموده می گیرند،زیراکه آنهاپیش ازاین نیکوکاربودند.

۱۷- وازشب اندکی را می غنودند.

۱۸- ودرسحرگاهان-ازخدا-طلب آمرزش می کردند.

۱۹- ودراموالشان برای سائل ومحروم حقّی-معیّن-بود.

۲۰- وروی زمین برای اهل یقین نشانه هایی-متقاعدکننده-است.

۲۱- ودرخودشما، پس مگرنمی نگرید؟

۲۲- وروزی شماوآنچه وعده داده شده ایددرآسمان است.

۲۳- پس سوگندبه پروردگارآسمان وزمین ،که واقعا اوحق است همان گونه که خودشماسخن می گویید.

۲۴- آیاخبرمهمانان ارجمندابراهیم به تورسید؟

۲۵- چون براودرآمدند،پس سلام گفتند،گفت: " سلام، مردمی ناشناس هستید."

۲۶- پس آهسته به سوی زنش رفت وگوساله ای فربه-وبریان- آورد.

۲۷- آن رابه نزدیکشان برد-و-گفت: " مگرنمی خورید؟"

۲۸- و-دردلش-ازآنان احساس ترسی کرد.گفتند: " مترس." واورا به پسری دانا بشارت دادند.

۲۹- وزنش بافریادی-ازشگفتی-سررسیدوبرچهره خودزدوگفت: " زنی پیرنازا-چگونه بزاید؟"

۳۰- گفتند: " پروردگارت چنین فرموده است.اوخودحکیم داناست."

۳۱- (ابراهیم) گفت: " ای فرشتگان،ماموریت شماچیست؟"

۳۲- گفتند: " مابه سوی مردمی پلیدکارفرستاده شده ایم،

۳۳- تاسنگهایی ازگِل رس بر-سر-آنان فروفرستیم.

۳۴- (که)نزدپروردگارت برای مسرفان نشان گذاری شده است.

۳۵- پس هرکه ازمومنان درآن-شهرها-بودبیرون بردیم.

۳۶- و-لی-درآنجا جزیک خانه ازفرمانبران -خدا بیشتر-نیافتیم.

۳۷- ودرآنجابرای آنهاکه ازعذاب پردردمی ترسند،عبرتی به جای گذاشتیم.

۳۸- و-نیز-در-ماجرای-موسی ،چون اورابا حجّتی آشکاربه سوی فرعون گسیل داشتیم.

۳۹- پس-فرعون-با ارکان-دولت- خود روی برتافت وگفت: " این
-این شخص-ساحر یا دیوانه ای است."
۴۰- (تا)او وسپاهیانش راگرفتیم وآنان رادردریاافکندیم درحالی
که او-درآخرین لحظه-نکوهشگر-خود-بود.
۴۱- ودر-ماجرای-عاد-نیز-چون بر-سر-آنها آن بادمُهلک رافرستادیم.
۴۲- به هرچه می وزیدآن راچون خاکستراستخوان مرده می گردانید.
۴۳- ودر-ماجرای-ثمود-نیزعبرتی بود-آنگاه که به ایشان گفته شد
: " تاچندی برخوردارشوید."
۴۴- تا-آنکه-ازفرمان پروردگارخودسربرتافتندودرحالی که آنهامی
نگریستند،آذرخش آنان رافروگرفت.
۴۵- درنتیجه نه توانستندبه پای خیزندونه طلب یاری کنند.
۴۶- وقوم نوح-نیز-پیش ازآن -اقوام نامبرده همین گونه هلاک شدند-زیرا
آنهامردمی نافرمان بودند.
۴۷- وآسمان رابه قدرت خودبرافراشتیم،وبی گمان ،ما-آسمان-
گستریم.
۴۸- وزمین راگسترانیده ایم وچه نیکوگسترندگانیم.
۴۹- وازهرچیزی دوگونه-یعنی نروماده-آفریدیم،امیدکه شما عبرت
گیرید.
۵۰- پس به سوی خدابگریزید،که من شمارا ازطرف اوبیم دهنده ای آشکارم.
۵۱- وباخدامعبودی دیگرقرارمدهیدکه من ازجانب او هشداردهنده ای
آشکارم.

۵۲- بدین سان برکسانی که پیش ازآنهابودندهیچ پیامبری نیامد
جزاینکه گفتند: " ساحر یا دیوانه ای است."
۵۳- آیاهمدیگررابه این-سخن-سفارش کرده بودند؟-نه-بلکه آنان
مردمی سرکش بودند.
۵۴- پس، ازآنان روی بگردان، که تودرخورنکوهش نیستی.
۵۵- وپند ده ،که مومنان راپند سودبخشد.
۵۶- وجن وانس رانیافریدم جزبرای آنکه مراپپرستند.
۵۷- ازآنان هیچ روزیی نمی خواهم،ونمی خواهم که مراخوراک دهند.
۵۸- بدون تردبد خداونداست که خودروزی بخش نیرومنداستوار
است.
۵۹- پس برای کسانی که ستم کردندبهره ای است ازعذاب،همانند بهره
عذاب یاران -قبلی-شان ،پس -بگو: - درخواستن عذاب ازمن شتابزدگی
نکنند.
۶۰- پس وای برکسانی که کافرشده اندازآن روزی که وعده یافته اند.

طور (کوه طور)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سوگندبه طور.

۲- وکتابی نگاشته شده.

۳- درطوماری گسترده،

۴- سوگندبه آن خانه آباد-خدا-،

۵- سوگندبه بام بلند-آسمان- ،

۶- وآن دریای سرشار-و افروخته- ،

۷- که عذاب پروردگارت واقع شدنی است،

۸- آن راهیچ بازدارنده ای نیست،

۹- روزی که آسمان سخت درتب وتاب افتد،

۱۰- وکوهها-جمله- به حرکت درآیند.

۱۱- پس وای برتکذیب کنندگان درآن روز،

۱۲- آنان که به یاوه سرگرمند.

۱۳- روزی که به سوی آتش جهنم کشیده میشوند-چه-
کشیدنی.

۱۴- (وبه آنان گویند:) " این همان آتشی است که دروغش میپنداشتید.

۱۵- آیااین افسون است؟یاشمانمی بینید؟

۱۶- به آن درآیید،خواه صبرکنیدیاصبرنکنید،به حال شما یکسان است.تنهابه
آنچه میکردیدمجازات می یابید."

۱۷- پرهیزکاران درباغهایی و-در-نازونعمتند.

۱۸- به آنچه پروردگارشان به آنان داده دلشادند.وپروردگارشان
آنهاراازعذاب دوزخ مصون داشته است.

۱۹- (به آنان گویند:) " به -پاداش-آنچه به جای می آوردید
بخورید وبنوشید،گواراتان باد."

۲۰- برتختهایی ردیف هم تکیه زده اندوحوران درشت چشم را همسرآنان
گردانده ایم.

۲۱- وکسانی که گرویده وفرزندانشان آنهارادرایمان پیروی کرده
اند،فرزندانشان رابه آنان ملحق خواهیم کردوچیزی ازکارها
-ها-شان رانمی کاهیم.هرکسی درگرو دستاوردخویش است.

۲۲- (باهرنوع) میوه وگوشتی که دلخواه آنهاست آنان رامدد
-وتقویت-می کنیم.

۲۳- درآنجاجامی ازدست هم می ربایند-وبرسرش هم چشمی می کنند-که

درآن نه یاوه گویی است ونه گناه.

۲۴- وبرای-خدمت-آنان پسرانی است که برگردشان همی گردند،

انگاری آنها مرواریدی اندکه-درصدف-نهفته است.

۲۵- وبرخی شان روبه برخی کنند-و-ازهم پرسند،

۲۶- گویند: " ماپیشتردرمیان خانواده خودبیمناک بودیم.

۲۷- پس خداوندبرمامنت نهادومارا ازعذاب گرم-مرگبار-حفظ

کرد.

۲۸- ما ازدیربازاورامی خواندیم،که اوهمان نیکوکارمهربان است."

۲۹- پس اندرز ده که توبه لطف پروردگارت نه کاهنی ونه دیوانه.

۳۰- یامیگویند: " شاعری است که انتظارمرگش رامیبریم -وچشم

به راه بدزمانه براوییم- "

۳۱- بگو: " منتظرباشیدکه من-نیز-باشماازمنتظرانم."

۳۲- آیاپندارهایشان آنان رابه این-موضعگیری-وامی داردیا -نه-

آنهامردمی سرکشند؟

۳۳- یامیگویند: " آن رابربافته." -نه-بلکه باورندارند.

۳۴- پس اگرراست می گویند،سخنی مثل آن بیاورند.

۳۵- آیاازهیچ خلق شده اند؟ یاآنکه خودشان خالق-خود-هستند؟

۳۶- آیاآسمانهاوزمین را-آنان-خلق کرده اند؟-نه-بلکه یقین ندارند.

۳۷- آیاذخایرپروردگارتوپیش آنهاست؟یاایشان تسلّط-تام-دارند؟

۳۸- آیانردبانی دارندکه برآن-برشوندو-بشنوند؟پس بایدشنونده

آنان برهانی آشکاربیاورد.

۳۹- آیاخداوندرادختران است وشماراپسران؟

۴۰- آیاازآنهامزدی مطالبه می کنی وآنان از-تعهد ادای-تاوان گرانبارند؟

۴۱- آیا-علم-غیب پیش آنهاست وآنهامی نویسند؟

۴۲- یامی خواهندنیرنگی بزنند؟و-لی-آنان که کافرشده اند، خوددچارنیرنگ شده اند.

۴۳- آیاایشان راجزخداوندمعبودی است؟منزّه است خداونداز آنچه -بااو-شریک می گردانند.

۴۴- واگرپاره سنگی رادرحال سقوط ازآسمان ببینندمی گویند: " ابری متراکم است."

۴۵- پس بگذارشان تابه آن روزی که درآن بیهوش می افتند برسند.

۴۶- روزی که نیرنگشان به هیچ وجه به کارشان نیایدوحمایت نیابند.

۴۷- ودرحقیقت،غیرازاین-مجازات-،عذابی-دیگر-برای کسانی که ظلم کرده اندخواهدبود،ولی بیشترشان نمی دانند-که آن عذاب چیست- .

۴۸- ودربرابردستورپروردگارت شکیبایی پیشه کن که توخوددرحمایت مایی وهنگامی که-ازخواب-برمی خیزی به
نیایش پروردگارت تسبیح گوی.

۴۹- و-نیز-پاره ای ازشب ،ودرفروشدن ستارگان تسبیح گوی اوباش."

نجم (ستاره)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سوگندبه ستاره-=قرآن-چون فرود می آید.

۲- (که)یارشما نه گمراه شده ونه درنادانی مانده،

۳- وازسرهوس سخن نمی گوید.

۴- این سخن بجز وحیی که میشود نیست.

۵- آن را-فرشته-شدیدالقوی به اوفراآموخت.

۶- (سروش) نیرومندی که -مسلّط-درایستاد.

۷- درحالی که اودرافق اعلی بود.

۸- سپس نزدیک آمدونزدیکترشد،

۹- تا-فاصله اش-به قدر-طول-دو-انتهای-کمان یانزدیکترشد،

۱۰- آنگاه به بنده اش آنچه رابایدوحی کند،وحی فرمود.

۱۱- آنچه رادل دید انکار-ش-نکرد.

۱۲- آیادرآنچه دیده است بااوجدال می کنید؟

۱۳- وقطعا باردیگری هم اورادیده است.

۱۴- نزدیک سدرةالمنتهی

۱۵- درهمان جاکه جنة الماوی است.

۱۶- انگاه که درخت سدر را آنچه پوشیده بود،پوشیده بود.

۱۷- دیده-اش-منحرف نگشت و-ازحدّ-درنگذشت.

۱۸- به راستی که-برخی-ازآیات بزرگ پروردگارخودرابدید.

۱۹- به من خبردهیدازلات وعزّی.

۲۰- ومنات آن سوّمین دیگر.

۲۱- آیا-به خیالتان-برای شما پسر است وبرای اودختر؟

۲۲- دراین صورت،این تقسیم نادرستی است.

۲۳- (این بتان) جزنامهایی بیش نیستندکه شماوپدرانتان نامگذاری کرده ایدـو-خداوندبر-حقّانیت-آنهاهیچ دلیلی نفرستاده است.-آنان-جزگمان وآنچه راکه دلخواهشان است پیروی نمی کنند ،باانکه قطعاازجانب پروردگارشان هدایت برایشان آمده است.

۲۴- مگرانسان آنچه راآرزوکند دارد؟

۲۵- آن سرا واین سرا ازآن خداست.

۲۶- وبسافرشتگانی که درآسمانهایند-و-شفاعتشان به کاری نیاید مگرپس ازآنکه خداوندبه هرکه خواهدوخشنودباشد اذن دهد.

۲۷- درحقیقت ،کسانی که آخرت راباورندارند،فرشتگان رادرنامگذاری به صورت مونّث نام می نهند.

۲۸- وایشان رابه این-کار-معرفتی نیست.جزگمان-خود-راپیروی نمی کنند،ودرواقع ،گمان در-وصول به-حقیقت هیچ سودی

نمی رساند.

۲۹- پس ازهرکس که ازیادما روی برتافته وجززندگی دنیا را خواستارنبوده است،روی برتاب.

۳۰- این منتهای دانش آنان است،پرودگارتو،خودبه-حال-کسی که ازراه اومنحرف شده داناتر،واو به کسی که راه یافته-نیز- آگاه تراست.

۳۱- وهرچه درآسمانهاوهرچه درزمین است ازآن خداست تاکسانی راکه بدکرده اند،به-سزای-انچه انجام داده اندکیفردهد،وآنان راکه نیکی کرده اند،به نیکی پاداش دهد.

۳۲- آنان که ازگناهان بزرگ وزشتکاریها-جزلغزشهای کوچک- خودداری می ورزند،پروردگارت-نسبت به آنها-فراخ آمرزش است،وی ازآن دم که شما رااززمین پدیدآوردوازهمان گاه که در شکمهای مادرانتان -درزهدان-نهفته بودیدبه-حال-شما داناتراست، پس خودتان راپاک مشمارید.اوبه-حال-کسی که پرهیزکاری نموده داناتراست.

۳۳- پس آیا آن کسی راکه -ازجهاد-روی برتافت دیدی؟

۳۴- واندکی بخشیدو-ازباقی-امتناع ورزید.

۳۵- آیاعلم غیب پیش اوست واومی بیند؟

۳۶- یابدانچه درصحیفه های موسی-آمده-خبرنیافته است؟

۳۷- و-نیزدرنوشته های-همان ابراهیمی که وفاکرد:

۳۸- که هیچ بردارنده ای بارگناه دیگری رابرنمی دارد.

۳۹- واینکه برای انسان جزحاصل تلاش اونیست.

۴۰- و-نتیجه-کوشش اوبه زودی دیده خواهدشد.

۴۱- سپس هرچه تمامتر وی را پاداش دهند.

۴۲- واینکه پایان-کار-به سوی پروردگارتوست.

۴۳- وهم اوست که می خنداندومی گریاند.

۴۴- وهم اوست که می میراندوزنده می گرداند.

۴۵- وهم اوست که دونوع می آفریند: نر وماده.

۴۶- ازنطفه ای چون فروریخته شود.

۴۷- وهم پدیدآوردن-عالم-دیگربر-عهده-اوست.

۴۸- وهم اوست که-شمارا-بی نیازکردوسرمایه بخشید.

۴۹- وهم اوست پروردگارستاره " شِعری ".

۵۰- وهم اوست که عادیان قدیم راهلاک کرد.

۵۱- وثمودرا-نیزهلاک کرد-و-کسی را-باقی نگذاشت.

۵۲- وپیشتر-ازهمه آنها-قوم نوح را،زیراکه آنان ستمگرترو سرکش تربودند.

۵۳- وشهرها-ی سدوم وعاموره-را فرو افکند.

۵۴- پوشاندبرآن-دوشهر،ازباران گوگردی-آنچه راپوشاند.

۵۵- پس به کدام یک ازنعمتهای پروردگارت تردید روامیداری؟

۵۶- این-پیامبرنیز-بیم دهنده ای از-جمله-بیم دهندگان نخستین است.

۵۷- (وه چه) نزدیک گشت قیامت.

۵۸- جزخدا کسی آشکارکننده آن نیست.

۵۹- آیاازاین سخن عجب دارید؟

۶۰- ومی خندیدو نمی گریید؟

۶۱- وشما درغفلتید.

۶۲- پس خدارا سجده کنید وبپرستید.

((سجده واجب))

قمر (ماه)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

نزدیک شدقیامت وازهم شکافت ماه.

۲- وهرگاه نشانه ای بینند روی بگردانندوگویند: " سحری دایم است."

۳- وبه تکذیب دست زدندوهوسهای خویش رادنبال کردند،و-لی- هرکاری را-آخر-قراری است.

۴- وقطعا ازاخبار،آنچه درآن مایه انزجار-ازکفر-است به ایشان رسید.

۵- حکمت بالغه-حق این بود-،ولی هشدارهاسودنکرد.

۶- پس، ازآنان روی برتاب ،روزی که داعی-حق- به سوی امری دهشتناک دعوت می کند.

۷- درحالی که دیدگان خودرافروهشته اند،چون ملخهای پراکنده ازگورها-ی خود- برمی آیند.

۸- به سرعت سوی آن دعوتگرمی شتابند،کافران می گویند: " امروز -چه-

روز دشواری است."

۹- پیش ازآنان ،قوم نوح -نیز-به تکذیب پرداختندوبنده مارا دروغزن خواندندوگفتند: " دیوانه ای است." و-بسی-آزارکشید.

۱۰- تاپروردگارش راخواندکه: " من مغلوب شدم،به دادمن برس"

۱۱- پس درهای آسمان رابه آبی ریزان گشودیم.

۱۲- واززمین چشمه ها جوشانیدیم تاآب-زمین وآسمان-برای امری که مقدرشده بودبه هم پیوستند.

۱۳- واورا بر-کشتی-تخته داروميخ آجين سواركرديم.

۱۴- (کشتی)زیرنظرماروان بود.(این) پاداش کسی بود که موردانکارواقع شده بود.

۱۵- وبه راستی آن-سفينه-رابرجای نهادیم-تا-عبرتی -باشد- پس آیا پندگیرنده ای هست؟

۱۶- پس چگونه بودعذاب من وهشدار-های من-؟.

۱۷- وقطعا قرآن رابرای پندآموزی آسان کرده ایم،پس آیا پندگیرنده ای هست؟

۱۸- عادیان به تکذیب پرداختند،پس چگونه بودعذاب من وهشدار-های من-؟

۱۹- مابر-سر-آنان درروز شومی به طورمداوم تندبادی توفنده فرستادیم.

۲۰- (که) انسانهارا ازجا می کند،گویی تنه های نخلی بودندکه ریشه کن شده بودند.

۲۱- پس چگونه بودعذاب من وهشدار-های من-؟

۲۲- وقطعاقران رابرای پندآموزی آسان کرده ایم،پس آیاپندگیرنده ای هست؟

۲۳- قوم ثمودهشداردهندگان راتکذیب کردند.

۲۴- وگفتند: " آیاتنهابشری ازخودمان راپیروی کنیم؟دراین صورت ،ماواقعادرگمراهی وجنون خواهیم بود."

۲۵- "آیا ازمیان ما-وحی-براوالقاشده است؟-نه-بلکه اودروغگویی گستاخ است."

۲۶- به زودی فردابدانænددروغگوی گستاخ کیست.

۲۷- مابرای آزمایش آنان-آن-ماده شتررافرستادیم و-به صالح گفتیم: - " مراقب آنان باش وشکیبایی کن.

۲۸- وبه آنان خبرده که آب میانشان پخش شده است،هرکدام راآب به نوبت خواهدبود."

۲۹- پس رفیقشان راصداکردندو-او-شمشیرکشیدو-شتررا-پی کرد.

۳۰- پس چگونه بودعذاب من وهشدار-های من-؟

۳۱- مابر-سر-شان یک نعره -مرگبار-فرستادیم وچون گیاه خشکیده-کومه ها-ریزریزشدند.

۳۲- وقطعاقرآن رابرای پندآموزی آسان کردیم ،پس آیا پندگیرنده ای هست؟

۳۳- قوم لوط هشداردهندگان راتکذیب کردند.

۳۴- مابر-سر-آنان سنگبارانی-انفجاری-فروفرستادیم-و-فقط خانواده لوط بودندکه سحرگاهشان رهانیدیم.

۳۵- (واین)رحمتی ازجانب مابود،هرکه سپاس دارد،بدین سان -اورا-پاداش می دهیم.

۳۶- و(لوط) آنهارا ازعداب ماسخت بیم داده بود،و-لی-درتهدیدها-ی ما-به جدال برخاستند.

۳۷- وازمهمان-های-او کام دل خواستند،پس فروغ دیدگانشان راستردیم و-گفتیم: - " -مزه-عذاب وهشدارهای مرا بچشید."

۳۸- وبه راستی که سپیده دم عذابی پیگیربه سروقت آنان آمد.

۳۹- پس عذاب وهشدار های مرابچشید.

۴۰- وقطعاقرآن رابرای پندآموزی آسان کردیم،پس آیا پندگیرنده ای هست؟

۴۱- ودرحقیقت هشداردهندگان به جانب فرعونیان آمدند.

۴۲- (اماآنها) همه معجزات ماراتکذیب کردند،تاچون زبردستی زورمند-گریبان-آنان راگرفتیم.

۴۳- آیاکافران شما،ازاینان-که برشمردیم-برترند،یاشمارادرنوشته ها-ی آسمانی- خطّ امانی است؟

۴۴- یامی گویند: " ماهمگی انتقام گیرنده -ویاروياورهمديگر-يم."

۴۵- زودا که این جمع درهم شکسته شودوپشت کنند.

۴۶- بلکه موعدشان قیامت است وقیامت-بسی-سخت تروتلخ تر است.

۴۷- قطعا بزهکران درگمراهی وجنونند.

۴۸- روزی که درآتش به روکشیده میشوند-وبه آنان گفته میشود: - " لهیب آتش رابچشید-واحساس کنید-."

۴۹- ماییم که هرچیزی رابه اندازه آفریده ایم.

۵۰- وفرمان ماجزیک بارنیست-آن هم-چون چشم به هم زدنی.

۵۱- وهم مسلکان شماراسخت به هلاکت رساندیم،پس آیا پندگیرنده ای هست؟

۵۲- وهرچه کرده انددرکتابها-ی اعمالشان درج-است.

۵۳- وهرخردوبزرگی -درآن-نوشته شده.

۵۴- درحقیقت ،مردم پرهیزکاردرمیان باغها ونهرها،

۵۵- درقرارگاه صدق ،نزدپادشاهی توانایند.

رحمن (بخشاینده)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

-خدای-رحمان،

۲- قرآن را یاد داد.

۳- انسان را آفرید،

۴- به اوبیان آموخت.

۵- خورشیدوماه برحسابی-روان-اند.

۶- وستاره ودرخت سجده کنانند.

۷- وآسمان رابرافراشت وترازو را گذاشت،

۸- تامبادا ازاندازه درگذرید.

۹- و وزن را به انصاف برپاداریدودرسنجش مکاهید.

۱۰- وزمین را برای مردم نهاد.

۱۱- درآن میوه -ها-ونخلها باخوشه های غلاف دار.

۱۲- ودانه های پوست دار وگیاهان خوشبوست.

۱۳- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان را منکرید؟

۱۴- انسان را ازگِل خشکیده ای سفال مانند،آفرید.

۱۵- وجن را ازتشعشعی ازآتش خلق کرد.

۱۶- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۱۷- پروردگار دو خاور وپروردگار دوباختر.

۱۸- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۱۹- دو دریا را-به گونه ای- روان کرد-که-باهم برخوردکنند.

۲۰- میان آن دو،حدّ فاصلی است که به هم تجاوزنمی کنند.

۲۱- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۲۲- ازهردو-دریا-مروارید ومرجان برآید.

۲۳- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۲۴- واوراست در دریا سفینه های بادبان داربلندهمچون کوهها

۲۵- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۲۶- هرچه بر-زمین-است فانی شونده است.

۲۷- وذات باشکوه وارجمندپروردگارت باقی خواهندماند.

۲۸- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۲۹- هرکه درآسمانها وزمین است ازاو درخواست میکند .هرزمان ،اودر کاری است.

۳۰- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۳۱- ای جن وانس،زودا که به شما بپردازیم.

۳۲- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۳۳- ای گروه جنّیان وانسیان ،اگرمیتوانیدازکرانه های آسمانها وزمین به بیرون رخنه کنید،پس رخنه کنید،-ولی-جزبا -به دست آوردن-تسلّطی رخنه نمی کنید.

۳۴- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۳۵- برسرشما شراره هایی از-نوع-تفته آهن ومس فروفرستاده خواهدشد،و-ازکسی-یاری نتوانیدطلبید.

۳۶- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۳۷- پس آنگاه که آسمان ازهم شکافدوچون چرم گلگون گردد.

۳۸- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۳۹- درآن روز،هیچ انس وجنّی ازگناهش پرسیده نشود.

۴۰- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۴۱- تبهکاران ازسیمایشان شناخته میشوندوازپیشانی وپایشان بگیرند.

۴۲- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۴۳- این است همان جهنمی که تبهکاران آن رادروغ می خواندند.

۴۴- میان -آتش-ومیان آب جوشان سرگردان باشند.

۴۵- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۴۶- وهرکس راکه ازمقام پروردگارش بترسددوباغ است.

۴۷- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۴۸- که دارای شاخسارانند.

۴۹- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۵۰- درآن دو-باغ-دوچشمه روان است.

۵۱- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۵۲- درآن دو-باغ-ازهرمیوه ای دوگونه است.

۵۳- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۵۴- بربسترهایی که آسترآنهاازابریشم درشت بافت است،تکیه آنندوچیدن میوه-از-آن دوباغ -به آسانی-دردسترس است.

۵۵- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۵۶- درآن-باغها،دلبرانی- فروهشته نگاهندکه دست هیچ انس وجنّی پیش ازایشان به آنهانرسیده است.

۵۷- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۵۸- گویی که آنهایاقوت ومرجانند.

۵۹- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۶۰- مگرپاداش احسان جز احسان است؟

۶۱- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۶۲- وغیرازآن دوباغ-دیگرنیز-هست.

۶۳- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۶۴- که از-شدّت-سبزی سیه گون می نماید.

۶۵- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۶۶- درآن دو-باغ- دوچشمه همواره جوشان است.

۶۷- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۶۸- درآن دو،میوه وخرما وانار است.

۶۹- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۷۰- درآنجا-زنانی-نکوخوی ونکورویند.

۷۱- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۷۲- حورانی پرده نشین در -دل-خیمه ها.

۷۳- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۷۴- دست هیچ انس وجنّی پیش ازایشان به آنها نرسیده است.

۷۵- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۷۶- بربالش سبزوفرش نیکوتکیه زده اند.

۷۷- پس کدام یک ازنعمتهای پروردگارتان رامنکرید؟

۷۸- خجسته بادنام پروردگارشکوهمندوبزرگوارت.

واقعه (پیشامد)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

آن واقعه چون وقوع یابد،

۲- (که) دروقوع آن دروغی نیست،

۳- پست کننده-و-بالابرنده است.

۴- چون زمین باتکان -سختی- لرزانده شود،

۵- وکوهها-جمله-ریزه ریزه شوند،

۶- وغباری پراکنده گردند،

۷- وشما سه دسته شوید،

۸- یاران دست راست،کدامندیاران دست راست؟

۹- ویاران چپ ،کدامند یاران چپ؟

۱۰- وسبقت گیرندگان مقدّمند،

۱۱- آنانند همان مقرّبان-خدا-.

۱۲- درباغستانهای پرنعمت،

۱۳- گروهی ازپیشینیان،

۱۴- واندکی ازمتاخران،

۱۵- برتختهایی جواهرنشان،

۱۶- که روبروی هم برآنهاتکیه داده اند،

۱۷- برگردشان پسرانی جاودان -به خدمت-می گردند.

۱۸- باجامهاوآبریزها وپیاله-ها-یی ازباده ناب روان.

۱۹- (که) نه ازآن دردسرگیرندونه بی خردگردند.

۲۰- ومیوه ازهرچه اختیارکنند،

۲۱- وازگوشت پرنده هرچه بخواهند.

۲۲- وحوران چشم درشت.

۲۳- مثل لؤلؤ نهان میان صدف،

۲۴- (اینها) پاداشی است برای آنچه میکردند.

۲۵- درآنجانه بیهوده ای میشنوندونه-سخنی-گناه آلود.

۲۶- سخنی جزسلام ودرود نیست.

۲۷- ویاران راست،یاران راست کدامند؟

۲۸- در-زیر-درختان کُناربی خار،

۲۹- ودرختهای موزکه میوه اش خوشه خوشه روی هم چیده است.

۳۰- وسایه ای پایدار.

۳۱- وآبی ریزان.

۳۲- ومیوه ای فراوان،

۳۳- نه بریده ونه ممنوع.

۳۴- وهمخوابگانی بالابلند،

۳۵- ماآنان راپدیدآورده ایم پدیدآوردنی،

۳۶- وایشان رادوشیزه گردانیده ایم،

۳۷- شوی دوست همسال،

۳۸- برای یاران راست.

۳۹- که گروهی ازپیشینیانند،

۴۰- وگروهی ازمتاخران.

۴۱- ویاران چپ،کدامندیاران چپ؟

۴۲- در-میان-بادگرم وآب داغ.

۴۳- وسایه ای ازدود تار.

۴۴- نه خنک ونه خوش.

۴۵- اینان بودندکه پیش ازاین نازپروردگان بودند.

۴۶- وبرگناه بزرگ پافشاری می کردند.

۴۷- ومی گفتند: " آیاچون مردیم وخاک واستخوان شدیم،

واقعا زنده می گردیم؟

۴۸- یاپدران گذشته ما-نیز-؟

۴۹- بگو: " درحقیقت، اولین وآخرین،

۵۰- قطعا همه درموعدروزی معلوم گردآورده شوند."

۵۱- آنگاه شما ای گمراهان دروغپرداز،

۵۲- قطعا ازدرختی که اززقّوم است خواهیدخورد.

۵۳- وازآن شکمهایتان راخواهیدآکند.

۵۴- وروی آن ازآب جوش مینوشید،

۵۵- (مانند) نوشیدن اشتران تشنه.

۵۶- این است پذیرایی آنان درروزجزا.

۵۷- ماییم که شمارا آفریده ایم،پس چراتصدیق نمی کنید؟

۵۸- آیاآنچه را-که به صورت نطفه-فرومی ریزید دیده اید؟

۵۹- آیاشماآن راخلق می کنیدیا ما آفریننده ایم؟

۶۰- ماییم که میان شمامرگ رامقدّرکرده ایم وبرما سبقت نتوانیدجست،

۶۱- (ومیتوانیم) امثال شمارابه جای شما قراردهیم وشمارا-به صورت-آنچه

نمی دانیدپدیدارگردانیم.

۶۲- وقطعا پدیدارشدن نخستین خودراشناختید،پس چراسرعبرت گرفتن ندارید؟

۶۳- آیاآنچه راکشت میکنید،ملاحظه کرده اید؟

۶۴- آیاشماآن را-بی یاری ما-زراعت میکنید،یاماییم که زراعت می کنیم؟

۶۵- اگربخواهیم قطعا خاشاکش می گردانیم،پس درافسوس -وتعجب-می افتید.

۶۶- (ومی گویید:) " واقعا ما زیان زده ایم،

۶۷- بلکه ما محروم شدگانیم."

۶۸- آیا آبی راکه می نوشیددیده اید؟

۶۹- آیاشماآن راز-دل-ابرسپیدفرودآورده اید،یاما فرودآورنده ایم؟

۷۰- اگربخواهیم آن راتلخ می گردانیم،پس چراسپاس نمیدارید؟

۷۱- آیا آن آتشی را که برمی افروزید ملاحظه کرده اید؟

۷۲- آیاشما-چوب-درخت آن راپدیدارکرده اید،یاما پدیدآورده ایم؟

۷۳- ماآن را-مایه-عبرت و-وسیله-استفاده برای بیابانگردان قرارداده ایم.

۷۴- پس به نام پروردگاربزرگت تسبیح گوی.

۷۵- نه-چنین است که می پندارید-،سوگندبه جایگاههای- خاص وفواصل معیّن -ستارگان.

۷۶- اگربدانید،آن سوگندی سخت بزرگ است!

۷۷- که این-پیام-قطعا قرآنی است ارجمند،

۷۸- درکتابی نهفته،

۷۹- که جزپاک شدگان برآن دست ندارند،

۸۰- وحیی است ازجانب پروردگارجهانها،

۸۱- آیاشما این سخن راسبک-وسست-می گیرید؟

۸۲- وتنهانصیب خودرادرتکذیب-آن-قرارمی دهید؟

۸۳- پس چراآنگاه که-جان شما-به گلومیرسد،

۸۴- ودرآن هنگام خودنظاره گرید،

۸۵- ومابه آن-محتضر-ازشما نزدیکتریم ولی نمی بینید-

۸۶- پس چرا،اگرشما بی جزامی مانید-وحساب وکتابی درکار نیست-،

۸۷- اگرراست می گویید روح رابرنمیگردانید؟

۸۸- واما اگر-او-ازمقرّبان باشد،

۸۹- (در) آسایش وراحت وبهشت پرنعمت -خواهدبود-

۹۰- واما اگرازیاران راست باشد،

۹۱- ازیاران راست برتوسلام باد،

۹۲- واما اگرازدروغزنان گمراه است،

۹۳- پس با آبی جوشان پذیرایی خواهدشد،

۹۴- و-فرجامش- درافتادن به جهنم است،

۹۵- این است همان حقیقت راست-و-یقین،

۹۶- پس به نام پروردگاربزرگ خودتسبیح گوی.

حدید (آهن)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

آنچه درآسمانهاوزمین است ،خداوندرابه پاکی میستایند

واوست ارجمندحکیم.

۲- فرمانروایی آسمانهاوزمین ازآن اوست،زنده می کندومی

میراند،واوبرهرچیزی تواناست.

۳- اوست اول وآخروظاهروباطن،واوبه هرچیزی داناست.

۴- اوست آن کس که آسمانهاوزمین رادرشش هنگام آفرید،آنگاه برعرش استیلایافت،آنچه درزمین درآیدوآنچه ازآن برآیدوآنچه در آن بالارود-همه را-می داند.وهرکجاباشیداوباشماست،وخدابه هرچه میکنیدبیناست.

۵- فرمانروایی-مطلق-آسمانهاوزمین ازآن اوست،و-جمله-کارهابه سوی خدابازگردانیده میشود.

۶- شب رادر روزدر می آوردوروز را-نیز-درشب درمی آورد،واوبه رازدلها داناست.

۷- به خدا وپیامبراوایمان آورید،وازآنچه شمارادر-استفاده از-آن جانشین-دیگران-کرده،انفاق کنید.پس کسانی ازشماکه ایمان آورده وانفاق کرده باشند،پاداش بزرگی خواهندداشت.

۸- وشماراچه شده که به خداایمان نمی آوریدو-حال آنکه--پیامبر-خدا-شمارادعوت میکندتابه پروردگارتان ایمان آورید،واگرمومن باشید،بی شک -خدا-ازشماپیمان گرفته است.

۹- اوهمان کسی است که بربنده خودآیات روشنی فرومیفرستد تاشمارا ازتاریکیهابه سوی نوربیرون کشاند.ودرحقیقت،خدا-نسبت-به شما سخت رئوف ومهربان است.

۱۰- وشماراچه شده که درراه خداانفاق نمی کنیدو-حال آنکه-میراث آسمانهاوزمین به خداتعلق دارد؟ کسانی ازشماکه پیش ازفتح-مکه-انفاق

وجهادکرده اند-بادیگران-یکسان نیستند.
آنان از-حیث-درجه بزرگترازکسانی اندکه بعدا به انفاق وجهاد
پرداخته اند.وخداوندبه هرکدام وعده نیکوداده است ،وخدابه
آنچه میکنید آگاه است.
۱۱- کیست آن کس که به خداوامی نیکودهدتا-نتیجه اش را-
برای وی دوچندان گرداندواورا پاداشی خوش باشد؟
۱۲- آن روزکه مردان وزنان مومن رامی بینی که نورشان پیشاپیش وبه
جانب راستشان دوان است.-به آنان گویند: -
" امروزشمارابشارت بادبه باغهایی که اززیرآن نهرها روان است
درآنهاجاودانید.این است همان کامیابی بزرگ.
۱۳- آن روز،مردان وزنان منافق به کسانی که ایمان آورده اند
میگویند: " مارامهلت دهیدتاازنورتان-اندکی-برگیریم." گفته میشود
: " بازپس برگردیدونوری درخواست کنید." آنگاه میان آنهادیواری زده
میشودکه آن رادروازه ای است: باطنش رحمت
است وظاهرش روی به عذاب دارد.
۱۴- (دورویان) آنان راندادرمی دهند: " آیاماباشمانبودیم؟" میگویند: "
چرا،ولی شماخودتان رادربلا افکندیدوامروزوفردا
کردیدوتردید آوردیدوآرزوها شمارا‌غرّه کردتافرمان
خداآمدو-شیطان-مغرورکننده ،شمارادرباره خدافریفت.
۱۵- پس امروزنه ازشما ونه ازکسانی که کافرشده اندعوضی
پذیرفته نمیشود: جایگاهتان آتش است، آن سزاوارشماست

وچه بدسرانجامی است."
۱۶- آیابرای کسانی که ایمان آورده اندهنگام آن نرسیده که
دلهایشان به یادخداوآن حقیقتی که نازل شده نرم-وفروتن-
گرددومانندکسانی نباشندکه ازپیش بدانها کتاب داده شدو-عمر و-انتظاربرآنان
به درازاکشید،ودلهایشان سخت گردیدوبسیاری ازآنهافاسق بودند؟
۱۷- بدانیدکه خدازمین راپس ازمرگش زنده می گرداند.به
راستی آیات-خود-رابرای شماروشن گردانیده ایم ،باشدکه بیندیشید.
۱۸- درحقیقت،مردان وزنان صدقه دهنده و-آنان که-به خداوامی نیکوداده
اند،ایشان را-پاداش-دوچندان گردد،واجری نیکوخواهندداشت.
۱۹- وکسانی که به خدا وپیامبران وی ایمان آورده اند،آنان
همان راستین هاهستندوپیش پروردگارشان گواه خواهندبود
-و-ایشان راست اجر ونورشان ،وکسانی که کفرورزیده وآیات
ماراتکذیب کرده اندآنان همدمان آتشند.
۲۰- بدانیدکه زندگی دنیا،درحقیقت،بازی وسرگرمی وآرایش وفخرفروشی
شمابه یکدیگروفزون جویی دراموال وفرزندان است.-مثل آنها-چون مثل
بارانی است که کشاورزان رارستنی آن-باران-به شگفتی اندازد،سپس -آن
کشت-خشک شودوآن رازرد
ببنی،آنگاه خاشاک شود.ودرآخرت-دنیاپرستان را-عذابی سخت است
و-مومنان را- ازجانب خداآمرزش خشنودی است،وزندگانی
دنیا جزکالای فریبنده نیست.
۲۱- (برای رسیدن) به آمرزشی ازپروردگارتان وبهشتی که پهنایش

چون پهنای آسمان وزمین است-و-برای کسانی آماده شده که به
خداوپیامبرانش ایمان آورده اند،بریکدیگرسبقت جویید،این فضل
خداست که به هرکس بخواهدآن رامی دهدوخداوندرافزون بخشی بزرگ
است.
۲۲- هیچ مصیبتی نه درزمین ونه درنفسهای شما-=به شما- نرسد ،مگرآنکه
پیش ازآنکه آن راپدید آوریم،درکتابی است.این
-کار-برخدا آسان است.
۲۳- تابرآنچه ازدست شمارفته اندوهگین نشویدوبه-سبب-آنچه
به شما داده است شادمانی نکنید،وخداهیچ خودپسندفخر
فروشی رادوست ندارد.
۲۴- همانان که بخل می ورزندومردم رابه بخل ورزیدن وامی دارند،وهرکه
روی گرداندقطعا خدابی نیازستوده است.
۲۵- به راستی-ما-پیامبران خودرابادلایل آشکارروانه کردیم وبا
آنها کتاب وترازو رافرودآوردیم تامردم به انصاف برخیزند،وآهن
راکه درآن برای مردم خطری سخت وسودهایی است نازل نمودیم،تاخدا
معلوم بداردچه کسی درنهان ،اووپیامبرانش را
یاری می کند.آری ،خدانیرومند شکست ناپذیراست.
۲۶- ودرحقیقت نوح وابراهیم رافرستادیم ودرمیان فرزندان آن
دو، نبوت وکتاب راقراردادیم، ازآنها-برخی-راه یاب-شد-ند ،و-لی-
بسیاری ازآنان بدکاربودند.
۲۷- آنگاه به دنبال آنان پیامبران خودراپی درپی آوردیم وعیسی پسرمریم

رادرپی-آنان- آوردیم وبه اوانجیل عطا کردیم

ودردلهای کسانی که ازاو پیروی کردندرافت ورحمت نهادیم

و-اما-ترک دنیایی که ازاوپیش خود درآوردندما آن رابرایشان

مقرر نکردیم مگربرای آنکه کسب خشنودی خداکنند،بااین حال

آن راچنانکه حق رعایت آن بود منطورنداشتند.پس پاداش کسانی ازایشان

راکه ایمان آورده بودندبدانها دادیم و-لی-بسیاری

ازآنان دستخوش انحرافند.

۲۸- ای کسانی که ایمان آورده اید،ازخداپرواداریدوبه پیامبراو

بگرویدتا ازرحمت خویش شما رادوبهره عطاکندوبرای شمانوری قراردهدکه

به -برکت-آن راه سپریدوبرشما ببخشایدوخدا آمرزنده مهربان است.

۲۹- تا اهل کتاب بدانندکه به هیچ وجه فزون بخشی خدادر

-حیطه-قدرت آنان نیست وفضل-وعنایت،تنها-دردست خداست،به هرکس

بخواهدآن راعطامی کند،وخدا صاحب کرم بسیاراست.

مجادله

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

خداگفتار-زنی-راکه درباره شوهرش باتوگفتگووبه خداشکایت میکردشنید، وخداگفتگوی شما را می شنید،زیراخدا شنوای بیناست.

۲- ازمیان شماکسانی که زنانشان را" ظهار" می کنند- ومیگویند: پشت توچون پشت مادرمن است-آنان مادرانشان نیستند.مادران آنهاتنهاکسانی اندکه ایشان رازاده اندوقطعا آنهاسخنی زشت وباطل میگویند،و-لی-خدامسلما درگذرنده آمرزنده است.

۳- وکسانی که زنانشان راظهارمی کنند،سپس ازآنچه گفته اندپشیمان میشوند،برایشان-فرض-است که پیش ازآنکه بایکدیگرهمخوابگی کنند،بنده ای را آزادگردانند.این-حکمی-است
که بدان پندداده میشوید،وخدابه آنچه انجام میدهیدآگاه است.
۴- وآن کس که-برآزادکردن بنده- دسترسی ندارد،بایدپیش ازتماس-بازن خود-دوماه پیاپی روزه بدارد،وهرکه نتواند،باید
شصت بینواراخوراک بدهد.این-حکم-برای آن است که به خدا وفرستاده اوایمان بباورید،واین است حدود خدا،وکافران راعذابی پردرد خواهدبود.
۵- بی گمان ،کسانی که باخداوفرستاده اومخالفت می کنندذلیل خواهندشد،همان گونه که آنان که پیش ازایشان بودند،ذلیل شدند،وبه راستی آیات روشن-خود-رافرستاده ایم وکافران را
عذابی خفت آورخواهدبود.
۶- روزی که خداوندهمه آنان رابرمی انگیزدوبه آنچه کرده اند آگاهشان می گرداند.خدا-کارهایشان را-برشمرده است وحال آنکه آنهاآن رافراموش کرده اند،وخدابرهرچیزی گواه است.
۷- آیاندانسته ای که خداآنچه راکه درآسمانهاوآنچه راکه درزمین است میداند؟هیچ گفتگوی محرمانه ای میان سه تن نیست مگراینکه اوچهارمین آنهاست،ونه میان پنج تن مگراینکه اوششمین آنهاست،ونه کمترازاین-عدد-ونه بیشتر،مگراینکه هرکجا
باشنداوباآنهاست.آنگاه روزقیامت آنان رابه آنچه کرده اندآگاه

خواهدگردانید،زیرا خدابه هرچیزی داناست.

۸- آیاکسانی راکه ازنجوامنع شده بودند،ندیدی که بازبدانچه

ازآن منع گردیده اند،برمی گردندوباهمدیگربه-منظور-گناه وتعدّی

وسرپیچی ازپیامبر،محرمانه گفتگومی کنندوچون به نزدتوآیند

تورابدانچه خدابه آن -شیوه-سلام نگفته سلام می دهندودردلهای

خودمیگویند: " چرابه آنچه میگوییم خدامارااعذاب نمی کند؟"

جهنم برای آنان کافی است ،درآن درمی آیند،وچه بدسرانجامی است.

۹- ای کسانی که ایمان آورده اید،چون بایکدیگرمحرمانه گفتگو

می کنید،به -قصد-گناه وتعدّی ونافرمانی پیامبربا همدیگر

محرمانه گفتگونکنید،وبه نیکوکاری وپرهیزکاری نجواکنید،وازخدایی که

نزداومحشورخواهیدگشت پروادارید.

۱۰- چنان نجوایی صرفا از-القائات- شیطان است،تاکسانی راکه

ایمان آورده انددلتنگ گرداند،و-لی-جزبه فرمان خداهیچ آسیبی

به آنهانمی رساند،ومومنان بایدبرخدا اعتمادکنند.

۱۱- ای کسانی که ایمان آورده اید،چون به شماگفته شود: " در

مجالس جای بازکنید" پس جای بازکنیدتاخدابرای شما گشایش

حاصل کند،وچون گفته شود:" برخیزید" پس برخیزید.

خدا-رتبه-کسانی ازشماراکه گرویده وکسانی راکه دانشمندند-بر

حسب-درجات بلندگرداند،وخدابه آنچه می کنیدآگاه است.

۱۲- ای کسانی که ایمان آورده اید،هرگاه باپیامبر-خدا-گفتگوی

محرمانه میکنید،پیش ازگفتگوی محرمانه خودصدقه ای تقدیم
بدارید.این-کار-برای شمابهتروپاکیزه تراست،واگرچیزی نیافتید
بدانیدکه خداآمرزنده مهربان است.
۱۳- آیا ترسیدیدکه پیش ازگفتگوی محرمانه خودصدقه هایی
تقدیم دارید؟ وچون نکردیدوخدا-هم-برشمابخشود،پس نمازرابرپاداریدوزکات
رابدهیدوازخداوپیامبراوفرمان برید،وخدا
به آنچه می کنیدآگاه است.
۱۴- آیاندیده ای کسانی راکه قومی راکه مورد خشم خدایند
به دوستی گرفته اند؟آنها نه ازشمایندونه ازایشان ،وبه دروغ
سوگندیادمی کنندوخودشان-هم-می دانند.
۱۵- خدابرای آنان عذابی سخت آماده کرده است.راستی که چه
بدمی کردند.
۱۶- سوگندهای خودرا-چون-سپری قرارداده بودندو-مردم را-ازراه
خدابازداشتند و-درنتیجه- برای آنان عذابی خفّت آوراست.
۱۷- دربرابرخداوند نه ازاموالشان ونه ازاولادشان هرگزکاری ساخته
نیست.آنهادوزخی اند-و-درآن جاودانه -می مانند-.
۱۸- روزی که خداهمه آنان رابرمی انگیزد،همان گونه که برای
شماسوگندیادمی کردندبرای او-نیز-سوگندیادمی کنندوچنان
پندارندکه حق به جانب آنهاست،آگاه باش که آنان همان
دروغگویانند.
۱۹- شیطان برآنان چیره شده وخدارا ازیادشان برده است

آنان حزب شیطانند.آگاه باش که حزب شیطان همان زیانکارانند.

۲۰- درحقیقت،کسانی که باخداوپیامبراوبه دشمنی برمی خیزند

آنان در-زمره-زبونان خواهندبود.

۲۱- خدامقرّر کرده است که: " حتما من وفرستادگانم چیره

خواهیم گردید." آری،خدانیرومندشکست ناپذیراست.

۲۲- قومی رانیابی که به خدا وروزبازپسین ایمان داشته باشند

-و-کسانی راکه باخداورسولش مخالفت کرده اند-هرچندپدرانشان

یاپسرانشان یابرادرانشان یاعشیره آنان باشند-دوست بدارند،دردل اینهاست

که -خدا-ایمان رانوشته وآنهارابارِوحی ازجانب خود

تاییدکرده است،وآنان رابه بهشتهایی که اززیرآن جویهایی روان

است درمی آورد،همیشه درآنجاماندگارند،خداازایشان خشنود وآنها

ازاوخشنودند،ایناندحزب خدا .آری حزب خداست که رستگارانند.

حشر (گردآمدن)

۱- بنام خداوند بخشنده مهربان

آنچه درآسمانها ودرزمین است تسبیح گوی خداوندهستند واوست شکست ناپذیرسنجیده کار.

۲- اوست کسی که ازمیان اهل کتاب کسانی راکه کفرورزیدنددر نخستین اخراج-ازمدینه-بیرون کرد .گمان نمی کردیدکه بیرون روندوخودشان گمان داشتندکه دژهایشان دربرابرخداوند مانع آنها خواهدبود،و-لی-خداوند ازآنجایی که تصوّرنمی کردندبرآنان درآمد ودردلهایشان بیم افکند،-به طوری که-خودبه دست خود ودست مومنان خانه های خودراخراب می کردند.پس ای دیده وران عبرت گیرید.

۳- واگرخداونداین جلای وطن رابرآنان مقرّرنکرده بود،قطعا آنها

رادردنیا عذاب میکردودرآخرت-هم- عذاب آتش داشتند.

۴- این-عقوبت-برای آن بودکه آنهاباخداوپیامبرش درافتادند،وهرکس با خدا درافتد-بداندکه-خداوندسخت کیفراست.

۵- آنچه درخت خرما بریدیدیاآنهارا-دست نخورده-برریشه هایشان برجای نهادید،به فرمان خدابود،تانافرمانان راخوارگرداند.

۶- وآنچه خدارااز-دارایی-ساکنان آن قریه ها عایدپیامبرش گردانید،ازآن خداوازآن پیامبر-او-ومتعلق به خویشاوندان نزدیک -وی-ویتیمان وبینوایان ودر راه ماندگان است،تامیان توانگران

شما دست به دست نگردد.وآنچه رافرستاده-او-به شماداد،آن رابگیریدوازآنچه شمارابازداشت،بازایستیدوازخداپروابداریدکه خداسخت کیفراست.

۷- آنچه خدااز-دارایی-ساکنان آن قریه ها عایدپیامبرش گردانید،

ازآن خداوندوازآن پیامبر-او-ومتعلق به خویشاوندان نزدیک-وی-

ویتیمان وبینوایان و در راه ماندگان است،تامیان توانگران شما

دست به دست نگردد.وآنچه رافرستاده -او-به شماداد،آن رابگیریدوازآنچه شما رابازداشت،بازایستیدوازخداوندپروابداریدکه خداسخت کیفراست.

۸- (این غنائم،نخست) اختصاص به بینوایان مهاجری داردکه ازدیارشان واموالشان رانده شدند،خواستارفضل خداوخشنودی

-او-میباشندوخداوپیامبرش رایاری می کنند.اینان همان مردم درست کردارند.

۹- و-نیز-کسانی که قبل از-مهاجران-در-مدینه-جای گرفته وایمان آورده اند،هرکس راکه به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند،

ونسبت به آنچه به ایشان داده شده است دردلهایشان حسدی
نمی یابند،وهرچنددرخودشان احتیاجی-مبرم-باشد،آنهارابرخودشان
مقدّم می دارند.وهرکس ازخسّت نفس خودمصون ماند،ایشانند که
رستگارانند.
۱۰- و-نیز-کسانی که بعدازآنان-مهاجران وانصار-آمده اند-و-می گویند: "
پروردگارا،برماوبرآن برادرانمان که درایمان آوردن برما
پیشی گرفتندببخشای ،ودردلهایمان نسبت به کسانی
که ایمان آورده اند-هیچ گونه-کینه ای مگذار،پروردگارا،راستی
که تورئوف ومهربانی."
۱۱- مگرکسانی راکه به نفاق برخاستنندیدی که به برادران اهل
کتاب خود-که ازدرکفردرآمده بودند-می گفتند: " اگراخراج شدید
حتما باشما بیرون خواهیم آمد،وبرعلیه شماهرگزازکسی فرمان
نخواهیم برد،واگرباشماجنگیدند،حتماشمارایاری خواهیم کرد." وخدا گواهی
میدهدکه قطعا آنان دروغگویانند.
۱۲- اگر-یهود-اخراج شوند،آنهابایشان بیرون نخواهندرفت واگربا
آنان جنگیده شود-منافقان-آنهارایاری نخواهندکرد،واگریاریشان
کنندحتما-درجنگ-پشت خواهندکردو-دیگر-یاری نیابند.
۱۳- شماقطعا دردلهای آنان بیش ازخدا مایه هراس هستید،چراکه آنان
مردمانی اندکه نمی فهمند.
۱۴- (آنان به صورت) دسته جمعی ،جزدرقریه هایی که دارای
استحکاماتند،یاازپشت دیوارها،باشما نخواهندجنگید،جنگشان میان

خودشان وسخت است.آنان رامتحدمی پنداری و-لی-دلهایشان پراکنده
است،زیرا آنان مردمانی اندکه نمی اندیشند.
۱۵- درست مانندهمان کسانی که اخیرا-درواقعه بدر-سزای کار
-بد-خودراچشیدندوآنان راعذاب دردناکی خواهدبود.
۱۶- چون حکایت شیطان که به انسان گفت: " کافرشو." وچون
-وی-کافرشدگفت: " من ازتوبیزارم ،زیرامن ازخدا پروردگارجهانیان
میترسم."
۱۷- وفرجام هردوشان آن است که هردو درآتش جاویدمی مانند وسزای
ستمگران این است.
۱۸- ای کسانی که ایمان آورده اید،ازخداپروادارید،وهرکسی باید
بنگردکه برای فردا-ی خود-ازپیش چه فرستاده است،و-باز-ازخدا
بترسید.درحقیقت خدابه آنچه می کنید آگاه است.
۱۹- وچون کسانی مباشیدکه خدارافراموش کردندواو-نیز-آنان را
دچارخودفراموشی کرد،آنان همان نافرمانانند.
۲۰- دوزخیان بابهشتیان یکسان نیستند،بهشتیانندکه کامیابانند.
۲۱- اگراین قرآن رابرکوهی فرومی فرستادیم ،یقینا آن-کوه-را ازبیم
خدافروتن -و-ازهم پاشیده میدیدی ،واین مثلها رابرای مردم می زنیم،باشد که
آنان بیندیشند.
۲۲- اوست خدایی که غیرازاو معبودی نیست،داننده غیب
وآشکاراست،اوست رحمتگر مهربان.
۲۳- اوست خدایی که جزاومعبودی نیست،همان فرمانروای پاک

سلامت-بخش و-مومن-به حقیقت حقه خودکه-نگهبان ،عزیز،

جبّار-و-متکبر-است-.پاک است خداوند ازآنچه-با او-شریک می گردانند.

۲۴- اوست خدای خالق نوسازصورتگر-که-بهترین نامها-وصفات-از

آن اوست .آنچه درآسمانها وزمین است-جمله-تسبیح اومی گویند

واو عزیز حکیم است.

ممتحنه (زن امتحان شده)

۱- بنام خداوند بخشنده مهربان

ای کسانی که ایمان آورده اید،دشمن من ودشمن خودتان رابه دوستی برمگیرید-به طوری-که باآنهااظهاردوستی کنید،وحال آنکه قطعا به آن حقیقت که برای شما آمده کافرند-و-پیامبر-خدا-وشمارا-ازمکه-بیرون می کنندکه-چرا-به خدا،پروردگارتان ایمان آورده اید،اگربرای جهاددر راه من وطلب خشنودی من بیرون آمده اید،-شما-پنهانی باآنان رابطه دوستی برقرارمی کنیددر حالی که من به آنچه پنهان داشتیدوآنچه آشکارنمودیدداناترم.

وهرکس ازشماچنین کند،قطعا ازراه درست منحرف گردیده است.

۲- اگربرشمادست یابند،دشمن شماباشندوبرشمابه بدی دست وزبان بگشایندوآرزو دارندکه کافرشوید.

۳- روزقیامت نه خویشان شماونه فرزندانتان هرگزبه شماسود نمی رسانند.-خدا-میانتان فیصله میدهد،وخدابه آنچه انجام میدهیدبیناست.

۴- قطعابرای شمادر-پیروی از-ابراهیم وکسانی که با او هستند

سرمشقی نیکوست،آنگاه که به قوم خودگفتند: " مازشماواز
آنچه به جای خدامی پرستیدبیزاریم.به شماکفرمی ورزیم ومیان
ماوشما دشمنی وکینه همیشگی پدیدارشده تاوقتی که فقط به خدا ایمان آورید."
جز-در-سخن ابراهیم-که-به-نا-پدر-ی خود-گفت
: " حتما برای توآمرزش خواهم خواست.باآنکه دربرابرخدااختیار
چیزی رابرای تونداریم." " ای پروردگار،مابرتو اعتمادکردیم وبه سوی
توبازگشتیم وفرجام به سوی توست.
۵- پروردگارا،مارا وسیله آزمایش -وآماج آزار-برای کسانی که کفرورزیده
اندمگردان،وبرمابببخشای که توخودتوانای سنجیده کاری."
۶- قطعابرای شمادر-پیروی از-آنان سرمشقی نیکوست-یعنی-برای
کسی که به خداوروز بازپسین امیدمی بندد.وهرکس روی برتابد
-بداندکه-خداهمان بی نیازستوده-صفات-است.
۷- امیداست که خدا میان شما ومیان کسانی ازآنان که-ایشان را-دشمن
داشتید،دوستی برقرارکند،وخداتواناست،وخداآمرزنده
مهربان است.
۸- (اما) خداشمارااازکسانی که در-کار-دین باشمانجنگیده وشما
راازدیارتان پیروی نکرده اند،بازنمی داردکه باآنان نیکی کنیدوبا
ایشان عدالت ورزید،زیراخدا دادگران را دوست می دارد.
۹- فقط خداشما را ازدوستی باکسانی بازمی دارد که در-کار-
دین باشما جنگ کرده وشمارا ازخانه هایتان بیرون رانده ودر
بیرون راندنتان بایکدیگرهمپشتی کرده اند.وهرکس آنان رابه

دوستی گیرد،آنان همان ستمگرانند.

۱۰- ای کسانی که ایمان آورده اید،چون زنان باایمان مهاجر نزدشماآیندآنان رابیازمایید،خدابه ایمان آنان داناتراست.پس اگر آنان رابا ایمان تشخیص دادید،دیگرایشان رابه سوی کافران بازنگردانید،نه آن زنان برایشان حلالندونه آن -مردان-براین زنان حلال ،وهرچه خرج-این زنان-کرده اندبه-شوهران-آنهابدهید،وبر شما گناهی نیست که-درصورتی که مهرشان رابه آنان بدهید- باایشان ازدواج کنید،وبه پیوندهای قبلی کافران متمسک نشوید -وپایبند نباشید-وآنچه راشما-برای زنان مرتدوفراری خودکه به کفارپناهنده شده اند-خرج کرده اید،-ازکافران-مطالبه کنید،وآنهاهم بایدآنچه راخرج کرده اند-ازشما-مطالبه کنند.این حگم خداست -که-میان شما داوری می کند،وخدا دانای حکیم است.

۱۱- ودرصورتی که -زنی-ازهمسران شمابه سوی کفاررفت-وکفار مهرموردمطالبه شمارانادادند-وشما غنیمت یافتید،پس به کسانی که همسرانشان رفته اند،معادل آنچه خرج کرده اندبدهید،واز آن خدایی که به اوایمان داریدبترسید.

۱۲- ای پیامبر،چون زنان باایمان نزدتوآیندکه-بااین شرط-باتو بیعت کنندکه چیزی راباخداشریک نسازند،ودزدی نکنند،وزنانکنند وفرزندان خودرانکشند،وبچه های حرامزاده پیش دست وپای خودرابا بهتان-وحیله- به شوهرنبندند،ودر-کار-نیک ازتونافرمانی نکنند،باآنان بیعت کن وازخدابرای آنان آمرزش بخواه،زیراخداوند

آمرزنده مهربان است.

۱۳- ای کسانی که ایمان آورده اید،مردمی راکه خدابرآنان خشم رانده ،به دوستی مگیرید،آنهاواقعا ازآخرت سلب امید کرده اند ،همان گونه که کافران ازاهل گورقطع امید نموده اند،

صف

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

آنچه درآسمانهاوآنچه درزمین است به تسبیح خدامی پردازند،

واوست ارجمندحکیم.

۲- ای کسانی که ایمان آورده اید،چراچیزی میگوییدکه انجام

نمی دهید؟

۳- نزدخداسخت ناپسنداست که چیزی رابگویید وانجام ندهید.

۴- درحقیقت، خدادوست داردکسانی راکه درراه اوصف درصف،

چنانکه گویی بنایی ریخته شده از سرب هستند،جهادمی کنند.

۵- و-یادکن-هنگامی راکه موسی به قوم خودگفت: " ای قوم من،چراآزارم

می دهید.بااینکه میدانیدمن فرستاده خدابه سوی شما

هستم؟" پس چون-ازحق-برگشتند،خدادلهایشان رابرگردانید،وخدا

مردم نافرمان راهدایت نمی کند.

۶- وهنگامی راکه عیسی پسرمریم گفت: " ای فرزندان اسراییل

من فرستاده خدابه سوی شماهستم،تورات راکه پیش ازمن بوده

تصدیق میکنم وبه فرستاده ای که پس ازمن میآید ونام او

" احمد" است بشارتگرم." پس وقتی برای آنان دلایل روشن آورد

گفتند: " این سحری آشکاراست."

۷- وچه کسی ستمگرترازآن کس است که باوجودآنکه به سوی

اسلام فراخوانده میشود،برخدادروغ می بندد؟وخدامردم ستمگررا راه نمی

نماید.

۸- می خواهندنورخدارابا دهان خودخاموش کنندوحال آنکه خدا

-اگرچه کافران راناخوش افتد-نورخودراکامل خواهدگردانید.

۹- اوست کسی که فرستاده خودراباهدایت وآیین درست روانه

کرد،تا آن رابرهرچه دین است فائق گرداند،هرچندمشرکان راناخوش آید.

۱۰- ای کسانی که ایمان آورده اید،آیاشمارابرتجارتی راه نمایم که شمارا

ازعذابی دردناک می رهاند؟

۱۱- به خداوفرستاده اوبگرویدودر راه خدا بامال وجانتان جهاد

کنید.این-گذشت وفداکاری-اگربدانید،برای شما بهتراست.

۱۲- تاگناهانتان رابرشماببخشاید،وشمارادرباغهایی که اززیر-درختان-آن

جویبارها روان است و-در-سراهایی خوش ،در

بهشتهای همیشگی درآورد.این-خود-کامیابی بزرگ است.

۱۳- و-رحمتی-دیگرکه آن رادوست دارید،یاری وپیروزی نزدیکی

ازجانب خداست،ومومنان را-بدان-بشارت ده.

۱۴- ای کسانی که ایمان آورده اید،یاران خداباشید،همان گونه

که عیسی بن مریم به حواریون گفتند:" یاران من درراه خدا

چه کسانی هستند؟" حواریون گفتند: " مایاران خداییم." آنان را بر دشمنانشان

یاری کردیم تاچیره شدند.

جمعه

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

آنچه درآسمانهاوآنچه درزمین است،خدایی راکه پادشاه پاک ارجمندفرزانه است، تسبیح می گویند.

۲- اوست آن کس که درمیان بی سوادان فرستاده ای ازخودشان برانگیخت،تاآیات اورابرآنان بخواندوپاکشان گرداند وکتاب وحکمت بدیشان بیاموزد،و-آنان-قطعا پیش ازآن درگمراهی آشکاری بودند.

۳- و-نیزبرجماعتهایی-دیگرازایشان که هنوزبه آنها نپیوسته اند.واوست ارجمندسنجیده کار.

۴- این فضل خداست ،آن رابه هرکه بخواهدعطامی کندوخدا دارای فضل بسیاراست.

۵- مثل کسانی که-عمل به-تورات برآنان بارشد-وبدان مکلف گردیدند-آنگاه آن رابه کارنبستند،همچون مثل خری است که کتابهایی رابرپشت می کشد.-وه-چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدارابه دروغ گرفتند،خدامردم ستمگررا راه نمی نماید.

۶- بگو: " ای کسانی که یهودی شده اید،اگرپندارید‌که شما دوستان خداهستیدنه مردم دیگر،پس اگر راست می گویید

درخواست مرگ کنید."

۷- و-لی-هرگزآن رابه سبب آنچه ازپیش به دست خویش
کرده اند،آرزو نخواهندکرد،وخدابه -حال-ستمگران داناست.

۸- بگو: "آن مرگی که ازآن می گریزید،قطعا به سروقت شما
می آید،آنگاه به سوی دانای نهان وآشکاربازگردانیده خواهید
شد،وبه آنچه-در روی زمین-می کردید،آگاهتان خواهدکرد."

۹- ای کسانی که ایمان آورده اید،چون برای نمازجمعه ندا
درداده شد،به سوی ذکرخدابشتابید،ودادوستدرا واگذارید.اگربدانید
این برای شما بهتراست.

۱۰- وچون نماز گزارده شد،در-روی-زمین پراکنده گردیدوفضل
خداراجویاشویدوخدارابسیاریادکنید،باشدکه شمارستگارگردید.

۱۱- وچون دادوستدیا سرگرمیی ببینند،به سوی آن روی آور
میشوند،وتورادرحالی که ایستاده ای ترک می کنند.بگو: " آنچه
نزدخداست ازسرگرمی وازدادوستدبهتراست ،وخدا بهترین
روزی دهندگان است."

منافقون (منافقان)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

چون منافقان نزدتوآیندگویند: " گواهی میدهیم که توواقعا

پیامبرخدایی." وخدا-هم-می داندکه تو واقعا پیامبراوهستی، وخدا گواهی

میدهد که مردم دوچهره سخت دروغگویند.

۲- سوگندهای خودرا-چون-سپری برخودگرفته و-مردم را-ازراه

خداباز داشته اند.راستی که آنان چه بدمی کنند.

۳- این بدان سبب است که آنان ایمان آورده ،سپس به انکار

پرداخته اندودرنتیجه بردلهایشان مُهرزده شده و-دیگر-نمی فهمند.

۴- وچون آنان راببینی،هیکلهایشان تورابه تعجب وامی دارد،وچون سخن

می گویندبه گفتارشان گوش فرامی دهی،گویی

آنان شمعک هایی پشت بردیوارند-که پوک شده ودرخوراعتماد

نیستند-: هرفریادی رابه زیان خویش می پندارند.خودشان دشمنند ،ازآنان

بپرهیز ،خدا بکشدشان،تاکجا-ازحقیقت-انحراف

یافته اند.

۵- وچون بدیشان گفته شود: " بیاییدتاپیامبرخدابرای شما

آمرزش بخواهد" سرهای خودرابرمی گردانند،وآنان رامی بینی

که تگبرکنان روی برمی تابند.

۶- برای آنان یکسان است چه برایشان آمرزش بخواهی یا

برایشان آمرزش نخواهی ،خداهرگزبرایشان نخواهدبخشود.خدا فاسقان را راهنمایی نمی کند.

۷- آنان کسانی هستندکه می گویند: " به کسانی که نزدپیامبرخدایندانفاق مکنیدتا پراکنده شوند،وحال آنکه گنجینه های آسمانها وزمین ازآن خداست ولی منافقان درنمی یابند.

۸- می گویند: " اگربه مدینه برگردیم،قطعا آنکه عزتمندتراست آن زبون تر را ازآنجا بیرون خواهدکرد." و-لی-عزّت ازآن خدا وازآن پیامبراو وازآن مومنان است،لیکن این دورویان نمی دانند.

۹- ای کسانیدکه ایمان آورده اید،-زنهار-اموال شماوفرزندانتان شمارا ازیادخداغافل نگرداند،وهرکس چنین کند،آنان خود زیانکارانند.

۱۰- وازآنچه روزی شماگردانیده ایم،انفاق کنید،پیش ازآنکه یکی ازشمارامرگ فرارسدوبگوید: " پروردگارا،چراتامدتی بیشتر -اجل-مرابه تاخیرنینداختی تاصدقه دهم وازنیکوکاران باشم؟"

۱۱- و-لی-هرکس اجلش فرارسد،هرگزخدا-آن را-به تاخیر نمی افکند،وخدا به آنچه می کنیدآگاه است.

تغابن (حسرت)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

هرچه درآسمانهاو هرچه درزمین است خداراتسبیح می گویند.

او راست فرمانروایی واو راست سپاس واو برهرچیزی تواناست.

۲- اوست آن کس که شمارا آفرید،برخی ازشما کافرندوبرخی

مومن وخدابه آنچه می کنیدبیناست.

۳- آسمانهاوزمین رابه حق آفریدوشماراصورتگری کردوصورتهایتان

رانیکو آراست،وفرجام به سوی اوست.

۴- آنچه راکه درآسمانهاوزمین است می داند،وآنچه راکه پنهان

می کنیدوآنچه راکه آشکارمی دارید-نیز-میداند،وخدابه رازدلها داناست.

۵- آیاخبرکسانی که پیش ازاین کفرورزیدند،وفرجام بدکارشان

راچشیدندوعذاب پردردی خواهندداشت ،به شما نرسیده است؟

۶- این-بدفرجامی-ازآن روی بودکه پیامبرانشان دلایل آشکاربرایشان می

آوردندو-لی-آنان-می-گفتند: " آیابشری ماراهدایت

می کند؟" پس کافرشدندوروی گردانیدندوخدابی نیازی نمود،

وخدا بی نیازستوده است.

۷- کسانی که کفرورزیدندپنداشتندکه هرگزبرانگیخته نخواهندشد

بگو: " آری" سوگندبه پروردگارم حتما برانگیخته خواهیدشد،سپس شمارابه

-حقیقت-آنچه کرده ایدقطعا واقف خواهندساخت،واین برخداآسان است."

۸- پس به خداوپیامبراو وآن نوری که مافروفرستادیم ایمان آورید،وخدابه
آنچه می کنیدآگاه است.
۹- روزی که شمارابرای روزگردآوری،گردمی آورد،آن-روز-روزحسرت
-خوردن-است،وهرکس به خداایمان آورده وکارشایسته ای کرده
باشد،بدیهایش رازاو بسترد،واو رادربهشتهایی که اززیرآن جویبارها روان
است درآورد.درآنجابمانند.این است همان کامیابی
بزرگ.
۱۰- وکسانی که کفرورزیدند،وآیات ماراتکذیب کرده اند، آنان اهل
آتشند-و-درآن ماندگارخواهندبود،وچه بدسرانجامی است.
۱۱- هیچ مصیبتی جز به اذن خدانرسد،وکسی که به خدابگرود،دلش را به
راه آورد،وخدا-ست که-به هرچیزی داناست.
۱۲- وخدا رافرمان بریدوپیامبر-او-را اطاعت نمایید ،واگرروی
بگردانید ،برپیامبرمافقط پیام رساندن آشکاراست.
۱۳- خدا-ست که-جزاومعبودی نیست ،مومنان باید تنهابرخدا اعتماد کنند.
۱۴- ای کسانی که ایمان آورده اید،درحقیقت برخی ازهمسران
شماوفرزندان شما دشمن شمایند،ازآنان برحذرباشید،واگرببخشاییدودرگذرید
وبیامرزید،به راستی خدا آمرزنده مهربان
است.
۱۵- اموال شماوفرزندانتان صرفا-وسیله-آزمایشی-برای شما-یند
وخداست که نزداوپاداشی بزرگ است.
۱۶- پس تامیتوانیدازخداپروابداریدوبشنوید وفرمان ببرید،ومالی برای

خودتان-در راه خدا-انفاق کنید،وکسانی که ازخسّت نفس

خویش مصون مانند،آنان رستگارانند.

۱۷- اگرخدا راوامی نیکو دهید،آن رابرای شمادوچندان

می گرداند

وبرشما می بخشاید،وخدا-ست که-سپاس پذیربرباراست.

۱۸- دانان نهان وآشکار-و-ارجمندسنجیده کاراست.

طلاق

۱- بنام خداوند بخشنده مهربان

ای پیامبر،چون زنان راطلاق گویید،در-زمان بندی-عدّه آنان

طلاقشان گوییدوحساب آن عدّه رانگه دارید،وازخدا،پروردگارتان

بترسید.آنان را ازخانه هایشان بیرون مکنید،وبیرون نروندمگرآنکه مرتکب

کارزشت آشکاری شده باشند.این است احکام الهی.وهرکس ازمقرّرات

خدا-پای-فراترنهد،قطعابه خودش

ستم کرده است.نمی دانی شایدخداپس ازاین پیشامدی پدیدآورد.

۲- پس چون عدّه آنان به سررسید-یا-به شایستگی نگاهشان دارید،یابه

شایستگی ازآنان جداشوید،ودوتن -مرد-عادل رااز

میان خودگواه گیرید،وگواهی رابرای خدابه پادارید.این است

اندرزی که به آن کس که به خداوروز بازپسین ایمان دارد،

داده میشود،وهرکس ازخداپرواکند-خدا-برای اوراه بیرون شدنی قرارمیدهد.

۳- وازجایی که حسابش رانمی کند،به اوروزی میرساند،وهرکس

برخدااعتمادکنداوبرای وی بس است.خدافرمانش رابه انجام

رساننده است .به راستی خدابرای هرچیزی اندازه ای مقرّر

کرده است.

۴- وآن زنان شماکه ازخون دیدن-ماهانه-نومیدند،اگرشک دارید

-که خون میبینندیانه؟-عدّه آنان سه ماه است،و-دخترانی-که-هنوز-خون ندیده

اند-نیزعدّه شان سه ماه است-

وزنان آبستن مدّتشان این است که وضع حمل کنند،وهرکس

ازخداپروادارد-خدا-برای اودرکارش تسهیلی فراهم سازد.

۵- این است فرمان خداکه آن رابه سوی شما فرستاده است
وهرکس ازخداپرواکندبدیهایش راازاو بزدایدوپاداشش رابزرگ
گرداند.
۶- همانجاکه-خود-سکونت دارید،به قدراستطاعت خویش آنان
راجای دهیدوبه آنهاآسیب -وزیان-مرسانیدتاعرصه رابرآنان تنگ
کنید.واگرباردارندخرجشان رابدهیدتاوضع حمل کنند.واگربرای شما
-بچه-شیرمیدهندمزدشان رابه ایشان بدهیدوبه شایستگی میان
خودبه مشورت پردازید،واگرکارتان -دراین مورد-باهم به دشواری
کشید-زن-دیگری -بچه را-شیردهد.
۷- برتوانگراست که ازدارایی خودهزینه کند،وهرکه روزی او
تنگ باشدبایدازآنچه خدابه اوداده خرج کند.خداهیچ کس راجز-به قدر-آنچه به
اوداده است تکلیف نمی کند.خدابه زودی
پس ازدشواری آسانی فراهم می کند.
۸- وچه بسیارشهرهاکه ازفرمان پروردگارخودوپیامبرانش
سرپیچیدندوازآنهاحسابی سخت کشیدیم وآنان رابه عذابی
-بس-زشت عذاب کردیم.
۹- تاکیفرزشت عمل خودراچشیدند،وپایان کارشان زیان بود.
۱۰- خدابرای آنان عذابی سخت آماده کرده است.پس ای خردمندانی که ایمان
آورده اید،ازخدابترسید.راستی که خداسوی
شما تذکاری فروفرستاده است:
۱۱- پیامبری که آیات روشنگرخدارابرشما تلاوت می کند،تا کسانی راکه

ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اندازتاریکیها

به سوی نور بیرون برد،وهرکس به خدا بگرودوکارشایسته

کنداورا درباغهایی که ازریرآن جویبارها روان است درمی آورد،جاودانه

درآن می مانند.قطعا خداروزی رابرای اوخوش کرده

است.

۱۲- خداهمان کسی است که هفت آسمان وهمانندآنهاهفت زمین

آفرید.فرمان -خدا-درمیان آنها فرودمی آید،تا بدانیدکه خدا بر

هرچیزی تواناست،وبه راستی دانش وی هرچیزی رادربرگرفته

است.

تحریم

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

ای پیامبر،چرابرای خشنودی همسرانت ،آنچه راخدابرای تو

حلال گردانیده حرام میکنی؟ خدا-ست که-آمرزنده مهربان است.

۲- قطعاخدابرای شما-راه-گشودن سوگندهایتان رامقرّرداشته است وخداسرپرست شماست ،واوست دانای حکیم.

۳- وچون پیامبربایکی ازهمسرانش سخنی نهانی گفت،وهمین که وی آن را-به زن دیگر-گزارش دادوخدا-پیامبر-رابر آن مطّلع گردانید-پیامبر-بخشی ازآن رااظهارکردوازبخشی-دیگر-اعراض نمود. پس چون-مطلب-رابه آن -زن-خبرداد،وی گفت: " چه کسی این رابه توخبرداده؟" گفت: " مرا آن دانای آگاه خبرداده است."

۴- اگر-شمادوزن-به درگاه خداتوبه کنید-بهتراست-واقعا دلهایتان انحراف پیداکرده است.واگرعلیه اوبه یکدیگرکمک کنید،درحقیقت خداخودسرپرست اوست،وجبرییل وصالح مومنان-نیزیاوراویند-وگذشته ازاین فرشتگان-هم-پشتیبان-او-خواهندبود.

۵- اگرپیامبر،شماراطلاق گوید،امیداست پروردگارش همسرانی بهترازشما ،مسلمان،مومن،فرمانبر،توبه کار،عابد،روزه دار،بیوه و دوشیزه به اوعوض دهد.

۶- ای کسانی که ایمان آورده اید،خودتان وکسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم وسنگهاست حفظ کنید،برآن-آتش-فرشتگانی خشن-و-سختگیر-گمارده شده-اند.ازآنچه خدابه آنان دستورداده سرپیچی نمی کنندوآنچه راکه مامورندانجام می دهند.

۷- ای کسانی که کافرشده اید،امروزعذرنیاورید،درواقع به آنچه می کردیدکیفرمی یابید.

۸- ای کسانی که ایمان آورده اید،به درگاه خداتوبه ای راستین کنید،امیداست که پروردگارتان بدیهایتان رااز‌شما بزدایدوشما رابه باغهایی که اززیرآن جویبارهاروان است درآورد.درآن روز خداپیامبر-خود-وکسانی راکه بااوایمان آورده بودندخوارنمی گرداند،نورشان ازپیشاپیش آنان وسمت راستشان روان است

می گویند: " پروردگارا،نور رابرای ما کامل گردان وبرما ببخشای که توبرهرچیزتوانایی."

۹- ای پیامبر،باکافران ومنافقان جهادکن ووبرآنان سخت گیر-که- جای ایشان درجهنم خواهدبودوچه بدسرانجامی است.

۱۰- خدابرای کسانی که کفر ورزیده اند،آن نوح وآن لوط رامثل آورده-که-هردو درنکاح دوبنده ازبندگان شایسته مابودندوبه آنها خیانت کردند،وکاری ازدست-شوهران-آنهادربرابرخداساخته نبود، وگفته شد: " باداخل شوندگان داخل آتش شوید."

۱۱- وبرای کسانی که ایمان آورده اند،خداهمسرفرعون رامثل آورده ،آنگاه که گفت: " پروروگارا،پیش خود دربهشت خانه ای

برایم بساز،ومرا ازفرعون وکردارش نجات ده،ومرا ازدست مردم ستمگربرهان."

۱۲- ومریم دخت عمران را،همان کسی که خودراپاکدامن نگاه داشت ودراو ازروح خود دمیدیم وسخنان پروردگارخودوکتابهای اورا تصدیق کرد وازفرمانبرداران بود.

مُلک (پادشاهی)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

بزرگوار-وخجسته-است آنکه فرمانروایی به دست اوست واوبرهرچیزی تواناست.

۲- همانکه مرگ وزندگی راپدیدآوردتاشمارابیازمایدکه کدامتان نیکوکارترید،واوست ارجمندآمرزنده.

۳- همان که هفت آسمان راطبقه طبقه بیافرید.درآفرینش آن -خدای-بخشایشگرهیچ گونه اختلاف -وتفاوتی-نمی بینی ،بازبنگر آیاخلل -ونقصانی-می بینی؟

۴- بازدوباره بنگرتانگاهت زبون ودرمانده به سویت بازگردد.

۵- ودرحقیقت، آسمان دنیاراباچراغهایی زینت دادیم وآن رامایه طردشیاطین-قوای مزاحم-گردانیدیم وبرای آنها عذاب آتش فروزان آماده کرده ایم.

۶- وکسانی که به پروردگارشان انکارآوردند،عذاب آتش جهنم خواهند داشت وچه بدسرانجامی است.

۷- چون درآنجاافکنده شوند،ازآن خروشی می شنوند،درحالی که می جوشد.

۸- نزدیک است که ازخشم شکافته شود،هربارکه گروهی درآن افکنده شوند،نگاهبانان آن ازایشان پرسند: " مگرشماراهشداردهنده ای نیامد؟"

۹- گویند: " چرا،هشداردهنده ای به سوی ما آمدو-لی-تکذیب کردیم وگفتیم: خداچیزی فرونفرستاده است،شماجزدرگمراهی بزرگ نیستید."

۱۰- وگویند: " اگرشنیده-وپذیرفته-بودیم یاتعقل کرده بودیم در -میان-دوزخیان نبودیم."

۱۱- پس به گناه خوداقرار می کنند،ومرگ بادبراهل جهنم

۱۲- کسانی که درنهان ازپروردگارشان می ترسند،آنان راآمرزش و
پاداشی بزرگ خواهدبود.
۱۳- و-اگر-سخن خودراپنهان دارید،یاآشکارش نمایید،درحقیقت وی
به رازدلها آگاه است.
۱۴- آیاکسی که آفریده است نمی داند؟یااینکه اوخودباریک بین
آگاه است.
۱۵- اوست کسی که زمین رابرای شما رام گردانید،پس درفراخنای آن
رهسپارشویدوازروزی-خدا-بخوریدورستاخیزبه
سوی اوست.
۱۶- آیا ازآن کس که درآسمان است ایمن شده ایدکه شمارا
درزمین فروبرد،پس بناگاه -زمین-به تپیدن افتد؟
۱۷- یاازآن کس که درآسمان است ایمن شده ایدکه بر-سر-شما
تندبادی ازسنگریزه فروفرستد؟پس به زودی خواهید دانست که
بیم دادن من چگونه است.
۱۸- وپیش ازآنان-نیز-کسانی به تکذیب پرداختندپس عذاب من
چگونه بود؟
۱۹- آیادربالای سرشان به پرندگان ننگریسته اند-که گاه-بال می
گسترندو-گاه-بال می زنند؟جزخدای رحمان-کسی-آنهارانگاه نمی دارد،اوبه
هرچیزی بیناست.
۲۰- یاآن کسی که خودبرای شما-چون-سپاهی است که یاری
می کند،جزخدای رحمان کیست؟کافران جزگرفتارفریب نیستند.

۲۱- یاکیست آن که به شماروزی دهداگر-خدا-روزی خودرا-ازشما-
بازدارد؟-نه-بلکه درسرکشی ونفرت پافشاری کردند.
۲۲- پس آیا آن کس که نگونسارراه می پیمایدهدایت یافته تر
است یاآن کس که ایستاده بر راه راست میرود؟
۲۳- بگو: " اوست آن کس که شماراپدیدآورده وبرای شما گوش
ودیدگان ودلهاآفریده است،چه کم سپاسگزارید."
۲۴- بگو: " اوست که شما را درزمین پراکنده کرده وبه نزداو-ست
که-گردآورده خواهیدشد."
۲۵- ومی گویند: " اگرراست می گویید،این وعده کی خواهدبود؟"
۲۶- بگو: " علم-آن-فقط پیش خداست ومن صرفاهشداردهنده ای
آشکارم."
۲۷- وآنگاه که آن-لحظه موعود-رانزدیک ببینند،چهره های کسانی
که کافرشده انددرهم رود،وگفته شود: " این است همان چیزی
که آن رافرامی خواندید."
۲۸- بگو: " به من خبردهید،اگرخدا مراوهرکه رابامن است هلاک کندیاما
راموردرحمت قراردهد،چه کسی کافران را ازعذابی پردرد
پناه خواهدداد؟"
۲۹- بگو: " اوست خدای بخشایشگر،به اوایمان آوردیم،وبراو توکل
کردیم،وبه زودی خواهید دانست چه کسی است که خود
در گمراهی آشکاری است."
۳۰- بگو: " به من خبردهید،اگرآب-آشامیدنی-شما-به زمین- فرورود چه

کسی آب روان برایتان خواهدآورد؟:"

قلم

۱- بنام خداوند بخشاینده مهربان

ن ،سوگندبه قلم وآنچه می نویسند،

۲- (که)تو،به لطف پروردگارت ،دیوانه نیستی.

۳- وبی گمان، توراپاداشی بی منّت خواهدبود.

۴- وراستی که تورا خوبی والااست.

۵- به زودی خواهی دیدوخواهنددید،

۶- (که)کدام یک ازشما دستخوش جنونید.

۷- پروردگارت خودبهترمی داندچه کسی از راه اومنحرف شده،
و-هم-اوبه راه یافتگان داناتراست.

۸- پس، ازدروغزنان فرمان مبر.

۹- دوست دارندکه نرمی کنی تانرمی نمایند.

۱۰- وازهرقسم خورنده فرومایه ای فرمان مبر.

۱۱- (که) عیب جوست وبرای خبرچینی گام برمی دارد.

۱۲- مانع خیر،متجاوز،گناه پیشه.

۱۳- گستاخ ،-و-گذشته ازآن زنازاده است.

۱۴- به صرف اینکه مالداروپسرداراست.

۱۵- چون آیات مابراوخوانده شود،گوید: " افسانه های پیشینیان است."

۱۶- زوداکه بر بینی اش داغ نهیم-ورسوایش کنیم-.

۱۷- ماآنان راهمان گونه که باغداران را آزمودیم ،مورد آزمایش
قراردادیم.آنگاه که سوگندخوردندکه صبح برخیزندو-میوه-آن-باغ-
راحتما بچینند.

۱۸- و-لی-" ان شاء الله" نگفتند.

۱۹- پس درحالی که آنان غنوده بودند،بلایی ازجانب پروردگارت
برآن -باغ-به گردش درآمد.

۲۰- و-باغ-آفت زده-وزمین بایر-گردید.

۲۱- پس -باغداران-بامدادان یکدیگررا صدا زدند.

۲۲- که : " اگرمیوه می چینید،بامدادان به سوی کشت خویش
روید."
۲۳- پس به راه افتادندوآهسته به هم می گفتند
۲۴- " که امروز نباید درباغ بینوایی برشما درآید."
۲۵- وصبحگاهان درحالی که خودرابرمنع-بینوایان-توانا می دیدند،رفتند.
۲۶- وچون -باغ-رادیدند،کفتند: " قطعا ماراه گم کرده ایم.
۲۷- (نه)بلکه مامحرومیم.
۲۸- خردمندترینشان گفت: " آیابه شما نگفتم،چراخدارابه پاکی نمی ستایید؟"
۲۹- گفتند: " پروردگارا،تورابه پاکی می ستاییم،ماواقعا ستمگربودیم؟"
۳۰- پس، بعضی شان روبه بعضی دیگرآوردندوهمدیگررابه نکوهش
گرفتند.
۳۱- گفتند: " ای وای برماکه سرکش بوده ایم
۳۲- امیداست که پروردگاراما بهترازآن رابه ما عوض دهد،زیرامابه
پروردگارمان مشتاقیم.
۳۳- عذاب -دنیا-چنین است،وعذاب آخرت،اگرمی دانستندقطعا
بزرگترخواهدبود.
۳۴- برای پرهیزکاران ،نزدپروردگارشان باغستانهای پر نازونعمت
است.
۳۵- پس آیافرمانبرداران راچون بدکاران قرارخواهیم داد؟
۳۶- شمارا چه شده؟ چگونه داوری می کنید؟
۳۷- یاشماراکتابی هست که درآن فرامی گیرید،

۳۸- که هرچه رابرمی گزینید،برای شما درآن خواهدبود؟

۳۹- یااینکه شماتاروزقیامت-ازما-سوگندهایی رسا گرفته اید
که هرچه دلتان خواست حکم کنید؟

۴۰- ازآنان بپرس،کدامشان ضامن این-ادعا-یند؟

۴۱- یاشریکانی دارند؟پس اگرراست می گویندشریکانشان را بیاورند.

۴۲- روزی که کار،زار-ورهایی دشوار-شود وبه سجده فراخوانده
شوندودرخودتوانایی نیابند.

۴۳- دیدگانشان به زیرافتاده ،خواری آنان رافرومی گیرد،درحالی
که-پیش ازاین- به سجده دعوت میشدندو تندرست بودند.

۴۴- پس مراباکسی که این گفتارراتکذیب میکندواگذار.به تدریج
آنان رابه گونه ای که درنیابند-گریبان-خواهیم گرفت.

۴۵- ومهلتشان میدهم،زیراتدبیرمن-سخت-استواراست.

۴۶- آیاازآنان مزدی درخواست میکنی،وآنان خودرازیربارتاوان،
گرانبارمی یابند؟

۴۷- یا-علم- غیب پیش آنهاست وآنهامی نویسند؟

۴۸- پس در-امتثال-حکم پروردگارت شکیبایی ورز، ومانند همدم
ماهی -یونس-مباش-،آنگاه که اندوه زده ندا درداد.

۴۹- اگرلطفی ازجانب پروردگارش تدارک -حال-اونمی کرد،قطعا
نکوهش شده برزمین خشک انداخته میشد.

۵۰- پس پروردگارش وی رابرگزیدوازشایستگانش گردانید.

۵۱- وآنان که کافرشدند،چون قرآن راشنیدندچیزی نمانده بودکه

توراچشم بزنند،ومی گفتند: " او واقعا دیوانه ای است."

۵۲- وحال آنکه-قرآن-جز تذکاری برای جهانیان نیست.

حاقه (حتمی)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

آن رخ دهنده.

۲- چیست آن رخ دهنده؟

۳- وچه دانی که چیست آن رخ دهنده؟

۴- ثمودوعاد،آن حادثه کوبنده راتکذیب کردند.

۵- اما ثمودبه-سزای-سرکشی -خود-به هلاکت رسیدند.

۶- واما عاد،به-وسیله-تندبادی توفنده سرکش هلاک شدند.

۷- (که خدا) آن راهفت شب وهشت روز پیاپی برآنان بگماشت، درآن-مدت-مردم رافروافتاده می دیدی ،گویی آنها تنه های نخلهای میان تهی اند.

۸- آیاازآنان کسی رابرجای میبینی؟

۹- وفرعون وکسانی که پیش ازاوبودندو-مردم-شهرهای سرنگون شده-سدوم وعاموره-مرتکب خطاشدند.

۱۰- وازامرفرستاده پروردگارشان سرپیچی کردند،و-خداهم-آنان را به گرفتنی سخت فروگرفت.

۱۱- ما،چون آب طغیان کرد، شمارا برکشتی سوارنمودیم.

۱۲- تاآن رابرای شما-مایه- تذکری گردانیم وگوشهای شنواآن را نگاه دارد.

۱۳- پس آنگاه که درصوریک باردمیده شود ،

۱۴- وزمین وکوهها ازجای خودبرداشته شوندوهردوی آنهابایک تکان ریزریزگردند.

۱۵- پس آن روزاست که واقعه-آنچنانی-وقوع یابد.

۱۶- وآسمان ازهم بشکافد،ودرآن روزاست که آن ازهم گسسته باشد.

۱۷- وفرشتگان دراطراف-آسمان-اند،وعرش پروردگارت را آن روز هشت-فرشته-برسرخودبرمی دارند.

۱۸- درآن روز،شما-به پیشگاه خدا-عرضه میشوید،-و-پوشیده ای ازشما پوشیده نمی ماند.

۱۹- اماکسی که کارنامه اش به دست راستش داده شود،گوید:

" بیاییدوکتابم رابخوانید.

۲۰- من یقین داشتم که به حساب خودمی رسم.

۲۱- پس اودریک زندگی خوش است.

۲۲- دربهشتی برین.

۲۳- (که) میوه هایش دردسترس است.

۲۴- بخوریدوبنوشید،گواراتان باد،به- پاداش- آنچه درروزهای گذشته انجام دادید.

۲۵- واماکسی که کارنامه اش به دست چپش داده شود،گوید:

" ای کاش کتابم رادریافت نکرده بودم.

۲۶- وازحساب خودخبردارنشده بودم.

۲۷- ای کاش آن-مرگ-کاررا تمام میکرد.

۲۸- مال من،مراسودی نبخشید.

۲۹- قدرت من از-کف-من برفت.

۳۰- (گویند:) " بگیریداورا ودر غل کشید.

۳۱- آنگاه میان آتشش اندازید.

۳۲- پس در زنجیری که درازای آن هفتادگزاست وی را دربند کشید.

۳۳- چراکه اوبه خدای بزرگ نمی گروید.

۳۴- وبه اطعام مسکین تشویق نمی کرد.

۳۵- پس امروز اورا دراینجا حمایتگری نیست.

۳۶- وخوراکی جز چرکابه ندارد.

۳۷- که آن را جزخطاکاران نمی خورند.

۳۸- پس نه-چنان است که می پندارند-سوگندیادمی کنم به آنچه می بینید،

۳۹- وآنچه نمی بینید،

۴۰- که -قرآن-قطعا گفتارفرستاده ای بزرگوار است.

۴۱- وآن گفتارشاعری نیست-که-کمتر-به آن-ایمان دارید.

۴۲- ونه گفتارکاهنی-که-کمتر-ازآن-پندمی گیرید.

۴۳- (پیام)فرودآمده ای است،ازجانب پروردگارجهانیان.

۴۴- واگر-او-پاره ای گفته ها برمابسته بود،

۴۵- دست راستش را سخت میگرفتیم،

۴۶- سپس رگ قلبش راپاره می کردیم،

۴۷- وهیچ یک ازشمامانع از-عذاب-اونمی شد.

۴۸- ودرحقیقت-قرآن-تذکاری برای پرهیزکاران است.

۴۹- ومابه راستی می دانیم که از-میان-شما تکذیب کنندگانی هستند.

۵۰- وآن واقعابرکافران حسرتی است.

۵۱- واین-قرآن-،بی شبهه ،حقیقتی ،یقینی است.

۵۲- پس به -پاس-نام پروردگاربزرگت تسبیح گوی.

معارج (درجات)

۱- بنام خداوند بخشنده مهربان

پرسنده ای ازعذاب واقع شونده ای پرسید.

۲- که اختصاص به کافران دارد-و-آن رابازدارنده ای نیست.

۳- (و)ازجانب خداوندصاحب درجات -ومراتب-است.

۴- فرشتگان وروح، در روزی که مقدارش پنجاه هزارسال است

به سوی اوبالا می روند.

۵- پس صبرکن،صبری نیکو.

۶- زیراآنان-عذاب-رادورمی بینند،

۷- و-ما-نزدیکش میبینیم.

۸- روزی که آسمانهاچون فلزگداخته شود،

۹- وکوهها چون پشم زده گردد.

۱۰- وهیچ دوست صمیمی ازدوست صمیمی-حال-نپرسد.

۱۱- آنان رابه ایشان نشان می دهند.گناهکارآرزومی کندکه کاش

برای رهائی ازعذاب آن روز،میتوانست پسران خودراعوض دهد.

۱۲- و-نیز-همسرش وبرادرش را.

۱۳- وقبیله اش راکه به اوپناه میدهد،

۱۴- وهرکه راکه درروی زمین است همه را-عوض میداد-وآنگاه

خودرارهامیکرد.

۱۵- نه چنین است-آتش-زبانه میکشد،

۱۶- پوست سرواندام رابرکننده است.

۱۷- هرکه راپشت کرده وروی برتافته

۱۸- وگردآورده وانباشته-وحسابش رانگاه داشته-فرامی خواند.

۱۹- به راستی که انسان سخت آزمند-وبی تاب-خلق شده است.

۲۰- چون صدمه ای به اورسدعجزولابه کند.

۲۱- وچون خیری به اورسدبخل ورزد.

۲۲- غیرازنمازگزاران.

۲۳- همان کسانی که برنمازشان پایداری میکنند.

۲۴- وهمانان که دراموالشان حقی معلوم است

۲۵- برای سائل ومحروم.

۲۶- وکسانی که روزجزا راباوردارند.

۲۷- وآنان که ازعذاب پروردگارشان بیمناکند.

۲۸- چراکه ازعذاب پروردگارشان ایمن نمی توانندبود.

۲۹- وکسانی که دامن خودراحفظ می کنند.

۳۰- مگربر همسران خودیاکنیزانشان که-دراین صورت-موردنکوهش نیستند.

۳۱- وهرکس پاازاین حدفراترنهد،آنان همان ازحددرگذرندگانند.

۳۲- وکسانی که امانتهاوپیمان خودرامراعات می کنند.

۳۳- وآنان که برشهادتهای خودایستاده اند.

۳۴- وکسانی که برنمازشان مداومت می ورزند.

۳۵- آنهاهستندکه درباغهایی-ازبهشت-گرامی خواهندبود.

۳۶- چه شده است که آنان که کفرورزیده اند،به سوی توشتابان،

۳۷- گروه گروه،ازراست وازچپ -هجوم می آورند-؟

۳۸- آیاهریک ازآنان طمع می بنددکه دربهشت پرنعمت درآورده شود؟

۳۹- نه چنین است،ماآنان را ازآنچه -خود-می دانندآفریدیم.

۴۰- (هرگز) به پروردگارخاوران وباختران سوگندیادمی کنم که ما تواناییم.

۴۱- که به جای آنان بهترازایشان رابیاوریم،وبرما پیشی نتوانند جست.

۴۲- پس بگذارشان یاوه گویندوبازی کنند تاروزی راکه وعده داده شده اند ملاقات نمایند.

۴۳- روزی که ازگورها-ی خود-شتابان برآیند،گویی که آنان به سوی پرچمهای افراشته می دوند.

۴۴- دیدگانشان فروافتاده،-غبار-مذلّت آنان رافروگرفته است،این است همان روزی که به ایشان وعده داده میشد.

نوح

۱- بنام خداوند بخشنده مهربان

مانوح رابه سوی قومش فرستادیم که: " قومت را،پیش ازآنکه عذابی دردناک به آنان رسد،هشدارده."

۲- (نوح) گفت: " ای قوم من، من شمارا هشداردهنده ای آشکارم.

۳- که خدارابپرستیدوازاوپروا داریدومرافرمان برید.

۴- (تا)برخی ازگناهانتان رابرشماببخشایدو-اجل-شمارااتاوقتی معین به تاخیراندازد.اگربدانید،چون وقت مقررخدابرسد،تاخیربرنخواهدداشت.

۵- (نوح)گفت: " پروردگارا،من قوم خودراشب وروزدعوت کردم.

۶- ودعوت من جزبرگریزشان نیفزود.

۷- ومن هربارکه آنان رادعوت کردم تاایشان رابیامرزی ،انگشتانشان رادرگوشهایشان کردندو ردای خویشتن برسرکشیدند واصرار ورزیدندوهرچه بیشتربرکبرخودافزودند.

۸- سپس من آشکاراآنان رادعوت کردم.

۹- بازمن به آنان اعلام نمودم ودرخلوت-و-پوشیده نیزبه ایشان گفتم.

۱۰- وگفتم: ازپروردگارتان آمرزش بخواهیدکه اوهمواره آمرزنده

است.

۱۱- (تا) برشما ازآسمان باران پی درپی فرستد.

۱۲- وشمارابه اموال وپسران ،یاری کند،وبرایتان باغهاقراردهدو نهرهابرای شماپدیدآورد.

۱۳- شماراچه شده است که ازشکوه خدا بیم ندارید؟

۱۴- وحال آنکه شمارامرحله به مرحله خلق کرده است.

۱۵- مگرملاحظه نکرده ایدکه چگونه هفت آسمان را تو بر تو آفریده است؟

۱۶- وماه رادرمیان آنهاروشنایی بخش گردانیدوخورشیدرا-چون- چراغی قرار داد.

۱۷- وخدا-ست که-شمارا-مانند-گیاهی اززمین رویانید،

۱۸- سپس شمارادرآن بازمی گرداندوبیرون می آورد ،بیرون آوردنی-عجیب-.

۱۹- وخدازمین رابرای شما فرشی -گسترده-ساخت.

۲۰- تادر راههای فراخ آن بروید."

۲۱- نوح گفت: " پروردگارا،آنان نافرمانی من کردندوکسی راپیروی نمودندکه مال وفرزندش جزبرزیان وی نیفزود.

۲۲- ودست به نیرنگی بزرگ زدند.

۲۳- وکفتند: زنهار،خدایان خودرا رهامکنید،ونه -وَد- را واگذارید ونه " سواع" ونه " یغوث" ونه " یعوق" ونه " نَسر" را.

۲۴- وبسیاری راگمراه کرده اند-بارخدایا-جزبرگمراهی ستمکاران

میفزای."

۲۵- (تا) به سبب گناهانشان غرقه گشتندو-پس ازمرگ-درآتشی

درآورده شدندوبرای خود، دربرابرخدا یارانی نیافتند.

۲۶- ونوح گفت: " پروردگارا،هیچ کس ازکافران رابر روی زمین مگذار،

۲۷- چراکه اگرتوآنان راباقی گذاری ،بندگانت راگمراه می کنندو

جزپلیدکارناسپاس نزایند.

۲۸- پروردگارا،برمن وپدرومادرم وهرمومنی که درسرایم درآید،وبرمردان

وزنان با ایمان ببخشای ،وجزبرهلاکت ستمگران میفزای."

جن

۱- بنام خداوند بخشنده مهربان

بگو: " به من وحی شده است که تنی چندازجنّیان گوش فرا

داشتندوگفتند: راستی ماقرآنی شگفت آورشنیدیم.

۲- (که)به راه راست هدایت میکند.پس به آن ایمان آوردیم وهرگزکسی

راشریک پروردگارمان قرارنخواهیم داد.

۳- واینکه او،پروردگار والای ما، همسروفرزندی اختیارنکرده است.

۴- و-شگفت-آنکه کم خردما،درباره خدا سخنانی یاوه می سراید.

۵- وماپنداشته بودیم که انس وجن هرگزبه خدادروغ نمی بندند.

۶- ومردانی ازآدمیان به مردانی ازجن پناه می بردندوبرسرکشی

آنها می افزودند.

۷- وآنها-نیز-آن گونه که -شما-پنداشته اید،گمان بردندکه خداهرگزکسی را

زنده نخواهد گردانید.

۸- ومابرآسمان دست یافتیم وآن راپرازنگهبانان تواناوتیرهای شهاب یافتیم.

۹- ودر-آسمان-برای شنیدن ،به کمین می نشستیم ،-اما-اکنون هر

که بخواهدبه گوش باشد،تیرشهابی درکمین خودمی یابد.

۱۰- وما-درست-نمی دانیم که آیابرای کسانی که درزمینند بدی خواسته شده

یاپروردگارشان برایشان هدایت خواسته است؟

۱۱- وازمیان مابرخی درستکارندوبرخی غیرآن،وما فرقه هایی گوناگونیم.

۱۲- ومامی دانیم که هرگزنمی توانیم درزمین ،خدای رابه عجز

آوریم،وهرگزاورابا‌گریز-خود-درمانده نتوانیم کرد.

۱۳- وماچون هدایت راشنیدیم بدان گرویدیم،پس کسی که به پروردگارخودایمان آورد،ازکمی-پاداش-وسختی بیم ندارد.

۱۴- وازمیان مابرخی فرمانبرداروبرخی ازما منحرفند،پس کسانی که به فرمانند،آنان درجستجوی راه درستند.

۱۵- ولی منحرفان ،هیزم جهنم خواهندبود."

۱۶- واگر-مردم-در راه درست ،پایداری ورزند،قطعا آب گوارایی بدیشان نوشانیم.

۱۷- تادراین باره آنان رابیازماییم ،وهرکس ازیادپروردگارخود دل بگرداند،وی رادرقیدعذابی-روز-افزون درآورد.

۱۸- ومساجد ازآن خداست ،پس هیچ کس راباخدا مخوانید.

۱۹- وهمین که " بنده خدا" برخاست تااورابخواند ،چیزی نمانده بود که برسروی فروافتند.

۲۰- بگو: " من فقط پروردگارخودرامی خوانم وکسی رابا اوشریک نمی گردانم."

۲۱- بگو: " من برای شما اختیار زیان وهدایتی راندارم."

۲۲- بگو: " هرگزکسی مرادربرابرخداپناه نمی دهدوهرگزپناهگاهی غیرازاونمی یابم.

۲۳- (وظیفه من)تنها ابلاغی ازخداو-رساندن-پیامهای اوست." وهر کس خداوپیامبرش رانافرمانی کندقطعا آتش دوزخ برای اوست وجاودانه درآن خواهندماند.

۲۴- (باش) تاآنچه راوعده داده میشوندببینند،آنگاه دریابندکه یاور
چه کسی ضعیف تروکدام یک شماره اش کمتراست.
۲۵- بگو: " نمی دانم آنچه راکه وعده داده شده ایدنزدیک است
یاپروردگارم برای آن زمانی نهاده است؟"
۲۶- دانای نهان است ،وکسی رابرغیب خودآگاه نمی کند،
۲۷- جزپیامبری راکه ازاوخشنودباشد،که-دراین صورت-برای اوازپیش رو
وازپشت سرش نگاهبانانی برخواهدگماشت.
۲۸- تامعلوم بداردکه پیامهای پروردگارخودرارسانیده اند،و-خدا-
بدانچه نزدایشان است احاطه داردوهرچیزی رابه عددشماره کرده است.

مزمّل (جامه به خودپیچیده)

۱- بنام خداوند بخشنده مهربان
ای جامه به خویشتن فروپیچیده،
۲- به پاخیز شب را مگر اندکی،
۳- نیمی ازشب یااندکی ازآن رابکاه،

۴- یابرآن-نصف-بیفزای وقرآن راشمرده شمرده بخوان.

۵- درحقیقت مابه زودی برتوگفتاری گرانبارالقامی کنیم.

۶- قطعابرخاستن شب،رنجش بیشتروگفتار-درآن هنگام-راستین تراست.

۷- (و) تورا،درروز،آمدوشدی درازاست.

۸- ونام پروردگارخودرایادکن وتنها به اوبپرداز.

۹- (اوست) پروردگارخاوروباختر،خدایی جزاونیست ،پس اوراکارساز خویش اختیارکن.

۱۰- وبرآنچه میگویندشکیبا باش وازآنان بادوری گزیدنی خوش فاصله بگیر.

۱۱- ومراباتکذیب کنندگان توانگرواگذاروواندکی مهلتشان ده.

۱۲- درحقیقت پیش مازنجیرهاودوزخ،

۱۳- وغذایی گلوگیروعذابی پردرداست.

۱۴- روزی که زمین وکوهها به لرزه درآیندوکوهها به سان ریگ روان گردند.

۱۵- بی گمان،مابه سوی شما فرستاده ای که گواه برشماست روانه کردیم،همان گونه که فرستاده ای به سوی فرعون فرستادیم.

۱۶- (ولی)فرعون به آن فرستاده عصیان ورزید،پس مااورا به سختی فروگرفتیم.

۱۷- پس اگرکفربورزید،چگونه از روزی که کودکان راپیرمی گرداند،پرهیزتوانیدکرد؟

۱۸- آسمان از-بیم-آن -روز-درهم شکافد،وعده اوانجام یافتنی است.

۱۹- قطعااین-آیات-اندرزی است،تاهرکه بخواهدبه سوی پروردگارخودراهی درپیش گیرد.

۲۰- درحقیقت،پروردگارت می داندکه تووگروهی ازکسانی که با تواند،نزدیک به دوسوم ازشب یانصف آن یا یک سوم آن را -به نماز-برمی خیزند،وخداست که شب وروزرا اندازه گیری می کند،-او-میداندکه-شما-هرگزحساب آن رانداريد،پس برشما ببخشود،-اينک-هرچه ازقرآن میسرمیشودبخوانید.-خدا-می داند که به زودی درمیانتان بیمارانی خواهندبود،و-عده ای-دیگردرزمین سفرمی کنند-و-درپی روزی خداهستند،و-گروهی-دیگردر راه خداپیکارمی نمایند،پس هرچه از-قرآن-میسرشدتلاوت کنیدونمازرابرپاداریدوزکات راىپردازیدو وام نیکوبه خدا دهید،وهرکارخوبی برای خویش ازپیش فرستیدآن رانزدخدابهتروباپاداشی بیشترباززخواهیدیافت. وازخداطلب آمرزش کنیدکه خداآمرزنده مهربان است.

مدثّر (جامه خواب به خود پیچیده)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

ای کشیده ردای شب برسر،

۲- برخیزوبترسان،

۳- وپروردگارخودرابزرگ دار.

۴- ولباس خویشتن راپاک کن.

۵- وازپلیدی دورشو.

۶- ومنّت مگذار وفزونی مطلب،

۷- وبرای پروردگارت شکیبایی کن،

۸- پس چون درصوردمیده شود،

۹- آن روز-چه-روزناگواری است،

۱۰- برکافران آسان نیست،

۱۱- مرابا آنکه -اورا-تنهاآفریدم واگذار،

۱۲- ودارایی بسیاربه اوبخشیدم،

۱۳- وپسرانی آماده-به خدمت دادم-.

۱۴- وبرایش -عیش خوش-آماده کردم.

۱۵- باز-هم-طمع دارد که بیفزایم.

۱۶- ولی نه،زیرا اودشمن آیات مابود.

۱۷- به زودی اورابه بالارفتن ازگردنه-عذاب-وادارمیکنم.

۱۸- آری،-آن دشمن حق- اندیشیدوسنجید.

۱۹- کشته بادا،چگونه -او-سنجید؟

۲۰- (آری)کشته بادا،چگونه-او-سنجید.

۲۱- آنگاه نظرانداخت.

۲۲- سپس روترش نمودوچهره درهم کشید.

۲۳- آنگاه پشت گردانیدوتکبّر ورزید.

۲۴- وگفت: " این-قرآن-جزسحری که-به برخی-آموخته اندنیست.

۲۵- این غیرازسخن بشرنیست."

۲۶- زوداکه اورابه سقر درآورم،

۲۷- وتوچه دانی که آن سَقَرچیست؟

۲۸- نه باقی می گذاردونه رهامی کند.

۲۹- پوستهاراسیاه می گرداند.

۳۰- (و)برآن -دورخ-نوزده-نگهبان-است.

۳۱- وما موکلان آتش راجزفرشتگان نگردانیدیم،وشماره آنهاراجز
آزمایشی برای کسانی که کافرشده اندقرارندادیم،تا آنان که اهل
کتابندیقین به هم رسانند،وایمان کسانی که ایمان آورده اند
افزدن گردد،وآنان که کتاب به ایشان داده شده و-نیز-مومنان
به شک نیفتند،وتاکسانی که دردلهایشان بیماری است وکافران بگویند: "
خداازاین وصف کردن چه چیزی را اراده کرده است؟
" این گونه ،خداهرکه رابخواهدبیراه می گذاردوهرکه رابخواهد
هدایت میکند،و-شماره-سپاهیان پروردگارت راجزاونمیداند،
واین-آیات-جزتذکاری برای بشرنیست.

۳۲- نه چنین است-که می پندارند-سوگندبه ماه،

۳۳- وسوگندبه شامگاه چون پشت کند،

۳۴- وسوگندبه بامدادچون آشکارشود،

۳۵- که آیات-قرآن-ازپدیده های بزرگ است.

۳۶- بشر را هشداردهنده است.

۳۷- هرکه ازشماراکه بخواهدپیشی جویدیا بازایستد،

۳۸- هرکسی درگرو دستاوردخویش است.

۳۹- بجزیاران دست راست.

۴۰- درمیان باغها،ازیکدیگرمی پرسند،

۴۱- درباره مجرمان،

۴۲- " چه چیزشمارا درآتش-سَقَر-درآورد؟"

۴۳- گویند: " ازنمازگزاران نبودبم،

۴۴- وبینوایان راغذانمی دادیم.

۴۵- باهرزه درایان هرزه درایی می کردیم،

۴۶- وروز جزا رادروغ می شمردیم،

۴۷- تامرگ ما دررسید."

۴۸- ازاین روشفاعت شفاعت کنندگان به حال آنهاسودی نمی بخشد.

۴۹- چراآنهازتذکر روی گردانند؟

۵۰- گویی گورخرانی رمیده اند.

۵۱- که از-مقابل-شیری فرارکرده اند!

۵۲- بلکه هرکدام ازآنهاانتظاردارد‌نامه جداگانه ای -ازسوی خدا-برای اوفرستاده شود!

۵۳- چنین نیست که آنان میگویند،بلکه آنهازآخرت نمی ترسند!

۵۴- چنین نیست که آنهامی گویند، آن-قرآن-یک تذکّر ویادآوری است.

۵۵- هرکس بخواهدازآن پندمی گیرد.

۵۶- وهیچ کس پندنمی گیردمگراینکه خدا بخواهداواهل تقوا و اهل آمرزش است.

قیامت

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سوگندبه روزقیامت،

۲- وسوگندبه-نفس لوّامه و-وجدان بیداروملامتگر-که رستاخیزحق

است- .

۳- آیاانسان می پنداردکه هرگز استخوانهای اوراجمع نخواهیم کرد؟

۴- آری قادریم که-حتی خطوط سر-انگشتان اورا موزون ومرتب

کنیم.

۵- (انسان شک درمعادندارد) بلکه اومی خواهد-آزادباشدوبدون ترس

ازدادگاه قیامت-ددتمام عمرگناه کند!

۶- (ازاین رو) میپرسد: " قیامت کی خواهدبود"

۷- (بگو:) درآن هنگام که چشمها ازشدّت وحشت به گردش درآید،

۸- وماه بی نورگردد،

۹- وخورشیدوماه یک جا جمع شوند،

۱۰- آن روزانسان میگوید: " راه فرارکجاست؟"

۱۱- هرگزچنین نیست ،راه فراروپناهگاهی وجود ندارد!

۱۲- آن روز قرارگاه نهایی تنهابسوی پروردگارتو است،

۱۳- ودرآن روزانسان را ازتمام کارهایی که ازپیش یاپس فرستاده آگاه می کنند.

۱۴- بلکه انسان خودش ازوضع خودش آگاه است.

۱۵- هرچند-درظاهر-برای خودعذرهایی بتراشد!

۱۶- زبانت رابخاطرعجله برای خواندن آن-قرآن-حرکت مده،

۱۷- چراکه جمع کردن وخواندن آن برعهده ماست،

۱۸- پس هرگاه آن راخواندیم ،ازخواندن آن پیروی کن،

۱۹- سپس بیان-وتوضیح- آن -نیز-برعهده ماست!

۲۰- چنین نیست که شما می پندارید-ودلایل معادراکافی نمی دانید- بلکه شما دنیای زودگذررا دوست دارید-وهوسرانی

بی قید وشرط را-

۲۱- وآخرت را رهامی کنید!

۲۲- (آری) درآن روز صورتهایی شاداب ومسروراست،

۲۳- وبه پروردگارش می نگرد!

۲۴- ودرآن روزصورتهایی عبوس ودرهم کشیده است،

۲۵- زیرامی داندعذابی درپیش داردکه پشت رادرهم می شکند،

۲۶- چنین نیست-که انسان می پندارد،اوایمان نمی آورد- تا موقعی که جان به گلوگاهش رسد

۲۷- وگفته شود: " آیاکسی هست که-این بیماررا ازمرگ-نجات دهد؟"

۲۸- وبه جدایی ازدنیا یقین پیداکند،

۲۹- وساق پاها-ازسختی جان دادن-به هم پیچد!

۳۰- (آری) درآن روز مسیرهمه بسوی -دادگاه-پروردگارت خواهد بود!

۳۱- (درآن روزگفته میشود:) اوهرگزایمان نیاوردونمازنخواند،

۳۲- بلکه تکذیب کردو روی گردان شد،

۳۳- سپس بسوی خانواده خودبازگشت درحالی که متکّبّرانه قدم برمی داشت.

۳۴- (با این اعمال) عذاب الهی برای توشایسته است،شایسته تر،

۳۵- سپس عذاب الهی برای توشایسته تراست،شایسته تر،!

۳۶- آیاانسان گمان می کندبی هدف رهامیشود؟

۳۷- آیااونطفه ای ازمنی که در رحم ریخته میشودنبود؟

۳۸- سپس بصورت خون بسته درآمد،وخداونداورا آفرید وموزون ساخت،

۳۹- واز او دو زوج مرد وزن آفرید!

۴۰- آیاچنین کسی قادرنیست که مردگان را زنده کند؟

انسان

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

آیازمانی طولانی برانسان گذشت که چیزقابل ذکری نبود؟

۲- ماانسان را ازنطفه مختلطی آفریدیم،واورا می آزماییم،-بدین جهت-اوراشنوا وبینا قراردادیم.

۳- ماراه رابه اونشان دادیم ،خواه شاکرباشد-وپذیراگردد-یا ناسپاس.

۴- مابرای کافران ،زنجیرهاوغلها وشعله های سوزان آتش آماده کرده ایم،

۵- به یقین ابرار-ونیکان-ازجامی می نوشند که باعطر خوشی آمیخته است.

۶- چشمه ای که بندگان خداازآن می نوشندو-به دلخواه خویش-جاریش می کنند.

۷- (همان بندگانی که) به نذرخودوفا می کردند،وازروزی که گزندآن فراگیرنده است می ترسیدند.

۸- وبه -پاس-دوستی -خدا-،بینواویتیم واسیررا خوراک می دادند.

۹- " مابرای خشنودی خداست که به شما می خورانیم وپاداش وسپاسی ازشما نمی خواهیم.

۱۰- مازپروردگارمان ازروز عبوسی سخت هراسناکیم."

۱۱- پس خدا-هم-آنان را ازآسیب آن روز نگاه داشت وشادابی به آنان ارزانی داشت.

۱۲- وبه -پاس-آنکه صبرکردند،بهشت وپرنیان پاداششان داد.

۱۳- درآن-بهشت-برتختها-ی خویش- تکیه زدند.درآنجانه آفتابی بینند ونه سرمایی.

۱۴- وسایه ها-ی درختان-به آنان نزدیک است،ومیوه هایش -برای چیدن-رام.

۱۵- وظروف سیمین وجامهای بلورین ،پیرامون آنان گردانده میشود.

۱۶- جامهایی ازسیم که درست به اندازه -وباکمال ظرافت-آنها راازکاردرآورده اند.

۱۷- ودرآنجا ازجامی که آمیزه زنجبیل داردبه آنان می نوشانند.

۱۸- ازچشمه ای درآنجا که" سلسبیل" نامیده میشود.

۱۹- وبرگردآنان پسرانی جاودانی می گردند.چون آنها راببینی گویی که مرواریدهایی پراکنده اند.

۲۰- وچون بدانجا نگری-سرزمینی از-نعمت وکشوری پهناور می بینی.

۲۱- (بهشتیان را) جامه های ابریشمی سبزودیبای ستبردربراست

وپیرایه آنان دستبندهای سیمین است وپرودگارشان باده ای پاک به آنان می نوشاند.

۲۲- این-پاداش-برای شماست وکوشش شما مقبول افتاده است.

۲۳- درحقیقت ،ماقرآن رابرتوبه تدریج فروفرستادیم.

۲۴- پس دربرابر فرمان پروردگارت شکیبایی کن،وازآنان گناهکاریا ناسپاسگزار را فرمان مبر.

۲۵- ونام پروردگارت رابامدادان وشامگاهان یادکن.

۲۶- وبخشی ازشب رادربرابراوسجده کن وشب-های-دراز اورا به پاکی بستای.

۲۷- اینان دنیای زودگذر را دوست دارند،وروزی گرانبار را-به غفلت-پشت سر می افکنند.

۲۸- ماییم که آنان را آفریده وپیوندمفاصل آنهارااستوارکرده ایم،وچون بخواهیم -آنان را-به نظایرشان تبدیل می کنیم.

۲۹- این-آیات-پندنامه ای است ،تاهرکه خواهد،راهی به سوی پروردگارخودپیش گیرد.

۳۰- وتاخدانخواهد-شما-نخواهید خواست،قطعا خدا دانای حکیم است.

۳۱- هرکه راخواهد،به رحمت خویش درمی آورد،وبرای ظالمان عذابی پردرد آماده کرده است.

مرسلات (فرستادگان)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سوگندبه فرستادگان پی درپی ،

۲- که سخت توفنده اند.

۳- وسوگندبه افشانندگان افشانگر.

۴- که-میان حق وباطل- جداگرند.

۵- والقاکننده وحی اند.

۶- خواه عذری باشد یاهشداری.

۷- که آنچه وعده یافته ایدقطعا رخ خواهد داد.

۸- پس وقتی که ستارگان محوشوند،

۹- وآنگاه که آسمان بشکافد،

۱۰- وآنگاه که کوهها ازجا کنده شوند.

۱۱- وآنگاه که پیمبران به میقات آیند.

۱۲- برای چه روزی تعیین وقت شده است؟

۱۳- برای روز داوری.

۱۴- وتوچه دانی که روز داوری چیست؟

۱۵- آن روز وای برتکذیب کنندگان،

۱۶- مگرپیشینیان راهلاک نکردیم؟

۱۷- سپس ازپی آنان پسینیان رامی بریم.

۱۸- بامجرمان چنین می کنیم.

۱۹- آن روز وای برتکذیب کنندگان.

۲۰- مگرشمارا ازآبی بی مقدارنیافریدیم؟

۲۱- پس آن رادرجایگاهی استوارنهادیم.

۲۲- تامدّتی معیّن،

۲۳- وتوانا آمدیم،وچه نیک توانااییم.

۲۴- آن روز وای برتکذیب کنندگان .

۲۵- مگرزمین رامحل اجتماع نگردانیدیم؟

۲۶- چه برای مردگان ،چه زندگان.

۲۷- وکوههای بلنددر آن نهادیم وبه شما آبی گوارا نوشانیدیم.

۲۸- آن روزوای برتکذیب کنندگان.

۲۹- برویدبه سوی همان چیزی که آن راتکذیب می کردید.

۳۰- بروید به سوی-آن- دود سه شاخه.

۳۱- نه سایه داراست ونه ازشعله-آتش-حفاظت می کند.

۳۲- (دوزخ) چون کاخی -بلند-شراره می افکند،

۳۳- گویی شترانی زرد رنگند.

۳۴- آن روز وای برتکذیب کنندگان.

۳۵- این، روزی است که دم نمی زنند.

۳۶- ورخصت نمی یابندتاپوزش خواهند.

۳۷- آن روز وای برتکذیب کنندگان.

۳۸- این-همان-روز داوری است شماو-جمله-پیشینیان را گرد

می آوریم.

۳۹- پس اگرحیلتی دارید،دربرابرمن بسگالید.

۴۰- آن روز وای برتکذیب کنندگان.

۴۱- اهل تقوادرزیرسایه ها وبرکنارچشمه سارانند.

۴۲- باهرمیوه ای که خوش داشته باشند.

۴۳- به-پاداش-آنچه می کردید،بخوریدوبیاشامید،گواراتان باد.

۴۴- مانیکوکاران راچنین پاداش می دهیم.

۴۵- آن روز وای برتکذیب کنندگان.

۴۶- (ای کافران) بخوریدواندکی برخوردارشویدکه شما گناهکارید.

۴۷- (ولی) آن روز وای برتکذیب کنندگان.

۴۸- وچون به آنان گفته شود: " رکوع کنید" به رکوع نمی روند.

۴۹- آن روز وای برتکذیب کنندگان.

۵۰- پس به کدامین سخن پس از-قرآن-ایمان می آورند؟

النّبا (خبر)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

درباره چه چیز ازیکدیگرمی پرسند؟

۲- ازآن خبر بزرگ،

۳- که درباره آن باهم اختلاف دارند.

۴- نه چنان است، به زودی خواهند دانست.

۵- بازهم نه چنان است ،به زودی خواهنددانست.

۶- آیازمین راگهواره ای نگردانیدیم؟

۷- وکوهها را-چون-میخهایی -نگذاشتیم-؟

۸- وشماراجفت آفریدیم.

۹- وخواب شمارا-مایه-آسایش قراردادیم.

۱۰- وشب را-برای شما-پوششی قراردادیم.

۱۱- وروز را-برای-معاش-شما-نهادیم.

۱۲- وبرفرازشماهفت-آسمان-استواربناکردیم.

۱۳- وچراغی فروزان گذاردیم.

۱۴- وازابرهای متراکم ،آبی فرودآوردیم.

۱۵- تابدان دانه وگیاه برویانیم.

۱۶- وباغهای درهم پیچیده وانبوه.

۱۷- قطعاوعده گاه -ماباشما- روز داوری است،

۱۸- روزی که در" صور" دمیده شود،وگروه گروه بیایید،

۱۹- وآسمان،گشوده ودرهایی-پدید-شود.

۲۰- وکوهها را روان کنندو-چون-سرابی گردند.

۲۱- (آری) جهنم -ازدیرباز-کمینگاهی بوده.

۲۲- (که) برای سرکشان ،بازگشتگاهی است.

۲۳- روزگاری دراز درآن درنگ کنند.

۲۴- درآنجا نه خنکی چشند ونه شربتی.

۲۵- جزآب جوشان وچرکابه ای.

۲۶- کیفری مناسب-با جرم آنها-.

۲۷- آنان بودند که به -روز- حساب امید نداشتند.

۲۸- وآیات مارا سخت تکذیب می کردند.

۲۹- وحال آنکه هرچیزی رابرشمرده -به صورت-کتابی درآورده ایم.

۳۰- پس بچشید که جزعذاب هرگز-چیزی-برشمانمی افزاییم.

۳۱- مسلما پرهیزکاران را رستگاری است.

۳۲- باغچه ها وتاکستانها.

۳۳- ودخترانی همسال با سینه های برجسته.

۳۴- وپیاله های لبالب.

۳۵- درآنجا نه بیهوده ای شنوند،ونه -یکدیگررا-تکذیب -کنند-.

۳۶- (این است) پاداشی ازپروردگارتو،عطایی ازروی حساب.

۳۷- پروردگارآسمانها وزمین وآنچه میان آن دواست،بخشایشگری که کس

رایارای خطاب با اونیست.

۳۸- روزی که " روح" وفرشتگان به صف می ایستند،و-مردم-سخن

نگویند،مگرکسی که-خدای-رحمان به او رخصت دهد، وسخن راست گوید.

۳۹- آن-روز-،روزحق است،پس هرکه خواهد،راه بازگشتی به سوی پروردگارخودبجوید.

۴۰- ماشمارا ازعذابی نزدیک هشداردادیم،روزی که آدمی آنچه رابادست خویش پیش فرستاده است بنگرد،وکافرگوید: " کاش من خاک بودم."

النّازعات (به قدرت کشندگان)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سوگندبه فرشتگانی که-ازکافران-به سختی جان ستانند.

۲- وبه فرشتگانی که جان-مومنان-رابه آرامی گیرند.

۳- وبه فرشتگانی که -در دریای بی مانند-شناکنان شناورند.

۴- پس درپیشی گرفتن -درفرمان خدا-سبقت گیرنده اند.

۵- وکار-بندگان-راتدبیرمیکنند.

۶- آن روز که لرزنده بلرزد،

۷- وازپی آن لرزه ای-دگر-افتد.

۸- درآن روز،دلهایی سخت هراسانند.

۹- دیدگان آنهافروافتاده.

۱۰- گویند: " آیا-باز-مابه-مغاک-زمین برمی گردیم؟

۱۱- آیاوقتی ما استخوان ریزه های پوسیده شدیم-زندگی را ازسرمی گیریم-؟"

۱۲- (وباخود) گویند: " دراین صورت این برگشتی زیان آوراست."

۱۳- و-لی-درحقیقت ،آن -بازگشت ،بسته به-یک فریاد است -وبس-.

۱۴- وبناگاه آنان درزمین هموارخواهندبود.

۱۵- آیاسرگذشت موسی برتوآمد؟

۱۶- آنگاه که پروردگارش اورا دروادی مقدس "طوی" ندا درداد.

۱۷- " به سوی فرعون برو که وی سربرداشته است،

۱۸- وبگو: آیا سر آن داری که به پاکیزگی گرایی."

۱۹- وتورابه سوی پروردگارت راه نمایم تا پروا بداری؟"

۲۰- پس معجزه بزرگ -خود-رابدونمود.

۲۱- و-لی فرعون-تکذیب نمود وعصیان کرد.

۲۲- سپس پشت کرد-و-به کوشش برخاست.

۲۳- وگروهی رافراهم آورد-و-ندا در داد،

۲۴- وگفت: " پروردگار بزرگتر شما منم!"

۲۵- وخدا-هم-اورابه کیفردنیا وآخرت گرفتارکرد،

۲۶- درحقیقت،برای هرکس که-ازخدا-بترسد،دراین -ماجرا-عبرتی است.

۲۷- آیاآفرینش شمادشوارتراست یاآسمانی که-او-آن را برپاکرده است؟

۲۸- سقفش رابرافراشت وآن را-به انداره معین-درست کرد.

۲۹- وشبش راتیره وروزش را آشکارگردانید،

۳۰- وپس ازآن ،زمین راباغلتانیدن گسترد،

۳۱- آبش وچراگاهش را ازآن بیرون آورد،

۳۲- وکوهها رالنگرآن گردانید،

۳۳- (تاوسیله) استفاده برای شما ودامهایتان باشد.

۳۴- پس آنگاه که آن هنگامه بزرگ در رسد،

۳۵- (آن) روزاست که انسان آنچه راکه درپی آن کوشیده است
به یادآورد.

۳۶- وجهنم برای هرکه بیندآشکارگردد.

۳۷- اماهرکه طغیان کرد،

۳۸- وزندگی پست دنیارا برگزید،

۳۹- پس جایگاه او همان آتش است،

۴۰- واما کسی که از ایستادن دربرابرپروردگارش هراسید،ونفس خودرا از هوس بازداشت.

۴۱- پس جایگاه او همان بهشت است.

۴۲- درباره رستاخیزازتومی پرسندکه فرارسیدنش چه وقت است؟

۴۳- توراچه به گفتگو درآن،

۴۴- علم آن باپروردگارتواست.

۴۵- توفقط کسی راکه ازآن می ترسدهشدارمیدهی.

۴۶- روزی که آن رامیبینند،گویی که آنان جزشبی یاروزی درنگ نکرده اند.

عبس (چهره درهم کشیده)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

چهره درهم کشید وروی گردانید،

۲- که آن مردنابینا پیش اوآمد،

۳- وتوچه دانی،شایداوبه پاکی گراید،

۴- یاپند پذیردواندرز سودش دهد.

۵- اما آن کس که خودرابی نیازمی پندارد.

۶- توبدو می پردازی ،

۷- باآنکه اگرپاک نگردد،برتو-مسئولیتی-نیست.

۸- واماآن کس که شتابان پیش توآمد.

۹- درحالی که -ازخدا-می ترسید،

۱۰- توازاوبه دیگران می پردازی ،

۱۱- زنهار-چنین مکن-این-آیات-پندی است.

۱۲- تاهرکه خواهد،ازآن پندگیرد،

۱۳- درصحیفه هایی ارجمند،

۱۴- والا وپاک شده،

۱۵- به دست فرشتگانی،

۱۶- ارجمندونیکوکار،

۱۷- کشته بادانسان ،چه ناسپاس است،

۱۸- اورا ازچه چیزآفریده است؟

۱۹- ازنطفه ای خلقش کردواندازه مقرّرش بخشید.

۲۰- سپس راه رابراوآسان گردانید.

۲۱- آنگاه به مرگش رسانیدودرقبرش نهاد.

۲۲- سپس چون بخواهداورابرانگیزد.

۲۳- ولی نه، هنوزآنچه رابه اودستورداده،به جای نیاورده است.

۲۴- پس انسان بایدبه خوراک خودبنگرد،

۲۵- که ما آب رابه صورت بارشی فروریختیم،

۲۶- آنگاه زمین راباشکافتنی-لازم-شکافتیم،

۲۷- پس درآن ،دانه رویانیدیم،

۲۸- وانگوروسبزی،

۲۹- وزیتون ودرخت خرما،

۳۰- وباغهای انبوه،

۳۱- ومیوه وچراگاه،

۳۲- (تاوسیله) استفاده شماودامهایتان باشد.

۳۳- پس چون فریادگوش خراش در رسد،

۳۴- روزی که آدمی ازبرادرش،

۳۵- وازمادرش وپدرش ،

۳۶- وازهمسرش وپسرانش می گریزد،

۳۷- درآن روز،هرکسی ازآنان راکاری است که اورابه خودمشعول میدارد.

۳۸- درآن روز،چهره هایی درخشانند،

۳۹- خندان-و-شادانند،

۴۰- ودرآن روز،چهره هایی است که برآنهاغبارنشسته،

۴۱- (و)آنهاراتاریکی پوشانده است،

۴۲- آنان همان کافران بدکارند.

تکویر   (درهم پیچیده شدن)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

آنگاه که خورشیدبه هم درپیچد،

۲- وآنگاه که ستارگان همی تیره شوند.

۳- وآنگاه که کوهها به رفتارآیند.

۴- وقتی شتران ماده وانهاده شوند.

۵- وآنگاه که وحوش راهمی گردآرند.

۶- دریاها آنگاه که جوشان گردند.

۷- وآنگاه که جانهابه هم درپیوندند.

۸- پرسندچو زان دخترک زنده به گور.

۹- به کدامین گناه کشته شده است؟

۱۰- وآنگاه که نامه ها زهم بگشایند،

۱۱- وآنگاه که آسمان زجا کنده شود.

۱۲- وآنگاه که جحیم رابرافروزانند.

۱۳- وآنگاه که بهشت رافراپیش آرند.

۱۴- هرنفس بداندچه فراهم دیده،

۱۵- نه،نه سوگندبه اختران گردان،

۱۶- (کزدیده) نهان شوند وازنوآیند.

۱۷- سوگندبه شب چون پشت گرداند،

۱۸- سوگندبه صبح چون دمیدن گیرد.

۱۹- که-قرآن-سخن فرشته بزرگواری است.

۲۰- نیرومند-که-پیش خداوندعرش،بلندپایگاه است.

۲۱- درآنجا-هم-مطاع-وهم-امین است.

۲۲- ورفیق شما مجنون نیست.

۲۳- وقطعا آن-فرشته وحی-رادرافق رخشان دیده.

۲۴- واو درامرغیب بخیل نیست.

۲۵- و-قرآن-سخن دیو رجیم نیست.

۲۶- پس به کجا می روید؟

۲۷- این-سخن-بجزپندی برای عالمیان نیست.

۲۸- برای هریک ازشما که خواهدبه راه راست رود.

۲۹- وتاخدا ،پروردگارجهانها،نخواهد،-شمانیز-نخواهیدخواست.

انفطار (شکافته شدن)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

آنگاه که آسمان ازهم بشکافد.

۲- وآنگاه که اختران پراکنده شوند.

۳- وآنگاه که دریاها ازجا برکنده گردند.

۴- وآنگاه که گورها زیروزبرشوند.

۵- هرنفسی آنچه راپیش فرستاده وبازپس گذاشته ،بداند.

۶- ای انسان،چه چیزتورادرباره پروردگاربزرگوارت مغرور ساخته؟

۷- همان کس که توراآفرید،و-اندام-تورادرست کرد،و-آنگاه-تورا
سامان بخشید.

۸- وبه هرصورتی که خواست ،توراترکیب کرد.

۹- با این همه،شما منکر-روز-جزایید،

۱۰- وقطعابرشما نگهبانانی-گماشته شده-اند.

۱۱- (فرشتگان)بزرگواری که نویسندگان-اعمال شما-هستند،

۱۲- آنچه رامی کنید،می دانند.

۱۳- قطعا نیکان به بهشت اندرند.

۱۴- وبی شک ،بدکاران در دوزخند.

۱۵- روز جزادرانجا درآیند،

۱۶- وازآن -عذاب-دورنخواهندبود.

۱۷- وتوچه دانی که چیست روزجزا؟

۱۸- بازچه دانی که چیست روز جزا؟

۱۹- روزی که کسی برای کسی هیچ اختیاری ندارد،ودرآن روز
فرمان ازآن خداست.

مطفّفین (کم فروشان)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

وای برکم فروشان

۲- که چون ازمردم پیمانه ستانند،تمام ستانند،

۳- وچون برای آنان پیمانه یاوزن کنند،به ایشان کم دهند.

۴- مگرآنان نمی دانندکه برانگیخته خواهندشد؟

۵- (در)روزی بزرگ،

۶- روزی که مردم دربرابرپروردگار جهانیان به پای ایستند.

۷- نه چنین است-که می پندارند-که کارنامه بدکاران

در" سجّین" است.

۸- وتوچه دانی که " سجّین " چیست؟

۹- کتابی است نوشته شده.

۱۰- وای برتکذیب کنندگان درآن هنگام،

۱۱- آنان که روزجزا را دروغ می پندارند.

۱۲- وجزهرتجاوزپیشه گناهکاری آن رابه دروغ نمی گیرد.

۱۳- (همان که) چون آیات مابراوخوانده شود،گوید: " -اینها-افسانه های پیشینیان است."

۱۴- نه چنین است ،بلکه آنچه مرتکب میشدند،زنگاربردلهایشان بسته است.

۱۵- زهی پندار،که آنان درآن روز،ازپرورگارشان سخت محجوبند.

۱۶- آنگاه به یقین، آنان به جهنم درآیند.

۱۷- سپس -به ایشان-گفته خواهدشد: " این همان است که آن رابه دروغ می گرفتید."

۱۸- نه چنین است، درحقیقت ،کتاب نیکان در " علیّون " است.

۱۹- وتوچه دانی که " علیّون " چیست؟

۲۰- کتابی است نوشته شده.

۲۱- مقرّبان آن رامشاهده خواهندکرد.

۲۲- براستی نیکوکاران درنعیم-الهی-خواهندبود.

۲۳- برتختها-نشسته- می نگرند.

۲۴- ازچهره هایشان طراوت نعمت-بهشت-را درمی یابی.

۲۵- از باده ای مُهر شده نوشانیده شوند.

۲۶- (باده ای که) مُهر آن، مُشک است،دراین -نعمتها-مشتاقان باید بریکدیگرپیشی گیرند.

۲۷- وترکیبش از-چشمه- " تسنیم " است،

۲۸- چشمه ای که مقرّبان -خدا-ازآن نوشند.

۲۹- (آری ،دردنیا) کسانی که گناه می کردند،آنان راکه ایمان آورده بودندبه ریشخندمی گرفتند.

۳۰- وچون برایشان می گذشتند،اشاره چشم وابرو باهم رد وبدل می کردند.

۳۱- وهنگامی که نزدخانواده-های-خودبازمی گشتند،به شوخ طبعی می پرداختند.

۳۲- وچون مومنان رامی دیدند،می گفتند: " اینها-جماعتی-گمراهند."

۳۳- وحال آنکه آنان برای بازرسی-کار-شان فرستاده نشده بودند.

۳۴- و-لی-امروز،مومنانندکه برکافران خنده می زنند.

۳۵- برتختها-ی خودنشسته- ،نظاره می کنند.

۳۶- (تاببینند) آیا کافران به پاداش آنچه می کردندرسیده اند؟

انشقاق (شکافتن)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

آنگاه که آسمان از هم بشکافد،

۲- وپروردگارش رافرمان بردو -چنین-سزد.

۳- وآنگاه که زمین کشیده شود،

۴- وآنچه راکه درآن است بیرون افکندوتهی شود،

۵- وپروردگارش رافرمان بردو-چنین-سزد،

۶- ای انسان، حقا که توبه سوی پروردگارخودبسختی درتلاشی واورا

ملاقات خواهی کرد.

۷- اماکسی که کارنامه اش به دست راستش داده شود،

۸- بزودی اش حسابی بس آسان کنند،

۹- وشادمان به سوی کسانش بازگردد.

۱۰- واماکسی که کارنامه اش ازپشت سرش به اوداده شود،

۱۱- زوداکه هلاک-خویش-خواهد.

۱۲- ودرآتش افروخته درآید.

۱۳- اودر-میان-خانواده خود شادمان بود.

۱۴- اومی پنداشت که هرگز برنخواهدگشت.

۱۵- آری،درحقیقت،پروردگارش به اوبینا بود.

۱۶- نه، نه، سوگندبه شفق،

۱۷- سوگندبه شب وآنچه-شب-فروپوشاند.

۱۸- سوگندبه ماه چون-بدر-تمام شود.

۱۹- که قطعا ازحالی به حالی برخواهید نشست.

۲۰- پس چرا آنان باورنمی دارند؟

۲۱- وچون برآنان قرآن تلاوت میشود سجده نمی کنند؟

((سجده واجب))

۲۲- (نه) بلکه آنان که کفر ورزیده اند، تکذیب می کنند.

۲۳- وخدا به آنچه درسینه دارند داناتراست.

۲۴- پس آنان را ازعذابی دردناک خبرده.

۲۵- مگرکسانی که گرویده وکارهای شایسته کرده اند،که آنان راپاداشی بی

منّت خواهدبود.

بروج (برج ها)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سوگندبه آسمان آکنده از برج

۲- وبه روزموعود

۳- وبه گواه ومورد گواهی

۴- مرگ برآدم سوزان خندق،

۵- همان آتش مایه دار-وانبوه-.

۶- آنگاه که آنان بالای آن -خندق به تماشا-نشسته بودند.

۷- وخودبرآنچه بر-سر-مومنان می آوردند،گواه بودند.

۸- وبرآنان عیبی نگرفته بودندجزاینکه به خدای ارجمندستوده ایمان آورده بودند.

۹- همان-خدایی-که فرمانروایی آسمانها وزمین ازآن اوست وخدا -ست که-برهرچیزی گواه است.

۱۰- کسانی که مردان وزنان مومن را آزارکرده وبعدتوبه نکرده اند،ایشان راست عذاب جهنم ،وایشان راست عذاب سوزان.

۱۱- کسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده اند،برای آنان باغهایی است که اززیرآن جویها روان است،این است -همان-رستگاری بزرگ.

۱۲- آری ،عقاب پروردگارت سخت سنگین است.

۱۳- هم اوست که -آفرینش را-آغازمی کندوبازمی گرداند.

۱۴- واوست آن آمرزنده دوستدار.

۱۵- صاحب ارجمندعرش.

۱۶- هرچه رابخواهدانجام می دهد.

۱۷- آیاحدیث -آن-سپاهیان،

۱۸- فرعون وثمود برتوآمد؟

۱۹- (نه) بلکه آنان که کافرشده اندرتکذیب اند.

۲۰- باآنکه خدااز هرسوبرایشان محیط است.

۲۱- آری، آن قرآنی ارجمنداست.

۲۲- که درلوحی محفوظ است.

طارق (ستاره)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سوگندبه آسمان وآن اخترشبگرد.

۲- وتوچه دانی که اخترشبگردچیست؟

۳- آن اخترفروزان.

۴- هیچ کس نیست مگراینکه نگاهبانی براو-گماشته شده-است.

۵- پس انسان بایدبنگرد که ازچه آفریده شده است؟

۶- ازآب جهنده ای خلق شده.

۷- (که) ازصلب مردومیان استخوانهای سینه زن بیرون می آید.

۸- درحقیقت، او-خدا-بربازگردانیدن وی بخوبی تواناست.

۹- آن روز که رازها-همه-فاش شود.

۱۰- پس اورانه نیرویی ماند ونه یاری.

۱۱- سوگندبه آسمان بارش انگیز.

۱۲- سوگندبه زمین شکافدار-آماده کشت-.

۱۳- (که) درحقیقت،قرآن گفتاری قاطع وروشنگراست،

۱۴- وآن شوخی نیست.

۱۵- آنان دست به نیرنگ می زنند.

۱۶-و-من نیز-دست به نیرنگ می زنم.

۱۷- پس کافران رامهلت ده ،وکمی آنان رابه حال خود واگذار.

اعلی (والاترین)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

نام پرودگاروالای خودرابه پاکی بستای.

۲- همان که آفرید وهماهنگی بخشید.

۳- وآنکه اندازه گیری کردو راه نمود.

۴- وآنکه چمنزار رابرآورد،

۵- وپس -ازچندی-آن راخاشاکی تیره گون گردانید.

۶- مابزدوی-آیات خودرابه وسیله سروش غیبی-برتوخواهیم خواند،تافراموش نکنی،

۷- جزآنچه خداخواهد،که اوآشکاروآنچه راکه نهان است می داند.

۸- وبرای توآسانترین-راه-رافراهم می گردانیم.

۹- پس پند ده ،اگرپندسودبخشد.

۱۰- آن کس که ترسد،بزودی عبرت گیرد.

۱۱- ونگون بخت، خودرا ازآن دور می دارد،

۱۲- همان کس که درآتشی بزرگ درآید،

۱۳- آنگاه نه درآن می میردونه زندگانی می یابد.

۱۴- رستگارآن کس که خودرا پاک گردانید،

۱۵- ونام پرودگارش رایادکردونمازگزارد.

۱۶- لیکن-شما-زندگی دنیارا برمی گزینید.

۱۷- باآنکه-جهان-آخرت نیکوتروپایدارتراست.

۱۸- قطعا درصحیفه های گذشته این-معنی-هست.

۱۹- صحیفه های ابراهیم وموسی.

غاشیه

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

آیاخبر" غاشیه" به تورسیده است؟

۲- درآن روز،چهره هایی زبونند.

۳- که تلاش کرده،رنج-بیهوده-برده اند.

۴- (ناچار) درآتشی سوزان درآیند.

۵- ازچشمه ای داغ نوشانیده شوند.

۶- خوراکی جزخارخشک ندارند.

۷- (که) نه فربه کند،ونه گرسنگی رابازدارد.

۸- درآن روز ،چهره هایی شادابند.

۹- ازکوشش خودخشنودند.

۱۰- دربهشت برین اند.

۱۱- سخن بیهوده ای درآنجا نشنوند.

۱۲- درآن، چشمه ای روان باشد.

۱۳- تختهایی بلند درآنجاست.

۱۴- وقدحهایی نهاده شده.

۱۵- وبالشهایی پهلوی هم-چیده-.

۱۶- وفرشهایی-زربفت-گسترده.

۱۷- آیابه شترنمی نگرندکه چگونه آفریده شده؟

۱۸- وبه آسمان که چگونه برافراشته شده؟

۱۹- وبه کوهها که چگونه برپاداشته شده؟

۲۰- وبه زمین که چگونه گسترده شده است؟

۲۱- پس تذکّر ده که توتنها تذکّر دهنده ای،

۲۲- برآنان تسلّطی نداری،

۲۳- مگرکسی که روی بگرداندوکفرورزد.

۲۴- که خدا اورا به آن عذاب بزرگترعذاب کند.

۲۵- درحقیقت،بازگشت آنان به سوی ماست.

۲۶- آنگاه حساب-خواستن از-آنان به عهده ماست.

فجر

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سوگندبه سپیده دم،

۲- وبه شبهای دهگانه.

۳- وبه جفت وتاق.

۴- وبه شب ،وقتی سپری شود.

۵- آیادراین،برای خردمند-نیازبه-سوگندی-دیگر-است؟

۶- مگرندانسته ای که پروردگارت باعاد چه کرد؟

۷- باعمارات ستون دار ارم.

۸- که مانندش درشهرها ساخته نشده بود؟

۹- وباثمود،همانان که در درّه ،تخته سنگها را می بریدند؟

۱۰- وبافرعون،صاحب خرگاه ها-وبناهای بلند-؟

۱۱- همانان که درشهرها سربه طغیان برداشتند.

۱۲- ودرآنهابسیار تبهکاری کردند.

۱۳- (تاآنکه) پروردگارت برسرآنان تازیانه عذاب رافرو نواخت.

۱۴- زیرا پروردگارتو سخت درکمین است.

۱۵- اما انسان ،هنگامی که پروردگارش وی را می آزماید،

وعزیزش می دارد،ونعمت فراوان به اومی دهد،می گوید:

" پروردگارم مراگرامی داشته است ."

۱۶- واما چون وی را می آزمایدوروزی اش رابراوتنگ می گرداند،می

گوید: " پروردگارم مرا خوار کرده است."

۱۷- ولی نه ،بلکه یتیم را نمی نوازید،

۱۸- وبرخوراک-دادن-بینوا همدیگر را برنمی انگیزید،

۱۹- ومیراث-ضعیفان،- را چپاولگرانه می خورید،

۲۰- ومال را دوست دارید،دوست داشتنی بسیار.

۲۱- نه چنان است،آنگاه که زمین سخت درهم کوبیده شود.

۲۲- و-فرمان-پروردگارت وفرشته-ها-صف درصف آیند.

۲۳- وجهنم رادرآن روز-حاضر-آورند،آن روزاست که انسان پند

گیرد،و-لی- کجااورا جای پندگرفتن باشد؟

۲۴- گوید: " کاش برای زندگانی خود-چیزی-پیش فرستاده بودم."

۲۵- پس درآن روزهیچ کس چون عذاب کردن او، عذاب نکند،

۲۶- وهیچ کس چون دربندکشیدن او، دربندنکشد.

۲۷- ای نفس مطمئنّه ،

۲۸- خشنود وخداپسندبه سوی پروردگارت بازگرد،

۲۹-ودرمیان بندگان من درآی،

۳۰- ودربهشت من داخل شو.

بلد (شهر)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سوگندبه این شهر،

۲- وحال آنکه تودراین شهر جای داری،

۳- سوگندبه پدری-چنان-وآن کسی راکه به وجودآورد،

۴- براستی که انسان را در رنج آفریده ایم.

۵- آیا پندارد که هیچ کس هرگزبراودست نتواندیافت؟

۶- گوید: " مال فراوانی تباه کردم."

۷- آیاپنداردکه هیچ کس اوراندیده است؟

۸- آیادوچشمش نداده ایم؟

۹- وزبانی و دولب.

۱۰- وهردو راه-خیروشر-رابدو نمودیم.

۱۱- و-لی-نخواست ازگردنه-عاقبت نگری-بالا رود!

۱۲- وتوچه دانی که آن گردنه -سخت-چیست؟

۱۳- بنده ای را آزادکردن،

۱۴- یادرروز گرسنگی ،طعام دادن.

۱۵- به یتیمی خویشاوند،

۱۶- یا بینوایی خاک نشین،

۱۷- علاوه براین اززمره کسانی باشدکه گرویده ویکدیگررابه شکیبایی ومهربانی سفارش کرده اند،

۱۸- اینانند خجستگان ،

۱۹- وکسانی که به انکارنشانه های ما پرداخته اند،آنانند ناخجستگان شوم.

۲۰- برآنان آتشی سرپوشیده احاطه دارد.

شمس (خورشید)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سوگندبه خورشید وتابندگی اش،

۲- سوگندبه ماه چون پی -خورشید-رود.

۳- سوگندبه روزچون-زمین را-روشن گرداند،

۴- سوگندبه شب چون پرده برآن پوشد.

۵- سوگندبه آسمان وآن کس که آن رابرافراشت.

۶- سوگندبه زمین وآن کس که آن راگسترد،

۷- سوگندبه نفس وآن کس که آن رادرست کرد،

۸- سپس پلیدکاری وپرهیزکاری اش رابه آن الهام کرد،

۹- که هرکس آن را پاک گردانید،قطعا رستگارشد،

۱۰- وهرکه آلوده اش ساخت،قطعا درباخت.

۱۱- (قوم) ثمودبه سبب طغیان خودبه تکذیب پرداختند.

۱۲- آنگاه که شقی ترینشان بر-پا-خاست.

۱۳- پس فرستاده خدابه آنان گفت: " زنهار! ماده شترخدا و

-نوبت-آب خوردنش را-حرمت نهید-"

۱۴- و-لی-دروغزنش خواندندوآن-ماده شتر-راپی کردند،وپروردگارشان

به-سزای-گناهشان برسرشان عذاب آورد وآنان رابا

خاک یکسان کرد.

۱۵- وازپیامدکارخویش بیمی به خود راه نداد.

لیل (شب)

۱- بنام خداوند بخشنده مهربان

سوگندبه شب چون پرده افکند،

۲- سوگندبه روزچون جلوه گری آغازد،

۳- و-سوگندبه-آنکه نروماده راآفرید،

۴- که همانا تلاش شما پراکنده است.

۵- اما آنکه-حق خدارا-داد وپروا داشت،

۶- و-پاداش- نیکوتررا تصدیق کرد.

۷- بزودی راه آسانی پیش پای اوخواهیم گذاشت.

۸- واما آنکه بخل ورزید وخودرا بی نیازدید،

۹- و-پاداش-نیکوتر را به دروغ گرفت.

۱۰- بزودی راه دشواری به اوخواهیم نمود.

۱۱- وچون هلاک شد-دیگر-مال اوبه کارش نمی آید.

۱۲- همانا هدایت برماست.

۱۳- ودرحقیقت دنیا وآخرت ازآن ماست.

۱۴- پس شمارا به آتشی که زبانه می کشد هشداردادم.

۱۵- جزنگون بخت تر-ین مردم- درآن درنیاید،

۱۶- همان که تکذیب کرد ورخ برتافت.

۱۷- وپاک رفتارتر-ین مردم-از آن دور داشته خواهدشد،

۱۸- همان که مال خودرا می دهد-برای آنکه-پاک شود،

۱۹- وهیچ کس رابه قصد پاداش یافتن نعمت نمی بخشد،

۲۰- جزخواستن رضای پروردگارش که بسی برتراست-منظوری ندارد-.

۲۱- وقطعا بزودی خشنود خواهدشد.

ضحی (روشنایی روز)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سوگندبه روشنایی روز

۲- سوگندبه شب چون آرام گیرد.

۳- (که) پروردگارت تورا وانگذاشته ودشمن نداشته است.

۴- وقطعا آخرت برای توازدنیا نیکوترخواهد بود،

۵- وبزدوی پروردگارت تورا عطا خواهدداد،تاخرسند گردی.

۶- مگرنه تورا یتیم یافت ،پس پناه داد؟

۷- وتو را سرگشته یافت،پس هدایت کرد؟

۸- وتورا تنگدست یافت وبی نیازگردانید؟

۹- واما-تونیزبه پاس نعمت ما-یتیم را میازار،

۱۰- وگدا را مران.

۱۱- وازنعمت پروردگارخویش -بامردم- سخن گوی.

انشراح (گشایش)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

آیابرای توسینه ات رانگشاده ایم؟

۲- وبارگرانت را از-دوش-توبرنداشتیم؟

۳- (باری)که- گویی-پشت توراشکست،

۴- ونامت رابرای توبلندگردانیدیم،

۵- پس-بدان که- با دشواری ،آسانی است.

۶- آری،بادشواری ،آسانی است.

۷- پس چون فراغت یافتی،به طاعت درکوش،

۸- وبا اشتیاق ،به سوی پروردگارت روی آور.

تین (انجیر)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سوگندبه-کوه- تین وزیتون،

۲- وطورسینا.

۳- واین شهر امن -وامان-

۴- (که) براستی انسان رادرنیکوترین اعتدال آفریدیم.

۵- سپس اورا به پست ترین-مراتب-پستی بازگردانیدیم.

۶- مگرکسانی راکه گرویده وکارهای شایسته کرده اند،که پاداشی بی منّت خواهندداشت.

۷- پس چه چیز،تورابعد-ازاین-به تکذیب جزا وامی دارد؟

۸- آیا خدا نیکوترین داوران نیست؟

علق (خون بسته)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

بخوان به نام پروردگارت که آفرید.

۲- انسان را ازعلق آفرید.

۳- بخوان،وپروردگارتوکریم ترین -کریمان-است.

۴- همان کس که به وسیله قلم آموخت.

۵- آنچه راکه انسان نمی دانست-بتدریج به او-آموخت.

۶- حقا که انسان سرکشی می کند.

۷- همین که خودرا بی نیاز پندارد.

۸- درحقیقت، بازگشت به سوی پروردگار توست.

۹- آیا دیدی آن کس راکه بازمی داشت،

۱۰- بنده ای را آنگاه که نمازمی گزارد؟

۱۱- چه پنداری اگراوبرهدایت باشد،

۱۲- یابه پرهیزکاری وادارد،-برای اوبهترنیست-؟

۱۳- (وباز) آیاچه پنداری-که- اگراوبه تکذیب پردازد وروی برگرداند-چه کیفری درپیش دارد-؟

۱۴- مگرندانسته که خدامی بیند؟

۱۵- زنهار،اگربازنایستد،موی پیشانی-او-راسخت بگیریم،

۱۶- (همان) موی پیشانی دروغزن گناه پیشه را،

۱۷- (بگو) تاگروه خودرا بخواند،

۱۸- بزودی آتش بانان رافراخوانیم.

۱۹- زنهار،فرمانش مبر، وسجده کن وخودرا-به خدا-نزدیک گردان.

((سجده واجب))

قدر (اندازه)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

ما-قرآن را-درشب قدرنازل کردیم.

۲- وازشب قدر، چه آگاهت کرد،

۳- شب قدر ازهزارماه ارجمندتراست.

۴- درآن -شب-فرشتگان باروح ،به فرمان پروردگارشان ،برای هرکاری -که مقرّرشده است-فرودآیند.

۵- (آن شب) تادم صبح ،صلح وسلام است.

بیّنه (دلیل روشن)

۱- بنام خداوند بخشنده مهربان

کافران اهل کتاب ومشرکان،دست بردارنبودندتادلیلی آشکار

برایشان آید.

۲- فرستاده ای ازجانب خداکه-برآنان-صحیفه هایی پاک راتلاوت کند،

۳- که درآنها نوشته های استواراست.

۴- واهل کتاب دستخوش پراکندگی نشدند،مگرپس ازآنکه برهان

آشکاربرای آنان آمد.

۵- وفرمان نیافته بودندجزاینکه خدارابپرستند،ودرحالی که به توحیدگراییده

اند،دین-خود-رابرای اوخالص گردانند،ونماز برپادارند

وزکات بدهند،،ودین-ثابت و-پایدارهمین است.

۶- کسانی ازاهل کتاب که کفرورزیده اندو-نیز-مشرکان درآتش

دوزخند،-و-درآن همواره می مانند،ایناننددکه بدترین آفریدگانند.

۷- درحقیقت کسانی که گرویده وکارهای شاییته کرده اند ،آنانند که بهترین آفریدگانند.

۸- پاداش آنان نزدپروردگارشان باغهای همیشگی است که از زیرآن نهرها روان است،جاودانه درآن-همی-مانند،خدااز آنان خشنوداست و-آنان نیز-ازاوخشنود، این-پاداش-برای کسی است که ازپروردگارش بترسد.

زلزال (زلزله)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

آنگاه که زمین به لرزش-شدید-خودلرزانیده شود،

۲- وزمین بارهای سنگین خودرابرون افکند،

۳- وانسان گوید: " -زمین-را چه شده است؟"

۴- آن روزاست که-زمین- خبرهای خودرابازگوید،

۵- (همان گونه) که پروردگارت بدان وحی کرده است.

۶- آن روز،مردم-به حال-پراکنده برآیندتا-نتیجه-کارهایشان به آنان نشان داده شود.

۷- پس هرکه هموزن ذرّه ای نیکی کند-نتیجه-آن راخواهد دید.

۸- وهرکه هموزن ذرّه ای بدی کند-نتیجه- آن را خواهد دید.

عادیات (دوندگان)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سوگندبه مادیانهایی که با همهمه تازانندوباسم-های- خودازسنگ آتش می جهانند،

۲- وبرق-ازسنگ- همی جهانند.

۳- وصبحگاهان هجوم آرند.

۴- وبا آن-یورش- ،گردی برانگیزند،

۵- وبدان-هجوم- ،در دل گروهی درآیند،

۶- که انسان نسبت به پروردگارش سخت ناسپاس است،

۷- واوخودبراین-امر-نیک گواه است.

۸- وراستی اوسخت شیفته مال است.

۹- مگرنمی داندکه چون آنچه درگورهاست بیرون ریخته گردد،

۱۰- وآنچه درسینه هاست فاش شود،

۱۱- درچنان روزی پروردگارشان به-حال- ایشان نیک آگاه است.

قارعه   (كوبنده)

۱ـ بنام خداوندبخشنده مهربان

كوبنده

۲ـ چبست كوبنده؟

۳ـ وتوچه دانی كه چيست كوبنده؟

۴ـ روزی كه مردم چون پروانه-های- پراكنده گردند،

۵ـ وكوهها مانندپشم زده شده رنگين شود.

۶ـ اماهركه سنجيده هايش سنگين برآيد،

۷ـ پس وی درزندگی خوشی خواهدبود،

۸ـ واماهركه سنجيده هايش سبک برآيد،

۹ـ پس جايش " هاويه" باشد.

۱۰ـ وتوچه دانی كه آن چيست؟

۱۱ـ آتشی است سوزنده.

تکاثر (افتخاربه زیادی ثروت)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

تفاخربه بیشترداشتن ،شمارا غافل داشت.

۲- تاکارتان-وپایتان- به گورستان رسید.

۳- نه چنین است،زوداکه بدانید،

۴- بازهم نه چنین است،زوداکه بدانید.

۵- هرگزچنین نیست،اگرعلم الیقین داشتید،

۶- به یقین دوزخ را می بینید.

۷- سپس آن راقطعا به عین الیقین درمی یابید.

۸- سپس درهمان روز است که ازنعمت-روی زمین-پرسیده خواهیدشد.

عصر (روزگار)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

سوگندبه عصر-غلبه حق برباطل-

۲- که واقعا انسان دستخوش زیان است.

۳- مگرکسانی که گرویده وکارهای شایسته کرده وهمدیگررا

به حق سفارش وبه شکیبایی توصیه کرده اند.

همزه (عیب جو)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

وای برهربدگوی عیبجویی،

۲- که مالی گردآورد وبرشمردش،

۳- پنداردکه مالش اوراجاوید کرده،

۴- ولی نه قطعا درآتش خردکننده فروافکنده خواهدشد.

۵- وتوچه دانی که آن آتش خردکننده چیست؟

۶- آتش افروخته خدا-یی-است.

۷- (آتشی) که به دلها میرسد.

۸- آنان رادرمیان فرامی گیرد.

۹- (آتشی که) درستونهایی درازاست.

فیل

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

مگرندیدی پروردگارت بافیلداران چه کرد؟

۲- آیا نیرنگشان رابربادنداد؟

۳- وبرسرآنها ،دسته دسته پرندگانی " ابابیل" فرستاد.

۴- (که) برآنان سنگهایی ازگل -سخت- می افکندند.

۵- و-سرانجام خدا-آنان رامانند کاه جویده شده گردانید.

قریش

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

برای الفت دادن قریش،

۲- الفتشان هنگام کوچ زمستان وتابستان-خدافیلداران رانابودکرد-

۳- پس باید خداوند این خانه راپپرستند.

۴- همان -خدایی- که درگرسنگی غذایشان دادوازبیم -دشمن-

آسوده خاطرشان کرد.

ماعون (ظرف غذا)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

آیاکسی راکه-روز-جزا را دروغ می خواند،دیدی؟

۲- این همان کس است که یتیم رابسختی می راند،

۳- وبه خوراک دادن بینوا ترغیب نمی کند،

۴- پس وای برنمازگزاران،

۵- که ازنمازشان غافلند،

۶- آنان که ریا می کنند،

۷- واز-دادن- زکات -و وسایل ومایحتاج خانه- خودداری می ورزند.

کوثر (خیرفراوان)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

ماتورا -چشمه-کوثر دادیم.

۲- پس برای پروردگارت نمازگزار وقربانی کن.

۳- دشمنت خود بی تبار خواهدبود.

کافرون (کافران)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

بگو: " ای کافران،

۲- آنچه می پرستید،نمی پرستم،

۳- وآنچه می پرستم شما نمی پرستید،

۴- ونه آنچه پرستیدید من می پرستم.

۵- ونه آنچه می پرستم شما می پرستید،

۶- دین شما برای خودتان ،ودین من برای خودم."

نصر (یاری)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

چون یاری خدا وپیروزی فرارسد،

۲- وببینی که مردم دسته دسته دردین خدا درآیند،

۳- پس به ستایش پروردگارت نیایشگرباش وازاو آمرزش خواه

که وی همواره توبه پذیراست.

مسد (لیف خرما)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

بریده باد دو دست ابولهب ،ومرگ براوباد.

۲- دارایی او وآنچه اندوخت ،سودش نکرد.

۳- بزودی درآتشی پرزبانه درآید،

۴- وزنش ،آن هیمه کش-آتش افروز-.

۵- برگردنش طنابی ازلیف خرماست.

اخلاص (خالص کردن)

۱- بنام خداوند بخشنده مهربان

بگو: " اوست خدای یگانه،

۲- خدای صمد -ثابت-متعالی-،

۳- (کسی را) نزاده وزاده نشده است،

۴- وهیچ کس اورا همتا نیست.

فلق (سپیده صبح)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

بگو: " پناه میبرم به پروردگار سپیده دم،

۲- ازشرّ آنچه آفریده ،

۳- وازشرّ تاریکی چون فراگیرد،

۴- وازشرّ دمندگان افسون در گره ها.

۵- وازشرّ -هر- حسود، آنگاه که حسد ورزد. "

ناس (مردم)

۱- بنام خداوندبخشنده مهربان

بگو : " پناه میبرم به پروردگارمردم،

۲- پادشاه مردم،

۳- معبود مردم،

۴- ازشرّ وسوسه گر نهانی،

۵- آن کس که درسینه های مردم وسوسه می کند،

۶- چه از جن و-چه از- انس. "

کسب سود مادی از این اثر جایز نمیباشد.

ح.ک.مقدم